مجموعه مکاتیب حضرت عبدالبهاء

۸۷

این مجموعه با اجازه محفل مقدس روحانی ملی ایران
شید الله ارکانه بتعداد محدود بمنظور حفظ تکثیر
شده است ولی از انتشارات مصوبه امری نمیباشد
شهرالمسائل ۱۳۳ بدیع

BP
320
.M35
v.87

Provided by the Afnan Library

Provided by the Afnan Library

هو

کتاب استنساخ الواح مبارک مرکز میثاق حضرت عبدالبهآء ارواح من فی الوجود لرمسه الاطهر فداکه باوامر مطاعه ولی امرالله حضرت شوقی ربانی ارواح العالمین له الفدا ازروی اصل نسخه موجوده در شیراز که بنظر اعضاء محفل مقدس روحانی رسیده وتدقیق کامل نموده اند نوشته شده تاریخ اول شهر الملک یوم البهآء سنه ۸۲ بیست وسوم رجب ۱۳۴۴ بمیجدهم دلو سنه ۱۳۰۴

هو الله

شیراز بواسطه جناب حاجی محمد کریم جناب آقا میرزا آقای طبیب علیه بهآء الله

الحمدلله الذی ولع لسان الوجود بمحامده والنعوت والطق السن الکائنات بالثنآء علیه فی خیر الملکوت وتجلی بشؤن اللاهوت فی عالم الناسوت فاقتبست افئدة العارفین انوار العرفان من مطلع النور المبین وذلت الاعناق وخضعت الرقاب وعنت الوجوه وخشعت الاصوات بجماله المجلله نور الجلال فحجرت الابصار عن مشاهدة ذلک الوجه المنیر وابدع تحیة وثنآء وتکبیر وبهآء تهدی الی کوکب الاسرار والسر البارع فی افق الانوار مصباح الملاء الاعلی والکلمة العلیا والحقیقة الساطعة فی الابهی النقطة الاولی والسدرة المنتهی والمسجد الاقصی وعلی الذین اتبعوا اشاراته المستمرة فی الایات

بظهور

خطاب به جناب طبیب و دو مبارک دیگر

بظهور الاسم الاعظم والهیکل المکرم و شمس القدم من مطلع العالم اشراقه علی افاق القبائل
والامم الی ابد الاباد یا من اتاه الله الحکمة والبیان در این عصر و اوان که حضرت
یزدان بصفت رحمانیت تجلی بر کیهان نموده و قلوب را بفیض عرفان مستبان فرموده
آثار فضل وجود بعالم وجود احاطه نموده پس اهل سجود باید قدر این فضل مشهود را
بدانند و بشکرانه الطاف رب ودود چنان شور و ولهی در عالم وجود اندازند
که شرق و غرب بجذب و طرب آید و جنوب و شمال بنور جمال منور گردد
زیرا موهبت عظمی و حقیقت وفا و عبودیت آستان کبریا مانند اکلیل جلیل در
اوج سما موجود و مهیا تا چه سری لایق این افسر گردد و چه قامتی سزاوار این خلعت
شود و چه زجاجی موقد این سراج شود و چه افقی مطلع این کوکب وهاج گردد
پس ای یار روحانی بجان بکوش تا پرتو نور مبین بر رخ افتد و بمثابت این فیض قدیم
فرخ شود و قوه جاذبه این موهبت انقطاع و انجذاب است و روح و ریحان خضوع
و خشوع است و محویت و فنا تبلیغ امر الله است و نشر نفحات الله و اعلاء کلمة الله

و علیک التحیة والثناء ع ع

(هوالله)

شیراز جناب میرزا آقای طبیب علیه بهاء الله

(هوالله)

یا طبیبی یا حبیبی قد حزنت لحزنک الشدید وحزنت علیک تحنن الطیر الغریب الی الالف
السعید واجبت ان اعزیک فی هذه البلاء الجدید والخطب الجسیم والمأتم العظیم
وقد اضطرمت نار الحسرات واحاطت السکرات ونزلت العبرات من وقعة الایم
فلا تتبئس ان ربک قد هدی ذلک الطیر الی سره الجلیل ووکره الرفیع فی فردوسه البدیع
والف طیور القدس الصادحة فی حدیقة الانس علی لحن الحبیب فستمع له اهل الجنان
وارتفع منهم التسبیح بالتهلیل والتکبیر علی الرب الجلیل وعلیک التحیة والثناء ع ع

شیراز هوالله

بواسطه جناب حاج میرزا حسن وجناب حاج محمد کریم جناب آقا میرزا آقای طبیب مناجات طلب مغفرت
بجهت من فاز بملکوت الابهی آقا میرزا جلال علیه بهاء الله

(هوالله)

رب یا ذا المغفرة العظمی والموهبة الکبری تغفر لمن تشاء وتعفو عمن تشاء وتبدل

السیئات بانجذبات لمن تشآء الهی الهی اتشبث باهداب رداء کبریائک
والوذ بباب رحمتک وعلائک وامرغ جبینی علی التراب تذللا الی عزتک وجلالک
وانا جیک ان تغفر لعبدک الذی غلبت علیه اسرارک وتمکنت له الاستار وکشفت
عنه الحجاب ورفعت له النقاب ورزقته لقآءک وجعلک عند الایاب الی دار الصواب
رب انه طیر خافض الجناح طیره الی اوج الفلاح واجعله کنور الصباح یلوح من
افق الجناح فی ملکوت الارواح حیث انقذته من ظلام الاشباح وقدرت
له کل خیر خصصت به الاصفیآء فی الملاء الاعلی وملکوتک الابهی انک انت
المقتدر الغافر العفو اللطیف الکریم الحنون المتعال ع ع

جناب اقا میرزا اقای حکیم وجناب اقا میرزا علآء الدین علیهما بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای دو فرقدان افق محبت الله حمد خدا را که آن دو برادر مانند دو پیکر یعنی جوزا
از افق مدی لامعند ودر انجمن احبا دو سراج ساطع اخوت روحانی
وجسمانی هردو موجود والفت صوری ومعنوی هردو مشهود واین از اعظم الطاف
حضرت مقصود کنون باید که آئینه استعداد را بجلی نمود تمام آنا فانا انوار شمس حقیقت

پشتر تبا بد و علیکما البهآء الابهی غ غ

شیراز جناب آقا میرزا آقای طبیب علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای یار روحانی نامه شما رسید از عدم فرصت بنهایت اختصار جواب مرقوم میگردد
نامه نافه مشک بود معطر و معنبر بود رائحه محو و فنا در سبیل جمال ابهی از ان منتشر
بود بقول شاعر پرده چه باشد میان عاشق و معشوق ستد سکندر نه مانع است و
نه حائل قوهٔ محبت الله قلب را چون آینه صاف و براق و از هر رنگی ممتاز و آزاد نماید
لهذا اجمال و کمال یاران از دو طرف در آن انطباع یابد و اتم العلامتین لبلوغ العالم
حال بیانش باید مبرهن باشد حکمت چنین اقتضا میکند از روح و ریحان اجتماعی آن شما
و تشکیل محافل انس بسیار سرور حصول گشت بجناب اخوی میرزا علا الدین تحیت ابدع
ابهی برسان طلب غفران و عفو گناهان از برای والدین آن یار مهربان گردید بوالدهٔ فرزندان
امة الله المهیمن القیوم و آقا میرزا مصطفی و میرزا بهاء بانهایت اشتیاق تحیت ابدع
ابهی برسان و علیک البهآء الابهی ۲۸ ج ۱ ۱۳۳۸ عبد البهآء عباس

این لوح از روی اصل نسخه که بمهر مبارک حضرت عبد البهاء ارواح العالمین فداه مزین بود نوشته شد

هو الله

ایبنده بها در خبراست که در یوم رستخیز زمین بیکدیگر نزدیک گردد آما
ندانستند که صنایع بدیعه شرق و غربرا همدم نماید و اکتشافات جدیده جنوب
و شمالرا همراز کند گمان نمودند که بواسطه عصر و حصر اراضی نزدیک بیکدیگر گردند و حال
انکه از آن چه ثمر بلکه ضرر در انیست که اقالیم شرق و غرب در نفسی از یکدیگر خبر
گیرند و در یک محفل نشینند و مشورت و مصاحبت نمایند حال این قربیت
محصور در اقالیم ارضیه نه بلکه امکان نزدیک لامکان شده و مرکز ادنی قریب
ملاء اعلی گشته اتصالات بین عالم خاک و جهان پاک حاصل شده یکسریم در
مرکز صدور مرکوز و سر دیگر در ملکوت رب غفور و برق الهام واسطه کلام و قوهٔ
جاذبهٔ محبت الله کاشف اسرار جهدی فرما که صدور مرکز الهام گردد و قلوب جولانگاه

قوهٔ جاذبهٔ آسمان و علیک التحیة والثناء ع ع

۷ ج ۱ / ۱۳۲۸ بواسطهٔ جناب بشیر آلهی جناب آقا سید محمد رضای بوانانی علیه بهاء الله

(هوالله)

رب و رجائی و غایة املی و منائی قدس الفضل عبدک الخاضع الی جبروت

الجلال المنجذب الی ملکوت الجمال المتوقد بنار محبتک المنشرح الصدر
بایات معرفتک رب اکشف النعمه واسبغ النعمه واکمل الرحمه وتمم المنحه
وانقذه من المحنه رب لا کاشف لها الا انت ولا مجیر لعبدک الا انت ولا
غدیر له الا انت ولا سمیر له الا انت یا ملجأ المضطرین ویا ملاذ المبتهلین قدر
له کل خیر فی ملکوت الاسرار واحشره مع الابرار واحفظه من طوارق اللیل
وجوارح النهار لا اله الا انت العزیز الجبار وعلیک البهاء الابهی ع ع

بواسطهٔ جناب بشیر الهی

شیراز جناب میرزا جلال زرقانی و آقا محمد صادق خبّاز علیهما بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای دو بندهٔ آستان جمال مبارک مکتوب مختصر شما بغایت مفصل بود این ایجاز
اعجاز بود واین اختصار مفید تر از اطناب واسهاب زیرا مضمون دلیل جلیل بر
استقامت بر امر الله بود والیوم استقامت عین کرامت بلکه اعظم معجزه در
عالم بشریت درخصوص حضور بیقعهٔ نور مرقوم نموده بودید این ایام مخدورات
متعدده موجود لهذا مرهون بوقت دیگر نمائید واگر چنانچه منشر نور مبین پردازید عین

آنرا

Provided by the Afnan Library

تشرف بآستان مقدس است واجر طائفین درحق شما مقرر جمیع یاران الهی
را فرداً فرداً بکمال اشتیاق عبدالبهاء ابلاغ نمائید وعلیکما التحیة والثنآء ع ع

تمام شد

هو

رب وفق هولآء المنفقین علی کل خیر فی الملک والملکوت بما انفقوا اموالهم فی مرضاتک
اول مشرق الاذکار فی قطب الدیار وبذلوا ما اعطیتهم فی بناء بیتک المعمور سبحی مشکور
ولهم الجزآء الموفور یا مؤید کل عبد شکور رب وعدت عبادک فی کل حسنة عشرة
امثالها فقدر لهولآء اضعاف امثالها العشره واجعل البرکة تحیط بهم من کل الجهات
یارب الایات انک انت المعطی الغفار الوهاب انک انت الکریم الرحیم وقد سبقت
منک الکلمات فی حق کل من قام علی نصرة امرک من اهل الارض والسموات
یارب الخیرات وقابل الحسنات والمبرات

تمام شد

هو الله

ای خبّاز پرنیاز حضرت روح بحواریین میفرماید انا خبز الذی نزل من السمآء من
اکل من هذا الخبز لن یموت ابدا میفرماید حقیقت عیسویه مائده سمائیه است
واز آن مائده سمائیه هر نفسی بهره گیرد بحیات باقیه فائز شود وهمچنین شئون رحمانیه

Provided by the Afnan Library

که از آن مظهر فیوضات ربانیه ظاهر شد آن شئون نیز مائده سمائیه حضرت بیچون است
پس تو خبا از الهی باش و سبب حصول و وصول و نزول این مائده سمائیه گردو ع

(هو الله)

ای یاران رحمانی این زندانی جناب آقا محمد صادق علیه بهاء الله الابهی بارض مقدس
وارد و بآستان مقدس ساجد گردید فی الحقیقه شمعی بارق و نوری مشرق بنت الله رخی شارق
دارند در اوقات انس و الفت روحانی ذکر احبای رحمانی نمودند که الحمد لله یاران
فارس فارس میدان عرفانند و حارس حصن حصین رحمان توجه بملکوت ابهی
کنند و تضرع بآستانه حضرت کبریا نمایند منجذبند و ناطق مشتعلند و بارق
و موانسند و موافق محفل توحید بیارایند و شمع تجرید برافروزند و آیات تقدیس
ترتیل نمایند و بذکر مدیع مشغول شوند هر یکی گلشن الهیرا گلی معطر و بوستان رحمانیرا
شکوفه ئی معنبر و حدائق قدس را بلبلی گویا و سبزه زار خضرا را تعبیر رویا شب
و روز بهدایت خلق کوشند و بیان حجج و براهین الهی نمایند و بگفتار و رفتار
سبب تنبه خلق گردند آیات توحید بخوانند و رایات تجرید بر افرازند از این اوصاف و نعوت
فرح و سرور حاصل گردید ما را نیز امید چنین است و آرزو و اعظم از این و یقین است

لهو الله

که موطن آن نور مبین بهمت دوستان الهی غبطهٔ فردوس برین
گردد یاران الهی هریک بقوهٔ روحانی مؤید و بر تو شمس حقیقت فائز و آئینه چون
صفا باید اشعهٔ ساطعه جلوه نماید لهذا از الطاف دلبر آفاق منتظریم که آن خطه و
دیار را مشکبار فرماید و آن اقلیم را روضهٔ نعیم نماید شیراز پر آوازه گردد و ندای الهی
بلند شود و یاران الهی ساز و آوازی دمساز شوند که جمیع اصوات خاشع گردد
و هر خوضائی ساکت و صامت شود تا مصداق شعر ادیب شیراز شود ولوله
در شهر نیست جز شکن زلف یار فتنه در آفاق نیست جز خم ابروی دوست
یاری عبد البهاء بیاد یاران در نهایت روح و ریحان و بدل و جان جویای روی دوستان
دمی نگذرد مگر انکه تضرع و زاری نمایم و عجز و بیقراری کنم و بکمال تبتل طلب تائید نامتناهی
نمایم البته یاران نیز با این زندانی در عجز و زاری همدم و قرینند و جانفشان
در سبیل نور مبین و علیکم البهاء الابهی یا الهی و محبوبی و مقصودی و مطلوبی ترانی متاجیاً
فی الایام و اللیالی و متضرعاً الیک بقلبی و لسانی و متبتلاً الی ملکوتک بروح منجذب
الی ملکوتک الرحمانی ان تؤید الذین سمعوا النداء و لبوا الدعاء و انجذبوا الی ملکوتک
الاعلی و اشتعلوا بالنار الموقدة فی سدرة سینا و وجهوا وجوههم الیک بین

الوری و رتلوا ایات الهدی بین ملاء الانشاء و نطقوا بالثناء و رفعوا رایت التقوی
و سرعوا الی مشهد الفداء بقلوب خافقة بالحب و الولاء و قاموا الحج و البرهان بین
خلقک علی اثبات امرک بقوت ارتعدت به فرائص اولی النهی رب اجعل مولاء
مصابیح الدجی و مفاتیح ابواب السماء و رایات الکلمة العلیا و ایات الکتاب المبین
فی زبر الاولین و صحف الاخرین حتی یتوکلوا علیک و یسرعوا الیک و یتمنوا الشهادة
بین یدیک انک انت الکریم انک انت العظیم و انک انت الرحمن الرحیم ع ع ع

بواسطه جناب آقا میرزا محمد صادق زائر شیراز احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی
جناب غدلیب جناب آقا سید محمد حسین جناب حاجی میرزا بزرگ جناب حاجی میرزا حبیب الله
جناب حاجی میرزا ضیاء الله جناب آقا میرزا لطف الله مستوفی جناب سلطان محمد خان جناب آقا میرزا جلال
خیاط جناب محمد تقی خان جناب آقا میرزا غلامرضا جناب میرزا سیف الله جناب میرزا محمد جعفر خان
جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب آقا علی آقای اسانه دار جناب آقا محمد باقر نقاش جناب
آقا میرزا حبیب حکاک جناب میرزا عبد الحسین ثابت جناب آقا میرزا محمد جناب آقا میرزا محمد رضا
جناب آقا میرزا محمود عطار جناب آقا میرزا علیخان جناب آقا میرزا ابهائی جناب شاهزاده محبعلی میرزا
جناب شاهزاده غلامحسین میرزا جناب حاجی محمد رضا جناب آقا میرزا شکرالله جناب آقا میرزا سلیمان

جناب

جناب میرزا عبد الحسین خان جناب ناظم دفتر جناب آقا میرزا علیرضا خان جناب آقا میرزا نادعلی
جناب علیمحمد بیگ جناب حاجی اسد الله بیگ جناب آقا میرزا ابوالحسن جناب آقا میرزا بابا
جناب آقا محمد اسماعیل جناب میرزا مسیح الله جناب آقا شیخ آقا جناب آقا میرزا حسن جناب
آقا ملا محمد رضا جناب آقا محمد حسن جناب آقا علی آقا جناب آقا میرزا یحیی خان جناب آقا میرزا علی محمد خان

علیهم بهاء الله الابهی

هوالله ش جناب میرزا محمد صادق علیه بهاء الله الاجی ملاحظه نماید

(هوالله)

ای متقبس انوار هدی در این قرن عظیم خداوند کریم تمسک بعهد قدیم جوو تشبث بذیل
رب رحیم کن ودر امر الله خدمتی ودر نشر آثار الله همتی نما این ایام پر احزان بپایان رسد
واین انفاس معدوده منتهی گردد بجان جویای حیات باقیهٔ ابدیه باش وبدل امید لطف
حضرت مجید داشته باش لطف او عمیم است وفضل او عظیم عنایت او بنهایت
است وموهبت او اساس هدایت باستعداد واستحقاق خویش نظر منما بلکه بفیض
وفضل رب ودود نگر بر عهد وپیمان ثابت ومتین وزرین ورصین باش ع ع

بواسطهٔ جناب آقا میرزا محمود زرقانی

مکاتیب حضرت عبدالبهاء ج ۱ ص ۱۲

شیراز جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب آقا میرزا یوسف نقاش جناب آقا میرزا عبدالحسین وجناب آقا میرزا محمد صادق علیهم بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای یاران عبدالبهاء الان در محفل احبا و انجمن اصفیا حضرت حیدر قبل علی حاضر و ذکر شما گذشت از قرار معلوم از متولی باشی شاه چراغ نهایت اذیت و جفا دیده اید و محنت بمنتها کشیده اید سبحان الله شاه چراغ روشن است ولی متولی بسیار تاریک و مظلم این نادان با وجودیکه پای چراغست عجیب است که در چنین ظلمتی حالک بالکت عجب ندارد و همواره چنین بوده است که خادمان محلات محترمه معاندان بوده اند از جمله در ضریح حضرت رسول علیه الصلوة والسلام الآن نفوسی خادمند که شریرترین مخلوقند در چند سال قبل حجاج ایرانیان ریختند جمعیرا زدند و بستند و غارت نمودند حتی شش نفرا کشتند و این ظلم و عدوان بسبب این بود که طمعی در مال این بیچارگان داشتند مقصود این است که شما دلگیر نشوید اینها متولی نیستند متعدی هستند از اهل تولی نیستند از اهل تعنت و بغضا هستند علی الخصوص که معهود هر شهر موجود نیز موسوم است باری اگر آن ستمکار جفا آشکار نمود شما وفا نمایید و اگر او تعدی کرد شما تولی جوئید

الس

Provided by the Afnan Library

آتش آن خصومت را بما، محبت خاموش نمایند و آن تیغ تیز را صبر و تحمل سپر کنید
تا توانید مهربانی کنید و رحمانی طلبید و منتهای رعایت و غایت محبری دارید
و علیکم التحیة والثنا، ع ع متابعه شد
شیراز بواسطهٔ امة الله ورقهٔ رحمانیه والدهٔ آقا میرزا هادی حرم جناب آقا محمد صادق خبار علیه التحیة والثنا،

(هو الله)

یا امة الله نهایت ستایش از ایمان و ایقان و وله و انجذاب تو نمودند لازم گشت
بلکه واجب شد که تو نامه نویسم و تشویق بر تزئید منغناطیس نمایم امروز سبب سرور
قلب و تسلی خاطر مژدهٔ انجذاب و اشتغال نفسی که بگوش انتظار رسید زیرا شب و روز
در نهایت انتظارم که از کجا آهنگ خوشی برآید و نفحهٔ معطری بوزد و باری ای امة الله
نظر بضعف و ناتوانی نما بلکه در این میدان بقوهٔ محبت الله جولان نما و سبب شور
و شوق در شیراز آن انجمن شو که راز گردد تا امام رحمان را بجذب و وله آری و محافل را فخر
مجامع رجال کنی این موهبت اسم اعظم روحی لاحبائه الفداء را از برای هر یک از امام
رحمان آرزو مینمایم والله یحقق رجته من یشاء والله ذو فضل عظیم و علیک
التحیة والثنا، ع ع متابعه شد

نسخهٔ کاتب و مهر مبارک است

(هوالله)

ش ش جناب شاعر ناظم آقا عبدالرحمن علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نماید

هوالابهی

ای ناطق ثنای محبی عالم ای خوشا قریحه طبیعی که زلال محامد حق و سلسال ستایش وثنای حق ازان چون چشمهٔ حیوان جریان نماید انچو شاز بانیکه بحمد و شکر جمال قدم نغمات منظوم و منثور و بر شاخسار احدیت بسرایدای فرخنده گوش که آن الحان را میزان مقامات وآهنگ مزامیر آل داود استماع نماید قصیدهٔ بدیعه که در بلاغت و فصاحت چون دراری ولآلی مکنونه مخزونه بود به کمال روح و ریحان قرائت شد و بوفور سرور تلاوت گردید از عنایات مخصوصهٔ ملکوت ابهی امیدوارم که آثار تحسین این ستایش را از افق اعلی مشاهده نمائی و بعهد پیمان ثابت و محکم مانی ع ع

(هوالله)

ورقهٔ طیبهٔ امة الله زهرا بی بی را از قبل این طیر هجران تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید

هوالابهی

ش ش جناب عبدالرحمن علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نماید

هو الله

ای ناظر منظر اکبر در این ساعت که جمعی در انجمن از یگانه و محرم حاضر و انیعبد در محاورهٔ
و مکالمه مشغول و ناطق خامه برداشته که بنامه نگاشتن بآن عاشق جمال ذوالمنن پردازم
چون قلم گرفتم دریای محبت والفت چنان موجی بر ساحل دل زد که زشحاش
موجی از مداد شد و بر این صفحه بجوم چون فوجی برآورد ملاحظه فرما که این اثر مداد
اصلش روحی جذابست که از فم روح القدس محبت الله دمیده و عاقبت
در جمیع مراتب جلوه نموده بهیئت حروفات در این ورقه جلوه گر گشته والبهآء
علیک وعلی کل ثابت علی عهد الله ومیثاقه فی هذا الکور العظیم ع ع

شیراز از ضلع جناب آقا میرزا محمد صادق زائر وجیهٔ محترمه شان

(هو الله)

ای ورقهٔ جلیله پرتو شمس حقیقت شامل است وفیوضات جمال مبارک
متواصل لهذا بنهایت اطمینان تضرع بملکوت ابهی کن وطلب شمول آن فیوضات نما
وعلیک البهآء الابهی ع ع

هو الابهی

ای خادم درگاه محبوب آفاق چندی بود که پاسبان آستان الهی بودی و در
درگاه احدیت بخدمت بکمال همت کوشیدی و باین موهبت عظمی که منتهی آمال
اصفیاست فائز گشتی حال نیز باذن و اجازهٔ بندهٔ حق بسوی ایران عازم شو
خدا شاهد و گواه است و عبد واقف و آگاه که بفرائض عبودیت قیام نمودی
و در خدمت عزیز علام کمر همت بستی شکر کن خدا را که در ایام الهی مبعوث شدی بچنین
فیض نامتناهی رسیدی اولیا، انشاء الله مرا فراموش ننمائید و اصفیا بنهایت آمال و آرزو خواهند ع ع

هو الله

ای مظهر لسان صدق علیا علیک فیوضات بهاء الله فی مبدئک و مثواک در
جمیع احوال توجه بمنظر اعلی مشرق الهی کن و در هر امری استمداد و استنصار از ید غیبی
ان عالم الهی کن اگر جنود قوت و قدرت الهیه تائید نماید جمیع فرق و دول و ملل عالم
چند ما سنا لک فهزوم من الاحزاب واضح و مشهود گردد والا وان یخذلکم من
ذاالذی ینصرکم من بعده ظاهر و لائح شود پس همت نما که مؤید گردی و موفق شوی و البهاء

علیک ع ع

هو الله

هو الابهی

الهی الهی انی عبد آمنت بک وبایاتک واقبلت الی وجه جمالک الاعلی وخلصت
وجهی للملکوت الابهی وتشبثت بالعروة الوثقی وتمسکت بذیل ردآء الکبریآء و
استقمت علی شریعتک النورآء وثبتت علی میثاقک العظیم الذی اخذته فی ظل
الشجرة الانیسآء ایرب احرسنی بعین رعایتک الوافیة الاحیآء وانظرالی ملجئات
رحمانیتک التی احاطت الاشیآء واحفظنی من کل البلآء وقنی الزلزل
والاضطراب یارب الارباب انک انت الکریم الرحیم العزیز الوهاب ع ع

امة الله الموقنه ضجیع جناب زائر آقا محمد صادق وامة الله المطمئنه صبیه جناب زائر علیهما بهآء الله

(هو الله)

ای کنیز نابتیزرت عزیز جناب زائر از من رجای تحریر نامه نمود من باوجود عدم
مجال نگارش این ورقه پرداختم واز فضل وهوهبت الهیه رجا نمایم که شما را در کهف حفظ و
وحمایت خویش محفوظ ومصون فرماید ونفحات قدس مؤانس نماید وبرعهد ومیثاق ثابت دارد

(هو الله)

ع ع

امة الله ضلع آقا سهراب علیها بهآء الله الابهی

(هُوَ اللّٰه)

خطاب مبارک است

ای ورقهٔ مبتهله سحراب در اینمدت بچنگ افراسیاب افتاده و بجنگ نفس دربت
و تاب بود و بمدد آفتاب فلک حقیقت غالب و بر هوای خویش فائق و قاهر
گشت حال در نهایت تبتل و تضرع و غایت توکل و توجه عازم ان دیار گردید
تا بموجب اوامر الهیه عمل نماید دراین چند وقت که در اینجا بود بنهتهای خدمت مشغول بود
و در پرستش و عبادت حضرت یزدان نهایت کوشش را مجری داشت پس همکن
خدارا که بچنین موهبتی موفق و مؤید گردیدی که منتسب بچنین شخصی شدی که در درگاه
حق مقبول است ع ع

تقریر شد

شیراز بواسطه جناب آقا محمد مقدسه خادمین محفل سمپان علیهم بهاء الله الابهی

(هُوَ اللّٰه)

خطاب کاتب و امضاء مبارک است

ای نفوس مبارکه نامه شما رسید نامه نبود نافه مشک غزالان تر و تازه بود زیرا
رائحه طیبه محبت الله از معانی و حقائق آن استشمام میشد حمد خدارا که در آن
موطن صبح هدی و مسقط الرأس جمال اعلی روحی له الفداء از چنین نفوس مبارکی چنین
محفل نورانی تشکیل شد که کل خادمان صادق مجلی طور و آفتاب حقیقی جمال ابهی

روحی

روحی لاحبائه الفدا استند این انجمن کاشف حقیقت گردد و گل وریحان حقایق
و معانی و سنبل و ضمیران الطاف رحمانی در نهایت تزیین در آن جلوه
نماید ربّ انّ هولاء عبادک البهاء و اصفیائک بین الوری وامرآء
نبلاء فی تلک البقعة البیضاء وعظماء خلقک وکبرآء برتبتک تبهللون بذکرک
وتهللون بثنائک وینادون باسمک ویخضعون لکلمتک ویستبشرون بالطافک
ربّ اجعلهم اوراق سدرة رحمانیتک واز هار حدیقة ربانیتک وسرج افق
محبتک ونجوم سمآء موهبتک انک انت الکریم وانت الرحیم وانک انت البرّ الرؤف

العظیم عبد البهاء عبّاس

شیراز بواسطه آقا حسن بلور فروش جناب آقا محمد رضای بوانانی علیه بهاء الله

(هو الله)

ای نفس مطمئنه الحمدلله نامه معانی بدیعه داشت ونفحه معطره حبّت الهی از آن استشمام
گشت امید شدید است که البته تائید وتوفیق خواهد رسید وعنایات اسم اعظم
از جهان قدم شامل وکامل گردد واز عدم فرصت مختصر مرقوم گردید معذور دارید

وعلیک البهاء الابهی

حیفا ۱۷ رمضان ۱۳۳۸ عبد البهاء عبّاس

هُوالله

ش امة الله والدهٔ جناب آقا سهراب علیها بهاء الله الابهی

(هُوالله)

خط مبارک است ۲ ای امة الله جناب آقا سهراب مدتی بود که در درگاه احدیت بخدمت مشغول بود و از غیر حق غافل زحمت و تعب بسیار کشید و مشقت بیشمار تحمل کرد از خدا میطلبیم که اجر جزیل مقدر فرماید و نعم بی بدیل مبذول کند حال اشتیاق شما را دارد لهذا عازم آنست گردیدود ر انیمدت در اینجا دائما بیاد و ذکر شما بود و بالنیابه از شما طواف مرقد منور نمود و بر خاک افتاد و درخواست فیض و فور عظیم نمود ان ربک هو الفضال العظیم و البهاء علیک ع ع

بواسطه آقا میرزا هادی افنان شیراز بواسطهٔ آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله

جناب فتح الله حجار و اخوان زرقانی علیه بهاء الله الابهی

(هُوالله)

خط کاتب و امضا مبارک است ۲۴ ۲ ای بنده الهی چه عنوان شریفی مرقوم نمودی و چه خطاب پر حلاوتی نگاشتی در هر اق این آوازه خطاب یا عبد البهاء نهایت حلاوت دارد و مادون ان تلخکام گرداند الحمد لله ایام قرت منتهی شد و صبح مخابره و تبادل انجذابات قلبیه و عواطف وجدانیه بدمید و بامن موهبت موفق و مؤیدیم اخبار خوش از فارس میرسد که یاران نهایت روح و ریحانند

Provided by the Afnan Library

این خبر جان پرور بود امید چنانست که انیمژده پیاپی برسد الهی الهی طیب قلوب احبائک
بصیب هاطل من فیوضاتک وانعم علیهم برشحات سحاب رحمتک واجعلهم آیات
الهدی بین الوری انک انت رب الآخرة والاولی ای یار حقیقی چون طریق مفتوح
وسهولت سفر ممکن نه لذا اصبر نمائید ونیت زیارت را بوقت دیگر مرهون نمائید وعلیک
البهاء الابهی عبد البهاء عباس ۱۲ شوال ۱۳۳۷

بواسطه جناب میرزا احمد درزقانی جناب آقا استاد کاظم نبا علیه بهاء الله

(هو الله)

ای نبا نبائی نما که اساسش در ارض خبرا و شرفه اش در اوج سما و کنگره اش
متواصل بعرش اعلی از برجدید و پولاد شدید مرصوص و مشید و مخصوص و مؤید
اگر چنین بنائی نمائی مهندسی و معمار و بنائی در نهایت اقتدار و الا بنیان لشبر قاعاً
صفصفاً گردد و لئالی صدف امکان خزف شوند مگر پرتو شمس حقیقت تابد
ولطافت ولمعان بخشد و علیک البهاء الابهی ع ع

شیراز رزقان اعضای محفل روحانی واحبای الهی علیهم بهاء الله الابهی
جناب استاد عبد المحمد جناب ملا عباس نوآز جناب مشهدی احمد جناب آقا فتح الله

خط کاتب و در مبارک است

جناب سیف الله جناب آقا علی مشهدی سمیع جناب استاد محمد کاظم نما جناب آقا یدالله
جناب استاد محمد علی حداد جناب آقا فتح الله ابن مشهدی حسین جناب آقا قاسم جناب
استاد عباس جناب استاد حیدر جناب استاد رضا قلی جناب استاد فتح الله
جناب آقا لطف الله جناب ملا صفر جناب استاد حاجی علی جناب مشهدی عبدالله
خادم جناب استاد حبیب الله جناب آقا قنبر ابن مشهدی سمیع جناب ... گدای
قابض علیهم بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای یاران عبدالبهاء نامه شما رسید معانی احساس روحانی بود و مضمون مشحون
باسرار رحمانی زیرا دلیل جلیل بر توجه بملکوت ابهی بود و تبتل ملا اعلی الحمدلله رزق ان
روح و ریحان یافتید جمعی از یاران در نهایت ثبوت و استقامت ناطق بمحبت
و برهان گشتید انجمن مبارکی تشکیل یافته و جمیع بموجب وصایا و نصایح الهی بنمای
عبودیت آستان مقدس نمایند و بخدمت پردازند لسان تبلیغ گشایند
و بر لیغ بلیغ الطاف نامتناهی جویند تا هر یک افق ایمان و ایقان را ستاره
درخشنده شوند و حدائق حقائق و معانی را کل چون برگ خندان گردند من بدرگاه عظم

خط کاتب در مبارک است

۲۸

روحی لعتبته ترتبه الفداء بکمال عجز و نیاز تضرع و ابتهال کنم و شما را هر یک عزت
ابدیه و حیات سرمدیه و توفیقات نامتناهیه و موهبت ربانیه طلبم و علیکم بهاء الابهی
اعانه مشرق الاذکار انشاء الله بامریکا ارسال میگردد ع ع

شیراز بواسطه جناب بشیر

جناب اردشیر و جناب شاهویر و جناب رشید علیهم بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای یاران پارسی من دوستان قدیمید و هموطنان عزیز در این قرن نازنین
آفتاب علیین از سپهر برین نور مبین بخشید تا بپرتو ایزدی دلهای آن یاران
دیرین رشک بهشت برین گشت پس هزاران شکرانه پروردگار یگانه را که این
مرغان پراگنده را بر این چشمه روح بخشنده جمع فرموده و آن آوارگان را سر و سامان
بخشید پارسیانرا آبازور سانید ایرانیانرا سرفراز کرد و نام نیاکانرا تجدید
فرمود پیام پیمبر را آشکار نمود راز و خشور را هویدا کرد پس باید که قدر این نعمت
بدانیم و ایزد دانا را بستائیم و از شدت محبت او بگریم و بزاریم و بملکوت ربانی
بنالیم و بالطاف رحمانی بیالیم هزار افسوس ای یاران دلنشین که تا این

پیام بردید وصبحی نورانی پس از آنشام کدر آشام یافتید خوشا بحال شما جانتان خوش باد ع ع

دستخط مبارک

همه مهر جویان خوش خو درخشنده رو مشکبورا بجان جویانم و پیام میفرستم ع ع

بواسطهٔ حضرت بشیر الهی جناب اردشیر شاهویر

وجناب رستم فولاد علیهما بهاء الله الابهی

(هو الله)

ایدوست نفس نفیس آفتاب جهان تقدیس چنان اشراق برآفاق نمود که هر شخص خسیس

از موهبت کبری نفیس گردید و بیگانه آشنا شد آن یاران باید زبان بشکرانه گشایند که دوباره

کوکب سعادت کبری از مطلع ایران در نهایت شعله وضیاء درخشید نام مرده زنده گشت

وجسم پژمرده تروتازه گردید بیکل ایرانی بعد از پیری دور جوانی گرفت وپس از ناتوانی

موهبت آسمانی یافت عنقریب خواهید دید وشنید که خطهٔ ایران واقلیم پارسیان

چگونه نور ماه وخورشید درخشند وتابان گردند و علیکما البهاء الابهی ع ع

بواسطهٔ حضرت بشیر الهی شیراز جناب اردشیر شاهویر یزدی علیهما بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای سودائی دلبر آسمانی نامهٔ مفصل ملاحظه گردید معانی بدیع داشت و مضامین دلنشین حمد
خدا را که از سراب اوهام رهیدی و بسر چشمهٔ راز و نیاز رسیدی از آب حیات نوشیدی
و جمال حقیقت پرستیدی بدرگاه داور مهربان دعا و نیاز نمودم و ترا سکون و قرار و استقامت
و متانت و ثبوت و رسوخ طلبیدم و تائید بر هدایت دیگران رجا نمودم و امید چنان است
که این حاجت روا گردد و این دعا مستجاب شود مهر رشید را بنواز شاید بملکوت راز پرواز
نماید و همدم و هم آواز گردد و علیک البهآء الابهی ع ع

هو الله

جناب حسن همدانی علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هو الله)

ایها المتمسک بالعروة الوثقی چه نگارم که قلب در نهایت جوش و خروش است و جان
زنده نفحهٔ الهی چه که شوق و شعف جانبازان راه الله در این صحگاه ارکان وجود را چنان
احاطه نموده است که جان بامید وصل جانان حیات یافته و دل بآرزوی مشاهدهٔ روی
دلبر حقیقی بوجد و طرب آمده و سرور و حبور جسته طیر حدیقهٔ نورآء حضرت روح الله ملاحظه نمایند
که بچه انجذاب در حب رب الارباب جانباخت و از خیر امکان بلامکان شتافت ع ع

جناب طیر ناطق آقا محمد صادق و جناب شمع انجمن ابوالحسن تکبیر ابدع ابهی ابرغ مانیدع یاغ علیه
بواسطه جناب منشادی جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله

(هوالله)

ای ثابت بر پیمان نامه‌ئی که بجناب منشادی مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید سبب بهجت
و انبساط شد زیرا امتزاج نموده بودی و مداعبه فرموده بودی و از برای اولادهای خویش نامه ۲۱
مخصوص خواسته بودی من نیز فرمایش شما را بجا آوردم و بنگارش نامه پرداختم بقول
ملا غیر تسلیم و رضا کو چاره‌ئی زیرا ابداً فرصت ندارم مهلت نیابم راحت بخوابم
استراحت نخواهم سکون و قرار ندارم راحت جان ندانم با وجود این نامه نگاشتم
و علیک التحیة البهاء الابهی بجناب آقا محمد صادق سلیل

مرحوم آقا محمد حناساب تحیت مشتاقانه من رسان همیشه در یاد و خاطرت ابداً ۲۲
فراموش نشود مورد فضل الهیست و مشمول الطاف و عنایت رحمانی و علیه البهاء
الابهی ع ع

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله

(هوالله ای)

(هُوَ اللّٰه)

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید از مضمون چنان معلوم گردید که آرزوی دل و جان شما انیست که سبیل جمیل در سبیل رب جلیل جانفشانی نمائید و بر فاقت حضرت طراز و علی اکبر سیر و سفر در بلاد نمائید لسان فصیح بگشائید و ثنای رب جمیل پرواز در نطق گردد و نصوح ظفر یابد و فتوح تشنگان را بمعین هدایت دلالت نماید و از عین یقین نبوشاند و بحق الیقین برساند این نیت بسیار مبارکست و این مقصد نهایت ارجمند امیدوارم که مؤیّد و موفق گردد امة الله المنجذبه حرم محترمه را از قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید ع ع

(هُوَ اللّٰه)

جناب زائر مطاف روحانیان آقا محمد حسن علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هُوَ اللّٰه)

ای طائف حول مطاف ملأ اعلی وو دست شکر را بدرگاه احدیت بلند نما و بگو ای منتهای آرزوی عاشقان ای دلیل گمگشتگان و این بیچاره این بندهٔ ضعیف را بالطاف بی پایان نبواختی

ذلیلرا بدرگاه احدیت رساندی این تشنه سوخته را از عین عنایت نوشاندی
واین بیجان افسرده را بنسیم رحمت تر و تازه نمودی شکر ترا که از فضل اکبر
نصیب[ه] وافر عنایت فرمودی و بروضهٔ مبارکه مشرف کردی از فیض ملکوت
ابهایت بهرهٔ بی پایان میطلبم موفق فرما

و

عنایت کن ع ع

جناب آقا محمد حسن بلورفروش علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید شکرانه بدرگاه الهی گردید که الحمد لله یاران
فارس فوارس میدان عهد و پیمانند و حارس حصن حصین امر الله شیراز
الحمد لله آوازش بلند شد حرکتی نموده و برکتی یافته امر الله را انتشاری
واجاء الله را انتصاری عبد البهآء از خمودت و جمودت وطن حضرت
اعلی روحی له الفداء محزون و دلخون بود حال الحمد لله مسرور
وخشنود است نهایت آرزو چنین بود و امیدم و طید است
که روز بروز خوشتر و دلکشتر و شیرین تر شود حلاوت محبت الله

ندا قهار را شیرین کند و کامها را شکرین نماید و علیک البهآء الابهی

یک دستگاه جارنه چراغ (۹) هدیه جناب ارباب رستم ببیت مبارک مقبول درگاه

پروردگار گشت و علیه البهآء الأبهی ع ع تقدیم شد

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهآء الأبهی

(هو الله)

ای بهائی معروف و مشهور آن دل بلور الحمدلله مشکوة نور گردیده و چون

عرفان و محبت هر دو جمع شده نور علی نور آشکار و پدید گشته

جاهلان در پی حور و قصورند ولی عارفان مشتاق دیدار

رب غفور آنان عبدهٔ بطونند و اسیر شهوات گوناگون

ولی عارفان آزادگانند و سالکان و آشفتگان یعنی شیفتهٔ

آنروی تابانند و آشفتهٔ انزلف پریشان دیدار یار

بهشت برین است و مشاهدهٔ انوار روشنی چشم ابرار

و سرور دل احرار شکر کن خدا را که دیده حقیقتی یافتی و در ملکوت

دیرین مشاهدهٔ جمال اند لبر نازنین نمودی و علیک التحیة والثناء ع ع

Provided by the Afnan Library

(هُوالابهی)

جناب آقا محمد حسن من اهل نا علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هُوالابهی)

ای ناظر بملکوت الهی آنچه مرقوم نموده بودید مخصوص مطالعه رفت
وملاحظه گشت سبب ذکر خیر در این محفل رحمانی شد لحظات عین
رحمانیت متوجه شما ورشحات غمام مرحمت نازل بر شما الطاف
الهیه از جمیع جهات محیط است ودریای موهبت رحمانیه
پر موج وفیض انگیر پس بجان مسرور ومستبشر باش وبدل
مشروح ومنبسط که باین عین عنایت منظوری وباین لطف
واحسان مخصوص در نهایت استعجال مرقوم شد
وعلیک البهآء ع ع

(هو الله)

ط جناب آقا محمد حسین همدانی علیه بهآء الله الابهی

(هُوالابهی)

(هوالابهی)

یا من آمن بالله وصدق بکلمات الله علم میثاق در قطب جهان بلند است
و پرچمش از اریاح تائید ملکوت پر موج و پرحمله و حرکت امم آفاق
در تلاطم داخل و جنود ملأ اعلی در نصرتش متتابع پس ای یاران جانی کمر خدمت
بر بندید و سمند در این میدان برانید تا مانند هوشمندان سبیل حق موفق بشوید
نفحات شوید ع ع

شیراز بواسطهٔ غلامحسین میرزا جناب آقا محمدحسن بلورفروش علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

ایبندهٔ الهی جناب شهزاده غلامحسین لبی شیرین و مبین بندهٔ ربانی در نامه خود
ستایش از تو نموده و تعریف و توصیف زبان گشوده که امرالبیر اخادم
صادقست و اجتای رحمانیرا غمخوار موافق و بجهه بیت مکرم دو ثریا و شش جهت
در نهایت لطافت تقدیم نموده این هدیه بسیار مقبول افتاد و سبب حصول
مقصود گردد عبدالبهاء ترا محب صادق است و از درگاه سبحانی آرزوی
توفیق تائید رحمانی جوید و علیک التحیة والثناء ع ع

(هوالابهی)

جناب آقا محمد حسن همدانی علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

الهی وغفار ذنوبی انی اتوسل الیک واتضرع بین یدیک واتشبث
بذیل غفرانک وابتهل الی ملکوت عفوک واحسانک
ان تشمل عبدک الذی صعد الیک ووفد علیک بلحظات اعین رحمانیتک
وتحوض به فی بحار مغفرتک لسلطان فردانیتک وتجعله مستظلاً بالکلیل
التصفح بموهبتک ربانیتک ومنور الوجه بعفوک وغفرک فی رفیقک الاعلی
یاربی الابهی ای رب هذا ضعیف عامر برحمتک الکبری واوضه فی جوار
الطافک یا راحم من فی الارض والسماء انک انت
العفو الغفور الرحمن الرحیم وابهاء علیه من حضرة قیومیتک یاربی الکریم
وغافر الذنب العظیم ع ع

هوالله

ط امة الله والدهٔ جناب آقا محمد حسن علیها بهاء الله الابهی

هوالابهی

(هوالابهی)

خط مبارک است

ای امة الله بامداد است وهرکس بخیالی مفتون وولش دومن تقلم وه پرداخته
که شاید روح وفؤاد امادوعباد الرحمن مهتز ومسرور گردد وبروح وریحان اید
واز ایات محتب جمال قدم روحی جدید یابد ای امة الله شعله میثاق است
که بحرارت عبودیت جمال ابهی درکبد آفاق تاثیر نموده ع ع
بواسطهٔ جناب آقا محمد حسن بلوری سلیل جلیل آقا عبد الحسین علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

خط مبارک است

ای همنام من پدر مهربان بالحاح تمام واصرار وابرام
ملکه بقوت بازو از برای تو نامه خواسته من هم جز تسلیم
وتمکین واطاعت واجرآء چه چاره توانم پدر را خاطر
عزیز است ودر ملکوت الهی مقرب رب عزیز
پس تو قدر این پدر بدان وپسر مهربان باش باطاعت
اوبکوش واسباب سرور او باش تا الطاف جمال مبارک
احاطه نماید وهر دمی شبنمی از دریای فضل بهاء بگلشن دل

Provided by the Afnan Library

وجان رسد و علیک البهآء الابهی ع ع

(هوالله)

امة الله ضجیع آقا محمد حسن زائر مطاف ملأ رو حانیان علیها بهآء الله الابهی

ملاحظه نمایند

ای امة الله جناب آقا محمد حسن الحمد لله محفوظاً مصوناً ببلجاً اعظم رسیدند
ودر پناه جمال قدم مدتی مقر گزیدند واز رحیق مختوم نوشیدند
واز حلاوت عنایت حضرت معلوم چشیدند ودر جمیع
مواقع یادی از شما نمودند ودر روضهٔ مبارکه درخواست خیر
فرمودند پس خدا را شکر کن که چنین ضجیعی داری وچنین
مونسی انیس که درچنین آستانی یاد تو نمود ودرچنین انجمنی ذکر تو کرد ع ع
بواسطهٔ جناب آقا محمد حسن بلوری نجل سعید آقا عبد الله علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

ای نهال باغ الهی امیدوارم که همواره از رشحات
ابر عنایت تروتازه باشی وطراوت ولطافت بمنتها یابی

ع ع

برگ وشکوفه نمائی وفواکه مطلوبه ببار آری پدر را ملاحظه کن
که چه قدر مهر پرور است که بقوهٔ بازوی التماس وگریز
رجا این نامه را از عالم قوه بخیر وجود آورد دیگر ازاین مهربانتر
خواهی ممنون لطف او باش وتشکر عنایت او از خدا
خواهم که پسر این پدر باشی وباثر وثمر گردی وعلیک البهآء الابهی ع ع

(هوالله)

جناب آقا میرزا عبدالحسین اگر بطرف هندوستان بجهت ترویج
تجارت شما سفر نماید بهتر است واگر ممکن نیست با مریکا اذن
زیارت بقعهٔ مبارکه را دارد تا از قبل عبدالبهآء بر بران آستان
نهد وطلب غفران خطایا از برای او در ان عتبهٔ مقدسه نماید
وعون وصون طلبد زیرا عبدالبهآء عازم امریک است ع ع
ش جناب آقا محمد جواد علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

الشعله نار محبت الله علیک بهآء الله وجودهٔ وعنایته فی کل الشئون اگر

بتوانی بقوت الهی دست از آستین برآر ودراین عرصه وجود
وعالم شهود ید بیضائی از محبت الله نما انچه بینی وخوانی ودانی بمه
وهم وخیال است وجهل وضلال جز انچه من الحق ظاهر دالی الحق
راجع کل مافی الکون وهم اوخیال او عکوس فی المرایا او ظلال
والبهآء علیک یا ایها المقبل الی الله ع ع

(۹)

شیراز آقا محمد حسن بلور فروش عهدیه علیه بهآء الله

(هوالله

ای ثابت پرپیمان نامه اخیر رسید ولی نامه های پیش نرسید حال
نامه ها از یاران باوفا مانند باران میرسد لهذا جواب مختصر مرقوم میشود
معذور دارید احبای آباده سزاوار اجر جزیل وموهبت رب جلیلند
الحمدلله ثم الحمدلله جسماً ممنوع نشدند وروحانیاً گشتند وان عید مبارک
درشیراز بنغمه وشهناز گذراندند جناب قابل را تحیت مشتاقانه برسان الحمدلله
سبب هدایت نفوس طالبه گردیدند وآهنگ ترتیل آیات از میرزا نصرالله

ع ع

خط کاتب واضافه مبارک است

خط مبارک است

بسامع لاهوتیان درارض اقدس رسید امة الله المنجذبة بالشعلة نار محبت الله صبیهٔ
ذبیح ملیح ضجیع حاجی علی خان فی الحقیقه ایت هدی است امیدم
چنان است که سلطان عبدالحسین نظیر عم بزرگوار بخدمت امرالله
قیام نماید امة الله ملوک وامة الله لقا وامة الله روح انگیز
را تحیت ابدع ابهی برسان وامة الله طیبه را تحیت عبدالبهآء
روح وریحان بخش وجناب عبدالحسین وعبدالله وبهآءالدین
وجلال الدین وامة الله حورجهان والدهٔ ایشان را نهایت
مهربانی از قبل عبدالبهآء ابلاغ دار بشارت اهتزاز شیراز
نسیم بهار روحانی وترتیب محافل ومدخلون فی دین الله افواجا
بسیار سبب مسرت گردید جناب سلطان حبیب الله را
از قبل من نواز وبگو فی الحقیقه توسلیل پیک رحمانی هستی
زیرا منسوب بان قاصد امینی از عفو وغفران آلهی امیدوارم
که متصاعدین الی الله سنگ ترا شها مقعد صدق عندملیک مقتدر فائز
ودرجوار رحمت کبری بمشاهد کبریا واصل وعلیک البهآء الابهی ۱۲ شوال ۳۷ حیفا عبدالبهآء

عبد

(بواسطهٔ جناب محمد باقرخان) (۹)

شیراز مغازهٔ مدیر السلطنه جناب آقا محمد حسن بلورفروش همدانی علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

ای ثابت برعهد نامهٔ اخیر که ارسال نموده بودید وصول یافت مضامین دلیل بر آن بود که الحمدلله اجای الهی در نهایت متانت وثبات بخدمت عتبهٔ مقدسهٔ الهیه موفق قلوب را منوّر ومشاعر را معطّر ومحافل را مغبر مینماید این خبر سرور پرور بود که الحمدلله جمال قدیم بندگانی مقیم آستان دارد وپیداروپاسبان که درنشر تعالیم الهیه بکمال همت ساعی ودر تربیت نفوس بکمال قوت جانفشان این ایام که ابواب سرور مفتوح شد وصدور مشتاقان منشرح بآیات سرور وحبور گشت باید بقوتی آسمانی وقدرتی ربانی وتائیدی صمدانی وتوفیقی سبحانی شب وروز کوشید وجوشید وخروشید تا این ظلمات دهماء بنورانیت کبری مبدل گردد واین نزاع وجدال در بین ملل عالم بقوهٔ اسم اعظم زائل شود کوکبهٔ وحدت عالم انسانی طلوع نماید وعلم صلح عمومی بر کل اقالیم سایه افکند

ترجمهٔ

خطابت واصفهار مبارکست گوشش کلمه فوق صفحه خطاب مبارکست ۴۹

ترتیل آیات توحید شود و تجلیل نفوس جلیل گردد این گلخن فانی گلشن باقی شود
و روی زمین بهشت برین گردد باری از برای نفوسی که مرقوم نموده بودید
که بملاء اعلی شتافتند و بملکوت ابهی پرواز نمودند نهایت ذل
و انکسار و عجز و نیاز طلب عفو و غفران از حضرت بی نیاز شد
و تجدید محفل روحانی بهمت جناب محمد باقر خان و میرزا محمد علیخان بسیار بموقع
طوبی لهم و حسن مآب الجناب بخدمت قائم و جناب میرزا حبیب الله خان
مظهر تائید بی پایان و بروبج تعالیم الهی موفق و بهدایت نفوس مؤید
از الطاف الهی سائل و آملیم که این نفوس مبارکه در جمیع شئون
موفق بتائید حضرت یچون گردند از ملکوت غفران طلب عفو و
احسان بجهت متعارج افق تقدیس مرحوم آقا حسین آقا گردید دار
قبل عبد البهاء نهایت مهربانی و محبت بی پایان باسلاء اخلاء برسانید
و همچنین میرزا سید عبد الله نهایت اشتیاق از طرف عبد البهاء ابلاغ دارید
امثل الله ان یجعلهم آیات الهدی بین الوری و مؤیدین بجنود من الملاء الاعلی
و علیک و علیهم البهاء الابهی عبد البهاء عباس ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۳۷ بروشیم

Provided by the Afnan Library

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای ثابت بر پیمان امیدم چنانست که بلطافت اخلاق و رقت قلب و روحانیت کبری و قوهٔ انجذاب الماس فروش گردی ولیس ذلک علی الله بعزیز آنچه ارسال نموده بودید از حقوق وصول یافت الحمد لله که در صدف قلب جواهری موجود که هیچ سارقی دست ندارد از صعود حضرت غذلیب حزن واندوه نصیب عبد البهاء شد از این ماتم بسیار محزون گردیدم زیرا حضرت غذلیب بدرگاه رب غفور خدمت موفور فرمودند و در محامد و نعوت حضرت مقصود لسان فصیح گشودند و قصائدی غرّاء از قریحهٔ جاری فرمودند این شخص جلیل در نزد حق مقرب و مقامی بلند داشت که حال معلوم نیست مجهول است بعد مشهود و مشهور خواهد گشت ببستگان آستان از قبل عبد البهاء تحیت ابدع ابهی برسان و همچنین بیاران دیگر که ثابت بر پیمان و راسخ در عهد و میثاقند و علیک البهاء الابهی عبد البهاء عباس

۲۰ جمادی الثانی سنهٔ ۱۳۳۸ حیفا

شیراز

شیراز جناب آقا محمد حسن بلور فروش علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید معانی دلیل بر انجذاب روحانی بود وجاذب تأیید سبحانی جواب آقا میرزا محمد رضا در جوف است الحمد لله فضلعلی خان بعد از صعود جناب عندلیب الهی قیام نمودند و باز ماندگان آن بزرگوار را رعایت و معاونت میفرمایند جناب آقا محمد باقر هشیار فی الحقیقه در نهایت تبتل و تضرع و انکسار است طلب عفو و غفران بجهت متصاعد الی الله پدر مهربان ایشان گردید پروردگارا آمرزگارا محمد هشیار موافق بود و از نار محبت افروخته و بصبر و قرار مرکز خاک گذاشت و بعالم پاک شتافت و بدرگاه پناه برد امان بده غفران منزل فرما و در اوج عزت ابدیه درخشنده و تابان فرما از عدم فرصت مختصر مرقوم گردید و علیک البهاء الابهی ۱۳۳۸ عبد البهاء عباس

خطی کتابخانه و امضاء مبارک ۵۲۵۱

Provided by the Afnan Library

شیراز جناب آقا محمد حسن بلورفروش علیه بهاء الله

(هوالله)

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید منطوق تضرع و ابتهال و انجذاب و اشتغال بود الحمدلله که موطن حضرت اعلی روحی له الفداء گلشن عرفان گردیده و رائحهٔ ایمان و ایقان از آن ناحیهٔ مقدسه مشامها را معطر مینماید همواره رجای عبدالبهاء این بود که ان اقلیم جلیل بنفحات قدس غبطهٔ جنت نعیم گردد و پرتو شمس حقیقت چنان تابد که ابرهای تاریک بکلی متلاشی شود صبح هدی ان صقع را روشن کند حال الحمدلله فجر آن خطهٔ مبارکه ساطع گشت و روز بروز روشنتر میگردد و این از علو همت و سمو خدمت نفوس مبارکه ایست که در آن مدینه مؤید و موفقند لهذا یقین حتمی است که یوماً فیوماً نار موقدهٔ الهی شعله بیشتر زند و برودت غفلت و رطوبت ضلالت را باضمحلال گذارد حضرات مبلغین فی الحقیقه قیام بر خدمت نور مبین دارند و البته تائید یابند بانفاس طیبه روح حیات دمند و بیراهین قاطعه زبان بگشایند و نفوس مخمودهٔ را تروتازه نمایند و حقائق جامدهٔ را

بحرارت

خطاکاتب و امضاء مبارک است

بحرکت آرند طوبی لهم وحسن مآب حضرت افنان سدرهٔ مبارکه حاجی
میرزا محمد همتی فرمودند واز شما خواهش آئینه بجهت بیت مبارک شیراز خواستند
انشاء الله عنقریب اطاق عرشهٔ بالائی بیت مبارک باین آئینه ها تزیین میشود
مدرسهٔ بنات که جناب سلطان حبیب الله خان تأسیس نمودند عملی مرغوب ومقبول
وسبب سرور ومکافات انجذبت از جمال مبارک موعود آن فضله مشکور وخزانه موفور
وورقهٔ مطمئنهٔ قرینهٔ جلیلهٔ ایشان الحمد لله مدیره این مدرسه است وبلید
شامل وتوفیق کامل واما جاریهای هوائی که سفارش بپاریس نموده اید
از برای بیت مبارک بغداد بسیار مقبول بغداد نفرستید واز الطاف الهی
خواهم که راحت وشفا حاصل گردد وبجناب میرزا محمد یزدی نامهٔ مخصوص
مرقوم گردید تائید اورا از رب مجید میطلبم وهمچنین سایر
احبا وعلیک البهآء الابهی لیله ۱۷ شوال ۱۳۳۹ حیفا عبدالبهاء عباس

هو الابهی

بواسطهٔ آقا سید اسدالله جناب آقا سید محمد علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هو الابهی)

(هوالابهی)

خطاب مبارک

ای ناظر بافق حقیقت چشم را مشاهدهٔ انوار فیض احدیت روشن
و منیر کن و گوش را باستماع الحان طیور قدس محظوظ و سمع دلرا ببشارت ۵۲
غیب و فیوضات لاریب خلد برین نما و هوش را بالهام سروش ملیک
امین عالم علیین الیوم لسان کل اشیاء از صقع اولی تا ملاء اعلی
جمیع بمحامد و نعوت و قصائد و مدائح و تسبیح و تقدیس حق لقدم و اسم
اعظم مشغول تو ساکت و صامت منشین و مخمود و منجمد مباش
بلکه منجذب و منصعق محشور شو تا لوح منشور و کتاب مسطور را تغور گردی

ع ع (متابعه)

جناب آقا محمد حسن علیه بهاء الله الابهی اذن طواف ملأ اعلی را دارند ع ع

متابعه

(هوالابهی)

جناب آقا سید اسد الله علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

خطاب مبارک

الهی و محبوبی و مقصودی قد سعی عبدک نبا من بلاده الشاسعه و انحی نحا الواسعه

انتهی

وقطع المفاوز و القفار ومرعى الجبال والتلال والديار وتمثل بساحة قدس
البقعة النورا والخطة المباركة البيضاء مطاف الملأ الاعلى روح الوجود
لتلك العتبة السامية فداء ومرغ وجهه تربة الطاهره وعفر جبينه بغبرة الزكية
المسكية الفاخرة وقام لدى الباب خاضعاً خاشعاً متضرعاً وطلب
فيوضات رحمتك وغيوث مغفرتك لاخيه الذى آمن بآياتك
الكبرى وصدق بكلمات صحفك الاولى وزبرك الاخرى وانجذب
بنفحات جمالك الابهى واشتعل بنار محبتك فى قميصك الاعلى
وصعد الى ملكوتك الاسمى واستظل فى ظلال سدرتك المنتهى فى جنتك
العليا ايرتب شرفه باللقاء واجلسه على سرير موهبتك العظمى فى الرفيق
الاعلى وثبت اقدام اهلهم واولادهم ومن تخلق
من اخفادهم واسباطهم على عهدك وميثاقك الذى ماسبقه
عهد وميثاق فى ملكوت الانشاء ع ع

ط جناب آقا محمد صادق عليه بهاء الله الابهى

(هو الابهى)

خط مبارک

یا من صدق بکلمات الله جوهر صدق راستی شئونیت منبعث از حقیقت اشیاء مطابق واقع چه از ملفوظ چه از منظور چه از مسموع چه از معلوم و در این لطیفهٔ ربانیه فکر دقیق باید تا مفهوم گردد پس اعظم کل تصدیق کلمات الله است چنانچه از اعظم مناقب سید حصور و مصدق بکلمهٔ منه اسمه المسیح است پس ای صادق انشاء الله در جمیع مراتب صادق باشی لعمری آن هذا لهو الفضل العظیم والحمد لله رب العالمین ع ع

همت آباد (هو الابهی)

جناب میرزا ابو الحسن نیریزی معلم اطفال نجل محترمشان جناب میرزا محمد رضا ورقهٔ موقنه ضلعشان بی بی سیده ورقهٔ نورانیهٔ صبیهٔ شان مریم و دیگری ورقهٔ مومنه رضیه علیه و علیهم بهاء الله الابهی و عموم احبای آباده و در خوک و همت آباد رجالاً و نساءً علیهم و علیهن بهاء الله الابهی

(هو الابهی)

ای احبای الهی کوکب امر الله در جمیع آفاق بشعاعی ساطع لامع و ندای یا بهاء الابهی از خنجر کیهان بلا مکان مرتفع نغمهٔ سبحان ربی الاعلی

خط مبارک

از حضیض ادنی بسمع ملأ اعلی میرسد وبانگ وآهنگ سبحان ربی
الاهی بسموات علی متواصل باوجود این کران محتجب وناقصان چون کرم
مهین در زیر زمین محتبس واین الکلمة وعلوها واین الشریعة السمحة البیضاء وسموها بزربان میرانند

ع ع تبارک

(هو الله)

همت آباد جناب میرزا ابی الحسن نیریزی مکتب دار علیه بهآء الله

(هو الله)

ای ادیب دبستان جمیع اهل زمین طفلان مهانند وفرزندان نادان
سبق خوان پس در مصطبهٔ معرفت بنشین واو یب عشق شو ودرس مشاق بده
وحقیقت اشتیاق بنما واز فیض واشراق نیز آفاق بیان کن واز جور
ستم فراق ناله وفریاد آغاز کن که آن روی چون مه تابان در پس پردهٔ
غیب ملکوت پنهان شد ودر جهان پنهان اشراق کرد ولی شکر حضرت
احدیتش راکه فیض عنایت مستمر است وسریر سلطنت مستقر اول تجلی
از عالم ملک یعنی در حیز امکان داشت حال اشراق از ذروهٔ لامکان له الحمد
والفضل والجود علی کل موجود وله اسلم من فی السموات والارض طوعاً او کرهاً

والبهاء علی اهل البهاء جمیع دوستان را فرداً فرداً تکبیر ابدع ابهی ابلاغ
نمائید و بگوئید از دلائل وفا بآستان مقدس جمال ابهی اینست که بجمیع شئون
یعنی گفتار و کردار و تقدیس و تنزیه و تجرید و تفرید و اتحاد و اتفاق و خشیة الله
و تقوی نصرت امر الله نمائید و بخدمت بپردازید تا آیات باهره سلطان احدیت
گردید و البهاء علیک ع ع

چون حضرت سلطان بعدالت در این اوان حکمران است باید در جمیع محافل
و مجامع دعای تائید سریر سلطنت نمایند ع ع

(هو الله)

جناب ابوالحسن نیریزی امة الله بی بی سیده ضلعشان جناب میرزا محمدرضا
ولدشان امة الله مریم صبیهٔ ایشان امة الله رضیه امة الله فاطمه علیها و علیهن بهاء الله
الابهی (هو الابهی)

ای دو بندهٔ الهی وای آماء آستان ربانی عبدالبهاء را چنان آرزو که
بهریک از احبای الهی و آماء رحمانی فرداً فرداً نامه ئی مرقوم نماید ولی جمال
مبارک شاهد حالست که ابداً فرصت نیست و این قضیه در این ایام مقتضع

وقایل

و مجال لهذا اجمعاً مکتوبی مرقوم میشود و مقصد ظهور الطافات وجدانیه است وروابط
روحانیه وانیز اجمعاً و تفرقتاً بنگارش بیان ممکن لهذا بیک نامه اکتفا میرود
و شما نیز باید قناعت نمائید باری دراین ایّام باید عباد الرحمن وآماء یزدان
بروش و سلوکی بین خلق محشور شوند که آیات هدی گردند و بشارت
ملأ اعلی شب وروز بکوشند تا از این جهان و جهانیان بکلّی منقطع گردند
در هوای تقدیس پرواز کنند و بآواز و آهنگ جدید مقامات توحید
بخوانند و بسرایند الحمدلله منظور نظر عنایت جمال ابهائید و ملحوظ عین
الطاف حضرت اعلی هر موهبتی از برای شما مقدر است و هر فضلی ممکن
و میسّر باید بجان و دل بکوشید و روح و روان را نثار آن دلبر مهربان
کنید تا خونبهای خویش از آن محبوب دلنشین در اعلی علیین
بیابید و علیکم و علیکن البهآء ع ع

پنجم

همت آباد و حوالی بواسطهٔ جناب ابی الحسن معلّم

(هوالله)

جناب کربلائی حسنخان جناب عباسخان ودوستان جناب حاجی علیخان جناب عبدالکریم خان

جناب آقا میرزا عطاء الله جناب بابی جناب مشهدی حسین جناب آقا حسین
وجناب فتح الله جناب میرزا محمد رضا ابن میرزا ابی الحسن علیهم بهاء الله

(هوالله)

خط مبارک

ای یاران عبد البهاء وثابتان بر پیمان جمال ابهی جناب ابوالحسن علیه
بهاء الله ورنامهٔ خویش بافنان سدرهٔ مبارکه ذکر آن دوستان
حقیقی نموده که الحمد لله اجتای جمال رحمن ورنهایت استقامت
واطمینان درعبودیت آستان یزدان قائمند وبهیچ فکر وذکری خرصدمت
عتبه مبارکه ندارند گهی از درد عشق جمال قدم چون ابر بهمن گریانند
وگاهی از بشارات حضرت احدیت چون چمن خندان گهی درمیدان
عرفان جولان نمایند وگاهی درتبلیغ امرالله درمحافل چون عندلیب
خوش الحان باری انخبر مورث روح وریحان گشت واین
اثر محرک حاسیات وجدان باری ای یاران روحانی
درپناه حضرت رحمانی از هرفتنه وآفتی محفوظ باشید وهمیشه مورد
عنایات ملکوت غیب جمال قدم گردید ومهبط فیض اسم اعظم

بقیه

عبودیت در آستان جمال قدیم و بندگی درگاه نقطه تقدیس روحی لاحبائه
الفدا اشریک و سهیم عبدالبهاء گردید ع ع
جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای یار شور انگیز الحمدلله از بادهٔ محبت الله جام لبریزی و مشام منعجات
خبت الهی مشکبیز نامه ات دلالت بر سرور و حبور و فتوح قلوب یاران
سروستان مینمود بلدهٔ طیبه و رب غفور بجمیع یاران تحیت ابدع ابهی ابلاغدار
و فرط اشتیاق عبدالبهاء را برسان اگر بدانند که انقلاب چگونه بیاد و ذکر
یاران الهی در جوش و خروش است البته نهایت سرور حاصل نمایند
و علیهم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

(۹)

شیراز جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

الهی الهی ان عبدک التجا بباب احدیتک مستغیثاً الی ملکوت رحمانیتک

Provided by the Afnan Library

خط کاتب و مهر مبارک ۹۱

مستضیئاً من شمس وحدانیتک متحیراً بعتبة قدس فردانیتک رب
قدر له کل خیر فی ملکوتک ووفقه مادام حیاً علی تحریر آیاتک وتمیق
کلماتک واحفظه فی صون حمایتک واحرسه بعین رعایتک وکلائتک
انک انت القوی العزیز المقتدر المتعالی البر الرؤف الرحیم ع ع

بواسطهٔ جناب آقا محمد حسن بلور فروش شیراز خطاب آقا میرزا ابوالحسن تبریزی
علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

خط کاتب و امضاء مبارک ۹۲

ای مربی نور سیدگان الهی نامه‌ات رسید قلب مسرور شد که موفق
بر امر مبرور ی اطفال بیهمال گردید بدیع التعلیم میفرمائی ونهالهای تر
وتازهٔ حدیقه یزدان را بر شحات ابر معارف میپروانی انچه خدمت
منقبت عظیم است وفوز مبین جاذب فیض رب کریم است
وجالب الطاف خداوند رحیم همت را بگمار واین مشقت را خجلت
مشمار زیرا مورث قربت درگاه است وفتح موهبت عظمی
محفل روحانی شیراز امیدم چنان است که بر جمیع محافل تفوق یابد

زیرا

زیرا این محفل در ملت شجرهٔ مبارکه تأسیس شده حضرت اعلی روحی له الفدا
تائید میفرماید و جمال قدیم روحی لاحبائه الفدا توفیق مینماید جناب
کربلائی اکبر از اهل مسجد بردی مهربانی برسان ۲۹ ع ثانی ۳۸ حیفا

عبد البهاء عباس تسبیحه (۹)

بواسطهٔ جناب آقا میرزا محسن افنان علیه بهاء الله الابهی
نیریز جناب آقا میرزا ابو الحسن نیریزی علیه بهاء الله الابهی خطه

(هو الله)

یا من ایده الله علی الایمان و وجهه الی ملکوت الرحمن و اغرقه فی بحر الفضل والاحسان
وجعله آیة حبه و ناطقاً بذکره و مرتلاً لآیاته و اختاره للعرفان بین نوع الانسان
اشکر الله علی هذه الالطاف والاسعاف من الله العزیز المقتدر الوهاب
وعلیک البهاء الابهی ۷ تموز ۱۹۱۹ عبد البهاء عباس

(۹)

شیراز جناب میرزا ابو الحسن نیریزی علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

Provided by the Afnan Library

(هوالله)

خط کاتب و امضا مبارک ۶۴

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید ولی فرصت مفقود با وجود این بذکرت مشغولم مژدهٔ ثبوت احبّا و ترتیب محافل علیا چون شاهد رعنائی پرده جلوه نمود امروز علاً اعلی از مژدهٔ ثبوت ورسوخ احبّا محفوظ گردد جواب نامهٔ بوالدهٔ آقا میرزا حبیب الله در جوف است امیدم چنانست که مسئول مستجاب گردد و آرزوی دل وجان حاصل شود و علیک البهآء الابهی ۲۵ ع اوّل ۱۳۳۸ عبد البهآء عباس

(هوالله)

بواسطه جناب سرتیپ بوشهر جناب آقا میرزا مصطفی شیرازی علیه بهآء الله الابهی

(هوالابهی)

خط مبارک ۶۵

یا من استمسک بالعروة الوثقی لعمر الله ان سرب الورقاء فی ایکة الغناء وحدیقة الثناء قد رفعت اصواتها بالتهلیل والتکبیر والتسبیح والتمجید لترتّب الجلیل والسلطان الجمیل وتغرّد علی الفروع باصول الالحان وابدع الانغام واطرب ترتیل وآلذ تقطیع واحلی تفسیر واطیب تأویل

سبحان ربی الابهی سبحان ربی الاعلی سبوح قدوس رب الجنود والمقام المحمود
والظل الممدود والرق المرفوع والورد الموروق وانک انت فاستمع نغماتها ونقراتها
وایقاعها واعرف معانی کلماتها واستبشر بما فزت بالطاف ربک الکریم
الرحمن الرحیم تالله الحق ان الوجود یسجد لالطاف ربک فی هذا
الیوم المشهود (ع ع)

(هو الله)

ای هزار بوستان ذکر الهی الحمدلله که عالم ارواح و قلوب بپرتو انوار نیر
اعظم روشن و عرصهٔ کور الهی لفیض سحاب جود و موهبت غیر متناهی گلزار و گلشن
بحر غایت در موج است و شمس رحمت مشرق از اوج نسائم کوی دوست
مشکبو لیست و روائح صبای احدیت خوشبوی و دلجوی پس تا طاقت
دتوان موجود باید کوشید و جوشید و خروشید که نصیبی از این ریاض الهی برد
و بهره از این موهبت رحمانی والبهاء علیک ع ع

(هو الله)

دبیج جناب آقا غلامحسین بوانانی از اهل سرمان علیه بهاء الله

(هو الله)

خط مبارک ۶۷ ایندهٔ اسم اعظم هرچند مشغله مانند باران بهمن است با وجود این سرور یاران منظور است و محبت دوستان موفور چه خوشدمیست که بیاد منجذبان روی جمال ابهی همدم و چه مبارک نفسی که نفحهٔ مشکبار گلشن ملکوت ابهی در مشام هر ثابت قدم باری در هر آن حمد و ثنا کن حضرت یزدان چنین را که چنین فیض و فوزی موفق گشته والبهآء علیک (ع ع)

بواسطهٔ جناب توانگر جناب میرزا محمود خان علیه بهآء الله الابهی

هو الله

خط کاتب و مهر مبارک ۶۸ ای محمود محمود در درگاه احدیت ممدوح و محمودی و در آستان حضرت جانان محبوب و مقبول امیدوارم که مستفیض از مقام محمود گردی و بخیر تشهود در آئی و بسر وجود واقف شوی و باعلی ذروهٔ افتخار گردی ولیس ذلک علی الله بعزیز و اینمقام بانقطاع و انجذاب و محو و فنا و محبت و مهربانی و صلح و صفا بعموم نوع انسانی حاصل گردد امیدوارم که بآن موفق و مؤید گردی (ع ع)

هو الله

Provided by the Afnan Library

(هو الله)

یا من اخلص وجهه لله این شخص که فی الحقیقه متبتل است چند صباحی یعنی لقدر یک ماه در اسکندریه متوقف خواهد بود اینچندروز در انجا اورا در دکان خیاطی بگذارید تا بخیاطی مشغول گردد بعد باید که اورا روانهٔ ایران یعنی شیراز نمائیم و البهآء علیک وعلی جمیع احبآء الله (ع ع)

(هو الابهی)

ایزنده نفحات رحمن دراین عصر مجید وعهد کریم جهدی کن وهمتی نما که نشأ خدمتی شوی وبعبودیتی قائم گردی درانیعالم فانی اثرجاودانی گذاری ودرانیحیات فانی زندگی باقی بیابی درانیخاکدان ترابی ازجهان آلهی خبرگیری درانجمن عاشقان شوری افکنی ودرجهان مشتاقان فتنه وآشوبی اندازی دبستان عشق بیارائی واطفال ملکوت را سبق بیاموزی ست عنصر ازامرد میدان کنی وگاهلا زا چابک وچالاک نمائی وگو مجرو حازا مرهم دل وجان گردی تشنگازا منهل عذب فرات شوی وگمگشتگازا دلیل نجات گردی پیرسالخورده راجوان وبرنا نمائی

وعاجز ناتوانرا مقتدر وتوانا کنی انمقام ازفیوضات ملکوت ابهی میسر گردد
والبهآء والروح علیک وعلی احبآء الرحمن (ع ع)

(هوالله)

جناب زائر آقا علی آقا علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ای زائر مطاف ملاء اعلی شکرکن حضرت قیوم را که بچنین بخشی موفق ومؤید شدی
که این مسافه پیمانرا بپیمودی وبساحل محیط الطاف رسیدی ودر محفل رحمانی
آمال جوامع مقدسه از رجال وضع رحال کردی ودر انجمن روحانیان حاضر
شدی وبا مشتاقان ومسجونان الفت نمودی قسم بآن جبین منور بنور مبین
اگر بدانی که بچه فضل وجودی موفق گشتی البته از فرح وسرور بر پری وازر
کثرت شادمانی چون ابر بگریی وچون برق وچمن بخندی بشری لک
من هذا الفضل العظیم باری چون بدیار آئی مرور نمائی تکبیر ما ع اینعهد را
برسان وبگو طوبی لکم یا احبآء الله من هذا الفضل العظیم بشری لکم
یا ارقآء الله من هذا الجود المبین لعمرکم ان سحاب موهبة الله تمطر علیکم غیثاً
باطراً

Provided by the Afnan Library

باطلاً مدراراً غدقاً طبقاً والبهآء علی کل من ثبت علی العهد والمیثاق الصراط المستقیم

ع ع) (هوالله)

ش جناب آقا علی آقا اخوی جناب آقا محمد حسن خیاط علیه بهآء الله

(هوالابهی)

اینبندهٔ آلهی انیعبد باکمال خجلت تحریر این نامه پرداخت زیرا جواب شما تاخیر افتاد این قصور برگردن اهل فتور است زیرا از هجوم وشرور مهلت نیابند که عبد البهآء بجواب نامهٔ احبآء برسد ولی انیقدر بدان که دل وجان مشغول ومونس یاد وخاطر دوستانست آنی فراموش نشده اید (ع ع)

(هوالله)

بوشهر جناب آقا مصطفی علیه بهآء الله

الابهی

(هوالله)

اینبندهٔ جمال ابهی شکر حق قدیر را که در ملکوت عزیزش مذکوری و در انجمن

دوستان شهیر وجهی از نور عرفان منور داری ومشامی از رائحه الیقان معطر
واین موهبت مخصوص خواص اهل بصر از بشر قدر این عنایت را بدان والبهآء علیک ع ع

(هوالله)

بوشهر جناب مصطفی علیه بهآء الله الابهی

(هوالابهی)

یا من استنشق رائحة الوفآء اسمع ندآء من نیاجیک بروح وریحان وقل الهی وجهت
وجهی لمن دعانی الی ملکوتک الابهی وذکرنی بآیاتک الکبری وانطقنی بثنائک بین العالمین
وایدنی من ملکوت غیبک ورزقنی مائدة التبتل علی المیثاق (ع ع)

(هوالابهی)

الهی الهی هذا عبدک وابن عبدک تمسک بذیل عطائک وتشبث بحبل ولائک
وقام علی خدمة احبائک ایرب وفقه علی کل خیر فی ملکک وکل خدمتی لحبک
وکل اشتغال بذکرک انک انت الکریم (ع ع)

(هوالابهی)

ایبندهٔ حقیقی حامل قدم خلقت انسانی وخلقت رحمانی جناب شیخ نهایت

رضا مندیرا از شما دارند که در خدمات امر و احبای الهی نهایت همت را دارند
الیوم سرور عالم نفسی بود که بخدمت یاران الهی پردازد و در عبودیت
آستان مقدس قیام نماید و عبودیت حق عبودیت عبادش (ع ع)

(هو الله)

جناب آقا علی آقا من اهل شین رفیق جناب شیخ سلمان علیه بهاء الله الابهی
ملاحظه نمایند

(هو الله)

یا من تشرف بتمریغ وجه تراب التربة السامیه در آستان حضرت
یزدان حاضر گشتی و روی و مویرا بان خاک پاک معطر نمودی و توجه بملکوت
کردی و مبتهل بساحت قدس شدی و در ظل سدرهٔ مبارکه در آمدی پس
بعزمی ثابت و نیتی خالص و توجهی تام و تضرعی و تعلقی و تعشقی توجه بدیار
الهی نما و تبتل بدرگاه حضرت غیر متناهی تا موفق بر خدمت امر الله
و عبودیت احباء الله گردی انیست فضل عظیم و وجود مبین و صراط مستقیم
و نعیم مقیم و موهبت رب العالمین رب ایده هذا العبد علی المیثاق

والتشبات فی عهدک یا مالک یوم انطلاق (ع ع)

(۹)

بواسطهٔ جناب بشیر الهی و آقا میرزا جلال ابن عبد الله زرقانی احبای الهی
جناب مشهدی ابو القاسم جناب حاجی محمد رضای خیاط مرحوم حاجی حسینعلی خیاط
جناب میرزا علی آقا جناب میرزا محمد حسین ابن المرحوم آقا محمد حسن خیاط
ضلع مرحوم حاجی حسینعلی صاحب سلطان ضلع مرحوم آقا عبد الوهاب
صفیه سلطان ضلع حاجی محمد رضای خیاط خانم ماه ضلع مرحوم حاجی حسینعلی
سکینه بی بی ضلع آقا علی آقا ابن مشهدی ابو القاسم خانم نصرت صبیه مشهدی ابو القاسم
خانم طلعت ضلع آقا محمد حسین خانم جمال دو صبایای مرحوم آقا محمد حسن
خانم حیاء و خانم طوبی علیهم و علیهن البهاء الابهی

(هو الله)

ای ثابتان بر پیمان جناب جلال نامهای مبارک شما رانگاشته و نام مبارک
نام شما در آن مذکور فرستاده چون تلاوت نمودم نهایت مسرت یافتم ۷۶
زیرا دلیل بر انجذاب قلوب بود و انشراح صدور الحمد لله رویها نبوده
فرستاده

محبت الله شمع انجمن و خویها از شدت لطافت مانند گل گلشن این دلیل
بر شمول فیض ابدیست و مواهب سرمدی شایان شکر نست ولایش صد هزار
حمد و ثنا لله الحمد انخاندان و دودمان عموماً از صهبآء الست سرمستند
و در خمخانهٔ محبت الله پیاله بدست و می پرست ایپروردگار این نفوس
از ابرار ند و سرمست جام سرشار اشفقهٔ روی تو اند و اوارهٔ کوی تو
و پویان سوی تو فضل و عنایت روا دار و از قید دون خودت برهان
بر عهد و پیمان ثابت بدار و در امرت مستقیم کن و با این عبد در عبودیت
آستان شریک و سهیم نما و علیکم البهآء الابهی ایپروردگار رحمی
از این نفوس بکوی تو شتافتند و سوی تو توجه نمودند و ضیوف
تو گشتند آنچه سزاوار بزرگواری و آمرزگاری درگاه تست رایگان
کن و علیهم البهآء الابهی (ع ع)

(هو الله)

جناب حاجی ابو القاسم جناب آقا محمد حسن جناب حاجی محمد رضا جناب حاجی صفیعلی
جناب آقا محمد کریم جناب رجبعلی جناب آقا محمد جواد جناب آقا علی اکبر

Provided by the Afnan Library

جناب آقا میرزا محمود جناب منوچهر جناب حاجی عبدالله جناب حاجی میرزا افضل الله
جناب آقا میرزا عبدالحسین جناب میرزا علیرضا خان جناب حاجی میرزا محمد افشار
جناب آقا سیف الله جناب آقا میرزا جلال جناب آقا محمد حسین جناب
آقا غلامرضا جناب آقا میرزا اسدالله جناب محمد حسین علیهم بهاء الله
الابهی ملاحظه نمایند جناب آقا داراب بیگ جناب آقا غلامرز

(هو الله)

ای یاران روحانی در این عهد جلیل وقرن عظیم که آفتاب میثاق
چون نیر اعظم آفاق از اشراق ملکوت وجود را منور نموده ومحیط اکبر ۷۷ خط مبارک
امواج فیوضاتش از ملکوت ابهی بساحل قلوب متواصل ونسیم
عنبرین وشمیم مشکین از ریاض الهی منتشر وارياح فلاح از مهب عنایت
متهیج وبشارات الهیه از افق اعلی متتابع بایدیاران ربانی ودوستان
الهی بقوتی ملکوتی وقدرتی جبروتی وعونی الهی وصونی ربانی ولسانی
ناطق وعلوی شاهق وانقطاعی فائق وفیضی عظیم ونوری مبین وجذبی
شدید وولهی لبیس علیه فرید مبعوث گردند چه که این انتساب مدرکاه
الهیه

الهیرا این شئون رحمانی لازم و این اکتساب عبودیت آستان جمال باقیرا
اجتلاب انظار عنایت نا متناهی واجب هر سنبرهٔ که از فیض نیسان رحمت
نصیب برد البته سبز و خرم گردد و هر شجرهٔ که از عین الطاف بهره گرفت
البته تر و تازه شود و هر مشکاة که از انوار جمال رحمانی اقتباس کرد
البته منور و مستضی گردد و این شئون ما به الامتیاز بین الابرار و الاشرار
در جمیع قرون بوده فریق فی الجنة و فریق فی السعیر پس حال باید ما دست
به امان حضرت یزدان زنیم و بر عهد و پیمان محکم شویم و بر صراط
رحمن ثابت و مستقیم گردیم و بعون و عنایت جمال قدیم بکوشیم
و بجوشیم تا مراکز سنوحات رحمانیه شویم و مطالع انوار توفیقات
ربانیه بعروهٔ وثقی تمسک و تشبث نموده جمیع همترا حصر در نشر نفحات الله
نمائیم و جمیع اوقاترا وقف سطوع رائحهٔ ریاض کبریا یعنی تا شرق
و غرب مطمع ایات توحید گردد و جنوب و شمال مهبط اسرار
تفرید وجوه منصرهٔ رحمن مزین شود و صدور منور ایقان و آثار ظهور
در کل مراتب وجود ظاهر و باهر شود و عالم ملکی آینهٔ ملکوت گردد آنوقت

جهان حسنت الهی شود (ع ع) متابعه

(هوالابهی)

قد زیّن اهل الفردوس بامکان القدس تلک القصیدة الفریدة الغرّاء الفصحی التی حریدة تمیمة بدیعة نورآء تلک درّ ناظمها وفلشها وناطقها وثاقب تلک اللیالی المشرة المکنونة والدرر المنضودة المخزونة ولمثله ینبغی ان تنفس نفس الرحمن اذا عسعس لیل الهجران واحاط حنج الظلام وغسق الحرمان من فی الامکان تالله الحق ان الملاء الاعلی یتباهی الیوم بنفس تقوم علی ذکر الله وثنائه واعلاء کلمة الله وبرهانه واظهار قدرة الله وسلطانه ونشر نفحات قدسه التی اذا عبقت تعطرت منها الافاق وعادت الارواح الی اجساد الاموات فیا بشری للمخلصین ویا طوبی للمجاهدین ویا نباها للقائمین ویا حبذا للناشرین وانها شرات نشرا فالفارقات فرقا فالملقیات ذکرا وانی لابتهل تضرعاً وتبتلا الی حضرة رحمانیته ان تقرّ عینی بمشاهدة وجوه نضرة ناظرة الی ربها یستضئ بانوارها ملکوت الوجود من الغیب والشهود

خط مبارک من طلب معلوم نیست

بما توجهت الی شمس الهدی فی الملکوت الابهی واشتعلت
بنار الله الموقدة فی الشجرة المبارکه واستفاضت الانوار
من النیر الاعظم الذی غرب من افاق الامم وهو مشرق
من افقه الاعلی وملکوته الابهی علی اهل البهآء والسلام علی من اتبع الهدی ع ع

من بوشهر

بواسطهٔ جناب آقا علی محمد

شیراز جناب آقا علی اکبر خادم علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای آوارهٔ حق اگر از خانمان دور و از خاندان مهجور و بیر و سامان
شدی ولی در پناه حق ایمنی و در ملکوت ابهی منزل و مأمنی این بیوت
او هن از بیت عنکبوتست هر معموری مطمور گردد و پناه حق اشرف
قصور الحمد لله آن میسور و غیر معسور و علیک التحیة والثناء ع ع

بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهآء الله

شیراز جناب آقا علی اکبر خیاط علیه بهآء الله

هو الله

خط کاتب دورهٔ مبارک

(هُو الله)

۸۰ ایمنبدهٔ الهی الحمدلله آگاهی وگواهی که عبدالبهارا مشاغل وغوائل غیرمتناهی موجود باوجود این ملاحظه نماکه جان ودل چگونه بمحبت یاران در ابتراز است که جمیع کارها را گذاشته بیادتو پرداخته واین نمیقه را وسیله ساخته تا روح وریحان یابی وبفضل واحسان حضرت یزدان برسرور وفرح بیفزائی ذلک من فضل الله ویوتیه من یشآء والله ذوفضل عظیم وعلیک التحیة والثنآء (ع ع) متبسم

شیراز هُوالله بواسطهٔ افنان سدرهٔ مبارکه

جناب میرزا نزرگ جناب مشهدی علی اکبر خیاط علیهما بهآء الله الابهی

خط کاتب دورهٔ مبارک

(هُو الله)

۸۱ ایخادم صادق جانفشان هرچه درخدمت یاران بیشتر کوشی کاسهٔ غبابت بیشتر نوشی وآنچه بعبودیت شان بیشتر پردازی بالاتر پروازی زیرا این مجازقنطرهٔ آن حقیقت است واین عجز ونیاز رابطهٔ قربت آن بنیاز خدمتت مقبول فرحمتت ممدوح ونبذکیت مشهود

ادرکاه

ورد درگاه رب ودود و علیک التحیة والثناء ع ع

(هوالله)

ش شاهزاده محب علی میرزا علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای بندهٔ آلهی یکی از احباب ذکرترا در این انجمن نمود ولبتاشیت لب گشود که محبت دلبر حقیقی گریبانی چاک دارد و تجلی عرفان سینه چون آئینه افلاک این سرگشته کوی آلهی نیز خامه برداشته ونامه نگاشته بلکه نسیمی از ریاض قلوب بوزد ومشام مشتاقانرا معطر نماید پس ای طالب روی حق مشام مستعد نما تا آن بوی جانپرور در دماغ آید وروح حیات تازه یابد والبهاء علیک ع ع

(هوالابهی)

ش جناب شاهزاده محب علیه بهاء الله الابهی

ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

(هو الابهی)

ای محب مطلع انوار محبت را مراتب اربعه مذکور ومشهور اول محبت من الله
الی العبد است آیه یحبهم شاهد انمقام ثانی محبت من العبد الی الرب است
ویحبونه دلیل انمقام ثالث من العبد الی العبد است آیه رحماء بینهم محبت
انمقام رابعا من الحق الی الخلق است فاحببت ان اعرف ثبت این
مآل محبت مظهر نفس الله ومطلع الهام هرچند من العبد الی العبد است
ولی بحقیقت من الخلق الی الحق است چه که من احبه فقد احب الله پس چون
نامت دلالت بر محبت من سمی بعبی فی ملکوت الاسماء دارد امید که بایچه
از لوازم این اسم مبارک وخصائص این رسم مجلل است قیام نمائی
وموفق گردی وآن همت بر نشر نفحات الله وغیرت در نبوت ورسوخ
بر میثاق الله است والبهآء علیک وعلی کل ثابت علی العهد
القدیم ع ع

(هو الله)

ش خباب محب علی میر علیه بهآء الله الابهی

نوامه

(هوالله)

ای محب بهاء نور حقیقت چون در زجاجهٔ احدیت اشراق نمود عاشق و معشوق دست در آغوش گشتند و احدیت حکمش چنان نافذ و قاطع که گوئی معشوق بود نه عاشق یا عاشق بود نه معشوق و اسماء و صفات و تشخصات و تعینات و نسب و اضافات شئون ذات بودند نجوا اشراف بکمال بساطت و وحدت و چون آن نور هویت در زجاجهٔ واحدیت جلوه فرمود اسماء و صفات پدیدار گشت و صور علمیهٔ آنی اعیان ممکنات نمودار گردید پس بکوش و جانفشانی کن و جهد نما و پریشانی تا حقیقت ناطقت و عین ثابت از مقام واحدیت بصحرای دلگشای احدیت توجه نماید چه که سالک در آنمقام از کثرت محویت و فوت فنا از شئون حضرت بیچون گردد و کلمهٔ انا لله و انا الیه راجعون گوید وجود شهود اوست و عبودیت مقام محمود او و انعدام محض غایت مقصود او پس تا توانی پا برا در بندگی استوار کن تا بآزادگی یکانگی پی بری و از بیگانگی بیزار شوی و شب و روز کمر خدمت ببندی

و بیان آیات بنیات بپردازی و کار جهانی نسبازی و با آهنگ ملکوت نغمه پردازی

که حجاب از جمیع ابصار برانداری ع ع

ش ش اه جناب م ح ب علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هو الابهی)

ای محب جمال قدم و اسم اعظم هیکل عالم چون بحقیقت نگری مشابه شخص انسانیت

یعنی قالب جسمانی دائم مبارک و آثار ظهور اعظم مشابه روح حیات در این جسم عظیم ۸۵ خطاب مبارک

و مقاصد اکبر قویم اگر جهان و کیهان باین جان که شئون و کمالات جنان و حشر

رحمن است زنده نبود و باین نفحات الهیه تر و تازه نگشته بود حکم جسم میت داشت

و سمت جیفه و جسد غیر متحرک لطف روحست که هیکل عالم مظهر قوتست

و قوت جانست که این جسم در طریانست ولی چون نشو و نمای کالبد

از فیض جان تدریجیست تا تدرج در مراتب خلقت از نطفه و علقه

و مضغه و عظم و لحم و انشاء خلق آخر و فتبارک الله احسن الخالقین نماید

لهذا هیکل عالم نیز از این روح منعم در بدایت درجات خلقت است

عنقریب آثار باهرهٔ فیض روح القدس الهیرا در این هیکل نورانی بقسمی مشاهده

نمایند

Provided by the Afnan Library

نمایند که عقول حیران و ابصار خیره نگران گردد پس بجان و دل بکوش که تو نیز لهٔ
گوش هوش گردی و بثابهٔ نظر و بصر این عالم اکبر شوی قوای اعظم حیات
باشی و شفای نجات از اسقام و عوارض از ممات در یاق اعظم حب
جمال قدم و داروی اکبر ثبوت و استقامت بر امر مبرم و معجون
قوت و صحت ثبوت و رسوخ بر عهد و پیمان حضرت رحمن است

والبهآء علیک عبدالبهآء ع

جناب محب علی میرزا

(هوالابهی)

یا من حی فواده بنفحات محبت الله قد انشرح الصدور بذکرک فی هذا
المحفل المشکور و المقام المبرور و المحضر المشهور و البیت المعمور فی هذا الیوم
المشهود و لسطت اکف الضراعة متهللاً متبتلاً الی الله ان یفیض علی
حدائق کینونات احبآء الرحمن غمام فضله المدرار و سحاب جوده و الطافه
فی هذا الاوان ع ع

جناب میرزا هدایت الله خان

(هوالابهی)

۸۷. خط مبارک

یامن اشتعل بالنار الموقدة فی السدرة الربانیة نجّ نجّ لک یا ایها الناطق بالثناء و الناشر لشراع الوفاء، الناشر بمن رحیق الولاء، الناظر الی الملکوت الابهی لمشلک ینبغی الیوم اطلاق العنان فی میدان العرفان والجولان فی مضمار الهیمان حتی تجعل الوجوه متوجهة الی الحیّ القیوم فی الجبروت الاعلی والبهاء علیک ع ع

تتمه شد

جناب ملا امیرخان

(هوالابهی)

۸۸. خط مبارک

ای امیر کشور عرفان آن یار مهربان اگر بیدار اراده پرده از رخ یاران حقیقی خویش برانداز د و کشف غطا فرماید آنوقت اهل خیل دلبران بینی که فتنهٔ آفاقند و آشوب و ولوله در جهان مطالع عالم از انوار جمالشان روشن است و مشارق و مغارب امکان از فیض کمالشان گلزار و گلشن اگر باین موهبت الهیه که در انجمن وجود رخ گشوده کماهی حقها اهل عالم واقف گردند خیل عاشقان بینی کف زنان پاکوبان تقربا بنگاه

بشتابند

نشانه (ع ع) نشانه

(هو الله)

خطاب به جناب ورقا

ای بنده الهی تا توانی در هدایت خلق کوش و سقایت بوستان حق نما
بغایت در مزرعه آفاق تخمی پاک افشانده و البته این کشت دهقان حقیقت
جهان را بهشت نماید و این تخم پاک ارض را زینت افلاک بخشد و احبای الهی
در این جویبار آبیارند و آب فیض حضرت پروردگار پس تا توانی آبیاری
کن تا فیض حضرت باری کامگاری بخشد و نور احدیت بدرخشد
و یگانگی علم افرازد و بنیان بیگانگی براندازد محبت عمومیه رخ بگشاید
و جهان آئینه فیض یار مهربان شود و علیک التحیه والثناء ع ع

نشانه

شیراز بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ جناب حبیب الله
میرزا ابن محب علی میرزا علیه بهاء الله

(هو الله)

خطاب به جناب ورقا مبارک

ای نهال باغ محبت الله نامه در نهایت روح و ریحان قرائت گردید و از مضمون
مفهوم شد که خود را مهجور دانی و محروم ثمری و محزون مانی و مغموم هستی زنهار چنین

گمان منما زیرا بپرتو شمس حقیقت مشمولی و با لطاف و عنایت مغمور غریق
دریای الطافی و اسیر روی اند لبدیع الاوصاف فیض هدایت یافتی و فوز
رحمانیت حسبتی و در ظل حضرت احدیت در آمدی جام سرشار محبت الله
نوشیدی و دیدهٔ از ماسوی الله پوشیدی و حلاوت شهد محبت الله
چشیدی و با نچه مدتها آرزوی صفیا بود رسیدی حال آئینه را هرچه جلا
بیشتر دهی پرتو فیض شمس حقیقت بیشتر تابد و فزون تر جلوه نماید من در
حق تو بدرگاه الهی عجز و زاری نمایم و الطاف بی نهایت جویم جمیع یاران
الهیرا تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید تا توانی بهدایت نفوس پردازد
و در تحصیل علوم و فنون الهی بکوشند علیک البهآء الابهی ع ع

شیراز بواسطهٔ حضرت افنان آقا سید حسین ایده الله الموقنه سکینه
والده باقر علیها بهآء الله الابهی

(هو الله)

یا امة الله قد اتتنی الورقة الناطقة بتوجهک الی الله فکونی مطمئنة بفضله
رافته

راضیه بحکمه مرضیه لدیه صابره علی البلآء ناطقه بالثنآء وآنی بملا
السرور اذکرک عند ما اناجی ربی الغفور و اطلب لوالدتک التی رجعت
الی الله ان یکرم مثواها ویدخلها فی نزل کریم ویخلدها فی جنة النعیم
ویشرح صدرها بمشاهدة انوار اللقاء فی مشاهد الکبریآء وابلغی تحیتی
الوافره الی امة الله الباهره فاطمه بی بی ثم القی کلمة التحیة من قبلی علی
امة الله الرضیة رقیه سلطان وکذالک امة الله المنجیه بهیه ثم ضیاء الله
المتربی فی حجر محبة الله ثم ابلغی تحیتی وثنائی واشتیاقی الی رفیع الرفیع
المترنم فی ریاض المعانی طغن بیع زاده الله عرفاناً و شغفه حباً وعلیک
التحیة والثنآء ع ع

(هو الله)

شیراز ورقه موقنه امة الله سکینه بیگم علیها بهآء الله الابهی

(هو الابهی)

ای امة الله محزونه درآنچه گذران فانی بقا بجهة نفسی تمنع ومحال ومجال شبهه وانکار
نه این کاس نصیب هر نفس واین صعود محتوم بر هر وجود کوکب ساطع روح

البته از افق امکان افول نماید و انیسراج وبتاج البته از زجاج اکوان صعود
نماید امریست محتوم وحکمیت معلوم درانیصورت دیری ونزدیکی را
حکمی نه وجوانی وپیری را مدخلی نیست علی الخصوص آن سراج بزجاج عالم بالا
شتافت وآن نجم بافق تقا شتافت وان غنچه درگلشن ابدی
شکفت وآن آواره بوطن اصلی رفت چرا محزون وپریشانی وآشفته
ونالان توجه بملکوت ابهی کن وتوسل بجبروت علی اعلی تسلی تام حاصل
میشود واستراحت قلب میسر گردد ولشکر الله اسباب راحت جان
وآسوده گی میسر میگردد ع ع

(ع ع)

والدهٔ عیال حاجی هوالابهی

ربی ورجائی هذه امتک وبآیاتک وانبیائک ومصطفائک التضرع الیک
واشتاقت جوار رحمانیتک وتاقت الی جمال وحدانیتک ایرب استمدادی حق الطافک
بفضلک واحسانک انک انت الکریم الرحیم ع ع

زوج

(هو الابهی)

زوج حاجی

الهی هذا ورقة حضرة فی ریاض العرفان افض علیها من سحاب رحمتک غیث الفضل والاحسان لتکن ریانة بمیاه الوجود بین اهل السجود یا ذا الجود والامتنان وتصبح متحرکة بنسائم الروح والریحان فی جنة الرضوان (ع ع) متابعه

ابن حاجی

(هو الابهی)

اللهم یا الهی هذا عبد نسبته الی عبدک الذی طرد ونفی فی سبیلک الی ارض السودان ونخل جسمه من شدائد التحرکات الیزان حتی نجیبته بفضلک ارتب هذا انبه اجعله آیة احسانک ورایة امتنانک وسراج حبک ونور محبتک وورد ریاض عرفانک بین بریتک وریحان حدیقة الایمان بک وبایاتک بین خلقک انک انت الکریم متابعه

(ع ع)

شیراز بواسطهٔ حضرت بشیر الهی

جناب آقا میرزا ضیاء الدین

خادم مشرق الاذکار علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

(هوالله)

خط کاتب دلربا رک ۸۴ امینده حق نامه شما رسید مختصر جواب تحریر میگردد بدرگاه احدیت تضرع وزاری شد که آنچه نهایت آرزوی تست حصول یابد میسر گردد وقوه حافظه ترقی نماید حضرت اعلی روحی له الفدا کاری کند رو بنات میل میفرمودند شما نیز متابعت نمائید وعلیک البهآء الابهی (ع ع) مبیضه شد شیراز بواسطه جناب آقا محمدنبی قصاب جناب آقا میرزا ضیاءالدین خادم مشرق الاذکار علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

خط کاتب دلربا رک ۸۵ امینده رحمانا نامه شما رسید الحمدلله خبر هدایت میرزا فرخ خان داشت که آن مشتاق دلبر آفاق راه طلب پیمود تا سر منزل حقیقت پی برد واز نورانیت امر مبارک دیده روشن نمود واز فیض ابدی ساحت خاطرا رشک گلزار وچمن کرد نامه ئی مخصوص بایشان مرقوم شد درجوفست برسانید ولسانش شمس حقیقت پرداز ید که بنور هدایت آفاق قلوبرا روشن نموده ویاران دلیل این سبیل شوند وبادی انبطریق بوالده مهربان امة الله خدیجه ویرادر مهربر ومیرزا بهآء الدین ازقبل من بشرت

تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهآء الابهی ع ع تتمه

شیراز جناب میرزا فرخ خان علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

ای فرخ الهی الحمدلله رخ افرخ نمودی و بنور هدایت روشن فرمودی
سعادت کبری یافتی و میمنت عظمی جستی دیده مشاهدهٔ آیات کبری نمود و گوش
استماع ندای ملاء اعلی کرد دل بدلدار پیوست جان بجانان رسید شایان
هزار شکرانه است و سزاوار نغمه و ترانه پروردگارا آمرزگارا این فرخ از اینجهان
ناسوت بملکوت لاهوت شتافته و از اینجهان نیستی بفضای عالم هستی ابدی
پرواز نمودند زاد و توشه ئی ندارند حرفه و پیشه ئی ندانستند توکل بر تو نمودند
و بعتبهٔ عالیه توجه کردند ای پروردگار بر بخل مؤمن ایشان منت گذار از
خطای آنان بگذر گناه و بیامرز پناه بدهٔ ببارگاه در آر و در دریای
عفو و غفران مستغرق فرما تو ئی غفور و تو ئی ودود و تو ئی
رؤف و تو ئی بخشندهٔ ذنوب و قصور

(ع ع) تتمه

فی کاشف و در مبارک ۹۸

بواسطهٔ جناب زائر درویش روشن جناب ملا قنبر

(هوالله)

خطاب کاتب دوره مبارک

۹۹

۹۸

ایندهٔ حق جناب روشن در این انجمن نور محبت الله مانند شمع روشن شد حال مراجعت بوطن مینماید از من خواست که نامه‌ئی تحریر نمایم و محبت قلبی روحانی تقریر کنم این بسی واضح که قوه جاذبه ملکوت وجود این منقطع و جمیع یاران را در محفل تجلی جمع نمود از یک اشراق منور نجم و از یک نفحه معطر از یک بحر سیرابیم و از یک حرارت پرتب و تاب در این صورت بیان لازم عیانست و واضح و نمایان تو دانی که در این نقطه آلان چه هیجانست و اگر مطلع نیستی از خدا خواهم که واقف گردی

و علیک التحیة والثناء ع ع بتابد

شیراز

هوالله

خطاب کاتب دوره مبارک

۱۰۰

بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهاء الله الابهی جناب آقا میرزا هبار الدین علیه بهاء الله

هوالله

یا من انجذب بنفحات الله قد تلوت آیات شکرک لله علی ما هداک و نجاک و اجاب دعاءک اعلم

ان

Provided by the Afnan Library

ان ربک الرحیم سیشمل لحظات عین رحمانیته کل من الی الله تقلب سلیم ویجعله آیة
الهدا ورایة التقی وشهاباً ثاقباً فی اوج العلی ونجماً بازغاً فی الافق الاعلی ولیلیق
یلیق ان یداوی القلوب والارواح ویشفی النفوس عن مرض الجهل والعمی ویجعل
سبباً لهذه العطیة الکبری والمنحة العظمی معالجة الاجسام مستمداً من فیض الرحمن وتاییده
من العزیز العلام وتحقق لک ذلک اذا انجذبت الی الله انجذاباً تبذل الروح
للارواح والحیات للقلوب فیعالم الاشباح وان کنت تحب التاید العظیم
والموفقیة فی هذا الامر الجسیم تخلق بهذه الاخلاق وهو الانقطاع والانجذاب
والاشتعال والرافة والبثوث والاستقامة والقیام بسر الفدآء اللهم یا الهی ایدّ
هذا المنکسر المتذلل بعتبة قدسک السامیه علی احیآء الارواح وشفآء الاجسام
ونشر آثارک بین الوری واعلآء کلمة التقوی بقوة الهدی انک انت الکریم
العزیز المهیمن المقتدر المحبوب اگرچه آنچه در آن صفحات تا مرمعیشت صعب
وبقدر قناعت کفایت نماید مجرد به نیت نشر نفحات الله ببلاد دیگر عزیمت
نیز جائز ایدک الله وشیدک وعلیک التحیة والثنآء ع ع

شیراز

شیراز جناب ضیاء الدین خادم سابق مشرق الاذکار علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ایثابت پریمان نامه ملاحظه گردید عبارت پرحلاوت بود و دلالت بر استقامت مینمود بامة الله خانم طلعت تحیت برسان و بشارت بموهبت الهی ده تا مسرور سوفور باید و کنیز صبور و شکور ربانی شود از عنایات حضرت خفی الالطاف خواهش آمرزش از برای میرزا بهاء الدین و میرزا آقا و امة الله خدیجه مینمایم ایخداوند بیامرز بهاء الدین را صدرنشین بهشت برین فرما و میرزا آقا را در ملکوت الهی بموهبت کبری سرافراز کن و مرقد امة الله خدیجه را دریچه ملکوت الهی گشا ای آمرزگار این بیچاره گانرا در جوار رحمت کبری ملجاء و پناه ده و این متحیرین را نفردوس برین در آر عفو و مغفرت منبذول دار و فضل و عنایت ارزان کن توئی بخشنده و آمرزنده و مهربان و علیک البهاء الابهی ع ع

۲۲ رمضان ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس

(هو الابهی)

جناب زائر حاجی حسنعلی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

خط کاتب و امضای مبارک ۱۰۱

(هو الابهی)

خط مبارک ۱۰۲

یا من احرم لیطوف بمطاف ملائکة القدس من الفلک الاعلی فاشکر الله ربک علی هذه الموهبة التی هی اعظم فریدة واهی جوهرة تتلألأ فی هامتک العلیا حیث تشرفت بالمثول بمقام هو مخلف الملائکة من الملأ الاعلی و عفرت وغبرت خدودک بغبار هو کحل الابصار و شفآء علة الابرار وبردلوعة الاحرار فیا طوبی لک من هذا الفیض المدرار ویا بشری لک من هذا الشرف الذی تفتخر به بین اهل الانوار ایرتب هذا عبد توجه الی ملکوت رحمانیتک وتشبث بحبل ربانیتک وتشرف بالبقعة المبارکة ایرتب اجعله مشمولاً بلحظات عین رحمتک انک انت الکریم الرحیم (ع ع) مقابله شد

(۹)

امة الله خانم طلعت علیها بهآء الله

(هو الله)

خط مبارک ۱۰۳

الهی الهی ان عبدتک هذه تستر ضیقک بکل عجز وذل وانکسار تبتهل الیک فی خفیات فؤادها ربّ وفقها علی ما تتمنی وارض عنها وایدها علی الاستقامة علی حبک

انک انت الکریم الوهاب (ع ع) ثابت شد

(هو الله)

ورقهٔ مؤمنه خلع عبدالوهاب علیها بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

(هو الله)

ای امة الله هیچ دانی که کنیزی جمال مبارک را چه مقام است و چه درجهٔ احترام
قسم بروی و موی و خوی دوست که تاج و تاج ملکه های آفاقست و سراج ۱۰۴ خط مبارک
زجاج قلوب بانوهای اعظم انیقدر و قیمت در ملکوت ابهی مشهود گردد
و این علویت در افق اعلی واضح شود و البهاء علیک (ع ع)
ثابت شد

(هو الله)

شیراز مناجات طلب مغفرت بجهت راجع الی ملکوت الوجود حاجی رجبعلی خیاط

(هو الله)

رب ورجائی انی مع فرط عصیانی و وفور خطیاتی و کثرة ذنوبی اتضرع الی رحمتک رحمانیتک
وافزع الی فناء عفوک فردانیتک واشفع لعبدک الذی آمن بک وبآیاتک ودخل فی ظلک وظل رایتک ۱۰۵ خط مبارک
وادرک حجتک وبیناتک رب اغفر له خطیئات صدرت منه واعف عنه سیئات وبدلها
بالحسنات

Provided by the Afnan Library

بالحسنات والبسه حلل العطاء وارزقه اللقاء وکشف عنه الغطاء وادخله فی مشهد الجمال

یا ربی المتعال انک انت الرحمن (ع ع) ترجمه

بواسطه حضرت خندلیب علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

جناب حاجی رجبعلی خیاط علیه بهاء الله الابهی

(هو الابهی)

امینده مخلص حق ز فضل جمال الهی کنز ملکوت بجه احتاجها لهذا اتفاق سبب حصول برکت از نیز اتفاق پس تا توانی معاونت یاران نما و اعانت دوستان لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون معاونتی که در حق جناب میرزا عبد الغفار منجری داشتید بسیار محبوب واگر ممکن باشد که از مبرات شما رید و در صورت عدم امکان احوال الی میسره بسیار مقبول والبهاء علیک

(ع ع) ترجمه

(هو الله)

(هوالله)

اخت حرم حاجی رجبعلی علیها بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالله)

۱۰۷ خط مبارک ای امة الله تمسک بعروه وثقی جوئی و تشبث بحبل متین حضرت کبریا آن عروه محکم و حبل وثیق میثاق آلهیست و پیمان حضرت رحمانی بسبب جان و وجدان تمسک و تشبث نما تا بمقام انجذاب رسی و ببارگاه قدس حضرت رب الارباب راه یابی والبهاء علیک (ع ع) متابعه شد

(هوالله)

۱۰۸ خط مبارک فی طلب معلوم نیست ای سرمست جام الست هنگام غروبست ولیکن انوار صبح هدی از مطلع افق ابهی ظاهر و باهر نظر بعالم بالا و ملکوت اعلی کن طلوعی مشاهده کنی که غروب از پی ندارد و بهشاری ملاحظه نمائی که لیلی در عقب نیاید جمیعش طلوع و اشراقست و ظهور و انوار چه که شمس حقیقت مقدس از طلوع و غروبست این طلوع و غروب نظر بعالم خلقت نه حق والبهاء علیک ع ع متابعه شد

۱۰۷ الاقی

(هُو الاسنی)

حرم حاجی حسینعلی علیها بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هُو الله)

ایورقهٔ طیبه انجهان بسی عرصه ننگ و تاریک و آن جهان بغایت روشن و وسیع و نزدیک در طرفة العینی از این اقلیم جسمانی بجهان الهی توان شتافت و از این حبس ننگ بآن عالم پر رنگ تباخت پس تا توانی در فکر انجهان باش نه این جهان و از آن جام سرمست باش نه این ساغر کدر اشام والبهآء علیک (ع ع)

(هُو الله)

دارالاب جناب آقا مشهدی محمد ابراهیم شیرازی جناب آقا نصرالله ولد ایشان علیهما بهآء الله الابهی

(هُو الابهی)

ای دو بندهٔ حق درایندم بدرگاه احدیت باسم اعظم مناجات مینمایم که آن پروردگار این دو نفس نفیس را مونس و انیس ذکرت فرماید و این دو مشتاق را گلستان حقایق و معانی دلالت فرماید این دو ماهی را

بجرعذب فرات هدایت نما واین دوغزال بروحه ترا بچمن
موهبت برسان تو ئی توانا و توئی مقتدر وبینا (ع ع)

(هوالله)

امة الله ضلع حاجی حسنعلی علیها بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالله)

ای ورقهٔ مبتهله شمع روشن است و شهد مکرر و آشنا مدروحانی ربطی
در دست دارد و با هنگ خوش ملکوت ابهی در نغمه و آوازاست
چنگش قوهٔ ملکوتی مضرابش بشارت الطاف جمال غیبی لاهوتی
آهنگش مردگانند در این انجمن اندر رد دوست ایمیحای
زمان بان نفسی گرم برار (ع غ) متابعه شد

بواسطهٔ جناب طبیب آقا میرزا لطف الله هوالله

جناب آقا میرزا محمد باقر علیه بهاء الله

(هوالله)

یا من توجه الی ملکوت التقدیس انی اخاطبک من هذه الناحیة المقدسة المبارکة وانت فی

العدوة القصوی واقول اطلق عنان اللسان بالثنآء علی ربک الرحمن واشکرالله
علی هذا الفضل العظیم بما هداک الی الصراط المستقیم والمنهج القویم
واستزد فیکل ان وحین من فضل مولاک القدیم والحمدلله رب العالمین ع ع

(هوالابهی)

جناب آقا محمد کریم علیه بهآء الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

ای ناظر بملکوت ابهی حضرت فنان در مکتوب خویش ذکر انجناب نموده
وخواهش تحریر این صحیفه کرده که ذکر انجناب دراین انجمن گردد وبیاد آن مشتعل
نار محبت الله مشغول گردیم انیقدر بدان که درجمیع احیان مذکور بوده وهستی
ودر آستان مبارک مستدعی نزول الطاف وعنایت درحق آن منجذب
نفحات ریاض احدیت بوده وهستیم واز فضل عمیم وکرم
جلیل مستدعی هستیم که چنان سرمست صهبای محبت الله گردید
که آتش بقلوب اهل امکان زنی وشعله درحقیقت اکوان افکنی وولوله دراین ارض
وسما اندازی وبحر عالم را بموج آری واوج ملکوت اعلی گیری وچون بملکوت

ابهی شتابی رخ برافروزی وچشم روشن بازکنی ومظهر الطاف بیپایان
گردی ومهبط طبقات انوار شوی واینمقام بثبوت برعهد وپیمان الهی
میسر گردد وتمسک بعروهٔ وثقای رحمانی حاصل شود (ع ع) مشابه
ش خطاب حاجی رجبعلی علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

ای آشفتهٔ روی دوست در اینچهان بسا عاشقان رخ رنگین
وموی مشکین ولعل نگین که پرتوی از فیض جمال مبین است پدیدار
ورسوای کوچه وبازار شدند جان فشانیرا راحت جان یافتند
وبیمرو سامانیرا مسرت وجدان ذلترا عزت کبری دانستند
ومصیبت ومشقت را موهبت عظمی تو که خریدار جمال یوسف آلهی
وسودائی وشیدائی معشوق حقیقی آیا باید چگونه پاکباز وجان فشان
وبیباک وقربان وحیران وبیمرو سامان ورسوا وشیدا واسیر
وحقیر درسبیل جانان باشی ولی کار بسیار مشکل وپا بادرگل است
مگر آنکه ملکوت ابهی مدد فرماید والبهآء علیک (ع ع)

(هوالله)

همشیرهٔ جناب آقا علی ضلع حاجی محمّد رضا ایضاً امة الله طلعت امة الله
ضلع اخویشان امة الله ضلع حاجی رجبعلی امة الله ضلع آقا عبد الوهاب
امة الله ضلع حاجی غلامحسین علیهن بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالله)

ای آمار رحمن در هر کوری از مطالع مقدسه چند نسآ منجذبه از مرقد عالم
طبیعت مبعوث شدند و در محشر روحانیت عظیمه محشور جام سرشار صهبای
هدایترا از ید ساقی عنایت نوشیدند و تائیدات الهیه را از مظهر آثار قدرت
ربانیه گرفتند پس بانطق فصیح و بیانی ملیح و شوری یزدانی و شوقی رحمانی
در قطب عالم منتشر گردیدند پس ملاحظه فرمائید که در عهد مظاهر
شمس حقیقت چه است و این عهد عهد سلطان احدیت که ذرات
موجودات در شور و شوقند و سرور و ذوق پس ورقات سدره
باید بشئونی و آثاری و اطواری و انجذابی و اشتعالی
و بیانی و روحی و فتوحی و تمکن و شور وحی مبعوث گردند که قوت و نفوذ

وآثار وانوار ایشان بر ورقات سائر دوریا فائق آید وانمقام عالی وعزت
قدیمه میسر نگردد شعلهٔ ناریابد که سبب اشتعال شود انوار ساطعه شاید که عالم روشن کند
فیض ابر و باران لازم تا چمن و دمن سبز و خرم گردد ای آهاز آرمن
بکوشید تا چون مردان در این میدان چوگانی زنید و گوئی بربائید قسم
بجمال قدم که جنود ملکوت ابهی چنان تائید نماید که در مضمار عرفان صفوف
وصف شکن گردید و قوت تائید شما را بر جمال عالم غالب گرداند و این
فیض مبثوث و رسوخ بر عهد و پیمان حاصل گردد (ع ع)

شیراز جناب میرزا محمد باقر شیرازی علیه بهاء الله

(هو الله)

ای حبیب روحانی نامهٔ مشکین ملاحظه گردید پریدون ان یخمدوا نار محبة الله
بالبهتان العظیم فتزداد التهاباً وتأججاً واشتعالاً در قرآن میفرماید کلما اوقدوا
ناراً للحرب اطفأها الله باری شما مطمئن بفضل وموهبت حق باشید آن
رکب یوید المخلصین باعمال نتیشه بها نفحات الله ولکن الخاسرین
فی خسران مبین (عبده العباس عباس)

هو الله

(هو الله)

شیراز جناب میرزا محمد باقر هشیار علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای هوشیار بیدار سروش یار بود که بهوش آمدی و ندا بگوش رسید سمع اصم
البته ندای الهی نشنود و نطق ابکم مثنا آر بانی نپردازد الحمد لله قوهٔ سامعه
شدید بود که اذن صاغیه کلمه الهی استماع نمود حمد خدا را از سرگردانی نجات یافتی
و بمرکز هدی التجا نمودی البته پی در پی کشف اسرار گردد و واقف بآثار شوی
و بشک استار نمائی و غلبه سر آشکار شود محو الموهوم گردد و جمال معلوم
جلوه نماید امیدم چنانست که یوماً فیوماً ترقی نمائی تا بجوهر مقصود
رسی و غنای حقیقی یابی و بگنج روان پی بری و بحجج و برهان نمائی و دلیل
جلیل اقامه کنی سؤال از لوح زبرجدی و لوح محفوظ نموده بودی این
لوح زبرجدی کتاب عهد است و لوح محفوظ است که محفوظ بود و مکنون بود
ظاهر و آشکار گردید و در بواطن کتاب عهد لوح زبرجدی مندرج و مندمج است و علیک البهاء الابهی

عبد البهاء عباس

۲۰ جمادی الاولی ۱۳۳۸ حیفا

مقابله شد

حفظ کتب و اوراق دوستان مبارک باید

۱۱۷

(هوالابهی)

ش جناب الشیخ بهائی علیه بهاء الله الابهی

(هوالابهی)

الیسراج وتاج انیدم بوی جانبخش حدائق ملکوت قدم مشام روحانیانرا چنان مشکین
وعنبرین نموده که بی اختیار رقلم برداشته وبیاد آن یار مهربان پرداخته که شاید از
الفت قلب وروح وشمامه نفحات انس قدیم بساحت دل وجان یاران محفل
رب کریم رسد وحقیقت فؤاد از قیود هجران وحرمان برهد وحجاب مرتفع گردد
وپرده برافتد وگرفتار فراق خویشرا در وثاق بیند ومبتلای هجران خودرا در جنت رضوان
مشاهده نماید این مراتب فصل ووصل وبعد وقرب عنصری ابداً حکمی
نداشته بلکه وصلت حقیقت روح چون میسر گردد حکمش چون روح در عروق
وشریان سریان کند وحجاب کلی زائل گردد وجمال وصال
مشهود وآشکار شود والبهاء علیک وعلی کل ثابت علی المیثاق

(ع ع)

(هوالله)

Provided by the Afnan Library

(هوالله)

ش جناب بهاء الدین و نور المخلصین المنتسب الی من استقر فی اوج العلیین

(الله ابهی)

یا من توجه بکلیته الی ملکوت الابهی تالله الحق ان علیاً من الملاء الاعلی ینادیک
و یخاطبک بصوت جهوری و یقول البشری یا روحی و سبب سروری و مورث
حبوری بما حفظت حقوقی و استمعت لوصیتی و ثبت علی المیثاق و تنورت
بآیة الاشراق و انتبذت من اهل الشقاق البعد عدوة فی الافاق و توجهت
الی النور المهود و استظللت فی الظل الممدود و ثبت و نبت و خطوت و صوت
الی الجمال المجلل بسحاب الغیاب (ع ع)

(هوالابهی)

ش ورقه طیبه موقنه تقیه من عرج الرفیق الاعلی امة الله صبیه الشیخ علیها بهاء الله

(الله ابهی)

ای امة البهاء علیک الثناء یا تقیة تلک النفس القدسیة المتصاعدة الی الله البشری

بمواهب ربک و افرحی بفضل مولاک القدیم توجه الی ملکوت ربک الاهی و ناجی مولاک و قولی لک الحمد یا نور السموات و الارضین بما خلقتنی من صلب من شرحت صدره بانوار التوحید و اعلیت درجته فی العلیین و جعلتنی بضعة منه تذکارا منه بین العالمین و نورت وجهی بین امائک یا مقصود العارفین الهی ایدنی و ضحیی علی خدمة امرک و التبتل الیک و التضرع الی باب احدیتک و وفقنی علی التضجع فی محافل امائک بنعتک و ثنائک و نشر تفحاتک انک انت الکریم الرحمن الرحیم

(خ ع)

ای امة البهاء تمسک بذیل کبریاء جو و تشبث بعروهٔ وثقی و توکل برخدا کن و شب و روز در ترویج امرالله باش چه که ایام بسرآید و حیات دنیا بپاید و اعتماد نشاید عنقریب فانی گردد و چون سراب بقیع شود پس در آنچه علو و سمو در ملکوت ابهیست بکوش تا نجم بازغ گردی و کوکب شارق آیت باهره شوی و رایت شاهره چو نور مبین گردی و طبوهٔ آثار علیین و البهاء علیک

و علی کل ثابت مستقیم ع ع

بلغی تحیتی الی الامة التی هی من لقبة امرالله مناک و کذلک الامة الاخری التی تنتسب الی جناب

احمد علی الیزدی والبهاء علیها ع ع

نسئل الله ان یهیأ اسباب تشرفک بالعتبة السامیه انه لعلی کل شیئ قدیر والبهاء
علیک (ع ع) مقابله شد

شیراز امة الله المنجذبه ضلع بهاء الدین صبیهٔ شخص جلیل حضرت شیخ علی میرزا
علیها بهاء الله الابهی (هو الله)

ای ورقهٔ طیبه وامة الله المهین القیوم پدر بزرگوارترا در این جهان یادگار
گذاشت همواره در خاطری و در این محضر حاضر مطمئن بفضل و موهبت جمال الهی باش ۱۲۱
و معتمد برحمت و رعایت عبدالبهاء از درگاه احدیت طلب مغفرت بجهت
متصاعدین الی الله گشت واز آستان جمال مبارک استدعا نمایم که باچه
نهایت آرزوست مؤید گردی و حسن خاتمه محقق و متصرر شود و انجال مظهر
رضای حضرت پروردگار گردند و جناب بهاء الدین مقبول درگاه علیین
گردد و علیک البهاء الابهی ع ع عبدالبهاء

(هو الابهی)

ش الورقة الطیبة الزکیة انبة من صعد الی الرفیق الاعلی عالیه خانم ضلع الشیخ بهائی ۱۲۲

علیها و علیها بهآء الله الابهی هو الابهی البهآء علیک ایتها الورقة
المهتزة من نسیم ریاض الابهی المستبشرة من نفحات غیاض الافق الاعلی
الخائضة فی حیاض انجنة الماوی لقد ثبت وظهر ظهور الشمس فی رابعة النهار
بانجذابک الی ملکوت الاسرار و اشتعالک بالنار الموقدة فی سدرة العز
الجبار انک نضعة ذلک البطل الرشید وفلذة کبد ذلک السری المجید
ومن عنصر روحه الشدید وذریته التی تبابی بها فی ملکوت الابهی وتنشرح بها
صدراً فی لاهوت البقآء وتخاطبک من الملکوت الابهی بوجه متهللاً کالکوکب
الضحی وتنادی باعلی النداء احنت احنت یا بضعتی وقطعة کبدی ونور بصری
بما وفیت بالمیثاق واقتبست الانوار المشرقة علی الافاق وثبت قدمک
علی الصراط وشربت کاساً دهاقاً فی محفل الاشراق والبهآء علیک
وعلی کل ثابت وثابتة علی امر الله ومتشبثة بالعروة الوثقی (ع ع) (ذ ق)
شیراز امة الله المقربة ضجیعی من ادرک لقآء ربه فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر شیخ علی میرزا
ضجیع شیخ بهآء الدین علیها بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای بیدگار

۱۲۳ ای یادگار آنشخص جلیل پدر بزرگوار معدن اسرار بود و مهبط انوار در ساحت اقدس مقرب بود
و در ایمان و ایقان ممتحن و مجرب نظر عنایت حق از هر جهت شامل بود و موهبت
کامل حال تو یادگار آن بزرگواری واضحست که چقدر مقربی از صعود میرزا نصرالله بهائت
حزن موجود ولی تسلی خاطر بانیست که آنظیر چون باوج اعلی پرواز نمود باز اشهب
گشت و عقاب اعظم گردید و آنقطره چون از خیر امکان بگذشت بفضای
لامکان شتافت بحری بیپایان شد مطمئن باش که غریق بحر غفرانست و در حق
تو از درگاه الهی تائید ربانی طلبم تا در جمیع شئون مظهر فیوضات نامتناهیه گردی
و علیک البهآء الابهی ۲۹ ربیع الثانی ۱۳۳۸ عبدالبهآء عباس

۱۲۴ شیراز جناب احمد ابن بهآء الدین صبیه زادهٔ من صعد الی الله شیخ علی میرزا بهآء الله
علیه

الابهی (هوالله)

خط کاتب و امضا مبارک ای یادگار آنشخص جلیل ورق مسطور ملحوظ و منظور گردید الحمدلله چراغی
در آنخاکدان روشن گشت و از سلالهٔ آن نفس مبارک موفق بهدایت پیدا شد
جد بزرگوار قلبی پر از انوار داشت و مشامی مشکبار و جانی مستبشر بفیض حضرت
پروردگار در ساحت اقدس مذکور بود و در آستان مبارک مقبول از قلم مسطر

Provided by the Afnan Library

بکرات ومرات ذکر آنجان پاک استماع شد حال تو باغ آمال او را نهال تازه وتر گرد
وگلشن آرزوی او را گلی لطیف وطری باید بجان بکوشی تا آن گلشن را روشن کنی
وعلیک البهآء الابهی عبدالبهآء عباس

(هوالله)

۱۲۵ ش ورقهٔ سدرهٔ مبارکه امة الله والدهٔ آقا میرزا هادی علیها بهآء الله الابهی

(هوالابهی)

خط مبارک ای ورقهٔ مقدسهٔ مبارکه صد هزار ملکه های آفاق آرزوی جاروکشی آستان اولیا
داشتند وفائز نشدند وتو از اوراق سدرهٔ مبارکه محسوب ومعدودی ملاحظه کن
که بچه فضلی فائز شدی پس شکرانهٔ الطاف حق در تقدیس وتنزیه وعرفان وایقان
آماء رحمن بکوش (ع ع)

(هوالابهی)

۱۲۶ ش ورقات مطمئنات آماء الرحمن علیهن بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

۱۲۶ خط مبارک ای آماء رحمن وورقات طیبهٔ موقنهٔ مطمئنهٔ بفضل یزدان هزاران هزار دخیران

بشهر ماران

شهریاران ونبات سروران وزبرگان ترک پرنده وپرنیان نموده واز آسایش وراحت
جان وکام دل وآلایش گذشته واز پدر ومادر چشم پوشیده واز هر شادمانی
وخوشی وکامرانی منقطع گشته ولباس رهبانیت دربر کرده راهبه گردید وشب
وروز را بعبادت وریاضت وخلوت وضراعت گذرانده که شاید مشاهده
پرتوی از نور حقیقت نماید ودر حسرت این موهبت جان بداد وبلمعه از انوار
شعله طور فائز نگشت حال شما شکرانه قیام نمائید که الحمدلله نجوم این نور مبین
را طالع از افق جبین دارید وظهور این آثار باهره را در حقیقت زاهره دارید
والکلیل این نعمت را برفرق مطالع محبت الله هستید ومشارق موهبت الله
والشآ آیات الله ناشرات هدایت الله وشکر این فضل عظیم تا ثبوت ورسوخ
برمیثاق الله بقسمیکه باید چون جبال راسیات ثابتات باشید ومقاومت
طوفان اعظم نمائید وچنان مشتعل ومتوقد ومنجذب گردید که جمیع نفوس را
منقلب نمائید در آستان مقدس حضرت دوست آماء الرحمن بذکر شما مشغول
ودعای تائید مألوف والبهآء علیکن یا آماء الله (ع ع)

ظهر پاکت (۹)

اینجانب کلمه خط مبارک

شیراز آمار رحمن علیهن بهاء الله الابهی بواسطهٔ ورقهٔ مبارکه امة الله والدهٔ آقا میرزا هادی افنان بواسطهٔ آقا میرزا هادی

شیراز آمار رحمن امة الله والدهٔ مرحوم اسکندرخان ضلع جناب افنان مرحوم آقا میرزا آقا باصبیه شان طوبی خانم امة الله ضلع جناب شیخ بهائی صبیهٔ شان منیره خانم عیال آقا میرزا بزرگ باصبیه شان روح انگیز خانم عیال جناب میرزا محمد صادق خاور باصبیه شان میرزا بیگم سه همشیره زاده های مرحوم حاجی ملا کاظم نصرآبادی خانم بهتری خانم شریعت طناز خانم عیال جناب غدلیب باصبیه شان نورا خانم و عیال برادرش بهیه خانم صبایای جناب میرزا نصرالله علیه و عالیه فالهٔ جناب ملا احمد علی والده رحمت همشیره زاده والدهٔ رحمت عیال حاجی حسینعلی صبیه حاجی محمد رضا خیاط جمالیه خانم فاطمه خانم مریم سلطان سلطنت طلعت عیال حاجی حسینعلی میرزا بیگم منیره عیال جناب عبدالوهاب صبیه آقا محمد حسن خیاط حیا صبیه آقا محمد جواد علیا صبیهٔ مشهدی ابوالقاسم طلعت خانم حاجی بیگم خیاط مادر رحمت ورقهٔ مبارکه امة الله والدهٔ آقا میرزا هادی افنان

بهو الله

(هو الله)

یا آمار الرحمن از قرار مسموع محفلی آراستید و بخدمت آستان مقدس برخواستید طوبی
ثم طوبی که در عصرت بذکر حق پرداختید و در اینمیدان بجان و دل شتافتید
تا منزل مقصود رسیدید و بستر وجود پی بردید و جمال موعود یافتید و حقیقت شهود
ادراک نمودید پرتو انوار شمس حقیقت فائض و الطاف جمال مبارک
شامل حال مؤمنات و موقنات در هر دمی موهبتی جلوه نماید آمار رحمن باید
فرصت این ایام را غنیمت شمرند و هر یک جهدی نماید تا بدرگاه رب اله
تقرب جوید و استفاضهٔ فیض از مبدء وجود کند خالق پیدا کند
و بقوتی مؤید گردد که هر شخص ذلیل را بمجرد القاء کلمه نفس عزیز کند و محروم را
محرم لاهوت نماید و مایوس را امیدوار نماید و بی نصیب را از موهبت کبری
بهره و نصیب دهد و جاهل نابینا را دانا و بینا کند و غافل کاهل را بیدار
و هوشیار نماید انیس صفت آمار رحمن انیست شیم کنیزان
درگاه کبریا ایورقات موقنات در صفحات اوربا و امریکا آمار رحمن گوی
سبقت و پیشی از میدان رجال ربوده اند و در تبلیغ و نشر نفحات الله

ید بیضا نموده اند عنقریب مانند طیور ملا اعلی در اطراف واکناف دنیا پرواز آیند
و هر نفسی را هدایت کنند و محرم راز گردانند شما باکه ورقات مبارکه
شرقید باید پیش از انان شعله زنید و بنشر نفحات الله پردازید و ترتیل
آیات الله کنید پس تا توانید بنصایح و وصایای جمال مبارک قیام نمائید
تا جمیع آرزوها میسر گردد و آن جو پبار و چمن گلشن احدیت شود
و علیکم و علیکن البهاء الابهی (ع ع)

(هو الله)

۱۲۸ ایدوستان جمال ابهی اگر بدانید که انخطاب چه قدر عظمت و مخاطبها
چه قدر عزیز البته از کمال سرور و حبور مانند طیور پرگشائید و در این اوج
موهبت کبری پرواز نمائید زیرا انخطاب عنوان ملا اعلی است و این عنوان
موهبت ملکوت ابهی چه قدر باید احبا از انخطاب مسرور و مشعوف
و پر انجذاب گردند عنقریب پرتو انحقیقت بر جهان تابد و روشنائی
کونین گردد فسوف تری المخلصین فی فرح عظیم حیف صد حیف که بیهوشان
از بشارات امیر وش بیخبرند و بیوفایان از این موهبت بی نصیب و بشر

(خط حضرت ولی امر الله و در مبارک (غصن) می طلبد معلوم میشود)

Provided by the Afnan Library

این تاج و با حجرا بجوی فروختند و این اکلیل جلیل را بنار غفلت سوختند
یا حسرةً علیهم بما بدلوا نعمة الله علی انفسهم و کانوا قوماً شریرین
و علیکم التحیة والثناء ع ع

بواسطهٔ شوقی افندی شیراز ورقهٔ مبارکه سدرهٔ رحمانیه زیور سلطان علیها
بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای ورقهٔ سدرهٔ منتهی مدتی بود که راه مقطوع بود و ابواب مسدود لهذا
نگارشی نشد ولی قلب و روح بذکر شما مشغول و از الطاف بیپایان حضرت
مقصود رجا میگشت که در صون حضرت احدیت مصون و در سایهٔ الطاف محفوظ
باشید امة الله ضیا در این ایام زفاف بحضرت محمود شد الحمدلله تمام سرور
اقتران و سور حصول یافت بسیار بموقع واقع شد و این از حسن نیت انورقهٔ مبارکه
گشت از الطاف الهی امیدوارم که در نهایت ائتلاف با یکدیگر زندگانی نمایند
بحضرت فرع سدرهٔ منتهی جناب آقا سید حسین از قبل من تحیت محترمانه
برسانید و همچنین سایر یاران و آماء رحمن را علیک بهاء الابهی (عبدالبهاء عباس)

۱۲۹ نسخهٔ خط حضرت ولی امرالله و امضاء مبارک

شیراز امة الله زیور سلطان علیها بهآء الله الابهی

(هوالله)

یا امة الله من الله روحة المبارکه اگرچه سالهای چند است بیک وپیامی از بقعهٔ مبارکه بان اقلیم رحمانی نرسیده ولکن همیشه تبتل وتضرع بعتبهٔ مقدسه مینمودیم وتائید وتوفیق میطلبیدیم تا احبآء الله وآماء رحمن درصون حمایت حق از سهام شبهات محفوظ ومصون مانند وثابت ومستقیم بردین الله الحمدلله فضل شامل شد وقوهٔ ملکوت ابهی معجزهٔ کبری نمود که جمیع طوائف وامم درنائرهٔ حرب سوخته وبنیانهای عظیم برافتاد ولکن انیخرب مظلوم درجمیع آفاق درصون حمایت رب المیثاق درنهایت روح وریحان باقی وبرقرار جمیع آماء رحمن را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید حسین را احترامات فائقه ابلاغ نمائید وعلیک البهآء الابهی

عبدالبهآء عباس ۳ اذار ۱۹۱۹

شیراز بواسطهٔ جناب تیرانداز جناب آقا محمد صادق جهرمی علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

آینهٔ صادق حق جناب تیرانداز نامهٔ شما را پرواز داد تا بدست انعبد پرعجز و نیاز رسید مضمون مشحون ببیان ایمان و ایقان بود و برهان ثبوت و استقامت برامر حضرت رحمن طوبی لک ثم طوبی و یا فوزاً لک من هذا البشارة الکبری طلب غفران از برای پدر مهربان گردید تعیین بدان که از فضل جمال مبارک مرحوم و مغفور خواهد بود زیرا پور غیور در نهایت تضرع و ابتهال است و بجناب استاد رضا تحیت ابدع ابهی برسان و جناب درویش ابن شهید ابلاغ دار یوم بعثت حضرت اعلی و یوم هفتادم نوروز و روز بیست و هشتم شعبان و یوم اول محرم و یوم ثانی محرم و یوم نوروز و سیزدهم روز رضوان اشتغال باموری مهم است و علیک البهاء الابهی

(ع ع)

۱۳۱ خط کاتب دور مبارک

بواسطهٔ جناب قابل جناب رضا قلیخان علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای مهتدی بنور هدی هرچند مرا مجال مفقود و با وجود این بذکر تو مشغول شدم
تا وجد و سروری یابی و بشکرانهٔ الطاف حضرت یچون پروازی که بدرقهٔ ۱۳۲
عنایت رسید و نور هدایت درخشید و در شبستان دل و جان
سراج موهبت رحمن روشن گردید از الطاف حضرت احدیت امیدم
چنین است که روز بروز آن نهال تازه نشان حدیقه هدی برشحات
ابر الطاف نشو و نما نماید و شکوفه و ثمر رسد و علیک البهآء الابهی

(ع ع)

هو الابهی ط ابن من صعد الی الله جناب آقا حسینعلی علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هو الابهی)

ای مشتعل بنار موقده و سدرهٔ ربانیه جناب ابوی چند سال بود که در جوار جمال قدم ۱۳۳
پناه یافته و در ظل سدرهٔ منتهی آرمیده و از کاس قرب سرمست و مخمور شده و بفیض

اعظم مخصوص گشته مدتی مدیده در اکثر اوقات از موائد قربیهٔ الهیه محظوظ بود
واز شراب وصل مخمور و مجلس اخلاق و اطوار و احوال و اعمال دربین احبای
آلرحمن مخمور و مشهور جوهر سکون بود و سازج محبت جمال قیوم از نفحهٔ قدس
عرفان دماغی عطرناک داشت واز عشق جمال ذو الجلال کریبانی چاک در شب
و روز بذکر حق مشغول بود و بنسائم روح مأنوس و مشعوف چشمی روشن داشت
و جانی چون گلزار و چمن تا انکه مصیبت کبری و رزیهٔ عظمی رخداد جمیع کمر ما
شکست و عظمها رمیم شد دیده ها نابینا شد و لسانها گنگ و لال گردید
جگرها خونشد و دلها پاره پاره و محزون آن متذکر بذکر الله چنان از حرمان
و هجران برآشفت که در اکثر اوقات حیران و سرگردان بود عاقبت حرقت
فراق چنان شعله برافروخت که تب دائمی و حمای مطبقهٔ مستمری عارض شد
در مدت بیماری در جمیع اوقات بذکر آنی مشغول بود و در شدت حرقت و
حرارت تب بیاد حق سیراب و پرمسرت بود در نهایت زیادتی مرض و علت
در بستر صحت و راحت آرمیده بود و هر نفسی بعبادت میرفت آثار منتهای
مسرت در بشره و طلعتش مشاهده میشود تا انکه خندان و شکرخوان

باکمال شباشت وبشارت بافق اعلی وملکوت ابهی شتافت طوبی له وحسن
ماب لشه می له ونعم الثواب عزاً وشرفاً وفخراً وسروراً له من بذالایاب
والبهاء علیک یاتذکار ذلک الجناب عبدالبهاء ع

بواسطه بشیر الهی

جناب آقا حسینعلی سلیل مرحوم آقا محمد جواد مهاجر اصفهانی وامة الله خرم محترمه علیهما بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای سمی محبوب آفاق وای امة الله المقربة نامه شما مضمون بدیعی داشت وسبب سرور
جدیدی گشت که الحمدلله در امر الهی ثابت ومستقیمید ودر عبودیت آستان جمال
مستدیم ودر ظل عنایت مستریح از عدم فرصت مختصر محرر میگردد سلیل ثانی
خویش را نام جد بزرگوار نهید وصبیه را خدیجه نامیست مبارک وعلیکما البهاء الابهی

(ع ع)

بواسطه جناب آقا میرزا طراز وآقا میرزا علی اکبر

جناب محمد حسن خان علیه بهاء الله الابهی

۱۳۴ فصل کاتب دو مبارک

(هو الله)

خط کاتب دور مبارک ۱۳۵

ای ثابت بر پیمان الحمد لله نطقی فصیح داری و بیانی بلیغ قلبی طیب و طاهر و جانی مستبشر بملکوت باهر توجه بجمال ابهی جوئی و تشبث بذیل کبریا طلبی لعمری بیان که چنین نفوس موفق و مؤیدند باری توجه بملکوت ابهی کن و نصرت و فتوح از حضرت کبریا طلب تا ابواب گشوده یابی و در کهف حفظ و حمایت الهی آسوده گردی حضرت منصور را مسرور کن و بشارت فضل موفور ده که رب غفور مؤید حضرت منصور است و علیک البهآء الابهی (ع خ)

بواسطه حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا سید میرزا علیه بهآء الله

جناب محمد حسن خان علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

خط کاتب دور مبارک ۱۳۶

ای یار حقیقی عبد البهاء مضمون نامه مسرور نمود زیرا دلالت بر شعله نور هدایت مینمود که در زجاج دل و جان افروخته و نفحهٔ ریاض معانیش بمشام رسید الحمد لله آن قلب مشکاة محبت الهیست پس از هجوم بیگانه و خویش مندیش بلکه صبر و تحمل پیش گیر العاقبة للمتقین خویشان بیگانه عنقریب آشنا شوند و پشیمان گردند و با ایمان و ایقان آن

سرمست صهبای محبت الله افتخار کنند و مباهی شوند تفکر در حال پیشینیان نما
حقیقت جلوه نماید و عاقبت آشکار گردد اولاد و احفاد از آباء و اجداد گنه کار
بیزار شدند و از نسبت آنان ننگ و عار داشتند عنقریب خواهید مشاهده نمود
که عزت ابدیه در دنیا و آخرت بعبودیت آستان مقدس است و علیک التحیة والثنا ع

(ع ع)

بواسطهٔ آقا میرزا عزیز الله خان زائر

جناب منصور السلطنه و جناب محمد حسن خان وامة الله المنجذبه والده ایشان علیها و علیهما البهاء الابهی

(هو الله)

ای مظاهر تائید الهی امروز قرن عظیم جمال مبین است و روز تایید و توفیق حضرت ۱۳۷
رب العالمین مقربین درگاه الهی همواره آرزوی چنین روز مینمودند و نفوس مقدسه
در ایام قدیم تمنای ساعتی از این عصر رحمان و رحیم میفرمودند حال الحمد لله که آن دوستان
آزادگان در این ایام بالطاف حضرت یزدان مؤید پس باید از مشرق عرفان
چون مه تابان بدرخشند و سبب تربیت نفوس و بزرگواری نوع انسان گردند
جهان از نادانان مانند شب تار تاریک است باید مردان میدان چنان پرتوی

۱ الف دارند

برافروزند که این ظلمت ضلالت مبدل بنور هدایت گردد و نفوسیکه مانند
بهائمند تربیت الهی چنان پرورش یابند که مدار افتخار و مباهات قبائل عالم گردند
اخلاقی بجوئید که جهان از نفحه اش معطر گردد و رازی بگوئید که جان و دل زنده شود
و راهی بپوئید که بسر منزل مقصود رساند و علیکم البهآء الابهی ع ع

شش ورقه مبارکه (هو الله) والده جناب آقای حضرت حاجی میرزا علی اصغر آقا ابن آقا میرزا آقا

ایورقهٔ مبارکه اگرچه آن کوکب نورانی از افق امکان افول نمود ولی از مطلع لامکان ۱۳۸
طلوع فرمود آن بلبل گلشن الهی در حدائق رحمانی آغاز نغمه نمود آنشاخ
مبارک بسدرهٔ الهیه متصل گشت و آن جوی دلجو بدریای حقیقت ملحق شد
آن ماهی لب تشنه بدریای وصال پی برد و آن طوطی شکرشکن بشهد وفا
مکرر رسید آن عاشق دل سوخته بمعشوق رخ افروخته واصل شد و آن حبیب
نجیب بمحبوب دلفریب نصیب لقا یافت پس محزون مباش و مغموم مباش
و افسرده و پژمرده مگرد از خدا بخواه که تا بی باخلاق او نمائی و در عهد
و میثاق چون او ثابت گردی ع ع

حضرت افنان شجرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا علی را تکبیر ابدع احلی ابلاغ فرمائید

از عنایات خاصهٔ جمال مبارک سائلیم که در جمیع شئون موفق باشند

(هو الله)

ش ورقهٔ مبارکه والدهٔ جناب آقا میرزا علی افنان علیه بهاء الله الابهی

(هو الابهی)

ای ورقهٔ طیبهٔ روحانیه تا توانی بکمال قوت بسدرهٔ الهیه تمسک جو تا نسبت قدیمیه
وتعلق ابدی وتحقق سرمدی حاصل گردد دست بدامان میثاق زن واز رب
الاشراق طلب تایید نما تا از تزلزل واضطراب محفوظ مانی ع ع

بواسطهٔ جناب آقا سید مهدی امة الله رخشنده علیها بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای رخشنده نهال محبت الله تابنده باش ودرگلشن معرفت الله سازنده وخواننده
شو تا حلقهٔ آمار حمن را زینده گردی وبحیات ابدیه پاینده شوی وعلیک
البهاء الابهی عبد البهاء عباس

بواسطه جناب خندلیب علیه بهاء الله الابهی

هو الله ش جناب امیر آقا خان علیه بهاء الله الابهی

خط مبارک ۱۴۱

هوالابهی ای امیر اقلیم اثیر زیرا بندگان آستان حضرت یزدان امروز هر یک جهانگیرند
و امیر فلک اثیر فخر نمیرند و نور بسیط و بحر محیط سلطنت جهان جان دارند
و کام دل رانند سر بریشان عرش برین و اکلیلشان پرتو تائید ملکوت رب
جلیل سراجشان و تاج وتاجشان درخشان چون مه تابان پس ای
امیر جهانگیر شو یعنی بقوه جنود حقایق و معانی بهجوم بر سپاه جهل نما و قلاع و حصون
قلوب را مسخر نما و سلطنت ملکوتی تاسیس کن که حکمش نافذ است و فیضش دائم
و غمامش فائض و عرقش نابض و سفیش شاهر و کوکبش باهر و حکومتش
قاهر فیا بشری لک من هذا الفضل العظیم ع ع

شیراز بواسطه محمدرضا میرزا رئیس پست جناب آقا فان علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

خط کاتب و امضا مبارک

ایمنده درگاه الهی نامه سابق و لاحق هر دو رسید ولی کثرت عوائل مانع از سرعت
جواب شد و قیقهٔ ارام ندارم از کثرت قرائت و کتابت جسم و چشم بنهایت زحمت میکشد
لهذا معذور دارید حال مختصراً جواب مرقوم میشود که مطمئن باشید که نهایت حب و تعلق
شما دارم و از الطاف الهی طلب تائید و توفیق مینمایم بعد از صعود جناب عندلیب مناجاتی

مرقوم گردید وارسال شد البته رسیده در فکر آنم که مبلغی بآن صفحات ارسال
دارم مطمئن باش مطمئن باش و علیک البهآء الابهی ۴ رجب ۱۳۳۸ حیفا عبدالبهاء عباس

مکاتیب

شیراز بواسطهٔ شاهزاده محمدرضا میرزا علیه بهآء الله الابهی

جناب منصور آقا خان علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای بندهٔ حق نامه شما رسید وملاحظه گردید الحمدلله در فکر وذکر حقید وآرزوی اعلای کلمة الله
وانتشار نفحات الله مینمائید امیدم چنانست که تمام قوی مؤید گردید الیوم احبای الهی ۱۴۳
باید بگفتار پر حلاوت ورفتار در نهایت تنزیه وتقدیس ورأفت بهدایت کبری پردازند
لسان بلیغ بگشایند وروش بدیع بنمایند تبلیغ باعمال اعظم از تبلیغ بأقوال است
زیرا این سبب انتباه است وآن سبب انجذاب البته انجذاب فوق انتباه است
اعمال ورفتار واطوار حقیقت است وگفتار مجاز اگر این مجاز مطابق حقیقت
باشد نار محبت الله شعله زند وآن نفس مؤید گردد ومانند نجم از افق حقیقت درخشنده
شود امیدوارم که جمیع یاران باین موهبت مؤید گردند در این ایام حضور به این کشور
نورانی صعب وپر زحمت ومشقت واز مسافرین که مراجعت مینمایند مطلع خواهید

بعد از

بعد از رفع این صعوبات جائز از الطاف رحمانی است عاجلیم که حسن خاتمه
غایت شود و علیک البهاء الابهی ۱۳ صفر ۱۳۳۸ حیفا
امة الله ورقهٔ مقبله بمشیره و امة الله ورقهٔ منجذبه قرینه از قبل عبدالبهاء نهایت مهربانی ابلاغ دارد
الحمد لله مؤمنند و موقن و مشتعلند و منجذب و در محافل ثنا ناطقند و مبتهل و علیهما
بهاء الله الابهی عبدالبهاء عباس

طهران جناب میرزا حاجی آقا علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای بنده الهی نامهٔ شما رسید و از قرائتش اطلاع بر مضمون حاصل گردید
محافل بسیار مقبول ولی باید جمیع مجالس محافل تبلیغ باشد این تأیید دارد این سبب
اعلاء کلمة الله است و این سبب عزت امر الله محفلی که تو آراسته ئی
چون محفل ذکر الهیست و تلاوت آیات و مناجات و امید است که نفوس
تبلیغ گردند لهذا این محفل محفل سرور و حبور است بجناب آقا میرزا نبی خان و جناب
آقا میرزا علی خان تحیت ابدع ابهی برسان نامهٔ ایشان نرسید ولی من جواب
مختصر در همین نامه خواهم نگارم زیرا علیل ابداً دانایان تجویز تحریر کلمه نمایند زیرا این سفر

بی پایان بنیان بدزا متزلزل نموده الآن بقوهٔ تائید ملکوت ابهی تحریر میشود بقوهٔ
عالم امکان بامة الله حدیقه خانم تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهآء

الابهی عبدالبهآء عباس

(هوالله)

حضرت میرزا نبی خان و جناب آقا میرزا علی خان ای دو یار مهربان جمیع بنده آن درگاهیم
لهذا پیوسته ایم دل بسته ایم لهذا ارتباط از جمیع جهات محکم گوشی با آهنگ دل
و جان دهید مسرور گردید و قرین سرور گردید موهبت موفور یابید عبدالبهآء عباس

۲۷ ربیع الثانی بواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی جناب آقا میرزا اسفندیار خان علیه بهاءالله الابهی

(هوالله)

ای دوست حقیقی عبدالبهآء همت و خدمت و حسن سلوک و استقامت و حسن سیاست
ثابت و محقق فرمودی که دوست حقیقی عبدالبهائی و در عبودیت آستان مقدس سهیم
و شریک و در نهایت ثبوت و رسوخ جاده و منصب را محض خدمت بآستان
احدیت خواهی و عزت و ریاست را بجهت قیام به عبودیت و حفظ و صیانت
خلق جوئی شخص خیرخواه بهائی باید چنین باشد و مقبلان درگاه ربانی را روش
و سلوک

۱۴۵ نسخهٔ کاتب امضاء مبارک

وسلوک موافقت بنور مبین لازمست الحمدلله تو بآن مؤیدی و موفقی لهذا امیدم
چنانست که در ملکوت ابهی روشن نمائی و در جنت ابهی گل گلشن شوی
و شاهد انجمن گردی و سبب راحت و آسایش دولت و ملت شوی و علیک البهآء الابهی ع ع

طهران جناب میرزا حاجی آقا علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای یار قدیم نامهٔ که بجناب آقا سید اسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید
تفاصیل معلوم بوده و هست امید چنانست که از شخص محترم معاونت در حق میرزا
احمد علیخان مظلوم حاصل گردد. جمیع این فسادها از صدر البلهآء بوده اورشلیم
فساد و فتنه بود که شب و روز آرام نداشت و میکوشید تا هر یار را بی یاور نماید
و هر مانوسرا مأیوس کند باری شما امیدوار باشید ایام سختی ایشان البته
منتهی گردد و علیک البهآء الابهی عبدالبهآء عباس

بواسطهٔ حضرت حیدر قبل علی مناجات طلب مغفرت بجهة ورقهٔ متصاعده حرم جناب
میرزا حاجی آقا علیه و علیها البهآء الابهی

(هو الله)

Provided by the Afnan Library

هو الله

رب لک الحمد یا اشرق نیر الاحسان من افق الغفو و الغفران و افنا دوازال ظلام
الذنوب و العصیان و تموج بحور عنایتک علی العباد و الاماء و تاج نسیم
الطافک علی اهل البهاء رب ان امتک الصادقة قد ترکت الثیاب الرثیث و تقمصت بقمیص الصعود الی ملکوتک العظیم رب اخلع عنها ثوب الخطاء
و البسها ردآء الفضل و العطاء و اجعل لها مقعد صدق علیا رب آنها آمنت بک و بایاتک
و تمکنت من ولائک و بنیاتک و سلکت فی سبیل محبتک و وفدت علی باب
عنایتک فاغرقها فی بحور عفوک و غفرانک و ظلل علیها شجرة رحمانیتک و جرعها
من اقداح موهبتک و نورو وجهها بنور فضلک حتی تتهلل وجهها فی بحبوحة
الجنان و تهلل لسانها بالثناء علیک فی خضرة الرضوان انک انت الکریم انک
انت الرحمن الرحیم عبد البهاء عباس

طهران بواسطه جناب میرزا حاجی آقا علیه بهاء الله الابهی امة الله خرم میرزا تقی خان
امة الله خرم حاجی سلیمان حکیمی مرحوم امة الله غلیظه خانم امة الله خرم احمد علیخان
امة الله روحیه خانم امة الله قدسیه خانم علیهن بهاء الله الابهی

هو الله

(هوالله)

۱۳۸ خط کاتب و امضاء مبارک

ایورقات منجذبات جناب میرزا حاجی آقا خواهش نگارش نامه نمود که این ورقات مؤمنات انجمن آماء رحمن را زینت دهد و شمعهای افروخته نار محبت الله انشاء الله شایسته و شایسته صدور کتاب ماربی من چون اسمای آن آماء رحمن را تتابع خواندم شکست خوردم فوراً تحریر این نامه پرداختم تا مقصود دل و جان آنان حصول یابد و سبب سرور گردد ولی از صعود امة الله سلطنت مخروم و طلب عفو و غفران مینمایم که ای مهربان پروردگار این ورقهٔ منجذبه را در ملکوت خویش بزرگوار نما و در دریای غفران غرق فرما و در زمرهٔ کنیزان نامدار محشور کن و از سلطنت ابدیه نصیب بخش زیرا در ایام حیات بخدمات مألوف بود و بزحمات مشغول فی الحقیقه حق خدمت عظیمه دارد پس مورد عنایت جلیله فرما تو بخشنده و آمرزنده و مهربان و عیسکن

البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

بواسطهٔ جناب منیش

شیراز جناب استاد غلامرضای ارسنجانی علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

Provided by the Afnan Library

(هو الله)

خط مبارک ۱۴۹

ای مؤمن ممتحن الحمدلله که آهنگ ملاء اعلی بگوش هوش رسید بیدار شدی ثنوا گردیدی بینا شدی ازاین مصائب وبلایا که در سبیل جمال ابهی بآن گرفتار شدی دلیل بر تقرب درگاه کبریایست چنانچه شاعر ماهر گفته است هر که در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشتر دش میدهند شکر کن خدارا که زهر را مانند شهد نوشیدی طوبی لک من هذا الفضل العظیم هروقت ممکن شد که برفاهیت وراحت عزم کعبهٔ مقصود نمائی ماذونی وعلیک البهآء الابهی عبدالبهاء عباس

(هو الابهی)

جناب آقا غلامرضای ارسنجانی علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

خط مبارک ۱۵۰

یارب السموات العلی آن عبدک المبتلی فی سبیلک غلامرضا یطلب الرضا فی الصباح والمساء ولا یفتر فی ذکر الاحباء عشیاً واشراقاً ربّ ثبّت قدمیه علی امرک واستقامة علی حبک واجعل له مقعد صدق علیاً وعلیه البهآء الابهی عبدالبهاء عباس

بواسطهٔ جناب زائر غلامرضای ارسنجانی جناب افنان حضرت عندلیب آقا میرزا

فضل الله خان میرزا مصطفی خان فضلعلی خان شمس آبادی محسن خان شهریار وفادار
جناب منیش آقا محمد حسن بلورفروش آقا سید محمد صادق آقا قاسمعلی آقا میرزا
محمد رضا آقا محمد جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب میرزا ابوالحسن نیریزی
جناب نورالله سعدی جناب آقا میرزا رحیم جناب میرزا محمود عطار استاد
علی کلاه مال جناب محمد رضا خان بوانانی جناب میرزا عباس بوانانی
احبای فاروق و شمس آباد و مرودشت و سروستان و شیراز علیهم
بهاء الله الابهی

(هوالله)

یاران مهربانا جناب آقا غلامرضا وارد و بر علو منزلت و سمو منقبت دوستان شاهد
و استدعای نگارش این نبذه مینماید گفتم که از قلم مشتاق خطاب به آن اهل وفاق مکرر صادر
ولی او غیر قانع که من در سبیل الهی چوب زیاد میل فرموده ام و مورد توهین و تحقیر
گشته ام و بلای شدید دیده ام لهذا این نامه درمان درد من است و شیر و شهد
من است و شعف و سرور من است و مرهم جرح موفور من من نیز بکمال
فرح و شادمانی بتحریر این نامه مهربانی پرداختم که الحمدلله احبای فارس میدانند

Provided by the Afnan Library

وپر روح وریحان درامر جمال قدیم ثابت ومستقیمند ودر وجد وطرب مقیم
ومستدیم اعلاً کلمهٔ تفرید خوانند نشر آیات توحید جویند لهذا احساس اهتزاز
جدید از شیراز میشود وامید آنست که از آن کشور مبارک شهناز کلمة الله آفاق
رسد زیرا غبت شجرهٔ مبارکه است ای یاران مهربان جمیع بساطهای وسیع غیرت
منطوی گردد وانبساط شدید مبادا تم واندوه تبدیل شود مگر بساط الهی وانبساط رحمانی
لهذا هر چیز موقت ابداً اهمیت ندارد ولو در نهایت جمال صعود نماید بلکه فیض ابدی
وفوز سرمدی اهمیت دارد پس بکوشید تا آفرینش را آرایش گردید وجهان را سبب
آسایش انسیت موهبت کبری انسیت رحمت عظمی انسیت الطاف بیمنتها
رب آن مولاء الاحبا من اخص الاصفیا واحب النقباء النجبا قد اقبلوا الی الافق
الابهی وقاموا علی الحمد والثناء بقوة تحیرت منها اولی النهی باسطین الکف
الضراعة والابتهال متذللین ومنکسرین الی القبلة العلیاء ومتوقدین بنار محبتک
بین الوری رب اجعلهم آیاتک الکبری ورایاتک الشاهرة فی الذروة العلیاء
وجنوداً محنذة لحصن المیثاق وجیشاً عرمرماً لمعقل العهد والوفاء یرمون اهل النفاق
بسهام الاستقامة الکبری ویردون اهل الشقاق بسیاط الثبوت

والرسوخ علی الملاء انک انت المقتدر المؤید الموفق العزیز الکریم ۱۰ ربیع الاول ۱۳۳۸

حیفا عبدالبهاء عباس

(هو الله)

ص جناب هاشم لنجانی صهر مرحوم متصاعد ملکوت اجی آقا شیخ سلمان علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای شاعر فصیح و بلیغ قصیده ملاحظه گردید فی الحقیقه اگر خواهی مذاق عبدالبهاء شیرین گردد ورحش فرح برین یابد قصیده انشا نما و منظومه منظم آور که سراپا عبودیت و محویت و تذلل و انکسار و نابودی و نیستی و خاکساری و فنای عبدالبهاء باستان بها باشد والا قسم بجمال قدم روحی لتراب اقدام احبائه الفداء هیچ مدح و ثنائی در کام شیرین نیست و مخالف عقائد دنیه این عبد است بلکه مخزون میشوم باری نرودی غزل باین مضمون انشا نما و بفرست تا جانم شادمان گردد روحم بهتر از آید

ع ع

(هو الابهی)

جناب میرزا هاشم عبد بهاء الله الابهی ملاحظه نماید

(هو الابهی)

Provided by the Afnan Library

ای متوجه منظر اکبر آنچه مرقوم نموده بودی قرائت شد در انجمن یاران الهی ذکرت مذکور
۱۵۳ و احوال و اشتعالت مشهود گشت از لطف عظیم محبوب کریم منتظریم که باشراق انوار
شمس عنایت رویت روشن گردد و دل و جانت چون گلزار و چمن شود در ظل کلمهٔ
جامعهٔ توحید که از آثار قدرت ربانیه است بهر مرادی واصل شوی و در تمسک
بشریعة الله القاهره بهر مقصدی تأمل کردی عون الهی مؤید احبای رحمانیت
و فیض غیر متناهی ناصر یاران حقیقی و البهآء علیک (ع ع)

(هو الله)

جناب میرزا هاشم لنجانی علیه بهآء الله الابهی

(هو الابهی)

۱۵۲ ای بندهٔ الهی جناب شیخ رحمانی با کمال ناتوانی مسافات بعیده را قطع
نموده و زحمات و مشقات سفر را تحمل کرده تا انکه بشاطی ساحل ارض مقدسه
وارد گشت و بتراب آستان روضهٔ مقدسه لقعهٔ مبارکه مشامرا معطر نمود
و چون این عبد بر عبودیت درگاه احدیت قیام کرد حال متوکلا علی الله بمراعات
بیماید قدر این پیر مرد را بداند و چون پروانه دور او گردید فی الحقیقه زحمت کشیده و

نفیده

قصیدهٔ مرسوله ملاحظه گردید بلیغ وفصیح بود ولی اگر کام مرا شیرین خواهی وعذاقم را
شکرین قصیدهٔ در عبودیت انیعبد وفقر وفنای محبت این رقیق بآستان
مقدس انشا کن تا روح مهتز گردد وجانم روح وریحان یابد دیده روشن گردد
وصحن خاطر گلشن نسیم جانبخش بوزد ونفحهٔ روح پرور منتشر شود قسم بآن
روی وخوی جمال قدم که بهیچ وصفی قیاسیم ومشتهر وتناهی پس امید وست
زبان وبعبودیت محض این عبد درگاه جمال ابهی یک قصیده بساز وبآهنگ

چنگ ودف ملکوت ابهی بنواز ع ع

بواسطهٔ جناب آقا میرزا عنایت الله علیه بهاء الله الابهی اصفهان جناب میرزا هاشم

صهبایک رحمانی آقا شیخ سلمان علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

۱۵۵ ای بندهٔ حق نامه شما رسید واز صعود حضرت اخوان صفا نهایت تأثر
حاصل گردید زیرا آن روح مجرد ایام خوشیرا وقف نشر نفحات الله نمود
دمی آرام نگرفت نفسی راحت نیافت خدمات فائقه از او صدور یافت
لهذا ذکری مفصل از ایشان شد وزیارتی مکمل از برای سلطان الشهداء

و محبوب الشهداء و جناب وزیر و حضرت اخوان صفا مرقوم گردید وارسال نزد خواهیم شد
ترجمهٔ حال ایشان که بقلم خود در روزنامهٔ خودشان نگاشته اند ارسال دارید از الطاف
الهی امید وارم که والد ماجد و والدهٔ محترمهٔ شما را غریق بحر عفو و غفران فرماید
بجناب حاجی عبدالغفار تحیت برسانید و بگوئید عبدالبهاء فرصت تحریر یک
سطر ندارد با وجود این چگونه تفسیر آیات پردازد مختصر اینست که مدلول آیهٔ
مبارکه اینست که نار جحیم نشود را یعنی روی را دگرگون نماید تر و تازگی نگذارد
سوخته و بدرنگ نماید یعنی نیران اغراض و انکار روی انسان را میسوزاند و تعرف
المجرمون بسیما هم میگردد لطافت و بشاشت و نضارت و نورانیان نگذارد
چنانچه در آیهٔ دیگر میفرماید و وجوه یومئذ علیها غبرة ترهقها قترة میفرماید در یوم قیامت
بر بعضی وجوه غبار می نشیند و موکلین این نار که نفوس مستحقه را در آتش
اندازند در یوم قیامت کبری ۱۹ نفرند و آن ۱۹ نفر ملائکه عذابند و عدهٔ
این نوزده ملائکه عذاب نظیر عدهٔ ملائکه رحمتند و خازن جنت رضوان
که حروف عدد بجناب حاجی میرزا حسین و ملا رمضان نهایت محبت
و مهربانی از قبل من ابلاغ دارد و اما تاریخ حضرت پیک رحمانی حالات اورا

د

در اصفهان و در شیراز تحقیق نما که چه روشی و سلوکی داشت و از کی بود و در چه
زمان مؤمن و موقن گشت و در چه سال بملکوت رحمانی شتافت و مدت حیات چگونه و قصد
امین بود و این تفاصیل را تحقیق نما بعد بنویس اما خیلی دقت کن که حشو و زوائد
نداشته باشد از الطاف الهی میجویم که بازماندگان حضرت شیخ را مورد الطاف
بیپایان نماید و اما اعضای محفل روحانی باید بانتخاب تعیین شود احبا هر کسی را
که موافق می بینند انتخاب نمایند خواه پیر خواه جوان خواه تونگر و خواه
بیسر و سامان والسلام و علیکم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس ۲ آپ ۱۹۱۹

ای مهر حضرت بیک ابداً فرصت یک کلمه تحریر ندارم با وجود این نامه منفصل مرقوم شد وفاءً

(عبدالبهاء عباس)

بواسطهٔ محفل روحانی اصفهان و جناب آقا میرزا هاشم علیه بهاء الله
قریهٔ چادگان فریدن جناب حسینقلیخان سرهنگ جناب بهاقلیخان با اولاد
امجد الله قلیخان و محمدقلیخان جناب ارباب بهمن فارسی قریهٔ پوده سیمرم
جناب میر علی محمدخان قریهٔ طالخونچه جناب میرزا عبدالکریم جناب احمد آقای
معلم جناب میرزا ابراهیم خان قریهٔ نیادگان فریدن جناب لطفالله خان

Provided by the Afnan Library

قریهٔ خونسار جناب مظفرخان قریهٔ چال چهارمحل جناب حیدرقلی خان
کلپایگان جناب مصطفی خان قریهٔ مشه دانی غلامرضا آقا ید الله آقا حسین
محمدعلی استاد ابراهیم درویش خداداد قریهٔ اسفرجان کربلائی هاشم درویش
خوض قریهٔ هوسنجان غلامحسن امة الله فاطمه جناب طاهرامة الله روحانیه
قریهٔ قشقائی جناب سروعلی جناب نوروزعلی قریهٔ ممتون سمیرم جناب نایب
رضاقلی جناب میرزااسحق جناب عباسقلی سلطان قریهٔ شریف آباد لنجان
سید نورالدین سید جلال سید علی کربلائی مرتضی سید مصطفی
سید عبدالحمید کربلائی خلیل سید ابوالقاسم قریهٔ ده نو سمیرم سلطان باقر
کربلائی حسین حاجی آقا نایب عبدالله قریهٔ ریز درویش حسن درویش
نوران محمدجواد محمدرحیم قریهٔ سده لنجان آقا سید غفور آقا سید مصطفی
سیدجواد استاد عباسقلی کربلائی کریم مهدیقلی جناب آقا سید عبدالغنی
برات علی کربلائی عبدالوهاب آقا سید عبدالباقی قریهٔ چال جناب
حیدرقلیخان قریهٔ چم گردان جناب اسدالله کدخدا جناب نعمت الله جناب
حاجی اسمعیل جناب مشهدی علی محمد جناب حیدر علی جناب جبیل آقا

قریهٔ

قریهٔ کلهٔ سفلی مشهدی هاشم قریهٔ باغ بادران سید مجتبی قریهٔ بن جناب
میرزا باقر حکیم قریهٔ سعید آباد لنجان جناب حاجی میرزا محمود جناب میرزا رضا
جناب آقا محمد جناب میرزا مرتضی جناب ملا حسنعلی کرچگانی قریهٔ
سامان جناب بنیان جناب اسکندر قریهٔ چادگان جناب سید هادی
جناب میرزا محمد علی منشی جناب محمد امین اجودان جناب محمد قلیخان
غلامرضا مشهدی محمد جناب الله قلیخان جناب قلیخان محمد باقر
دم کمری میرزا ابو الفتح منشی جناب لهراسب نتادکانی جناب
میرزا محمود صدر جناب جلال خان جناب استاد باقر نبا غلامرضای
فروشانی خانهٔ میرزای بختیاری جناب اسکندرخان ضیغم الدوله
جناب میرزا جعفر منشی جناب مهدیقلی اردلی مشهدی آباد علوی
حاجی عباس سلیمان نجف آباد علی ولد حسن میرزا نصرالله استاد
عبد الخالق عنایة الله و سایر احبا قریهٔ قلعه سفید جناب میرزا امرالله جناب
شیخ جواد یزدی جناب آقا محمد یزدی قریهٔ بروجن چهارمحل
جناب میرزا مهدی خان میرزا محمود خان جناب حاجی میرزا میرزا خلیل منشی

Provided by the Afnan Library

خداکرم میرزا علی اکبر میرزا محمود جناب محمد حسین جناب آقا محمد حسین ابناء
شیرلدنی و جناب اسفندیار علیهم بهاء الله الابهی

(هوالله)

الهی الهی لک الحمد بما رفعت رایة فردانیتک واریت الکل آیة رحمانیتک
وهدیت هؤلاء النفوس الی المآء المعین و عین التسنیم فی ریاض بامکنک
رب لک الشکر بما نورت الابصار والهمت الاسرار واسمعت الآذان
والقیت کلمة الهدی علی قلوب الابرار فاقبلوا الیک بصدر مشروح وقلب
مجذوب وروح مستغرق فی بحار رحمتک ونفوس مستبشرة بآیات وحدانیتک
رب ثبت اقدامهم علی هذا الصراط وقو قلوبهم باسرار الکلمات وایدهم بجنود
لم یروها فی نشر النفحات واحرسهم من الامتحان واحفظهم من السکرات
واجعل لهم سبیلاً قویماً ممدوداً الی ملکوت السموات انک انت الکریم الوهاب
العظیم انک انت الرحمن الرحیم ای یاران مهربان عبدالبهاء چندی بود
چون باد بادیه پیما بودم و آوارهٔ کوه و صحرا و دریا هیچ صبحی آرام ننشستم

فقط کاتب والصفحة مبارک ۱۵۶

و بهیچ شبی سر و سامان نجستم محرم هر محفلی شدم و در هر مجمعی در آمدم و در هر انجمنی
فریاد بنمودم و ملکوت الهی بشارت دادم تا کوران بینا گردند و کران شنوا شوند
ذلیلان عزیز گردند گمراهان پی بدلیل برند بینوایان بانوا شوند محرومان محرم راز
گردند غریبان شرقیان شوند نومیدان امیدوار گردند سه سالست که دقیقه‌ئی
آرام ندارم الحمدلله بفضل و عنایت جمال مبارک امواج تائید مانند امواج پی در پی
رسید و جنود ملاء اعلی نصرت نمود صیت امرالله بجمیع مسامع رسید و ذکر الهی
در جمیع مجامع انتشار یافت ید غیبی و قوهٔ معنوی تخمی پاک در آن کشت زار افشاند
و سحاب رحمت الهی امطار نیسانی مبذول داشت و شمس حقیقت ضیا و حرارت
بخشید حال عبدالبهاء در نهایت خاکساری جبین بر زمین نهاده تضرع و زاری مینماید که آن
کشت الهی بعون و عنایت دهقان آسمانی بسرعت انبات گردد و آثار بابهره اش
آفاق را احاطه کند سبحان الله اهل ما خبر با وجود دوری بیدار گشته و بیانیان ایران
بخواب غفلت گرفتار آنان فریاد یا بهاء الابهی زدند ایرانیان و زرگان ایشان
این اللاذ و این المناص برآوردند شمس حقیقت از افق ایران طالع شد ولی ایرانیان
در جستجوی چراغی هستند ابر نیسان بر ایران فیضان نمود ولی ایرانیان در پی قطره‌ئی

Provided by the Afnan Library

دوان این چه بلاهت است این چه بلادست امالی غرب چون نام شرق رند سجده
نمایند ولی شرقیان را نهایت آمال که قدمی در راه غربیان نهند و پیروی آنان کنند
تا ترقی نمایند کشور معمور گردد ملت مندرسه تازه گی و وجود یابد بیهمات بیهمات
این درختان کهن پوسیده دیگر ثمری نبخشد بلکه این نهالان بیهمال تر و تازهٔ ایران عنقریب
در جویبار حقیقت نشو و نما نمایند و گل و شکوفه فرمایند و برگ و بار دهند و برائحهٔ طیبهٔ الهیه
جهانرا معطر نمایند و مشام اهل غربرا معطر کنند زیرا سلطان گل در گلشن ایران رخ
برافروخت و رسم تاجگذاری در گلزار پارسی اجری فرمود اقوال بلبلان ایران آشفته
آن گل شگفته گشت و آهنگ ملا اعلی بلند نمودند و جانفشانی کردند و بقربانگاه
عشق الهی شتافتند از فیض عظیم رب جلیل امید چنانست که آن نفوس مبارکه در ارض
مصاد و حوالی آن چنان حرکتی مردانه و غیبتی فرزانه بکمال حکمت در خدمت امر آشکار
نمایند که جمیع آفاق آن کشور منور گردد بیاز ماندگان بیک رحمانی حضرت سلمان
الهی معاونت و نگهداری لازم و علیکم البهاء الابهی عبد البهاء عباس یعام ۶

(هو الله)

بواسطهٔ مریم سلطان صبیهٔ بیک رحمانی شیخ سلمان امة الله فاطمه سلطان امة الله

جیبه

جیبه سلطان امة الله فاطمه امة الله نورجان بگم امة الله عمّه امة الله گوهر سلطان
امة الله خدیجه سلطان امة الله بهیّه سلطان امة الله مریم بگم امة الله ربابه سلطان
امة الله امّ لیلی امة الله عطیّه خانم علیهن بهآء الله الابهی (هوالله)
ای آمآء رحمن شکر کنید خدارا که درچنین عصر میمنت حصری بعرصه وجود قدم نهادید
و در مهد وجود پرورش یافتید که آفتاب انور قرون و اعصار است الطاف بیپایان
انوار فیض عیان نور احدیت نمایان پس تا توانید در محافل ذکر تسبیح و تقدیس حضرت
یزدان زبان و لسان بیارائید و علیکن التحیه والثنآء ع ع
اسکندرونه بواسطهٔ جناب آقا محمّد مهدی اصفهان جناب آقا هاشم علیه بهآء الله الابهی
(هوالله) ای ثابت بر پیمان نامه رسید و از مضمون فوت مرحوم ضیآء معلوم
گردید سبب تأسّف و احزان گشت ولی حزن مرحوم شیخ و امة الله مریم سلطان را
از قبل من تحیّت محترمانه برسان و بگو در این ایّام اگر نفسی ثابت و راسخ بر پیمان
از اینجهان گذشت و دیگر نشتابد اعظم موهبت الهیه است زیرا امتحان و افتتان بسیار حسن خاتمه
فاتحة الالطاف است لهذا شما محزون مباشید بلکه دل بالطاف الهی ببندید
و از فیوضات نامتناهی عفو و غفران بخواهید من نیز نهایت تضرّع و خشوع طلب

خط کاتب دو سطر اوّل مبارک ۱۵۷

خط کاتب اوّل سطر مبارک ۱۵۸

Provided by the Afnan Library

آمرزش از برای ضیا نمایم مطمئن بعنایت الهی باشید خرع و فرع نکنید انشاء الله موفق
اتصال برون اجر بهم بغیر حساب و جناب آقا محمد جواد و آقا محمد رحیم را از قبل این مشتاق
تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید از صدماتیکه در سبیل الهی کشیده اند بسیار متأثرم ولی اشیا را
اگر دو مرتبه اخراج کردند ما را چهار مرتبه سرگون کردند تا دستی بجمال مبارک نموده ایم
این مورد شکرانه است که بچنین فیض رحمانی و موهبت آسمانی موفق شده اید و علیک البهاء الابهی

ع ع (هو الله)

اصفهان بواسطهٔ آقا هاشم لنجانی جناب سید محمد جواد جناب فتح الله جناب صادق جناب
جلال جناب سید هاشم جناب محمد علی ن جناب عطا جناب سید اسد الله جناب سید
زین العابدین جناب علی نقی خان جناب جعفر جناب علی خان جناب سید تقی جناب یعقوب
بغدادی جناب علی اکبر خان ف جناب داراب جناب عبد الله ایضاً جناب عبد الله خان
جناب مشهدی جعفر جناب محمد جواد جناب ابو القاسم جناب سید محمد جناب یف جناب
عبد الحسین جناب تحویلدار جناب محمد چاپار جناب یوسف جناب مصطفی جناب
سید مهدی جناب حاجی حیدر ن جناب حاجی کلبعلی ن جناب اسد الله ن
جناب استاد مهدی علیهم بهاء الله الابهی

(هوالله)

۱۵۹ نخل کاشف انعام و موهبت مبارک

ای یاران الهی هرچند نامه های متعدده در نهایت مدیده و جدیده نگاشته شد ولی نامهٔ تازه وارده اسماء ان سروران کشور محبت الله در آن مذکور از قرائت آن اسماء خالق دست داد که زمام از دست رفت بی اختیار بذکر ایشان مشغول شدم تا شوق و شعف این قلب پرتوی بر جهان دل و جان آزادگان زند و شرق و غرب روشن گردد اگر بیند که بچه شور و شعفی الان باملای این نامه پرداختم البته از وجد و طرب در قمیص جسد نگنجید ارواح بپرواز آید جانها همدم راز گردد و دلها بسرور ابدی دمساز شود این منت بر از فضل و احسان حضرت یزدان و علیکم التحیة والثناء الهی الهی انت مولای و العباد علی رفع رایة المیثاق و اعلاء کلمتک فی الآفاق و اغفر یا ربی الجلیل لعبدک عباسقلی من اهل زنجان انه هو الذی شرب کأس البأساء والضراء فی سبیلک و ابتلی باضطهاد المبغضین من اعدائک وجرعوه کأس العذاب وزجروه اشد العقاب حتی عرج الیک و وفد ببابک متبتلاً الیک ساجداً بین یدیک ربّ انزله نزلاً مبارکاً و قدّر له کل خیر فی ملکوتک انک انت الکریم المقتدر الوهاب

(ع ع)

هوالله بواسطهٔ جناب آقا میرزا جلال و جناب میرزا هاشم صهر یک رحمانی

جناب حاجی میرزا صادق جناب میرزا محمد علی جناب میرزا عبد الحسین محرر جناب میرزا عبد الحسین
اردستانی جناب سیف الذاکرین جناب میرزا فتح الله خان جناب میرزا عبد الله خان جناب
غلامحسین میرزا جناب آقا سید برکات جناب میرزا عطا جناب میرزا عبد الله خان مشرف جناب
میرزا محمد خان نایبی جناب استاد ابو القاسم جناب میرزا جعفر جناب میرزا باقر خان جناب سید
اسد الله جناب سید هاشم جناب آقا سید هادی جناب میرزا عبد الحسین جناب محمد جواد
جناب آقا سید مهدی جناب آقا سید اسمعیل خیاط جناب امین الله جناب قیام الله
جناب میرزا اسد الله جناب آقا محمد مهدی علیهم بهاء الله الابهی

(هو الله)

ایها المقربون ایها المنجذبون ایها المشتعلون بنار محبة الله فیهذا الیوم المشهود الحمد تسبحون
وصون وعنایت حضرت احدیت ارض صاد نفحات قدس آباد شد بعد از سکون بحرکت
آمد و بعد از خمود شعله برافروخت بهشت برین گشت و جلوه گاه صور عالمین احبا بحیات
حیاتی تازه یافتند و اصفیا بمیدان فدا شتافتند آهنگ تقدیس مرتفع شد و انوار توحید
لامع گشت مطرب الهی با چنگ و دف و نی نغمه ای و بهی چنان نواخت که
هیاکل روحانی را بوجد و طرب انداخت نسیم ارض صاد مشکبار است و رائحهٔ

فطرت

۱۶۰ نطق کاتب اصفهانی در مدرسه مبارک

محبت الله از آن گلشن منتشر در این دیار شکر کنید خدارا که در چنین عصری بچنین نصری
موفق و مؤید گردیدید حقا که یاران وفائید و سزاوار فدا غتصریب جان و لوله ئی در
آفاق افتد که نورا شراق از قلوب عشاق بدمد و ناقوس آفاق فرماد یا بهآء
الابهی بر آرد و کوس شرق و غرب نغمهٔ یا رب الاعلی بگوید جهان جهان دیگر گردد
و کیهان کیهان دیگر شود روی زمین بهشت برین گردد و تودهٔ عنبر احبت الهی شود
جبرئیل امین از ملکوت جلیل جلوه نماید و طاوس علیین شهپر تقدیس بگشاید امر الله مرتفع
شود و رایت یا بهآء الابهی بلند گردد از جمیع آفاق نغمهٔ یا بشری یغشان آسمان آید
و از شرق و غرب بانگ یا طوبی برخیزد ممالک یفرح المؤمنون و یحزن
الکافرون و تبیض وجوه و تسود وجوه مذا الحق معلوم و وعد غیر مکذوب و علیکم التحیة و الثناء ع
اصفهان جناب میرزا هاشم صهر حضرت شیخ بزرگوار علیه بهآء الله الابهی

(رمز الله)

ای ثابت بر پیمان نامه شما وصول مانیت و جزع و فزع از فراق معلوم گردید
این ناله و فغان از جمیع آفاق بلند است ولی عبد البهآء با قلیم یوسف کنعان سفر نموده
انشآء الله بعد از رجوع این آرزو حصول خواهد یافت از جزالتهاب نار محبت الله

۱۶۱

در آن صفحات نهایت روح و ریحان حاصل گردید امیدوارم که همواره بتأییدات الهیه
منشرح نفحات رحمانیه و اعلاء کلمهٔ ربانیه مشغول و مألوف باشند و علیک البهاء الابهی ع ع
نجف آباد بواسطهٔ آقا میرزا هاشم محمد جعفر صباغ قنبر علی حاجی اخوند شهید حاجی عبدالکریم
آقا علی حسن محمد آقا علی مشهدی رضا آقا میرزا اولد مشهدی جعفر آقا میرزا
آقا بگم خانم و اغلب عیال مرحوم کربلائی محمد علی ریزی گوهر بیگم منور خانم مریم سلطان
ربابه سلطان خانم کوچک عیال مرحوم آقا محمد حسن شهید

(هو الله)

۱۶۲ ای یاران روحانی و آمار رحمان این خاکدان فانی خطبان نه ارزا سزاوار و این گلخن
ظلمانی طیور ترا بیرا لایق بل معاذ الله آشیان گلشن الهی است و مرغان اوج عزت را
لانه و مکان ملکوت رحمانی بیخبران چون نظر بآلایش این عالم فانی نمایند گمان آسایش
کنند و در آزمایش افتند منجذب ظل و سایه گردند و از ذی ظل غافل مانند زیرا جهان
ناسوت ظل زائل ملکوت است و عالم ارضی اثری از عالم آسمانی سبحان الله شیفتهٔ
قطره گردند و از دریای محیط بی بهره شوند و مشتاق ذره گردند و از شمس حقیقت بی نصیب
مانند دل بحیاة دنیوی بندند و از زندگانی سرمدی بگذرند بآب و گل پردازند و از جهان

بون

جان و دل غافل مانند و صیاد و تعالیم الیه انسانرا از شئون فانیه بیزار کند و از جهان
تاریک و ننگ فرار دهد و بعالم انوار رساند ملاحظه در جمیع طوائف و ملل و قبائل
و دول نمائید که کل مانند موران در تحت اطباق تراب لانه و آشیانه نمایند
و آذوقه ئی اندوخته کنند نفتته بارانی آید و سیلی برخیزد و خانه و لانه و آشیانه
و آذوقه جمیعرا از میدان برده و محو و نابود کند هیئت مثل اهل دنیا چنانکه واضح و آشکار
مشاهده مینمائید ملاحظه در ایران و مجلسیان نمائید که در مدتی قلیله چه طوفانی و چه
انقلابی ظاهر و عیان شد با وجود این باز غافلان و جاهلان و بیخبران دل باین دنیا
بندند و فکر کم و بیش افتند از اقبال بوجد و طرب آیند و از ادبار محزون و دلخون
شوند الا انهم فی خسران مبین پس عاشقان جمال رحمن و مشتاقان انوار طلعت
یزدان را لایق و سزاوار چنانست که در جمیع شئون از این خلق ممتاز باشند و محرم
راز و نیاز گردند جمیع کائنات را نطل خویش آرند در جهان دیگر پرواز کنند و در
عالمی دیگر سیر و تماشا نمایند آیات هدی گردند و رایات ملأ اعلی شوند مرغان چمنستان
حقیقت گردند و در گلستان وحدانیت واحدیت با بدیع الحان تسبیح و تقدیس

حق تو انا پرداز ند و علیکم البهاء الابهی ع ع

بواسطهٔ جناب آقا میرزا هاشم اصفهان جناب میرزا مسیح خ جناب روحانوس جناب علی اکبر
جناب عباسقلی جناب میرزا عبدالحسین جناب میرزا علی جناب میرزا عطاء الله علیهم بهاء الله الابهی

(هوالله)

ای یاران من از خداوند ذوالمنن چنین آرزو نمایم و عجز و زاری کنم و ناله و بیقراری
نمایم که آن نفوس مبارکه را موفق برضای مبارک نماید و بآنچه سبب سرور معنوی و فرح
الهیست فائز فرماید هریک را در افق هستی ستارهٔ روشنی کند و هرکه امر را در این جنبت ۱۶۳
ابهی درخت باروری نماید و شکوفه و ثمری بخشد رشحات سحاب غیبت الحمدلله ریحان
قلوب را شبنم است و فیض ابدی حضرت احدیت مانند طمطام یم چون چنین است
عاقبت موهبت نور مبین است در آغاز هرچند زحمت و مشقت و آزار است و سهام
کین از کمان نفوس بی دین در پرواز اما انجام ایام سرور و حبور است بلکه نور علی نور است
اگر چنانچه ملاحظه نمایند در این اوقات افق وجود نقطهٔ تاریک پنهان و مستور است
بیقین بدانید که عنقریب مشرق نورانی از این ابرهای کثیف ظلمانی پاک گردد و چنان
صفا و لطافت و روشنائی نماید که آفاق نورانی گردد پس ای خران وکده در انکبار نخیه
و مسرت و بشارت مؤانس و همدم شوید و علیکم التحیة و الثنا ع (ع ع)

لیقا بهم

اصفهان بواسطهٔ جناب خان و میرزا هاشم منسوب حضرت سلمان قبیشه میرزا عبدالمجید خان
میرزا رحمت الله خان میرزا محمود کردی شریف آباد جناب سید ابوالقاسم جناب سید خلیل
جناب سید احمد جناب سید محمود جناب سید علی جناب سید مصطفی جناب سید ابراهیم جناب
سید جواد جناب سید عبدالوهاب جناب سید اسدالله جناب سید میرزا جناب سید نورالدین
جناب کربلائی مرتضی جناب کربلائی عبدالخالق جناب کربلائی عبدالخلیل جناب مشهدی صادق
جناب مشهدی عباس حکیم جناب استاد حسین جناب آقاعلی جناب میرزا احمد
سده جناب سید عبدالغنی جناب کربلائی عبدالوهاب جناب میرزا ابراهیم جناب
جلال آقا جناب امین الله جناب حیدرعلی جناب اسماعیل جناب غلامحسین آماده جهن
شیرین جان فاطمه بگم گوکب بگم خاتون جان ام لیلی فاطمه خانم فاطمه سلطان
سکینه سلطان بگم خانم (هو الله)

۱۶۳ بنی نک اللهم یا الهی انک لتعلم ذلی وافتقاری وتری اضطرامی واضطراری وتسمع حنینی
وانینی وضجیجی ونیاحی انی اتهلل الی عتبتک العلیه وساحة قدسک السامیه واذلل
بکل ذل وانک رالی ملکوت الاسرار واد عو للابرار لیتوفعوا علی الحذمة بین الاحرار
وتاووا الی کهف حمایتک من الاشرار رب انهم اسراء فی ایادی الاغیار یصبون

الیهم سهام القضر تکل استکبار و یشیرعون علیهم الاسنة و یطلقون علیهم الاعنة ولا یخشون
بأسک ولا یخافون نقمتک مولای الاوغ دالاد غال رب ارحم اعتبک واحفظ صفوتک
فی حصن حمایتک و معاقل حفظک و کلأتک وافتح علی وجوههم ابواب رحمتک واشرح
صدورهم بآیات موهبتک وانزل علیهم برکة من عندک انک انت الکریم انک انت
العظیم وانک انت الرحمن الرحیم (ع ع) مقابل شد (هو الله)

خولنجان لنجان جناب آقا سید مرتضی جناب عباسقلی جناب مشهدی حیدر جناب
آقا سید علی جناب میرزا محمد علی جناب آقا سید ابراهیم جناب آقا سید میرزا جناب میرزا
محمد جناب عبدالمطلب جناب آقا سید مهدی جناب آقا سید هادی علیهم بهاء الله
الابهی سده لنجان جناب آقا سید عبدالغنی جناب آقا سید برکات جناب
کربلائی عبدالوهاب جناب میرزا جناب یدالله جناب محمد باقر جناب مشهدی
اسماعیل جناب عبدالرحیم علیهم بهاء الله الابهی چم کردان لنجان جناب آقا محمد مهدی
جناب آقا عباسقلی جناب آقا مشهدی حسن جناب حاجی نوروز جناب حاجی محمد
علیهم بهاء الله الابهی ریز لنجان جناب جواد جناب محمد رحیم جناب درویش عبدالله
جناب درویش حسینعلی جناب میرزا سید محمد جناب کربلائی فتح الله علیهم بهاء الله الابهی

جناب

جناب سلطان باقر ده نوی جناب میرزا عبد المظفر تا نخوانچه جناب آقا حسینعلی کرچکانی
علیهم بهآء الله الابهی ص جناب ضیآء الله جناب میرزا بدایت الله جناب اوانس
عکاسی جناب اوانس من اهل جلفا جناب آقا سید اسمعیل خیاط جناب میرزا آقا جناب
عبد الحسین جناب میرزا عبد الجواد معلم علیهم بهآء الله الابهی (هوالابهی)
ای احبای الهی و یاران عبد البهآء جناب هاشم تحریری با فصاحت تقریر و ابدع تعبیر
ارسال نمودند و چون گشودم کتاب ابرار بود اسمآء احرار و اخیار در آن مذکور ۱۶۵
از قرائت آن نهایت روح و ریحان حاصل گشت زیرا نقشهٔ بود که از کتاب
علیین حکایت میکرد و کلّ اسمآء مقربین در آن مسطور و در ختام نامه خواهش نگارش مکاتیب بجهة
آن یاران الهی نموده بود مشاغل ذهنیّه و شواغل عظیمه و امور متفرقه و ورود اوراق غیر
متناهیه از شرق و غرب بالغ و حایل که بهریک از یاران منفرداً مرقوم گردد لذا مجبوراً
مجتمعاً مرقوم میشود ای یاران روحانی عبد البهآء الحمد لله کل در ملکوت ابهی و ساحت
کبریآء مذکورید و در انجمن عالم بالا معروف و مشهور و در قلب این مستغرق بحر فقر
و فنا موجود هریک از ملکوت غیب منشوری از فیض در قلب و طغرائی از موهبت
کبری در صدر پر توغنایت بر سر دارید و خلعت هدایت در بر مور و الطاف بی پایان

Provided by the Afnan Library

وهبط ملائکه رحمت بیکران نظر عنایت شامل است وفیض حضرت احدیت کامل شکرانه
این نعم جلیله والطاف خفیه همواره بترتیل آیات توحید پردازید وبا بدایع الحان ترانه عاشقانه
بنوازید وفریادی مشتاقانه برآرید از بلاء ومحن ملول نگردید واز شماتت اغیار اشکبار نشوید
زیرا در سبیل محبت جمال ابهی بلاء رحمت کبری است وجفا موهبت عظمی تالان وتاراج تاج
وخراج است وزندان وزنجیر ایوان وسریر فلک اثیر سهم وسنان مرهم دل وجان است
وتیغ قاتل در یاق ودرمان عاشق مجازی گفته بیهیچ صبحم خفته باخندان نیافت بیهیچ شامم با
سروسامان نیافت گردر آتش رفت باید چون خلیل ورچه یحیی میکنی خونم بسیل ورچه
یوسف چاه زندانم کنی ورز فقرم عیسی مریم کنی سرنگردانم نگردم از تومن بهرفرمان
تودارم جان وسر این صفت عاشقان وسمت مشتاقان است باری امید از
فیض الهی وموهبت ربانیه چنین است که از شدائد بلایا واعظم رزایا نامحتمه الله در قلوب
افروخته تر گردد وانوار حقیقت روشن تر شود جهان جلوه گاه وفا سرود جانفزا نشان شود
وهریک جان ودل بکف گیریم ونثار راه یار مهربان نمائیم وعلیکم التحیة والثناء ع ع

(هو الله) اسکندرون بواسطهٔ جناب آقا عبدالمهدی جناب آقا میرزا هاشم صهبر
متصاعد الی الله پیکیت الهی علیه بهاء الله (هو الله)

Provided by the Afnan Library

ای بندهٔ حق آنچه نگاشته بودی ملاحظه گردید همین است که مرقوم نموده بودی از پیش جمیع وقایع چه در اصفهان وچه در یزد وچه در اطراف کل تأیید جمال ابهی روحی لاحبائه الفدا از قلم عبدالبهاء جاری گشت و هنوز بساط امتحان منطوی نگشته باز در گوشه وکنار میجان حاصل خواهد شد ولی اگر استقامت گردد تأثیری ندارد در هر صورت کلمة الله نافذ و امر الله غالب و احزاب شیطان مغلوب وحزب الله مؤید ومنصور الحمد لله حکومت عادلهٔ پادشاهی حامی مظلومانست ومعین ستمدیدگان باید احبا با علیحضرت شهریاری دعا نمایند متعلقین آن پیک الهی را از قبل من تحیت نوازش گرانه برسانید از حق میطلبم که کل در پناه حق محفوظ ومصون مانید وعلیک التحیة والثناء ع ع

بواسطهٔ آقا میرزا هاشم حسین خان حسن خان مهدی خان میرزا امین الله آقا کمال نعمت الله حبیب الله عطا خان میرزا ابوالفضل اطفال جناب هاشم علیهم بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای تلامیذ دبستان حمد خدا را که در امتحان حسن استعداد وقابلیت ظاهر وعیان نمودید اطفال بهائی باید در تحصیل علوم وفنون از سائر اطفال ممتاز باشند زیرا مشمول نظر عنایتند انچه اطفال دیگر در مدت یکسال تحصیل نمایند تازه نهالان حدیقهٔ عرفان

کو دکان بهائی باید در مدت یکماه تحصیل کنند آرزوی دل وجان عبدالبهای مهربان
این است که نورسیدگان بهائی هریک در علم وعرفان شهیر آفاق گردند ولابته
نهایت همت وسعی وغیرت در تحصیل علوم وفنون خواهند نمود وعلیکم البهآء الابهی ع ع
اصفهان جناب آقا میرزا هاشم علیه بهآء الله الابهی (هوالله)
ای یادگار پیک الهی تزدمن بسیار مقربی آنی فراموش نشوی وهمچنین جمیع بستگان
حضرت سلمان درحق شما دعاها یم وغایت طلبم وامیدم چنانست که اندک
وسعتی حاصل گردد ولابته بهیچوجه قصور نشود وعلیک البهآء الابهی عبدالبهآء عباس
اصفهان جناب میرزا هاشم داماد حضرت پیک رحمانی علیه بهآء الله (هوالله)
ای ثابت برمیثاق ازفضل وموهبت پروردگار امیدوارم که همواره موفق بخدمت دربار
آمرزگار باشی دمی نیاسائی ونفسی براحت نکشی بلکه مدت حیات درسبیل نجات
بکوشی وهرطالبی راکاس هدایت نوشانی امة الله المقربة مریم سلطان راتحیت
عبدالبهآء برسان وهمچنین آقا ضیآء امة الله طوبی وامة الله قدسیه وامین الله را
کلاً ازقبل این مسجون نوازش نما وجناب کربلائی حسین راتحیت مشتاقانه عبدالبهآء
ابلاغ نما حال حکمت اقتضای حضور نمی نماید وبیش ازین فرصت نگارش نه

دیگر

خط کاتب اصفهان مبارک ۱۶۸

خط کاتب بهجه ودورباغ مبارک ۱۶۹

اصفهان

وعلیکم التحیة والثناء (ع ع)

جناب خان جناب آقا سید محمد جواد جناب میرزا احمد شیخ جناب میرزا احمد جناب میرزا عبد الحسین محرر جناب آقا سید زین العابدین جناب آقا سید عبد الغنی جناب میرزا عبد الحسین جناب میرزا فرج الله جناب میرزا عبد الله خان جناب سید هاشم جناب میرزا ضیاء الله جناب میرزا هاشم صهر جناب شیخ سلمان جناب آقا سید هادی جناب آقا سید مهدی علیهم بهاء الله الابهی

هو الله ای یاران مهربان عبد البهاء چندی بود که خاطر این آواره از بلایای وارده بر اولیای حق آزرده بود و هر دم بملکوت قدم ناله وزاری مینمود و ره عجز و بیقراری می پیمود که ای پروردگار جمعیت ابرار پریشان گشت و محافل انس از بنیان برافتاد چه شود که فضل جدیدی بنمائی و تأیید بدیعی بفرمائی تا یاران انجمن گردند و محفل انس را سراج ذکرت روشن نمایند ای خداوند این پراگندگی بپیوندد وای مهربان این حزب پریشان را مجتمع فرما تا آنکه بر بید جدید رسید و شرذمهٔ الفت آن انجمن سبب خفت حزن شدید شد از رب فرید آرزوی این قلب جریح آنست که یاران محترم هر دم در کمال حکمت در محفل قدس همدم گردند

۱۷۰ جناب آقا سید اسدالله مبارک دامت برکاته

وبذکر جمالقدم حیات تازه یابند وسبب شوق وذوق وطرب یکدیگر گردند
تا بشارت جهان انسانیت را خلعت جدید بخشد و هیکل عالم را ردای بدیع بپوشد
ای یاران این عبدالبهآء همواره از مصائب وبلایای شدید محزون ومغموم است
ولی این موهبت نصیب هر محرومی نگردد زیرا این بلا بهرهٔ اهل وفاست
واین محن والام مخصوص کرام اصفیا هرچه بست بگذرد ولی عاقبت موجب
بهر عاشقان جمال کبریا و مشتاقان روی جمال ابهی روحی لاحبآئه الفدا
ای ثابتم منتبسین بیک ربانیزاز عبدالبهآء نهایت محبت ومهربانی ابلاغ نما
وبگو هرچند ایامی چند تنگی گذرد عنقریب گشایش رخ دهد وراحت وآسایش
خواهید یافت وعلیکم التحیة والثنآء ع ع

اصفهان جناب حاجی یدالله سه دهی علیه بهآء الله الابهی (هوالله)

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید مضامین دلیل جلیل بر ثبوت برامر نورمبین بود
الحمدلله درچنان موقعی که جولانگاه بیخبران بود نفوسی مبعوث گشته که بعون
وعنایت حق در نهایت ثبوت واطمینان آن قریه در ایام حضرت مقصود
مورد الطاف بودحال نیز امید شدید است که بهمت ورود حانیت یاران باوفا

۱۷۱ خطی کاتب اصفهان مبارک

معمور و مظهر الطاف موفور گردد تا توانید بکوشید که سه ده صد ده گردد و نفوسی در
نهایت انقطاع و مقتدر و توانا و منجذب ملکوت ابهی و مروج دین الله
مبعوث شوند اما مسئله اقتران صبیهٔ آقا میرزا هاشم بمیرزا فضل الله سلیل سید
برکات بسیار مبارکست و هرچه در پیش شما از حقوق موجود تمامها صرف
این عروسی نمائید حضرت شیخ سلمان ثانی آئین سلمان فارسی بود بلکه در
بدرگاه احدیتست و شما در این سالهای حرب تیمگاران دست تطاول
گشودند و آنچه توانستند قصور ننمودند و عبدالبهاء متأثر از این وقایع ناگذار
ولی هرچه واقع در سبیل دلبر آفاق بوده لهذا باید شما در سبیل تسلیم و رضا سلوک
نمائید در این سالهای جدال و قتال جمیع اهل عالم در اشد وبال علی الخصوص
ایرانیان که مورد جمیع آفات شدند ولی مشقات آنان در سبیل نفس و هوی
و امانی حسابات احبا در عبودیت درگاه کبریاء آن رزایا محسوب لشئون دنیا
و این محن و آلام معدود از جانفشانی در راه حضرت بهاء الله ببین تفاوت
ره از کیست تا بکجا و بجمیع احبا فرداً از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ
دارید و علیک البهاء الابهی ۲۳ صفر ۳۳۹ عبدالبهاء عباس

اصفهان بواسطهٔ جناب میرزا هاشم فرمین احبای الهی علیهم بهآء الله الابهی
جناب میرزا احمدخان جناب لهراسب جناب حسینخان جناب شیخ حسین جناب
محمد علی جناب درویش علی جناب آقا رضا جناب محراب بیگ جناب آقا باقر
جناب ملا حسین جناب محمدرضا جناب ملا محمد علی جناب میرزا محمود صدر
جناب میرزا علی کاتب جناب علی اکبرخان علیهم بهآء الله الابهی

(هوالله) ای یاران الهی شکر کنید خدا را که مورد نظر عنایت شدید
ومظهر الطاف حضرت احدیت از پرتو هدی روشن گشتید و بر شئون سحاب
عنایت پر طراوت ولطافت اندر این گلشن فیض عظیم را ملاحظه نمائید که مانند نسیم
بهشت برین این کشت زار را سبز و خرم نمود و هر یک آن نفوس را از اشجار
جنت فرمود هر چند این موهبت هنوز چنانکه باید وشاید در معرض شهود جلوه گر
نگشته وقدرش معلوم نیست اما عنقریب فراز ونشیب عالم از این نور مبین
بهره ونصیب گیرند انوقت معلوم ومشهود شود که سر وجود چه موهبتی در عرصهٔ
شهود ظاهر فرمود و هر یک از یاران مانند مه تابان در افق عزت جاودان
درخشنده و درخشنده وظاهر و عیان گردند قسم بآن روی روشن وجبین ساطع
بنور

Provided by the Afnan Library

نبور مبین تا جهانی بر سر نهاده اید که گوهر ولئالی آن اعصار و قرون را روشن و منور.
نماید شکر کنید خدا را و علیکم التحیة والثناء (ع ع)

۱۷۳ خطاب به آقا محمد هاشم اصفهانی مورخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۰۱ ق

اصفهان داماد پیک رحمانی (هوالله) آقا محمد هاشم علیه بهاء الله الابهی
(هوالله) ای بندهٔ الهی از کثرت مشاغل ابداً فرصت ندارم چند روز
پیش نامهٔ خطاب بجرم پیک رحمانی ارسال شد در خصوص بناء مرقد آن قاصد
امین سؤال نموده بودید چون بشیراز رسید با دوستان محترم الهی مشورت نمائید هر نوع
که احبای الهی مصلحت بدانند بناء نمائید و مصروف نمایند این عبد بعد ارسال میدارد ع ع
از قرار مکتوب سابقاً از شیراز مرقد طاهر آن قاصد الخیر تعمیر نموده اند (ع ع)
بواسطهٔ جناب آقا محمد هاشم صهر جناب سلمان جناب مشهدی حیدر جناب آقا سید مرتضی
جناب آقا محمد جواد جناب آقا محمد رحیم جناب آقا عبد الوهاب جناب آقا سید عبد الغنی
جناب آقا محمد مهدی جناب آقا سید حسن جناب میرزا عبد الجواد جناب میرزا آقا
جناب عبد الحسین علیهم بهاء الله الابهی (هوالله)

۱۷۴ خطاب به اصفهانیان مورخ

ای یاران عبد البهاء حمد خدا را که از کأس عنایت سرمست شدید و در بزم الست
محرمان می پرست گشتید از جام عنایت تشنه نیافتید و از صهبای موهبت

حیات تازه جستید ثابت عهدید وراسخ میثاق ومشتاق مشاهدهٔ انوار شرآفاق هرچند
سرحلقهٔ عشاق پراحتراقید ومبتلای نار فراق ولی الحمدلله بعد ازصعود ازاین عالم فانی
وصال دائمی مقدر وخلود درجنت لقا ابدی محتوم ومقرر ازحوادث اینجهان
ظلمانی محزون نگردید واز مصائب این حیات فانی دلخون نشوید بالطاف
رحمانیه مسرور گردید وبموهبت ربانیه خوشنود شوید الحمدلله درظل ظلیل ودرپناه رب
جلیل امنیت رحمت عظمی است موهبت کبری وعلیکم التحیة والثنا (ع ع) ۱۰ مهر
اصفهان جناب آقا میرزا هاشم داماد آقا شیخ سلمان علیه بهآء الله
(هوالله) ای بندهٔ بها مکتوب واصل گشت ومضمون معلوم گردید یاران
الهیرا تحیت عبدالبهاء رسان که درنهایت بحران بذکر یاران مشغولست چندیست ۱۷۵
که ازارض صاد وسلسله اشارات وغلغله مناجات بسمع مشتاق نرسیده چه تصور
نه چنان خبائی روادارند که تحمل توان نمود یا بطبع آن سمع آزرده اند ودل شکسته
ومضمحل وبیمار وپریشان بوجود این امید چنین ست که این سختی سبب سستی نگردد
واین قلاقل وعدوان سبب سکون واطمینان شود زیرا همیشه عادت چنین بود
وقرار براین که آب سبب شعلهٔ آتش عشق گردد وجفا علت ازدیاد وفا شود حال نیز
چنان ست

چنین است این مضوم در مردی هدف هزار سهم مسموم با وجود این سینه آفینه گردد و انوار ثبات بیشتر جلوه نماید از غربت فاندان پیک امین حزن حاصل شده و در آنچه باید و شاید قصور نخواهد گشت و علیک التحیة والثناء (ع ع) اصفهان جناب میرزا هاشم داماد پیک روحانی علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

ای صدر حضرت سلمان نامهٔ شما رسید هیچ میدانی که عبدالبهاء بچه درجه غریق دریای مشاغل و غوائل و شواغل است با وجود این از کثرت محبت مجبور بر جواب ۱۷۶ واجرای خواهش شماست حضرت محترم مقرب درگاه اسم اعظم جناب فرزندی الحقیقه آیت هدی و موفق بخدمت و عبودیت جمال ابهی و شریک و سهیم عبدالبهاست من از او بسیار راضیم الحمدلله اصفهان بفوران آمده آن برودت و فتور زائل و شعله و حرارت حاصل شده از عنایات حضرت خفی الالطاف امید چنانست که روز بروز این شعله روشن تر گردد و این حرارت محبت الله شدید تر شود به این الله وقدسیه خانم و حولی خانم و منیره خانم از قبل عبدالبهاء نهایت مهربانی ابلاغ دارید و بگوئید حال بر نظام و قواعد موجودهٔ مرغیه در مدارس تحصیل نمایند انشاء الله مرور وقت فرصتی شده در آنخصوص چیزی مرقوم میگردد حال اندک مهلت نیست فی الحقیقه در اصفهان

تأسیس مدرسه‌ئی بجهت اطفال بهائی فرض و واجب است اگر یاران الهی در این خصوص همت
مینمودند سبب وصول برضای حضرت رحمانی است اطفال چون در مدارس دیگر تحصیل علم
و هنر پردازند هم مشرب و هم خوی بی ادبان گردند و علیک البهآء الابهی (ع ع)

اصفهان جناب مرتضی قلی جناب شیخ حسین جناب جلال جناب اجودان جناب
میرزا خلیل جناب میرزا مهدی جناب اسفندیار جناب حاجی میرزا جناب اسدالله
جناب حاجی احمد جناب حاج عبدالغفار جناب الیاموجناب فرج الله جناب
عبدالخالق جناب خدرا جناب موسی جناب هرمز جناب آقا محمد جناب عبدالرحمن
جناب استاد علی جناب سید حسین جناب میرزا هاشم صهربیک رحمانی علیهم
بهآء الله الابهی (هوالله) ای یاران الهی حمد خدرا که نورهدی
از افق ارض صاد در نهایت تلألؤ پدیدار گشته در قلوب شوق و شوری جدید
افتاده و در نفوس اهتزاز تازه‌ئی آشکار گشته مدتی بود در نهایت سکون بود حال
بحرکت منتهی شد یاران آغاز آوازی نمودند و در این گلشن تقدیس شهنازی زدند
انسان اگر بکلی مفقود گردد بهتر از آنست که مخمود شود مرده بایستاده بهتر از افسرده
پژمرده است زیرا مرده معذور است حول و قوتی ندارد ولی افسردگی و پژمردگی

از پرات

نقطة کاشف الاسفار و طور مبارک ۱۷۷

از سیئات سابقه ولاحقه حاصل گردد حال حمد خدا را که این تیرگی مبدل بروشنائی شد و این
افسردگی بافروختگی منتهی گشت ایام جمیع انام در نهایت ظلام میگذرد در سمات ثلاث
که در قرآن مذکور است مستغرقند لا یعلمون المبدء ولا المنتهی ولا یطلعون بحقایق
الاشیاء والعاقبة یرجعون الی الحفرة الظلماء والدرکات السفلی قد خسروا الحیوة
الدنیا وهم من النشئة الاخری فیا اسفا لهم من هذه الغفلة العمیا اسئل الله
بان یهدیهم الی سبیل الرشاد وینور ابصارهم بالنور الساطع من الافق الاعلی
بارای یاران این اوان وقت همت وسعی واجتهاد تا بجهد بلیغ آن اقلیم را
باهتزاز آرند وبنفحات قدس زنده نمایند ترویج وحدت عالم انسانی کنند
وتاسیس یگانگی بشری نمایند یار واغیار نوازند وکار هر دردمند سازند ودراین
گلشن جنت ابهی بابدیع الحان نغمه وآوازی نوازند که گوشها محرم راز گردد وجمیع بشر
همدم وهم آواز شود تائیدات غیبیه پیاپی میرسد وتوفیقات صمدانیه متتابعت
اگر نفسی کلال آرد ویا آرام جوید خود را محروم نماید وعلیکم البهاء الابهی (ع ع)

اصفهان جناب میرزا هاشم صهر حضرت پیک رحمانی جناب شیخ سلمان هندیانی
علیه بهاء الابهی (هو الله) ای بندهٔ آستان احدی نامهٔ شما رسید

خط کاتب و امضاء مبارک

وتالان وتاراج معلوم گردید این سنین گذشته ایام انقلاب بود در ایام انقلاب سراب
آب شمرده میشد لهذا سختی و پریشانی از لوازم ایام است امانیست هرچه بود گذشت
۱۷۸ بمتعلقین حضرت شیخ نهایت مهربانی از قبل من ابلاغ دارید شما باید تأسیس مکتبی
در اصفهان یاورد بات بفرمائید و بتربیت اطفال مشغول گردید این امر مهم
را از مهام امور شمرید و چون را بمهابازشود و مخابره متابع گردد سفارش در حق
بازماندگان حضرت شیخ خواهد شد ۹ جمادی الثانی ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس

بواسطهٔ جناب حسنعلی خان جناب رضاقلی میرزای شیرازی علیه بهاء الله
الابهی (هوالله) ای مهتدی بنور هدی فافرح بذکر مولاک بما ایدک

خط کاتب و امضاء مبارک

وهداک وانقذک ونجاک واسمعک واحیاک وانعم علیک واعطاک
واکرم مثواک آن ربک یهدی من یشاء الی صراط مستقیم طوبی لک من هذه الهدایة الکبری
۱۷۹ لشری لک من هذه الموهبة العظمی وطوعاً لک من هذه المنحة التی یتبعها اولی التهنی وفرحاً
لک من هذه العطیة التی هی کنز لاتفنی وسروراً لک من هذه الاشراق الذی انار
الآفاق فاشکر ربک العظیم علی هذا الفضل الجلیل والفوز المبین والفیض القدیم
آن فضله علیک کالغیث الهاطل المدرار من سحاب رحمة ربک الرحمن الرحیم

وعلیک

تتمه

و علیک البهآء الابهی (ع ع) جناب میرزا علی خادم حرم (هوالابهی)
ای خادم درگاه حق این خادمی تو از شهنشاهی عالم برتر است و این بندگی تو از
سلطنت جهان بهتر زیرا این شهریاری جهان سراب بقیع است بلکه سم نقیع ولکن
خادمی تو سلطنت باقیه است و حکومت سماوات عالیه فنعم ما قال عبید ولکن
الملوک عبیدهم وعبدهم اضحی له الکون خادما باری این جامهٔ عبودیت ردآ عزت
قدیمه است و این خاک بندگی تاج و افسر شهنشاهی جهان باقی انیست که اکلیل
جلیل این عبد ذلیل در درگاه جمال ابهی مقام عبودیت است و اعظم مباهات قیام
بر بندگی این عتبهٔ علیاست. اللهم وفقنی علی ذلک وحققنی بذلک انک انت
الموفق القدیر (ع ع) تتمه (هوالابهی) ش جناب سلیمان
علیه بهآء الله الابهی (هوالله) ای سلیمان وقت سلیمانیست و هنگام
کامرانی و دم شادمانی چه که کشور الطاف در نهایت وسعت و حشمت عرفان
در غایت عظمت و سریر محبت الله در کمال رفعت بفضل جمال ابهی بر این
سریر جلوس نما و تاج سروری بر سر نه انیست سلیمانی انیست شهریاری انیست
زرگواری (ع ع) تتمه (هوالابهی) انوش هر جناب علی ن ق ی یک

۱۸۰ خط مبارک

۱۸۱ خط مبارک

علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند (هوالابهی) سبحانک اللهم یا الهی
انت الذی تجلی من انوار احدیتک احیت الموجودات و باشراق من مطلع جمالیتک
نورت الممکنات اسئلک باسمک الاعظم و نورک الاقدم و جمالک الانور و صراطک المستقیم
و منهجک القویم و واسطتک العظمی و وسیلتک العلیا و آیتک الکبری ان تؤیدعبدک
هذا علی التمسک بعروتک الوثقی و موهبتک الحسنآء و منحتک العلیآء ثم قدر له
کل خیر قدرته لخیرة خلقتک و بریة برءتها عبادک و اعطیته لسفرة کرام لکاماتک
واجعله ثابتا مستقیماً علی امرک و حبک انک انت الکریم ذو العطآء و الرحیم
بالارقاء تفعل ما تشآء و تحکم ما تریدو انک انت الغفور العظیم (ع ع)

(هوالابهی) ای حمامهٔ حدائق معانی تجلی الله علیک باشراق انوار
جمال بهاء الابهی اگرچه بظاهر در وادی فرقت و هجرانی و مبتلای حرقت و حزن
لکن فی الحقیقه در محفل یاران الهی و دوستان معنوی یادت ذکر و فکر انجمن است
و روی دلجوی محبان حقیقی حاضر چون شمع روشن پس ای یاران بجان مستبشر باشید
و بقلب خوش و امیدوار که فضل ملکوت ابهی عظیم است عظیم و روابط بین احبآء الله
از فیوضات رب قدیمست و شدید و البهآء علیک یا من اشتعل بنار محبة الله (ع ع)

خط مبارک ۱۸۴

هوالله ای بندهٔ آستان الهی از فضل حضرت یحیون در دو آستان پاسبانی و هردو مقبول درگاه احدیت ولی در یکی پاسبان حقیقی و دیگری مجازی از حق میطلبیم که مجازت را نیز حقیقت نماید ولیس ذلک علی فضل ربک بعزیز از خدا بخواه که توفیق بر عهد و میثاق غایت فرماید (ع ع) (هوالله) ش جناب میرزا علی خادم شاه علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نماید (هوالله) ای خادم قبر مستور آن جدث مقدس و رمس مبارک را محافظه نما و ملاحظه دار چه که صد هزار چراغ

خط مبارک ۱۸۵

آن مصباح را طائف و صد هزار شاه بندهٔ آن درگاه مرتفع اگر چنانچه حال نور آن مصباح از انظار مستور است و از اشرار محجوب اما عنقریب آن نور جهان افروز شود و آن شعاع حرارتش عالم سوز قدر این فضل وجود را بدان و شکرانه قیام نما و البهاء علیک و علی کل ثابت علی میثاق الله ع ع (هوالله)

شیراز جناب میرزا شکری علیه بهاء الله الابهی (هوالابهی)

ای بندهٔ شکور ربت غفور عنایاتش غیر متناهی و الطافش بیپایان عواطفش محیط است

خط مبارک ۱۸۶

و رحمتش منبسط و بسیط نورش ساطعست و نیرش لامع از جملهٔ الطافش ایمانست و ایقانست عرفانست پس چگونه شکرانهٔ این عنایت بی نهایت قیام توان نمود

مگر بقدر وسع بشر و مقدار طاقت زبان و بیان چون در وگهر پس بقدر مقدور بشکرانه
بپردازد (ع ع) شیراز جناب میرزا علی علیه بهآء الله الابهی هوالابهی
ای بندهٔ الهی علو و سمو جسمانی امر تصوری و اعتباریست بلکه سمو و اعلائی علو حقیقی
در عالم جانست و سمو واقعی در جهان وجدان پس توجه بملکوت ابهی کن تا ملکوتی حقیقی مشاهده ۱۸۷ خط مبارک
نمائی و از تفاوع ذروهٔ اعلی مشاهده کنی آن رتبت لبالاتر الاعلی والبهآء علیک (ع ع) شد
هوالابهی جناب آقا میرزا علی خادم علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند
هوالابهی یا من اشتعل بالنار الموقدة فی برية السينآء هرچند در کمال اشتغال
مرقوم نمیشود چه که بهیچوجه مجال نیست ولی انجذابات قلبیه بمحبت احبآء رحمن چنان در شدت ۱۸۸ خط مبارک
فوراست که امواج بحر اعظم مشغولیات از ذکر احبآء رحمن مانع و حائل گردد رب ایدعبدک هذا
علی الابتهال الی باب احدیتک والتضراعة الی سمآء الوهیتک والاشتغال بذکرک والانجذاب
بنفحاتک والتمسک بعروتک والثبوت علی عهدک وميثاقک والاستقامة علی صراطک
والاستضائة من انوارک والتبلیغ لامرک والنشر لطیب ذکرک وثنائک
انک انت الکریم الرحیم التواب وبعبادک رؤف رحمن (ع ع) شد
ش. جناب میرزا علی خادم حرم ربانی علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند
هوالابهی

هُوالابهی ای خادم حرم مطلع انوار اسم اعظم در پیش چیزی مرقوم شد و حال نیز ۱۸۹
این نامه نگاشته میشود شکر کن حضرت احدیت را که باین موهبت مفتخر گشتی و بدین غایت
مشتهر خادم درگاهی که فرار نفوس مقدسه است و مطاف ارواح مجرده تفحات انقطاع
از ترائش استشمام میگردد و نسائم روح بخش حیات از غبارش استنشاق میشود مطلع انوار محبت
الهیست و مشرق الطاف غیر متناهی طوبی لنفس زار ذلک المقام المقدس طوبی
لشام تعطر من النفحات المعطرة المنتشره من ذلک الموقع الاقدس وبشارة
لنفس قد تدنن حوله بقلب خاضع ومیکل خاشع وقلب محترق وحشاء ملتهب ودموع
منسجم وکبد مضطرم علی تلک المظلومة المقدسة التی احترقت بنار محبة ربها وذابت من شدة
حرقة الفراق عبد البهاء ع ع تحریر آنچه فرمودند آمال مقربین وغایت مقصود ملائکه
علیین است جناب شیخ بالوکاله مجری نمود از قبل شما در روضهٔ مبارکه بالنیابه شمعها
روشن کرد و همچنین ما کل در یوم مخصوص بالنیابه از جناب رفیع رفیع وشما و جمیع دوستان
و یاران ارض شین در روضهٔ منوره زیارت مخصوص نمودیم فاستبشر وا بهذه
البشارة العظمی وبهذه المنحة الکبری وبهذه العطیة النورآء والبهآء علیک وعلی
احبآء الله عبد البهآء ع (هُوالابهی)
جناب میرزا محمد

علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند هوالابهی الهی وربی ورجائی وغایة امالی
اسئلک بقصبک ورحمتک التی خصصت بها خیرة خلقک وترجیحا علی اغرة عبادک
وبموهبتک الکبری التی ستضیء بها وجوه احبائک ونور وجهک القدیم وجمالک الذی تجلی
لغمام الخفی عن ابصار الناظرین ویلوح ویضیء فی الملکوت الاعلی رشحة الابهی
جبروت الغیب لاهوته الاسمی بان تنزل علی عبدک هذا اکمل رحمتک وجودک
واحبائک وتؤیده علی الاستقامة علی امرک والثبوت علی کتابک وتوفقه بخشش آلهی
والاخوة وتبارک له فی کل شئونه وتجعله محفوظا مصونا فی صون حمایتک ومشمولا
بلحظات عین رحمانیتک انک انت الفضال الجواد الکریم الرحیم رب ثبت قدمی
واشدد ازری علی خدمة امرک واجعلنی من عبادک الراسخین عبد البهاء ع
وبلغ تحیتی وتکبیری الی حضرت رفیعی الرفیع واسئل لی ان یوفقه علی اعلاء کلمة بین العالمین
عبد البهاء ع (هوالله) شیراز جناب کربلائی حاجی علیه بهاء الله
الابهی (الله ابهی) ای هادی سبیل هدایت بیک غایت است
و اعظم موهبت وثمرهٔ شجرهٔ رحمت چه بسیار نفوس که در صدد هدایت گریستند
ولی چون خلوص نبود محروم ماندند و بسا نفوس که بمجرد استماع در شاهراه هدی دویدند

۱۹۰ خطاب بزرگ

۱۹۱ خطاب بزرگ

واز کوثر عطا نوشیدند واز شهد صفا چشیدند چون تو از آن نفوسی شکر خدا کن (ع ع)

هوالله بواسطهٔ آقا میرزا علی خادم حرم مبارک جناب خواجه محمد اسمعیل علیه بهاء الله

هوالله ای مهتدی نبورهدی دو دست شکرانه بدرگاه خداوند یگانه بلند نما و ستایش نما کشمرهٔ آفرینش فارغ گشتی و دیدهٔ بینش گشودی و روش یاران الهی پذیرفتی و در ظل عنایت پرورش یافتی حال سزاوار اینست که دمی نیاسائی و لحظی راحت نجوئی شب و روز مانند شمع بسوزی و نور هدایت بجمع مبذول داری بجان و دل در نشر نفحات الله بکوش

ع ع (هوالابهی) جناب عبدالکریمخان علیه بهاء الله الابهی

ملاحظه نمایند (هوالله) ای بنده درگاه الهی چشم بگشا تا مشاهدهٔ آیات کبری نمائی و گوش بگشا تا استماع نغمات ورقا کنی فجر وجود بسیار روشن و منیر است و کوکب عزت امر الله در نشأت سطوع چون نیر فلک اثیر بحر الطاف است که مواجست و نسائم یزدانست که متحرک از مهب احسانست این ایام را غنیمت شمار و این فرصت را از دست مده عنقریب طیور روحت بآشیان رب احدیت پرواز نماید

والبهآء علیک ع ع از فضل ملکوت ابهی امیدواریم که آنجناب چون شمع روشن در انجمن عالم نبورهدی ساطع و لامع گردد و نفحات قدس مجلس

انس بیارامید فی الحقیقه انتساب عنصر جسمانی و عنصر روحانی داشته اید لهذا باید بعون و عنایت
جمال القدم چنان بشور و جوش و ولوله و شوق آئی که هر نفسی را ملاقات فرمائی روح بخشی و جان
عطا فرمائی و بروح و ریحان آری و البهآء علیک (ع ع) ت ب ۵ (۹)

شیراز جناب آقا میرزا ضیآء الدین خادم مشرق الاذکار علیه بهآء الله الابهی

(هوالله) ای ثابت بر پیمان نامه ئی که در نهایت عجز و انکسار مرقوم نموده
بودی واصل باین دیار شبه معانی صرف تبتل و تضرع بود و مقصد و آمال
موفقیت بر خدمت امر ذوالجلال و این اعظم موهبت عالم انسان الحمدلله نور هدایت ۱۹۳
کبری را اباً عن جد میراث داری و بر منهج قویم و صراط مستقیم سالکی از کاس تسنیم
سرمستی و از مآء معین سیراب و بخدمت مشرق الاذکار مشغولی و از مادون حق بیزار
جناب آقا میرزا اقا عم گلمکار را بالطاف رب مختار امیدوار کن و همچنین کنیز عزیزالهی
والدهٔ محترمه خدیجه را بنفحات قدس بیدار کن و اخوی میرزا بهآء الدین را بالطاف دلبر
ناز نین مژده ده و امیدوار رب کریم چنانست که جد بزرگوار میرزا محمد در جهان ابد
سرمد غرق بحر الطاف رب واحد گردد و همچنین پدر مهربر ور میرزا باقر در انوار ملکوت
عفو و مغفرت مستغرق شود باری تو و برادر مهربان باید هر دو چنان بخدمت

بقیم

قیام نمائید که روح مقدّس آن دو جان پاک در عالم تابناک مسرور و فرخناک شود
و علیکما البهآء الابهی (ع ع) بخش جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز
علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند (هوالابهی) ای مشتعل بنار محبت الله ۱۹۵
ساعت که جسم منجمد و فکر متطرّق قسمت سبب نظم و ترتیبی ماهرانه حرکت منتظمانه وارد با وجود
انکه جسم ثقیل است اوقات انتقالات کوکب جلیل را معین نماید و بشیر قرب خطابرک
طلوع نیر فلک اثیر گردد و چون حرکتی خفیف و ضعیف در جسم ثقیلی حاصل شود چنین
ثمر جلیل حصول یابد پس اگر حرکت شوقی روحانی در جسم انسانی که مثابهٔ روح این عالم
عنصریست ظاهر شود چه آثار باهره و کمالات لامعه تحقق یابد پس از خدا بخواه که تیری
الهی و قوهٔ ئی روحانی سبب حرکت وجدانی هیاکل انسانی گردی و رصد حرکات
کواکب سمآء اعلی و نجوم ملکوت ابهی شوی و چون روح پرفتوح علت حرکت و اهتزاز
جسم عالم امکان باشی والبهآء علیک و علی کل من ثبت علی عهد الله و میثاقه عبدالبهآء ع
هو الابهی ای عاشق جان سوختهٔ جمال رحمانی اندک رنگ علی انتفاء مرضاته ۱۹۶
و اعلآء ذکره در سبیل حق جان و مال و عزت و منال اگر از دست رود اعظم توفیقات خطابرک
الهیه هست و اکبر تأییدات ربانیه چه که انمقام رتبهٔ فدآء کلی است که اعظم آمال اولیآء

آلهست انیت که حضرت اعلی روح العالمین فداه در احسن القصص قویم اسماء خطاب بجمال
الله الابهی میفرماید یا سیدنا الاکبر قد فدیت بکلی لک وما تمنیت الا القتل فی سبیلک
والسلب فی محبتک وانت الکافی بالحق والروح والبهاء علیک (ع ع) تمت
ش جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند (مولا بهی)

ای بندهٔ حق هرچند بظاهر تو در شیراز ماه درسین یعنی ولایت سوریه اما فی الحقیقة
در ظل یک شجریم و متنعم بیک ثمر در محفل انسیم واز جام عهد سرمست در جنت ابهی
داخلیم و در گلشن الطاف وارد پس حمد کنیم خدا را بر این موهبت کبری والبهاء علیک ع ع تمت

هو الله جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیه بهاء الله الابهی الله ابهی
الهی انت تعلم حالی وتری تشتت شملی وتفرق جمعی وتلهف قلبی فی بحر الی من قرب
ووصالک وبعدی عن ملکوتک وحسرتی وسکراتی فی بیداء الحرمان من قرب جوارک
ایرب ایدنی علی ذکرک وثنائک وانطقنی بمحامدک ونعوتک بین خلقک واخلص وجهی
لوجهک الکریم یا ربی العظیم انک انت الرحمن الرحیم ایرب هذا عبد توجه بملکوتک الابهی
ونطق بالثنائک واعرض عن الهوی وسرع الی شاطی بحر الهدی وشرب کاس الوفاء
ادرکه بفضلک وجودک یا ربی الاعلی (ع ع)

از ت

از بتر تکیس لرمز آلرمیس سؤال نموده بودید این عبارت از جمله عبارات شیخ مرحوم است که در جواب سؤال از قائم مرقوم فرموده اند جمیع فقرات در آن ورقه جوابیه جناب شیخ مفصل شرح مجملات سایر شیخیه مرقوم کنند در هر دو صورت جهلشان ثابت گردد حال شما باین رؤسا امثال پسر حاجی محمد کریمخان و غیره متصل و متتابع مراجعت نمائید که شرحی در این بیانات جناب شیخ مرقوم نمایند و یا آنکه اعتراف بر عدم فهم کنند چه که مشهور است که از حاجی محمد کریمخان سؤال نموده بودند گفته بود که من نمیفهم و هرکس بفهمد من فاضع تیوم ولی لساناً گفته بود باید خطاً بنویسند (ع ع) (هوالله) جناب زائر آقا میرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی (هوالابهی) ای زائر مطاف ملأ اعلی شکر کن جمال قدیم رب کریم را که مسافت بعیده را طی نمودی تا نطل محمود و مقام محمود آستان حضرت معبود وارد شدی و بصر را مشاهده آیات کبری در آن بقعه مقدسه روشن فرمودی پس حال ارمغانی از نفحات قدس این روضه مقدسه برداری و بلا و الله توجه نما و هر یک را از پیام الهی که در صحائف عهد و میثاق ربانی مندرج و مندمج است بهره مند کن یعنی کل را بثبوت بر میثاق دلالت فرما تا جنود تائیدات از ملکوت ابهی بجوش آید ع ع (هوالله) جناب آقا میرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی

هو الابهی الهی الهی انی عبد آمنت بک وبآیاتک واقبلت الی وجه جمالک الاعلی
وانخلعت وجهی لملکوتک الابهی وتشبثت بالعروة الوثقی وتمسکت بذیل ردائک
الکبریاء واستقمت علی شریعتک النورا، وثبت علی میثاقک العظیم الذی اخذته
فی ظل الشجرة الأنبیاء ایرب احرسنی بعین رعایتک الواقیة للاحباء وانظرالی نفحات
رحمانیتک التی احاطت الاشیاء واحفظنی من کل البلاء وقنی اتزلزل والاضطراب
یارب الارباب انک انت الکریم الرحیم العزیز الوهاب (ع ع) هو الابهی

شیراز جناب میرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی (هو الابهی) ای جناب
ابوالقاسم درارض مقدس بودی ومشاغل عظیمه دمبدم مرادیدی باوجوداین
هنوز نزل نرسیده استدعای مکاتبه نموده اید ولی چه چاره باید بقدر امکان سبب
سرور وحبور قلب یاران وحکمشان را مجری داشت واین قوت وقدرت
وسطوت وسلطنت را لفیوضات محبت جمال قدم یافته اند نعم الاقتدار
هذا الاقتدار ع ع تمت (هو الله) جناب حسین سبیل جناب
آقا میرزا ابوالقاسم علیه بهاء الله الابهی (هو الابهی)
ای حسین جانها فدای اسم تو این نام محترم درکور فرقان علم بر مظلوم

مکرّم بود و در این کور کن اوّل از اسم اعظم ملاحظه کن که چقدر مبارک است هرچند بظاهر
تصغیر حسن است ولی در حقیقت شمس افق کبریاء و عظمت جمیع اسماء
طائف حول این اسم و کلّ صفات مشتق از لفظ این اسم تفکّر لتعرف اسرار الله
المقتدر المهیمن القیوم ع ع (هو الله) مقابله شد

امة الله ضلع جناب آقا میرزا ابوالقاسم علیها بهاء الله الابهی

هو الابهی ای امة الله ورقهٔ موقنه با جناب آقا میرزا ابوالقاسم (ضلع)
در کمال روح و ریحان وارد تلقاء نورا ء ارض بیضاء گشت و چون خاک در نهایت ۲۰۳
خضوع و خشوع در آستان مقدّس حول روضهٔ مبارکه نشست و بغایت تضرّع
و تبتّل طلب الطاف بجهة احبّاء و استدعای مغفرت بجهة متصاعدین نمود و در
جمیع احوال باید متعلّقان بود و بالنّیابه نیز زیارت نمود از درگاه احدیّت
بنهای عجز و نیاز استدعای قبول زیارت او را مینمائیم و لابه و زاری
کنیم انّه یقبل الشّفاعه و یتوب علی عباده المخلصین و الحمد لله ربّ العالمین ع ع
مقابله شد

(هو الله)

ورقهٔ مهتزّه صبیّهٔ جناب آقا میرزا ابوالقاسم امة الله لقائیّه علیها بهاء الله الابهی

Provided by the Afnan Library

حضرت مبارک ۲۰۲ (هوالابهی) ای ورقهٔ متشبثه شکر کن حضرت رب عزت را که چنین پدری بتو عنایت فرموده که از عشق الهی گریبانی چاک دارد و همتی بلند تر از کواکب افلاک با وجود این در خضوع و خشوع چون مرکز خاک این نیت الا فیض الطاف مخصوصهٔ رب قدیم اولا سبب وجود تو بود ثانیاً علت هدایت نور شهود و توجه بمقام محمود و در حول مرکز دائرهٔ غیر متناهیه بیاد تو مشغول بود دیگر بهتر از این پدر تصور توان نمود لا و الله و البهاء علیک ع ع

(هوالله)

۲۰۳ جناب محمد رضا ابن مرحوم اختر علیه بهاء الله الابهی (الله ابهی)

حضرت مبارک ۲۰۵ یا من تعلق باهداب ردآء الکبریآء سبحن و قدس و جل ما یهم ربک الحی القدیم و قل سبحان من انشاء النشأة العظمی و قدر الآخرة و الاولی سبحان من اقام القیامة الکبری سبحان من خلق فسوی سبحان من مد القراط و رفع السموات العلی سبحان من وضع المیزان و حشر من فی الوجود فی النشأة الاخری و ادخل الذین آمنوا فی جنته و الغافلین فی جحیم و عذاب و بئس عقبی الذی کذب و افتری (ع ع) عنایت (هوالله)

ش جناب آقا محمد رضا علیه بهآء الله الابهی (هوالابهی)

حضرت مبارک ۲۰۶ ای بندهٔ راضی بقضا حقیقت رضاء اعظم موهبت جمال ابهاست ولی تحقق این صفت

لا اعظم

که اعظم منقبت عالم انسانست مشکل است چه که بسیار صعب و سخت است حین امتحان معلوم
و واضح گردد اسئل الله ان یوفقک علی هذا الفضل العظیم والحمد لله رب العالمین والبهآء علیک
ع ع (هوالأبهی) شمائل محمود جناب آقا محمود ابن اختر علیه بهآء الله الابهی
هوالابهی ای محمود محمود کماش ثلج در یخچال و برف در قلل جبال فراوان ۲۰۷
وبهائم بارده و وحوش شارده در کوه و صحرا و خشکی و دریا بیحد و حساب ولی سمندر آتش
خوار و قفقس آتش خواه نادر و کمیاب بیا تو سمندر پر سوز و ساز شو و قفقس آتشکده
راز آتشی بجان محمودان زن وصلای بر محبتجان اگرچه محمودان و منجمدان در یوم
میثاق چنان افسرده و یخ کرده و مرده اند که حر نیران شعله ئی در آنها تاثیر ننماید
مقابله شد
والبهآء علیک ع ع
شیراز جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیه بهآء الله الابهی (هوالله)
ای ثابت بر پیمان نامه رسید و مضامین معلوم گردید حمد کن خدا را که در سبیل
اندلبر بازنین منزوی و خانه نشین گردیدی و اوقات عزیز را بتحریر کلمات و ترتیل آیات ۲۰۸
محصور فرموده ئی این نعمت عظمی شایان هزار شکرانه است نامه های سابق از جهت
عدم امنیت راه نرسید والا لابد جوابی مختصر اقلاً بر یکی از امان مرقوم میگردید

حال الحمدلله این نامه رسید واز معانی حلاوت روحانی حاصل شد کام جان شیرین گشت
وذاق وجدان شکرین شد الهی الهی ان عبدک هذا قد تجرع کاس البلآء فی سبیلک
وذاق مرارة الرزایا فی محبتک قد استهدف سهام الجفاء وصبر علی جمر القضاء واضطرم
نار محبتک بین الملا صبح الدموع من العیون حباً بجمالک الاعلی رب انه منزوع من الخلق
منجذب الی الحق متوجه الی ملکوت الجمال شائق تائق الی محفل الوصال رب ایده
فی جمیع الشئون والاحوال وبشره الآمال واحشره مع الابرار وانطقه بثنائک
بین الاحرار انک انت العزیز المختار وانک انت الرحمن الرحیم وعلیه بهآء الابهی ع ع

(هوالله) بواسطهٔ آقا میرزا هادی شیراز
وتوسط امة الله زیور سلطان خرم جناب میرزا ابوالقاسم ساعت ساز علیهما بهآء الله

(هوالله)

ای امة الله محزون مباش مغموم مگرد روی محزانش وسرشک از دیده
مپاش آه وانین مکن وفغان وحنین منما آزرده مگرد افسرده مشو پژمرده مباش
زیرا فرزند دلبندت تا غوش پدر آسمانی شتافت ودر ملکوت رحمانی رخ تابان
وحضرت رب قیوم اورا بکمال نوازش بنواخت طول حیاتی را اهمیتی نه اصل کمالات

الهیه

خط کاتب در وارنفا رهبارک ۲۰۹ ۲۰۸

الحمد لله بنتیجهٔ زندگانی در ملکوت رحمانی فائز گشت چه که مقصد از حیات جسمانی حیات
روحانی و زندگی جاودانی در عالم یزدانیست آنموهبت میسر شد و آنمنقبت مقرر گشت
امیدست اعظم شادمانی و اتم کامرانی در جهان ربانی و علیک التحیة والثناء (ع ع) مقابله شد

هوالابهی

عریضهٔ جناب محمد آشهیر تاجر بزرگ علیه بهاء الله

هوالابهی

الاهی الاهی ملاحظه نمائید یا من احترق من نار الفراق
قد تلوت الورقة الناطقة بمحبة محبوب الآفاق وثبوتک علی العهد والمیثاق وتحیر
من کاس الوفاق وتجنبک من اهل النفاق واشتیاقک للعروج الی الملأ الاعلی
والتصعود الی ملکوت الاهی وتبتلک وتضرعک الی الحضرة الرحمانیه ان
یطیرک فی هواء القدس وفضاء الانس ویجیرک فی جوار رحمته الکبری
وینزلک فی نزل الوفا فی جبروته الاسمی طوبی لک من هذه المنحة الخالصة
والهبة العلیة الکبری ولکن یا حبیبی اشد ظهرک وقوا ازرک وشمر ذیلک لاعلاء
کلمة الله ونشر نفحات الله وسطوع انوار الله واحاطة کلمة الله ولعمری یؤیدک الله
علی هذه المنحة العظمی ویوفقک علی هذه الموهبة الکبری فانشر الاعلام وتقرب الی الملأ
واقصد ملکوت ربک بجنود الخدمة فی امر الله وادخل الرفیق الاعلی والحدیقة الغلبا

والروضة الغنّاء بوجه نورانی وقلب رحمانی وروح ربانی والبهآء علیک وعلی کلّ من
ثبت علی عهد الله وميثاقه الغليظ ع ع (هوالله) ع ع مقابله شد ش ش
جناب محمّد الشهیر بآقا بزرگ علیه بهآء الله (هوالله)
ای مهتزّ از اهتزاز اوتار محبّت الله آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید وحقیقت ۲۱۱
مقصود مشهود بود احبّای الهی الحمد لله درجمیع اقطار بخدمت آستان
مقدّس قائم ودر نشر رایحهٔ قمیص یوسف رحمن جان فشانی مینمایند وتأییدات
کلّ جهات متواصل متتابع گردید من یشأ بجنود الهامه وجیوش فیضه والطافه
انّه هو القوی القدیر ملاحظه نمائید که عبارت تان صریحی که فرموده وناعق را معیّن
کرده باز این محتجبان درحجبات غفلت محتجب ذرهم فی خوضهم یلعبون ودعهم
فی غمراتهم یخوضون ع ع مقابله شد
امة الله جمیع محترمه را تحیّت برسان وهمچنین دو نهال بوستان محبّت الله را ع ع
جناب آقا میرزا خلیل حبیب عبد البهاست وخلیل اهل ملأ اعلی تحیّت الهی برسانید
وبه عنایت حضرت کبریا مطمئن باشند والبهآء علیهما ع ع
هوالابهی ش ش جناب حاجی میرزا اسد الله علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

Provided by the Afnan Library

(هُوَ الاَبهیٰ)

۲۱۲ حضرت عبدالبهاء

ای خرغام احبهٔ ملکوت جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبائه فدا در جمیع اوقات
ذکر اقلیم فارس و شهر شیراز را مینمود و میفرمود که اهالی یعنی احبای الهی فی الحقیقه روحی و ذوقی و کیفیتی
مظهر رحمند و ملحوظ بلحاظ عین عنایت و میل مبارک همیشه در این بود که آن نفوس مبارکه مظاهر
آیات توحید باشند و مطالع آیات تجرید در اعلاء کلمة الله رایات منشوره باشند
و در نشر نسائم محبت الله آیات معروفه حال باید احبای الهی بر نصرت امرالله یعنی هدایت
نفوس چنان قیام نمایند که ندای تحسین و آفرین از ملکوت ابهی متتابع رسد که طوبی لکم
یا جنود الملأ الاعلی طوبی لکم یا بدات الوری طوبی لکم یا کمات میدان التقی ع ع

مقابله شد

(هُوَ الاَبهیٰ)

۲۱۳ حضرت عبدالبهاء

نش جناب حاجی میرزا اسدالله علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند هُوَ الاَبهیٰ
ای ناطق بثنای الهی لسان را ذکری و عقول را فکری لازم لکن اذکار و افکار مختلف
و متفاوت قومی بذکر حقائق موهومه و انعکاسات شبحیه مشغول گردند چون
آن اوهام زائل و آن انعکاسات خیالیه آفل گردد خائب و خاسر شوند و جمعی
آن اوهام را از بدایت زائل و آفل بینند و حقیقت شاخصه و ذوات قائمه کینونیت

Provided by the Afnan Library

باقیه طلبند وبکوشند وبجوشند وبجوشانند تا برسند والبهآء علیک (ع ع)

بواسطهٔ ورقهٔ مبارکه والدهٔ آقامیرزا هادی افنان علیها بهآء الله الابهی (شیراز)

امة الله صبیهٔ آقامیرزا اسدالله شیرازی علیها بهآء الله الابهی (هوالله)

ایکنیز عزیز الهی نامهٔ تو رسید بسیار خوش مضمون بود زیرا دلیل بر اشراق نورهدی

وتأییدات ملکوت ابهی وانجذاب بنفثات الله وخلوص نیت وپاکی فطرت بود

لهذا بدرگاه احدیت تضرع نمودم وترا موهبتی آسمانی خواستم ونعمتی جاودانی طلبیدم ۲۱۴

تا مشمول الطاف وعنایت باشی ومنظور نظر حضرت احدیت گردی از عدم فرصت

مختصر مرقوم شد وعلیک البهآء الابهی ع ع (هوالابهی)

ای مدهوش جام محبت الهی علیک بهآء الله وفضله وجوده المتوالی آفتاب دم غروب ۲۱۵

واقول است وهوا تاریک وچشم از صدمات مصیبت کبری کلی ضعف بر آن مستولی

گشته باوجود این محبت احبای الهی چنان محیط ومستولیست که بحرکت دست این نامه مرقوم شود

چه که نبذ کر شما قلم را روح وریحانیست دیگر مضطر نکن که چقدر عزیزید وچه مقدار مکرم ومحترم

والبهآء علیک ع ع (هوالله) شیراز جناب آقا محمد

اشرف امیرزا بزرگ علیه بهآء الله الابهی (هوالله)

خط کاتب هر دو امضاء مبارک

خط مبارک

امر مت

امی ثابت بر پیمان نامه آن روحانی ملحوظ این بنده فانی شد از صعود آن فائز مقعد صدق در جوار رحمت کبری یعنی چراغ بها مخزون مباشید زیرا آنسراج در زجاج مغفرت عظمی برافروخت و در انجمن بالا روشن گشت مناجاتی در طلب مغفرت تلاوت شد نجل مجید ایشان برسانید امّا از جهت فتور در ارسال رسائل انیقه معذور خواهید داشت زیرا نه اینکه چه طوفانی و چه موج و هیجانیست البته منشیان و محلیان چند و کتبه و سفرهٔ کرائم برّرهٔ از عهدهٔ قرائت اوراق وارده برنیایند تا چه رسد بتحریر جواب یا خطاب من دون سئوال ولی جمال قدیم آگاه این قلب سلیم است که لحظه از یاد یاران فراغت نه و دمی از همدمی ذکر دوستان غفلتی نه اصل امنیت و چنین است لهذا خود را محروم مشمارید و مرا معذور دارید نامه من متسلسل الورود والوصول بآن یار مهربانست در وقت فراغت در حالت توجه ببقعهٔ مبارکه دقت فرما که چگونه نامه های روحانی و کتاب مبین بواسطهٔ پیک امین میرسد و هذا حقٌ لاریب فیه اسئل الله بان یجعل التوفیق رفیقک والتائید محیطاً بک حتی تنال المنی فی الآخرة والاولی وتبلغ تحیتی الوافره واشواقی المتکاثره الی سلیلک السعید والق کلمة التکبیر من قبلی علی ضجیعک المحترمه المذکورة عند ربک المجید

۲۱۶ ظ

وعلیک التحیة والثناء (ع ع) تذکره (هوالله)

مناجات طلب مغفرت بجهت چراغ بها علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

۲۱۷ ربی ربی وملاذی ومولی ومعتمدی انی اتضرع الیک بروحی وقلبی وفؤادی ان تبدل عبدک چراغ البهاء برحمتک الکبری وتحفظه فی زجاج عفوک من ارياح العذاب وقواصف العقاب رب رب انا خطاة وانت الغفور الرحیم ونحن عصاة وانت العفو الکریم فلا تعاملنا بما نستحق وعاملنا بعفوک وصفوک وفضلک یا رحمن ویا رحیم رب رب ان عبدک الوافد علیک القاصد باب جودک لم یزل خاشعاً متضرعاً لائذاً بفنائک مشتاقاً لمشاهدة جمالک فقیراً بفضائک متمنیاً استماع خطابک راجیاً الوصول الی اعتابک رب رب قدر له النور العظیم واطفح کاسه بالماء المعین وارزقه مشاهدة النور المبین وادخله فی فردوسک العظیم وآنسه بلطفک الجلیل واجعله مستغرقاً فی بحار رحمتک یا رؤف یا کریم ویا غفور یا رحیم (ع ع)

۲۱۸ (هوالابهی) ای شارب سلسبیل عنایت الهی نور الله جبینک بنضرة النعیم بین وجوه العالمین قد تشرف رقیمک لساحة قدس محبوبک ومحبوب العارفین انه یخاطبک من ملکوته الابهی وجبروته الاعلی ویقول وزکیه من افق الابهی

۲۱۷ خطاب بشیخ بهائی دور مبارک

۲۱۸ خطاب مبارک

Provided by the Afnan Library

وننصر من قام علی نصرة امری بجنود من الملأ الاعلی وقبیل من الملائکة المقربین الیوم یوم
استقامت کبری وثبوت ورسوخ بر امر الله است وحفظ وصیانت حصن
امر است از تعلق ناقضین وتمسک بنام بعهد ومیثاق الهی فطوبی لمن لا تأخذه فی الله
لومة لائم والبهآء علیک ع ع

نیریز سروستان مملکت ترنک

(هو الله)

جناب آقا مرتضی زائر علیه بهآء الابهی

از مضمون مفهوم شد که جنابی ثابت بر پیمان نامه که چند سال پیش فرستاده بودی امسال رسید
سروستان وآن صفحات جمیع خاضع وخاشع ملکوت آیات وعبد البهاء در عبودیت آستان
مقدس شریک وسهیم امید شدید است که آن نفوس نفیسه اوراق شجرهٔ
طیبه باشند وهمواره محفوظ از روایح خبیثه ورائحه منتنه مستقیم در بین بریه ضلع محترمه
وصبایای مکرمه وعبد الکریم کریم وعبد الخالق خائق رالتحیت ومهربانی برسان
از خدا خواهیم که همواره مؤید وموفق باشی واز درگاه احدیت مغفرت خطایا
از برای والدین شما طالب وآملم وهمچنین نهایت محبت واشتیاق رابنبذهٔ نیز
آفاق جناب آقا محمد علی مکتب دار برسانید وعلیک التحیة والثناء ۲۳ ک ۱۹۱۹

عبد البهاء عباس

بواسطه جناب آقا مرتضی زائر سروستانی

خط مبارک حضرت مولی الوری والمصباح المنیر ۲۱۹

اخوی ایشان جناب آقا محمد نبی واخوی ایشان جناب حاجی بابا واخوی زادهٔ ایشان جناب آقا
اسمعیل واخوی زادگان ایشان وامة الله والده خیرالنساء وامة الله اخت صغری
وامة الله ضلع شاه بی بی وامة الله بنت گلشاد وامة الله بی بی لقا علیهم وعلیهن
بهاء الله الابهی (هوالله) ای منتسبین جناب زائر آقا مرتضی
برضای الهی فائز ونفضل وموهبت ربانی حائز از خدا خواهم که مانند آقا مرتضی شهید
روحی له الفدا جانفشان گردد ولقب بانگاه عشق شتابد تا در جهان دیگر علم افرازد ۲۲۰
وموهبت دیگر بیابد واز جام دیگر نوشد ودر عالم بالا ملکوت ابهی بیاساید در اینجا بعتبهٔ
مقدسه التجا نمود واز برای هریک از شما موهبتی جدید رجا وآرزو نمود من از فضل اعظم
اعظم روحی لاحبائه الفدا نیز امیدوطیدارم که هریک از شما آیت کبری گردد
ونشانهٔ از ملاء اعلی شود بارخی منور وقلبی مطهر وروحی مبشر با خلق معاشرت نماید
وبایاران آمیزش کند تا جمیع مشاهدهای بازرا یکجه جنت ابهی انشمام نمایند وکل ناظرین
آثار ملاء اعلی مشاهده کنند اللهم یا الهی ومحبوبی ومنائی قد شاع ذکرک وذاع
امرک فی اقلیم انتسب الی مظهر رحمانیتک وتوطن فیه مطلع فردانیتک واهتدی
فیه نفوس طیبته طاهرة فانجذبت بانوار الجمال واشتعلت بنار الوصال وخضعت

لآیاتک

Provided by the Afnan Library

لآیات الجلال و نطقت بثنآء و نادت باعلی النداء و ترنحت من صهباء الوفاء
رب اجعلهم مستغرقین فی بحر العطاء و خائضین فی غمار الموهبة الکبری لیخبروا الملأ
الخلائق و المعانی من اصداف هذا البحر الذاخر المواج علی الشواطی انک انت
المقتدر العزیز المتعال لا اله الا انت السبوح القدوس العزیز الکریم احباب زائر
علیک بهآء الله و ثنائه صبیهٔ صغیره را عطیه نام نه ع ع متابعه

شیراز و سروستان بواسطهٔ جناب آقا میرزا محمد علی زائر احبای الهی علیهم بهآء الله الابهی

جناب آقا میرزا عبد الوهاب جناب آقا میرزا کوچک جناب حاجی محمد ابراهیم
جناب آقا عبد الغفار جناب آقا میرزا محمود جناب آقا میرزا احمد علی
جناب آقا منوچهر فارسی جناب آقا رستم پولاد جناب محمد باقر
آقا میرزا فتحعلیخان آقا حیدر علی آقا میرزا علیمحمد آقا علی نقی
آقا محمد خسخان آقا میرزا احمد علی آقا غلامعلی آقا مصطفی
آقا علی نقی آقا مشهدی اسد الله آقا محمد حسین آقا عباسعلی
آقا محمد حسن آقا فیروز آقا سلیمان آقا علی آقا محمد باقر
آقا مصطفی آقا میرزا باقر حاجی محمد حاجی خان

Provided by the Afnan Library

آقا محمد رضا آقا بقا آقا محمد حسن استاد حسین
کربلائی شکرالله آقا سبز علی آقا ملا محمد علی آقا قربانعلی
آقا علی حاجی محمد شفیع آقا علی حسین آقا میرزا حسین
آقا علی محمد آقا صادق علی آقا عزیزالله آقا مشهدی صفر
آقا محمد باقر عبدالله بهائی آقا عوض آقا قباد خان
آقا استاد حسن آقا علی محمد آقا محمد علی آقا میرزا جمال الدین
آقا میرزا اسمعیل آقا میر کریم آقا میر غفار میر رسول خواجه زین العابدین
ملا آقا اصطهبانائی جهانگیر جهرمی عبدالرحیم آقا حسن
آقا عباسعلی آقا حاجی آقا عطاءالله آقا مسیح آقا عنایت الله
والدهٔ قباد خان والدهٔ مسیح الله والده میرزا محمد علی صبیهٔ حاجی محمد ابراهیم
صبیهٔ مرحوم حاجی عبدالباقی همشیرزاده (هوالله)

۲۲۱ ای یاران الهی خطهٔ شیراز منسوب بحضرت بنیاز و موطن کاشف اسرار
براهل راز از آنکشور ماه منور طلوع نمود و از آن اقلیم صبح منیر سطوع یافت
مبشر جمال مبارک ندای الهیرا از آن ارض نورانی بلند فرمود و مژدهٔ موعود بیانرا

در حسن

در احسن القصص بابدیع تبیان گوشنزد شرق و غرب کرد اول ندا در آن خطه و دیار
اوج گرفت و نفوس مبارکه نعرهٔ ربنا آنا سمعنا منادیاً ینادی للایمان ان آمنوا بربکم
فآمنا برآوردند حال الحمدلله آن کشور بنور عرفان منور است و آن خاک پر تو
عنایت حق تابناک نفوسی در آن ولایت مبعوث شده اند که منعوت مخلصند
و منضبط جمیع روی زمین حال نهایت آمال عبدالبهآ چنان که در جمیع شئون مظاهر
موهبت حضرت یچون گردند علمی برافرازند که موج بر آفاق زند پری باز کنند که باوج
اعلی رساند نطقی بگشایند که بعظام رمیمه جان بخشد روحی بدمند که نفوس میته را
حیات جاودان مبذول دارد شجرهٔ غرس نمایند که سایه بر امکان افکند جنائی ثمر
نمایند که آفاق را در ظل آرد موجی بزنند که در مکنون و لؤلؤ مخزون نثار کند
گلشنی بیارایند که نبافهٔ اسرار مشام مشتاقان را مشکبار کند شمعی برافروزند
که روشنی ابدی بخشد جیشی برانگیزند که مدائن قلوب فتح نماید عیشی مهیا سازند
که فرح و سرور ابدی مبذول دارد پس باید که هریک از احبای آلهی عود
وجود در دست گیرد و با آهنگ بدیع در این گلشن آلهی نغمه و سرودی زند
وولوله و شوری انگیزد ناطق باشد و منادی ناظر باشد در کمال فرح و شادی

Provided by the Afnan Library

ترتیل آیات ہدی کند وتفسیر کلمات منزلهٔ از سما تهلیل وتکبیر ملکوت اعلی رساند وتسبیح وتقدیس بعالم بالا ابلاغ دارد وعلیکم البهآء الابهی الهی الهی ان احبآئک لاصفیآء واولیائک الاتقیآء مشتتین الشمل فی البلاد ومفرقین الجمع بین العباد یصطهم اهل الجفآء ویفرط فیهم اهل الضغینة والبغضآء لم نزل یا الهی یکمنون لهم بالمرصاد ویرمونهم بسهام حداد ویرشقون علیهم النبال وسلون علیهم السیوف بکل عناد رب احفظهم ببلائکة کلائتک واحرسهم تحت رعایة عین عنایتک واشملهم بلحظات طرف رحمتیتک وایدهم علی هدایة خلقک ووفقهم علی خدمة عتبة قدسک وانصرهم بجنود الغیب واکفهم شرور اهل الریب وطیبهم بصیب سحاب عنایتک انک انت الکریم انک انت الرحیم وانک انت الله ذوالفضل العظیم ع ع ع (هوالله) شیراز امة الله جمالیه صبیه من ادرک لقآء ربه مرحوم حاجی میرزا عبد الحمید علیها بهآء الله (هوالله) ای ورقهٔ موقنه نظم دشر کدزر کلک وقریحهٔ آن سرگشته وسودائی دلبر آفاق جاری شده بود ملاحظه گردید فی الحقیقه درنهایت ملاحت بود ثنای جمال الهی پرداز که ترا موفق برنغمهٔ سرائی درگلشن عشق الهی نمود وبذا من فضل

ن آب

(فوق مبارک ۲۲۲)

من آلرب الودود فیهذا الیوم المشهود فیظلّ المقام المحمود امة الله المنجذبه والده
را تحیت ابدع ابهی برسان و همچنین سایر آماء رحمن را و بگو الیوم روز فیروزی اشتعال
و انجذاب و خرق حجابست ع ع شیراز جناب حاجی محمد علی زائر

(هو الله) ۲۲۳

علیه بهآء الله الابهی

ای بندهٔ آستان حق نامهٔ شما رسید ولی از عدم فرصت مجبور بر اختصار
جوابم و معذورم اثبات بر پیمان نامهٔ جناب رستم فولاد و جناب بهرام رسید محض
حبور شما و سرور ایشان چند سطری جواب مرقوم میگردد بجناب میرزا علی اقا تحیت ابدع
ابهی ابلاغ دارید هرچند عبدالبهاء نهایت اشتیاق بملاقات ایشان دارد ولی چون موسم
تابستانست و گرمای انیصفات شدید لهذا بوقت دیگر مرهون دارند بجناب آقا علی
اصغر و جناب آقا شکرالله و جناب آقا عبدالغفار و جناب آقا محمد ابراهیم زائر و جناب
آقا محمود عطار و جناب عبدالحسین خیاط از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید و تحیت
ابدع ابهی برسانید و بگوئید ای یاران ایام ایام استقامتست و ثبات و استقامت
مانند آب حیوان سبب زندگی سرمدیست و حیات ابدی الحمدلله شما از بادهٔ ثبوت
سرمستید و در بزم استقامت ساغر عهد و پیمان در دست لهذا بدرگاه احدیت

Provided by the Afnan Library

شکرانه نمائید که بچنین موهبتی موفقید و بچنین عنایتی فائز احباب زائر کشور سروستان
نمائید و یاران را از صهباء میثاق نشئه بدیعی بخشید و تحریص و تشویق استقامت
بر امر نور مبین نمائید و تحریص بر تبلیغ و نشر نفحات الله نفرمائید تا کلبه پاشا الله
سروستان جنت سرورهای بیحال باغ الهی گردد و آن کشور منفی تربت قدس
معطر و منور شود و علیک البهاء الابهی (ع ع)

سروستان بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله
جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

ای ثابت بر پیمان نامهٔ شمارسیده مضمون چون دلالت بر عبودیت حضرت
بیچون مینمود سبب فرح و سرور گردید از الطاف حضرت حی قیوم امیدوارم که روز بروز
راستقامت و ثبوت بنفرائی آما حضرت منشادی از اینجهان فانی آزادی یافت ۲۲۴
و بجهان الهی شتافت از شدت احتراق و کثرت اشتیاق سراج در زجاج امکان
گنجایش نیافت لهذا بجهان بیپایان عروج نمود یا لیت کنت معه فافوز فوزاً
عظیماً بارسی فرشهای حاضر مقام اعلی را ارسال دارید و یک قالی بزرگ که منقوش
باینکلمه باشد مقام اعلی یافته بعد ارسال دارید آما الوان قرمز و زرد در آن نباشد

خط کاتب لهرو و انتظار مبارک

ع ح

آن دارند

و طرح هر نوع که مصلحت میدانید و جناب میرتاج الدین صباغ بادو سلیل اجازه
که بکقطعه نرش بجهت مقام اعلی ارسال دارند و جناب محمود را تحیت ابدع ابهی
ابلاغ دارید و جناب میرکریم ماذون حضور مند و علیک البهاء الابهی (ع ع)

هُوَ اللّٰه ش جناب عبد الغفار علیه بهاء الله الابهی (هوالابهی)

ای بندهٔ حق بعبودیت آستان جمال ابهی چون عبد البهاء قد بفراز و به بندگیش
قیام کن تا پیام آلهی بگوش جان بشنوی و پیک سروشرا متابع الورود بینی
قسم بابم اعظم روحی لاحبائه الفداء عبد البهاء آرزوی عبودیت آستانش
مینماید ولی افسوس که چنانچه باید و شاید تا حال موفق نگشته بلکه بدعای دوستان
و تضرع یاران متوفق براین موهبت عظمی گردد استدعای حضور زیارت
تربت پاک نموده بودی الآن قدری موانع حاصل علی العجاله بنشر نفحات
مشغول شوید تا زمانش آید و علیک التحیة والثناء (ع ع)

بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

جناب آقا عبد الغفار شیرازی علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

ای بندهٔ جمال ابهی مکتوبت واصل شد و فریاد و فغانت مسموع گشت

خطی کاتب مورد استفاده مبارک ۲۲۵

خط کاتب ارفعه دوم مبارک ۲۲۶

جمیع مراتب وشئون را فدای حضرت بیچون کن واز جمیع قیود وارسته باش وتمایید
بخود حق ولبسته ایام میگذرد وهر حالی منقضی شود وهر ثروت وراحتی منقرض گردد
جان وجنان ووجدان وروح وریحان وفضل حضرت یزدان باقی وبرقرار
جناب آقا محمد علی عمو آنکبیرا مدع الهی بسان وعلیک التحیة والثناء (ع ع) تمام

خط کاتب ارفعه دوم مبارک ۲۲۷

هو الله بواسطهٔ آقا میرزا هادی شیراز جناب آقا عبد الغفار
علیه بهاء الله الابهی (هو الله) ای بندهٔ الهی آنچه مرقوم نموده
بودی ملحوظ گردید الحمد لله مؤمن بحضرت پروردگاری وموقن بخداوند بیهتا
ثابتی ومستقیم ومتضرعی ومستدیم دلگیر مشو اسیر مگرد زیارت خیبر ترا
دستگیر شود واجر جزیل عنایت فرماید تا توانی رضای پدر بطلب واز عدم
التفات ملال مجو زیرا حقوق ابوین مقدس است ولو جفا روا دارند ونظر
بقدر روانی منما بلکه اعتماد بر وعد پروردگار کن او خبیر است وعلیم آن زیک
لعلی صراط مستقیم از حق میطلبیم که آنچه خیر است از برای تو مقدر فرماید
وبالطاف خداوندیش نوازد واجر خدمت مهیا سازد ولی تو باید چنان
آتشی از محبت الله در دل برافروزی که در هیچ حالتی ملال نیاری چه که عالم کون

نار الفراق فی اشتداد احتراق قریب المحاق قلیل الخلاق خلیع العذار بحبک فی الآفاق
حلیف الجوی عظیم الاسی یمیر اهل الاشراق رب ثبت قدمی علی صراط الوفاق واحفظنی من
النفاق واجعل لی مخرجاً وارزقنی وجهتک من رحمتک واحرسنی فی کهف حمایتک
وهل لنا غیرک من واق رب اجعل المعمور میسورا والبیت المطهر معمورا والید المغلولة
مبسوطة والقلب المکسور مجبورا والسراج المخمود موقوداً انک انت
المقتدر العزیز الکریم (ع ع)

سروستان جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای یار مهربان نامه مسطور وصول یافت ومضامین دلنشین سبب فرح
وسرور قلوب مشتاقین گشت زیرا دلیل بر خلوص نیت وتمسک بمقصد وارتباط قلبی
وانجذاب وجدانی بود یقین است که مورث شادمانیت قالیهائی که بجهت مقام
اعلی ارسال نموده بودید رسید ومتمنی انشاء الله نیز میرسد جمیع یاران را
تحیت ابدع ابهی فرداً فرد برسان وبیان اشتیاق کن تضرع بملکوت ابهی شد
واز برای جناب ملا محمد رفیع رجای عفو وغفران گشت وهمچنین بجهت امة الله زکیه

داده بودی که بهشت برین شده و باغ علیین گشته و احبای الهی جمعند و ترتیل آیات
میگردد و مستمعین در نهایت ولوله و انجذابند امید است که سرو ستان بوستان سرور روان گردد
و گلستان حقایق و معانی شود و حدیقهٔ انیقهٔ اسرار گردد بموارهٔ فقرا در ساحت ۲۲۹
کبریا معزز و محترم بوده و هستند زیرا مورد بلا و معرض انواع ابتلا هستند
با وجود این در یوم ظهور صابر و شکور و در نهایت سرور و حبورند امة الله الموقنة
والده را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید و همچنین ضلع محترمه را ذکر سید ابرار
شعلهٔ انوار حضرت آقا مرتضی نموده بودید آن نام مبارک چون قرائت گردید
چنان حالتی دست داد که بی اختیار تحریر جواب پرداختم والا ابداً فرصت نداشتم
این از برکت نام مبارک آن شهید سبیل جمال ابهی است علیه التحیة وعلیه البرکة
وعلیه السلام وعلیه الثناء وعلیه البهاء فی الملاء الاعلی مناجاتی در ذیل این نامه
بخط خود مینگارم وهذه من برکة ذلک الشهید السراج الوهاج المتلألئ فی
الزجاج الابدی علی القرون والاعصار وعلیک البهاء الابهی (ع ع)

(هو الابهی)

یا رب العهد والمیثاق تری عبدک اسیر الاشواق ملتهب الاحشاء

نار الفراق فی اشد احتراق قریب المحاق قلیل الخلاق خلیع العذار بحبک فی الآفاق
حلیف البکای عظیم الاسی بمیراهل الاشراق رب ثبت قدمی علی صراط الوفاق واحفظنی من
النفاق واجعل لی مخرجاً وارزقنی وجهتک من رحمتک واحرسنی فی کهف حمایتک
وهل لنا غیرک من واق رب اجعل المعمور میمورا والبیت المطهور معمورا والید المغلوله
مبسوطة والقلب المکسور مجبورا والسراج المخمود موقوداً انک انت
المقتدر العزیز الکریم (ع ع)

سروستان جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای یار مهربان نامهٔ مسطور وصول یافت ومضامین دلنشین سبب فرح
وسرور قلوب مشتاقین گشت زیرا دلیل بر خلوص نیت وسمو مقصد وارتباط قلبی
والتجذاب وجدانی بود یقین است که مورث شادمانیت قالیهائی که بجهت مقام
اعلی ارسال نموده بودید رسید ومتمنی انشاء الله نیز میرسد جمیع یاران را
تحیت ابدع ابهی فرواً فرو برسان وبیان اشتیاق کن تضرع بملکوت ابهی شد
واز برای جناب ملا محمد رفیع رجای عفو وغفران گشت وهمچنین بجهت امة الله زکیه

طلب بخشش و آمرزش گردیده و علیک البهآء الابهی (ع ع)

شیراز بواسطهٔ جناب بشیر آلهی

جناب حاجی محمد ابراهیم زائر شیرازی علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

۲۳۱ ای زائر مشکین نفس نامه شما رسید بشارت بهبودی از علیلی بود سبب سرور قلبی گردید در پناه حفظ و حمایت حق همواره محفوظ و مصون باشید هیچ فتوری نداری و فتوری ننمودی مظهر الطاف موفوری و مشمول نظر عنایت رب غفور عدم ارسال مطلوب از کثرت مشاغل و غوائل است بجان عزیزت قسم که ابداً فرصت ندارم و این نامه ئی که الآن مرقوم میشود از کثرت محبت است والا مجال معدوم جمیع یاران الهی را تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهآء الابهی (ع ع)

سروستان جناب میرزا آقا بابا علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

۲۳۲ نامه شما رسید و چون قرائت گردید بدرگاه احدیت تضرع و زاری شد و طلب تائید نمائی گردید مطمئن بفضل باش و معتمد بر الطاف حضرت رحمان آقا سهراب اجازهٔ زیارت

زیارت تقعهٔ مبارکه دارد ولی در زرستان آینده و علیک البهاء الابهی (ع ع)

۱۵ ج ۱ ۱۳۲۸ سروستان جناب میرزا حسینعلی علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

ای یار حقیقی لوح مسطور منظور گردید و قلب مشتاق فرح و انبساط یافت الحمد لله آن نفس نفیس منجذب ملکوت انوار شد و مطلع اسرار گردید پرتو شمس حقیقت مشاهده نمود و مائدهٔ آسمانی آماده یافت از چشمهٔ حیات ابدیه نوشید و از الطاف ملیک وجود بهره و نصیب بر دو دیدهٔ بینا گشود و مشاهدهٔ آیات کبری کرد و بآنچه منتهی آمال اولیا و اصفیا بود فائز گردید طوبی لک من هذا الفضل العظیم بشری لک من هذا الفوز المبین

و علیک البهاء الابهی (ع ع)

ای پروردگار پدر این بندهٔ جدید را در ملکوت غریز نما و مادر این محرم راز را در اوج اسرار پرواز ده غریق دریای غفران نما در زمرهٔ اهل ایمان کن پرتو عنایت بخش و فیض عفو و احسان ایگان فرما تو ئی آمرزنده و غفور و عفو و رؤوف و مهربان لا اله الا انت الرحمن الرحیم

جناب میرزا محمد علی خانزاد از خوان نعمت آسمانی برخوردار کن و تحیت مشتاقانه عبد البهاء برسان و جناب میرزا نظام را بالطاف غیر متناهیه نوازش و لطافت مخصوصه

Provided by the Afnan Library

امیدوه امیدم چنانست که جناب آقا محمد صادق نخلی بایستی گردد و نوری بارقی شود و نخلی باغی گردد و جناب جهانگیرخان را طالع کوکب بشارت وحی قدیر مجیر و دستگیر و جناب آقا سلمان ثابت برعهد و پیمان و عنایت مظهر الطاف رب رحمان و جناب خلیل در این بساط جلیل است و مشمول الطاف رحمان و رحیم میرزا علی آقا مورد الطاف بی نهایت و مشمول عنایت جمال ابهی (ع ع)

شیراز و سروستان بواسطهٔ جناب بشیر آقا

جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی علیه بهاء الله الابهی

هو الله ای ثابت بر پیمان نامهٔ مرسول رسید و دلالت بر مسرت دل و جان و فرح و شادمانی و جدان داشت بدرگاه احدیت شکرانه پرداختم از شکایت فرموده بودید که مدت چهار ماه است نامه‌ئی موفق نگردیدم ای یار عزیز این قصور از من نیست از کثرت اشغال جمهور است اگر بدانی که عبدالبهاء در چه دریا مستغرق البته معذور داری اگر جمیع اوقات خویش حصر در قرائت نامه نمایم البته از عهده برنیایم دیگر ملاحظه فرما که مشاغل و مشاکل سائره چه خبر است اجازهٔ حضور از برای جناب غلامرضا و جناب آقا حسین و اولاد امجاد خواسته بودید حال وقت مناسب نه انشاء الله در سنهٔ آتیه اجازه داده خواهد شد جناب آقا شکرالله و جناب آقا میرزا محمود عطار و جناب آقا میرزا احمد و جناب آقا میرزا علیمحمد و جناب حاجی محمد ابراهیم و جناب

آقا رحیم

آقا میرزا رجبعلی وجناب آقا میرزا علی آقا وجناب میرزا ابوطالب عطار وجناب آقا میرزا اسید علی
جمیعرا از قبل من بانهایت اشتیاق تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید ع ع

بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید حسین

سروستان جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

ای ثابت بپیمان نامهٔ شما رسید الحمد لله دلیل جلیل بر استقامت در سبیل الهی بود و برهان ۲۳۵
شوق و اشتیاق جانفشانی در سبیل نیر آفاق سئوالی نموده بودید در قرآن میفرماید فذ واهذرکم
اگر قافلهٔ کوه و صحرای پرخطری طی خواهد البته باید محافظهٔ خونشیر الاحظه نماید وانچه سبب خطر است
منظور دارد احبای الهی باید با جمیع ملل و طوائف عالم نهایت محبت و مهربانی جانفشانی کنند
و باکمال صبر و تحمل خدا را از تعرض نگهبانی نمایند خلق نهایت بی انصافند و طینتشان مجبول
ظلم و اعتساف احبای سروستان فی الحقیقه از راستانند و عاکفان آستان عبدالبهاء نهایت
رضا از آنان دارد که بکمال حب و خلوص بخدمت آوارگان نیر تیر پرداختند فی الحقیقه جان
عزیز فدا نمودند و در جمیع موارد از هیچ بلائی خوف و پرهیز ننمودند انیست صفت ثابتان انیست
سمت راسخان بر عهد و پیمان جناب آقا محمد باقر و جناب میرزا رجبعلی وجناب میرزا علی آقا
وجناب میرزا اسمعیل را از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید روزی بالنیابه از آنان

Provided by the Afnan Library

بزیارت روم و سرآبستان نهم وطلب عون وعنایت کنم که تأییدی مجدد رسد و توفیقی بدیع حاصل
گردد و همچنین جناب حیدر علی سروستانی را از قبل اینجانی محبت و مهربانی مجری دارید و عذرنامهٔ
مخصوص منفرداً بخواهید بجان عزیز او که ابداً فرصت ندارم والاّ مکتوب مفصّلی مرقوم مینمودم
و علیهم و علیکم البهاء الابهی ع ع

بواسطهٔ بشیر آبی سروستان جناب حاجی محمد علی زائر شیرازی ساکن سروستان
علیه بهاء الله الابهی (هوالله) ایزائر مشکین نفس نامهٔ شما رسید
و مضمون مفهوم گردید معلوم است سزاوار یاران عبودیت آستان احدیت و خدمت
بعتبهٔ مقدسهٔ مشترحمال رحمان چهار پارچه فرش که بحضرت مقام اعلی فرستاده اید میرسد
و انشاء الله بیانات خامس موفق میشوی مرقوم نموده بودی که سروستان گلستان
بهائی شده اینخبر روح وریحان آورد امید وطید است که روز بروز این موهبت
مزداد گردد جناب آقا میرزا اسماعیل را از قبل من نهایت اشتیاق ابلاغ دارید
و انه الله بهیه خانم را تحیت ابدع ابهی برسانید و انه الله والدهٔ بهیه خانم را اخیراً
لازمهٔ محبتی دارید و جناب کربلائی آقا شکرالله و جناب علی آقا و جناب عطا و جناب
فیروز و جناب آقا میرفتحعلیخان و جناب آقا میرزا رجبعلی و جناب آقا میرزا آقا و جناب

۲۲۶ صحفهٔ کاتب مورد اشتباه مبارک

آقا غلامحسین را از قبل من نهایت محبت و مهربانی و غایت اشتیاق و جدانی ابلاغ دارید
دائماً بکر ایشان مشغولم و از الطاف خفی الالطاف امید غایت دارم این ایام
حکمت اقتضای حضور ننماید انشاء الله در وقتش اذن داده میشود اثبات
بر پیمان نامهٔ شما در خصوص اعانهٔ بازماندگان شهدا قرائت گردید بموجب دستور العمل
جناب افنان آقا میرزا آقا خود به نیریز بروید و آنمبلغ اعانت را باطلاع جناب
حاجی محمد رحیم و اعضای محفل روحانی تقسیم بین فقرا بازماندگان شهدا نمائید
و هرچه زودتر تقسیم و توزیع گردد بهتر است و اما حرکت بعضی از دوستان یزدان باین
سمت حال موافق حکمت نیست دو نفر در موسم بهار بیایند تا پیش از تابستان برجعت
کنند ای پروردگار علی ناکام هدف رصاص گردید او را بمدخول در ملکوت خویش
برگوار کن بیامرز و ببخش و در جهان خویش سرافراز کن انک انت الکریم الغفار الوهاب
اثبات بر پیمان سئوال نموده بودی که اگر نفسی چیزی نذر عبدالبهاء نماید نتایج و داخل
آن باید ارسال شود یا نقد را توزیع گردد صرف آن باید در هر صورت باذن و اجازه
باشد و همچنین صرف حاصلات اوقاف حال باید باذن و اجازهٔ عبدالبهاء باشد
بجناب والد و والده تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارد علیک البهاء الابهی (ع ع)

۲۳۷ هو ای زائر مشکین نفس نصف شب است اندک فرصتی حاصل خنده طلعه تحریر میگردد
انورقهٔ مظلومه مقبوله در پناه حضرت مقصود مرحومه و مغفوره است آه انقلاب
اخراب عاقبت نماند و اضطراب زائل گردد ولی بعد از مشقات زیاد (ع ع) سرحبا
ش جناب حاج محمد ابراهیم علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هو الابهی)

۲۳۸ الهی تری ان اسرآء سبیلک عطشا ظمآء سبیل عنایتک فقرآء باب احدیتک
جیاعا لنوال نعمآء التی نزلت من سمآء رحمتک ایرب ایدعبدک هذا علی ما تحب
وترضی والانقطاع عما سواک بحولک وقوتک ونور وجهک بین ملاء الانشآء بسورک
الذی تخص برحمتک من تشآء واجعله آیة توحیدک ورایة تفریدک ومنشأ انوار
حبک بین خلقک انک انت العزیز المقتدر المحبوب والبهآء علیک (ع ع)

(هو الابهی)

بواسطهٔ حضرت عندلیب جناب عبد الغفار شیرازی واحبای سروستان
جناب استاد نجف جناب آقا علی جناب آقا محمد باقر جناب آقا محمد حسنخان جناب
مشهدی نظر علی جناب مشهدی خسرو جناب آقا غلامحسین جناب مشهدی صفر علی
جناب

جناب حاجی محمد ابراهیم علیهم بهاء الله الابهی

(هوالابهی)

۲۳۹ ای ثابتان ای راسخان فیض میثاق آفاق را زنده کرد و اهل اشراق را مشتاق و شعف آورد ولی اهل شقاق را ابلاء عظیم و عذاب الیم بود چون بوم مشئوم بانگ شوم بلند نمودند و در زوایای خرابه یعنی قلوب اهل نفاق القای شبهات نمودند پس شما ما که بازهای سپید اوج اعظمید و عقابهای کهسار میثاق حمایت قدم نگذارید که این جغدان بیابان گیرند و صوت منکر شما را در آن مرز و بوم بلند ننمایند اگرچه جنود ملکوت جمال معبود مهاجم بر این قوم غدار است و عنقریب لاتسمع لهم صوتاً و رکزاً و لاهمساً و ترونهم فی خسران مبین ع ع

شیراز بواسطهٔ شیر آلهی جناب آقا میرزا ابوالحسن نیریزی جناب آقا عطاء الله

جناب آقا امان الله جناب آقا عزیز الله علیهم بهاء الله الابهی

۲۴۰ (هوالله)

مناجات طلب مغفرت بجهت ابوی این نفوس مبارکه

الهی الهی هذا عبدک الذی اشتعل بنار محبتک و انجذب بنفحات قدسک و تبتل الیک و خدم عتبة رحمانیتک و ترک سلالة طینیته متضرعة الی ملکوتک فصعد الیک

راجیاً فضلک و عطائک متمنیاً قرب جوارک مستغفراً للآثام معتمداً علی عفوک
یا عزیز و یا علام ربّ اغرقه فی بحر الغفران و طهّره من وضر العصیان و اخلصه من النیران
و ادخله فی بحبوحة الجنان و اخلده فی خیّة الرضوان وارزقه لقائک یا عزیز و یا منّان
و انزل البرکة علی سلالته الطیبة و اجعلهم خیر خلف لخیر سلف و احفظهم من سهام الشبهات
و اشرح صدورهم بالآیات البینات و انطقهم بالثناء علیک و التوجه الیک
و التضرع بین یدیک انک انت الکریم انک انت الرحمن الرحیم عبدالبهاء عباس

بواسطهٔ بشیر الهی جناب حاجی محمد علی علیه التحیة والثناء (هو الله)

نامهٔ شما رسید اذکر مطلوب خوشبو نموده بودی که هزار و پانصد تومان سند
در دست داری اگر چنین است یقین است که آنشخص در حق شما نهایت تمکین
خوشرفتاری مینماید و بکمال خوشی دین شما را میدهد زیرا حسن رفتار دولت است
شما بحسن رفتار موفقید در اینصورت میان شما و او خلافی نخواهد ماند من اینرا
سفارش مینمایم که بهیچوجه کوتاهی ننماید و علیک التحیة والثناء عبدالبهاء عباس

بواسطهٔ جناب بشیر الهی جناب حاجی محمد علی زائر علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

اینبندهٔ جمال مبارک نامهٔ شما در پاریس رسید در وقتیکه نهایت اشتغال موجود با وجود این

فحضر

مختصر جواب مرقوم میگردد شش پارچه قالی مقام مبارک حضرت اعلی الغبر ستید بایک پارچه
یک ذرع ونیم ولی بواسطهٔ شخصی که بهراه خود نقل نماید اگر تسلیم کشتی شود دوسال طول
میکشد تا برسد و شاید نیز گم شود بجناب میرزا محمود عطار وجناب رستم جوانمرد وجناب
فریدون رستم وجناب حاجی محمد ابراهیم وجناب شهریار فارسی جمیعاً تحیت ابدع ابهی
با نهایت اشتیاق ابلاغ دارد وعلیک البهآء الابهی عبد البهآء عباس
شیراز بواسطهٔ جناب آقا سید حسین افنان علیه بهآء الله جناب حاجی عبد الغفار علیه بهآء الله الابهی
مناجات طلب مغفرت بجهت مرحوم حاجی محمد ابراهیم وحاجی محمد علی وامة الله عشرت بیگم علیهم بهآء الله

(هو الله)

الاقدس

الهی الهی ان هولآء تبتلوا الی ملکوتک الابهی وتضرعوا الی جبروتک الاعلی وتمنوا الفنآء
شوقاً للقآء وترکوا الحضیض الادنی توقاً الی الاوج الاعلی ربّ انهم ضعفآء وقویهم بقدرتک
وفقرآء اغنهم بموهبتک واذلآء عززهم بسلطنتک لیس لهم ملجأ الا انت ولا ملاذ الا
انت انت کهفهم المنیع وملجأهم الرفیع الهی ارجوک بالرحمة والغفران لناس ترکوا
الاوهام وتطهروا من العصیان وتبرؤا من اهل الطغیان وتنزهوا تمالا ینبغی فی ایام
ظهورک بین الانام ربّ اکرم لهم المثوی ووسع لهم المأوی واقض لهم المآرب وبیّض

لهم الرغائب ولا تحرمهم من الالطاف ولا تجعلهم محرومين من ابداع الاوصاف جللهم یا آلهی وکللهم
واوف بعهدک وتمم وعدک وتمسک وخص جمعی بحار الغفران واغرقهم فی العمق الاکبر
بالفضل والاحسان حتی یرتلوا آیات عفوک فی ملکوت الاسرار وینشروا بالفیض المدرار فی عالم
الانوار انک انت العزیز الغفار عبد البهاء عباس ۲۸ ع ثانی ۱۳۳۸ حیفا

جناب حاجی محمد علی شیرازی علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

۲۴۴ ای ثابت بر عهد الحمد لله موفق بر آن شدی که خدمتی بمقام اعلی نمائی این فرش خطبه مبارک
در ساحت عرش مفروش شد وتا ابد الآباد خدمات معروف وذکر فاشکر الله علی هذا
الفضل المشهود وعلیک البهاء الابهی (ع ع) (هو الله)

بواسطهٔ حضرت رفیع علیه بهاء الله الابهی جناب حاجی محمد حسین بزاز علیه بهاء الله الابهی
هو الابهی ایبندهٔ حق شفقت خداوند را وقت غاکه یارانش فراموش نکردند
۲۴۵ تفقد دلها کند وتطییب خاطر یاران مدد فیضش بسد وجان پژمرده را تر وتازه فرماید خطاب مبارک
سکوت را تبدیل بنطق کند وسکوت را مبدل بانجذاب وشوق درخت امید را طراوت
ولطافت جدید احسان کند وفقدان شدید را وجدان بدیع نخشد مرغ سحر را دوباره
نغمه روح پرور بخشد وخزان حرمان را بهار گل وریحان مبدل فرماید شکر کن خدا را

نمباز

که باز طوطی شکر شکن گشتی و یعقوب آسا دیده از این پیرهن گشودی و پیراهن قمیص یوسف
آلهی مشام معطر نمودی و علیک التحیة والثناء ع ع (هوالله)

(هوالله)

جناب ملا قاسم کناره ئی علیه بهاء الله الابهی

ایندهٔ آستان مقدس در نامه آرزوی خدمت یاران آلهی نموده بودی از انجهت جواب
نامه را بخط خود بکمال تعجیل و سرعت مرقوم مینمایم زیرا این آرزو نهایت آمال عبدالبهاست
امیدم چنانست که هردو موفق باین موهبت گردیم ع ع (هوالله)

جناب زائر آقا محمد حسین علیه بهاء الله الابهی

هوالله آلهی آلهی هذا طیر طار من اوکاره الاوطان قاصداً مطار طیور القدس
فی البقعة النورا و کلت اجنحته و تعبت قوادمه و اباهره حتی نزل بهذه الحدیقة العلیا
وتشرف بالانتقال الی هذه الغیاض والریاض المبهجة للاعین والابصار ایرب هذا الطیر منکسر
الجناح فاغض الاباهر والخوافی لاجناحک فیکمل الاوان احعل له وکراً فی فروع ایکتک الاتی
اخفیته عن ابصار الغافلین عن الطافک الظاهرة للابرار ایرب خصصه بنعمتک السابغه
ورحمتک السابقه انک انت الکریم الرحیم التواب ایرب ثبته علی ذیلک وایده
علی الاستقامة الکبری انک انت المؤید الموفق العزیز الرحیم التواب (ع ع)

بواسطهٔ حضرت بشیر الهی جناب آقا فضل علی شمس آبادی علیه بهاء الله الابهی هوالله

ای ثابت بر پیمان نامه رسید و بدرگاه احدیت عجز و زاری گردید که اسباب راحت ۲۴۸
و آسایش دل و جان از برای تو مهیا گردد تعلق بما سوی عالم جائز نه و تعمق در این دریا لزوم
ندارد باید بانقطاع الی الله تعلق یافت تا راحت جان و آسایش دل و فراغت قلب
و اطمینان نفس حاصل گردد از برای ایامی چند زندگانی اندوه و غم و ناکامی جائز نه
فغم طغال مگذر در این روزگار تلخ تر از زهر مار و گر روزگار چون شکر آید از فضل حق راحت
اینجهان نیز از بهر تو طلبم و علیک البهاء الابهی ع ع شیراز

بواسطهٔ جناب بلورفروش جناب فضلعلی علیه بهاء الله (هوالله)

ای ثابت بر پیمان نامه رسید دست تضرع و ابتهال بدرگاه ذو الجلال بلند گردید ۲۴۹
و از برای آن ثابت راسخ طلب عفو و غفران از درگاه احدیت شد و طلب تائید گردید
تا موفق بخدمت یاران الهی شوی و مؤید بفیض نامتناهی این ایام سفر بسهولت ممکن نه
لهذا امر هوان بوقت دیگر فرماید و از درگاه حضرت رحمن عفو و غفران از برای ابوین و قرینهٔ
محترمه و اهل شما امید وار بفضل حق باشید از احبای شمس آباد ستایش زیاد نموده بودید
من نیز از الطاف خدا طلب موهبت و عنایت از برای یاران شمس آباد مینمایم

بقیه صفحه ۲۱۰

تقرب دین پسر رستم از قبل من تحیت محکم برسان زیرا بسیار او را دوست دارم و امیدم چنانست
که فیض و برکت حاصل گردد و علیک البهآء الابهی ۱۲ شوال ۱۳۳۷ عبدالبهآء عباس
شیراز بواسطهٔ حضرت بشیر آقای جناب فضلعلیخان علیه بهآء الله الابهی (هوالله)
ای ثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید و از وقایع مؤلمهٔ شمس آباد اطلاع حاصل گردید الحمدلله
یکنفر در جه بعضی از یاران محفوظ ماندند و آسته تا بحال دست تطاول اهل عدوان ۲۵۰
کوتاه گشته بقول سعدی پلنگان را کرده خوی پلنگی این عصبهٔ اشقیا ایرانرا
ویران نمودند و عنقریب بزیان و خسران مبین مبتلا گردند عبدالبهآء نتائج جمیع
این بلایا و محن و رزایا را در بدایت انقلاب مشروح و مفصل بکل نگاشت حتی
با عاظم رجال دوزرآء طهران ولی گوش اگر گوش من و نالهٔ اگر نالهٔ تو آنکه البته ۵۱
بجائی نرسد فریاد است چنانکه در قرآن میفرماید فمالهؤلآء القوم لایکادون یفقهون حدیثا
آنچه ما بش گفتیم آنها کمتر شنیدند عاقبت بخسران مبین افتادند علمآء رسوم یعنی آیات
متشابهات غیر محکمات و حجج غیر بالغه مداخله در امور جمهور نمودند و در سیاست ریاست
یافتند و عاقبت کار را باین درجه رساندند هنوز مردم متنبه نمیشوند ضعف الطالب
والمطلوب یعبدون من دون الله مالا ینفعهم ولا یضرهم بئس المولی و بئس العشیر

تبریز

وعلیک البهآء الابهی ع ع بواسطهٔ امة الله زائره جمیله علیها بهآء الله الابهی
شمس آباد تخت جمشید جناب فضلعلیخان جناب کربلائی عباسعلی جناب میرزا آقا
جناب میرزا ابوالحسن جناب میرزا عبدالحسین جناب حسنخان جناب محمدحسن
جناب آقا محمد جناب آقا محمد ابراهیم جناب شاه مراد جناب محمد میرزا
جناب استاد جعفر جناب جمعه و سعدی و نوروز علی و کربلائی خلیل و کربلائی
ملک محمد و محسن و سید کاظم و قربان و قاسم و مصطفی خان و مرتضی خان
و ضیآء الله خان علیهم بهآء الله الابهی (هوالله)

ای یاران مهربان عبدالبهآء نامهٔ جمعی از شما وصول یافت و سبب حصول سرور
گردید در نهایت حلاوت و ملاحت بود زیرا دلیل بر رقت قلوب و انشراح
صدور بود عبدالبهآء نهایت خاکساری بحضرت باری عجز و زاری مینماید که آن نفوس ۲۵۱
را بر گوار مورد الطاف پروردگار گردند واله و شیدای او گردند و پرسودا از بهر
عشق جمال ابهی نمایند و در آن اقلیم شور و ولهی اندازند و بتبلیغ پردازند تا نفوس مرده
زنده گردند و گیاههای پژمرده ریاحین ارجمند تر و تازه شوند و علیکم البهآء الابهی

۹ محرم ۱۳۳۸ عبدالبهآء عباس (۹)

بواسطهٔ

بواسطهٔ جناب آقا میرزا ناظری افغان و حضرت محمد رضا میرزا شمس آبادی حضرت غندلیب

(هو الله)

جناب میرزا فضلعلی علیه بهاء الله الابهی

ای ثابت بر پیمان ... از عدم مجال مختصر مرقوم میگردد مطمئن بفضل و عنایت حضرت ۲۵۲
مقصود باش که زراعت پر برکت گردد و عاقبت نهایت راحت حاصل شود
تا توانی بر ثبات و استقامت بیفزا از امتحانات فتور میار پر سرور و حبور باش
و امید بفضل موفور دار بامة الله روحا حاضیه جلیله حضرت غندلیب تحیت ابدع ابهی
برسان و بصبایای صغیره و اولاد کوچک آنمقرب درگاه کبریا نهایت نوازش
نما از الطاف الهی امیدوارم که موفق بپرورش و نوازش آنان گردی و علیک
البهاء الابهی ۲۷ محرم ۱۳۲۹ بهجی (عکا) عبد البهاء عباس

هو الابهی

بواسطهٔ علیرضا خان شمس جناب فضلعلی خان

(هو الابهی)

شمس آبادی علیه بهاء الله الابهی

امینهٔ حضرت احدیت ... ناری از محبت الله در دل و جان برافروختی تا جهانی را ۲۵۳
پر شعله نمائی مطمئن باش که چون شعلهٔ طور دلیرانه شعور آرد و چنان حرارتی ظاهر نماید
که عاقبت آن شعله جهانگیر گردد و آن روشنائی نفلک اثیر رسد پس ای یار

رحمانی تا توانی آتشرا مدد از نفحات قدس ملکوت ابهی خواه و شدت حرارت
سبب تا تأثیرش بدور تر رسد و بحر و برا احاطه کند والبهآء علیک ع ع

هوالله امة الله ضلع حاجی میرزا علیها بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

ایورقهٔ طیبه آماء الهی و کنیزان حریم رحمانی باید بصفتی و سمتی در بین نساء عالم
محشور گردند که مشابه بالبنان باشند و مشهوره بین طوائف نسوان یعنی بعفتی ۲۵۴
فائق و عصمتی ثابت و ایمانی کامل و بیانی واضح و نطقی فصیح و برهانی بدیع
و حلوی رفیع معاشر شوند تو از خدا بخواه که جمیع این مواهب را دریابی ع ع

هوالله ش جناب اسد الله علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند هوالله

ای متوجه الی الله شمع هدایت چون بنفیض جمال مبارک در زجاجهٔ امکان
روشن شد انوار ساطعش آفاقرا احاطه نمود و شعاع لامعش ابصار را ابصار کرد ۲۵۵
قوت قدیمه قدرت حادثه را البته فائق آید و تجلی نور ظلمات دیجور را مهلک و کاشف گردد

والبهآء علیک ع ع

هو رب وفق بهولآء المنفقین علی کل خیر فی الملک و الملکوت بما انفقوا

اموالهم

اموالهم فی تاسیس اول مشرق الاذکار فی قطب الدیار وبذلوا ما اعطیتهم فی بناء بیتک
البعور یعنی مشکور ولهم الخیر آء الموفور یا مؤید کل عبد شکور رب وعدت عبادک
فیکل حسنة عشرة امثالها فقد لهؤلآء اضعاف امثالها العشرة واجعل البرکة
تحیط جم نمکل الجهات یارب الآیات انک انت المعطی العزیز الوهاب وانک
انت الکریم الرحیم وقد سبقت منک الکلمات فیحق کل من قام علی نصرة امرک
من اهل الارض والسموات یارب الخیرات وقابل الحسنات والمبرات ع ع

جناب افنان آقا سید آقا علیه بهآء الله الابهی (هوالابهی)

ای افنان سدرهٔ منتهی چندیست که بهیچ وجه خبری از شما نرسیده وروشنی از آفتابان
نمیده البته مشغولیت زیاد دارید الحمد لله از خمودت نیست زیرا افنان
این شجرهٔ مبارکه باید انشآء الله ثمرهای متنوعه بیاورند که مظهر من اثمارهم تعرفونهم
گردند ای شاخ شجرهٔ لاشرقیه ولاغربیه بکوش وبجوش که شئون تقدیس این
اصل مبارک دراین فروع بجمیع فنون ظاهر وهویدا گردد تا لطائف وبدایع
وکمالات اعراق شهادت اخلاق ثبوت ومحقق شود والبهآء علیک
وعلی اخوتک یا افنان شجرهٔ مبارکه ع ع خباب افنان میرزا بزرگ

ابن حضرت افنان آقا میرزا آقا علیهما بهاء الله الابهی ع ع هوالابهی

۲۵۸ ایفرع بدیع لطیف سدرهٔ مبارکه اگرچه بظاهر از این سجن اعظم وعقبهٔ مبارکهٔ جمال قدم روحی لافنائه فدا دوری لکن فی الحقیقه در این هنگام بر نی و شب وروز مؤانس و همنشین آنی از یادت فارغ نیستیم واز حضرت مقصود مسئلت مینمائیم که آن فرع محبوب را گل گلشن روحانیت جمال اعلی روحی له فدا فرماید وتهلل بهمال روضهٔ الطاف اعلی از خدا بخواه که موفق باطوار و کردار و رفتار و گفتار گردی که در درگاه جل‌الله و اسم اعظم فدیت افنائه بروحی وذاتی مقبول و محبوب گردی و البهاء علیک ع ع

(هو الله)

۲۵۹ ای افنان شجرهٔ مبارکه نامهٔ شما وصول یافت با وجود عدم مجال بجواب سئوال پرداختم البته عکس بیت مقدس را بجهت جناب شیخ علی اکبر قوچانی بکمال سرعت بباد کوبه بفرستید ورقهٔ مبارکه والده و همشیره را بکمال ابهج ابی ابلاغ دارید ع ع

(هو الله)

۲۶۰ ای افنان سدرهٔ مبارکه در خصوص اجازهٔ طواف رمس مطهر مرقوم فرموده بودید

از کثرت مشاغل فرصت جواب نشد حال مختصر جواب مرقوم میشود که ملاذ و ملیذ جناب
آقا میرزا حبیب الله را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید والبهآء علیک ع ع هوالله
پور سعید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ و جناب میرزا
(هوالابهی)
حبیب علیهما بهآء الله الابهی
ای دو شمع روشن اگر فتوری در ارسال سطور رود از کثرت اشتغالست
و شدت احزان نه حصول نسیان دائماً در خاطر بوده و هستید جواب
نامه های حضرت ابوی ان شآء الله این روزها خواهد رفت تا خود ایشان
تشریف نیارند امور انتظام نیابد والبهآء علیکما یا افنان سدرة المنتهی ع ع
هوالله ایها الفرع اللطیف من السدرة الالهیه پوست در حرکت است
و جناب آقا سید تقی مستعجل فرصت تفصیل نخیت مکتوب جوف را سریعاً
ارسال دارید و در نزد شخص امینی بفرستید که برساند و مکتوب را سکوته نماید
چه که مکتوب مهمست باید احتیاط نمود که مبادا از سد جناب میرزا حبیب الله تکبیر
(هوالابهی)
ابدع ابهی ابلاغ نمائید ع ع
جناب افنان سدرهٔ بقا حضرت میرزا بزرگ علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

Provided by the Afnan Library

۲۶۳ هوالابهی ایها الفرع المتوجه الی الشجرة الرحمانیة فیا فرحا لک من هذه
النسبة التی تلوح انوارها و تتموج بحارها و تتطفح کوسها و قاطعة نصوصها
و انت یا ایها الفرع النجیب و الغصن المجید فاتبع السدرة المنتهی فی نضارتها و طراوتها
و ریانیتها و بهجتها و اطلب من الله ان یجعلک آیة باهرة و رایة لامعة فی امره و اسع
لکی تکون ناطقاً مضیئاً بصیراً سمیعاً علیماً بلیغاً کریماً ثابتاً علی العهد و المیثاق ع ع
از ن طواف روضه مبارکه راخواسته بودید که باخوی حاضر شوید یاد دیند ع ع

هوالله خدمت افنان سدرهٔ منتهی جناب میرزا بزرگ علیه بهاء الله الابهی
ملاحظه نمایند (هوالله) ای شاخ شجرهٔ عنایت آنچه مرقوم نموده
بودید ملاحظه گردید مکتوب خدمت والد نیز مطالعه شد فی الحقیقه در مصیبت عظیمه گرفتار
شدند ولی حق عنایت و حمایت فرمود عاقبتش خیر بود انشاء الله از این بهتر خواهد شد
جواب مطالبشان در همین پوسته راساً خواهد رفت خدمت اخوی را تکبیر برسانید
و همچنین سائر دوستان را و البهاء علیک (ع ع)

هوالابهی اسکندریه خدمت افنان سدرهٔ منتهی جناب میرزا بزرگ علیه
بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند (هوالابهی)

۲۶۵ ایها الفرع البدیع من السدرة الالهیه اگرچه هیچ فرصتی نه که بیان محبت والقی شود
دقیقهٔ راحتی نه و آنی آسایش نیست باوجود این نفحات قدس سدرهٔ الهیه
چنان حقیقت وجود را مهتز و منجذب دارد که بی اختیار بذکر و فکر و یاد فروع
مجبور مینماید لعمر الله هذا من اعظم مواهب الله آنچه مرقوم نموده بودید معلوم گردید
از الطاف سلطان وجود امید چنانست که یوماً فیوماً در جمیع شئون ترقی نمائید
تا بالفعل مشهود و واضح گردد که از سدرهٔ مقدسه روئیده اید فرصت بیش ازین
نگاشتن نیست خدایا این شاخ تر و تازه را در حدیقهٔ روحانی بطراوت و لطافت نرماع ع
شیراز محفل روحانی (هو الله) ای یاران عزیز عبدالبهاء نامهٔ شما رسید
۲۶۶ از مضمون معلوم گردید که عکس مبارک را از باکو به خواسته اند در نهایت
اتقان عکس برداشته و از برای ایشان نفرستید زیرا از پطرسبرغ خواسته اند
دیگران نیز در این خصوص استیذان نموده بودند جواب مرقوم گردید که عکس گرفتن
و دادن ضرری ندارد الحمد لله شما تأییدات ملکوت مؤید و توفیقات
ربانیه موفق بجان و دل بکوشید تا کاس الطاف آنهی از ید ساقی عنایت
نوشید هر چه در خدمت همت نمائید بیشتر موفق و مؤید گردید و بدرجهٔ

موهبت عالم بالا بیشتر رسد و سرور و فرح بیمنتهی حاصل شود فرصت بیش از این
نیست معذور بدارید و علیکم البهآء الابهی ع ع

بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا بزرگ شیراز جناب آقا علی
ولد مرحوم حاجی محمد صادق علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای منجذب نفحات الله حمد کن خدا را که بر تو هدایت کبری بر بصیرت و دیدهٔ
بینا باز و ظلمت ضلالت زائل و نور موهبت روشن و لائح گشت دل آگاه شد
و جان انتباه حاصل نمود این اشراق اولست پس بجان و دل آرزوی ۲۶۷
اشراقات متتابعه فرما تا انوار تأیید ساحت قلبرا گلشن توحید نماید و بانجذاب
غیبت وقتی گشوده گردد که قمیص موهبت تجدید شود و خلق جدید گردد و اعظم
وسیلهٔ حصول این الطاف نشر نفحات الهیه در جمیع اطراف زیرا امروز
فیروزیست پس بنغمهٔ جان سوز آتش عشق الهی در قلوب برافروز تا جهان افروز
گردی و مبین اسرار در منور شوی تا توانی همتی در تحصیل این موهبت مبذول
دار تا تأییدات ملکوت ابهی بینی و مظهر تحسین ملاء اعلی گردی و علیک التحیة
والثناء ع ع

(هوالله)

قطعه مهم

قطر مصر دو فرع سدرهٔ مبارک حضرت آقا میرزا بزرگ و حضرت آقا میرزا جانی

(هوالله) ۲۹۸

علیهما بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

ایها الفرعان المحترمان من الشجرة المبارکه مکاتیب آن دو فرع لطیف واصل واز مضمون ثبوت مشحونش روح وریحان حاصل گردید نظر غایت همیشه با شما بوده و خواهد بود مطمئن باشید در نزد من مکرم و محترمید و از خدا میطلبم که در ملکوت ابهی سبب روشنیدی جمیع افنان سدرهٔ آلهیه گردید و بثبوت و رسوخی مبعوث شوید که ندای تحسین از ملأ اعلی بسمع ظاهر شنوید و لیس ذلک علی الله بعزیز از جهت آن واقعه محزون مباشید انگونه امور عرضیست و چون سراب فانیست میگذرد آنچه در ملکوت آلهی مقدر بحبت شما باقی و مقرر مکتوبی به آقا زین العابدین مسطور شد و نزد آقا سید علی اکبر فرستادم باو برسانند در انخصوصات حضرت ابوی چیزی مرقوم ننمائید قابلیت ندارد باری بکمال استقامت بامرالله مشغول بحصیل کمال شوید و بکسب و تجارت خود بپردازید والبهاء علیک و علی کل ثابت راسخ علی عهد الله و میثاقه

ع ع تمت (هوالابهی) مصر حضرت افنان

جناب میرزا بزرگ علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند (هو القیوم)

ای شاخ لطیف از سدرهٔ الهی آنچه مرقوم نموده بودید مشاهده گردید و ملاحظه شد سبب روح و ریحان شد و باعث امیدواری حصول موهبت رحمن زیرا فروع شجرهٔ مبارکه باید در جمیع احوال و احیان بنفحات تقدیس اصل و دوحهٔ مقدسه متهز باشند تا فرع تابع اصل باشد و خبر متفرع از کل هر عضوی آیت باهرهٔ میکل مکرم گردد و مظهر موهبت روح مجسم تا فرعیت اخلاق با عضویت اعراق جمع گردد و متفرع از عنصر جان و دل شود آنوقت موهبت در فضاء مقاماً علیا جمال بگشاید و کوکب عنایت از مشرق الطاف رخ بنماید والبهاء علیک و علی کل من ثبت علی المیثاق ع ع (هو الابهی)

رب اجعل صدر هذا الافنون منشرحاً منکل الشئون بنفحات قدسک یا حی یا قیوم و نور وجهه بشعاع ساطع لائح من فیض نیرک الاعظم و احیی قلبه بنسیم منبعث من حدائق قدسک یا ربی الاکرم و اجعله ثابتاً علی عهدک شبوتاً لایزعزعه الزوابع فیهذا الیوم المشهود یا ربی المعبود انک انت العزیز المحبوب (ع ع) (هو الابهی)

حمداً لمن اشرق ولاح و ظهر و باح و قدر و اتاح

و سمو

وسبح واباح للكل كينونة نورانية وحقيقة رحمانية ان تستفيض من فيض غيوث
رحمته وتزئر كالليوث فى غياض موهبته وتسبح كالحيتان فى حياض نعمته
وترنم كالهزار فى رياض عنايته والنور الساطع من الافق الاعلى يغشى
ويحف بالسدره المنتهى والشجرة الثابتة الاصل المرتفعة الفرع المستمرة
آثمرها الدائمة الاكل وآلها واوراقها واثمارها ع ع
هو الابهى يا ايها القضيب الرطيب ان شئت ان ترتفع
الى الملأ الاعلى وتنشأ وتنمو نمواً شاهقاً تمسك بالعروة الممدودة بين الارض
والسماء واخضر باوراق وكرزنگ لتزهر بازهار تعبق رائحة فى شرق الأرض وغربها
وتحيى افئدة الذين انجذبوا بنفحات الله واستبشروا ببشارات الله وتنورت
وجوههم بانوار الله المبين القيوم ع ع
مثل كلمة طيبة كشجرة طيبة اصلها ثابت وفرعها فى السماء اعلم ان حسن
الأخلاق ولطف الشيم الشائعة الذائعة فى الآفاق اذا وافق شرف الاعراق
النسبة كلية رحمانية والبضعة حقيقة نورانية فالفرع مطابق الاصل فجميع الشؤن
والأحوال والجزء موافق الكل فى كل المراتب والأسرار عند ذلك ينظر ظهور التش

فی رابعة النهار ان الفیض ممتد الآثار و ان النور الفائض من شمس الحقیقة نور النجوم
والاقمار ع ع نسخه بدیعه شیراز جناب آقا میرزا فضل الله ابن نبان الملک
علیه بهاء الله الابهی یک نسخه از این نامه را بجهت جناب ایادی حضرت ابن ابهر
ارسال دارید زیرا ایشان نیز از مسئله حضرت صادق و سابقیت سؤال نموده ۲۷۰
بودند بعضی اوقات از کاتب اوراق سهو حاصل میشود یا کلمه لی حذف میگردد
ولی معلوم میشود ع ع اینده آستان مقدس نامه بست و پنجم
ذی حجه ۱۳۲۸ رسید و نامه های دیگر بواسطهٔ سفر و حرکت و اغتشاش
راه چاپار نرسید ولی چندی پیش شما نامه ئی نگاشته گشت و سفارش و توصیه
نامه گردید که با شخصی که مستخدم در نزد او هستید نهایت امانت و دیانت
و صداقت و همت را در حق او مجری دارید زیرا از آنان در خراسان در حق جناب
فروغی نهایت رعایت مجری گردیده در مقابل این انسانیت شما هم باید بصدق
نیت و همت سلوک و حرکت نمائید عجیب است که آن نامه نرسیده از
عنایات رب الالطاف استدعا میشود که محفل درس اطفال تنظم گردد
و متعلمین ترقی و نجاح و فلاح بیابند مرقوم نموده بودید که انجمنی در شیراز

تو ب

(اصل این سه سطر بخط مبارک است)

ضمیمه لوح (۲۷۰) خطاب بجناب ورداسفند مبارک

قلوب در پرواز است و انشاء الله در آینده با ملا اعلی هم آهنگ و هم آواز
سئوال از رئیس که در آیهٔ مبارکه مذکور است نموده بودید این رئیس عالی پاشا است
که سبب نقل از عراق به حدود ایطالق و از انجا بسجن عکا شد و مقصود از جبل تینا و زیتا
دو جبل مقدس است که در قرآن به تین و زیتون نامیده شده و در ارض مقدسه واقع
شده اند و الماک و طا حروف مقطعه که در بدایت لوحی از الواح مبارک
صادر مقصد اسم کاظمست و ارض حمرا و کثیب احمر مقصد مقام قضاست زیرا
در اصطلاح اهل الله بیضا مقام مشیت است و خضرا مقام قدر است
و حمرا مقام قضاست و صفرا مقام امضا پس ارض حمرا مقام شهادت
کبراست نه آنکه حضرت اعلی روحی له الفدا در احسن القصص خطاباً
بجمال مبارک میفرماید یا سیدنا الاکبر قد فدیت بکلی لک و ما تمنیت
الا القتل فی سبیلک و اما مقام فنا در نزد صوفیه آنانرا گمان چنان که حقیقت
حادثه ممکن است تجرد از عالم حدوث نماید و بأوصاف قدیم متصف گردد نظیر
آتش آهن که از صفت حدیدی تجرد حاصل نماید و صفت نار در او
ظاهر و آشکار گردد و انیمقام را گویند ریاضت و سلوک حاصل گردد و ظهور

آنرا تو هم تصور در خود مینمودند لهذا اناالحق میگفتند وحال آنکه حادث از صفت
حدوث که لازمهٔ ذاتی اوست تجرد نتواند چه که لزوم ذاتی انفکاک از ذات شیئی نماید اما در الواح الهیه ذکر مقام فنای از خود و بقای بالله
هست مقصود از فنا در الواح الهیه اینست که انسان بکلی خود را فنای حق کند
یعنی منقطع از هر چیز گردد و روح و قلب و جسم در راحت و سرور و نعمت و عزت
جمیع شئون شخصی خویش را فدای حق نماید و از لذائذ و هوا حبس عالم ناسوت
درگذرد و تجرد از شئون بشری خویش نماید و بنار محبت الله برافروزد
و لسان به ثنای حق بگشاید و بأوصاف تقدیس و تنزیه متحلی گردد و بتربیت
خویش و هدایت نفوس پردازد یعنی جمیع شئون متعلق بخود را فدا و فنا
نماید چون باینمقام رسد البته بتوفیقات برافروزد و حجبات بیگانگی بسوزد
و اراده و مقصدی از برای او نماند در تحت ارادهٔ الهی مستهلک گردد و بنفحات
روح القدس زنده شود اما آتش و حدید هر دو از عالم عنصریت ممکن است
متصف بصفات یکدیگر شوند ولی قدم و حدوث را اتصال و اتحاد و شابهت
تمنع و محالست و اما مسئلهٔ امام جعفر صادق که سابع چهارده معصوم است

چون از حضرت رسول حساب نائی سابع میشوند واما کلمهٔ موسی ابن جعفر ابو موسی
جعفر بوده ابو حذف گشته واما مسئلهٔ قائمیت ایشان وبدا در بحار الانوار
از عثمان ثوری روایت شده از حضرت صادق که فرمودند این امر اختصاص
من بود یعنی از مشیت الهی چنین گذشته بود که من خروج کنم و زمین را
پر از عدل وداد نمایم ولکن بداوا قعشد و همچنین مجلسی در بحار از حضرت
صادق روایتکرده که فرمودند وقت این امر در سال صد و چهلم بود لکن
آنوقت بشما خبر داده شد شما آنرا فاش نمودید از اینجهت بود خداوند
انرا یعنی آنوقت را تأخیر نمود وایضاً روایتکرده که حضرت صادق علیه السلام
فرمودند یا اباراسحق این امر دربارهٔ من بود وقتش تأخیر افتاد واما در
خصوص حضور من بشیراز باین امر موکول علی تأیید ربک الرحمن ع ع

بواسطهٔ جناب بشیر آلهی جناب آقا میرزا فضل الله خان شیرازی

هو الله

علیه بهاء الله الابهی

ای بندهٔ اسم اعظم نامهٔ مفصل با عدم فرصت بدقت ملاحظه گردید لهذا
مختصر جواب مرقوم میشود باید شما بکوشید که بحبت حضرت شاهزاده کار

۳۷۱

دیگر پیدا نمائید بلکه انشاء الله موفق گردید (ع ع) (هوالابهی)

ش جناب جواد علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند (هوالله)

ای ناظر بملکوت وجود اهل سجود را چنین روشن چون آفتاب انوار فیض ۲۷۲ خطاب مبارک
مقام محمود باید و موقنین بآیات کبری را رخی نورانی از الطاف سبحانی
شاید سرمست جام آلهیه انشاء الله و سرور لازم و مستبشر بموهبت ملکوتی را
فیض حبور واجب هاست و بهجت سرمستان لازم و جوش و خروش عاشقان
واجب والا سنگ سخت به از دل مرده و وجود افسرده والبهاء علیک

ع ع هوالابهی ش جناب حاجی عبد الله
علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند (هوالله)

ای ناطق بذکر آلهی گویند انسان ناطقست یعنی مدرک حقایق کلیه ۲۷۳ خطاب مبارک
و واقف باسرار معانی معقوله ولی در نزد حکمای حقیقی آلهی در درگاه حضرت
نامتناهی نطق ثنای جمال قدست و بیان اوصاف اسم اعظم والا حیوان
صامت به از انسان ناطق نادان فخر دانایان و سرگشته و حیران به از مدعی
علم و عرفان رتب زدنی فیک تحیرا والبهاء علیک وعلی کل ثابت علی

بهاء

بمبائی بواسطهٔ جمشید خداداد بلوچستان کوئته میرزا فضل الله خان

علیه بهآء الله الابهی (هوالله) ای یار مهربان نامهٔ نجاب نیشابوری ۲۷۴

مرقوم نموده بودی ملاحظه گردید چون آنشاب پیمان بجهان پنهان شتافت واز پیمانهٔ

لقا نوشش نیافت لهذا این آواره جواب ننگاشت و چند بیش جواب نامهٔ شمار سال

گردید عجبت که تا حال نرسیده در این ایام از تائیدات ملکوت الله الحمد لله

نهایت خیر از گردون آوارگان درخواست و سلاسل واغلال برتقاب اهل عدوان

قرار یافت ستمکاران گرفتار ناکامی شدند و ظالمان مقهور گمنام و مادر آسیر زندان شدند

حال بقعهٔ مبارکه از هر طرف یاران از ایران و ترکستان و شرق و غرب و اروپا

و امریک متتابعاً وارد و بهیچوجه مانع و حائلی نه کل بزیارت قبلهٔ مقدسه و جهت

تضرع و ابتهال با عبدالبهآء ساجدند و استفاضهٔ فیوضات نامتناهی مینمایند یاران

در سرور و حبور و دوستان مأیوس و مذموم و مدحور از فضل و عنایت حق امید چنانست

که شما نیز مشمول نظر عنایت شوید و در نهایت فرح و مسرت ایام بسر برید نجاب

آقا میرزا عزیز الله تحیت مشتاقانه برسان امیدوارم که در جمیع امور موفق و مؤید

گردند و علیک البهآء الابهی ع ع (۹)

جناب آقا میرزا فضل الله خان زائر علیه بهآء الله (هو الله)

ای اسیر محبت آمذ لبر آسمانی شکر کن خدا را که بتقبهٔ نورا نی وتراب عتبهٔ
مقدسه جمال ابهی تمسّن وتبرّک جستی مطاف روحانیان را یافتی ومرکز ربانیان را شناختی
وایّامی با آوارگان الفت نمودی وبا مشتاقان بمداستان گشتی حال باید بسطوران
نشتابی ودرس تبلیغ نخوانی ودر براهین وحجج الهیه چنان مهارت یابی که اهل علوم
وفنون را عاجز نمائی چون چنین اکلیل جلیل بر سر نهی سبب فخر وسباهات پدر گردی
وعلّت سرور وحبور جمیع خاندان شوی وچنان ثبات واستقامتی نمائی که دیگران
حیران شوند وجمیع بصوت واحد گویند که اینجوان خلق جدیدست واین نهال
نو رسیده سرو آزاد جویبار رب مجید. جمیع یاران را از قبل من تحیّت ابدع ابهی
برسانید وعلیک البهآء الابهی ع ع

بواسطهٔ آقا میرزا فرج الله خان
اصفهان جناب میرزا باقر خان علیه بهآء الله (هو الله)

ای جناب باقر ظاهر بنفس قاهری وقلب طاهری وبدیدهٔ ناظری
وبروح حاضری خوشا بحال تو که از کثرات بواحد حقیقی پی بردی واز حجبات
ضلال نجات یافتی وبسرچشمهٔ حیات رسیدی وکأس هدایت کبری نوشیدی

وبموجب

وموهبت عظمی موفق شدی پس روش وسلوکی گیر که سبب هدایت دیگران گردی
وعلیک التحیة والثناء (ع ع) جناب آقا میرزا عزیز الله خان وجناب
آقا میرزا فضل الله خان وجناب آقا میرزا عبد الصمد خان علیهم بهاء الله الابهی
ملاحظه نمایند (هو الله) ای یاران مهربان وشیقه اتحاد
واتفاق که بانشاء یکی از بندگان مقرب کبریا مرقوم شده بود تقدیم عبد البهاء شود
لهذا این عبد در نهایت سرور تضرع بملکوت وجود نمود که این اتفاق واتحاد
الی الابد در جمیع عوالم آلهیه باقی وبرقرار ماند آلهی آلهی ثبت قلوب هولاء
علی الحب والوفاء واجعلهم آیات الوحدة والالفة والثبات بین الکائنات
حتی یرتلوا کلمات الحب فی بکر الحبات ویدعوا الکل الی الحق القیوم فیهد الیوم
المشهود ویرفعوا رایة الوداد بین العباد ویصبح الاقانیم الثلاثة نفساً واحدة
فیجمیع الشؤن والاحوال رب ایدهم علی الوفاق وجنبهم عن النفاق واحفظهم
من الشقاق وثبتهم علی المیثاق واجعلهم منجذبین الی نیر الآفاق وطائفین
حول کوکب الاشراق انک انت الکریم الرحیم العزیز المنان (ع ع)
شیراز بواسطه الشیر آلهی بواسطه جناب آقا میرزا جلال انبر جوم طاعبد

زرقانی بهائی جناب میرزا محمد باقر خان اصفهانی علیه بهاء الله الاهی هوالله

۲۷۸ خطاب کاتب بهرا اصفهان مبارک

ای بندهٔ صادق جمال ابهی شکر کن خدا را که بعون و عنایت حق موفقی و بخیر و خواهی احبای الهی موئید یاران اشتیاق جان که جان را ایگان در سبیل یکه یگر فدا کنند و بخدمت و اعانت و صیانت پردازند شمعرا روشنی باید و طاوس علیین را جلوه در بهشت برین شاید تا شهپر تقدیس گشاید و گلزار و گلشن بیاراید همه کن خدا را که مؤمنی و موقنی و ثابتی و راسخ و نشر آیات جور و جفای متمگار از اشد حائلی امروز هریک از احبای الهی باید حفظ و حمایت دیگری نماید و بقدر امکان کوشد که قلوب را شاد نمائی نخشند و نفوس را انشراح روحانی دهی و علیک البهاء الابهی (ع ع) بواسطهٔ جناب آقا میرزا محرم علیه بهاء الله الاهی جناب باقر ماهر من اهل القصاد علیه بهاء الله الابهی

۲۷۹ خطاب کاتب بهرا اصفهان مبارک

(هوالله)

ایشان بر پایان نامه‌ات رسید آنچه آه و فغان نمائی و مضطرب و پریشان باشی حق باشد ولی سزاوار اینست که در نهایت اطمینان و ثبوت و ایقان خدمت بآستان رحمان نمائی زیرا این محن و بلایا در سبیل کبریا بمنزلهٔ

ایشان

این جام تلخکام در محبت جمال ابهی باید بنهایت سرور و شادمانی نوشید و بدرگاه یزدانی ستایش و نیایش و شکرانه نمود که الحمدلله موهبت هدایت بخشید و فضل عنایت فرمود و در سبیل محبتش گرفتار بلایا و مصائب گردید و این عین موهبت است و مقام مخصوص برحمت من لدنه آثار و علیک البهاء الابهی (ع ع)

شیراز بواسطهٔ حضرت افنان جناب آقا میرزا بزرگ جناب محمدباقرخان

من اهل اتحاد علیه بهاء الله الأبهی (هوالله)

ای بندهٔ الهی صدمات شدیده دیدی و مشقات عظیمه کشیدی محکم نگذار که لائق و سزاوار اینموهبت بودی که مورد عقوبت در سبیل حضرت احدیت شدی جهانیان کلاً و طراً نشانهٔ تیر قضا بنید و هدف سهام بلا شعر ترک گفته نیوفتد در سپر بوکنند فیروز نامده در آنات جمله تیر قضا به نشانه در اعظم ملوک امپراطور روس بود و با طبل و کوس ملاحظه نما که چگونه مأیوس شد و جمیع خاندان سلطنت با خون دل همدم و مأنوس و همچنین سائر بزرگان و سروران نوت بریک رسد مقصود اینست که اول رجال عالم ملوکند و ملوک چنین مملوک دیگر قیاس حال دیگران نما اما تفاوت اینجاست که جهانیان در سبیل هوی و هوس آزرده گردند

خط کاتب مورد اضافه مبارک ۲۸۰

ودل وجان پژمرده وافسرده دارند هریک مورد بلا و مبتلای آلام و جفا گردند و شما نیز هدف تیر بلا
ولکن این در سبیل جمال ابهی و آن در ره نفس و هوی بین تفاوت ره از کجا ست
تا بکجا مقصود انیست باید از بلایای وارده شکرانه بنمود زیرا در ره جانان بود نه جان
ودر عشق گل بود نه تعلق بگل امیدوارم که انجال اجلا در کهف حفظ و حمایت ربی
الاعلی محفوظ و مصون و محظوظ مانند و پرتوی از نور هدایت بر بصر و بصیرت
والده شان زند ولیس ذلک علی الله بعزیز و علیک التحیة والثنا ع ع

شیراز جناب آقا میرزا فضل الله خان ابن نبان الملک (هو الله)

ای یار مهربان نامهٔ شما رسید بجان عزیزت قسم که عبد البهاء فرصت تحریر
یک سطر ندارد این سئوالاتی که شما فرموده بودید یک کتاب جواب میخواهد
لهذا گذاشتیم ملکه انشاء الله وقتی ملاقات حاصل شود شفاها جواب داده شود
والا تحریر ممکن نیست وعلیک البهاء الابهی (ع ع)

بواسطهٔ جناب آقا رضا شیراز جناب میرزا عبد الصمد بن ربیع البدیع
جناب میرزا ابراهیم جناب میرزا مسیح جناب میرزا فضل الله خان
جناب میرزا عزیز الله خان علیهم بهاء الله الابهی (هو الله)

انجیل

خطاب به ورقاء ابن ورقاء مبارک ۲۸۰ ۳۸۱

انا جیک یا مناجی فی خلج اللیالی واذکرک فیصباحی ومسائی وانضرع الیک

یارب الاسرار فی الغدو والاسحار بعین باکیة ونار حامیه ودمع وافق

وقلب خافق وروح شائق ان تؤید المخلصین علی الثابتی بالنور المبین والانجذاب

الی مرکز الانوار والالتهاب بالنار الموقدة فیقلوب الابرار ربّ اجعلهم مراکز

للتنوّعات الرحمانیة ومصادر للشئونات الربانیه ومطالع للانوار الرحمانیة

ومهابط للالهامات الصمدانیة وانطقهم کطیور القدس فی روض مشکور وو فقهم علی

کلّ عمل مبرور حتی تشرق منهم الوجوه اشراق النور بسطوع منور ربّ اجعلهم آیات

الهدی مؤنقة بازهار التذلل والانکسار محلیة باثمار الآثار دانیة القطوف مرتفعة

الفروع خضرة نضرة ریانة بفیض الملکوت ورشحات سحاب فضلک فی یوم

النشور انک انت الکریم الغفور وانک انت العزیز الرحیم علی کلّ عبد شکور لا اله

الا انت الکریم المجید الشکور (ع ع)

شیراز بواسطهٔ آقا میرزا علی اکبر

وآقا میرزا طراز علیهما بهاء الله الابهی خطاب آقا محمد باقر مهاجر

از اهالی اصفهان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت عهد یزدان نامهٔ نورسید مضمون آنکه استقامت بر امر حق بود و نشانهٔ

۲۸۳ خطاب به آقا میرزا عبدالله

ثنا سائی یار بی نشان جمیع بشر هرچند بطراز خلعت انسانی مزین ولی از حقیقت آن بیخبر انیموبت کلیه در حقیقت انسانی جلوه نموده ولی انسان غافل ذوالمل یک معنی از معانی آیهٔ مبارکهٔ انه کان ظلوماً جهولا انیت الحمدلله احبای آلهی منتبه باین الطاف واحسان ومنجذب انیموبت میباشند اذن حضور خواسته بودی اگر نهایت روح وریحان ممکن وودر حضور ورجوع راحت دل وجان مهیا ماذونی والا تا آنکه اسباب فراهم آید وعلیک البهاء الابهی ع ع

شیرازی عطار نظام

محمد حسن میرزا علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

۲۸۴ خطاب به عطار نظام

ای عطار نظام حمد کن خدارا که عطار عزیز غلام گردیدی وشهد لقا چشیدی صبح بهدی دیدی اشراق انوار بها ملاحظه نمودی خراموش بودی روشن شدی مدهوش بودی هوشیار گردیدی مخمود بودی پر جوش وخروش شدی این از مواهب عظیهٔ حضرت پروردگار است شکرنما شکرنما وعلیک البهاء الابهی ع ع

(طهران بواسطهٔ جناب حاجی میرزا عبدالله)

۲۸۵ خطاب به جناب فضل الله شیرازی

جناب فضل الله شیرازی جناب عبدالحسین نباتی جناب محمد علی لمتی جناب لطف الله نراز جناب سید ابراهیم نباتی جناب عزیز الله شیرازی جناب میرزا حسین برادر ایشان علیهم بهاء الله الابهی

مرقومه

هوالله ای ثابتان بر پیمان نامهٔ مبارک یاران بانهایت رقت تلاوت
گردید ومدرگاه حضرت احدیت تبتل وتضرع شد که ای پروردگار این یاران صادقرا
از امتحان فارغ کن واین بندگان لائقرا بغایت خویش فائق نما هر مرکز اجل
راسخ فرما وطوطی بازنخ کن تاج عبودیت بر سرنه وسلطنت ابدیه احسان کن
وسعت مشیت بخش وعزت ابدیه ارزان فرما تولی دهنده وبخشنده ومهربان
وتولی آمرزنده وپذیرنده وعزیز دوستان ع ع بمبئی لاهور
جناب عزیز الله خان وجناب میرزا افضل الله خان وجناب هندوی بهائی علیهم بهاء الله الابهی

هوالله ای یاران روحانی مکاتیبی که بجناب منشاری من ادرک لقاء ربه
وبعبد البهاء مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید از عدم مجال باختصار جواب مرقوم
میشود که اگر چنانچه اسباب سفر مهیا من استطاع الیه سبیلا که در حال راحت
وخوشی ومسرت بارض مقصود مشرف شوید وبروح وریحان مراجعت نمائید
وبشارات پرواز دهید وبنشر نفحات الله در آن صفحات کنید مأذون حضورید
وعلیکم البهاء الابهی (ع ع) بواسطهٔ آقا محمد حسن بلوری
جناب آقا میرزا افضل الله خان علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

Provided by the Afnan Library

۲۸۷ خطاب کاتب حروف انتشار مبارک

ای بندهٔ حق نامهٔ شما ملاحظه گردید و مطلب معلوم شد ولی عبدالبهآء باید خیر شما خواهد نه میل شما خیر شما در آنست که در شیراز و یا طهران بقدر امکان بکار و علم پردازید و در فهم و لسان انگلیسی نهایت مهارت پیدا کنی و اگر ممکن در دستگاه انگلیسها و لو مأموریت جزئیه باشد قناعت نمائید تا لسان را چنانکه باید و شاید تحصیل نمائید بعد به مسافرت پردازید ارض مقصود دائماً متقلب است تا قضات هر روز فسادی ننمایند اسباب سکون و قرار نه تا انسان تحصیل لسان نماید و یا آنکه بخدمت پردازد و در آنجا بهتر بخدمت توانی پرداخت نیت خدمت نما اسباب فراهم آید و تائید میرسد مطمئن باش و علیک البهآء الابهی (ع ع).

(هو الله)

۲۸۸ خطاب بمبارک

سروستان جناب استاد حسن کوزه گر علیه بهآء الله الابهی (هوالابهی)

ای منجذب روی بها هرچند خانه تابلان دادی و کاشانه تاراج لانه ات برفتند و آشیانه ات بسوختند غم مخور و آزرده مشو تو مرغ آشیانه توحیدی لانه در شاخسار سدرهٔ منتهی داری و بیمر و سامان در سبیل رحمانی خانه و کاشانه در جوار یزدان خواهی این تابلان نبود چه که خانه را معمور و آباد ان کرد

تاراج

تاراج نبود معراج خواهد گشت چه که خفیف خواهی شد لطیف خواهی شد در اوج
انقطاع عروج خواهی نمود مالی که در راه حق تبالان و تاراج رفت گنج روان خواهد شد
و کنز آسمان خواهد گردید (ع ع) جناب زائر آقا غلامحسینخان سردستانی
زیارت من استشهد فی سبیل الله جناب کربلائی حسنخان و کربلائی صادق اخوی کربلائی حسنخان
علیهما بهاء الله الابهی

هو الله

التحیة والثناء من الملأ الأعلی علیک یا من استشهد فی سبیل الله و انجذب
بنفحات الله و صدق بکلمات الله و آوی الی الرکن الشدید و الحصن الحصین و الکهف
المنیع و احتمل فی سبیل البهاء کل مشقة و بلاء و شماتة الاعداء و شتائم الزنماء
و ما اخذته سطوة الظالمین و لا خوفته صفوف الملحدین بل دعا الی سبیل ربه
تحت سلاسل المشرکین و نطق بالحق فی محافل المنکرین اشهد بانک اقمت الحجة
و حدثت بالنعمة و قومت المحجة و اجتنبت الفتنة و ما وهنت فی الثبوت
و الاستقامة و استهدفت السهام و الاسنة و لم تفتر فی
التحدیث بالرحمة قد قاموا علیک بالنفاق و ظلمک اهل الشقاق و لم
یترکوا اذی الا اجروه علی جسمک العزیز و عذبوک العذاب الشدید فی سبیل

۲۸۹ خطابات و مناجات

۲۹۰

داود عوک فی السجن العظیم وضربوک بالسیاط لحبک لربک الوحید الفرید طوبی لک من هذا الفضل
العظیم بشری لک من هذا الجود المبین اسئل الله ان یجعل مشامی معطراً بالمسک الذکی
الذائع من مرقدک المنیر وعلیک البهآء الابهی وعلی اخیک الذی نبذ الهوی واخذ بالتقوی
وآمن بربک الأعلی وانجذب الی الملکوت الالهی وما یجل بذبل الروح وما خوله الله
من متاع الدنیا وعلیه البهآء وعلیه الثناء وعلیه التحیة فی النشأة الکبری وعلیکما البهآء الابهی ع ع

بواسطهٔ جناب آقا میرزا عبدالله جناب آقا مرتضای سروستانی

علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

ای ثابت بر پیمان الحمد لله نفحات رحمن در انتشار است وصیت
ملکوت ابهی در اشتهار روستان مانند گشت پر برکت دراز دیادند ویاران
مانند اوراق واز بار شجرهٔ مبارکه درنشوونما از جمله سروستان چنانکه مرقوم نموده اید ۲۹۰
درباره آن نفوس مومنهٔ جدیده از حملهٔ ترنگ وبنفتوکه دراز دیادند بدرگاه
جمال مبارک عجز ونیاز نمایم آنان را فیض بینهایت خواهم فضل بیمثال جویم
عون وعنایت طلبم جود وموهبت خواهم بشارت ایندگان ایمان رسانید
بامة الله المحترمه ضلع ودوصبیه مکرمه کلشاد وعطیه تحیت تهیه ابلاغ دارید

نشانه

خط جناب میرزا اسدالله مبارک

انشاء الله مانند پدر و مادر آن دو دختر نیز منجذب محبت الله باشند و مشتعل بنار
هدایت الله جناب آقا میرزا آقا و جناب امرالله و جناب شکرالله و جناب
ذکرالله و بدیع الله نهایت اشتیاق بمحبت ابدیع الهی ابلاغ دارید و علیک
البهآء الابهی ع ع جناب حاجی محمد باقر را از قبل من بمحبت
مشتاقانه و تکبیر محترمانه برسان ع ع سرودستان جناب میرکریم زائر
علیه بهآء الله الابهی

هو الله

۲۹۱ ایثابت بر پیمان نامهٔ شما رسید و از مضمون واضح و پدید گردید که الحمدلله یاران
سرودستان در بوستان محبت الله سرورانند و در گلستان معرفة الله
گل و ریاحین در نهایت روح و ریحان قدمی ثابت دارند و قلبی راسخ و لسانی
ناطق فی الحقیقه یاران آن دیار مستفیض از انوار الطافند و مستنیر از مصباح
یوقد من شجرة مبارکة فیکل الدیار انیعبد نهایت سرور را از آن خبر مشکور دارد
و در شام و بکور بدرگاه رب غفور بخضوع و زاری نماید و آن یار را از نجاح و فلاح
و رستگاری خواهد امیدم چنانست که سرودستان لانه و آشیانه طیور
آسمانی گردد و چمنستان اهل حقیقت شود و لیس ذا علی الله بعزیز

Provided by the Afnan Library

جناب میرتاج از خدا خواهم که تاج موهبت بر سر نهد و امة الله گوهر نور محبت الله
در نهایت تلألؤ گردد و میر محمد اسمعیل آرزوی قربانگاه عشق نماید و میر عبد الغفار
از حزب ابرار محسوب شود و میر عبد الرسول در آستان مقدس مقبول گردد
و میر محمد مهدی آیت هدی شود و کربلائی شکر الله شکرانه خداوند یگانه
پرداز د که بخدمت امر موفقت و ملا علی مظهر لطف خفی و جلی گردد
و جناب آقا حیدر علی زائر درمیدان عرفان صفدر شود و آقا رضا بر رضای حق
موفق گردد و آقا غلامحسین خان مرحوم در دریای رحمت پروردگار مستغرق
شود و بر ورد موارد وارد و بر رفد مرفود فائز و از کوثر عفو سیراب و در شبهٔ
رتب الارباب مغبوط اولی الالباب گردد و جناب در پیش ابن محمد علی شهید
ابن شهید را از قبل من نهایت مهربانی مجری دارید از الطاف مربی حقیقی جمال
مبارک رجا مینمایم که خلقی بدیع عطا فرماید تا هر دم خلقی جدید گردد و علیک
البهاء الابهی (ع ع)

شیراز سروستان

جناب آقا محمود ابن آقا شکر الله علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

ای بندهٔ حق نامه شما رسید و بدرگاه حضرت احدیت تبتل و تضرع گردید
و طلب

و طلب آمرزش بجهت پدر و مادر آن بندهٔ الهی شده ایپروردگارا بندهٔ درگاه محمود را ۲۹۴
غفران پدر و مادر کند و در نهایت شرمساری و خجلت رجای آن دارد که اولین
غرقِ بحرِ رحمت گردند و برفیقِ موهبت مؤیّد شوند پروردگارا عبدالبهاء نیز این
رجا نماید پس حاجت او را در ملکوت جلیل قبول فرما ایمنبدهٔ حق
بجناب درویش ابن شهید ابن شهید نهایت نوازش از قبل من بنما که دعا نمایم
و او را راحت از زحمات و مشقّات دیون خواهم بإذنه الله ضلع محترمه
تحیّت ابدع ابهی ابلاغ نما و علیک البهاء الابهی (ع ع)

(بواسطهٔ جناب شیر الهی)

جناب حاجی خان و جناب خان بابا سروستانی و جناب علیجان و نوریجان
و بدیع الله و قدسیه خانم و ملا محمد علی معلّم و مرتضی و ستاره خانم و آسیه خانم
و شمائل خانم و عطاء الله و حاجی آقا و کربلائی امام قلی علیهم و علیهن بهاء الله الابهی

هو الله ای یاران و آمار رحمن مفتون محبت الهی حاجی خان ۲۹۳
و خان بابا نامه نگاشتند و ذکر جمیع شما را داشتند تایید و توفیق طلبیدند
و بر تحریر نامه بنام نامی کلّ رجا و تشویق نمودند عبدالبهاء با وجود مشاغل

ناتمنای مجبور بر آنست که جمیع احبای نامه یاد و ذکر نماید و البته یاران منظور میدارند
زیرا مجبورم مقصود انیست که بایدار جمیع افکار و اطوار و آراء و رکنار
بود و فکر دل و جانرا محصور در خدمت حضرت پروردگار کرد زیرا آن دلبر
آفاق نه چنان جلوه نموده که انسانی با وجود انتباه و اشتیاق آشفته
و سودائی نگردد اگر نفسی تکاهل کند یا تجاهل نماید دلیل مردگی و پژمردگی
و افسردگیست چشم بینا البته مفتون آفتاب گردد و گوش شنوا البته
که متلذذ از نغمات ملاء اعلی شود تشنه بیتاب البته آب گوارا جوید
و علیل دانا لابد طبیب حاذق توانا خواهد امیدوارم که کل موید و موفق
باین موهبت عظمی گردید و علیکم و علیکن البهاء الابهی (ع ع)

(بواسطهٔ جناب بشیر آهی)

سروستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخار (هو الله)

ای ثابت پیمان نامه تیکه بجناب بشیر تحریر نموده بودی ملاحظه گردید
و معلوم شد که جواب نامهٔ شما که چندی پیش ارسال شده بود از نا امنی راه از میان
رفته خبری ندارد تا قوت تحریر موجود و فرصت میسر تقصیر نخواهد شد

و علیک

وتلافی خواهد گشت درجمیع احیان بیاد یارانیم ومشتاق جمال دوستان
اگر فتوری درمکاتبه حاصل شود این از عدم فرصت است ملاحظه فرمائید
یکزبان ویک نبان باید با جمیع احبای جهان رافرداً فرداً مکاتبه وخبر
نماید البته شیرژیان وپیل دمان نیز از عهده برنیاید تاچه رسد این لسان
ونبان فانصفوا یا اهل الانصاف عجل ونسل زنبور ممنوع نفروشید
وثمن نفقه را دهید بیت مسکون درهرصورت مال یکراست خواه ازمیت
چیزدیگر باقی ماند یا نماند وولد یکر از سایر اموال نیز سهم خویش میبرد هذا
ما فرضه الله ولی خود مورث قبل از وفات مختار است درتصرف اموال
که هرقسم بخواهد مجری دارد وهمچنین ولد یکر باید خود ملاحظه وراث دیگررا
نموده نباید وانصاف دهد وفی الحقیقه هرانسانی نص قاطع آلهی باید وصیت نامه
نگارد تا بموجب آن بعد از او مجری شود هذا هو الحق المبین واگر بحمد الله
اطاعت امر نکرد یعنی وصیت ننماید باید چنین مجری داشت (ع ع)
سرورستان جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

Provided by the Afnan Library

۲۹۵ جواب کاتب هوا رفقا مبارک

ای دوست عزیز من نامهٔ شما را نهایت دقت قرائت نمودم و از قسم شما نهایت انشباشت حاصل گشت لهذا جواب مرقوم میگردد هرچند در اینجهان فانی شادمانی نیافتی و کامرانی ننمودی در هیچ صبحی خفته و خندان نبودی و هیچ شبی با سر و سامان نگشتی ولی خبر نداری که همهٔ رفقا گرفتار این بلا گمان مبر تنها که در این دنیا نفس نفس راحتی کشید و یا دمی شنبمی از دریای راحت یافت حوادث زمان و دقایع امکان همواره در کمین است و صیاد تقدیر و قضا گوشه نشین با وجود این چگونه انسانی غریق آسایش و راحت گردد علی قول شاعر یاری نوک خاری نیست کز خون شهیدان سرخ نیست آفتی نبود آن شکار افکن کز این صحرا گذشت و شاعر ترک گفته یوقدر پسر بولمسه فیروزه فاده ذرات جمله تیر قضا یه نشانه در شاعر عرب گفته عشق خالیاً فالحب راحة غناً فاولة سقم و آخره قتل باری الحمدلله یاران تسلی عظیم دارند و تشفی صدور در موارد بلا عظیم زیرا از راحت جان و کام دل در اینجهان منقطعند بجهان دیگر پی برده اند در مورد بلا چون الطاف جمال الهی بخاطر آرند مرتحی شیرین گردد و هر تیغ تقیع شهد و انگبین شود امیدم چنانست که دعای شما نیز

مکاتب

مستجاب گردد یارانی مبعوث گردند که هریک شمع روشن شوند و گل گلشن گردند و در حدائق
الهی بلبل معانی گردند و کلمات معنوی زنند و سبب انتشار نفحات قدس در آن
اقطار گردند ع ع بواسطهٔ آقا مرتضای سروستانی

احبای قدیم و جدید ترنگ و مهفتو و احبای سروستان محلهٔ شیخ یوسف
جناب مشهدی محمد حسین جناب کربلایی باقر زائر جناب آقابابا جناب شکرالله
جناب محمدرضا جناب غلامرضا جناب محمد جناب محمدتقی جناب حاجی بابا
جناب حاجی حسین جناب مشهدی قربانعلی جناب فتحعلی جناب آقابابا
جناب بابا خان جناب گلعلی جناب حاجی علی جناب مصطفی جناب
زین العابدین جناب قربان جناب مشهدی نادعلی جناب آقاجان جناب
اسمعیل جناب نجف جناب محمد ابراهیم جناب عبدالرضا جناب مرتضی
جناب آقاجان جناب نوروز جناب علیجان جناب اکبر جناب قربان
جناب علیحسین جناب فتح الله جناب محمدرضا جناب حسن جناب سلیمان
جناب رمضان جناب علیجان جناب محمدجعفر جناب فتحعلی جناب
مهرعلی جناب غلامعلی جناب لطفعلی جناب بیدوش جناب ابوالقاسم

Provided by the Afnan Library

جناب خداداد جناب موسی رضا جناب حسینقلی جناب خداداد خادم احبای الله
جمال جناب کربلائی شکرالله جناب محمد علی جناب علیجان جناب مرتضی
جناب قربانعلی جناب محمد حسن جناب ملا محمد علی معلم جناب سبز علی
جناب فتح الله جناب زنبیل جناب ابوالقاسم جناب کاکا جان جناب مرتضای زارع

(هوالله)

ای یاران عبدالبهاء جناب آقا مرتضی نامه نگاشته و نامهای مبارک اهل بهارا
در آن درج نموده چون نظر بآن دفتر افتاد ملاحظه شد که ماشاء الله دفتر مالکان
ویکون است قلم اعلی باید که با صابع قدرت حضرت بیچون از عهدهٔ نگارش آن
برآید والا این کلک شکسته عبدالبهاء البته از عهده برنیاید که بجمیع مکتوب
بنگارد لهذا جمیعرا بیک نامه خطاب مینمایم که احبای الهی گویند که علیین
کتابیست که اسماء مقربین در آن مثبوتست و حقایق مخلصین در آن موجود
پس بقین بدانید که نامهای مبارک شما در ملکوت الهی در لوح محفوظ و رق منشور
مثبوت و مسطور و هریک بمبارکی عبودیت ملیک وجود در ملکوت مشهود و
بغرت ابدیه مرزوق ستایش خداوند آفرینش را که لوح محفوظ عالم امکان را

۳۹۶ نامهٔ مکتوب مورد اشاره مبارک

۱۹ دارد

واوراق منشوراکوازانباهای مبارک یاران فرمود این قید ابدیست
واین ثبت سرمدی قرون واعصار منتهی گردد وناصحای فرخندهٔ ابرار باقی وبرقرار باشند
وعلیکم البهآء الابهی ع ع (هوالابهی) سردستان
جناب خواجه لطفعلی جناب آقا هادی جناب آقا میرزا عبدالله جناب آقا عبدالرزاق
جناب حاجی علی جناب آقا محمدعلی جناب آقا علی جناب آقا احمد جناب آقا فتح‌الله
جناب حاجی خان جناب بابا خان جناب آقا محمد اسمعیل جناب آقا عبدالکریم
جناب آقا عبدالغفار جناب آقا عبدالله جناب آقا عبدالرسول جناب آقا محمدمهدی
جناب آقا محمدرضا جناب آقا میرزا علیخان جناب آقا میرزا عبدالباقی جناب آقا عزیزالله
جناب آقا علی جناب مشهدی محمدتقی جناب مشهدی محمدقاسم جناب آقا حسن الله
جناب آقا میرزا آقا جناب لقاءالله جناب آقا عباسعلی جناب آقا صادقعلی جناب
آقا قنبرعلی جناب عبدالبهاء الشهیر به عوض آقا علیهم بهاءالله الابهی (هوالابهی)
ای یاران معنوی اهل ملاء اعلی وسکان ملکوت الابهی درصباح میثاق شکرانه
الطاف ربانی گشودند ودر ساحت قدس سر بسجده نهادند که ای پروردگار مهربان
ستایش ونیایش تراست که مرجع مخصوص را منصوص فرمودی ومرکز میثاق را مشهور

آفاق نمودی آیت عهد قدیم را ثابت کردی و رایت عظیم را بلند و مرتفع نمودی شمع روشنتر اشاهد انجمن کردی و سرو گلشنتر اطراوت و لطافت و نضارت بخشیدی ای پروردگار جانها را شبارتی بخش و دلها را مسرتی غایت فرما ابصار را روشنائی ده و بصائر را ضیائی رحمانی غایت نما انک انت الکریم الرحیم و انک انت الرحمن القدیم

(ع ع)

سروستان جناب آقا غلامرضا (هوالله)

ای بندهٔ حق نامهٔ شما رسید و بدرگاه جمال مبارک لابه و زاری گردید تا نهایت حق بقدر امکان و وسعتی حاصل آید و بخدمت یاران پردازید و جناب میرزا ابوالفضل را از قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید و علیک البهاء الابهی (ع ع)

۲۹۸ خط کاتب مورد اعتماد حضرت مبارک

شیراز بواسطهٔ بشیر الهی سروستان

جناب حسن ابن حاجی حسین عطار علیه بهاء الله (هوالله)

۲۹۹ خط کاتب مورد اعتماد حضرت مبارک

ای بندهٔ حق نامهٔ شما رسید مضمون متقبل بدرگاه حضرت رب الملکوت بود عبد البهاء نیز بعتبهٔ مقدسهٔ جمال ابهی عجز و نیاز نمود و از برای تو عون و عنایت و صون و حمایت طلبید تا در کهف منیع و ملاذ رفیع خداوند مهربان از شر اهل طغیان در حفظ و ثبات

وثابت برپیمان باشی نجل مجید آقا عطاء الله را از قبل عبدالبهاء تحیت وثنا برسان تا مانند
غصون ریاض نبسم خلت احدیت ما بهتراز آید ومشابه طیور حدائق بالحان معانی
وحقائق پردازد وعلیک البهاء الابهی ع ع بواسطهٔ جناب میرزا محمد حسین
ابن میرزا احمد علی نیریزی جناب آقا محمد حسن ابن جناب حاجی حسین سروستانی
(هو الله)
علیه بهاء الله الابهی
ایثابت برپیمان شکر کن خدا را که کاس هدی از دست ساقی لقا نوشیدی
ومنتهی آمال متصرعین رسیدی چشم بینا گشودی ومشاهدهٔ آیات کبری فرمودی
وبکعبهٔ مقصود پی بردی ودر ظل مبارک حضرت مقصود راحت جان وآسایش
وجدان یافتی حال باید در آن صفحات منشر نفحات قدس پردازی ونفوس را
بملکوت وجود هدایت فرمائی بعد از ذن حضور بقعهٔ مبارکه داده میشود جناب
آقا علی محمد وجناب حاجی خان وجناب حاجی آقا را از قبل این عبد تحیت
ابدع ابهی ابلاغ دار بانهایت اشتیاق ذکرشان را مینمایم وعلیک البهاء
الابهی ع ع شیراز بواسطهٔ جناب بشیر آقا
جناب حاجی خان وجناب خان بابای سروستانی علیهما بهاء الله الابهی

Provided by the Afnan Library

خطاب کاتب مورد الطاف مبارک

۳۰۱

هو الله ای دو بندهٔ صادق جمال مبارک الحمدلله درگاه احدیت را پاسبانید و سرتابستان منجذب دلبر آفاقید و مفتون آن زلف مشکبار از شدت عشق بگریبانی چاک و چشمی گریان و موئی آشفته و پریشان و آهی نهان و داغی نمایان شاهد انجمن شدید و سرگشتهٔ وسودائی و پرشور و شیدائی دلبر آسمانی نگشتید تا بجانفشانی نرخواستید و محفل مشتاق آراستید و سرخیل عاشقان گشتید حال وقت آنست که از حضیض ضعف و سکوت پرواز نمائید و در اطراف نغمه و آواز بلند فرمائید هرچمنی بگذرید و مرغان خوش الحان را نغمه و آهنگ آرید و علیکما البهآء الابهی ع ع

(بواسطهٔ میرعبدالکریم زائر)

جناب میرتاج الدین جناب میراسمعیل جناب میرعبدالغفار جناب میرعبدالرسول جناب میرعبدالمهدی جناب آقاجلال جناب ملا محمدجعفر امة الله والده زائر آماء رحمن بمشیره های زائر امة الله ضلع آقا محمد اسمعیل امة الله ضلع آقا عبدالغفار علیهم و علیهن البهآء الابهی

(هو الله)

خطاب کاتب مورد الطاف مبارک

۳۰۲

ای یاران و آماء رحمن جناب میرعبدالکریم مسافهٔ بعیده طی نمود تا باقلیم نا عیظم رسید الحمدلله بتقبیل آستان حضرت یزدان فائز شد و بزیارت تربت مقدسه مشرف گردید

بموده

همواره بیاد یاران بود و با چشمی گریان و قلبی سوزان طلب تأیید بجهت احبای رحمان
نمود و بسته این عجز و نیاز مقبول درگاه حضرت بی نیاز گردید لهذا عبدالبهاء منتظر
آنست که آثار بارهٔ این تضرع و زاری و تبتل و بیقراری ظاهر و آشکار گردد الحمدلله
خاندان هر شهید مجید و رودمان هر رجل رشید مشمول نظر عنایت رحمن و رحیمند
وامید چنانست که جمیع منتسبین شهدا در ظل رایت کبری در آیند و بفضل و موهبت
جمال ابهی سرفراز گردند گلستان توحید را گل و ریاحین گردند و بوستان تقدیس را
اشجار بی شکوفه و ثمر حدیقه شوند تا سبب خوشنودی شهیدان و مقتل تحسین اهل
ملأ اعلی گردند عبدالبهاء بیاد یاران و آمار رحمن مشغول و ذکر ایشان مألوف و محبتشان
مأنوس همواره سرمایستان نهد و از حضرت یزدان عون و عنایت بیپایان طلبد
امروز جهان و جهانیان کل در بحر اوهام مستغرقند آما بهائیان الحمدلله با چشمی بینا
و گوشی شنوا و دلی آگاه و جانی مهتز از بشارت کبری در ظل شجرهٔ مبارکه
سدرهٔ منتهی محشورند باید شکرانهٔ این الطاف چنان رفتار نمایند که سبب حیرت
دیگران گردند و علیکم و علیکن البهاء الابهی (ع ع)

بواسطهٔ جناب میرعبدالکریم زائر

سروستان احبای الٰهی زرقان احبای الٰهی مسجد بری احبای الٰهی شمس آباد احبای الٰهی
شیراز احبای الٰهی آباده همت آباد کوشکیک چنار وزیر آباد درخوک علی آباد
احبای الٰهی علیهم بهاء الله الأبهی (هوالله)

وائی یا الٰهی قد قدرت لی السیر بفضلک فی ملکوت الانفس والآفاق ووفقتنی علی ۳۰۳
امعان النظر فی مرات الوجود حیث سطوع انوار الاشراق فاستغرقت فی بحار الحیرة
والذهول بما رأیت آثارا وشئونا تذهل منها العقول رب انی رأیت فی یوم
الظهور الحشر والنشور والطامة الکبری قائمة فیکل ربوع وصعود وثغور وسمعت
صوت النفخ فی الصور والنقر فی الناقور وارنی فیها قیام الاموات من القبور وشاهدت
امتداد الصراط الممدود وميزان القسط الموضوع وکشفت نواقیس الریاض وتدفق
الحیاض وتسعر النیران وتزین الجنان واجتلیت ملائکة الرحمة وعدت بکئوس
من زلال الانوار وابصرت الافق المبین وقرت عینای بمشاهدة الجمال المنیر
وکشفت الاحجاب ورأیت اسراب الاحزاب ثلة مستغرقة فی الفیض
العظیم وعصبة والله فی الشهادة فی یوم الدین وقوم سابح فی بحر القدیم
وحزب منجذب هائم من حبک الشدید وفرقة خائضة فی بحور من الاوهام

Provided by the Afnan Library

وزبط غريق في بحار الاحلام وانا س ذاهلة عن الادراك ساقطة في بيداء الضلال
ولكنني سائني يا الهي منها المناظر الموحشة وانظلمات المدهشة التي احاطت النفوس المحجبة
في يوم اشرقت الارض والسماء بانوار مطلعك ولاحت بها الافاق قد انطمست
منهم الابصار وعميت منهم البصائر من مشاهدة الانوار وصمت آذانهم عن
نفحات ملكوت الاسرار وضاقت صدورهم عما سقطوا في حفرة الظنون والاوهام
ووقعوا في زاوية النسيان رب انني اتذلل اليك ان تكشف الاستار عن الابصار
والابصار وتنقذ النفوس من الغرور والاستكبار وتنجي الخاضعين فيغمار
الظلمات رب كل عبادك وسكنة بلادك قد انشتتهم بانشائك وربيتهم
بقوتك واقتدارك رب قد خلقتهم آيات ربوبيتك وآثار الوهيتك ودلائل
قدرتك وبراهين قوتك فكيف تتركهم ان يخوضوا في بحر الاوهام وودعتهم
يهيمون في وادي الخسران ووذعتهم في بادية النسيان ولم تحفل لهم حظاً من الفضل
والاحسان اسئلك برحمتك التي سبقت الاشياء ان تحفل لهم نصيباً
من انوار الهدى وادخلهم الى سبيل الرشاد واجعلهم آيات حكمتك بين البرية
انك انت الرحيم انك انت العظيم انك انت العزيز التواب ع ع

(بواسطهٔ جناب آقا مرتضای زائر سروستانی)

۳۰۴ جناب آقا محمد جناب آقا بابا علیهما بهاء الله الابهی (هو الله)

ای دو بندهٔ درگاه کبریا جناب مرتضی مراحبت با نصفات مینماید وار مغانی از عبدالبهاء میخواهند چون متوجه ملکوت ابهی و ناظر بعتبهٔ حضرت کبریا هستند و ثابت بر پیمان و ناطق بثنای حضرت رحمان خواهش ایشان مقبول علی الخصوص در حق اند و شخص متعارج با وج قبول این ایام قرن اول است و عصر جلیل اکبر نفوس باید بترتیل آیات جلال مانوس گردند و بمشاهدهٔ ملکوت جمال محظوظ شوند عین تسنیم در جریانست و خمخانهٔ احدیه در نهایت رزانت مشهود و عیان حکمت الهیه در نبعانست و کوثر الهی در فیضان و طیور قدس در نغمه و فنون الحان پس ناسرا بیدار و هوشیار کنید تا از این فیض بحر البحور نصیب موفور برند و از این نغمه و آهنگ نشئه کائس کان مزاجها کافور یابند و علیکما البهاء الابهی ع ع

سروستان جناب میرکریم زار علیه بهاء الله الابهی

۳۰۵ هو الله ای زائر مشکین نفس رؤیا تعبیرش آنست که نفوسی قصد آن نمایند تا ما را الله الموفقه خاموش کردد از جهد و کوشش آنان شعله عظیم تر

و نفوذ کلمة الله بیشتر شود حضرت مسیح مسالم ماند و ما قتلوه و ما صلبوه ولکن شبهه لهم واضح و مشهود گردد جمال مبارک بر سریر سلطنت آسمانی جلوس فرماید و سطوت و شوکت امر الله آفاق را احاطه کند و علیک البهاء الأبهی

۲۸ ربیع الثانی ۱۳۳۸ عبدالبهاء عباس

عراق بواسطه جناب آقا محمد مصطفی و آقا محمد علی سروستانی احبای الهی

در سروستان ملاحظه نمایند

هو الله

ای یاران روحانی من وقت افول آفتابست و من بنهایت خسته و ناتوان با وجود ۳۰۶
این این دل و جان جانان در هیجان و بهر بانست که بی فتور بتحریر این سطور پرداخت
مقصود آنست که غافلان و بیخبران دست تطاول بظلم و ستم گشودند و بهجوم عمومی نمودند
زیرا از مقاومت حجت و برهان عاجز گشته و دست بسلاح عجزه زدند و مقصدشان
آنست که بدرندگی و خونخوارگی مانند گرگان اغنام الهیرا بدرند و سراج الهیرا خاموش نمایند
مهمات بهمات این سبب شود که شعله شدیدتر شود و شعاع بیشتر تابد و نسیم جان
پرور جنت ابهی شدیدتر وزد لهذا باید احبای الهی باستقامتی مقاومت این طوفان
نمایند که عجز جاهلان ظاهر و عیان گردد در آنمکان باید هریک از یاران مانند عقاب

اوج عزت ابدیه بپرواز آید و صید مرغان پراگنده و پریشان نماید تا جمیع طیور در حدیقهٔ
رب غفور راه یافته بنغمات بدیعه ترانه آغاز نمایند و آوازی بلند کنند که اهل فردوس
در بارگاه قدس بوجد و طرب آیند و هلهله و ولوله برافرازند و علیکم التحیة والثناء ع ع

هو الله

بواسطه جناب یوزباشیان جناب آقا محمد علی سروستانی علیه بهاء الله

(هو الله)

ای زائر مشکین نفس آنچه بجناب خان نگاشتی ملاحظه شد سخن گفتی و در سفتی والحمد لله خامه
دلرا از خس و خاشاک غفلت و نسیان رفتی و در دبستان عشق نزاد ادیب الهی درس
محبت آموختی رویائیکه دیده بودی دلیل برآنست که بعون و عنایت جمال ابهی
بعبودیت درگاه کبریا موفق خواهی شد و امر الله را عنقریب انتشاری عجیب
حاصل خواهد گشت صیت ظهور مجلی طور جهانگیر خواهد شد و ارض غبرا روشن
و منیر خواهد گشت و علیک التحیة والثناء (ع ع)

شیراز بواسطهٔ بشیر آقا

جناب حاجی محمد علی ابن استاد حسن فخار سروستانی علیه بهاء الله الابهی

بتوته

(هوالله)

خط کاتب ورقا روحی فداه مبارک ۳۰۸

ای متمسک بعهد و میثاق نامهٔ اخیر شما بجناب آقا سید مهدی رسید و بدقت ملاحظه گردید
از درگاه جمال مبارک طلب عفو از برای حرم محترمهٔ شما شد که او را غریق بحر غفران فرماید
و برای والد ماجد و والدهٔ مقدسهٔ شما نیز الطاف بنهایت از درگاه احدیت
طلبیدم نادر دریای فضل و احسان غوطه ور گردند مکتوب یاران که در جوف بود مرقوم
مرقوم گردید و در حق این مکتوب بسیار بسیار شب و روز یاد تو از خاطر نرود در این
انجمن مذکوری و در بین ملأ اعلی عالم بالا آستان مقدس جمال ابهی روحی لعتبته
ترتبة الفداء مشهوری و علیک البهاء الابهی (ع ع)

بواسطهٔ جناب آقا محمد مصطفی و جناب آقا محمد علی سروستانی

خط کاتب ورقا روحی فداه مبارک ۳۰۹

(هوالله)

امینهٔ یزدان پسر پاک گهرت بادیه پیمود تا درخ نجاک پاک آستان تقدس
سود و مشام معطر فرمود در آن مقام نورانی زبان بعجز و نیاز گشود و طلب غفران
و غفایت از برای تو نمود این پسر از عهدهٔ شکرانهٔ الطاف پدر بدر آمد حال باید
پدر بغفایت باو مهربان گردد و لطف بیپایان مبذول دارد و شب و روز

دعا کند و طلب توفیق نماید تا مثل سرو مانند اشجار فردوس درختی پر بار و برگ
و شکوفه و ثمر مترین شود و در جویبار رحمت الهی در نهایت تروتازگی جلوه نماید
و علیک التحیة والثنا ع ع

سرو ستان بواسطه بشیر آقای خباب حاجی محمد باقر زائر خباب آقا بابا
خباب خداداد خباب حاجی حسین خباب مشهدی قربانعلی خباب فتحعلی خباب
ابوالقاسم خباب آقا جمال خباب غلامرضا خباب مشهدی نادعلی
خباب حاجی علی خباب مصطفی خباب زین العابدین خباب قربانعلی خباب
شکرالله خباب قاسم خباب رمضان خباب علیرضا خباب استاد ربیع
خباب قربانعلی خباب اکبر خباب عبدالرضا خباب استاد مرتضی خباب
استاد علی حسین خباب بابا خان خباب علیجان خباب فتح الله خباب حسینقلی
خباب سلیمان خباب مهرعلی خباب محمد جعفر خباب فتحعلی خباب درویش عزیزالله
خباب محمد ابراهیم خباب اسد خباب آقاجان خباب آقاجان خباب
کربلائی شکرالله فرزندانشان محمد علی خباب محمد تقی خباب سبز علی خباب
ملا محمد علی خباب محمد حسن خباب فتح الله سلیل ایشان روح الله خباب

محمدعلی جناب مرتضی علیهم بهاء الله الابهی (هوالله)

۳۱۰ ای یاران عزیز عبدالبهاء چون نام مبارک آن روحانیان تلاوت شد حالت عجیبی دست داد بقول سعدی انمیطرب از کجاست که برگفت نام دوست جان و وجدان شادمان گردید که الحمدلله در چمنزار سروستان در نهایت طراوت ولطافت سروهای روان مسخر امند و میبالند و مانند مرغ سحر مینالند و چون عندلیب بر شاخسار معنوی کلبانگ الهی میزنند انشاء الله سروستان جنت الهی گردد و گلشن ملاء اعلی شود و علیکم البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

بواسطهٔ جناب بشیر آقا

جناب استاد حسن نجار و حرم محترمه‌اش علیهما البهاء الابهی (هوالله)

۳۱۱ ای دو حمامهٔ همدم و همراز الحمدلله در گلشن الهی پرواز نمودید و بملکوت راز پی بردید و بمظهر الطاف حضرت بینیاز گشتید آیا شماتت وملامت بدخواهان شنیدید واذیت زیاد کشیدید وستم مارستمگار چشیدید ولی چون در سبیل ربّ جلیل بود انیز هر شهد بود وامید رو درمان نظر بپایان حال نمائید این بلایا را نتیجه عطایای الهی است واین ملامت وشماتت را ستایش ونیایش

وپرستش در پی عاقبت واضح وآشکار گردد ونجل مجید قنبر علی تحبت ابدع ابهی
ابلاغ دارید آن اشعار آبدار بود ومانند آب زلال وبحبل سلسبیل جلیل
حاجی محمد علی رامع ضجیع وعباسقلی رامع ضجیع ونصرت الله ومرتضی را باحبای
روحانی نهایت مهربانی برسانید وعلیکما البهآء الابهی عبدالبهآء عباس

بواسطهٔ حضرت بشیر آهی

شیراز جناب آقا مرتضی زائر سروستانی ملاحظه نمایند مناجات ص مغفرت
بجهت آقا عباس ومشهدی رحیم وکربلائی محمد حسن علیهم بهآء الله الابهی (هوالله)
الهی الهی وسیدی ورجائی انی اتبتل الی ملکوت رحمانیتک واتذلل الی جبروت
فردانیتک والوذ بباب احدیتک واستفیض من سحاب رحمتک ان تشمل
هؤلآء العباد لحظات عین رحمتک والطافک وتغمرهم فی بحر عفوک
وغفرانک وتجعلهم آیات فضلک واحسانک انک انت الحنون انک انت
الغفور انک انت العفو المقتدر الکریم الرؤف ع ع

(هوالله) بواسطهٔ منیش عباد آبادی

سروستان جناب کربلائی باقر علیه بهآء الله الابهی (هوالله)

فقط کاتب سورهٔ اصفهان مبارک

۳۱۲

۳۱۱

۳۱۰

الرالت

خطاب به حضرت ورقا علیه بهاء الله ۳۱۳

ای سرمست بادهٔ پیمان نامهٔ مخصوص ارسال میگردد تا سبب شعلهٔ نار محبت الله گردد انیعبد را نهایت آرزو اینست که در هر نفس بصد کس ره احبای الهی نگارد واین میسر نگردد ولی بنگامهٔ روحانی در هر آنی نامهٔ رحمانی نگارد واین در نهایت سرعت انجام پذیرد زیرا عالم جسمانی تنگنای عجیبی است جمیع امورش بطیئ است نهایت در هر نفسی چند قدمی طی شود ولکن روح شرق وغربرا در لحظهٔ پیماید ملاحظه کنید که چقدر متفاوتست باری مقصود چنین است که آن سرمست پیمانهٔ پیمان در میان یاران الهی بجان ودل بکوشد تا همیشه التیام روحانی دوام نماید والفت رحمانی جلوه فرماید وعلیک التحیة والثناء ع ع

بواسطهٔ جناب زائر کربلائی محمد باقر

خطاب به حضرت ورقا علیه بهاء الله ۳۱۴

جناب آقا بابا وجناب آقا شکرالله وده سلیل جلیل وده صبیهٔ محترمه وامة الله حرم موقنهٔ ایشان علیهم وعلیهن بهاء الله الابهی (هوالله)

ای مشتاقان جمال دلبر جهان معشوق عالمیان ومحبوب روحانیان ومقصود ربانیان وموعود بیانیان چون از عراق اشراق فرمود ولوله در آفاق انداخت وپرتوی نورانی بر اخلاق زد کون بحرکت آمد

Provided by the Afnan Library

امکان مسرت یافت حقایق اشیاء معانی الهی حیث در آیات کائنات دلبر ربانی یافت شرق مطلع انوار شد و غرب افق اشراق گشت زمین آسمان شد و خاک تیره تابناک گشت جلوهٔ ملکوت در ملک گردید و عالم ناسوت انتباه از عالم لاهوت یافت جهان جهان دیگر شد و عالم وجود حیاتی دیگر یافت این آثار روز بروز ظاهر و آشکار شود و این انوار یوماً فیوماً تابد و این غنچه شکفته آناً فآناً بر اقطار عنبر بار گردد ولی افسوس که ایرانیان هنوز مانند کوران و کران بخواب غفلت گرفتار نور نبینند و ندا نشنوند و انتباه نیابند و بهوشیار نگرند جهدی کنید سعی نمائید که ایران موطن دلبر بهر بانست و فارس مبدء طلوع صبح تابان ملکه همت دوستان اهل آسمان مشاهده پرتو مه تابان نماید و از فیوضات رب الآیات بهره و نصیب برند و علیکم البهاء الابهی ع ع

۱۱ ج ۱ سنه ۱۳۲۸ بواسطهٔ جناب بشیر آهی شیراز

جناب غلامرضای سروستانی علیه بهاء الله هو الله

ای بندهٔ الهی نامه شما رسید جوانی بملاجهانز یر مرقوم گردید البته خواهد رسید ولی آیا امتحان عبدالبهاء جائز است لا والله مطلوب امتحان طالب نماید

خطابه جناب ورداالمقربین مبارک ۳۱۵

نه قاصد امتحان مقصود عبدالبهآء باید دیگر از آزمایش نماید تا خلوص آرایش قلوب گردد
مرقوم نموده بودی که سوادی از قرآن دارند پس چگونه صریح قرآن ملاحظه نگردید جمال
محمدی نص قرآن میفرماید لوکنت اعلم الغیب لاستکثرت من الخیر وما ادری
ماذا یفعل بی وبکم غدا باچنین نص قاطعی چگونه امتحان بمیان آید حضرت امیرعلیه السلام
در محل بلندی ایستاده بودند شخص لشکری گفت یا علی مطمئن بحفظ آلهی هستی فرمودند بلی
پس گفت خود را از آن محل مرتفع بلند از واعتماد بحفظ آلهی نما در جواب
فرمودند مرا نرسد که امتحان حق نمایم بلکه حقرا سزاوار امتحان عبد کند باری باوجود
این چیزی مرقوم گردید اگرچه بصر بصیرت باز شود وادراک شود قناعت
حاصل گردد وعلیک البهآء الابهی ع ع

بواسطهٔ حضرت غدلیب گلبن معانی

شیراز جناب مشهدی محمد حسین سروستانی علیه بهآء الله الابهی (هوالله)

۳۱۶ ای بندهٔ حق عون وعنایت حضرت احدیت چون شامل گردد هر نقصی
کامل شود وهر شخصی غنی ومتمول چون تأیید رسد ولو انسان هر دم گنجی بخشد
ثروت افزون گردد وغنا مانند رود جیحون شود واگر مدد منقطع شود دریا بخشکد

Provided by the Afnan Library

وفرات وسیحون سراب دشت وماموم شود پس مدد از او طلب وتا توانی
احبای الهیرا معاونت کن تا عون وعنایت حضرت مستعان بدیع وبرکت
مشاهده نمائی اگر ممکن است در مسئلهٔ خانه با جناب محمد باقر اعانه نمایند
وعلیک التحیة والثناء بواسطهٔ جناب بشیر آلی

جناب کربلائی باقر سروستانی وآقا محمدرضا وآقا عبدالله وآقا شکرالله
وآقا بابا وجناب آقا مرتضی وآقا حسین اصطهباناتی علیهم بهاءالله
الابهی ملاحظه نمایند (هو الله)

ای پروردگار مفتون جمال خویش محمدحسن را در جوار رحمت کبری پناه ده
وبا سرار ملکوت ابهی آگاه کن باب غفران بگشا وبعفو واحسان معامله نما
پیر توانا طلام آثام زایل کن ونور موهبت چنین روشن ومنیر نما
ای خداوند باقر زائر را شمع باهر کن ومحمدرضا را برضای خویش موفق فرما
وعبدالله را مظهر موهبت الله کن وآقا بابا وشکرالله را شمع هدی فرما
وآقا مرتضی را غرق دریای الطاف نما وحسین را از آوارگی نجات ده
وآزادگی بخش وعون وصون خویش را شاملش کن توئی مقتدر وتوانا ع ع

۳۱۷ خطاب به ورود اصفهان مبارک

۳۱۶ خطاب

ابهی

بواسطهٔ حضرت غدلیب هوالابهی

جناب حاجی محمد و جناب هادی سروستانی علیهما بهاء الله الابهی (هوالابهی)

ای دو برادر یکرو در دو پیکر الحمدلله اخوت جسمانی و معنوی و جسدی و روحانی ۳۱۸
در آن دو برادر جمع شده است این اخوت صحیحه صمیمه است مبارک
و مبین است باری مکتوب شما بواسطهٔ جناب غدلیب واصل و ملاحظه گردید
از ضیق حال و تسلط اهل وبال شکایت فرموده بودید این ضیق و تنگی عمومی
در جمیع جهات واقع و باکثر اشخاص وارد حکمتی در انیست انشاء الله زائل میگردد
فقری صبر و تحمل لازم انما یوفی الصابرون اجرهم بغیر حساب و اما تسلط ۲۰
مشرکین سیزیله الله بقدرته وقوته والعاقبة للمتقین والروح والبهاء علیک

و علی کل من ثبت علی المیثاق ع ع هوالله

جناب آقا غلامعلی جناب آقا مصطفی جناب آقا مرتضی جناب عباسعلی خان
علیهم بهاء الله الابهی هوالابهی

ای دوستان حقیقی درایندم که نفس رحمانی از ملکوت ابهی شام عبدالبهاء را ۳۱۹
معطر نموده بذکر شما پرداختم ملاحظه نمائید که در چه مبارک دمی بیاد شما مشغول شدم

Provided by the Afnan Library

قسم بروی وخوی دلبرا ی که قلب بمحبت احبآء چنان در ولهٔ وانجذاب است که وصف
نتوانم واز فضل قدیم ولطف عمیمش ملتمس هستم که چنان آتش محبتی در دل
وجان شما برافروزد که چون عبد حقیرش عبد البهآء جهانیرا پرشعله وآتش نماید
وهر متزلزلیرا ثابت وراسخ کند والبهآء من الله علی اهل البهآء ع ع

هلوکت سردستان ونرزنگ

احبای الهی علیهم بهآء الله الابهی (هوالله)

ای پروردگار مهربان این عاشقان آوارهٔ کوی تو آشفتهٔ موی تو دلدادهٔ ۳۲۰
خوی تو پویندهٔ سوی تو جویندهٔ روی تو لب تشنهٔ جوی تو وشب وروز
در جستجوی تو نظر عنایتی فرما عاطفتی کن موهبتی بده نفحتی مبذول دار
تا از حسرت فراق بیاسایند وبحلقهٔ وصال درآیند آواره اند سروسامان یابند
بیچاره اند آسایش جان یابند دردمندند درمان جویند آزرده اند شادمان
گردند همدم آه وفغانند بروح وریحان رسند انیس ناله وآهند ببارگاه رسند
الها تو آگاهی که پناهی ندارند ودر هر شام وصبحگاهی گریند وزارند وفضل
وموهبت تو خواهند خدایا مهربانا رحیما کریما آنچه شایان موهبت است را

فهرستگاه کتب خطی و اسناد مبارک

رایگان فرما و هر چه مقتضای رحمت از زان کن نسیم جانبخش بوزان و نفحهٔ مشک
اذفری نفرست تا دماغ مشتاقان باغ جنان گردد و مشام آزادگان پرگل و ریحان
شود توفیق بده که بخدمت پردازند قدرتی عطا کن که از عهدهٔ شکر آن بدر آیند و فریاد
برآرند طوبی لنا لبشری لنا وفرحاً لنا وطرباً لنا وطوعاً لنا وفوزاً لنا من هذه المواهب
التی اشرقت بها الآفاق وتلألأت باشعة اشراق وجمعتنا علی الوفاق وازالت
عن اهل الارض النفاق واسبال القبول من الآماق جاؤ شغفاً بجمال تجلّی
فی یوم التلاق رب اورد علیهم کأساً دهاقاً ورزقهم بصبهاء الفضل والعطاء عهداً وثیقاً
انک انت القوی المتین لا اله الا انت الغفور الرؤف العلی العظیم ع ع

(هو الله)

بواسطهٔ بشیر روحانی ش خ جناب استاد جواد سلمانی من اهل القصاد علیه بهاء الله هو الله
ای آوارهٔ من دشت وصحرا پیمودی واحرام کوی دوست بستی ولقد رمقدور ۳۲۱
رجوع نمودی ضرر ندارد من بالنیابه از تو در آستان پاک روی ومویه بانگ
مشکبوی خوشبوی مینمایم واز الطاف غیبی رجا میکنم که شام تو نیز معطر گردد
اصل محبت الله است چون مؤید بائی انشاء الله بهر غایتی موفق ومؤید مشهودی

وهذا من فضل ربّی تا توانی بذکر حق مشغول باش وازما دون بیزار ومحرم اسرار وسرآمی
عبودیت درگاهست ومحویت وفنا نشانه الله باین فائز میگردی (ع ع)
حضرت افنان سدرهٔ مبارکه الفرع الجلیل جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله

(هوالله)

۳۲۲ خط مبارک حضرت افنان سدرهٔ ربانیّه حسب الارادة المطلقة انکه چون جناب ابراهیم افندی ازنفوسی
هستند که تازه بشریعهٔ الهیه وارد وبرشاطی بحر احدیت نازل قلبشان بانوار بهجت
کبری روشن وروحشان بنفحات خوش ریاض موهبت حضرت ربوبیت گلشن
لهذا باید که آنجناب بجمیع وسائل متشبث که سبب ازدیاد روح وریحان واشتعال
نار محبت الله در کینونتشان گردد البته اورا راضی وممنون فرمائید والروح والبهاء
والعز والثناء علیک وعلی سلیلک الذی هو مذکور فیقلوب اهل الله وسائر الاحباء
ع والسلام

(هوالله)

پور سعید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی لشاره محرمانه

۳۲۳ خط مبارک هوالابهی ای فرع جلیل سدرهٔ مقدسهٔ مبارکه جمال قدم واسم
اعظم روحی لاحبائه الفداء در وقتیکه در حیفا تشریف داشتند موقعیرا در جبل کرمل
برای

بکرات و مرات تعریف فرمودند که آنمحل بسیار با صفا و لطافت و نضارت
و نظارت است و امر فرمودند که آنمحل را بهر قیمت بگیرند بسیار بسیار میل مبارک
بگرفتن آنمحل بود چهار سال پیش بهر وسیله بود آنمحل گرفته شد و خبری ترتیبی داده شد
و مهیا گشت پس سفارش مخصوص بزنگون داده شد و مکاتیب متعدده
مرقوم گشت و نقشهٔ صندوقی از رخام آنصفحات که در جمیع جهات معروف است
کشیده شد و از سال گشت و بمشقت زیاد یکپارچه منقش اتمام شد
و بوسائط چندی حمل بانجا گشت و بسته در بین راه در ورود بعضی از شهرها چه شد
مسموع آنجناب گشته خلاصه با صندوقی از بهترین خشب هندوستان چندی
پیش وارد گشت و یک سال قبل از اینجا جناب آقا میرزا اسدالله را مخصوص
فرستادیم تا آنکه با تخت روان حسب مقرر و هیکل مقدس و عرش عظیم روی الترتیبه
الفدا را از ایران با کمال توقیر و خضوع و خشوع و احترام با چند نفر احباب
حمل نموده وارد ارض مقدس نمودند حال در جبل کرمل مشغول بنای مقام مقدس
هستیم و انشاء الله شما را نیز میخواهیم تا با ما در سنگ و گل کشی در آنمقام
مقدس مبارک شریک و سهیم گردید و اقتباس فیوضات غیر متناهیه نمائی

وبانیشرف اعظم موفق گردی وهذه شارة لاتقابلها سلطنة الملک والسموات فی الحقیقه
چنان سرور وحبوری دست داده که وصف نتوانم زیرا آن عرش مقدس
بسیار مورد اهانت اهل ظلمت شده بود الحمدلله بعون وعنایت جمال قدم
چنین اسباب فراهم آمد که در نهایت عزت جمیع اسباب دنیا گشت که قلم حیرت
کل خواهد شد والبهآء علیک وعلی افنان السدرة المقدسة تبارک ع ع

(هُوَ الأبهی)

پور سعید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی

هُوَ الأبهی ایها الفرع الجلیل من السدرة المبارکه خبر وصول محفوظ ۳۲۴
ومصون سبب فرح وسرور گردید انه من فضل ربی ان ربی لعلی صراط مستقیم
درخصوص امور متوکل برخدا باشید ومطمئن بفیوضات ملکوت ابهی عنقریب
ملاحظه خواهید کرد که آثار تائید از جمیع جهات احاطه خواهد نمود درخصوص ارسال
حضرات حال ورقهٔ مقدسه قدری تکسر پیدا نموده بود الحمدلله رفع شد ولی هنوز
قدری ضعف باقی واز انگذشته هوا گرم شد آن شاء الله هوا معتدل شود
وشما درست تمکن حاصل نمائید وامور منتظم گردد که مشغولیت زیاد نداشته باشند

وقتش

وتفقش خواهند آمد والبهآء علیک ع ع (هوالله)

پور سعید حضرت افنان سدره مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی

(هوالابهی)

ایها الفرع الجلیل من الشجرة المبارکه چند هفته پیش مکتوب مفصل مرقوم گشت ۳۲۵
وارسال شد وتا بحال خبر وصول نرسید چون مکتوب مهم بود لهذا مکرار مرقوم
میشود مقصد انیست که انیعبد نه بدرجهٔ مشغول که بوصف درآید باوجود این
مرقوم گشت شما ملاحظهٔ مرا ننمائید خواه ننویسیم وخواه فرصت نکنم البته
شما همیشه مرقوم دارید ع ع (هوالابهی)

ایادگان الهی تمسک بذیل تقدیس جوئید ودر ظل ملیک توحید بآهنگ
ملأ اعلی تهلیل وتکبیر مشغول گردید ودر خدمات دوستان جانفشانی نمائید ۳۲۶
هریک خادم یکدیگر شوید زیرا خدمت احبآء الله خدمت حقست احبای
پور سعید فی الحقیقه سبب سرور انیعبد هستند زیرا بخدمت یاران قائمند
ودر نصرت امرالله مشغولند طوبی لهم وحسن مآب والبهآء علیکم یا احبآء الله
واورآئه ع ع (هوالابهی)

Provided by the Afnan Library

حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند هوالابهی

۳۲۷ ایها الفرع الکریم من الشجرة المبارکة التی اصلها ثابت وفرعها فی السماء وتؤتی اکلها فی کل حین آنچه مرقوم فرموده بودید ملاحظه شد نوایای آنحضرت شبهه ئی نیست که خالص لله بوده ورقه مفصله مخاطباً للعموم مرقوم شد وارسال گشت ملاحظه خواهید فرمود حال مقصد انیست که انشاء الله آنحضرت نوعی موفق گردند که تعدیل وتحکیم امور حاصل وضبط وربط وصیانت درجمیع شئون ظاهر ومحافظه حقوق ومراعات مراتب لائح وملاحظه عواقب باهر وصیانت کما ینبغی درجمیع مراتب کامل ورضایت قلوب در روح وریحان نفوس منبعث بقدر امکان واضح گردد ویقین است بعون الهی وهمت آنحضرت جمیع اینها حاصل میشود والبهاء علیک ع ع

هوالابهی

۳۲۸ الفرع المنشعب از شجرهٔ مبارکه علیک بهاء الله وجوده وعنایته اگرچه جواب نامهٔ انجناب از پیش ارسال شد ولکن حال چون جناب حاجی عازم موطن وقاصد آن ارض هستند بخاطر رسید که چون روانه شوند مکتوبی مرقوم شود که حکمت از کتاب قلوب کند وراز درون نماید لهذا چند کلمه پرداخته

در رحمت شما بیفزودیم آنی نمیگذرد که بخاطر دوستان مفتوح نگذری و دمی نرود
که بیاد محبان حقیقی نیائی در هر محفلی بیاد تو مشغولیم و از عنایات سابقه و فضل
و موهبت لاحقه مسئلت مینمائیم که آن افنان دوحهٔ بقا را در جمیع احیان بفیضان
ابر رحمت سبز و خرم دارد و بثمار طیبه مثمر و بارور سبب اعلاء کلمهٔ الهیه باشد
و واسطهٔ نشر اخلاق رحمانیه گردیش قلب عنایت کند و فسحت و وسعت
دل و جان ارزان فرماید تا در انجمن یاران بانوار فضل رحمن روشن و منور
باشد و بآثار موهبت یزدان مشهود و مصور و البهاء علیک (ع ع)

ت جمعه

(هو الله)

ش احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی (هو الله)

۳۲۹ رت و ثنائی و آلهی در جائی مولای عباد سمعوا النداء و لبوا الکل ولاء و وفاء
و آمنوا و صدقوا بآیات الکبری و انجذبوا بالاشراق و توجهوا الی نیر الآفاق
و ثبتوا علی المیثاق و لم یکبر ثوابهم فی اوراق الشبهات من النفاق و الشقاق
بل ثبتوا و نبتوا و استقاموا و استفاضوا من حیاض موهبتک التی شاعت
و ذاعت آثارها و سطعت و لمعت انوارها و ماجت و تموجت بحورها

Provided by the Afnan Library

وفاضت وامطرت غیومها وانهمرت وانبجست عیونها ایرب اجعل مجاوری
بتیک الحرام مجاری مآء فیضک النازل من غمام الفضل والاکرام ثم اجعلهم
خدمة عتبتک المقدسة السامیة المقام وساعین فی اعلاء ارکانه المعطرة الارجاء
ومکبین علی تربته المغبرة الشذا واجعلهم خضعا خشعا رکعا سجدا فی تلک الحضرة الرحمانیة
العالیة البناء انک انت العزیز القدیر ع ع

(هو الله)

حضرت افنان سدرهٔ مقدسه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی

هو الله ایها الفرع الجلیل من السدرة المبارکه مدتیست که بآنحضرت
خبری ننگاشتم هرقدر گله وشکوه نمائید حق باشماست زیرا اقلاً هرماهی
ارسال نامه ئی واجب ولازم ودر هردمی پیغامی فرض ومتحتم ولی اگر
بدانی که عبدالبهآء درچه طوفان جفا مبتلا ودرچه بحران مصائب وبلایائی گرفتار
البته در دهری بسطری قناعت نمائی ومعذور داری باوجود این هجوم الان
که عازم تشرف بآستان مقدسم که روحی جدیدیابم بیاد شما افتادم ونگارش
این نامه پرداختم وبوکالت شما برخاک آستان تربت پاک افتاده بالنیابه
زیارت خواهم نمود حضرات افنان سدرهٔ مبارکه را تکبیر وتحیت ابلاغ فرمائید

ع ع

و همچنین سایر دوستان را ورقهٔ مقدسهٔ کبری و صغری را تکبیر برسانید (ع ع) تبهٔ

هو الله ش حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هو الله ۳۳۱ ایها الفرع الجلیل من السدرة المبارکه آلهی آلهی هذا فرع من الشجرة المقدسة التی اصلها ثابت و فرعها فی السماء و تؤتی فیکل حین اکلها اترب اجعله ممتداً مرتفعاً مخضراً غضاً رطباً بوابل المواهب و هاطل سوانح السحائب اترب ایده علی نشر النفحات و وفقه علی ترویج الکلمات و تفریح القلوب بالمسرات و تفرج الکروب بالبشارات اترب ثبت به القلوب و رکز به الامور و فرج به الهموم و اجعله آیة الروح و الریحان بین ملاء الایقان و اجعله مشغولاً بما یزیده عزاً فی الامکان و حصراوقاته علی اعلاء کلمتک بین اهل الاکوان انک انت الکریم المنان ع ع (هو الله)

ایها الفرع المحترم الیوم بجمیع قوی بکوشید که احبای الهی نهایت اتحاد و ائتلاف را حاصل نمایند چه که از اعظم فرائض زیرا ارياح تزلزل بشجرهٔ میثاق احاطه نموده است ذرهٔ اختلاف یاران سم مار است هر وسیله باشد باید جمیع انظار لحظه وحدانیت دولت ملکیه مجبور گردد البهاء علیک ع ع (هو الله)

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله (هو الله)

Provided by the Afnan Library

خط مبارک ۳۳۲

ایها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکه مکاتیب آنحضرت رسید معانی مبانی ثبوت بر پیمان الهی بود امیدوار تائیدات رب مجید چنانست که در جمیع احیان و ازمنه و احوال موفق بعبودیت آستان مقدس گردید و خدمت بامر الله و احبای الله نمائید انیست ثمرهٔ وجود و جوهر مقصود حضرات افنان شجرهٔ مقدسه چندی بود در نزد ما بودند و بزیارت تربت طاهره مشرف مقصود اینبود که بیش از این در اینجا بقوز عظیم صاف موفق باشند ولی تنهائی آنحضرت و مخصوص که میزاید بیع ذکر اندک کسالتی نموده لهذا حضرات خواهش مراجعت نمودند اینعبد نیز ملاحظه انکه شاید تنهائی سبب صدمه و دلتنگی باشد اجازه دادم انشاء الله نهایت سرور و بشارت مرجوعت منتظرم ع ع

هو الله ش حضرات افنان سدرهٔ مقدسهٔ مبارکه سینا علیهم بهاء الله الابهی

(هو الله)

خط مبارک ۳۳۳

ای افنان سدرهٔ منتهی وای احبای جمال الهی بیت مقدس و مطاف ملاء اعلی را باید از هر جهت در کمال حکمت حفظ و صیانت نمود و بجرئت و قدرت کوشید اینعبد از خدام آن آستانست ملاحظه نمائید در ملکوت الهی آن مطاف روحانیان چه قدر اهمیت دارد باری اهل فارس کل در ظل آن مقام مقدس دائما

بقوة

بقعهٔ مقدسهٔ معطرهٔ منورهٔ حضرت حرم روحی لتشتاق لتشمام رائحهٔ قدس ترابها باید
در نهایت احترام آزا محافظه نمود تا وقت از تفاعش آید و آنمقام مطاف ارواح
قدسیان را باید افنان سدرهٔ مبارکه از قبل انعبد طواف نمایند وبقعهٔ معطرهٔ
مقدسهٔ حضرت حرم کبریا را زیارت نمایند ع ع (هو الله)
ش حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

ایها الفرع الکرم من السدرة المبارکه چندی بود که حضرات افنان علیهم بهآء الله
الابهی را احضار نموده بودم در ارض اقدس بودند از قضا این ایام ملایای انعبد
در شدت هیجان بود بقسمیکه شب از روز ممتاز نه انعبد نتوانست که از هر جهت
ملاحظهٔ اسباب روح وریحان نماید باری ارض مقصود بقسمی منقلب که وصف
نتوانم ثبوت ورسوخ انعبد وسکون ثابتین نکه داشته است وچون اسباب تشتت
وگرفتاری از هر جهت مهیا بود مبادا عند حدوث الصعوبات والشدائد مشکلات
حاصل گردد مصلحت چنین دیده شد که آقا حضرات نیز متلا نگردند لهذا زاد را
بقطر مصر نمودیم که تا جواب از جناب برسد وزانجا صبر نمایند باری مختصر امنیت

که امور آنجناب و اسیان ترتیب و تشتیتش مدون تشریف آوردن شما ممکن نه
و از پیش نیز مرقوم گردید از ثبوت و رسوخ احبای الهی و تمسک و تشبث
بعهد و میثاق مرقوم نموده بودید معلومست نفوسیکه مؤمن بالله و موقن
بآیات الله هستند اگر جمیع من علی الارض قیام نمایند و بخواهند مقدار ذره ملعزانند
البته عاجز مانند چه که این نفوس از کاس عنایت سرمست گشته خمر محبت
قدس الفت بخوشند و خمر بانوار الهی منجذب بگردند و الهها علیک ورقه مقدسه
والدهٔ افنان آنجناب را ع ع ابلاغ فرمائید و همچنین جمیع دوستان الهی را از قبل
این عبد کمال اشتیاق نمائید والبهآء علیهم اجمعین ع ع

(۹)

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی هوالله
ایها الفرع الرفیع من دوحة البقاء نورانیت امر الله جهانرا بصبح منیر و نور مبین
روشن نموده و نسیم رحیم حیات بخش جنت الهی شرق و غربرا معطر فرموده صوت
تهلیل و تکبیر است که ملاء اعلی میرساند و آهنگ تسبیح و تقدیس است که روحانیان را بوجد
و ولع میاورد قلزم کبریا چنان موجی انگیخته که سواحل کائنات را مستغرق نموده و انوار الله

۳۳۵ حضرات کتب بهرو افنان مبارک

الموقده چنان شعله زده که قلوب اهل ملکوت را محترق کرده جهان جهان دیگر شده و اقلیم و کشور
حیات بشر نکهت روح پرور یافته لهذا همواره عبدالبهآء را در حق جهات متصرخ خوراندوار
شوق و شعف است و مترصد بروز آثار جذب و ولهٔ امید دارم که آن اقلیم نسیم
الهی رشک بهشت برین گردد و آن کشور از فضل و موهبت جلیل اکبر فخر و مباهات
عالم بشر شود لهذا باید ما جمیعاً شب و روز بکوشیم تا سر روز نو روز گردد و هر دم ساعت
فیروز و نورانیت و جوه یاران شمع شب افروز جمیع احبای الهی را بالطاف نامتناهی
بشارت رسید تا کل از این شارات رحمانیه باهتزاز آیند و در ارض الفت
و محبت الله محشور گردند و علیک التحیة والثنآء ع ع

یا حضرت افنان مکتوبیکه از پیش مرقوم شد دلالت بر اخراج عبدالبهآء مینمود سببش این بود
که اوّل گاه گاهی بعضی از یاران از یکدیگر شکایت ضمنی مینمودند و عبدالبهآء سکوت میکرد و مسامحت
مینمود و رتب و فتق بین عباد را برزبان میراند تا آنکه در یک پوسته مکاتیب متعدده
از اشخاص چند وارد و معاذ الله با شنیع عبارات مذمت احبآء چنانکه لایق دست داد
که بی اختیار آن مکتوب مرقوم شد والّا این گمگشته صحرای فنا از یاران شیراز شکایتی
ندارد و بلکه نهایت محبت را دارد ع ع

هوالله شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

(هوالله)

۳۳۶ ایها الفرع المنیف درایندم که از احزان مظلومیت شهدا چنان آتش حسرتی در دل این مسجون مظلوم افروخته که ابداً مجال تحریر و تقریر نگذاشته معذلک اینعبد بنگارش این نامه پرداخته زیرا مقصود اینبود که مبلغی تدارک شده بجهت تعمیر بیت مقدس ارسال گردد والّا تأثر و تحسر بدرجه که قلم تحول و لسان تکلم تواند و این نظر بمصیبات و بلیات وارده بر حضرات شهدا روحی لهم الفداست والّا چه موهبتی اعظم ازاین وچه الطافی اکمل از آن که جان در ره جانان فدا شود وتن در محبت آن گل پیرهن در خاک و خون غلطد غنچه عنقریب گل ترک و غنچه ابخندان ظلمانی میخوانند وبدرگاه احدیت بی زاد و توشه وارمغان وهدیه توجه میگردند مع هذا هریک با ارمغانی از بهر فدا و هدیهٔ خون شهادت کبری بدرگاه کبریا توجه فرمودند چه قدر فرق در میانست حضرت اعلی روحی له الفدا در احسن القصص میفرماید یا سیدنا الاکبر قد فدیت بکلی لک وما تمنیت الا القتل فی سبیلک باری از برای شهدا موهبتی اعظم ازاین نه که روحها در سبیل آن محبوب بیهمتا فدا نمایند رتبهٔ فنتی

علی هذا انک انت الرحمن الرحیم واما از جهت امر الله و اعلاء کلمة الله شجرهٔ مبارکه
سقایهٔ کامله شد و غفر بیب چنان نشوونما نماید که امتداد دوار تفاع جویده عقول
حیران گردد وقوعات پیش برسان عظیمست خلاصه موازی پنجاه لیرهٔ فرنساوی
ارسال گردید یعنی هزار فرنگ حال بیش ازاین ممکن نشد شاید از طهران جناب
امین اگر ممکن شود نیز خواهند فرستاد ع ع هوالله

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

هوالله ایها الفرع المحترم من السدرة الرحمانیه آنچه مرقوم نموده بودید
ملاحظه گردید از روایات و حکایات نه مسرور شوید و نه محزون حرف همان حرفست
ولن تجد لسنة الله تبدیلا ان الله مع الصابرین این ایام عبدالبهاء
سنبش تجدید شده و در طوفان ملا چنان مستغرق که وصف نتوان در بحران عظمت
حضرت افنان سدرهٔ مبارکه را تکبیر ابدع ابهی برسان در یوم اول رضوان
از قبل عبدالبهاء زیارت بیت مقدس نمائید ع ع هوالابهی

جناب افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا آقا علیه بهاء الله هوالله

ایها الفرع الجلیل من السدرة المبارکه یک نسخه از بیان نجناب آقا سید مهدی بدهید

واگر چنانچه موجود نه حضرات افنان تقسیم نموده مرقوم نمایند وتسلیم کنند والبهاء علیک

وعلیهم ع ع هوالابهی

ش حضرت فرع رفیع جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی ایها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکه مدتیست که آنجناب وارد ارض شین گشته اید وتا بحال یک تحریر وارد فوراً جواب مرقوم داد ارسال گردید منتظر آن بودیم که بورود شما آثار اشتعال نمودار گردد واحبای آنسامان در شور وشوق وفوران وذوبان آیند ورود آنجناب چون دخول موکب موسم ربیع باشد که در تلال ودیاء خیمه برافرازد ودر صحراودشت با سپاه فیوضات تبارزد هنوز خبری نرسید واثری ظاهر نشد باری ظهور وبروزی لازم وآثار ورود ووفودی واجب انیعید درین شب مقدس شب ورود منتظر ع وتبتهل که خود تائید ظهیر گردد وملائکه ملکوت نصیر شما آیند من بعد تمنی مانعات خواهد شد حضرت میرزا حبیب الله وحضرت میرزا بزرگ مکاتیبشان میرسد فی الحقیقه در بعضی شئون ترقی نموده اند وحالا تشان بسیار موافق وجواب هر مکتوبشان مرقوم شد ایروزها احضارشان نمودم عنقریب وارد خواهند گشت مصائب وبلایای وارده بر اهل آن اقلیم فارس شدیده بوده است وامتداد یافته

اگر چنانچه رفع این بلا و دفع این مصائب بخیریق را نخواهند باید مسجد بر اکه حسب مبت مقدس است
تعمیر نمایند و در آنجا تضرع و تبتل و ابتهال و توجه و عجز و نیاز می مجری دارند و دفع بلا خواهند
و کشف ضرّ آ، چونید تیرها در هدف استجابت کارگر گردد و بکلّی این بلا بایند دفع شود
و ذلک وعد غیر مکذوب بل مسطور فی لوح محفوظ عند ربک العزیز القیوم الفرع
رفیع ملاحظه کن که عواقب تجارت و زراعت و صناعت چه بود و چه ثمر داشت تتم
ملاک بعد یا شهد نجات مضرّت جان بود یا مسرّت و جدان فاعتبروا یا اولی الابصار
پس در فکر تجارت و زراعت و صناعتی باشید که ثمرش شیرین و رائحه اش عنبرین و بخش عظیم
و واجبش در ملکوت علیین باشد ع ع

هو الله

ش حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند هو الله

ایها الفرع الجلیل من الشجرة المبارکة مکاتیب متعدده واصل و بر مضامین اطلاع
حاصل شد تأخیر جواب از شدت تأثیر بلایاست نه از مسامحه و قضایا مختصر امنیت
که دقیقهٔ فرصت و راحت و آسوده گی خواطر نه تا مکاتیب چنانکه باید و شاید مرقوم گردد
لهذا العهدة تأخیر افتاد شما ملال و کلال نیارید و همچه بدانید که عبد البهاء نهایت آمالش
سرور و فرح قلوب احبّا و بالاخص افنان سدرهٔ مبارکه است و شب و روز بجان و دل

گوشد که سبب روح وریحان دل وجان گردد وچون از آنجناب بکمال اطمینان حاصل لهذا
تحریر مکاتیب را بوقت روح وریحان مرهون مینمایم تا بکمال انشراح مکتوب مرقوم گردد
از ضوضاء علما مرقوم نموده بودید این امر لیست مقرر که آن نفوس تحمل انتشار نفحات الله
ننمایند و تمام قوی مقاومت خواهند حمد خدا را که در مقابل تعرض شدید آنان ثبوت
ورسوخی بیاران عطا میفرماید که مقاومت سیل شدید کنند وچون بنیان حدید
متانت عظیم بنمایند حضرت رئیس الحمد لله نفس نفیس مقاومت مرخیسر انموده
وبنمایند جهلای قوم در آغاز نیه لهتبه تحمل نفوذ کلمه الهی از نمایند لهذا باید که احبا
نوعی بحکمت با آنان برآیند وحرمت ورعایت کنند که بقدر امکان نائره
حد ساکن گردد زیرا این نفوس مثل طفل حبه ریاستند چون رعایت بینند
از همه چیز چشم پوشند وچون اندک رخنه در ریاست خویش مشاهده کنند بمثابه
آتش شعله زنند حضرت رئیس فی الحقیقه کمال سلوک را دارند ولی مقتدای شهر صیت
وشهرت طلبد وچون مخالف آرزوی خویش بیند نشرارت برخیزد هر قسمت تسکین
شعله او نمائید وصبر وتحمل فرمائید وکمال حکمت مجری دارید باری الحمد لله علیحضرت
شهریاری در نهایت بردباری وعدالت وانصاف مقاوم ظلم واعتساف شده وچنین

ارکان

ارکان سلطنت قاهره و وزرای حکومت باهره البته راضی بتعدیات و ستمکاری
بخیر دان نگردند و در امنیت و راحت و آسایش رعیت کوشند و دعا نمایند که اعلیحضرت
مظفر منصور گردد و اعدایش مغلوب و مقهور زیرا فی الحقیقه پادشاه مهربانست
و شهریار رعیت پرور پر احسان امیدواریم که احقاق حق فرماید و دست تطاول
درندگان را مقطوع فرماید جناب میرزا عبدالحسین که در لسان انگریزی ماهرند
ماذون حضورند از برای بعضی مکتوب خواسته بودید مرقوم میشود مقام مقدس
حضرت اعلی روحی له الفدا در کمال گرمی روز بروز بلند میشود و عنقریب بطبقه
جسیمه عظیمه که محاط باماکن متعدده در کمال متانت باتمام رسد ولی میدانید
که بیوفایان چه قدر معارضه کردند و چه قدر فساد نمودند که تا این بنیان بلند نگردد
و اینمقام مرتفع نشود الحمدلله بعون و عنایت الهی بساختن مشغولیم تا بعد چه شود
الامر بیده و لکن راضی بقضا نه حضرات افنان سدره مبارکه را تکبیر برسانید و همچنین
جناب خدیجه را از هر جهت نهایت محبت و الفت با ایشان مجری فرمائید
و از وقوعات علما محزون نباشید این یقین است سبب علویت امرالله گردد
و ذل و هوان ستمکاران فسوف تری بحوله و قوته ذل عظیم و اگر تحریک و فساد

آنان نباشد صیت امر الله بلند نگردد ان فیذلک لحکمة لاولی الابصار وعلیک
التحیة والثناء ع ع

هوالله

ش حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الاهی ملاحظه نمایند

هوالله

۲۴۱ یا من یسمع نیاحی وصیاحی ونوحی وحنینی الیه فی جنح اللیالی وصباحی وانکساری وانکوری
وضعفی وذلی واضمحلالی وعجزی متذللاً ببابک احدیتک وحضرت رحمانیتک
وخاضعاً بجاهی للذین آمنوا بک وآیاتک وثبتوا علی امرک وتمسکوا بذیلک
وتشبثوا بحبل ردائک وخلصوا وجوههم لک وترکوا کل شهواتهم
ولقد سواعن کل الشبهات فی عهدک ومیثاقک وتنزهوا عن کل ظن واریاب
فی محجتک البیضاء وشریعتک السمحاء ربی ربی انت ترانی وشدت بلائی
وهجوم اهل الخصوم علی حمای عن یمینی ویساری وجنوبی وشمالی من سائر الادیان
وطغاة اهل البیان ایرب انی وحیدفانصرنی ذلیل فاعزنی حقیر احفظنی
فقیر اغنی ضعیف قوینی عطشان فاسقنی سقیم فاشفنی ارحمنی یاالهی واعصمنی
من هذه البلیات ونجنی من هذه المصیبات واجرنی من هذه الاهوال

فرجاء

فی جوار رحمتک وارحمنی الیک وارفعنی الی ساحة غرفک وادخلنی فی ظلمتک
فیعوالم التی غضت عنها طغاة خلقک وعصاة ترتیک ایرب ضاقت علی
لاتخافه وسدت علی ابواب الرجاء وتبدلت بالشدة الرخاء وتعسر کل میسور
وخطر کل عظیم وامر معسور ایرب ایرب اسئلک بقدم ذاتک وعزة قیومیتک
ان لاترکنی یا الهی مع هذه الحالة التی یرق ویرثی لها الصخرة الصماء انک
انت الکریم الرحیم المقتدر المنان الرحمن ع ع
الهی الهی هذا فرع من فروع سدرة ربانیتک وآیة من آیات ملکک وفرد انیتک
احفظه عن سهام الشبهات وظنون اهل الاشارات وادخله فی حصنک الحصین
ورکنک المشید المتین وحصنه بقوتک القاهرة وقدرتک الباهرة واجعله سدا
منیعا مقاوما للسیول المخدرة وحصنا شدیدا لهجوم الجیوش الفاتکة الجائرة
الهائلة تسترحم تمسک بین الوری الشاکیة السلاح بالشدة القوی ایرب ثبت اقدامنا
علی المیثاق واحفظنا عن الشقاق واجعلنا متمسکین بعروتک الوثقی ومنقطعین عما
سواک یا مالک الآخرة والاولی انک سمیع الدعاء (ع ع)
حضرت افنان جناب میرزا بزرگ وحضرت افنان آقا میرزا جلیل را اجازهٔ حضور داده

وارد شدند ونفحات قدس مطاف ملأ اعلی مشامرا معطر نموده چندی انجا بودند ومراجعت
کردند فی الحقیقه بسیار معقول ومحجوب بودند از فضل وعنایت جمال قدم روحی لاحبائه الفدا امیدوارم
که در جمیع مراتب وشئون روز بروز ترقی نمایند در خصوص اشغال وتجارت میل این داشتند
که خود و برادر بکاری علیحده مشغول گردند وآزاد باشند واین عبد گفت که مراجعت
باسنخاب نمایند واستیذان کنند اگر چنانچه شما راضی باشید ضرری ندارد در خصوص تعمیر بیت
مرقوم فرموده بودید که سبب ضوضاء خواهد شد فی الحقیقه حضرت آقا میرزا آقای افنان
علیه بهاء الله الاهی نهایت شکایت از بلایای متتابعه بلازه رس ونیز مرقوم نموده بودند وتمنای
دعا در روضهٔ مبارکه کرده بودند اینعبد را منظور چنان بود که این بلایا باسبابی رفع شود
که سبب علو امرالله واعلاء کلمة الله باشد لهذا تعهد این کیفیت را ننمودم که چون
آن بیت معمور ومطاف جواهر وجود آباد ومعمور گردد این بلایا بنحوی زائل شود
وتا الیوم نفسی در هیچ عهد بانیقسم واضح ومشهود تعهد انیگونه امور ننموده مراد
انبود تا محبت الیه بالغ شود وشرف ومنقبت آن بیت عظیم مقدس ظاهر
وباهر گردد حال که اسباب ضوضاء وفساد اهل طغیان است لهذا ملاحظه حکمت
لازمست پس تدبیری باید نمود که فی الجمله تسهیل وتخفیف در بلا حاصل گردد
وتا این

Provided by the Afnan Library

وتا این بلایا خدا نکرده استمرار نیابد وآن امنیت که گفته شود که مسجد جدیدی که قرب
آن بیت رب جلیل است وخراست شخصی از اولیاء که در جفر جامع ماهر است
استخراج کرده است که اگر چنانچه آن مسجد تعمیر تمام گردد این بلایای مبرمه تخفیف یابد
واین غیوم مظلمه کشف شود چاره اکنون آب در وغن کردنست زیرا این مسجد
شرف قرب جوار دارد لقد راین جواریت حکم وتاثیر دارد مبنیان بیت معمورنیت
ولی آب پاشی آستانست وجاروب کشی میدان بچو نظر ننماید که ازاین
چندان حرفی حاصل شود واگر ملاحظه فرمایند که این نیز منجر بروایات وحکایات
وفرع ناس وجزع خلق وضوضاء میشود باید تسلیم داشت الله حکمت
ازاو امر الله است ملاحظه لازمست ومحافظه لازم وآنچه الیوم اتم امورات
ثبات واستقامت کل برعهد ومیثاق الهی است امانچنان ثبات بعضی که غیبت
از لفظ است وبس چون شهادت برسالت حضرت رسول از بعضی والله
یشهد انک لرسوله والله المنافقین لکاذبون (ع ع)

هوالابهی حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی.)

Provided by the Afnan Library

۱۰ ایها الفرع الجلیل من الشجرة المبارکة قد تلوت کتابک الذی ملأ العیون حین الاطلاع
علی مضمونه واحترق قلبی من حرقة فارک وشدة نیرانک وکثرة احزانک واتبهل الی
الملکوت الابهی ان یفرغ علیک الصبر فی البلاء والتحمل فی الفراق اذا اشتد الساق
بالساق واقترب یوم المیثاق وان یجعلک فرحاً لا حدّ له وسروراً لا نهایة وسکوناً
لا ارتقاء له ومسلیاً لاصفیائه کلمات پرحزن آنجناب سبب هجوم آلام واحزان گشت هرچند
از اصل نار احتراق در شدت اشتعال بود وجنود هموم در نهایت هجوم ولکن از قرائت
محررات شعلهاش شدیدتر شد وصولتش قویتر گشت بعد صعود جمال مقصود دیگر
طوفان بلاست که برپاست راحت جستن وآسایش خواستن وارامی طلبیدن
در بحر اعظم خشکی تحری نمودن ودر آتش سردی دری جستجو نمودنست باید ابداً امید راحت
ومسرت ومحفوظی نداشت باری همچنان که خواسته بودید بدرگاه احدیت تضرع
وابتهال رفت که توفیقی عنایت فرماید که بکلی از زحمات ومشغولیت عالم حسرات
خلاص شوید تا فارغ وخالی وخالص بخدمت امرالله قیام نمائید ولشئونی موفق
گردید که از لوازم انیفروع مکرّم است محزون مشو دلخون مگرد هر بلائی چون
سیف زنجیرهای تعلقرا قطع مینماید فی الحقیقه این بلا منیت عطایت جای شکوه نیست

جای شکر است تا بدانی که در جمیع شئون اینعالم جز حسرات و خسارات نبوده و نیست

والبهآء علیک ع ع

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی (هوالله)

ایها الفرع الکریم من سدرة المنتهی از کثرت مشاغل و قوت مصائب و عدم فراغت جواب قدری تأخیر افتاد سبب خجلت گشت ولکن المسجون معذور نامهٔ آنحضرت که تاریخ بیست و دویم صفر هزار و سیصد و نوزده بود واصل گردید و بر مضمون اطلاع حاصل شد شرحی مفصل از عدالت و انصاف حضرت ملک منصور مرقوم نموده بودید سبب سرور و حبور شد و البته سبب عون و عنایت رب غفور خواهد گشت و آوازهٔ اینعدل موفور شهرت اعصار و دهور گردد از خدا میطلبیم بجنود لم تروها موفق شود و بخدمت اعلیحضرت شهریار خلد الله ملکه مؤید گردد اینعدالت را شکرانه باید و این داد پروردگار را خبر خواهی شاید پس باید جمیع یاران بدل و جان اطاعت و خدمت نمایند احبای الهی باید مانند اغنام رحمانی مطیع شبان باشند و بکمال صبر و بردباری حرکت نمایند از تشرف شهریار و تیرانداز فارسی بطواف بیت مکرم مرقوم نموده بودید بسیار سبب سرور گشت یالیت کنت معهم فافوز فوزاً عظیماً مکتوب جناب

۳۴۳ منضمات الواح مورخه ۱۳۱۹ ب

شهریار و تیرانداز قرائت شد سبب روح و ریحان گردید و جواب مرقوم شد و در طی اینمکتوب نسبت برسانید حضرات افنان سدرهٔ مبارکه مع ورقهٔ نورآء والده و شان تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید و علیک التحیة والثناء (ع ع)

تصحیح

(هوالابهی)

حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه فرمایند هوالابهی

خط مبارک ۳۴۳ ۴۳

وانت تعلم یا الهی مبلغ حبی وفرط هیامی وعظیم ولهی وشدة تعلقی بافنان سدرة رحمانیتک وشعوب دوحة فردانیتک فوعزتک الظاهرة التی ذلت الاعناق لعلوها وعنت الوجوه لسموها وخضعت الرقاب لسلطانها انی مستغرق فی بحر محبتک کل ورقة من اوراق شجرة ربانیتک فکیف فکن اخضر وانتشاء ونظر وازهر وانثمر فی فردوس حبک واستروی من انهار الطافک وعاش نفحات ریاض احسانک ایرتب ایده علی خدمة امرک وثبته علی کلمة وحدانیتک وایده بتأییداتک واشدد ازره علی القیام بسطاعتک ونور وجهه بین معشر الافنان بشدة ثبوته ورسوخه حتی لا تاخذه لومة لائم فی امرک ولا تحرکه شدة العواصف القاصفة للاصول والاروم فیکل الازمان ولا تزعزعه الزوابع الخاطفة

للزوابع

للرواسخ من الاساس فیکل الاحیان انک انت الکریم العزیز المنان ربّ اجعل
الفروع النابتة من هذا الافنون خضرة نضرة ریانة بفضلک وجودک الذی احاط
العالمین ع ع

ایها الفرع الرفیع من السدرة الرحمانیه آنچه مرقوم شد ملحوظ افتاد و آنچه مسطور گشت
منظور گردید از خبر حزن آنجناب نهایت احزان حاصل گردید چه که انیعبد را منتهی
آمال سرور و روح و ریحان افنان سدرهٔ رحمانیت است و حال این اثر حزن
بسیار سبب تأثر انیعبد شد و آنمکتوب که بجهت آنجناب ارسال گردید بلطوف
و محکم بود چگونه باز شد و قرائت گردید بسیار سبب استغراب شد فتح مکتوب
و قرائت پیش از صاحب اصلی ابداً جائز نه بلکه ممنوع و محذور و گذشته از آن
مقصدی و مرادی نبود و تعلقی بآنجناب ندارد گفتگو و روایاتی در مصر شده بود
و رفع شد و محو شد و البته جناب فرع لطیف افنان سدرهٔ رحمانیه حضرت
آقا میرزا حبیب الله و آقا میرزا بزرگ علیهما بهاء الله الاهی بشما مرقوم نموده اند
قابلیت این نداشت که من چیزی بنویسم و خبر دهم لهذا اشاره شده بود
مقصد انیست که شما باید در امور عظیمه فکر نمائید الیوم یومیست که باید کل اذکار را

Provided by the Afnan Library

فراموش نمود وجمیع فکر و هوش را متوجه امر واحد نمود و آن اعلاء کلمة الله و نشر
نفحات الله است در این عهد و عصر امری مؤید الیوم جنود ملکوت ابهی ناصر نفوسیست
که بکلّی از خود و خویش و بیگانه بگذرند چون شمع در جمع آفاق روشنند و چون گل
معطر احمر زینت هر گلزار و چمن شب و روز جز ذکر دوست در وی ندارند و صباح
و مساء بغیر از حیّ علی الفوز و الفلاح ذکری نکنند این نفوس مؤیدند بفریق
ملائکهٔ ملأ اعلی هستند و منظور لحظات عین رحمانیت طلعت نورآء در ملکوت ابهی
الآن تکلیف جمیع احبّاء رحمن امنیت تکلیف افنان سدرهٔ منتهی باری بموجب تعلیم که
وقت رفتن تلقین شد تقوهٔ یقین قیام نمائید ابواب کل خیر را مفتوح یابید
باری آنحضرت در رتبهٔ محبت من را بخود میدانید با وجود این نباید چنین تماشر تو
همیشه در قلب و جان خویش ملاحظه نمائید از آن میزان وجدان سن بدست
میآید اینعبد را مقصد چنانست که هریک از افنان سدرهٔ الهیه شجر مبارکی شوند
که مظهر آیهٔ مبارکهٔ اصلها ثابت و فرعها فی السّماء گردند من شئون خبریه از آثار
علو و ارتفاع از حقیقت افنان دوحهٔ بقا قناعت و کفایت نمینمایم بلکه میخواهم و بدرگاه
احدیت عجز و نیاز میکنم که مظهر آیات کلیه گردند تا روح من مستبشر گردد و در

این مطلب مکاتیبی که با فنان دو فقره ربانیه مرقوم نموده ام منجمله بعد از شما چند مکتوب بجناب
میرزا حبیب و جناب میرزا بزرگ علیهما بهاء الله الابهی مرقوم شد سوادش درطی
این مکتوب است ملاحظه فرمائید آنمکتوب که در آن بجهت بعضی مکاتیب خواسته بودید
نرسیده است لهذا ثانیاً مجدداً مرقوم دارید انشاء الله بجهت کل مرقوم شده
ارسال میشود از خبر تعمیر بیت مبارک معظم محترم نهایت مسرت حاصل است
امیدوارم که باین موفقیت مؤیّد بظهور آثار عنایت الهیه در جمیع شئون گردید
اگر خالی بودن آنمحل پاک مقدس بکلی ممکن و میسر و موافق حکمت نباشد بقدر
امکان در طهارت و نظافت و لطافت و احترام آن بکوشید و این بسیار مهم است
و زیارتیکه از قبل این عبد نموده اید بنهایت سبب سرور و حبور گردید در سالی
یکمرتبه این نیاز نامه را باید بکمال دقت اجرا فرمائید ایرب هذا افنون من افنان
سدرة رحمانیتک و فرع من فروع شجرة وحدانیتک قد قام بنیاته علی عبدک
و زارتبتک الحرام و طاف حول حرم قدسک یا ربی العزیز العلام ایرب
قدر له الاجر الجزیل و الفضل العظیم فمکّنوا نک الابهی و رفیقک الاعلی انک انت
الکریم المتعال دیگر در خصوص وضع آنجهات مرقوم نموده بودید و اجارهٔ تفصیل و تحریر

خواسته بودید البته مرقوم دارید در خصوص جمع نمودن الواح الهیه که تخصیص جناب دارد مرقوم نموده بودید بسیار خوبست وموافق ولی طبع وچاپ الآن ابداً موافق نیست زیرا بسیار نفوس با تعصب میافتند واز این مشکلات حاصل میگردد ولی شما یک نسخه جمع نمائید وبخط بسیار خوشی مرقوم نمائید وارسال نزد انیعبد نمائید بعد ملاحظه خواهید فرمود که چه خوش واقع خواهد گشت وحضرت آقا میرزا حبیب علیه بهاء الله الابهی نقائشان در پورت سعید خوشتر است در خصوص امورات شما بجناب امین علیهما بهاء الله الابهی مرقوم میشود بجناب فاضل علیه بهاء الله الابهی وثنا آنکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید وازلسان انیعبد تبلیغ نمائید قد جاء موعدک وانت دولتک وحانت ازمته صولتک وهذا میدان جولتک فاطلق العنان واشرع الاسنة ببیان فصیح بلیغ بدیع ملیح تالله الحق بذه السنة تخرق الصخرة وتثقب الجبال من جلمود الشدة ع ع (هوالله)

ش حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقای افنان ابوی آقای میرزا جلال علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی

۳۴۵ خط مبارک

ایها الفرع الرفیع من السدرة المبارکه آنچه از قلم تحریر تسطیر شد بعین دقیق ملاحظه گردید

مضامین سبب تسلی قلب انجزین بود چه که ملاحظه گردید که در احزان فی الجمله سهیم دارم
واز جهتی سبب تأثر و تحسر شد که بلایا متواتره و مشاکل سور مصر و اسکندریه بکلی
شما را غمگین و پر آه و انین نموده و اینعبد خداوند بچون گواه آگاه است که امور
آنجا را بیش از شئون خویش اهم میشمارد و در فکر آسایش شما در جمیع احوال بوده
از یوم مسافرت تا حال مکاتیب و مراسلات را با فرعین سدرهٔ مبارکه مستمر داشته
با وجود مشاغل و مشاکل عظیمه و صدمات و بلیات کلیه و هجوم اعدا از جمیع جهات و زلزال
متزلزلین در عهد و میثاق ولی نهایت تدابیر خفیه و توهین امر الله باز دقیقه غفلت
ننموده و نخواهد نمود و انشاء الله در تربیتشان بقوهٔ رحمانیه میکوشم ولی آنجناب
از تفصیل مطلع نیستید چون آمدوا فغان غربیان ما بینجا آمد ذکر نمودند که با آنچه
تخصیص فرموده اند نمیرسد و امور منتظم نیست و ملاحظه میشود که اگر مدت عمر بمنوال
حاضر بگذرد بهیچوجه ثمره حاصل نخواهد شد اگر مصلحت باشد ما خود بکاری مشغول گردیم
و وکالتی اداره نمائیم البته ثمری بخشد مختصر انیست که شکایت زیاد از بیثمری حال
حاضرشان نمودند اینعبد نیز ملاحظه نمود که زیرک هستند در ابتدا هر چند معامله مختصر
نمایند در استقبال توسیع حاصل خواهد شد باری آنچه مرقوم شود حقیقت محبت

Provided by the Afnan Library

انیعبد با ایشان بیان نشود و تا بحال در امور احدی مداخله ننموده ام اما در امور ایشان
از هر جهت مداخله خواهم کرد لهذا علی العجاله باید ایشانرا در معیت نزدیک آریم که از جمیع
حالاتشان متصل استفسار شود و اینرا محرمانه مرقوم مینمایم که بجهت انتظام امورشان و ترقیشان
در باطن و ظاهر حتی تجارتشان بهتر اینست که علی العجاله به بیروت بیایند و آنچه بحکیم آنها
در شرکت هست بگیرند و در بیروت مشغول کسب گردند و این قضیه را مستور بدارید و خودتان
اگر مصلحت بدانید با ایشان مرقوم نمایید و اما در خصوص شراکتشان با حضرات اوراق
ملاحظه گردید حق با شماست حضرات باید موجب اوراق حساب بدهند و بعد معلوم
گردد و بر من تفصیل واضح و از هر جهت محافظهٔ حقوق آنجنابرا مینمایم ولی کار اینعبد
بسیار دشوار و مشکل شده است زیرا تمام امور از دست رفته است بقسمیکه نفسی
نمیتواند کلمهٔ مخالف رضایش ذکر نماید اگر چنانچه فی الجمله تضییق نمائی آن نفس امور را مزلزل
میسازد بکمال تدابیر و خداع متزلزل مینمایند بلکه میکوشند تا آنرا بکلی از حیز الهی بری
نمایند بلکه القای بغضا در قلبش مینمایند این سبب میشود که آن بیچاره بکلی محروم
میگردد لهذا اینعبد تضییق نمیشود که بکسی نمایم ولو بجهت محافظهٔ حقوق دوستان باشد
العذر عند کرام الناس مقبول و اینکه را محرمانه بآنجناب نوشتم ملاحظه فرمایید
ع

که اینعبد وحید فرید غریب درگوشهٔ طبریا افتاده بچه بلا مبتلا قسم بجمال قدم که ذرات
اشیا گریه و ناله و ندبه مینماید پس مادام که چنین قرار میان شما و شرکاست بموجب
تفصیل که مرقوم نموده بودید حساب بخواهید تا معلوم شود چه عاید و حاصل شده اینعبد
بقدر امکان در امور آنجناب میکوشم و بحضرات مینویسم و از حق میطلبم که حقوق آنجناب
محفوظ ماند حضرات نیز البته در صیانت حقوق فتور نخواهند کرد و اگر قصوری حاصل شود
از فتور جبر است که در امور واقعشده است اسباب چنین فراهم آمده البته بقدر
مقدور قصور نخواهند کرد دیگر آنکه بصر عین محترمین همیشه توصیه در ثبوت و رسوخ نمایند
چه که بعضی تأویلات در محکمات حاصل شده است و اهل شبهات متصل در القاآت
هستند والیوم نفسی اگر بقدر سمّ الخیاط گوش را بکلمات اهل شبهات باز کند چنان بلغزد
که ابداً خویش را ضبط نتواند از جملهٔ القاآت اهل شبهات اینست که نفسی میگویند که باید مراجعت
بآیات کرد یعنی اجتهاد نمود با نیمعنی که هرکس مستغنی است آنچه بخواهد استنباط میکند یعنی
احتیاج بمبین نیست ملاحظه نمایید که اینکلمه چقدر سبب تضییع امر الله میشود و چه قدر
سبب اختلاف خواهد شد با وجود آنکتاب عهد الهی مبین معلوم و منصوص معهذا
چه کلمه القا میشود و این کلمه را اول عمر ذکر نمود وقتیکه حضرت رسول روح العالمین

له الفداء در حین وفات فرمودند ائتونی بقلم و قرطاس لاکتب لکم شیئاً لا تضلون بعده گفت یکفینا کتاب الله حال یکفینا کتاب الله حال یکفینا کتاب الله تبدیل بکلمهٔ خدا کل را نفی فرمود و مراجعت بنوشتجات کن شده است یعنی تمکین از مبین مکن و سئوال منما و برضای او حرکت و بدلالت او سلوک و معرفت لزوم ندارد خود مجتهد باش و در این ضمن مقصد که از عهد میثاق بری گردد باری مقصد انیست که آنجناب باید چون جبل راسخ ثابت مقاومت نمایند و مگذارند که قول متزلزلین موسوسین سدی در قلوب سادگان تأثیر نماید الیوم افنان سدرهٔ مبارکه باید اول خادم عهد و میثاق الهی باشند تا امرالله در ظل کلمهٔ وحدانیت از جمیع طوائف محفوظ ماند هر یک در این ره یکقدم بیش نهد پیشی یابد و مظهر تأییدات ملکوت ابهی گردد و در جمیع شئون موفق شود والا قسم بحضرت قیوم که در کل مراتب و شئون سرنگون گردد عنقریب متزلزلین را در خسران مبین مشاهده خواهید نمود ان تنصروا الله ینصرکم و البهاء علیک

ع ع (هوالابهی)

ش حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی (هوالله ای الابهی)

آلهی هذا فرع من افنان شجرة الاثبات و فنن من فروع دوحة وحدانیتک قد اقبل الیک منقطعاً عن الاسباب متشبثاً بذیل ردائک و فرد انیتک و منجذباً بذکرک و ناطقاً بثنائک فاحفظه بعین حفظتک و کلائک

Provided by the Afnan Library

وکلائتک واحرسه فضلک وقدرتک وحمایتک ووفقه علی رضاک فیجمیع الشئون واحفظه عن ریب
المنون وایده بعون السر المصون یا حی یا قیوم انک انت الودود مسطورات محفوظه
واوراق منشورهٔ آنجناب کل واصل وبر مضامین وقوف تام حاصل گردید در خصوص
بعضی روایات مرقوم فرموده بودید الحمد لله در این بساط خبر نفحات قدس امروری نه دیجر
انوار انس اسطوعی نه اگر انتشاریست صیت وولولهٔ شکن زلف یار است واگر اشتهاریست
ذکر فتنهٔ چشم دلبر دلجوی خوش کوی دلدار شب وروز نمیم عنایت زنده ایم وبشمیم عبیر ماضی
عنایت پاینده وشما مطمئن بفضل حق باشید ودلبسته بالطاف غیر متناهی ملکوت
ابهی این تأثرات را فراموش کنید واین اضرار را در زاویهٔ نسیان نهید وقت بهوش
وگوش هست وخاموشی از هر ذکری خبر نعت وستایش حضرت دوست دع هذه الروایات
واتل علی آیات معین الآیات البینات واکشف الغطاء عن ابصار اهل الشبهات واشتعل
بالنار الموقدة فی السدرة الرحمانیة واطلق اللسان بالذکر الحکیم وادخل فی جنة النعیم
وابد الی الصراط المستقیم ودل علی النیر المنیر فی الافق المبین وسق الطالبین من مآء معین
حتی یخاطبک ربک من ملکوته الاعلی طوبی لک ایها الفرع الرفیع من هذا الفضل العظیم
وبشری لک ایها القضیب الرطیب من هذا الجود البدیع والبهآء علیک

Provided by the Afnan Library

نسخه

وعلی کل ثابت علی العهد القدیم ع ع (هو)

۳۴۷ خط مبارک ش بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی (هو الله تعالی)

ای افنان سدرهٔ مبارکه درخصوص مکتوب آقا سید میرزا آنچه مرقوم نموده بود کل کذب

عود سائس ومفتریات بود آنشاعر ماهری که میگوید نمیشناسد آن میرزا عبدالله است

که شب وروز مجالس ومؤانس او بود وعهم وشانهم قابل خطاب ونصیحت ودلالت نیست

شما اورا میشناسید که بمنع قطعی جمال قدم کرار آ از بیع افیون نگذشت ومخالفت

نمود تا کن فیکون شد حال دیگر معلوم است که چه عنادی دارد نسئل الله بان یجعله راجعاً

الی الهیشاق قضیهٔ متصاعد الی الله جناب میرزا حسینخان ووفقشان درخدمتشان بسیار

بجا واقع وجناب افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا جلال بسیار موافق حرکت نموده اند

وخدمت کرده اند درخصوص بیت متقدس درهرس از شیراز جمیع احبا نهایت خرع

وفزع را مینمایند ودو ماه پیش جمعاً کل نوشته واستدعای تبصر در امر بیت مبارک نموده اند

بقسمیکه ملاحظه شد که اگر سواد آن ارسال نزد آنحضرت شود بسیار سبب حزن میگردد

لهذا نفرستادم ولی باید آنحضرت در آنخصوص همت عظیمه نمایند زیرا این امر

بیت بسیار مهمست اهمیتش بدرجه که وصف نتوانم لابد باید با آنجناب

بیایند

ویا یکی از اولادهای آنجناب در آنجا باشید نمیشود تسلیم زنی نمود ولو محافظه نماید باری
نبوعی احبّا. فریاد میکنند که انعبد حاضر مانده بهر قسمی هست یکی از حضرات افنان
سدرهٔ مبارکه که همراه هستند بفرستید نفارس که مواطب بیت مقدّس در نهایت
احترام باشد بسیار در اینخصوص همت نمائید تا خیراً جائزنه حضرت افنان شجرهٔ
مبارکه آقا میرزا جلال منصب دارند هر روز نامور بجائی میشوند اختیارشان بدست
خودشان نیست شما با ایشان مراجعه نمائید هریک از افنان اخوانشان را مصحت
بدانید و بدانند و بفرستید تا جمیع احبّا بدانند که ایشان محض خدمت بیت
در فارس هستند و کار دیگر ندارند دیگر آنکه احترامائی که در حق مسافرین و مسافرات
امریکا مجری فرمودید بسیار سبب سرور و روح و ریحان گردید و لمشتاق منبغی هذا
آن العظیم. جمیع دوستان که از آنسمت عبور مینمایند کلّ را کمال مهربانی بفرمائید
در خصوص تأخیر اجوبه محزون مشوید زیرا نمیدانید که در چه بلائی گرفتارم قسم بجمال
قدم که از اوّل ابداع تا بحال چنین محن و شدائی دیده نشده است ملاحظه فرمائید که اعدا
خارجه بچه ارجه ارصدند و حضرات ناقضین از آنها صد ارجه گذشته اند و متصلاً با
مورین حکومت در تحریک فسادند و منقرنیات چندی هر روز ایجاد نمایند

Provided by the Afnan Library

حال منتظرانید که از فلان شان که با سلا مبول نموده اند یا انیعبد را در دریا اندازند
و یا بفلان برند ایزا مدانید آنچه برانیعبد وارد شود کل از ناقضین است هیچکس
مدخلی ندارد واز جهتی جمیع این مشاغل داخل وخارج و مخابرات وسئوال وجواب
واز جهتی خدمات آستان مقدس وابلاغ وتبلیغ لازم واجب دیگر ملاحظه فرماکه درچه
دریائی مستغرقم فاعتبروا یا اولی الابصار ع ع

واما در خصوص مراجعت آنحضرت بوطن مألوف مرا مقصد چنین بود که در اصفهان
بلکه انشاء الله تمکن یابید وامور بر محور مطلوب دوران نماید و بعضی زحمت عبدالبهاء
ولو در نصفهان باشد تحمل نمائید چنانچه در ورود مخدرات امر کینها تحمل فرمودید حال هم
اگر ممکن باشد باز موافقست واگر اسباب متشتت ومتفرق وبقای شما بالذات مشکل
وبجهت امور وتمشیت اسباب رجوع واجب ولازم جناب آقایان سدره مبارکه
آقا میرزا بزرگ وآقا میرزا جیب را در آنجا بگذارید که مشغول شغلشان باشند من خود
متوجه آنها میگردم وتربیتشان مینمایم وشما باین ارض یعنی زیارت آستان مشرف شده
بعد حرکت میفرمائید ودر خصوص بیت مقدس نیز قراری مناسب وموافق مید هیم
والبهاء علیک ع ع

عبدالبهاء عباس

هُوَ الابهی جناب افنان سدرهٔ منتهی حضرت آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

ملاحظه نمایند هُوَ الابهی ۳۴۸ الفرع فرع سدرهٔ مبارکه آنچه فقط مبارک

مرقوم فرموده بودید تلاوت و قرائت گردید و مکاتیب جوف نیز ملاحظه شد جواب مرقوم

گشت در طی این مکتوبست بجهة جناب حاجی صنیعلی و حاجی لطفعلی اجازت زیارت

روضهٔ مطهره داده شد مکاتیب سابقه نیز انشاء الله جواب ارسال مینمائیم تاخیر از کثرت

مشغولیت حاصل اگر اینجا باشید ملاحظه میفرمائید که دستگاه چاپخانهٔ انگلیس

اینقدر اوراق طبع ننماید که اینقلم مرقوم مینماید این گذشته از امورات جسیمه

و شاغل عظیمه و مقاومت اعدا در جمیع نقاط ارض و مشغولی دائمی در امور داخل و

خارجست والبهاء علیک ع ع

هو در خلیج سعید مصر جناب افنان آقا میرزا آقا ملاحظه فرمایند هُوَ العزیز

ایها الافنان الشامخ الرفیع علیک بهاء الله ونوره وضیائه وفضله وعنایته وجوده ۳۴۹ فقط مبارک

واحسانه والطافه وشمائله فیکل الشئون بلحظات اعین رحمانیه خبر مخربی در این

ایام وارد و قلوب مضطرب و نفوس متحسر و ارواح متاسف گردید چه که نار فراق را

حرقت شدیده داشت و مصیبت بجز از احسرت عظیمه ولکن چون آن روح لطیف

Provided by the Afnan Library

باوج عز تقدیس عروج نمود و آن شعاع ساطع بافق قدس توحید راجع شد در جمیع
شئون باید بحبل محکم متین صبر تمسک نمود و بقضای آلهی راضی بود انما یوفی الصابرون
اجرهم بغیر حساب و یقین است که آن افنان سدرهٔ آلهیه و آن شجرهٔ روضهٔ
غایت رحمانیه در این مصیبت محزون و مغموم نخواهند ماند بلکه بشکرانه حسن
خاتمهٔ آن متصاعدهٔ الی الله زبان گشایند و مناجات کنند ربی و رجائی
ترانی متضرعاً ببابِ رحمانیتک و متبتلاً الی ملکوت وحدانیتک ان تنزل علی الّتی
شرفتها بمجاورة بیتک و ایدتها علی معرفتک و تقیتها من اقداح صهبآء محبتک
و سقیتها الی شجرة صمدانیتک بان تجیرها فی جوار رحمتک الکبری و تسکنها
فی حدائق غفرانیتک العظمی و تخلدها فی فردوس لقائک و تدخلها فی زمرة
الذین فی نور جمالک انک انت الکریم الرحیم ع

هوالابهی مصر حضرت افنان آقا میرزا آقا علیه بهآء الابهی هوالابهی

۳۵۰ حضرت افنان سدرهٔ منتهی علیه بهآء الله الابهی آنچه بقلم روحانی بر صفحهٔ
وجه ان مرقوم نموده بودید بلسان محبت الله تلاوت شد نفحهٔ خوش الجذاب
استشمام گردید و حلاوة ذکر محبوب حقیقی مذاق یاران معنوی را شیرین نمود حمد و شکر

جمل

جمال قدم را که افنان شجرهٔ مبارکه را به گلهای ذکر و بیان و اوراق مخضرهٔ شئون
روحانیه مزین فرمود و از رحمت بیپایان آن ملیک وجود و سلطان غیب
و شهود آمل و سائلیم که آن سرمست صهبای محبت الله را در انجمن عاشقان
جمال رحمن با نجذابی عظیم ظاهر فرماید که کل بحرارت شدیدهٔ آن مشتعل شوند تا در هر جمعی چون
شمع برافروزند و بر هر شاخساری چون طیور حدیقهٔ توحید بنغمات ذکر رب مجید مشغول گردند
شئون روحانیه این رتبهٔ ملیحه علامت الله باد و له قلوب الموحدین ابدا افنان سدرهٔ
توحیدک علی اعلاء کلمتک بین بریتک و نور وجوههم بانوار الانقطاع عما سواک و التحقق
بشئون تجریدک و احفظهم فی ظل جناح حمایتک و اثبت کلمتهم فی صحائف عوالم
الانشاء بجودک و قوتک و سلطانک و اقتدارک لانک انت القوی القدیر ع ع

هو الابهی حضرت افنان سدرهٔ رحمانیه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی
ملاحظه نمایند هو الابهی ایها الفرع الرفیع من السدرة الرحمانیه

چند روز قبل رقیمه ارسال گردید و مراتب شوق و اشتیاق بیان شد حال چون جناب حاجی ۳۵۱
علیه منکل بهاء الله عازم بانتخصر اظهار میرود که یک قطعه از خیال شما فارغ نیستم شب و روز
تضرع بافق اعلی مینمایم که اسبابی فراهم آید که قدری راحت و آسایش بجهت آنجناب فراهم آید

اگرچه در این عالم عنصری آسایش ممکن و میسر نه لکن کثرت و قلت مشقات ممکن است جناب حاجی علیه بهاء الله الابهی چندی که در آنجا هستند نشاء الله موفق بر رفع اختلافات خواهند شد آنحضرت چون از افنان سدرهٔ الهیه هستید باید نظرتان همه بر ارضاء کل باشد هرچند زحمت حاصل گردد و مشقت پیش آید و مشکلات رخ دهد تحمل نمائید و بصبر راضی شوید آن ترک بفضل علیک عظیم عظیم قدری در مشکلات و مشقات این عبد ملاحظه فرمائید جمیع مشقات و متاعب آسان میشود جمیع با افنان سدرهٔ رحمانیه راز قبل این عبد تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید والبهاء علیک (ع ع)

هوالابهی حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

الهی و محبوبی قد خلقت شجرة مقدسة رحمانیة و دوحة کریمة ربانیة و سدرة جلیلة صمدانیة اغرستها فی الفردوس الاعلی و نصبتها فی جنتک الابهی و سقیتها من انهار توحیدک الطافحة فی حدیقتک الغلباء و مررت علیها بالنسائم المنتشرة من ملکوتک الاسمی و اشرقت علیها بشمس حقیقتک المنوراء و انشئتها بقوة و شعاع و حرارة مثبتة من نیرک الاعظم الابهی و انبتها نباتاً حسناً بمنک العظمی و اعلیتها بقدرتک التی اعجزت مظاهر النفی فی ملکوت

الانشاء

الانشآء وانمیت ونشرت ورفعت افنانها الی اوج العلی وبسطت فروعها واوراقها حتی
تمتد وتعلا الارض والسمآء وازهرت تلک الفروع باوراد طریة لطیفة تهرآء واثمرت باثمار
شهیة طیبة حمرآء ونفحت نفحاتها وانتشرت روحاتها وعبقت انفاس طیبها ومرت
نسائم جیبها وارتفعت واعتلت وتشامخت وبسقت وتشامقت حتی وصلت
الی اشرف الاعلی وسمآء عمآء بهآء الاوج الاسمی ایرب فیها وهبت واعطیت
واکرمت واحسنت احفظ افنانها من کل الاریاح الهابة بغیر رضائک والاعصار
المنتشر المثار من شبهات اهل الاشارات بصونک وحراستک ناببتین ثابتین
راسخین علی عهدک ومیثاقک انک انت المقتدر العزیز القیوم القادر الحافظ العظیم

ع ع (هوالابهی)

مدنیه حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند هوالابهی
ایها الفرع المتدرج فی اعلآء کلمة الله ازقرار مسموع از بغداد عزیمت بصفحات سرین
رای فرمودید ومقصد این بود که باشخص معهود در کمال حکمت گفت وشنود گردد
آنشخص هرچند در درجهٔ انحطاط کلی جسمانیست ولابد نشاط مکالمات ومحاورات
قلیل ولی نفحه الهی راقوتی دیگراست وجذبهٔ روحانیرا نفوذی دیگر ارض نامده راحدیقه

ناتبه نماید و خطه منیه یاسبه را روضه مونقه فرماید فیض روح القدس مسیحائی عظم رمیم را حی
قوی نماید و ریزش باران نیسانی در عمق بحار لئو لئو فرماید و در نضید پرورد و تری الارض
هامدة و اذا انزلنا علیها الماء اهتزت و ربت و انبتت من کل زوج بهیج باری امیدوارم
که آنجناب در آن حوضه القای کلمه حقی نمائید و نفحه در آن خطه و دیار نشر نماید که رائحه
عطریه اش مشام جمیع امم معطر نماید و اجسام میته را جان بخشد و البهاء علیک و علی کل
من ثبت علی العهد و المیثاق (ع ع) (هو الابهی)

حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند هو الابهی ۳۵۴
ایها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکة از جهت بلایا و مشقات آنجناب نهایت تاثر و حزن را
دارم حقیقة اسباب چنین فراهم آمد که زحمت و مشقت زیادی کشیدید ولکن اگر
جمیع زحمات و مشقات را قیاس باین بلایای بیپایان و داغ نمایان ابعد نمائی حکم
قطره و بحر دارد و قیاس ذره و شمس باشد فیم بجمال قدم که جمیع مشقات در رحمت
خویش فراموش نمائی و شب و روز بدعا و ابتهال گشائی که خدایا عونی عنایت کن
و طاقتی احسان فرما چه که جبل حدید این حمل ثقیل را حمل نتواند و قوی اعظم وجود تحمل نکند
پس خدایا تو توانائی بخش و قوت و قدرت ربانی عطا فرما در خصوص ورقه طیبه

راقمه

راضیه علیها بهاء الله الابهی مرقوم فرموده بودید بسیار خوب فکری گردید حقیقة در اینمالک
بجهتشان راحت و آسایش محالست باز ایران از برای سوان قیاس بای دیگر
نتوان نمود وطنست و اقربا و دوستان بسیار اسباب مشغولیت است تنها فرید
وحید در خانه در مصر معلومست چه میگذرد باری حال بجهت زیارت روضهٔ مبارکه
و تغییر هوا با ینجا بفرستید و بعد از تشرف بزیارت و حصول راحت و صحت قصد
ایران نمایند و البهاء علیک و علی اشبالک و اهلک و علی کل الاحباب ع ع

هوالابهی حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی ایها الفرع النضر الخصل من الشجرة المبارکه چندی پیش نفحات
روح و جذبات قلوب تحریری ارسال شد و حال نیز چون جناب حاجی عازم
بکمالی چند پرداخته که نفحات ذکر مجلس و محفل را خوشبوی و معطر نماید چندیست
که از آنحضرت خبری نرسیده کثرت مشاغل و پریشانی خواطر گویا مانع
و حائل گشته از اینو قایع محزون مشو و متفکر مگرد عنقریب جمیع این امواج
ساکن و مشغولیت ذهن زائل خواهد شد فاما آلزمد فیذهب جفاء و اما ما ینفع
الناس فیمکث فی الارض آنشاخهٔ سدرهٔ طوبی باید در فصل بهار و تابستان

Provided by the Afnan Library

وخزان وزمستان یعنی درجمیع فصول سبز وخرم وتروتازه باشد تا واضح ومشهود گردد که از
فضل جمال ابهی در بهار دائمی واقع ملکه ربیعی که خزان از پی ندارد باری اثر کلک آنحضرت گاه
گاهی اسباب روح وریحان بود واینعبد با وجود تلزم اکبر مشغولیتها وطوفان بلایا
باز بذکر شما مشغولم والبهاء علیک وعلی فروعک الکریم (ع ع) تمت

هوالابهی پورتسعید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه
بهاء الله الابهی هوالابهی

ایها الفرع المنجذب بنفحات القدس المنتسب الی السدرة المبارکه آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید
الحمدلله بحمت آنجناب بخوشی منتهی شد ولمثلک ینبغی هذا المقام الرفیع فروع سدره باید ۳۵۶
درجمیع شئون آیت انقطاع باشند ونورا بهتدا آء اقتدا آء باصل شجرهٔ رحمانیت نمایند
تا نسبت حقیقی خویش را در کل مراتب باعمال وافعال وکردار ورفتار ثابت نمایند ملاحظه فرمائید
که آنشمس حقیقت وحقیقت ربوبیت روحی وکینونتی وذاتی لحبه الفداء چه مقامیرا
بجهت خود اختیار نمود که بر ملا در میدان آویختند وهزار گلوله بر سینهٔ مبارکش
زدند دیگر معلوم است که ما باید بچه درجه منقطع از ماسوی باشیم باری الحمدلله بروح
وریحان گذشت از فضل وتائید جمال وحید فرد امید است که درجمیع امور موفق
ومؤید

ومؤید گردید و حضرات افنان سدرهٔ آلیه را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید وبچنین ورقهٔ مبارکه را در خصوص بیت معظم مطاف عالم روحی لتربه الفدا مرقوم نموده بودند این مسئله بسیار مهم است بل اتم جمیع امور حال از قراریکه مرقوم فرموده اید از برای رجال زیارت ممنوع و محال انیقضیه بسیار سبب حسرت یاران صادق و مشتاقان طواف آن بیت معظم گردد البته بهر قسم باشد سبابی فراهم آرید که گاه گاهی بعضی داخل شوند و اقلاً زیارت عادی توانند والا قلیلا قلیلا عدم زیارت عادت شود و اهمیت عظمی از خاطرها برود باید اجانبی که در شیراز هستند در ماهی اقلاً یکدفعه زیارت بیت را فرض قاطع دانند و واجب شمرند چنانچه اگر این عبد از روی ضعف بود هفته یکمرتبه البته طواف میکرد ولو انکه مخالفان سنگسار نمایند باری چون شما محافظ و ناظر هستید باید در این خصوص بسیار همت فرمائید والبهاء علیک ع ع

جواب مکتوب تاخیرش بسبب کثرت مشاغل و هجوم امور و تعرضات

جمهور اهل فتور است لهذا امعنه ورادید باجانی امریکان از وقت ورود با نصفیات نهایت رعایت را ملحوظ دارید و اجانی الهیرا تکبیر برسانید ع ع (هوالله)

پور سعید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

Provided by the Afnan Library

هو الله ایها الفرع الجلیل من الشجرة المبارکه آنچه مرقوم نموده بودید مطابق واقع بود
۳۵۷ فوادبارک
در این خصوصات مطمئن باشید انشاء الله بعون و عنایت جمال قدم نگذاریم که نفسی
نفسی در امر الله بهوای خویش کند زیرا حصن حصین امر الله رصین و متین است مقصود دل
و جان جانفشانی در سبیل جانانست با وجود این دیگر چه ملاحظه در میان ولو صد هزار تیر
و سنان بر هدف دل و جان خورد در خصوص بیت مکرم آستان مقدس روحی لعتبته
الفدا امر مرقوم فرموده بودید در هر دم از وارد ین مدینه مقدسه مفصل التماس و رجا دارد
تفصیل سبب حزن و کدورت و آلام آنجناب میگردد مقصود اینست که این آستان ابهی
از روح عبدالبهاء بیشتر دیگر ملاحظه فرمائید که چه قدر معزز و مکرم است لهذا آنجناب
باید این امر را چنان مجری فرمائید که روح عبدالبهاء متنعم و مسرور گردد قسم بروح
مبارک حضرت مقدس منزه آن شمس حقیقت رب البیت روحی و ذاتی و کینونتی
لتربته الفدا که منتهای آمال و جان آنست که بآن خاک پاک مشرف گشته بشر گان
آن آستانرا جاروب کنم پس جناب ضیا افندیرا ارسال دارید بروند و آن آستانرا
از بیگانه مقدس نمایند و بالوکاله از اینعبد بخدمت مشغول گردند حضرات افنان سدره
مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ و جناب آقا میرزا جیب و جناب آقا میرزا ضیاء الکبیر ابدع

ابی ابلاغ نمائید و بچنین ورقات مقدسات سدرهٔ رحمانیه را ع ع

هو الله پور سعید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه علیه بهاء الله هو للهیمن القیوم ۳۵۸

الهی الهی انی عبدک البائس الیائس عن نفسی و فرط خطائی و عظیم حوبی و شدید عصیانی
و غلو طغیانی و لیس لی الا جلیل احسانک و عمیم غفرانک رب رب ترانی متحیراً
فی امری و متشتتاً شملی و متفرقاً جمعی و متشعثاً لمّی و مضطرباً قلبی و مضطرماً احشائی
و منسجماً دمعی و متوجهاً الیک وجهی ارحمنی بفضلک و جودک و کرمک و اغفر لی خطایای
و اعف عنی زلّاتی و عثراتی و ادخلنی فی حصن عفوک و صونک و ارفقنی غونک و اقصنی
عن دونک و اخلص وجهی لوجهک الکریم انک انت الرحمن الرحیم ایرب ایدنی بتائیدات
و وفقنی بتوفیقاتک و اجعلنی من عبادک المخلصین ع ع شیراز

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی هو الله

ایها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکه مکتوب واصل و مضمون معلوم گردید کشفیه بجهت ۳۵۹
عمارت بیت مقدسه ملاحظه گشت بسیار موافق بواسطه جناب معمار باشی در فکر کار باشید
و تهیه و تدارک ببینید و جناب معمار باشی باید نهایت همت را بسته دل دارند و بایستی
صد هیئت وقت کلی نمائید که مقدار رأس شهری از اساس و ترتیب و وضع و بند و

ومساحت واندازهٔ اصلی تجاوز ننماید ودرنهایت ظرافت ولطافت واتقان ساخته شود
وانشاء الله متدرجا مبلغ ارسال میگردد حال شما در تهیه وتدارک بنشینید یا یک ماه مسبقی
ارسال میشود وزود زود اخبار دهید که چه کردید زیرا اینعبد جمیع امور را در وقت
مرهون نهایت اتقان متوکلاً علی الله نشئیت میدهد دقیقهٔ واحده تاخیر جایز نداند
مطمئن باشید ازحق میطلبم که موفق گردم وتهاون ننمایم و علیک التحیة والثناء ع ع
شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الاجی (هو الله
ایها الفرع المنیع من السدرة المبارکة چندی ازپیش درخصوص تعمیر مصاف ملکوتیان
وکعبهٔ رحمانیان مرقوم نموده بودید جواب مرقوم شد خبری نبود از وصول جواب نرسید
تعمیر بیت مکرم از فرائض فوریه است طرفة العین تاخیر جایز نه امابر بنیان اصلی باید
باقی وبرقرار ماند قطعیاً تغییر وتبدیلی نیابد پس باید آنحضرت بکمال سرعت کشفیه تعمیرات
بیت مکرم نمائید ونزودی ارسال بارض مقدس فرمائید تا ازاینجا هرقسمی باشد
آنمبلغ ارسال گردد که نزودی تعمیر بیت مبارک مطاف روحانیان پردازید دقیقهٔ تاخیر
جائز نه بسیار مهم است تاثیرات روحانیه وجسمانیه اش شدید است البته بوصول
اینمکتوب دقیقه فتور ننموده ونزودی کشفیه را ارسال دارید وضعیت بیت

Provided by the Afnan Library

از جهت ترتیب اطاقها و دیوارها و وسعت و هندسه ابداً جائز نه تغییر و تبدیل جائز نه و علیک

التحیة والثناء ع ع

تعمیر بیت مقدس مبارک ملاحظه فرمائید که چقدر مهم است که اینعبد تعهد نمود که اهل فارس اگر تعمیر ننماید آفات مسئولیه بکلی زائل گردد و مرقوم نمود که اینقضیه را مدار حقیقت و بطلان قرار دهند ع ع

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

ایها الفرع المرفیع من الشجرة الرحمانیه آنچه نگاشتید معلوم و واضح شد حمد خدا را که مأمور به بنای بیت مکرم گردیده تقدیر اینموهبت را بدانید و الله الذی لا اله الا هو که حقایق روحانیهٔ نفوس متصاعده در ملاء اعلی طوبی لک من هذا امر عظیم خواهد بود و یا خبذا و یا خبذا فریاد برآرند آنچه اخیراً الی الله بجهة تعمیر بنای بیت معظم تقدیم نموده اند مقبول و مرغوب و همچنین اگر من بعد نفسی نهایت آرزو چیزی تقدیم نماید بجهت آن بنای مقدس قبول نمائید و مرقوم دارید هرچند در این ایام ولوله در آفاق افتاده و زلزله در ارکان عالم انداخته ابواب بلایا و مصائب مفتوح و طوفان امتحان و افتتان موجود در چنین قیامتی بنای بیت محترم عظیمت و سبب فرح و سرور هر قلب حزین کار امنیت زیرا در وقت امن و امان هر کس هر کاری تواند ولی در وقتیکه باد و باران شدید و برف و تگرگ و رعد و برق و صاعقهٔ عظیم از هر جهت پی در پی و گرد و باد محیط در چنین مصیبتی در قلب دریا در طوفان اعظم اگر ناخدا شراع بگشاید قوی عظیم نماید

این دو لوح مقدس از مجموعه مبارکات شماره ۳۶۱ است

۳۶۱ صفحه ۵ کتب خود را صفحات مبارک

Provided by the Afnan Library

والا در سکون دریا هر بنوایا بدان باز کند و کشتی براند ان مدامن فضل ربی الرحمن الرحیم (ع ع)

(۹) شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی هو الله

ایها الفرع الکریم من السدرة المبارکه مکتوب موزخ به بیست و پنجم جمادی الثانی واصل گردید و بر مضمون ۳۶۲
اطلاع حاصل شد عبدالبهاء از اهل شیراز یاران الهی نهایت سرور را دارد و لی از اهل آن خاک پاک توقع اینست
که بر جمیع اقالیم در شوق و ولهٔ و جذب و طرب تفوق جویند و گوی سبقت و پیشی را از میدان محبت الله
بربایند زیرا آن اقلیم موطن رب کریمست و آن کشور مشرق آفتاب انور اگر چنانچه کلمهٔ از قلم صادر
گردد نظر باین توقعست و دیگر آنکه بعضی سزا بمذمت دیگران بدون سبب پرداخته بودند و این اشخاص
کم کم تعدد یافت و روز بروز در تزاید بود ملاحظه گردید که اگر حال بر این منوال باید انجلال سرایت
بعموم کند و در این یوم معلوم چنین حال نباید و نشاید بلکه باید جمیع یاران نهایت سالیشرا از یکدیگر
نمایند تا سبب فرح قلب عبدالبهاء گردد و الا حزن غلبه نماید و لی اختیار از قلم بنصایح صادر گردد
و اما در خصوص بیت مقدس البته باید طاهر و مطهر باشد محلی در جوار باشد که مسکن خادم و محل
زوار گردد و بیت معمور خالی و فارغ و متقدس ماند مکتوبی در جوابست بحضرت افنان سدرهٔ
الهیه آقا میرزا آقا بجل محترم حضرت فرع شجرهٔ الهیه الفائز بالرفیق الاعلی جناب حاجی
میرزا محمد علی برسانید و علیک التحیة والثناء (ع ع) (هو الله)

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله هو الله

ایها الفرع الرفیع من السدرة المبارکه در خصوص فانه که در جواب بیت مفصل مبارک محترم مظهر مرقوم ۳۶۳
نموده بودید واز پیش نوشته بودید بمجرد وصول بحضرات افنان علیهم بهآء الله الابهی مرقوم
شد هنوز جواب نرسیده جواب خواهد رسید بعد شما اخبار خواهم داد وعلیک التحیة
والثنآء ع ع (هو الابهی)

ایها الفرع المنشعب من السدرة المبارکه نور الله بصرک بالفیوضات المقدسة المنزلة من ۳۶۴
غمام الفضل نوشتهٔ آنجناب تلاوت شد کمال روح وریحان حاصل گشت از فضل وجود
سلطان وجود امید واریم که در کل احیان بنسایم الطاف حضرت رحمن تازه وتر باشید
ودر جمیع شئون سبب ثبوت ورسوخ کل گردید مکاتیبیکه ارسال نموده بودید جوابش مرقوم شد
ودر جوف انمکتوب ارسال میشود والبهآء علیک وعلی الافنان الراشیة الخضرة النضرة
الطریه وعلی احبآء الله ع ع شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه

جناب آقا میرزا زرگ وجناب آقا میرزا حبیب علیهما بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند
زیارت من فاز بالرفیق الاعلی حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی
هو الله النفحات المعطرة التی نفحت من ریاض الملکوت الابهی والنسمات

Provided by the Afnan Library

المنبرة التي نبتت من حدائق المأوى تمر على قبرك المنور ومرقدك المشهر ايها الافنون الكريم
والقضيب الرفيع المتفرع من السدرة الرحمانية اشهد انك قد انبتت من الرقاد
وهديت الى الرشاد ولغبت من مرقدك وسرعت الى مشهد اللقاء وادركت ايام ربك
وتوجهت الى الجمال الابهى وآمنت بربك الاعلى وقمت على خدمة مولاك فيهذه
النشئة الاولى وتحملت مشقة الطعن في سبيل الله واتلبيت بشماتة الاعداء وجفاء
اهل البغضاء وهاجرت من وطنك الى البقعة المباركة لمشاهدة آيات ربك الكبرى
وخطوت بالوفود على عتبة ربك الودود ودخلت مشهد اللقاء وسمعت الخطاب
من الفم المبارك الاعلى طوبى لك من هذا الفضل العظيم بشرى لك من هذا العطاء
الجليل اسئل الله ان يرزقك في ملكوته الغيب الاخفى ما يغنيك عن كل شيء ويجعلك متجليا
بجلل العطاء ويعطيك ربك فترضى ويشرق عليك بانوار المشاهدة في الجنة العليا
طوبى لمن يزور رمسك لينسبك الى القبة العليا حبا بالجمال الابهى وعليك التحية
والثناء ع ع

(هو الابهى)

ش حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب میرزا جلال علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هو الابهى)

Provided by the Afnan Library

خطاب مبارک ۳۶۶

ایها الفرخ النضیر من الشجرة المبارکة در جمیع احیان در ظل الطاف و عنایت جمال قدم روحی لاسمه الاعظم فدا بوده اید و چون خازن بیت الله و خادم آستان حق و حرم کبریا بوده اید همیشه مورد عنایات مخصوصهٔ الهیه بوده و هستید لحظات عین عنایت شامل است و نوجهات فضل و رحمت ربوبیت متواصل چون منظر دقیق ملاحظه نمائید مشهود گردد که چه تاج و تاجی بر سر و نامه نهادی که از تلألؤ جواهر مکنونه اش عنقریب چشم یار و اغیار خیره گردد و شاهد عزت پایدار رخ گشاید پس از خدا بخواه و تضرع و ابتهال نما که چنانچه بنزاوار اینموهبت عظمی هستی باحترام و خدمت آن بیت مقدس موفق و مؤید گردی تا دیدهٔ ابرار روشن گردد و قلوب اشرار در حرقت و حسرت افتد و اینعبد را لحظهٔ خوش خدمات ترا در این بقعهٔ مبارکه همیشه مدنظر است و البهآء علی کل من قام بقلبه و روحه و ذاته لخدمة بیت الحرام

عبد البهآء ع (هوالابهی)

جناب متصاعد الی الله آقا میرزا عبد الحمید از انوار ایقان قلبی روشن داشتند و انفس آخر ثابت و راسخ بر دین الله بودند و در خدمات افنان سدرهٔ الهیه مشغول علیه بهآء الله الابهی علیه ثنآء الله الابهی علیه نفحات الله المتضوعة من ریاض الملکوت الابهی حال باز ماندگان ایشان را از جمیع جهات باید رعایت و احترام نمود لقسمیکه سبب مسرت یاران

وعبرت بیگانگان گردد والبهآء علیک وعلی کل من قام علی خدمت بقیات الله

عبدالبهآء ع (هوالابهی)

ترجمه

ش حضرت افنان جناب میرزا جلال علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند (هوالابهی)

ایخادم درگاه الهی مکاتیب متعدده مرقوم شد وارسال گشت این مظاهر لطف ۳۶۷
وعنایت بجناب مستدیمت ومستمر اگر مدانی که درچه آستان پاسبانی ودرچه درگاه دربانی
یقین کنی که برسر اکلیل جلیل داری وبرتن خلعت سروری از ملکوت علیین برسریر
بزرگواری جالسی وبرتخت شهریاری مستقر چه که جاروکش بارگاهی که منزلگاه
ملیک ملکوت اسما وصفات بود وبندهٔ درگاهی که ملجاء وملاذ طالبان دیداربت
البرهان والآیات الواضحات بود روحی وذاتی وکینونتی وحقیقتی له فدا شکر کن
حضرت احدیترا که بچنین فضلی موفقی وبچنین عنایتی مؤیدی شایسته که خادم حرم
کعبه بود در آنزمان بندهٔ حقیر بنظر میآمد حال هریک از سلالهٔ او برکرسی عزت
برقرار وافتخار بجدّ نامدار خویش مینمایند والبهآء علیک وعلی کل زائرک وعبدالبهآء
هوالابهی ش حضرت افنان سدرهٔ رحمانیه جناب آقا میرزا جلال علیه بهآء الله
الابهی ملاحظه نمایند (هوالابهی)

ابهی الفرح

ایها الفرع النضیر من الشجرة الرحمانیه حضرت والد علیه بهاء الله الابهی در یوم اتم بشرف
مشمول بحضور حضرت کبریا فائز و در ساحت اقدس باصغای کلمات از فم مطهر و توجه خطاب
جمال قدم واصل و حائز و بانواع الطاف الهیه و مواهب جلیله ربانیه موید بعد باذن و اراده بسمت
مصر حرکت فرمودند مدتی بود که مصر یوسف از برای ایشان کنعان یعقوب و بیت احزان شده
بود لهذا در این ایام از آنجا بجهت زیارت آستان مقدس بانیطاف ملأ علی شتافتند و از
تربت قبهٔ طاهره بصر را منور و دماغ را معطر فرمودند بعد از حصول این موهبت و وصول
باین غایت باید نشر نفحات الله و اعلاء کلمات دال بانصفات مرجعت میکنند
از فضل و تأیید ملکوت ابهی سائل و آملیم که افنان سدرهٔ منتهی را بامور ی موفق فرماید که سبب انتشار
شئون رحمانیه در عوالم امکانیه گردد و علت انتباه غافلین و اشتعال منجمدین و طراوت
و لطافت قلوب و ارواح گردد علی الخصوص آن شاخ بلند شاخسار احدیت که خادم بیت
سلطان وحدانیت بستید باید از جمیع جهات در حرمت و رعایت بین چنان قیام نماید
که نمود گنجوران آسمان و مغبوط حاملان و طائفان حول عرش گردید بعزة الله آن مذالشان
عظیم و مقام رفیع و الحمد لله رب العالمین غ غ متابعه شیراز

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

Provided by the Afnan Library

۳۶۹ حضرات افنان سدرهٔ منتهی علیک بهآء الابهی و علی اخوتک و ذوی قرباتک الثابتین علی المیثاق من هذا العبد المتضرع الی الله العزیز الوهاب قضیهٔ فرع جلیل شهید سبب حزن شدید شد و مورث مصیبتی جدید در وقتیکه آلام و محن محیط باین انجمن نقطهٔ انجبر مدهش موحش وارد دیگر معلوم است چه تاثیری نمود و چه احزان حاصل گشت ولی چون آن فرع مجید فی الحقیقه شهید سبیل الهی گردید و در ایام حیات بخدمت پرداخت و بعبودیت آستان مقدس فائز لهذا انتیجه زندگانی حاصل شد پس این وفات عین حیات و این شهادت حقیقت سعادت ایکاش جمیع ما در راه خدا جان فدا نموده و نفس فنا نوشیدیم هذا منتهی آمال المقربین و غایهٔ مقصد المخلصین مناجات و زیارتی مرقوم شد حضرت فرع رفیع جلیل ارسال خواهند نمود جمیع احبا را از قبل عبد البهآء تحیت مشتاقانه ابلاغ دارید در خصوص اختلال و اختلاف احزاب در آن اقطار مرقوم نموده بودید حزب الله باید از کل کناره گیرند و ابداً مداخله ننمایند ذرهم فی خوضهم یلعبون مارا کاری بکار و دل است نه بآب و گل و علیکم البهآء الابهی (ع ع)

هو الله

۳۷۰ قطر مصر حضرات افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا بزرگ علیه بهآء الله الابهی هو الله ایها الفرع البدیع من الشجرة المبارکه علیک بالتوکل علی ربک و التوسل بذیل الکبریاء

والبهاء

والتعلق بما هو اب رد آ الانقطاع عما سوی الله و التشبث فی الامور والتسبل الی العزیز الغفور و ترتیل

اللوح المحفوظ و الرق المنشور والبهآء علیک ع ع

۳۷۱ فصل قائب مورد رضای مبارک

(هو الله)

ای افنان الهی مکتوبیکه بجناب آقا سید تقی مرقوم نموده بودید ملاحظه گشت از تفصیل مجلس ذکر الهی نهایت روح و ریحان حاصل شد هر محفلی که بذکر حق آراسته گردد پرتوش شرق و غرب را منور نماید و نفحاتش شام حاضرین و غائبین را معطر کند باری جمیع یاران که در آن محفل انس حاضر بودند مظاهر الطاف حضرت رحمانند و مؤید بجنود ملأ اعلی در کمال حکمت و ملاحظهٔ اوقات هر وقت میسر گردد باید مجلس تذکر و تبتل آراسته شود و ترتیل آیات توحید گردد تا آنکه ملأ اعلی متلذذ شود و قلوب اهل ملکوت ابهی مسرور و مشعوف گردد در یوم شهادت حضرت اعلی روحی لتربته الفداء از قبل انعبد طواف حرم مطهر نمود بحال تضرع و زاری طلب تأیید و توفیق بجهت عبد البهآء کن زیرا جنود نقض در هجوم و بیوفایان در نهایت جفا انعبد را تأثر و تحسر از جهت ضر امر الله است والا آنچه بر او وارد بجان و دل آرزو نماید و از حسن رضیعی تمنای صد هزار بلا و هر گونه مصیبت و ابتلا در سبیل او نموده تا آنکه الحمد لله این کاس طافح گشته و این جام سرشار شده و لله الحمد علی ذلک حبای الهیر اکبیر

Provided by the Afnan Library

ابداع الهی برسان ع ع (هوالله)

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهاءالله الابهی هوالله

الفرع شجرهٔ رحمانیت جناب آقا عبدالغفار مکرر نهایت شکایت از اولیان حاجی محمد ابراهیم مینماید وناله وفریاد میکند بقسمی جزع وفزع میکند که وصف نه ارد در این ایام نیز بواسطهٔ شما شکایتنامه لی نگاشته وناله وفغانی نموده حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب ابوی خوبست در اینقضیه همتی تفرمایند تا میانهٔ آن پسر وپدر بهتری حاصل گردد

۳۷۳ نسخهٔ کاتب در واقعهٔ حضرت افنان مبارک

وعلیک التحیة والثناء ع ع (شیراز)

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهاءالله (هوالله)

ای شاخ شاخسار روحانی مکاتیب متعدده که بجناب منشادی مرقوم نمودید ملاحظه گردید از جزء تمام هیت مکرم اطمینان قلب حاصل الحمدلله موفق بآن شدیم وشدید دقت حساب

۳۷۴ نسخهٔ کاتب در واقعهٔ حضرت افنان مبارک

مکاتیب منتظم ومصدق از بعضی از نفوس محقه حتی خال مکرم نمائید ودر نزد خود محفوظ دارید این لازم است وبکار شما خواهد خورد وجناب معمارباشی در تخصوص نهایت همت را خواهند نمود جناب آقا میرزا فخرالدین علیه بهاءالله باید در تحصیل لسان انگلیزی نهایت همت را بنمایند ومطالب انجیل را از بدایت تا نهایت ضبط در ذهن کنند جواب

نرسید

حضرت مؤید از پیش مرقوم وارسال گردید البته واصل شده است وعلیک التحیة والثناء ع ع

هوالابهی ش خاب میرزا نزرگ علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند هوالابهی

الفرع لطیف سدرهٔ منتهی هرچند بظاهر از بصر ونظر دوری واز این بساط مهجور لکن نسیم

نور مشرق از ملأ اعلی که جمیع افنان شجرهٔ طوبی فی الحقیقه در کل احیان در این انجمن رحمن حاضر

ودر محفل روحانیان موجود ومشهود ند در آستان مقدس مطاف جواهر وجود در کل حین بذکر

شما مشغولیم وبیاد روی شما مألوف ولسان قلب مناجات مینمائیم رب ایدافنان سدرة

رحمانیتک وفروع شجرة وحدانیتک علی التمسک بذیل فردانیتک ولتشبث بعروة

وحدانیتک ایرب نوّر وجوههم بانوار تقدیسک واشرح صدورهم بآیات توحیدک

وقدّس قلوبهم بمیاه تمجیدک واجعلهم آیات ملکوتک ورایات جبروتک انک انت

الکریم الرحیم الرؤف الفضال عبدالبهاء (هوالله)

مصر حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا نزرگ علیه بهآء الله الابهی هوالله

ایها الفرع البدیع من السدرة المبارکه از انجهت که در این سفر چنانچه باید وشاید بجهت

آن افنان سدرهٔ راحت وآسایش حاصل نگردید بسیار محزون ومغموم ومنسوبه مغدورم

چه که بلایای متتابعه وزرایای متراکمه وهجوم عمومی بی انصافان از خارج وداخل

بچنان زمام از دست برده بود که دیگر توان بخدمت دوستان پرداخت ویا بمحبت
با یاران مشغول شد و چون ملاحظه گردید که وقوعات ناگهانی محتمل لهذا مصلحت
چنان بود که تشریف ببرند ولی دائماً در این اندیشه ام که در آن غربت شما چه میگذرد
بقیه تفصیل احوالرا مرقوم دارید ع ع

شیراز از حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهاء الله (هوالله)
ای افنان شجرهٔ مبارکه آنچه مرقوم نموده بودی ملحوظ گردید در اینصوص ان شاء الله ابداً
مهلت تنفس نیست و آرامی در میان نه با وجود این جواب نامه بنگارم ملاحظه
فرما که نظر عنایت بچه درجه است شکر کن خدارا و انیفضل و احسان را فراموش نما
در خصوص خانه متعلق بحضرت فرع رفیع شجرهٔ مبارکه آقا سید مهدی مرقوم نموده
بودید آن خانه تعلق بایشان دارد هر نوع که مصلحت دانند و امر فرمایند مجری دارید
ابداً سئوال از اینجانب لزوم ندارد زیرا مال ایشانست و در تصرف ایشان
و علیک التحیة والثناء ع ع

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا بزرگ علیه بهاء الله (هوالله)
اثبات بر پیمان مکتوب شما رسید و بر مضمون اطلاع حاصل شد الحمد لله

دلالت

دلالت بر فرح و مسرت مینمود فرصت تفصیل نیست مختصر مرقوم میشود جناب علمدار
را تحیت برسان امیدوارم که از کاس سرشار محبت الله سرمست باشد
جناب آقا میرزا محمد جناب زرا بموهبت حضرت بی نیاز امیدوار کن دراین ایام در حضور
بارض مقدس مخدور انشاء الله در وقتش اجازه داده میشود حضرت افنان
جناب والد و جناب اخوان آتکبیر ابدع ابهی ابلاغ نما (ع ع)
تاریخ ۵ شعبان ۱۳۲۳ شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا بزرگ علیه بهاء الله

هوالله ایندهٔ جمال ابهی مکتوب مورخ ۲۳ شهر جمادی الاولی ۱۳۲۳
که بجناب آقا سید تقی مرقوم نموده بودید رسید از مصر فرستاده بود مطالعه گردید
فرصت جواب مفصل نه مختصر انیست که مکاتیب متعدده رسید جمیع احبای الهیرا تحیت ابدع
ابهی در کمال اشتیاق ذاکریم و از خدا خواهیم که کل بکمال استقامت بر امر قیام
نمایند و بتبلیغ مشغول شوند و هرچه در ارض اقدس وارد گردد سبب فتور و قصور
در تبلیغ نشود باید یاران الهی هریک مانند علمی در کشوری نفحات قدس موج زنند
و بخدمت امر پردازند بلکه آنچه در تقعهٔ مبارکه طوفان اضطراب عشیر شود دیگران
قدم استقامت و ثبات بیشتر نهند و علیک التحیة والثناء قبوضات سید ع ع

Provided by the Afnan Library

هوالله فارس حضرات افنان سدرهٔ مقدسه جناب آقا میرزا بزرگ و جناب
آقا میرزا حبیب الله و جناب آقا میرزا ضیاء الله علیهم بهاء الله الابهی هوالله
ای افنان سدرهٔ مبارکه چندیست که از کثرت مشاغل و شواغل و مصائب و متاعب ۳۷۹ خط مبارک
فرصت تحریر رسائل نبود و از اینجهت جنود احزان و آلام با جم و صائل حال که دم
صبحت و انوار فیض شمس حقیقت از مرحبت ساطع باید افنان سدرهٔ مبارکه
اقدام و بخط خود بنگارش این نامه پرداختم تا بدانید که در خاطریم و همواره در پیش
نظر حاضر از فضل وجود حضرت مقصود امیدوارم که شیراز را نغمه و آواز آرد و یاران
را مسرور و خندان و شادمان و کامران فرماید ورقهٔ مبارکه امة الرحمن والدهٔ محترمه
را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید رب ایدّ افنان سدرة رحمانیک علی خدمة عتبتک
تقدسک انک انت القوی القدیر ع ع

هوالله
مصر حضرات افنان سدرهٔ مبارک جناب میرزا بزرگ و جناب میرزا حبیب علیهما بهاء الله
هوالله ایدوشاخ خرّم سدرهٔ مبارکه فی الحقیقه روزگار بسیار تلخ میگذرد ۳۱۰ خط مبارک
و ایام در نهایت حزن و آلام ولی از خزان و حرمان قطرهٔ از دریای آلام نعیدست
لابد باید شما نیز نصیب داشته باشید و بهره برید چه که مقتضای وفا اینست که راحتی

وفا فرق

ونا خوشی ورحمت وراحت وعزت وذلت شریک وسهیم بوده والبهآء علی اهل البهآء ع ع

شیراز حضرات افنان سدرهٔ منتهی جناب آقا سید آقا وجناب میرزا جلال وجناب میرزا ابرک
وجناب میرزا حبیب الله وجناب میرزا ضیا وورقهٔ مبارکه طوبی خانم علیهم وعلیها
البهآء الابهی (هو الله)

ای افنان مبارک سدرهٔ منتهی نامه شما با صورت وصیتنامهٔ حضرت افنان ۳۸۱
سدرهٔ بقا المتصاعد الی الله جناب الوی ملاحظه گردید الحمد لله که ایشان اطاعة
لامر الله پیش از صعود وصیتنامه بخط خویش مرقوم نموده اند وجمیع ارجعت
وآسوده گذاشتند اطاعت اوامر الهی سبب آسایش آفرینش است همین
یکفقره را ملاحظه کنید که وصیتنامه چه قدر سبب آسوده گی قلوب وراحت
جان ودل است هنیئاً لمن اطاع امر مولاه وترک نفسه وهواه وشکر خدا را که ورثهٔ
آن نفس مبارک مقدس نیز موفق بر عمل بموجب وصیت ایشان شدند طوبی لکم
بما وفقتم علی هذا الامر المبرور ورضیتم بما وصی به ذلک الشهم الغیور والی آداعوالله
ان یرشدکم الی الخیر فی جمیع الامور ویهنیئاً لکم من جمیع شئونکم رشدا وعلیکم البهآء الابهی
رب ورجائی وغایة املی وعنائی ان هولاء عباد انتجبتهم من سدرة فردانیتک واخترتهم

لهمک و اجتبیتهم لذکرک و اصطفیتهم لعبودیة قدسک ربّ و فقهم علی الاستقامة
فی امرک و الثبوت و الرسوخ فی محبتک و الخلوص فی طاعتک و الانقطاع
عن هذه النشئة الدنیا و التجرد عن کل ذکر و فکر تعلق بالحضیض الادنی ربّ اجعلهم
خضعاً لجلالک خشعاً لاجابتک متذکرین بذکرک منتبهین فی امرک منتبهین
لصون حصن میثاقک منجذبین الی جمالک محفوظین فی ظل سدرة فردانیتک
انک انت القوی الکریم الرحمن الرحیم ع ع

شیراز حضرات افنان آقا میرزا بزرگ و آقا میرزا حبیب الله علیهما بهاء الله الابهی
ای افنان سدرهٔ مبارکه عبدالبهاء در این دو روزه عازم بلاد بعیده است ابداً
وقت تحریر نیست شما را در صون حمایت ملیک احدیت ودیعه میگذارم بنهایت
ناتوانی مصمم چنین سفری هستم ولی اعتماد بر تأیید صمدانیت اهالی امریک
از آشنا و بیگانه کل در نهایت الحاح خواهش حضور عبدالبهاء مینمایند ممکن
بیش از هزار اوراق از اجانب و مجامع گوناگون امریکا حتی از بعضی کشیشهای
کلیسیا رسید لهذا مجبور بر این سفر گشتم و از برای شما گشایش از حق خواستم
جا زمینی که جناب ارباب اردشیر تقدیم نموده بسیار مقبول گردید تحیت

انتهی

ابدع ابهی ابلاغ دارید ع ع شیراز افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ

جناب آقا میرزا حبیب علیها بهآء الله الابهی (هوالله)

ای دو فرع رفیع دوحهٔ مبارکه نامهٔ شما رسید و معانیش دلالت بر ثبوت و رسوخ

اجای آهی بر پیمان ربانی میگرد الحمد لله در موطن حضرت اعلی روحی وقلبی وجسمی

له الفدا حرکت روحانی حاصل شده ونفوس مبارکی با هم راز آمده اند بنهایت

تضرع و نیاز بدرگاه الهی ابتهال مینمایم و رجا میکنم که آن اقلیم گلستان گردد

و آن شهر بهارستان شود و آن مدینه مانند آسمان بنجوم ساطعه مزین گردد انیت

نهایت آمال این آواره قبوض نامی که خواسته بودید ارسال میشود و علیکما البهآء

الابهی عبد البهآء عباس بواسطهٔ جناب قابل زائر علیه بهآء الله الابهی

شیراز جناب آقا سید حسین جناب حاجی میرزا بزرگ جناب حاجی میرزا حبیب الله

جناب حاجی میرزا رضیا جناب آقا میرزا عبد الوهاب جناب آقا میرزا محمد علی

اخویشان جناب میرزا محمد حسین جناب میرزا رحیمخان جناب میرزا محمد باقر

صبیه زادهٔ مرحوم آقا میرزا آقا علیهم بهآء الله الابهی هوالله

یا بادی الاکوان و بدیع الامکان و ملیک الملک و الملکوت و مالک العزة

۳۸۳ خط کاتب اصفهر مبارک

والجبروت لك الحمد بما خلقت كينونات نورانية وهويات رحمانية وحقائق سماوية
ومطالع اشراقية من النفوس الزكية ذى القلوب الطيبة الطاهرة والوجوه الباهرة ٣٨٤
والبصائر النورانية والاسرار الصمدانية وجعلتهم آيات التوحيد والوية التجريد
والجوار المنشآت فى لجج التفريد تلك نفوس آمنت بربها واطمئنت
بفضل بارئها ورضيت بقضاء مبدعها ونبتت من الشجرة المباركة والدوحة
المقدسة ونشئت وطالت وتفرعت واورقت وازهرت واثمرت اكلها
دائم واصلها ثابت ونفحتها فائحة خصيلة نضرة ريانة بفيوضاتك القدسية ورشحات
سحب الطافة العميمة وانى اتبهل اليك مكبا بوجهى على الارض معفرا جبينى
بالتراب واقول يا رب الارباب ومحيا الاسباب وحافظ هذه الشجرة المباركة
المجللة بالانوار ليغشيها اشعة ساطعة من ملكوت الاسرار ولك الشكر يا الهى بما جعلت
منهم لآوالا برار من افنان سدرة المنتهى وفروع دوحة البقاء وشعوب شجرة طوبى
اصلها ثابت فى الارض وفرعها فى السماء رب ادم عليهم فيضك العظيم واجعلهم آيات
تقديسك فى سفرك الجليل وحججك وادلائك وائمة المخلصين حتى ينشروا آثارك
ويرتلوا كلماتك ويثبتوا دلائلك ويشرحوا ابنائك بين الخلق اجمعين رب اشرح

صدورهم ونور قلوبهم وارح ارواحهم بفیوضاتک العامة الغدقة علی ملکوت السموات
والارضین انک انت الکریم انک انت الرحیم وانک لذو فضل عظیم ایها الفروع
الرفیعة الجلیلة من السدرة الربانیه ان عبدالبهآ یشتاق الیکم اشتیاق الظمآن الی
الماء ویحن الیکم حنین الحمام الی الریاض او الحیتان المتعطشة الی الحیاض وارجو الله
ان ینور بصری بمشاهدة وجوهکم النورانیه ویلذ سمعی باستماع احادیثکم الروحانیه ویجمعنی
وایاکم فی محفل السرور العلیة الرحمانیه بکل روح وریحان ان ربی یؤید من یشآء
علی ما یشآء وهو اللطیف القدیر الفروع سدرهٔ منتهی عبدالبهآ در عبودیت
آستانهٔ حضرت اعلی وغبهٔ جمال ابهی سهیم وشریکید وانیس وجلیس چون این موهبت
شامله وعنایت کامله از اعظم مراتب وجود است وفیض عظیم ملیک معبود لهذا
هر دم هزار شکرانه باید و محامد ونعوت شاید شکرانه جانفشانی ودر جانفشانی کامرانی
یعنی ترویج دین الهی هریک بآن موفق شوید تا چی مرصع از مواهب الهی برسر نهید
وخلعتی از الطاف نامتناهی در برکنید زمقتصدین نباشید بلکه از سابقین
بالخیرات گردید امیدست که منظر باشید ومنهم مقتصد ومنهم سابق الی الخیرات
وعلیکم ازکی التحیات والصلوة الطیبات من رب الارضین والسموات

۶ محرم ۱۳۳۸ عبد البهاء عباس

هو الابهی

مصر حضرت افنان سدرهٔ تقدیس جناب آقا میرزا حبیب الله علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نماید (هو الابهی)
الفرع بشیق سدرهٔ المنتهی حضرت ابوی علیه بهاء الله الابهی با اخوان وارد و بتراب آستان مقدس فائز و بطواف مطاف ملأ اعلی مشرف گشتند و شب و روز بخدمات آستان مشغول و مؤنس یکدیگر ۳۸۵
بالوف بسیتم و از حق مسئلت که آنچه مشقت در این مدت کشیده اند من بعد مبدل براحت و روح و ریحان گردد و اگر چنانچه اسباب تجارت خیری را که بهم خورد امیدوار که وسائط تجارت الهیه و مشاغل روحانیه گردد که سبب ربح عظیمت فراهم آید این کسب و تجارت حطام دنیا عاقبتش خسران مبین است و آن تجارت سبب حصول کنز عظیم در ملکوت علیین مؤنس این تجارتها سبب سقیم است و مروج آن تجارت جمال ابهی لسبحان ربی العظیم پس شکر کن خدا را که اسبابی بهمت حضرت ابوی فراهم آورده که تواند بآن تجارت پردازد و البهاء علیک و علی کل ثابت علی عهد الله ع ع

از توقف در آن ارض محزون و مغموم مباشید ذالک تقدیر العزیز العلیم گر در عقاب نیک صدفش دلها و تیر بلا آید نیک بدفش جانها و امیدوار بفضل جمال مبارک بیستم که این تعب را سبب راحت عظمی فرماید و این مشقت را وسیلهٔ راحت کبری مطمئن بودید

بعنایت او باش الآن فضله علی افنان سدرة العظیم عظیم ولطفه الجلیل اجلیل والبهآء علیک

ع ع هوالابهی

۳۸۶ حضرت افنان سدرهٔ ربانیه جناب آقا میرزا حبیب الله علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند بسوی ربّ

الفروع لطیف از سدرهٔ رحمانیه آنچه مرقوم نموده بودید ملحوظ شد وآنچه مسطور بود

مشهود گردید از فضل جمال قدم وعنایت اسم اعظم امیدواریم که منشعب از عنصر جان

ودل سدرهٔ مقدسه شوی ومتصل از حقیقت روحیه ظاهره در کلمه قدسیه تا فرع بدیع

شئون تابع اصل گردد وخبر از بر سیرت وروش کل ظاهر شود قطره موج بحر باید وذرّه مهر

۳۸۸ از شجره نماید هر فکری وهر ذکری را فراموش نماید وندبر وفکری مشغول شود

که جان جهان باشد وروح عالم امکان منظر الطاف منظوری ونسمات

عین التفات ملحوظی ع ع (هوالله)

حضرت افنان سدرهٔ الهیه آقا میرزا حبیب علیه بهآء الله الابهی (هوالله)

ایها الافنون من السدرة المبارکه مکاتیب شما رسید وملاحظه گردید همیشه کمال ملاطفت در

۳۸۹ ۳۸۷ حق شما بوده وخواهد بود مطمئن باش از الطاف حق قدیم امید است که در کل فصول

چون شاخ سرو آزاد سبز وخرم باشی هر چه ارياح شدیده بوزد وحرارت متزایده

Provided by the Afnan Library

باز تر و تازه مانی تا تاخیر جواب سئوالات از انیست که جواب مفصل بحضرت ابوی علیه بهآء الله الابهی مرقوم شده است ولی موجود در اینجاست نمیشود که فرستاده چه که انیست راه وسکون و قرار مجهولست انشآء الله عنقریب راحت و آسایش حاصل میگردد و جواب ارسال میشود حضرت اخویرا آنکیرا بدیع ابهی ابلاغ نمایند و همچنین سایر دوستانرا و البهآء علیک ع ع

حضرت افنان میرزا جیب علیه بهآء الله الابهی هو الابهی

ای شاخ کاخ حدیقهٔ الهی اگر بحقیقت الطاف جمال الهی و عنایات غیبیهٔ رحمانی در حق خود واخوان خویش پی بری البته چون حامهٔ فردوس بال و پر بگشائی و در این ریاض قدس در اعلی الفروع نغمات بدیعه و الحان جمیله نغمه پردازی و نعره برافرازی و البهآء علیک ع ع

جناب افنان میرزا ضیا علیه بهآء الله الابهی هو الابهی

ای تازه نهال حدیقهٔ الهی از فضل محبوب عالم جمال قدم روحی و کینونتی فداه امید وارم که در ریاض عنایت شجری بارور و در حدائق رحمت درختی پر ثمر گردی و از نسائم جود سلطان وجود دائما در اهتزاز باشی و از فیضان ابر رحمانیت

هوالابهی

رحمانیت تر و تازه گردی ع ع

حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب آقا میرزا حبیب علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند هوالابهی

ایها الفرع اللطیف الحبیب من السدرة الرحمانیة قد اطلعت بمضامین کتابک الکریم وتلوته ملتذاً بعبار الله المنزلة الّتی کانت ناطق یا حبیب تبارک فی محبة الله و تضحیک من بعدک من مطاف الملاء الاعلی وفرط ثبوتک فی دین الله وشدة رسوخک فی شریعة الله ولمثلک من انتسب الی اروعة الرحمانیة و الجرثومة الفردانیة ینبغی الاستقامة والثبات والبصیرة المؤیدة الدالة الهادیة الی النجات حتی یأمن من کل الجهات من طوارق الشبهات لعمر الله ایها الفرع الرطیب قد قدر لافنان سدرة الابهیة مقامات سترت عن الاعین والابصار ومراتب لا ترقی الیه طیورا فکار العقلاء من ذوی النهی والوصول الیها منوط بالثبوت فی دین الله والقیام علی خدمة امر الله وانی اتضرع الی ربی البهی الابهی ان یمن علی عبده البائس المضطر المستجیر بالعروة الوثقی ان یری افنان دوحته المبارکة اشجاراً طیبة ناشئة ثابتة الاصل مرتفعة الفرع خضرةً نضرةً خضلة ریانة من غیوث الفیض الاعظم وثمرة نفواکه مالا رات عین ولا سمعت اذن انه کریم وهاب (ع ع) در خصوص مشق وتحصیل خط

٣٩٠

شبها همت کنید و همچنین در تحصیل علم و انشاء تقدر امکان چون تائید الهی ظهیر
و نصیر افنانست زود در جمیع جهات ترقی نمائید در خصوص مشرف شدن در این ایام
چون هوا و تابستان انیضعات از شدت رطوبت تغییر میکنند و امراض متنوعه
مسلط بر غربا میگردد حال زیارت را بایام خنکی زمستان تاخیر فرمائید والبهاء
علیک و علی جمیع افنان السدرة المنتهی فی سائر الجهات (ع ع)

هوالله شیراز بواسطه جناب آقا میرزا بزرگ افنان امة الله ورقه مبارکه همیشره
شان علیها بهآء الله (هوالله)

ایورقهٔ مبارکه حمد کن خدا را که از سدرهٔ مبارکه روئیدی و منتسب بعمهٔ مقدسه ئی
حال باید شکرانه این فضل و عطا بمحبت و وفا پردازی و شب و روز بذکر حق مشغول گردی
و بتبتل و تضرع پردازی آیات توحید ترتیل نمائی و بجوهر تقدیس معوث شوی و علیک
البهآء الابهی ع ع (هوالله)

ورقهٔ مبارکه سدره رحمانیه امة الله طوبی خانم علیها بهآء الله الابهی (هوالله)

ای امة الله ملاحظه نما که پرتو عنایت چگونه بر تو درخشیده و فیض الطاف چگونه
بر تو باریده در عصر ظهور و قرن مجلی بر طور موجود شدی و در ظل لوآء میثاق محشور گشتی
فیض

۳۹۰ نقشه

۳۹۱ نقشه کاتب ورود انضمام مبارک

۳۹۲ نقشه مبارک

قمیص ایقان در بر نمودی و تاج انتساب بسدرهٔ مبارکه در سر داری و متمسک بذیل عهد
ملیک ممالک غیب و شهودی والا جمیع هبا، منثورا گردد و کان لم یکن شیئا مذکورا
میشد زیرا پیمان یزدان میزانست و سفینهٔ نجاتست من دخل فیها نجی و من تخلف

عنها هلک ع ع

شیراز بمشیرهٔ حضرات افنان الورقة المبارکة طوبی خانم علیها بهآء الله الابهی هوالله
ای ورقه مبارکه نامه شما رسید همیشه منظور نظر بوده اید و مشمول مهربانی ناقتنائی اگر در ارسال
نامه یا جواب تاخیر افتد این از کثرت اشتغال و وفور مصائب و بلایای صوری
و معنوی صدور یافته انشاالله باید بجمیع آفاق نخابره کنند زیرا دائرهٔ امرالله نه چنان اتساع
یافته که تصور توان نمود هر روز اوراقی بیشمار مانند امطار از اطراف میرسد و ده نفر از قرائش
عاجز مانند تا چه رسد بنگاشتن جواب باری الله صبیهٔ غصن ان پناه آقا میرزا محمد صادق
از قبل من تحیت و مهربانی برسان بجهت آمرزش پدر و مادر او تضرع و نیاز بدرگاه بی نیاز
گردید که ای رب کریم سراج باغ جناب صادق را در گلشن ملکوت
تحل ما سبق فرما و در انجمن جهان پنهان شمعی بارق نما گناه بخشش نیاید جرعه حیات جاودان
ارزان فرما ایورقه مبارکه از درگاه باری آله تراشفا طلبم تحفل آمادالرحمن آنسامان تحیت

Provided by the Afnan Library

ابدع الهی ابلاغ دارید عبد البهآء عباس (بواسطهٔ بشیر الهی) شیراز

ورقهٔ نورانیهٔ سدره رحمانیه طوبی لخانم علیها بهآء الله الابهی (هو الله)

ای ورقهٔ سدرهٔ مبارکه این رؤیا صادقست ز بخیر کنیزی جمال مبارکست و مربوط ۳۹۴
باسم اعظم یعنی منسوب بآن و کلید ها اشاره باسنت که این ز بخیر کنیزی سبب فتوح
ابوابست و جمیع حزن دل و جانست و حفظ روح و روان امة الله المحترمه والدهٔ جلیلهٔ
بالطاف حق خورسند ما و امة الله صبیهٔ آقا میرزا محمد صادق خبّاز را بعنایت
الهیه امیدوار کن و علیک البهآء الابهی ع ع فرصت تحریر ابدا نبود ع ع

هو الله - بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا حبیب الله ادریت تلاوت شود
مناجات طلب مغفرت بجهة الله خادمهٔ بیت علیها بهآء الله الابهی هو الله

الهی الهی هذه امة اقبلت الی جوار رحمتک و توجهت الی عتبة قدسک تسئلک بفضلک
و جودک ان تکرم مثواها و تنزل لها فی نزل مغفرتک و صدائق عفوک و فردوس رحمانیتک ۳۹۵
ایرب انها خدمت عتبتک المقدسة و تعبت و تحملت و قاست المشقات فی سنین
معدودات و لم تزل کانت ترجو رضاک محتمیة الی حماک و متوسلة الی ملکوت
علاک متشبثة بذیل ردآء غناک حتی آنتهت انفاسها و کسرت اقفاسها و طارت

روحها

روحها الی فضاء رحمتک الکبری واوج غفوک وغفرانک یا من سبقت رحمته کل الاشیاء
ایرب عاملها بفضلک وجودک انک انت الکریم الرحیم الغفور العفو الوهاب وانک
انت الرحمن المنان الحنان المستعان ع ع شیراز آب ۵ سنه ۳۰

محفل تبلیغ نساء علیهن بهاء الله الابهی هوالابهی

ای آماء رحمن نامهٔ شما رسید دل وجان شادمان شد که جناب منیر تأسیس
محفل تبلیغ نمود از اینخبر نهایت شادمانی رخ داد وامید چنانست که اینمحفل باقی ۳۹۶
وبرقرار باشد وجمیع نساء یاران بهره ونصیب از ملکوت اسرار برند ومقدر بر تبلیغ
دیگران شوند تا ئیدات جمال مبارک شامل شود ونصرت ملکوت ابهی جلوه نماید
عالم نساء در دورهٔ سابق بسیار تاریک بود در این دوره بالعکس روشن گردد
وگوی سبقت از میدان بربایند نطق فصیح بگشایند وبیان بلیغ جویند ودر نهایت
شجاعت صف جنگ بیارایند وبقوت برهان وسطوة عرفان ممالک قلوب را
مسخر نمایند وعلیکن البهاء الابهی فرصت بیش از این نیست رمضان ۱۳۲۹ ۱۳۳۰
عکا بهجی عبدالبهاء عباس (هوالله)
پور سعید ورقهٔ مبارکه الله الله ضلع حضرت افنان سدرهٔ مبارکه علیها بهاء الله الابهی

هوالله ایورقهٔ مبارکهٔ شجرهٔ سنیاء شکر کن خدارا که در ظل محمود داخل شدی ۳۹۷ فضل مبارک
ودر تحت لوآء معقود در آیت میثاق محشور گشتی واز مسجد حرام مطاف ارواح روحیان
بمسجد اقصی قبلهٔ ملاء اعلی توجه نمودی وتربت مقدسهٔ معطرهٔ مغبرهٔ جبین انور حسین
نخشبی وتقبیل آستان حیات بدل وجان بذل نمودی حال در نهایت بشاشت
مراجعت بآن غلبهٔ مقدسه نما واز قبل ورقات مبارکه بالنیابه روی وموی را
بتراب آن غلبهٔ مقدسه بمال واما اگر حسن را در آنکشور بشارت رب البریه
تا کل در کمال وجد وطرب وجذب وفرح بذکر حضرت احدیت مشغول ومالوف
گردند والطاف وعنایت جمال قدیم را نجاطر آرند ودر هدایت امآء مستعده
باکمال حکمت کوشند ودر تربیت اطفال بموجب احکام الهی جهد نمایند ونیاز
ونیاز وصیام وقیام بموجب امر قطعی الهی برخیزند ع ع هوالابهی
ورقهٔ مبارکه ضلع حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
هوالابهی یا امة الله الورقة الذکیة علی سدرة المنتهی علیک بهاء الله ۳۹۸ فضل مبارک
وفضله وجوده واحسانه فی اولاک واخراک فی الحقیقه چون تصور مشقات
وبلیات ومحن وآلام وغربت وکربت آنورقهٔ مبارکه را علیها یم نهایت غموم

وهموم

و یموم حاصل میشود ولی ایورقه مطهره محزون مباش زیرا حضرت اعلی روحی له الفدا و جمال قدم کنیونتی و ذالی لاجائه فدا در این عالم ملاحظه نمائید چه بلایا و رزایا تحمل فرمودند جمیع مصائب ما حکم قطره و شبنم دارد و آن حکم بحر اعظم عنقریب مشوبات انیز حمات و خسارات این مشقات را ابصر ممنونیت مشاهده خواهی نمود ملحوظ عین عنایتی و مشمول توجهات رحمانیت مطمئن باش و مستریح شو و البهاء علیک و علی اولادک و احفادک فی القرون الآتیه (ع ع) تمت

هوالله ششم حرم حضرت آقا میرزا آقای افنان ورقهٔ مبارکه علیها بهاء الله الابهی ملاحظه نمائید (هوالله)

۳۹۹ ای ورقهٔ مبارکه شکر کن که بالطاف جمال قدیم در ظل علم عظیم در آمدی و بکمال متانت بثبوت راسخ موفق و بنور مبین هدایت یافتی حال وقت آنست که بمیثاق قویم تمسک شدید نمائی تا بر صراط مستقیم ثابت مانی حضرات افنان در ظل لحاظ عنایتند و مشمول الطاف بنهایت دستور العمل بحضرت افنان جناب آقا میرزا آقا مرقوم شد امیدوارم از رب مجید چنانست که موفق بر آنچه الیوم لازم است شوند والبهاء علیک ع ع هوالابهی تمت

ششم ورقهٔ مبارکه افنان سدرهٔ رحمانیه آقا الله حرم جناب آقا میرزا آقای

Provided by the Afnan Library

افنان علیها بهآء الله الابهی هوالابهی

ای ورقهٔ مقدسهٔ مبارکه سدرهٔ الهیه در بحبوحهٔ فردوس رحمانیه بلند شد و شرق و غرب
۴۰۰ آفاق را احاطه نمود تا توانی ناصل دوحهٔ الهیه تعلقرا محکم کن تا از مدد فیوضاتش همیشه
سبز و خرم مانی و از نفحات تقدیسش تازه و معطر گردی شکر که باین فضل و موهبت قیامی
و مفتخر شدی ع ع هوالابهی

پورتسعید ورقهٔ مقدسهٔ نوداد مریم سلطان بگم علیها بهآء الله هوالابهی

رب ورجائی ان هذه امتی من آمائک وورقة من ورقات شجرة رحمانیتک
۴۰۱ نبتت من سدرة فردانیتک اسلک بکلمتک العلیا التی جعلتها آیة وحدانیتک
ان تنبتها نباتاً حسناً وتوفقها علی الرضاعة من ثدی ربانیتک وتربیها فی مهد
رحمة وحدانیتک وتنشیها فی حصن رحمانیتک وتسقیها من ملکوتک روحیة لتکون
مستبشرة بروح الغفران انک انت الکریم الرحمن ع ع شیراز

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ وجناب آقا میرزا حبیب علیهما بهآء الله

الابهی (هوالله)

۴۰۲ ای دو نصیب رطیب سدرهٔ مبارکه نامهٔ شما رسید واز اتمام حجت بکرم

والبهاء

و انتهای حساب نهایت روح وریحان حاصل گردید حضرت مؤیدند فی الحقیقه مؤیدند
و مظفر موفقند و منور الحمدلله که در چنین طوفانی وچنین هجوم عمومی که جمیع قلوب
مشوش ونفوس مضطرب عبدالبهاء در نهایت اطمینان وسکون وقرار شمارا بحمار
بیت مکرم واداشت وحضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمدتقی
را بنیابت مشرق الاذکار مشغول نمود درچنین وقتی امری که در زمان نهایت سلامت
وامان وآسایش دل وجان مخلصین سابق پرداختند ما درچنین بلای ناگهان
با زروی دل وجان قیام نمودیم این نیست مگر از فضل نعمتهای جمال مبارک روحی
لاحبائه الفداء لهذا بجهت موفقیت باین امر عظیم باید شکرانیت درگاه رب قدیم
پردازیم که موفق برچنین خدمتی فرمود له الحمد وله الشکر علی ذلک از اشتداد مرض امة الله
الموقنه والدهٔ آقا میرزا بهاء الدین متأثر شدیم ودرکمال تأثر وتأسف مناجاتی درطلب
مغفرت بدرگاه احدیت نمودم نصّ آن مناجات درجوفست اما مبلغی که آن محترمه
وصیت نموده بود ارسید ولی بسیار بموقع درارض اقدس کار تنگ شده بود واعداد درنهایت
هجوم درمحلی بسیار لازم وشخصی بسیار سزاوار تقدیم شد این نیز دلالت برخلوص
آن محترمه مینماید وعلیکما التحیة والثناء ع ع

هوالله

ایها الفرعان الناتبان من السدرة الرحمانیه ورقهٔ مسطوره وارد و مضامین معلوم و مفهوم
۴۰۳ گردید اذن حضور بستان مقدس خواسته بودید مأذونید ولی در عید رضوان چون
جمعیت است قدری ملکه بر شمار زحمت اگر تحمل زحمتر ادارید بسیار خوب والا بعد از
رضوان والبهآء علیکم و علی کل ثابت راسخ علی المیثاق (ع ع)
شیراز حضرات افنانهای سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ جناب آقا میرزا
جیب جناب آقا میرزا ضیاء علیهم بهآء الله الابهی (هو الله)
ای افنان شجرهٔ رحمانیه نامهٔ شما رسید و بدقت مطالعه گردید این فانی آلان
۴۰۴ منفرد شند البته باید نرودی خرمند زیرا بسیار زحمت البته شما احبای الهی
در انمسئلهٔ مهمه نهایت کوشش را نمائید اگر چنانچه دراین جا نقداً موجود بود
فوراً جمیع مبلغ ارسال میگشت ولی مصارف اینجا بیحد و شما رواین مبلغ حاضر نه
ولی هزار تومان بهرقسم است ما میرسانیم بلکه انشاء الله احبای الهی و محفل روحانی
دراین امر مهم جانفشانی نمائید یا شما موفق بآن گردید که انمبلغ را تقسیط بدو سال
نمائید و این هزار تومان به حاجی امین تلغراف شد که فوراً برسانند و انمبلغ
هزار تومان بهرقسمی هست ارسال خواهد شد مطمئن باشید و از مصارف بیت
مبارک

مبارک هر سال مرقوم دارید از انجا ارسال میگردد واز الطاف حضرت مقصود امیدوارم
که حضرات افنان سدرهٔ مبارکه در جمیع شئون ممتاز باشند وسبب ترویج ایمان
وپیمان تا تأییدات جمال مبارک احاطه کند وآنچه ثمرهٔ وجود است حصول یابد وعلیکم
البهآء الابهی جناب استاد محمد بنا بخدمات مبروره مؤید وموفق نهایت
مهربانی وخلوص نیت ومحبت از قبل عبدالبهآء برسانید از عدم فرصت مختصر
مرقوم گردید العذر عند کرام الناس مقبول عبدالبهآء عباس
شیراز حضرات افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ وجناب آقا میرزا
حبیب علیهما بهآء الله الابهی (هوالله)
ایها الفرعان من الشجرة المبارکه نامه شما رسید از مضمون مفهوم گردید الحمدلله
در این سنین انقلاب خطه شیراز ثبوت واستقامت دمساز وومن وفتوری
حاصل نگشت واین سبب فرح قلوب شد اگرچه بعضی نوسان همهمه ودمدمه انداختند
ولکن این چون کف دریا فاما الزبد فیذهب جفاءً واما ما ینفع الناس فیمکث فی الارض
با وجود صریح الواح آلیه که تا الف سنه ظهوری نه وعبدالبهآء بعبودیتی قائم
که خود را تراب اقدام میشمرد ونفسی جز از خوف وخشیت حضرت کبریا ابراز نماید

۴۰۵ صفحهٔ کتاب اقنان سدرهٔ مبارک

Provided by the Afnan Library

چگونه نفوسی ضعیفه ملبذ پروازی نمایند و اظهار بستی کنند قطعاً عبودیت محضه بی تاویل
را از عبدالبهآء تحصیل کنند الی الآن کلمه که دلیل بر وجود باشد از فم او صادر نشده تا چه رسد
بشنوئی دیگر لابد وقوعاتی احیاناً چنین واقع خواهد گشت والکن احبا باید چنین اشخاص را
بکال خود بگذارند نه پیروی نمایند ونه پرده دری کنند وبا نهایت حسن معامله نمایند
باری افنان باید در نهایت ثبوت واستقامت باخلاق الهی ناس را تشویق وتحریص نمایند
نظر غایت الهیه شامل ونتائج وآثارش ظاهر وباهر خواهد گشت از صعود نفوسی از احبا
که بملاء اعلی شتافتند از جهتی احزان هجوم نمود زیرا فراقشان بر یاران سخت
واقع شد ولی از جهتی دیگر اطمینان بعفو وغفران حضرت رحمن است که آن نفوس
مقدسه در جهان نامتناهی مظاهر الطاف ربانی گشتند وآنچه در جهان عنصری
کشتند در عالم الهی خرمنی اندوخته یافتند از اینجهان ست عناصر ربا یافتند
وحقیقتی از عنصر رحمانی جستند ومستغرق بحر انوار گردیدند سهل الله ان یشملهم
بلحظات اعین رحمانیته فی عالم الانوار آن ربی لغفور رحیم وعلیکم البهآء الابهی ۳ آذار ۱۹۱۹
این آیه قرآنرا تلاوت نمائید فسوف یعطیکم ربکم فترضی مطمئن بفضل مخصوص باشید

(عبدالبهآء عباس)

شیراز

خط کاتب مورد انتقاد مبارک

۴۰۶

شیراز حضرات افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ و جناب آقا میرزا جیب علیهما بهاء الله الابهی

هوالله ای دو افنان شجرهٔ مقدسه مکاتیب شما رسید ولی جواب تأخیر افتاد زیرا کسالت مزاج شدّتی بود که تحریر جواب ممکن نه البته معذور خواهید داشت بجهت بنا ربیت موازی صد لیرهٔ فرنگ دی یکماه پیش ارسال شد خواهد رسید و همچنین قبوضاتی که خواسته بودید هرچند از پیش ارسال شده بود معلومت رسیده لهذا نسخهٔ ثانی ارسال میشود واما در خصوص بیت بعضی سؤالات نموده بودید این سؤالات ابداً لزوم ندارد همانست که از پیش مرقوم شد باید از بیت اصلیه ابداً تغییر ننماید مقصود ترزین بیت مقصود انیست که جمال اعلی حضرت نقطهٔ اولی روحی له الفدا، وقتیکه در آن بیت محترم بودند همان وضع و کیفیت عیناً باقی و برقرار بماند بهیچوجه من الوجوه از جمیع خصوصات جزئی و کلی تغییری نیابد البته این لازمست والّا اگر خشتی از ذهب و خشتی از فضه و مرصع نباشد سزاوار اعظم از آنست شما نظر باین داشته باشید مقصود حفظ بیت اصلیه است که بهم نخورد و همچنین نقوش و ابواب و سایر متفرعات واما در خصوص زمین پورت سعید در زمانیکه حضرت والد مرحوم در پورتسعید بودند و خیال مراجعت

بشیراز داشتند بمن نوشتند که شما بجناب آقا احمد امر بکنید که زمین میرزا آقا را
بخرند زیرا ما محتاج بمصرف راه هستیم من نیز در همانوقت باقا احمد نوشتم
و آقا احمد آن زمین را خرید و اوراق مبادله در سمیه را پیش من فرستادند
و آن در دریای اوراق من است بعد از رفتن حضرت افنان آقا احمد
آن اوراق را خواست نوشتم که من فرصت ندارم که این اوراقیرا که باکتب
و الواح در محلی مستور گذاشته شده است حال بدست آرم لهذا شما
دوباره بحضرت افنان بنویسید که از جناب آقا میرزا آقا سندی گرفته
ارسال دارند و همانوقت حضرت افنان گرفته ارسال نمودند و اینمعامله بواسطه
من اجرا شد و آن اوراق اوّل در میان اوراق من محفوظ ولی مهلت
لازمست که در وقت فرصت جستجو شود و ارسال گردد و الآن اوراقی
که دوباره در زمان حضرت والد بواسطهٔ خود حضرت والد از جناب آقا میرزا آقا
گرفته شده است در نزد آقا احمد موجود است و این باطلاع من شده نیست
حقیقت واقع از قرائن چنین معلوم میشود که حضرت افنان امینه را
از شما مکتوم داشتند البته گمان مفرمائید که جناب آقا احمد در این خصوص

دیپ سپ

رسیدی نموده اند یا باجناب آقا میرزا آقا مواصله نی کرده اند اینمعامله
در نهایت کمال مجری شده و حضرت افنان کردند و اگر قصوری واقع در بدایت
واقع که اطلاع نشمانداردند و جواب شما در اینخصوص بجهت ضعف مزاج
تا بحال تأخیر افتاد و شما که افنان سدرهٔ مبارکه هستید باید در امور نهایت
دقت را مجری دارید و در حق نفسی تا توانید کمان نبرید از خدا خواهیم
که روز بروز بر ایمان و ایقان و خضوع و خشوع و فقر و فنا و محویت تام
بیفزائید و علیکما التحیة والثناء ع ع شیراز

حضرات افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا بزرگ و آقا میرزا حبیب الله و آقا میرزا
ضیاء الله علیهم بهاء الله الابهی (هو الله)

ایها الفروع من الشجرة الرحمانیه دو نامه از شما رسید که الحمد لله دلیل جلیل
بر ثبوت و رسوخ بر امر رب کریم بود الحمد لله موفق بخدمات بیت هستید
و باین موهبت کبری مؤیدید و در ملکوت ابهی مذکور و در نزد عبد البهاء مقبول
قدر این عنایت الهیه را بدانید و بشکرانهٔ جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء
بپردازید الحمد لله صیت امر الله شرق و غرب را احاطه نموده و رایت یا بهاء الابهی

Provided by the Afnan Library

درخاور و باختر موج میزند من بعد زحمت شما از کثرت زوار بسیار خواهد شد
از حالا باید که خود را حاضر نمائید تا جمیع زائرین و واردین نهایت سرور و فرح
و روح و ریحان حاصل نمایند امید چنانست که مبلغین در آن خطه و دیار موفق
بخدمات فائقه گردند جناب منیر نجم ساطع انور است فی الحقیقه چنانچه باید و شاید
پرداخته جناب ناطق سراجی بازغ است در هدایت نفوس میکوشد جناب وحش
نبیتی صادق و فکری ثاقب و رحی بارق هدایت نفوس میپردازد قدر این مبلغین
را بدانید زیرا در امر الله جانفشانند هر مبلغی که بموجب نصایح و وصایای الهی
سلوک و حرکت مینماید کوکب درخشندهٔ افق عنایت مسائلی که در میان
شما و محفل روحانی اندک اختلافیست حواله بجناب میرزا محمد باقر خان کرده که ایشان
نهایت روح و ریحان التیام دهند و سبب راحت و آسودگی قلوب گردند زیرا اختلاف
روز بروز سبب نفار میگردد و علیکم البهاء الابهی ۹ شعبان ۱۳۳۹ عبد البهاء عباس

هوالابهی ۴۰۱ ایفروخ نامهٔ از سدرهٔ منتهی نامهٔ اخیر شما رسید که خانهٔ
معهود را در ۲۲ ماه رمضان به دو هزار و ششصد تومان نقدا بمبلغ نکصید و بنقاد و
پنجتومان بعنوان مصالحه حق عنبن که جمعش دو هزار و هفتصد و نقاد و پنجتومانست

الام

اتمام یافت این هفتصد و هفتاد و پنجتومان اخیر نیز بهر وسیله باشد تهیه و ارسال
میگردد حساب خرید خانه را ناطق مرقوم دارید که درست داده شود اما مسئلهٔ
قباله خانهٔ نعمت آباد دو مرتبه است که ما خریدیم باز از دست ارکان راست میرود
یکدفعه بنام آقا سید احمد مرحوم و یکدفعه بنام حاجی حسین بعد از فوت هردو باز خانه
از دست رفت نوعی مجری نمائید که در آینده مشکلاتی حاصل نگردد و علیکم
البهاء الابهی ۲۶ ذی حجه ۱۳۳۸ حیفا عبدالبهاء عباس

هوالله شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا حبیب الله علیه بهاء الله الابهی هوالله
الفرع شجرهٔ حقیقت مقبول بارگاه جبیب حقیقی گشتی و منصرف درگاه طبیب روحانی
و مظهر عواطف حضرت سبحانی زیرا امور و تعذیب و اذیت ستمگاران شدی و معرض
جفای جاهلان از سنگ پرتاب مبغضان اثری از چشم و جبین حاصل شد و ضرری
چون رنج عظیم این سنگ هرچند ننگ ستمگاران بود ولکن دلیل بر هوش و فرهنگ
آن مظلوم مهربان چنانکه گفته اند وکم فی الارض من خضر آه و یا لیته ولیس یرجم
منها الا مالهٔ ثمر در وقت اذان در کوره فرقان دست به بنا گوش نهادن سنت قدیم
و عادت دیرین مؤذنان است زیرا در بدایت انتشار دین الله در مدینه چون بانگ

۲۱۰ ۲۰۹ خط کاتب دوم و امضاء مبارک

اذان بلند شد از اطراف مؤذن از اسنگ نمودند لهذا هرکس اذان گفتی دوست
را بناگوش نهادی تا سر از سنگ هردو اختر محفوظ و مصون ماند باری این جفا را
در راه وفا کشیدی و این محنت و اذیت را در محبت حضرت احدیت تحمل نمودی
شکر کن خدا را که باین عطیهٔ کبری موفق و مؤید شدی حضرت افنان سدرهٔ تقدیس
جناب ابو یرا تبکیر امدع الهی ابلاغ نمائید و بهمچنین سائر اخوان و ورقات
مبارکه را و علیک التحیة والثنا ع ع (هوالله)

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا حبیب علیه بهاء الله الابهی (هوالله)
الفیرخ سدره مبارکه از روزی که شما رفته اید همه بفکر شما هستم که در این سفر بهیچوجه
فرصت معاشرت و الفت با شما ننمودم اگرچه در هر دمی همدم بودم و در هر نفسی
مونس و محرم ولی چون این ارض منقلب و این عبد در صد هزار گرفتاریها و بلیات شتی
و جهتی مبتلا لهذا هر شب و روز مصاحبت نتوانستم و مجبور از زودی خوف از وقوعات
ناگهانی چون واقعهٔ روز صعود که حاضر نبودید شما را هرچند فرستادم ولی در قلب همیشه
بیاد شما هستم و فراموش ننمودم از فضل جمال قدم و اسم اعظم روحی لاحبائه الفدا
امیدوارم که در ظل عنایت محفوظ و مصون باشید و شب و روز بخوشی باشید که آنات فانیه

دارم تب

در مراتب قرب ترقی و صعود فرمائید الفرع لطیف تکلیف الیوم عظیم است عظیم
باید دامن خدمت بر کمر زد و در مراتب عرفان یوماً فیوماً ترقی نمود تا بعون و صون
حضرت قیوم چون سراج نورانی در زجاجهٔ امکان برافروخت والبهآء علیک و علی
کل ثابت علی المیثاق ع ع

شیراز حضرات افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا بزرگ و آقا میرزا حبیب الله و آقا
میرزا ضیاء علیهم بهآء الله الابهی (هوالله)

ایها الافنان للشجرة الرحمانیة نامهٔ شما بتاریخ ۷ ربیع الاول ۳۳۹ وصول یافت
ولی عبدالبهآء در جواب مجبور بر اختصار است شخص ازلی اگر خواهش زیارت بیت الهی آید ۳۱۱
نماید و این نتیجش صادقه باشد نه آنکه مقصد عناد و جدال و القای شبهات
باشد مساعدهٔ زیارت نمائید این نفوس هرچند طواف بیت خواهند
ولکن از رب البیت غافلند باری بکمال رأفت هدایت این نفوس را بخواهید
و چون جبل راسخ شبهات این نفوس را مقاومت نمائید و لکن ملایمانه صحبت
بدارید از روزیکه مقام اعلی مرتفع و دیدهٔ عموم اهل ایمان روشن و علم عزت
امر الله بلند شده یکنفر از این نفوس غافله بزیارت نیامد لهذا از این آمدن

Provided by the Afnan Library

بزیارت بیت مقصدی دارند شاید القاء شبهاتی نمایند دیگر فکر نمیکنند که کار از این حرفها گذشته زیرا صیت و صوت امرالله شرق و غرب را احاطه نموده و در قصعات خمسهٔ عالم هادر و باخترلغرهٔ یا بهآء الابهی و یا علی الاعلی ملند است و علم حقّ الحق و زهق الباطل موج میزند ملاحظه کنید که چقدر دسیسه است اهل شبهات بیانی یک عکس وهمی درست کرده اند و بحضرت اعلی روحی له الفداء نسبت میدهند و حال آنکه شمائل صحیح حاضر و موجود و شما دیدید که اینعکس موهوم چه قدر نامناسب شمائل مبارک نیست و سواد این نامه را بهائی ریز و شهرهای دیگر شیراز نزد محرمان عاقلان بفرستید و سفارش شرح دهید نمایند در فقرهٔ بیت مکرّم محترم مطاف ملأ اعلی که از پیش مرقوم شد مقصود آنیست که حال چنان مجری دارید که در استقبال شاید از اولاد و احفاد نفسی بمبارزه بپردازد و مزاحمتی نکنند و نگویند من وارثم میخواهم بفروشم مقصود این ملاحظه بود و علیکم البهآء الابهی

۷ جمادی الاولی ۱۳۳۹ عبدالبهآء عباس (هو الابهی)

۳۱۲ حضرت افنان مناجاتی چند ماه پیش طلب عون و الطاف بجهت عموم افنان سدرهٔ تقدیس و ذکر اوصاف فروع شجرهٔ رحمانی از درگاه احدیت گردید ولی خبر وصول نرسید و همچنین هزار تومان حواله بجهت خرید خانهٔ جوار حواله گردید از شیراز در اینخصوص نیز

نیز خبری نرسید حال مقصد تفصیل آنخانه واز امین تا بحال چه رسیده مرقوم دارید ولی بکمال
عجله واگر چنانچه فرصت ندارید بکس دیگر ممکن است که مرقوم دارد باو تکلیف کنید
مدتی است که از هیچیک از حضرات افنان سدرهٔ مبارکهٔ شیراز بکلی نه خبری ونه نامه‌ئی
بمن نرسیده باری باوجودانیکه من از کثرت خوائل وشاغل ومهالک ومضطربات
ومحن برات باجمیع اقالیم عالم دقیقه‌ئی وقت ندارم باز بخط خود مینگارم ملاحظه کنید
که چقدر مواظبت دارم مقصود انیست که ملکه انشاء الله آن خانه جوار حرم
مقدس خریده شود وکسی نه شفاها ونه خطاً عبارت الفائی دارد مانند بنیان مرصوص
رصین الی الابد بعون وعنایت جمال مبارک ثابت ومستقیم وحضرات افنان
سدرهٔ مبارکه را هردم فوزی عظیم وفیضی مبین خواهیم من چنین وعلیکما البهاء الابهی

عبد البهاء عباس

الهی الهی انک تعلم بانی احب بکل قلبی افنان سدرة رحمانیتک وفروع شجرة
وحدانیتک وارجوک ان تؤیدهم علی الوصول الی اعلی الدرجات فی النشأة الاولی
والنشأة الاخری رب اجعل وجوههم توقد وتضیئ کالسراج فی الصف زجاج
نور علی نور انک انت القوی القدیر عبد البهاء عباس (هو الله)

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهآء الله هوالابهی
ایها الافنان الثابته من السدرة المبارکه نامهٔ مورخ به ۲۰ محرم ۱۳۳۹ سید از مضامین
نهایت انبساط و انشراح حصول یافت زیرا دال بر آن بود که در خصوص خانه الحمدلله
تمشیت حاصل و آنخانه ملحق به بیت مبارک گردید الیوم سرور عبدالبهآء باین امورات
که تعلق بحضرت اعلی و نقطهٔ اولی روحی له الفدآء دارد یا تعلق بعتبهٔ مقدسهٔ مبارکه حضرت
بهآء الله روحی لعباده الفدآء باری حمد کنید خدارا و شکر نمائید که بچنین موهبتی موفقید
و بچنین خدمتی مؤیّد دوهزار تومان بواسطهٔ جناب امین حواله شد الحمدلله رسید
از الطاف الهی امیدوارم که در جمیع مراتب موفق و مؤیّد شوید حسابی که ارسال
نموده بودید ناطق و واضح بود عبدالبهآء عباس ۲۰ ع ۱۳۳۹/۲

۳۱۳ خطاب به افنان مبارک

حیفا

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا بزرگ علیه بهآء الله (هوالله)
ای افنان شجرهٔ بقا جناب آقا محمود عصار مکتوبی بواسطهٔ شما ارسال نمودند و استدعای
اذن حضور به بیت معمور نمودند ماذونند خبر کسالت و انکسار مزاج حضرت
افنان سدره بقا بسیار سبب حزن و تاسف گردید از حق میطلبیم که بآنچه رضای
جمال محبوب است بآن برسیم در سبیل او جام فدا طلبیم و راه هدی پوئیم و روی او جوئیم

۳۱۴ خطاب به افنان مبارک

پشت‌نویس

ستایش او گوئیم و هر سو که روان گردیم توجه با و نمائیم هر چند از خبر نبای مطاف
عالمیان بیت مقدس بسیار روح و ریحان حاصل شد ولی حوادث مکدر مزاج
حضرت افنان بسیار سبب حزن شد امیدوارم که این حزن مبدل بسرور گردد
و علیک التحیة والثنآء ع ع

هو الله

شیراز حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا حبیب علیه بهآء الله الابهی هو الله
اینبدهٔ حق آنچه بجناب آقا سید تقی مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید مطمئن بفضل و عنایت حضرت
احدیت باشید آنچه تقدیر فرمایند خیر عموم باشد حکمت بالغهٔ الهی بسیار است لابد ظاهر ۴۱۵
خواهد شد حرکت جناب بشیر الهی هر چند سبب حزنست اما حکمتی در آنست شما توکل نمائید
و از هیچ امری محزون و مشوش نگردید جوهر توکل حیات روحانیانست و حقیقت توکل
سرمایهٔ رحمانیان حضرت والد جلیل را تحیت روحانیه ابلاغ دارید و همچنین حضرات
اخوان را بدیع بیان تحیت مشتاقانه ابلاغ دارید و همچنین سائر احبای آنسامان کمال
اشتیاق از قبل ایشان اظهار فرمائید و علیک التحیة والثنآء (ع ع) هو الله

قطر مصر حضرت افنان جناب میرزا حبیب علیه بهآء الله الابهی هو الابهی
ایها الفرع اللطیف من السدرة المبارکه استبشر بنفحات انتشرت من حدیقة التقدیس

خط مبارک ۴۱۶ واستسق من الغیث الهاطل من سحاب فیض ربک وامش بین الخلق باطوار الجذب بما طوب اهل التوحید وعاشر کل حبیب یدعوک الی ربک الجلیل ع ع (هو الله)

بواسطهٔ جناب آقا میرزا علی اکبر زائر جناب آقا میرزا حبیب الله افنان واخوانشان علیهم بهآء الله الابهی (هو الله)

جناب زائر حاضر خبر ندارد که آنجناب نامه‌های متعدد از عبد البهآء دارد لهذا باز خواهش نگارش این نامه مینماید محض خاطر ایشان باز خامه بحرکت آمد و تحریر پرداخت تا بدانی

خط کاتب ۴۱۷ که در این انجمن رحمانی مذکوری و در عتبهٔ حضرت سبحانی مشهور و عبد البهآء در جمیع احیان بیادت مألوف وعلیک التحیة والثنآء ع ع هو الله

آبادی جناب افنان آقا سید آقا ابن حضرت افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا آقا علیهما بهآء الله الابهی (الله ابهی) ای نابت از سدرهٔ مبارکه

خط مبارک ۴۱۸ چون بشرف انتساب فائزی باید بصفت کمال در کل مراتب ممتاز باشی تا انشآء الله سلاله جان ودل گردی واز آب وگل کلی منقطع شوی وآن شئون فانیه از تجلیات حی قیوم است بکوش تا از آن انوار متنور گردی واز آن آیات متنبه وعلیک البهآء ع ع هو الله

ش

ش حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید آقا علیه بهآء الله هوالله
خط مبارک ۴۱۹ ای افنون سدرهٔ رحمانیه درجمیع احوال واحیان بیاد شما مشغولیم واز فضل حضرت ودود
امید واریم که بخدمت مربی غیب وشهود موفق ومؤید گردی وبآنچه سزاوار عبودیت
آستان مقدس است موفق ومؤید شوی تا در خضوع وخشوع وتضرع وتبتل وتذلل ونیاز
انباز ودمساز عبد البهآء گردی تلک سجیة کل عبد منیب اخلص وجهه لله رب العالمین
تصویر سؤال الله ان یوفقک علیها ع ع (هوالابهی)
پورتسعید حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا ضیآء الله علیه بهآء الله الابهی
هوالابهی
خط مبارک ۴۲۰ الفرع سدرهٔ مبارکه ورقهٔ مکتوبه ملاحظه گردید نفحهٔ خوشی
استشمام شد الیوم نفوسی در ظل سدرهٔ الهیه مستظل گشته اند که عنقریب حرارت
قلبشان جهانرا باشتعال آرد امید وارم که آنفرع بدیع یکی از آن نفوس قدسیه
وهیاکل روحیه گردد زیرا از شجرهٔ مبارکه نابت لهذا اولی باین منقبت عظمی والبهآء
تصویر سؤال علیک ع ع (هوالله) پورتسعید
خط مبارک ۴۲۱ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا ضیآء علیه بهآء الله (هوالله)
الهی الهی انت الذی غرست شجرة رحمانیتک فی فردوس فردانیتک

وسقیتها من معین صدائیتک حتی انتشت ونمت وطالت وتفرعت وتشعبت واثمرت
وملئت شرق الوجود وغربه ومن فروعها هذا الافنون آثابت الراسخ علی میثاقک المتشبث
بحبل عهدک ایرب انت تعلم بانی احب هذا الافنون من کل قلبی ومن کل روحی ومن کل
فؤادی وانی راض منه اسئلک بفضلک وجودک ان ترضی عنه واجعله آیة فضلک
انک انت الکریم الرحیم العفو الغفور ع ع

بشیراز

جناب افنان سدرهٔ مبارکه حضرت میرزا ضیاء الله علیه بهاء الله الابهی (هو الله)
یامن انتسب الی الشجرة المقدسة نامه رسید واز معانی کلمات تجلی ملکوت رب آیات واضح
گردید دلیل برایمان وایقان وثبوت برعهد وپیمان بود الیوم بمقامت عین کرامت وسبب
مقاومت امتحانات شدیده وثبوت برعهد وپیمان توچون درخشش آنی باقی الی الابد باقی
خوشا بحال توکه خالصی ومخلصی ازخبر مولود جدید سروری جدید پدید شد که الحمدلله این طفل
درظل عنایت تولد یافته نشاء الله ازنفحی محبت الله پرورش خواهد جست ودرمهد
معرفت الله نشو ونما خواهد کرد نام میرزا آقا بنویسید تا یادگاری آن افنان سدرهٔ رحمانیه
ومقرب درگاه حضرت احدیه گردد انه الله الموفق الورقة المبارکه والدهٔ وسایرین
را تحیت محترمانه برسان وعلیک البهاء الابهی ع ع هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب میرزا ابراهیم علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی ابهآ الفرع الجمیل من الشجرة المبارکة الیوم شئون نفوس منتسبهٔ ۴۲۳
بشجرهٔ الآیه انیست که چون ستارهٔ صبحگاهی از افق عالم و مشرق امم بدرخشند و چون
آیت باهره و رایت ظاهره بر اطلال وجود لامع و مشهور باشند امواج بحر اعظم
لئالی مبین نثار نماید و فیضان غمام اکرم غیث جلیل احسان کند سدرهٔ ایقان ثمار
لطیف بار آورد و ارض طیبهٔ طاهره کل ریاحین بار آورد از فیض قدیم ربّ جلیل
امید واریم که افنان دوحهٔ تقدیر را موفق باستفاضهٔ از ملکوت ابهی فرماید و در کهف حمایش
از جمیع طوارق و موارد محفوظ و مصون دارد که در کمال ظهور محفوظ مانند عبد البهآء ع
جناب سلطان محمد خان جناب سلطان باقر خان جناب شاهزاده غلامحسین میرزا جناب
حاجی میرزا بزرگ افنان جناب احسان الله پسر جناب آقا میرزا اسمعیل خان جناب آقا میرزا
اسمعیل خان جناب حاجی میرزا حبیب افنان جناب آقا میرزا ابوالقاسم ساعت ساز
جناب حاجی میرزا رضا جناب آقا میرزا باقر خان اصفهانی جناب میرزا عبد الحسین جناب آقا
میرزا علی آشتانه دار جناب آقا میرزا خیاط جناب آقا میرزا محمد صادق خبّاز جناب آقا میرزا
اسد الله جناب خادم باشی جناب نایب رضا قلی جناب آقا علی اکبر جناب میرزا احسن

پسر آقا میرزا ابوالقاسم جناب آقا محمد برادر ایشان حضرات ایشان جناب آقا میرزا یحیی خان
جناب آقا میرزا علیمحمد خان جناب آقا میرزا ابراهیم خان پسر جناب آقا میرزا اسمعیل خان جناب آقا
میرزا محمد جعفر خان علیهم بهاء الله الابهی (هو الله)
اینده گان جانفشان جمال اهی صفحهٔ نورانی ونقشهٔ شمائل رحمانی یاران روحانی ملاحظه گشت ۴۲۳
از نورانیت آن وجوه روحانیت حاصل شد وسرور وفرح در قلوب صفوه نمود هرچند
شمائل جسمانی نبود ولی بحقیقت جمال روحانی مشهود زیرا در جبین محبت نور مبین آشکار یا حبذا ۴۲۴
تلک الوجوه النورانیه ویا فرحاً لتلک النفوس الرحمانیه ویا سروراً لتلک الحقائق الروحانیه
انی اتوسل بالعروة الوثقی واتشبث بذیل ردآء الکبریآء وارجو الله ان یؤیدنا تلک الذوات
المستبشرة ببشارات الله علی اعظم مواهب قدرته فی ملکوته الابهی ویجعلهم آیات باهرات
ونقوشاً ثابتة فی اللوح المحفوظ والکتاب المسطور ویجعل الوجوه خاشعة التوجه الی الجمال
الابهی فی النشئة الاولی والحیات الاخری وعلیکم التحیة والثنآء
الهی الهی هؤلآء قد نقبتهم من مرقد الهوی وحشرتهم فی یوم التلآق تحت لواء العطآء
واجتبیتهم لمحبتک بین الوری واخترتهم لظهور مواهبک علی الملا ربّ ربّ اجعل تلک
الوجوه الناضره مرآیا انوار موهبتک الکبری وتلک الاعین الناظرة قریرة ببشارة

انوار

بانوار الافق الاعلی انک انت تؤید من تشآء علی ما تشآء وانک انت المعطی الکریم العزیز
الرحیم الوهاب ع ع بواسطهٔ جناب بشیر

شیراز اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الابهی (هوالله)

الهی الهی هولآء عباد اجتبیتهم لخدمتک وامرک واعلآء کلمتک ونشر نفحات قدسک
ربّ اخلص وجوههم لوجهک الکریم وثبتهم علی صراطک المستقیم واقمتهم علی خدمة
امرک العظیم واجعلهم آیات الهدی بین الوری لینشروا آثارک ویقتبسوا انوارک
ویطلعوا باسرارک ویتنوروا بهم موطن نورک المبین ومتفرجهالک العلی العظیم ربّ
اشعل درجاتهم وشرّح صدورهم وثبت کلماتهم وانشر آثارهم بین خلقک انک
انت المقتدر العزیز القوی القدیر ع ع (هوالله)

ای یاران عزیز شیراز موطن حضرت نبی نیاز است باید مطلع انوار اسرار گردد وانجمن
عاشقان باید در آن دیار آهنگ وجد وطرب ملکوت انوار رسانند ع ع

شیراز اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الابهی (هوالله)

ایمندگان مقرب درگاه جمال مبارک شکر کنید خدارا که در موطن حضرت اعلی
روحی له الفدآء انجمن آراستید والفت ویگانگی خواستید محفل روحانی تاسیس نمودید

و بخدمت آستان ربانی قیام گردید آن اقلیم جنت النعیم است و آنکشور منور و معطر از نسیم گلشن علیین آن خاک پاک است و آنخه و دوثغور تابناک زیرا موطن آفتاب افلاکست شما چون در آنخطه قیام برخدمت نموده اید و در خبو دیت آستان شریک و سهیم این گلشن گشته اید باید بنهایت شادمان باشید و کامران گردید و مفتخر و مباهی بفضل نامتناهی الهی که بچنین امر عظیمی موفق شدید که نهایت آمال متقربین است و منتهی آرزوی اهل علیین آما عبدالبهآء را نهایت آرزو و آمال خادمی آنمحفل روحانیست تا بالطاف ربانی و فیض صمدانی و نفحه رحمانی مصدر خدمات یاران آسمانی گردد دفتر اعانات اطراف بجهت ستمدیدگان نیز رسید و نهایت سرور و قرائت گردید و قبوضات ارسال میشود و علیکم البهآء الابهی ع ع

شیراز اعضای محفل روحانی علیهم بهآء الله الابهی (هو الله)

ایندگان جمال ابهی نامهٔ شما رسید مضمون مفهوم گردید و همچنین نامه یکه بحضرت افنان سدرهٔ مبارکه علیه بهآء الله الابهی مرقوم نموده بودید و همچنین جواب نامه از انحضرت لشما کل نهایت وقت قرائت شد از عدم فرصت مجبور بر اختصارم از تأیید غیبی جمالقدم روحی لاحبائه الفدآء الحمدلله بیت مکرم از حالت اندراس بیرون آمد

خط کاتب ورود نامه مبارک ۴۲۷

تکرار بر اساس اصلی و ترتیب قدیم بنا و انشا شد و بقدر امکان تفرعات تزیید یافت
و تأییدات اسم اعظم کم کم توابع آن بیت معظم مانند مسافرخانه و مدارس ایتام و بیت
عجزه و غیره کل نیز اتمام و تکمیل میشود خانمی که تعلق بافنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی
سید مهدی علیه بهاء الله دارد باید خودشان تعمیر نفرمایند سهیم و شریکی در آن تعمیر
نداشته باشند لهذا خدمت ایشان مرقوم فرمائید تا بهر نوع مصلحت دانند مجری
فرمایند تأخیر ابدا ننمائید در انگونه امور تهاون و تسامح جائز نه واز فضل وافی جمال
قدم روحی لاحبائه الفداء امید وارم که آن حرم مبارک در نهایت عظمت در مستقبل جلوه
نماید و بر دوام عزت ابدی مخلع گردد شمول الطاف را ملاحظه نمائید که نهایت آمال نیز
ملکوت صبح هدی نقطهٔ اولی حضرت اعلی روحی له الفداء این بود که طلعت مقصود
جمال معبود شمس حقیقت حضرت من یظهره الله در یوم ظهور ذکری از آن شجرهٔ طور فرماید
حال در ظل عنایتش حتی ترائی که منتسب بحضرت اعلی روحی له الفداست ارتفاع یافت
و روز بروز معمور تر گردد و توابع حرم معظم اتساع یابد و علیکم البهاء الابهی ع ع

شیراز اعضای محفل روحانی علیهم بهاء الله الابهی (هو الله)

ای مقربان درگاه کبریا نامهٔ شما رسید و رقه‌ئی که حوف بود بسیار سبب سرور گردید

که آنشخص محترم چنین اقدامی فرمود و چنین اتفاقی نمود آنچه در مدت حیات همت فرمودند
و مجری داشتند و منبدول کردند جمیع فراموش میشود این امریست طبیعی ولکن این همت ۴۲۸
که تعلق بماورآء الطبیعه دارد هرگز فراموش نخواهد شد والی الابد در مرور قرون واعصار
مشهور زمانه مشکبار خواهد گردید زیرا این قضیه در ظل وجه واقع کل من علیها فانی
ویبقی وجه ربک ذوالجلال والاکرام و همچنین سبب عزت ابدیه در دو جهان خواهد
گشت سبیل جلیل الشان در پاریس ملاقات شد ونهایت الفت حاصل گشت فی الحقیقه
شایان و سزاوار و بزرگوار است و همچنین ملاحظه نمائید که قوه امر الله چگونه در ظهور
و بروز است که همچنین شخص جلیلی از برای چنین موقعی که آن حبه معطر یک شب دو شب
در آنجا امانت گذاشته شده بود این حبه معطره از خوف اباعت اعداء پنجاه سال
ممکن نشد در جائی قرار یابد زیرا اعدا در صدد بودند و اگر بدست اعدا افتاده بود آنرا
میزدند حال بمقامی رسیده که چنین نفس محترمی در موقعی که رائحه ئی از آن حبه معطر
وزیده چنین جانفشانی مینماید و ندا من فضل ربی فاعتبروا یا اولی الابصار وعلیکم البهآء

الابهی عبدالبهآء عباس ۱۰ رجب ۳۳۸ حیفا

(هوالله)

الهی الهی ترانی خائضاً فی غمار البلاء وغریقاً فی بحار البأساء والضراء مدفوناً بین انصال مطعوناً برماح الجور
والجفاء مجروحاً بنطباء الشدة والبغضاء ولم یبق یا الهی موقع من جسدی الا وهو جریح السهام ٤٢٩
ولم یبق موضع من کبدی الا وهو قریح الرماح ولم تنزل علی بدء المصیبة الدهماء ولا الرزیة
العمیاء الا لتبتلی وتضرعی الی حضرت احدیتک وتوجهی الی ملکوت رحمانیتک وما نقموا
منی الا ان آمنت بک وبآیاتک وما انزلته من کتبک وصحفک وما ارسلته من سلک
هذا اجری وخطائی وکرتی وبلائی مع ذلک ادعوک بلسانی وارجوک بجنانی ان تعفو
عن اقربائی الذین افتروا وجاروا علی واعتدوا وبغوا وتمکنوا وفکروا رب اغفر ذنوبهم واکشف
کروبهم وسهل امورهم وانزل علیهم رحمتک ولا تحرمهم عن موهبتک لانهم جهلوا وغفلوا ولو علموا
لم یفعلوا فینبغی لرحمانیتک ان تستر عیوبهم وتعفو عن ذنوبهم انک انت الرحمن الرحیم ثم ادعوک
ان تحفظ اولیائک فی صون حمایتک وتحرس اصفیائک فی کهف رعایتک وتشمل ارقائک
بلحظات اعین رحمانیتک لانهم تحت الهجوم واهداف للرجوم احاط بهم الغافلون وبهم من
کل صوب ینسلون ثم انی اعفر وجهی تراب الذل والفقار متمنیاً القرب واللقاء
راجیاً جوار رحمتک الکبری فاجرنی یا الهی وقربنی یوم لقائک وانقذنی یا مولای ویسرنی
مشاهدة جمالک ان کان رأی یلیق لعطائک فاجعله یتهادی علی الفصاة فی سبیلک وان

کان دمی حقیق ان یهدر فی سبیلک فاجعله مسفوحا مرشوشا مسفوکا علی التراب فی محبتک وان کان
صدری حری ان یشتبک فی ولائک فاجعله هدفا للسهام تقضائک انک انت الکریم الرحیم
العزیز التواب وانک انت العلی العظیم التواب ای عزیز الهی در اندیشم که زلزله امتحانات
تبعهٔ مبارکه را بحرکت آورده و طوفان عظیمی برپاست نامهٔ روحانی شما قرائت شد و نهایت
مسرت حاصل گشت از فضل یزدانی مستدعیم که روز بروز ترا نورانی فرماید تا مظهر الطاف رحمانی
گردی و موفق بر خدمت آستان الهی شوی مختصر اینست که از یوم صعود الی الان اخوی مهربان
بصر وسیله تمسک جست و بصر السبابی تشبث نمود که سراج محبت الله را خاموش نماید
در بدایت منشر الواح شبهات پرداخت و شرق و غرب را بکلمات موتفکه ملوث ساخت
بگمان اینکه القاء شبهات نسخ آیات باهرات کند مدتی در این قضیه جهد بلیغ نمود تا یزلق
جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا در جمیع حدود و ثغور نشور گشت و چون
از این فائز و قاصر شد بدسیسهٔ دیگر پرداخت و زبان مفتریات گشود و باطراف
واکناف آنچه توانست تهمت و بهتان انتشار داد که این عباد را معاذ الله نسبت بعموم
نبتی غیر خیر مضمر آنچه نوشت بوسائطی ابلاغ نمود و لوائحی ترتیب داد که معاذ الله این عباد
با دشمنان پادشاهی رابطه و مخابره دارند و آن لوائح ارسال بحکومت امریکا شد
نگذاشت

تکذیب گشت بعد با جمعی از بدخواهان اینعبد در اینشهر بمدم و بمداستان شد وشب وروز عاکف
آستان آنان گشت تا آنکه در این ایام با آنان لائحه ترتیب داده که در هر صدی هشتاد و پنج از اثاثی
اینصفحات بهائی گشته اند و با اجنبی روابطی بسته اند تربت مقدسه را کعبه آمال خود نموده اند و مقام کرمل
را روضه مطهره حضرت رسول علیه السلام قرار داده اند در اینجا طواف کنند و در آنجا سجده نمایند واز
اینقبیل اسباب باری جمعی بجهت تفتیش اینوقایع مأمور گشتند واز اسلامبول باینجا آمدند آنان سرّاً
فحص وجستجو نمودند ولی از بدخواهان یعنی کسانیکه شریک در آن لائحه بودند واز این آوارگان ابداً سئوالی نکردند
وتوضیحی نخواستند ومراجعت باسلامبول نمودند لهذا ارباح امتحان در تقعیه مبارکه روز بروز در ازدیاد است
سبحان الله اگر دیگران ندانند الحمدلله یاران واقف اسرارند ومطلع بر وصایا ونصائح جمال مبارک در جمیع
الواح بوصیت صریحه ونصیحت صحیحه واو امر قطعیه کلّاً از فساد که سبب هدم بنیاد عباد است منع
فرموده وباطاعت ودولتخواهی وانقیاد وصداقت بسریر پادشاهی امر قطعی فرموده که هرکس فسادی نماید
ویا انکه در اطاعت شهریار فتور وقصور کند از رحمت پروردگار محروم است واز نظر عنایت حقّ دور
ومهجور تا دم نزنیانست نه بانی نومید از رحمت پروردگار است نه راجی محروم است نه محرم مجبر است
نه مکرم والحمدلله این نصوص قاطعه در جمیع اقالیم منتشر ودر نزد جمیع دانایان مسلم حتی نقض صریح فرمودند
یاران الهی باید با سائر طوائف وملل در نهایت مهربانی رفتار کنند جفا را بوفا مقابله نمایند وخطا را بصفوا

ستر کنند تیغ و شمشیر را شهد و شیر مقابل کنند و سم نقیع را شربت بدیع مکافات فرمایند هر دردی را
درمان باشند و هر زخمی را مرهم دل و جان دشمنان را یار و یاوری کنند و عوانان را غمخواری کنند
و انتقام را خونخواری و درندگی شعرند سبحان الله سالک در این سبیل و خلق مشغول بچه
بهتان عظیم ولی اگر بیگانگان بکذب و بهتان پردازند تعجب نبود عجب در اینست
که بیگانگان حسن شهادت دهند ولی آشنایان بدخواه در نهایت شکایت باری با وجود
این ما امیدواریم که بنهایت تمکین تحمل این جور عظیم نمائیم و از صراط مستقیم مقدار جوی
تجاوز ننمائیم متوکل بر خدائیم و منقطع بذیل کبریا و در انبطوفان بلا صابریم و شاکر
و جان در کف گرفته بمیدان فنا حاضریم و از برای کل رحمت و موهبت طلبیم و عفو
و مغفرت جوئیم ربنا ارحم الخطاة و اعف عن السیئات ولا تأخذهم بالسیئات
و بدلها بالحسنات انک انت رب الآیات البینات و انک انت الرحمن الرحیم ع ع

هو الله شیراز بواسطهٔ حضرت افنان آقا میرزا حبیب الله میرزا ابوالقاسم
و جناب میرزا سید حسن افنان علیهما بهاء الله الابهی (هو الابهی)
ای دو نهال بوستان الهی شکر کنید خدا را که از شجرهٔ مبارکه انبات شدید
و بر شحات سحاب عنایت در آغوش افنان شجرهٔ حقیقت نشو و نما مینمائید

Provided by the Afnan Library

این موهبت عظمی است و این عطیه کبری قدر ایشرا بدانید و آنچه لازم و واجب این نسبت است
قیام نمائید و علیکما البهآء الابهی ۲۰ ربیع الثانی ۱۳۳۹ حیفا عبدالبهآء عباس
شیراز بواسطه بشیر آلهی جناب آقا میرزا محمد حسین نویسنده علیه بهآء الله
(هوالله)
الابهی
۴۳۱ ای مهتدی بنور هدی جناب آقا محمد حسن فی الحقیقه حیات معنوی و زندگی ابدی منبدل داشت
از نفحات روح القدس استفاضه نمود و در دل و جان تو دمید و جهان گلشن رحمانی
شد و ضمیر سریر ملیک جلیل گشت مقام اطمینان فوق ایمانست و حق الیقین فوق
علم الیقین حال چون از عین الیقین نوشیدی از فیوضات نامتناهی آلهی
البته بحق الیقین خواهی رسید تا در دو جهان مظهر الطاف بیپایان گردی و علیک
البهآء الابهی امة الله شیرین
(هوالله)
علیها بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند
(هوالله)
۴۳۲ ای شیرین حلاوت شهد و شکر صفا افزاید و علل ایراث کند اما حلاوت جمال
آلهی روح بخشد و سبب فتوح گردد پس شیرینی دلنشینی در غرفات فردوس است
و حلاوت و ملاحت نضرة رحمن در روضات انس و البهآء علیک (ع ع)

شیراز بواسطهٔ بشیر الهی سیرجان بواسطهٔ جناب آقا سید مهدی نیریزی

حضرت آقا سید علی اکبر حفید حضرت وحید جلیل مجید علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

ای حفید آن نور مبین الحمدلله بانسبت جسمانی زادهٔ عنصر جان و دل اشخص جلیل ۳۳۲
هستی و دلیل براین انکه بخدمت پرداختی و شمع آن بزرگوار را روشن نمودی و بمثابت
ینبغی بذا انتسابان آن بزرگوار در نزد عبدالبهاء عزیز و مقرب درگاه پروردگار
عین عنایت ناظر بانانست و الطاف بحدیست شامل حال هریک تا بی بانسرور ابراز نماید
شمع روشن شود و ستارهٔ درخشنده گردد و ثابت نماید که از عنصر پاک
آن کوکب تابناکست لهذا تا توانی پیروی آن نما و در نشر نفحات الهی بکوش بر
جمیع احبا و یاران و اماء رحمن را تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهاء الابهی

شیراز بواسطهٔ جناب آقا محمد حسن بلورفروش و بواسطهٔ جناب سلطان عبدالحسین خان برادر
زادهٔ من ادرک لقاء ربه فی مقعد صدق عند ملیک مقتدر جناب آقا سید ابوالقاسم خان
جناب آقا میرزا هدایت الله خان جناب آقا میرزا عبدالحسین بهمنی جناب آقا سید
عبدالله خان جناب آقا میرزا نصرالله خان افنان جناب آقا میرزا فتح الله خان افنان
جناب استاد تقی نجار جناب آقا میرزا محمد حسین جناب آقا میرزا عبدالحسین عندلیب

بخیر

هوالابهی

جناب آقا علی آقای ناظر علیهم بهاء الله الابهی

۴۳۴ نقطه کاشف الغطاء در بارگ

ای ثابتان ای راسخان در روز خوفا وضوضا که جمیع بدون بیننده و بر بان بجوم بمثل ثابت برپیمان نمودند شما بحمایت وصیانت پرداختید و بتمام توکل در قلوب مهاجمین خوف وخشیت انداختید این جان فشانی بود واز قوت وصلابت ایمانی بخبر دان درکمینند تا فرصتی یابند دست تطاول بگشایند و بظلم وعدوان پردازند این سلاح عاجزان است چون از قوت برهان بی نصیب گردند ودر اقامهٔ حجت عاجز وضعیف و گنگ ولال گردند دست تطاول بگشایند همیشه این روش اهل بطالت ومسلک اهل طغیان این آخر الله واآه الکی شمرند ولی بخبران مبین افتند وضرر وزیان شدید یابند این تعرضات سبب ظهور آیات بینات واین اعتساف تمهید مقدمات وسبب انتباه غافلان وجستجوی طالبان گردد البته اگر آنی تفکری نمایند ابداً تعرض ننمایند بلکه ساکت وصامت گردند ودر خفرهٔ ظنون واوهام خزیده خود را از پرتو شمس حقیقت محروم ومحجوب ننمایند وقتیکه شهناز آلهی منحصر در شیراز بود شمکاران سبب شدند که این صیت عظیم باصفهان وطهران رسید وچون بیشتر کوشیدند واذیت وجفا کردند وسیاست شدیده روا داشتند بجمیع صفحات ایران سرایت کرد ونفوذ کلمة الله

درخراسان علم افراخت وچون باطفای این سراج کوشیدند وتقتل وغارت پرداختند
وخون مظلومان ریختند وسربابرنیزه نمودند مردان شهید کردند اطفال اسیر نمودند
نسآء را ذلیل کردند ومانند دشت بلا صحرای کربلا بخونریزی مظلومان پرداختند وباسارت
صبیان ونسوان دست گشودند صیت امرالله سائر بلدان در اطراف واکناف
عالم رسید وچون کوشیدند که نور مبین از ایران نفی وسرگون گردد علم مبین درعراق
بلند شد وچون درعراق نفاق پرداختند سبب شد که جمال قدیم ازشهر شهیر نفی وتبعید شد
وکوس اعظم وناقوس اکبر در اسلامبول کوبیده شد وچون از مرکز سلطنت عثمانیان
بانهایت ظلم وعدوان برومیلی ارسال نمودند آن اقلیم نیز پرتو نور مبین یافت
وچون از آنکشور بسجن اکبر نقل گردید وقلعهٔ ویران سجن محبوب امکان شد ونهایت
ذل وهوان حاصل گردید صیت امرالله وصوت کلمة الله در ممالک اروپ وامریک
انتشار یافت زلزله در آفاق انداخت واهل نفاق خائب وخاسر گشتند
وهنوز دست برنمیدارند این تهکم وتعرض سبب شد که ندای الهی درجمیع آفاق
بلند گردید هنوز درخواب غفلتند وگمان میکنند که انحرکت مذبوحانه سبب قلع وقمع
اساس خداوند یگانه است هیهات هیهات جمال مبارک روحی لاحبائه الفداء منفرد

که انجوش و خروشش علمای جاهل بر منابر و فریاد و نعره‌های وادینا و اذهبا در ممالک و معابر
ندای یا مراالله است این نفوس منادی حقند ولکن لایشعرون ذرهم فی خوضهم یلعبون
باری الحمدلله شما آنچه باید و شاید قیام نموده اید و مدافعه از هجوم نعاگران فرمودید
طوبی لکم من هذه المنقبة العظمی و علیکم البهآء الابهی عبدالبهآء عباس ۱۲ صفر ۱۳۳۹ حیفا

(۹) مشهد خاب آقا میرزا فضل الله نبانی علیه بهآء الله الابهی هوالله
ای بندهٔ صادق آستان مقدس نامهٔ اولرا جواب کافی مرقوم گردید فی الحقیقه مضمون
مورث سرور بود و دلیل رخطا موفور امید چنانست که آهنگ و شهناز اجای شیراز ملکوت ۴۳۵
راز رسد و در بارگاه قدس ملاء اعلی را باهتزاز آرد حال این جواب نامهٔ ثانیست آن نیز
بابرات ملفوف رسید از الطاف رب الاسعاف تمنا چنان که الواب برکت باز شود و موهبت
رزق آشکار گردد و علیک البهآء الابهی ۹ شوال ۱۳۳۷ عبدالبهآء عباس

(۹) بواسطه خاب آقا میرزا قابل زائر علیه بهآء الله الابهی
خاب میرزا فضل الله خان نبان علیه بهآء الله الابهی هوالله
ای حضرت نبان حقا عضد یارانی و بازوی قوی ربانیان ایام القادر خاطرات ۴۳۶
همواره روی دلجویت در این محضر حاضر همیشه بیاد تو هستم که در نهایت تبتل بدرگاه

حضرت احدیت تضرع مینمودی وطلب عون وصون از بارگاه رحمانیت مینمودی و با
عبدالبهاء شب وروز انیس وجلیس بودی ودر انجمن یاران نفسی نفیس الحمدلله ابواب
مفتوح وتأییدات ملکوت ابهی درنهایت شمول امیدوطیه است که آیت باهره
گردی وقوتی قاهره درهردمی شمیمی ازخبت ابی بمشام رسد ودرنفسی رشحاتی ازسحاب
عنایت بگلشن دل وجان ببارد وعلیک البهاء الابهی ۶ محرم ۱۳۳۱ عبدالبهاء عباس

شیراز بواسطهٔ جناب عندلیب حدیقهٔ توحید علیه بهاءالله جناب آقا محمد
صادق خبّاز علیه بهاءالله (هوالله)

ای صادق موافق چه اسم مبارکی داری هرنفسی مظهر معنای این اسم باشد یعنی صادق
گردد کوکب شارقست ونیّر بارق وسیف فارق صفتی محبوبتر ازاین نیست وطریقه
مقبولتر ازاین نه بسا کلمهٔ صدقی که سبب نجات ملتی شد وبسا شخص خسیس را کلمهٔ راستی عزیز
ونفیس نمود وچه بسیار که شخص عزیز محترمی را یک کلمهٔ کذب بکلّی از انظار ساقط کرد وازدرگاه
احدیت محروم نمود پس ای جان پاک پی صادقان گیر وپیروی راستان کن تا بصدق
مقعد صدق رسی وبراستی بغرفات ابدیه فائز گردی جمیع معاصی بیکطرف وکذب بیک طرف
بلکه سیئات کذب افزونتر است وضررش بیشتر راست گو وکفر گو بهتر از آنست

ع ع

که کلیهٔ ایمان بر بان رانی و دروغ گوئی این بیان بحجت نصیحت من فی العالم است
شکر کن خدا را که تو سبب صدور این نصیحت بجمیع نوع انسان شدی همیشه بنفحات قدس
مشغول گردد و ناس را آنچه سبب علو و سمو انسانست و از اخص فضائل و خصائل
اهل ایمان دلالت نماید تا مرتبی نفوس گردی و هادی هر گمره پر قصور شوی اذن
حضور خواسته بودی این ایام بسیار مشکل چه که بیگانگان در صدد این آوارگانند
و هر روز کتابی تالیف نمایند و از هر قبیله افترائی بزنند و طبع و نشر نمایند و آشنایان
نیز ناقض پیمان در ستر نهایت فساد را میکنند دیگر معلومست با این دو مهاجم
چه قدر کار مشکل است انشاء الله قدری سکون حاصل شود آنوقت ثمار میخواهیم
حضرت عندلیب را از قبل من تحیت مالا نهایه برسان که همواره بیاد و ذکر شان
مشغولم و علیک التحیة والثناء ع ع

جناب فضل الله خان نبانی علیه التحیة والثناء هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ آنجوان نورانی والقای آلرحمانی رسید و بسیار مختصر و مفید
بود تحاریر باید چنین باشد در الفاظ باید ایجاز پردازند و در معانی اعجاز نمایند جمیع
یارانرا مبدل و جان مشتاقم و از جشن عظیم در ایام رضوان مسرور و شادمان ولی

حکمت از دست مدهید و پرده دری منمائید هر چیز اعتدالش مرغوب تا سبب حقد و حسد دیگران نگردد اما سه فقره عکس لوله اش وصول یافت ولکن عکسها مفقود معلومست که عکسها را ربوده اند ولی ضرر ندارد انشاء الله سبب اعلاء کلمة الله است سرور کامگار دادپرور آن دیار فی الحقیقه آن اقلیم را در سایهٔ عدل بدایعین فرمودند احبا باید قدر امیر علیشان بدانند و ستایش بزبان رانند و از خدا بخواهند که پایدار فرماید و باقی و برقرار دارد امید وارم که صیت دادپروری ایشان در مرور قرون و اعصار و در زبان اخیار و احرار گردد و این خاندان و دودمان محترم ایشان در نزد ابرار پر قدر و احترام در جمیع قرون و اعصار باشند

و علیک بهاء الابهی ۳ شوال ۱۳۳۷ عبدالبهاء عباس (بواسطه جناب بشیر)

محفل خدام امرالله (هو الله)

ای یاران روحانی در جهان محافل بسیار تشکیل شده محافل سیاسی محافل تجاری محافل صناعی محافل معارف محافل جغرافی محافل برّی محافل دفن اموات غربا: محافل تفتیش مساکین و ضعفاء و قس علی هذا ولی محفل روحانی نورانی ربانی مجمع احبا زیرا این نفوس معشوق حقیقت دل بسته و از قیود عالم فانی رسته و اوضاع زمان درشکسته و بملاء اعلی پیوسته با جمیع ملل و نحل ابواب صلح و آشتی گشوده و بنای

۴۳۹

۴۳۸

انسانی بصدق و راستی برخواسته و باخلاق رحمانی آراسته بقسمیکه بیگانه را آشنا شمرده
و اغیار را یار دانسته مقصودی جز خدمت بعموم عالمیان ندارند و رازونیازی جز
ترقی عالم انسان نخواهند تا توانند خویش و بیگانه را یار یگانه شمرند و دشمن را دوست
ممتحن دانند یعنی عدوی تصوّر ننمایند و بدخواهی بخاطر نیارند بجمیع بشر نهایت
محبّت نظر کنند و لو در خطر افتند بجفاکار وفا نمایند اگر اذیّتی بکنند ستمکار را
راحت و نعمت طلبند اگر باین موفّق گردید محفل رحمانیست و مجمع نورانی
و انجمن سبحانی امیدوارم که چنین باشید و علیکم البهآء الابهی

ای بهائیان این بابیان یعنی از لیها که خود را بابی فتح میدانند مقاصد و عقائد آنها را
میدانید قطع ریشهٔ ان نسبت علی الخصوص شما زیرا اساس انفرقه نخوارست و اساس
شما مظلومی و علیمی و سلیمی حتّی خیرخواهی هر دشمنی و نیکوئی با هر اهرمنی و محبّت بانواع
انسانی هر دین و مذهبی و صداقت با جمیع بشر از هر آئین و ملّتی حضرت بهآء الله خطاب
بجمیع ملل و نحل و ادیان میفرماید همه بار یک دارید و برگ یک شاخسار ولی خود را از شر شیخ الملک زلی
حفظ نمائید زیرا ابنیهایت خفیا در صدد تعرض است ع ع (بشیر آن)
بواسطهٔ بشیر آلهی جناب آقا میرزا اعیی علیه بهآء الله الابهی (هو الله)

(این خط و امضاء عکس روی خط مبارک است)

ای خادم محفل ملاقات نامهٔ شما رسید چنان معلوم که در شیراز فوج و موج است این از قضایای
حجج غیر بالغه وفق وای آیات غیر مابره است ملاحظه کنید که بر سر ایران چه آورد و چه قوی ۴۴۰
را که چنین پیشوایان نادان و زمام امور جمهور بدست آنان تهران از این نخواهد شد و هنوز آرام
نگرفته اند باز در امور سیاسی مداخله میکنند تا ایران را بکلی بباد ندهند دست برندارند
شما بموجب عقل و فکر حرکت و روش نمائید عربدهٔ بیفایده چه ثمر دارد مشغول بکار خود باشید
زیرا تبتل و نشر تعالیم الهی ایران را سود بیپایان حصول دهد و از خسران و زیان برهاند محفل
ملاقات بیارائید و شب و روز بنشر نفحات مشغول گردید آن جمع محترم را از قبل من نهایت
اشتیاق و مهربانی و رضا و خوشنودی ابلاغ دارید و علیک البهاء الابهی (ع ع)

هو الله ش جناب آقا میرزا علی محمد خان علیه بهاء الله الابهی هو الله
ایها الحبیب الروحانی انی اخاطبک بلسانی و اخاطبک بقلبی و وجدانی و اتضرع الی الملکوت
الربانی ان یؤیدک فی کل الشئون علی خدمته الجلیلة فیهذا العالم الامکانی فاستبشر بهذا
الدعاء الذی تتلوه عبد البهاء بهذا الاثناء لیقترنک برکب الی ملکوته الابهی و علیک التحیة ۴۴۱
و الثناء ع ع فارس شیراز بواسطه حضرت افنان سدرهٔ مبارکه
آقا میرزا بزرگ جناب آقا علی محمد علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

ایندهٔ

ایینده آستان متقدس آنچه نگاشتی ملاحظه گردید و بر تفصیل اطلاع حاصل شد هفت وادی
بجهت سیر و سلوک نازل شده و سیر و سلوک بسیار محبوب اگر اهل فقر عبارت از نفوسی باشند ۳۴۲
که در این وادی سلوک نمایند و باین اخلاق متخلق شوند روش راستان گیرند و سلوک آزادگان
جویند هر نام که عنوان گردد ضرری ندارد در رویش که از قلم اعلی تحریر یافت مقصش فنای رسالهٔ
سلوک است و بسیار مقبول ولی جمعی الآن در اینجانند و بظاهر در باطن سرگشته و پریشان
و خجل و معطل و بار گران بر سائر ناس بصنعتی مشغول نشوند و بکار و کسبی مألوف گردند و خود را
از آزادگان شمرند و حال آنکه از برای توت شمران و فواکه توسرکان و موسم خرمای عربستان
دولیت فرسخ طی نمایند اینگونه نفوس محلهٔ التفات مقبول نه زیرا هر نفسی باید کاری و کسبی و صنعتی
پیش گیرد تا او بار دیگران را حمل نماید نه اینکه خود حمل ثقیل شود و مانند علت کابوس مستولی گردد
باری سیر و سلوک در وادی عشق و محبت الله بسیار محبوب و ذکر حق مقبول و از شدت
فرح و سرور غزل خوانی و نغمه سرائی مطلوب و ما دون آن اوهام و عیوب

(هو الله)

و علیک التحیة والثنا ع ع

ای دوست حقیقی بعضی از دوستان که حال صفت درویشی را بهانه نموده اند در گوشه
و کنار و کوچه و بازار بر مزخرفات و اشاره بستایش جمال قدم مشغول و تشویق ناس مألوف

غزلخوانی نمایند ونغمهٔ روحانی سرایند این نفوس من بعد ترک این وضع خواهند نمود ولی حال سبب تشویق نباست کسی نباید تعرض بآنان کند ولی اگر چنانچه پرسشی کند این بسیار مذموم است ومخالف دین الله ومنافی استغنا وسبب ذل امر الله (ع ع)

(آخر لوح ۴۴۲ این نسخه بطور خطابست)

فارس شیراز بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا بزرگ جناب آقا علی محمد علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

۴۴۳ ای سمی حضرت اعلی چون باین اسم مبارک تسمیه گشتی باید بهره ونصیبی از فیض او جوئی وبیابی پروانه حول شمع روشن ملاء اعلی بال وپر بسوزی آنسراج هدی جمال ابهیست که در ملاء اعلی ساطع برآفاق است حضرت اعلی روحی وذاتی له الفداء ملاحظه نماید چگونه جان بآن سراج وهاج باخت وعاشقانرا بجان فشانی وقربانی ذلالت وهدایت فرمود روحی ولکینونتی وذاتی وحقیقتی وهویتی وسری وعلانیتی لقطرة من دمه المطهر الفداء وعلیک التحیة والثناء ع ع

فقره کاتب در ورقه الصاق بمبارک

بواسطهٔ جناب بشیر آلهی جناب میرزا محمد علی منشی علیه بهآء الله الابهی

هو الله

۴۴۴ ای بندهٔ درگاه بها نامهٔ شما رسید وملاحظه گردید وآستان مقدس جمال قدم وسر اعظم عجز وزاری گردید که تأییدی جدید رسد وشفای عاجل حاصل گردد ودلبرآزرودر نهایت صباحت وملاحت جلوه نماید وعلیک البهآء الابهی ع ع

فقره کاتب در ورقه الصاق بمبارک

تتمه
(۹)

رب ایّد عبدک الفتی علی انشاء آیات حبک فی عالم الانشاء ع ع

بسمی جناب آقا میرزا علی محمّدخان شیرازی علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

ایشانت بر پیمان نامهٔ شما رسید واز مضمون معلوم گردید که امیدوار ماثر بوده زیرا نفسی از آزادگان
۴۴۵ حفظ کتب اوراق نفیس مبارک
بندوستان را از قید احتجاب آزاد نمودی وسبب بینائی وشنوائی وحیات ابدیّه
او گردیدی حضرت رسول علیه الصلوة والسلام بحضرت امیر علیه السلام میفرماید یا علی لأن
یهدی الله بک نفساً خیرلک من خیر النعم مقصود اینست اگر نفسی را بدایت نمائی
بهتر از آنست که نهایت ثروت ونعمت وغنا یابی حال الحمدلله تو بآن فائز گردیدی وامیدوارم
که موفق بهدایت دیگران شوی نامه‌ئی در جواب سعید الحسن خان مرقوم گردید درجوف است
برسانید وعلیک البهاء الابهی ع ع (طهران)

بواسطهٔ حضرت ادیب جناب آقا میرزا علی محمّد شیرازی علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

رب رب ترانی ان صلاتی ونسکی لک یا ملجئی وملاذی انی اتبتل الیک متضرعاً بعتبة
۴۴۶ حفظ کتب اوراق نفیس مبارک
رحمانیتک ومتبتلاً الی ملکوت ربانیتک ان تشمل عبدک الصادق لحظات عین
عنایتک وتختصه برحمتک وتؤیده بموهبتک رب قد ضاق صدری آشدة ذرعاً
واشتدت علیه الازمة فقراً وابتلی بالضراء بعد السراء والضیق بعد الرخاء وبسبل الصبر

علی هذا البلاء فافتح علیه ابواب السماء وارزقه برحمتک من السعة، وبدل عسره بالیسر والغنا
وارفع درجته بین الامراء واجعله آیة موهبتک الکبری بین الوری حتی یجده القرنا
ونیتر به الاقربا؛ انک انت المقتدر المعطی الکریم التواب ای یار مهربان نامه‌های
متعدده ارسال نمودی ولی فرصت جواب نشد از فقر منال وتو انگری مبال
واز عسرت درمعیشت محزون مباش واز تنگی دست دلخون مگرد انا میت در
گذراست وحیاتیت بی اثر وعمر مگر نفوسیکه بنفس رحمان زنده گردند وقلوبیکه
بذکر حق مشغول شوند وحیات ابدیه یابند وموهبت سرمدیه جویند الطاف ربانی نبینند
عواطف سبحانی مشاهده نمایند آیات هدی ترتیل نمایند تائید ملاء اعلی ملاحظه فرمایند
این نفوس بزرگوارند وبموهبت پروردگار باقی وبرقرار خواه غنی باشند وخواه
فقیر خواه اسیر باشند وخواه امیر ولی درحق شما دعا نمودم تا این ضیق را وسعتی واین
تنگی را گشایشی حاصل گردد امیدوارم که ابواب برکت منفتوح شود ودل وجان
مسرور ومشروح شود وعلیک البهاء الابهی ع ع (۹) بسامه

بواسطه جناب آقا میرزا محرم هندوستان جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی

علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

ای بنده

Provided by the Afnan Library

۴۴۷ خطاب به شیخ محمد ابن ابهر

ای بنده حق نامه شما رسید نافه مشکبار بود که مشام جانرا معطر کرد زیرا دلیل رجوعیت صرفه درگاه الهی و برهان روح و ریحان جان و وجدان نسیم جانپرور حدائق رحمانی بود مطمئن باشید بالطاف حضرت بدیع الاوصاف باش زیرا عنایتش شامل است و الطافش محیط بر عالم آفرینش تا توانی از عالم نفس و هوی بیزار شو و بملاء اعلی دمساز و همراز گرد تا از فیوضات ملکوت ابهی نصیب بری و سبب هدایت جمعی غفیر گردی و علیک البهاء الابهی ع ع

۴۴۸ خطاب به بزرگ

بشهر ادارهٔ گمرک جناب میرزا علی محمد شیرازی علیه بهاء الله الابهی هو الله

ای بندهٔ ثابت حق نامه که باقا سید اسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید آقا سید اسد الله بتبلیغ رفته مطمئن بعنایات خاصهٔ الهیه باش و از وقایع حادثه محزون مگرد اما مجلس فرض نیست مقصود خدمت بامر الله است و آن بحسن سلوک و حسن آمیزش و گفتگوی شیرین و مهربانی حقیقی بهتر حاصل میگردد و اگر چنانچه احبا مجلس ننمایند باید بسیار مخفی و پنهان باشد تا مضوضاء مند نگردد زیرا ناس ضعیفند باید مدارا کرد عبد البهاء عباس

بیرجند

بیائی بواسطهٔ جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی زائر

جناب میرزا یحیی خان و جناب آقا علی اکبر خیاط علیهما بهاء الله الابهی هو الله

ای دو بندهٔ آستان الهی الطاف نامتناهی شامل گشت تا حامل امانت عظمای الهی گردید

وآن محبت دلبر آفاق است فیضی در عالم وجود اعظم از حب نیست انیست آیت کبری امانت عظمی ولی چون شرائط وشوابد آن بسیار عظیمست لهذا جمیع کائنات تحمل آن ننمایند واستعداد وقابلیت ظهور آنرا نیافت لهذا از حمل آن عاجز وقاصر ودر این موهبت تخصیص بعالم انسان یافت اگرچنانکه باید وشاید شرائط وشوابد در نفسی تحقق باید فتبارک الله احسن الخالقین ظاهر وآشکار گردد وعلیکم البهآء الابهی ع ع

خطاب بورقا ۴۴۷ ۴۴۹

(۹) مبارک

بمبائی بواسطهٔ جناب آقا میرزا علی محمد شیرازی زائر امة الله ضجیع محترمهٔ ایشان علیها بهآء الله الابهی

هوالله

ای امة الله قرین عزیز بارض مقدس حاضر گشت ودر زیارت تربت مبارکه مشرف گردید در این تقعهٔ نورآء ذکر تو نمود ورجای تحریر این نامه فرمود باید آزاد ودر نهایت رضایت باشی که در چنین موقعی ارض مقدسی بیاد تو ذکر تو افتاد ودر روضهٔ مبارکه تمنای الطاف از حضرت بدیع الاوصاف نمود در عالم وجود محبت ورعایتی اعظم از این ممکن نه

خطاب بورقا ۴۴۸ ۴۵۰

و علیک البهآء الابهی ع ع

(۹) مبارک

بواسطهٔ جناب میرزا علی محمد خان شیرازی جناب سعید الحسن خان

علیه بهآء الله الابهی

هوالله

ای سعید

ای سعید دوجهان شکرکن شوند همه طوطیان هند زین قند پارسی که ببنگاله میرود حمد کن
خدا را که تو از آن طوطیان شکرشکن شدی و از مرغان خوش الحان این گلزار
و چمن سبحان الله گوش شنوا از هزار فرسنگ ندای الهی بشنود و در با خترچشم بینا
انوار مشرقهٔ از خاور مشاهده نماید ولی نابینا در نفس شرق پرتو نیر اشراق نه بیند و گوش
ناشنوا در گلشن و فا نغمهٔ بلبل معانی نشنود و آهنگ ملاء اعلی استماع ننماید پس حمد خدا را
که نور هدی مشاهده نمودی و کلبانگ بلبل معانی استماع نمودی و ندای الست را بجان
و دل گفتی و باین موهبت کبری فائز گشتی از لطف خدا امیدم چنان است که سراج
هدی گردی و جمعی را از خویش و بیگانه و یار و اغیار بملکوت اسرار هدایت فرمائی
و یقین بدان که تأیید و توفیق پیاپی رسد و علیک البهاء الابهی (ع ع)

شیراز جناب آقا میرزا فضل الله خان نبان علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

ایاب بر پیان نامهٔ شما رسید هرچند مختصر بود ولی مفاوضات قلوب منفصل است
بلیک روحانی و تقاصد وجدانی متصل در عبور و مرور الحمد لله که یاران شیراز بدرگاه احدیت
پر عجز و نیاز مفتوح نابگذیر محرم و دمساز از اینجهت هیچ خبر مکدری از آن کشور نمیرسد
و احساسات قلوب باید روز بروز کاشف کروب گردد در جمیع اوقات حکم انطوی

Provided by the Afnan Library

بدارید زیرا غزالان بر وحدت را کلابی درکمینند که بلکه فرصتی یابند و دست تطاول بگشایند
امیدم چنانست که یاران در صون حمایت رحمن محفوظ و مصون مانند مدتی پیش نامه از شما
رسید و جواب مرقوم گردید و وصول هدیه نگاشته شد حال نیز آنچه ارسال نموده بودید
وصول یافت و علیک البهآء الابهی ۱۹ سپتمبر ۱۹۲۰ حیفا عبدالبهآء عباس

(هوالله)

جناب آقا محمد باقر کوبنجانی علیه بهآء الله الابهی (هوالله)
ای مشتعل بآتش محبت الله شعله ئی در آن مجمر زن تا بوی خوش خود و عنبر مشام
سکان آن کشور را معطر نماید شب و روز در تهذیب اخلاق و تقدیس نفوس اهل وفاق
و نصیحت معشر آفاق و تثبیت میثاق بکوش تا از سروش ملکوت غیب الهی ندای
وابشری وابشری شنوی و چنان بجوش و خروش آئی که خروس سحری گردی و بانگ حی علی الفلاح
حی علی الفلاح حی علی النجاح در صباح میثاق برآری والبهآء علیک و علی اتباعک ع ع
لوح امنع اقدس ذیل که ظاهراً در ایام توقف حضرت مولی الوری عبدالبهآء روحی لمسواه
فداه در قطر مصر با فتخار احبآء فارس نازل گردیده و بحکمت بالغه در آن ایام
ارسال و غایت نگردیده و ناتمام هم هست در این اواخر در بین اوراق و نوشجات
بدست

مبارک پیدا شده و توسط حضرت بشیر آلهی علیه بهآء الله الف د شیراز گردیده است و انیک

عینا طبع و انتشار میابد. محفل روحانی شیراز

بواسطهٔ جناب قاسمعلی فاروقی احبای آلهی عموماً علیهم بهآء الله الابهی

(هوالله)

۴۵۴ ای یاران عزیز عبدالبهآء جناب فاروقی بعد از زیارت عتبهٔ مقدسه و طواف

مطاف ملأ اعلی ذ باباً و ایاباً وارد بر عبدالبهاء شد و ایامی چند مونس و انیس بود و در نهایت

تبتل بملکوت الهی و تضرع بملأ اعلی بود و یاران الهی را یک یک بنحو آورد و بادلی

پر درد جمیعاً فرداً فرداً نامهٔ مخصوص مطالبه کرد و با چشمی اشکبار اصرار نمود ولی عبدالبهاء

را نه دمی سکون و نه آنی قرار و فرصتی ابداً در کار ندارد اگر اوقات خویش را بجز الا بخیری

تقسیم نماید و هر حزبی را بمخاطبه و مکاتبه گروهی تخصیص کند باز از عهده برنیاید الحمدلله

بهائیان در شرق و غرب مانند دریا موج زنند اقلاً ده فوج کاتب لازم تا توانند

جواب رسائل ایشان را کما هو حقه بنگارد در اینصورت خواهش هزار یک از نامه مخبری

داشتن از قبیل تمنیات است لهذا شرمسارم و بخجلت و حیا گرفتار که بچه زبان

بجناب فاروقی بیان اعتذار کنم چاره ئی جز این ندیدم که یک نامهٔ مفصل بجمیع

یاران نگارم تا این نامه را نسخ متعدده نموده بهر یک از یاران نسخه‌ئی تقدیم نمایند چاره اکنون
آب وروغن کردنست مثل است مشهور القلیل یدل علی الکثیر والقطرة تدل علی الغدیر
باری دراین ایام که نار موقده الهیه شعله بآفاق زده و پرتو اشراق شرق وغرب را روشن نموده
ونفوذ کلمة الله ذوی العقول را حیران کرده وامر الله احاطه کبری یافته وخوف وخطری نمانده
مدعیان فرصت یافته ومرد میدان گشته خاموشان زاویه نسیان وخفتگان خائف
هراسان که بر رؤس منابر در اصفهان و طهران تبری از حضرت اعلی روحی له الفدا نمودند
بیرون دویده اند واد عای اصالت مینمایند و بیخبرانی چند را خفیتاً اقناع نموده اند وبالتبع
شبهات پرداخته در سر سر بالی این وآنند که هر یک را بوسیله‌ئی از صراط مستقیم بگردانند
ویا اذیتی برسانند رئیس قوم را جمیع آشنا و بیگانه میدانند که در ایام حضرت عباس در رویش
بهروم وبرفر میکرد ودر رهگذر کشکول بدست شیئاً لله میگفت وقتیکه حکایت صدق
وناصرالدین شاه شد جمیع احبا را در تحت شمشیر و زنجیر در بلوک نور گذاشت وخود فوراً
فرار نمازندران وگیلان نمود ورشته بر سر لب وپوست درویشی در بر ونام خویش را
علی نهاد ودر کوه ودشت سرگردان بود تا آنکه جمال قدم نفی وشرگون بعراق عرب گردید
او نیز از پی بغداد بنیاد مبارک سفر کرد ولی مخفی وخائف از جمیع بشر پس جمال مبارک سفر

بگردستان فرمودند ودر ایام غیبوبت اسم اعظم جمیع یاران عراق وایران از قدمای احباب
میدانند که گاهی در صفحات سوق الشیوخ وبصره بلباس تبدیل سفر مینمود ونام او حاجی علی بود
ودستگی از کفشهای عرب در دست داشت ومشهور بحاجی علی کفش فروش گردید
بعد بنجف شتافت ودر انجا لاصخرید وبلاص فروش مشهور گشت حتی
بلباس عرب بود واسم ایرانی را از خود سلب نمود وبکلی در آن دو سال غیبوبت
جمال مبارک نام ونشانی از امر نماند وبعد از شهادت حضرت اعلی وغیبت حضرت
مقصود آن غیر حصور همتی مشکور نمود که حتی غیور بغدادی مشهور از آن عمل منفور بود
. آن انیست که بعد از شهادت کبری ازدواج بحرم حضرت اعلی ام المومنین که بصریح
بیان حرام بر جمیع است نمود وچون مطبوع طبع نیفتاد کفایت باین تحقیر نگشت
بلکه آن محترمه یعنی خواهر ملا رجبعلی حرم حضرت اعلی سید محمد اصفهانی احسان شد
این بود همت واقتدار وقوت واشتهار او که شب وروز بتعدد ازدواجات
اشتغال گردید حتی خواهر حرم خویش همتی برقیه خانم از مازندران طلب شد
وبا و نیز ازدواج گردید وجمع بین الاختین شد وخواهر میرزا نصرالله
تفرشی نیز بعقد ونکاح آمد ووالدهٔ میرزا احمد نیز زوجهٔ مشروعه بود وبه بنت

عربی نیز اقتران حاصل گشت و تجاوز از نص صریح بیان گردید این تزوجات
متعدده بعد از است ما عدای زوجات طهران و مازندران اگر تحقیق شود این بیت
واضح و مشهود گردد آفتی بود آن شکار افکن کزین صحرا گذشت ما شرح و بسط را مخصوص
نمائیم مقصود آنست که سنه حصول اجرای چنین امور مخالف نص قاطع رب غفور فرمود
و شب و روز باین امر موهوم مشغول بود یا لیته در اینوقت بچشم نصرتی شد و چه خدمتی بامر حضرت
اعلی گشت آیا کنیف هست که بگوید او مرا تبلیغ نمود یا آنکه در مدت چهل سال در قبر سر
توانست که نفسی را بدایت نماید مگر از تربیت اطفال خویش نیز عاجز ماند دیگر آیا مخزی
اعظم از این میشود یدعون من دون الله مالا ینفعهم و مالا یضرهم لبئس المولی ولبئس العشیر
جمال مبارک وقتیکه از کردستان مراجعت فرمودند در ایران یاران علنی معدود
بودند و عراق منجمد و مخمود نه صدائی نه ندائی و اگر نفسی در اطراف بود در نهایت یاس
و خوف و خدر بود ولی اسم اعظم محض ورود بغداد در را گشودند و صلای عمومی زدند
و ندای الهی بلند شد و صیت امر الله در اطراف منتشر گشت رؤسا و علمای جمیع
ملل شب و روز در محضر حاضر و سؤال و جواب مستمر و جمیع بقناعت از جواب معترف
تا کار بجائی رسید که خوف و هراس ناصرالدین شاه را بیصبر و قرار نمود و بجمیع مسائل

نشئت

تشبث کرد و بخط خویش بسلطان عبدالعزیز نامه نوشت و رجای نفی جمال مبارک از بغداد
کرد که ایران در خطر است و حکومت پرقدر و عاقبت خیر بهره دولت رسد این بود که فرمان
عبدالعزیز وارد و قرار بر سفر جمال مبارک گردید با وجود آنکه مسئلهٔ نفی و سرگون بود ولی در نهایت
اقتدار بباغ نجیب پاشا نقل مکان فرمودند و دوازده روز در آنجا بقسمی امرالله اعتلا
یافت و والی ناحیه پاشا و جمیع ارکان اردو و ولایت و علمای مملکت و وجهای
ملت شب و روز بزیارت میامدند و مشرف میشدند و حال آنکه بظاهر سرگونی بود ولی از نفوذ
امرالله در آن ایام معدوده و علو کلمة الله و انتشار نفحات الله آن ایام چنان بسر رود
و جهور گذشت که عید رضوان شد و بکمال اقتدار حرکت فرمودند و جمیع خلق عراق گواه
و شاهدند آما حضرت حضور با لباس درویشی با ظاهر نامی عرب گاهی سفر مینمودند خواستند
و گاهی مسافرت بممالک مصر اندیشه نمودند نهایت خبر فرستادند که من بعد از رفتن
شما خائفم لهذا پیش از شما بموصل شتابم و در آنجا منتظر بستم و چون در آن اوقات
شهرت داشت که جمال مبارک و جمیع احبا را در کرکوک که میانهٔ بغداد و موصل است
و نزدیکی حدود عجم تسلیم بدولت ایران خواهند نمود لهذا شخص معلوم میفرمود که من
در موصل شما ملحق خواهم شد زیرا ملاحظه مینمود که هر واقعه‌ئی واقع شود پیش از موصل واقع

خواهد شد باری چون بموصل رسیدیم و در کنار دجله سراپرده بلبه شد و بزرگان موصل از
مأمورین و غیره دسته دسته بحضور مبارک مشرف میشدند نیمه شب ظاهر عرب
مذکور آمد که جناب معلوم درخانی بیرون شهر منزل و مأوی دارد و با یکی ملاقات خواهد
جناب آقا میرزا موسای عمویم شب رفتند و او را ملاقات کردند سؤال از اهل
و عیال خویش کرد گفتند که همراهند و خیمه‌ئی مخصوص آنها گردیده اگر میل دارید بیائید
گفت من ابداً مصلحت خویش را در این نمی بینم ولی قافله‌ئی موجود که با شما حرکت
خواهند کرد من در میان آن قافله هستم تا آنکه بدیار بکر برسید و بر همین منوال رشته
سیاهی در سر و کشکولی در دست و در میان قافله معاشر و مجالس ترک و عرب بود
چون بدیار بکر رسیدیم خبر فرستاد که من شبها نزد متعلقین خویش خواهم آمد و صبح باز
مراجعت بقافله نمایم آن نیز مجری شد و چون حاجی سید محمد او را نمیشناخت دید و
دریافت و بعنوانیکه این درویشی است ایرانی و آشنای مانست ملاقات نمود ولی سایر
احباب چون او را ندیده بودند اول نشناختند تا آنکه در میان او و سید محمد نزاعی حاصل گشت
و جناب حضور در حضور احباب که الان بنشستند آمد و شکایت از سید محمد نمود چون سید محمد حضور
یافت عرض کرد در مسئله‌ئی میان من و او اختلافست او میگوید که مرآت همیشه
روشنست

Provided by the Afnan Library

روشنست من میگویم ملیشود که مرآت محتجب از شمس گردد تا مقابل است روشن است
وچون منحرف گردد تاریک شود بعد جمال مبارک سید محمد را زجر فرمودند که چرا نزاع
وجدال میکنی ودراین خیل ابرار منازعه برپا مینمائی بعد درکمال اقتدار موکب رحمانی وارد
مقر سریر سلطانی گردید درنهایت استغنا حرکت شد اسم اعظم ابداً بوزرا ووکلا
ملاقات نفرمودند واعتنائی نکردند

(هو الله)

حیفا جناب آقا میرزا حیدرعلی علیه بهآء الله الابهی (هو الله)

ای یار مهربان حضرات فارسیان وفاروقی عازم سمت مقصودند تا روی وموی ۴۵۵
بتراب تربت پاک معطر نمایند درحق ایشان رعایت ومحبت طبیعی مجری خواهید
فرمود ولی اقامت زیاد لزوم ندارد زیرا باید مراجعت نمایند جناب آقا محمد حسن
وسائر احباب را تحیت مشتاقانه برسانید وعلیکم البهآء الابهی (ع ع)

شیراز بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید حسین

جناب آقا سید علی فاروقی علیه بهآء الله الابهی (هو الله)

ای فاروقی الحمدلله حقرا از باطل فارقی ودر بوستان محبت الله تخلی باسق ودر مخمل ۴۵۶
محبت الله شمعی بارق لهذا همواره پیش منی ودر زیارت آستان مقدس فی الحقیقه فائزی زیرا

Provided by the Afnan Library

جان و دولت در اینجاست روحت در پرواز و همیشه در سوز و گداز طوبی لک من بنده الخالص
یختص بها من یشاء رب السموات العلی و علیک البهاء الابهی (ع ع)

واشنگتن جناب مستر ریمی علیه بهاء الله الابهی (هو الله)

ای جوان نورانی و عزیز روحانی من نامه تو رسید و از فراست چنان مستری حاصل شده
که وصف نتوانم زیرا دلیل بر علو فطرت و قوت همت و خلوص نیت تو است
عبدالبهاء را سرور بانگونه اموراست اگر جمیع لذائذ جسمانی جمع شود بنظر عبدالبهاء خطور
ننماید که راحت و لذتی در جهان هست ولی چون نفحه مشکباری از گلشن قلوب یاران
بمشام برسد چنان فرحی دست دهد که بی اختیار شکرانه جمال مبارک پرواز دکه چنین بنده
تربیت فرموده است باری از نامه شما نهایت مسرورم از فکر شما بسیار موافق
امیدوارم که یک امتیاز جدیدی در قلوب احبا حاصل گردد و ثبوت و استقامتی عظیم حصول
یابد و سبب هدایت دیگران شود پس باقوتی رحمانی و عزم و اراده ئی آسمانی و لسانی ناطق
و قلبی سرشار از محبت الله الواح ابدست گیرو بجمیع دیار سفر کن حتی بجزائر هونولولو
در جمیع شهرهای امریک سفر نما و جمیعرا بثبوت بر میثاق بخوان و جمیعرا از بادهٔ میثاق
سرمست کن و منشر نفحات الله دلالت نما فریاد یا بهاء الابهی بلند کن و نعره یا علی الاعلی

بزن

حضرات اقتباس ابارک ۴۵۷

بزن و یار انرا بیدار کن که امتحانی عنقریب بمیان آید شاید نفوسی ظاهر ثابت و باطن مذبذب
بانصفحات رود تا یار انرا در میثاق الهی سست کند بیدار باشند هوشیار باشند بمجرد
اثر نقض کناره گیرند شب و روز بکوشند تا انوار ملکوت ابهی جهانگیر گردد و ظلمات
ضلالت بکلی زائل شود جمیع احبّا ابدع ابهی ابلاغ دارد علی الخصوص امة الله
مس پارسنز و امة الله مس دیکسن و امة الله مس مینز و امة الله مس مینز
و سایر احبای الهی و آمار حمن را علیک البهآء الابهی عبد البهآء عباس

(Abdul Baha Abbas.)

بواسطهٔ جناب فاضل فاروق جناب آقا قاسم علی و جناب آقا منصور علیهما بهآء الله الابهی

هو الله ای دو بندهٔ باوفای جمال الهی مدتی بود که از فاروق ـــ مشاهده نشده
بود تا در این ایام یکی از یاران ستایشی از دوستان آنسامان نمود سبب سرور و حبور گشت
و صدور این نامه مشکور و امیداست که رتق فتق گردد یعنی آن دو بندهٔ پروردگار را غوغای
انجذاب شود و سبب قیام بر خدمت امر الله ایام مانند اوتام میگذرد و حیات
کل نفوس ساقط النتیجه نشود ملاحظه کنید که هیچیک از ملوک و مملوک را نتیجه حیات

باقی لا والله مگر نفوسیکه در ظل ملک الملوک در آیند و دامن بالایش این جهان فانی نیالایند
و در سایهٔ درخت امید بیاسایند محفل محبت الله بیارایند و سرمست صهبای معرفت الله
گردند و در نشر نفحات الله کوشند و باعلاء کلمة الله بپردازند این نفوس از حیات
خویش بهره و نصیب گیرند و نتیجه تحصیل نمایند آثار باهره در ملک و ملکوت بگذارند
و بحیات ابدیه سرمدیه موفق و مؤید شوند پس ای یاران عزیز میاسائید و بسیار سعید
تا آنکه مکیک شعلهٔ نورانیه بزنید و روح بآن کشور و اقلیم ببخشید تا عالم مبین خافق گردد
و نور بدیع بارق و شارق شود و علیکما التحیة والثناء ع ع هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

ایها الفرع الرفیع من السدرة الرحمانیه جناب آقا سید هادی امناً و سالماً واصل و در ظل
آستان مقدس مستریح و مرتاح وفائز از فضل حضرت یزدان امید است که توفیقات
برخدمت امرالله یابند الیوم افنان سدره باید بجان و دل بکوشند و شب و روز
در تبتل و تضرع آیند که شاید تخم پاکی در این مزرعهٔ عالم بپاشند تا بفیوضات
ابر بهمن ملکوت ذوالمنن آن خطه و دیار سبز و خرم گردد رتبه افنان سدره
فرد اجتنب

فرد انتیک علی نشر نفحاتک وعبوق طیب فوحاتک وسطوع مسک ذفیاتک
وشروق انوار برکاتک وبزوغ کواکب مواهبک وحصول انطباق الملاء
الاعلی بصور ملکوتک الا بهی انک انت المؤید والموفق والمعطی الکریم الرحیم ع ع

هو الله حضرت افنان جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند هو الله ۴۶۰
حضرت آقا سید هادی در ظل عنایت جمال مبارک مستریح واز هر غائله فارغ ومطمئن دعا
در حق او نمائید که بخدمت موفق گردد ویوماً فیوماً در مراتب عبودیت ترقی نماید وما
تربیت او مشغول وآنجناب باید در جمیع احوال ملاحظهٔ خدمات امرالله را نمائید احبای
الهی را بسیار مراعات وملاحظه فرمائید علی الخصوص جناب غدلیب را که در آن
ارض غریب است الیوم باید افنان سدرهٔ منتهی بخدمت امر مشغول گردند فرصت
امر در خدمت احبّاء الله است این عبد بذاته وروحه وقلبه وجده وقلمه ولسانه
بخدمت احبای الهی مشغول ع ع
والدهٔ جناب آقا میرزا هادی را بکمال ابداع ابهی ابلاغ فرمائید وهمچنین سائر دوستان را
وجمیع ورقات را واز عدم فرصت بسرعت دو کلمه مرقوم گردید ع ع

هوالابهی حضرت افنان جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله الاحی ملاحظه نمایند

هوالابهی ایها الفرع المنجذب الی الاصل الکریم اگرچه این مصیبت شدیده ۴۶۱
بود و بلیه عظیمه در قلوب مشتاقان آتشی بود سوزان و اندوهی فراوان علی الخصوص چون
بمصیبتی اعظم تو ام گشت و بحسرتی تازه منضم عبرات و زفرات و حسرات بمقامی
تتابع یافت که قلوب در سکرات افتاد بحر احزان هیجان نمود و انهار غم بی پایان
جریان یافت چشم حکم چشمه گرفت و جگر کانون اخگر ولی چون شمس حقیقت در سماء تقدیس
صعود نمود و نیر اعظم ملکوت تفرید عروج این نجوم زاهره نیز بصعود آن اوج مقامات
باهره منجذب شد و این اختران بافق ملکوت آسمان منعطف اجزاء متماثل مرکز کلند
و بلبلان مشتاق لقای جمال گل بعد از صعود جمال قدم مهمات حیاتست و فی الحقیقه بقا
زندگانی این حیات فانی مبوطست و هر امیدی وسیله اعظم قنوط این عباد
که بحسب ظاهر باقی چه ثمره و چه فائده و چه نتیجه فتمنوا الموت ان کنتم صادقین
حکمش تمام آلان نافذ و مجری والبهاء علیکم ع ع (هوالابهی)

ش حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا سید حسین افنان علیه بهاء الله الاحی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

ایها الفرع

۴۶۲ خطاب مبارک

ایها الفرع الرفیع من الشجرة الربانیه در شب و روز صباح و مساء ملکه در ظلمات لیال
و اواسط نهار بدرگاه احدیت بنهایت تضرع و ابتهال التماس مینمایم که خدایا این نفوس
افنان سدرهٔ رحمانیت و فروع شجرهٔ فردانیت هستند خدایا بنم جود و رحمت و نفحات
تقدیس و موهبت و فیض سحاب لطف و مکرمت و حرارت آفتاب عنایت سبز و خرم
فرما و لکن هر موهبتی را قوهٔ جاذبه لازم و هر عطائی را قوهٔ طالبه واجب مغناطیس مواهب
الهیه در این ایام اشتعال نشر نفحات الله است قسم بجمال قدم که جسم تیرهٔ خاک نورپاک
گردد و ظلمت شدید شعاع مبین شود عبدالبهآء ع

۴۶۳ خطاب مبارک

هوالله

ش حضرت افنان سدرهٔ رحمانی جناب آقا میرزا سید حسین علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالله)

ایها الفرع الرفیع من الشجرة الالهیه چندیست که نظر بحکمت کلیه ابواب مکاتبه را بکل
جهات مقطوع نموده بودیم حال جناب آقا میرزا هادی حاضر و خواهش تحریر این نامه نمود
لهذا مجبوراً مرقوم میگردد جمیع دوستان را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمایید و کل را مشام
نفحات الهیه معطر نمائید و بگوئید ای یاران الهی و دوستان معنوی وقت ثبوت
و رسوخ بر عهد و پیمان الهی است و هنگام تمسک و تشبث بحبل متین میثاق رحمانی

Provided by the Afnan Library

چه که جنود شبهات است که منتشر در جمیع جهات است و ناقضین سرّی در القای توهمات
والیوم حامی میثاق نفس مبارک ایم اعظمست که از ملکوت غیب الهیش بجنود لن ترونها
قاصم ظهور متزلزلین است هر متزلزلی یوماً فیوماً با سفل جحیم سرنگون و هر ثابتی مؤید بتصبیل
ملائکهٔ حیّ قیوم یک متزلزل سرّی در آن بلد موجود عنقریب خویشرا در خسران مبین
خواهد یافت و هذا وعد غیر مکذوب مگر آنکه نادم و پشیمان گردد و توبه نماید باری الیوم
ملأ اعلی حامی ثابتین است و جنود غضب جبروت اسمی قالع و قامع متزلزلین
عنقریب کلّ این نفوس را از جمیع جهات خائب و خاسر مشاهده خواهید نمود والبهآء
علی کلّ ثابت علی عهد الله و میثاقه العظیم ع ع (هو الابهی)

ایها الفرع المنشعب من السدرة المبارکه علیک بهآء الله و نوره و ضیآئه و نوره و رحمته
و نضرة الرحمن فی قطب الامکان انه علی کلّ شیئ قدیر جناب میرزا هادی بدقتی بود ۴۶۴ ۴۶۳
در ظلّ سدرهٔ رحمانیه ساکن و تحت لحاظ عنایت واقع و بکتابت آثار الهیه مشغول
و حرکت و سلوکش معقول و مقبول حال از ساحت مقرّ و مستقرّ عرش اعظم مرخص شده
باتصفحت رجوع مینماید ما از او راضی و خوشنودیم از الطاف غیبیه
مستدعی هستیم که او را موفق برضای خود در جمیع احیان نماید و در کهف صون
و حمایتش

و حمایتش حفظ فرماید انه لطیف حفیظ ای افنان دوحهٔ تقاوش خه بای سدرهٔ منتهی زبان بدعا
بگشائید و عجز و ابتهال نمائید و از ملکوت الهی استمداد طلبید و عون و توفیق جوئید
که فیوضات شمس حقیقت در جمیع احیان نازل گردد و امطار غمام عنایت ها طل و باغبان
الهی تربیت فرماید تا این فروع هر یک از الطاف اصول بر وفق نصیبی از شئون تجرد
مبارکه یابد و آیتی از شجرهٔ اعظم گردد از اینجهان فانی باید منقطع شد ملکه منخلع گشت تا جهان
الهی رخ بگشاید و از این سراب وهمی چشم باید پوشید تا شراب معنوی از خمخانهٔ
الهی بنوشاند حضرت اعلی روح ماسواه فداه میفرماید لو تجعل الارض و من علیها
فی ظلک فانک اذاً قد وفیت بعهدی والا ذلک لا ینبغی لله ربک و رب آبائک
الاولین رب وفق هذا الافنون الکریم المنشعب من شجرة وحدانیتک علی رضائک
فی جمیع الشئون و الاحوال انک انت الکریم العظیم المتعال (ع ع)

هوالابهی ش حضرت افنان جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله الابهی

ملاحظه نمایند (هوالابهی)

ایا الفرع الکریم من الشجرة المبارکه در اینجهان فانی طیر وهمی مجو و در این خاکدان
ترابی ملاذ و مسکنی مخواه اگر طیر فردوس بقائی خبز در حدائق الهی آشیانه نما و اگر حمامهٔ ۴۶۵

ریاض قدسی خبر در گلشن رحمانی لانه مجو در سبیل جمال قدم روحی لاحبائه فدا فار مغیلان را تبر پنداز
و پرنیان کن و در راه خدا سجن اعظم را گلزار ارم بین و سوسن بدان ثقل حدید را موهبت
تائید ببین و زرنجیر و شمشیر را رحمت رب قدیر ملاحظه نما زهر هلاهل را شهد فائق بدان
و سم قاتل را ثمر نخل باسق ببین ای منتسب آن نور مبین ملاحظه فرما که آنجمال اعلی
روحی له فدا در راه خدا سینهٔ سیناء را چگونه هدف صد هزار تیر بلا فرمود و ایامرا
بچه مصائب و بلا گذرانید هر مشقت و مصیبت و اسارت و مسجونی و شهادت را در
محبت حق بجان و دل قبول فرمود و البهاء علیک ع ع هو الله

حضرت افنان کار جناب حاجی میرزا حسن علیه بهاء الله بطول انجامید البته زود اتمام نمایید و بقصد ۴۶۶
راحرکت دهید منتسبین مقرترین درگاه احدیت و نزد این عبد بسیار عزیزند البته
کمال احترام و رعایت مجری خواهد شد مطمئن باشند و علیک البهاء ع ع

(هو الله)

ای ثابت بر پیمان حضرت یزدان مدتیست که نامه مرقوم نگردید و مکتوبی ارسال نگشت ۴۶۷
این از کثرت اشغال و مشقت بیپایان و هجوم ستمگاران و ایذاء و اذیت بیپایان بوده
که فرصت نیافتند که کلمه نگاشته شود ولی مکاتیبی که نهایت لزوم را پیدا کند

جز

بهر قسم هست نوشته میشود مقصود انیست که آنحضرت همیشه در نظر بوده ولو در مکاتبه فتور
واقع گردد از عون وعنایت جمال احدیت متوقعم که در کل احیان در صون حمایت
یزدان محفوظ باشید دورقهٔ مبارکه امة الله والدهٔ آقا میرزا هادی را تکبیر برسانید ع ع

ش حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا حسین علیه بهاء الله الابهی هوالابهی

۴۰۸ ایها الفرع المجید من السدرة المبارکه انضرع واتوسل الی الملکوت الابهی والجبروت الاعلی ان
یجعلک منقطعاً عما سوی الله ویهیئ لک من امرک رشدا ویجعلک کفتة نار ملتهبة
بحرارة محبت الله حتی تنفق روحک وجسمک ومالک وعلیک فی سبیل الله
الهی هذا افنن من افنان سدرة رحمانیتک فاجعله خضراً نضراً ریانا بفیض وابل الانقطاع
عن دونک والابتهال الیک والاشتعال بنار شجرة وهبتها لیتک ایرب اجعله بکلیته
مشغوفاً بحبک ومتذکراً بذکرک ومنقطعاً عن دونک ومستغیثاً بابابک ولاذاً
بجنابک انک انت المقتدر العزیز القیوم الیوم اعظم امور اتحاد واتفاق احبای
الهیست بهر وسیله باشد کل باید در جمیع احوال متحد گردند ع ع

هوالله ش حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید حسین
هوالابهی
علیه بهاء الله الابهی

خطاب بجناب آقا میرزا ابوالفضائل علیه بهاء الله ۴۶۹

ایها الفرع الرفیع من السدرة الرحمانیه قد اتی الحق ان حوریات القدس فی غرفات الفردوس اخرجن رؤوسهن من الحجرات وصحن کالطیور بمزامیر آل داود وقلن ابشروا ایها الروحانیون واستبشروا ایها الربانیون افرحوا ایها النورانیون سروا ایها الثابتون الراسخون بنصرة ربکم الرحمن ونزول جنود مولیکم الحی القیوم من ملکوته الابهی وجبروته الاسنی تالله قد خرقت الصفوف وارغمت الانوف وتشتت شمل الاحزاب وتفرق جمع ملل الآفاق ونتبت الاباهر فی جناح العقاب ونسل ریش الغراب واشتدت الریح الذاریة علی البعوض والذباب قد سطع النور وانکشف ظلام الدیجور ودارت کأس مزاجها کافور وظهرت آیات یوم النشور وانتشرت اجنحة النسور وفتحت ابواب السرور والثابتون فیما اشتهت انفسهم خالدون ویشکرون ربهم بما آتاهم وهم فی جنة الخلد داخلون ومن نعمات ورقاء الاحدیة یستبشرون ونعمة ربهم یتلذذون ع ع

بشراک

هو الله ۴۷۰

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید حسین علیه بهاء الله

ایها الفرع الرفیع من السدرة الرحمانیة قد تلیت این نامه آنحضرت نامه نگاشته سبب عدم فرصت ومهلت بوده والا همواره مرآت ذکر وثنا است که در هر روز بافنان

بسدرهٔ مبارکه طوماری بنگارم و بیادشان مشغول و مألوف گردم و هرچند بظاهر بر نگامه و مداد نپردازم ولی در قلب و فؤاد بیاد شما همدم و همرازم آنی فراموش نکنم و دمی نیاسایم از خدا میطلبم که جمیع افنان سدرهٔ مبارکه را با عبدالبهآء در عبودیت آستان جلیل متبع شریک و سهیم فرماید تا کل بجان و دل خدمت نمائیم و عبادت کنیم راه عبودیت پویم و رضای حق جوئیم و سر حقیقت گوئیم ان ربی یهدی من یشآء علی ما یشآء و انه لهو القوی القدیر در خصوص خانهٔ که لانه و آشیانه حضرت الفرع المقدس الشهید خال جلیل جناب آقا سید علی روحی له الفدآء مرقوم نموده بودید آنخانه لانه حمامه قدس بوده و هی در مسقط رأس نیز ملأ اعلی نقطهٔ اولی روحی و ذاتی و کینونتی له الفدآء لهذا آنخانه از بقاع مقدسه محسوب و احترامش امر مفروض جناب فرع روحانی حضرت میرزا علیمحمد فائز از قبل عبدالبهآء تحیت مشتاقانه برسانند و بگوئید فرع بدیع تمام همت در رغبت و اهمیت بکوشد تا آن بیت معمور را از دست اغیار در آرد و مشرق الاذکار ابرار نماید اگر واضح و آشکار سبب اغبرار اغیار و ضوضآء اشرار شود این راز را مستور و پنهان نماید و آن بیت محترم را از دست غیر برهاند و خفیاً در آن محفل بیاراید و باذکار در اسحار و نماز و نیاز در آنجا مشغول گردید تا بمبارکی این عمل مبرور

Provided by the Afnan Library

فضل موفور حاصل گردد و قلوب مشغول ذکر رب غفور گردد فرحی رخ گشاید و نشئه ئی
در دماغ آید که نار محبت الله شعلهٔ شدید زند و شوری دیگر در سرها اندازد چنانکه در سائر دیار
مشرق الاذکار سبب فوران نار محبت الله شد شوق و شعفی عظیم در دلها انداخت
و نثار ئی الیه بجا نها بخشید ولی در شیراز باید در نهایت حکمت و احتیاط مجری گردد
که ابداً اغیار اطلاع نیابند حتی در میان احباب محفل روحانی تشکیل کنند و اگر
چنین نباشد اراذل قوم بر زوال قیام نمایند و سبب وحشت قلوب شوند حضرت
افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا ابوالحسن را از قبل عبد البهاء تحیت مشتاقانه
برسان دیگر که ما همواره بیاد تو مشغولیم و بذکر تو مألوف امیدوار از فضل پروردگاریم
که همواره نفس رحمانی مأنوس باشی و بنفحات قدس مألوف سبب عزت ابدیه
باشی و اسباب روح و ریحان یاران گردی و علیه التحیة والثنا ع ع هوالابهی ای
ای فرع سدرهٔ مبارکه باز از باختر نجاور باز گشتیم تا آستان مقدس دو بقعهٔ ۲۷۱
مبارکه فائز شویم باری همیشه در خاطر بوده و هستید از الطاف جمال ابهی آرزو
نمایم که در نهایت روح و ریحان مشتعلاً بنار محبت الله بعبودیت صمیمی آنچه
موفق شوی ورقهٔ مبارکه والدهٔ آقا میرزا هادی را تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارید

دیگر من

شیراز

و همچنین جناب آقا میرزا رحیمخان را عبدالبهاء عباس

(هو الله)

حضرت آقا میرزا محمد حسین علیه بهاء الله الابهی

ایها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکه نامهٔ شما رسید الحمد لله دلیل بر نشاط و انبساط ۴۷۲
وجود شریف بود از الطاف بی منتهای حضرت احدیت ملتمس چنانم که همواره در صون و
حمایت او محفوظ و مصون باشید و اما قضیهٔ قطع علاقه از آن دیار و حضور بقعهٔ انوار
حال سزاوار نه زیرا باید در آن ضفعات نخبهٔ همت امر الله مشغول باشید و قلقش خواهد آمد
الامور مرهونة باوقاتها هنوز از شیراز چنانکه باید و شاید آهنگ ملاء اعلی بلند نشده
هر وقت آن ساز و آواز در صوامع ملکوت گوش زد اهل راز گردد آن اقلیم بابهتر از
آید و صبح بدی چنان بدرخشد که غلام خلال بکلی متلاشی گردد و کار درست شود ورقهٔ
مبارکه والدهٔ محترمه را از قبل من تحیت ابدع ابهی برسان و علیک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس

شیراز جناب آقا سید محمد حسین افنان جناب آقا میرزا بزرگ افنان جناب آقا میرزا
حبیب الله افنان جناب حاجی میرزا ضیاء افنان جناب شاهزاده محمد رضا میرزا
جناب محمد باقر خان جناب میرزا محمد علیخان جناب آقا میرزا آقای طبیب جناب
آقا شیخ آقای پیش نماز جناب شهریار وفادار جناب میرزا فضل الله خان

Provided by the Afnan Library

جناب دکتر ضیاء علیهم بهاء الله الابهی (هو الله)

ای نفوس مبارکه مقرب درگاه کبریا. نامهٔ شما رسید و از مضمون نهایت روح و ریحان رخ داد زیرا بر ثبوت بر صراط مستقیم برهان مبین بود و بر استقامت و اتفاق بر عهد و پیمان دلیل جلیل الحمد لله یاران شیراز در این سالهای خیلی دراز و نیاز همراز بودند و همواره بالفت و محبت و مساز عبدالبهاء از خلوص نیت و ثبوت و استقامت یاران شیراز پرتو عز است از ملکوت ابهی تأیید و توفیق میطلبد که در این ایام شعله تازه برافروزند و آهنگی ملأ اعلی رسانند نفوسرا بوجد و طرب آرند و مستمعین را بتعالیم الهیه تربیت نمایند نورانیت اخلاق و علویت فطرت و شدت امانت و کثرت محبت و مهربانی بعموم انسانی تبلیغ امرالله نماید و ترویج دین الله کنند چندی پیش مکاتیبی بشیراز ارسال گردید واسطهٔ جناب افنان سدرهٔ مبارکه آقا میرزا حبیب الله طلب مغفرت از برای عموم متصاعدین احبای شیراز گردید و نامهٔ بحضرت غندلیب نگاشته شد و همچنین بچند نفر دیگر امیدوارم که خبر وصول برسد و آن خطهٔ مبارکه موطن حضرت اعلی روحی له الفداست امیدوار آنند چنان که بهشت برین گردد و غبطهٔ روی زمین شود نبض صریح میفرماید و نراکم من افقی الابهی و نضر من قام علی نصرة امری بجنود من الملأ الاعلی و قبیل من الملائکة المقربین خبد منصوو

۴۷۳ خط کاتب اصفهانی مبارک ۴۷۲

Provided by the Afnan Library

در این ظهور نفوسی هستند که بقوتی الهی و تائیدی آسمانی و همتی ربانی و اطوار و رفتاری که
سبب حیات عالم انسانیت موفقند امیدوارم که مرکز این جنبش شیراز گردد

۲۱ شعبان ۱۳۳۷

مسافرخانه

الهی الهی هولاء عبادک المخلصون المنجذبون بنفحات قدسک المشتعلون بنار محبتک
الناطقون بالثناء علیک المبتهلون بتحمیدک و برهانک المتوجون لدنیک المتهللون بوجهک
ان تؤیدهم بما وعدتهم بایدیات صدانیتک و نصرة جنود ملائک الاعلی و قبیل ملائکتک المقربین
رب نورهم بنورک و جوههم بنورک و عطر مشامهم بطیب ساطع و اقرا عینهم بمشاهدة آیاتک و اسمع آذانهم
ندآئک الاحلی من ملکوتک الابهی حتی یکونوا عونة لعبدک ندا فی نشر نفحات بین الوری و انک
لتعلم یا محبوبی انی احب عبادک المخلصین فی ارض السین و افدیهم بروحی و نفسی و اتهلل الیک
فی جنح اللیالی و بطون الاسحار ان تجعل هولاء الابرار سرجا نورانیة ساطعة بالانوار انک انت
العزیز المختار انک انت الکریم المتعال و علیکم البهآء الابهی عبدالبهآء عباس

هوالابهی

ایها الفرع العظیم من الشجرة المبارکة التی اصلها ثابت فی الارض ۳۷۴
و فرعها فی السمآء و انها نطقت بانی انا الله لا اله الا انا فاعبدون یا عبادی ایای فاعبدون
هرچند مسافت مابین صدهزار فرسنگ است و بسی کوه و صحرا و دشت و دریا حائل و حاجز

Provided by the Afnan Library

آهی

ولکن در محفل انس حاضرید و در مجامع قدس موجود و ناظر در انجمن یاران یاد احبای معنوی شمع بزمشان
و ذکر و فکرشان در صحرای قلوب گلزار و گلشن پس بفضل عظیم آهی مستبشر باش و بخبث کریم احبایش
مسرور و منشرح در دلبالانه و آشیانه داری و در جنانه و کاشانه دیگر چه جوئی و چه خواهی بالطاف
حضرت محبوب آفاق مطمئن باش و بعنایات ملکوت ابهی مسرور و منبسط عنقریب نفحات تأیید
میوزد و انوار توحید بدرخشد و شمع آهی برافروزد و قلوب زجاجهای انوار گردد و نفوس مطایع و
اسرار بمثابه مستبشر المخصوص و البهاء علیک ع ع جناب علی اکبر

۴۷۵ هوالله رب ایدکل من توجه الی مطلع وحدانیتک تأییدات قدس رحمانیتک
و افتح علیه ابواب البرکات من سائر الجهات انک انت المقتدر العزیز الوهاب ع ع

هوالابهی

ش جناب علی اکبر علیه بهآء الله الابهی هوالابهی

هل سمع النداء قد تزلزلت ارکان الملاء الاولی لما ارتفع النداء من الملاء الاعلی و زری
القوم سکاری من الرحیق الذی ارتحیقت بها قوات الارض کلها و تتبعها رادفة کبری کانت
امر واد هی فرادوا اغراقا و انصعقوا الا من رحم ربک فهم مالوا انتباها و زادوا انتفاقا انتبصقت
فهم فی ریاض العلم یرتعون و من عین التسنیم یشربون و فی ما اشتهت انفسهم خالدون

۴۷۴ ۱ الخ

هوالابهی

والبهآء علی الذین هم الفائزون ح ع

ش اخوان جناب آقا مرتضی الذی صعد الی الله جناب آقا علاءالدین و جناب آقا محمد کریم

علیهما بهآء الله الابهی

(هوالله)

الهی و مجیری تعالیت و تجللت بغیرة الوهیتک و عظمة ربوبیتک عن ثنائی و ثنآء کل شیء ۴۷۷

و تقدست و تنزهت بحقیقة احدیتک عن محامدی و نعوتی و نعوت کل شیء فما اعلی

یا آلهی فی موارد العجز الاعتراف بالذل والانکسار و الاجتناب عن الغرة والاستکبار

کفانی یا الهی عجزی و فقری و ذلی و هوانی و فنائی و اضمحلالی و حسبی یا محبوبی الطافک

و احسانک وجودک و اکرامک ایرب اغنیتنی بفضلک القدیم وجودک المبین و فیضک

العظیم عما سواک بایدتنی الی معین رحمانیتک و اوردتنی علی شریعة فردانیتک و انزلتنی

منزل صدق بسلطان و بایتک و سقیتنی من کاس العطآء من یدیاتی غنائیک

و رزقتنی مائدة السمآء علی خوان موهبتک ایرب لک الحمد علی ذلک و لک الشکر علی هذه

الموهبة التی اختصصت بها المخلصین من ارقائک و یشهد روحی و ذاتی و کینونتی

بانک اتممت علی الرحمة و اکملت علی النعمة و اسبغت علی العطآء و اکثرت

علی الآلآء و لکن یا الهی اتذلل الیک و اتبهل بین یدیک و اتضرع الی ملکوتک الابهی

واترجی من سلطان جبروتک الاسمی ان تقدر لی غایة منائی ومنتهی رجائی وما هو هلاد بصری
وصفاء قلبی وراحة روحی واعظم فتوحی ومسرة فؤادی واکبر رشادی ونور جبینی ورفیق یمینی
وهو سفک دمی وانفاق روحی فی سبیل محبتک واحتراقی بنار غداب اعدائک
فی سبیلک وذلی وتبلبل جسمی علی التراب اشتیاقاً الی ملکوت لقائک اربّ
قد زلی هذا المنی واسقنی هذه الکاس الطافحة بصهباء الالطاف من فیض حضرتک
الکبری واطعمنی من هذه المائدة التی رزقت جمالک الاعلی وتوج رأسی بهذا الاکلیل
الذی تتلألأ جواهره الباهرة فیقطب العوالم کلها واجعلنی من عبادک المخلصین المستشهدین
انک انت الرحمن الرحیم اربّ هذا ان عبدان اتسیا الی عبدک الذی انجذبت بنفحات
قدس احدیتک واشتعل بنار محبتک واتبرز من نسائم التی باحت من ریاض
معرفتک واستبشر بانوار سطعت من مشرق موهبتک وهام فی هیماء الشغف
فی حبک وتوغل فی صحراء اصاح وناح فیه المشتاقون لزیارة طلعتک وشمل
من کاس عطائک حتی سرع الی مشهد الفدا فی سبیلک ورکض الی میدان الفدا حبّاً
بجمالک وانفاق روحه شوقاً الی لقائک اربّ اجبت علیه السجن بسلطانک
وجعلته خبة غماء وروضة غلباء بقدرتک وبرهانک واستقام فیه سنین متوالیات
تحت

Provided by the Afnan Library

تحت السلاسل والاغلال المثقلات وهو یبشرنبک ویبشرک الی ان ایدته
بفضلک وجودک ان یتصاعد الی ملکوت قدسک فارفرحوه طفاة خلقک من قعر السجون الی فضاء
الفدآء فی سبیلک یا حیّ یا قیوم فخاطب وقال یا ایتها النفوس المتضرعون المتقلبون فی سبیل ربهم
الحرب لیس لی شئی ابدی لکم لهذه البشارة التی تبشر بها الاذان الاطمار آسرا فی
فادیه لکم مقابله لعرفکم فتظاهر بین الملاء کاسد الشری یبطش فی الهیجآء توجها الی الافق الاعلی
وصعد روحه الی ملکوتک الابهی وجبروتک الاسمی طوبی له ثم طوبی لایرب هذان
المنقطعان الیه ایدهما علی الثبوت علی عهدک وبیثاقک ووفقهما علی اطاعة امرک
واخلصهما فی دینک انت الکریم الرحیم الوهاب ع ع

جناب میرزا فتحعلی خان علیه بهآء الله (هو الله)

یا ابا الفتوح هنیئاً لک هذا الصبوح هرچند فتح ملوک خونریزی مملوکست
لکن فتح اهل بها بسلوک در سبیل هدی وخدمت اصفیا وعبودیت درگاه کبریا دلنشینست
مهام امور وحسن نیت وخیرخواهی جمهور الحمد لله شما موفق بآن بشهادت عموم علی الخصوص
جناب خان منبهات از شما شادمان ومسرور است حتی عبد البهآء از ستایش ایشان آسایش
دل وجان یافت که الحمد لله سروستان چنین سروی آزاد دارد وچنین نفسی نفیس معدن عدل

۴۷۸ فقط کاتب لوح الفتاح نبیل

Provided by the Afnan Library

وداد و امیدم وطید است که بهمت آن یار روحانی احبای رحمن در نهایت روح و ریحان
باشند و علیک البهآء الابهی ع ع هوالله
الله کل بسید رسل انا فتحنا لک فتحاً مبینا خطاب فرمود هرچند این فتح و عالم رویا بشارت
داده شده بود ولی چون تأخیر افتاد بعضی اتردید حاصل گشت وچون مکه مفتوح شد یاران مسرور
شدند حال من نیز ترا فتوحی خواهم ربانی رحمانی سبحانی کامرانی روحانی ع ع هوالله
احبای سرمستان علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
ای یاران حقیقی هوالله چندست خبری از شما نرسید وصبح پیامی از آنجهت نه سید حضرت
طیر حدیقه ملکوت جناب مرتضی روحی له الفدا را ملاحظه فرمائید که چه نار موقده در قلب آفاق
برافروخت که شعله اش تا دامنه ملکوت ابهی رسید وچنان پرتوی ساطع کرد که آفاق
کائنات را روشن کرد پس معلوم گردید تا نسوزی نیفروزی وتا چون شمع نگدازی
جمعرا روشن ننمائی ای دوستان انصاف باید بدهیم که در چه دوریم ودر چه کوریم
در بحر الطاف الهیه مستغرقیم چرا پرستار نباشیم ودر ظل سدره رحمانیه آرمیده ایم چرا
پرستش نکردیم بر کنز مخفی پی نبردیم چرا کعبه تقی گذاریم ودر سایه آن سرو سهی آرام
چرا بیچاره ومنحنی مانیم لطف وعنایت حضرت مقصود با اهل سروستان زیاد بوده و دولت

عین عنایت شامل حال ایشان در جمیع احیان اظهار الطاف میفرمودند و فتی لطف مبذول
میفرمودند دیگر چه غم دارید و چه غصه آنچه را املاء مقرر بین آرزو مینمودند شما آن فائز گردیدید
و هر چه را که اهل علیین در حسرتش مردند شما آن محظوظ و مرزوق شدید جمیع ملأ اعلی
آرزوی یک خطاب جمال قدم را مینمودند که بشرف اصغاء فائز شوند و شما از سدرهٔ
سینا، انبطاب را اصغا نمودید و ندای الهی را بسمع قبول استماع گردید آیا میدانید
این چه فیضی بود و ساکنید و آیا میدانید این چه موهبتی بود و صامتید مسرور باشید
و مستبشر گردید ع ع

هوالابهی

جناب حیدر علی سروستانی جناب علی اکبر سروستانی جناب عبد سروستانی جناب اسفندیار سروستانی
جناب حسن سروستانی جناب میرزا علیمحمد سروستانی جناب علی بابای سروستانی جناب
میرزا تاج الدین سروستانی جناب محمد خان سروستانی علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الله ای یاران الهی آنچه مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید مضامینش
دال بر ثبوت بر عهد و پیمان بود مبانیش مؤسس بر محبت جمال بیمثال حقائقش
شقائق ریاض عرفان بود دقائقش اشارات انجذابات جان و وجدان
امید وارم همتی نمائید که مظاهر آیات توحید گردید و مطالع اسرار تجرید

۳۸۰

زجاجات امکان گردید و نجوم ساطعهٔ مشرق الیقان خدام آستان مبارک شوید و خزان
کنوز غنایت آیات بینات کتاب مبین شوید و رایات شاهرات ظهور عظیم
نسائم ریاض حدائق قدس گردید و روائح معطرهٔ فیاض انس منتشر بالطاف جلیلهٔ
رب قدیم باشید و مبلغ امر خداوند کریم امیدوستان وقت گلکشت بوستان
الهیرا از دست ندهید فرصت را غنیمت شمرید جهدی نمائید که در این جهان فانی شمع
روشن جهان جاودانی گردید و گل گلشن عالم باقی اگر نخدمت امرالله کمر را محکم بندید
و بکمال ثبوت و رسوخ بر میثاق نیز آفاق نمائید و از زوابع و اعصار امتحانات
و افتتانات شدیده نلغزید قسم بنور بهاء که هر یک آیت کبری گردید و رایت علیا
والبهاء علیکم یا احبّاء الله روحی لکم الفداء ع ع

استدعای طواف مطاف عالمیانرا نموده بودید انشاء الله در وقتش اجازه خواهد
داده شد حال همت را باکمال حکمت بر نشر نفحات الله بگمارید و در این امر مهم
بکوشید چه که الیوم این قضیه مغناطیس تائید ملکوت است و جاذب الطاف
اسم اعظم از حیز جبروت والبهاء علیکم ع ع

جناب محمد صادق بیگ و جناب ملا سلیمان و جناب عبد الله بیگ علیهم بهاء الله الابهی

هو الله

هوالله ای یاران روحانی گویند که نسر طائر در این فلک باهر عبارت
از سه ستاره روشنست حال از الطاف ذوالمنن میطلبیم که آن سه شخص محترم مانند آن ۴۸۱
سه نجوم از افق هدایت درخشنده و روشن باشند جناب خان از محبت و خلوص
شما نهایت شکرانه مینماید که فی الحقیقه بجائی پرسیدید و قدام هر سرمست پیمانه هدایت
یاران باید چنین باشند که یکدیگر را بنده کمترین گردند آئین وحدت عالم انسانی گیرند
و بروش اهل علیین سلوک کنند الحمدلله شما چنینید وعلیکم البهاء الابهی ع ع

هوالله سروستان جناب میرزا فتحعلیخان کلانتر علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی ای فتح بها ورق منشورت وصول یافت وچون عکس
ظهور صورت سرور شد حمد کن خدا را که موفق بهدایت کبری گشتی ومؤید بمنقبت عظمی ۴۸۲
از جام شارات حضرت اعلی سرمست شدی واز صهبای محبت طلعت ابهی بوجد
وطرب آمدی ودر انجمن عاشقان روشن گشتی واز نفحات قدس ریاض مشتاق شام
معطر نمودی چون جبل ثابتی وچون شجر ثابت پس چون حلق در حلقه‌ی زلف دلبر اجی
بدام افتاد با لب خندان و پیرهن چاک وغزلخوان در قربانگاه عشق برقص درآ
فریاد واطربا لی واطربا لی واسرورا لی از جان ودل برآر تا شکرانه آن فضل

وعطا زبان بکشائی و بوفارسم جهارا از ضعف کائنات براندازی و نفحهٔ خوشی بوزانی
وجمع یارانرا احسن حصین کردی و انجمن دوستانرا امشب رشک ورشک بهار محبت
برافروزی وچون شمع با چشمی اشکبار بنار محبت الله بسوزی وتا از افروختن وسوختن
انوار بر آن اقطار ساطع گردد وعلم میثاق بر آن آفاق موج زند از فضل وعنایت حق
امید است که از این نوید چون خورشید بدرخشی و در آن میدان فارس فیروزی
وعلیک البهآء ع ع (هو الله)

سروستان احبای الهی علیهم بهآء الله الابهی الله ابهی

امیدوستان سروستان جمال قدیم حضرت نور مبین بیاران آن اقلیم کمال عنایترا ۴۸۳
داشتند وچون چند نفر از آن دیار در یوم لقا حاضر شدند الطاف بنهایت فرمودند
واظهار عنایت نمودند وچند یکه در حضور بودند مورد رعایت حضرت احدیت گشتند
ومظهر آیات موهبت شدند این دلیلست که بی حد آتش محبت الله در آنکشور شعله
پرشرر خواهد زد و نور معرفت الله در آن بوم و بر اشراق شمس و قمر خواهد نمود و این
یقین و محتوم است چه که مشیت و قضای حق قیوم است ولی ای دوستان موجود
از خدا بخواهید که آن شعله در امروز زند و از حرارت الله و اعتدال خلق و خوی

نوروز

نوروز گردد و دلها پرسوز شود و هدف غمزهٔ دلدوز گردد تا مظاهر آیات توحید گردیم
و مطالع بینات و مورد توجهات شویم و مشمول نظر عنایات چه که فصل جمال ابهی
عظیمست عظیم و فیض اسم اعظم قدیمست قدیم و البهآء علی الثابتین (ع ع)

بواسطهٔ جناب زائر آقا رضا علیه بهآء الله احبای سروستان

احبای نیریز احبای جهرم احبای خانکهدان احبای داریان علیهم بهآء الله الابهی

(هوالله)

ای یاران عبدالبهآء الحمدلله از سروستان نفحات گلستان محبت الله منتشر
و رایحهٔ معرفت الله ساطع و نور هدی لامع و آیات کبری ظاهر و باهر اقلیم جلیل
فارس چون مطلع نیر آفاق بود عبدالبهآء نهایت آرزو چنان که در قطب عالم خیمه
برافرازد و علم سبقت و پیشی بر کل اقالیم بلند فرماید الحمدلله در این ایام حرکتی نمود
بالاخص سروستان و نیریز حال از آن کشور مهریز ارباح لواقح محبت الله گوش
جان میرسد طوبی لکم و حسن مآب و بشری لکم لفضیض من رب الارباب
عبدالبهآء ملکوت ابهی عجز و نیاز مینماید و تضرع و ابتهال میکند که کشت آنجا
در آن کوه و دشت روز بروز نشو و نما نماید و سبز و خرم گردد و خوشه و دانه

۴۸۳ خطاب به کاتب ورود اصفهان مبارک

وخرمن فرماید کزرع اخرج شطأه فاستغلظ واستوی علی سوقه یعجب الزراع ومیدیم
چنانست که هرخوشهٔ خرمن گردد وهردانهٔ فیض وبرکت حضرت ذوالمنن شود ایاران
جمیع طوائف وامم منجمد ومجمود وجمیع قبائل وملل گرفتار یأس وقنوط اهل بهاباید
چنان حرکت وجنبشی نماید که کافهٔ اهل ارض را بهتزاز آرند وچنان پرتوی
افروزند که شرق وغرب را منور نماید وبرفتار وکرداری پردازند که شهرآفاق شوند
ومظاهر فیض کوکب اشراق گردند وعلیکم البهآء الابهی ع ع

شیراز سروستان جناب مهدی سروستانی علیه بهآء الله الابهی هوالله
ای منجذب نفحات الله نامهٔ مرقوم واصل گردید ومضمون مفهوم شد تمنای
تحریری از عبدالبهآء نموده بودی من نیز فوراً بترقیم این نامه پرداختم وازفضل
والطاف جمال ابهی امیدداشته ودارم که یاران الهی چنان انجذابی حاصل نمایند
که بنیامه اسرار الهی اقتباس کنند وکاشف راز گردند فیوضات ملکوت ابهی لوح
محفوظ وکتاب مسطور ورق منشور است وجمیع اسرار در آن نامه مرقوم آن نامه
منفصل را بدقت مطالعه نمائید تا بر اسرار ماکان ومایکون مطلع گردید جناب فانی
وجناب ضیآء الله وامة الله والده شان نذکر ادع ابهی جان ووجدان مسرور
شادمان

۴۸۵

شادمان گردانید وجمیع احبای الهیرا از شدت محبت انیعد خبر دهید و بالطاف بنهایت
حضرت مقصود بشارت فرمائید وعلیک وعلیهم البهآء الابهی ع ع
بواسطه جناب زائر جناب آقا غلامحسین خان سروستانی جناب آقا علی اکبر علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

۴۸۶ ای ثابت بر پیمان آیامکیه در ارض مقدس بودی و بشرف طواف ترب مقدسه فائز در خاطر است آیامی نهایت محبت و الفت با ما بسر بردی و در نهایت تبتل و خضوع بودی او قاتی که بروح و ریحان و شادمانی و کامرانی گذرد هرگز از خاطر نرود یقین است که فراموش ننمودی بلکه شب و روز در خاطر داری و بموجب وصایا و نصایح که القاشد عمل مینمائی امروز هر بهائی حقیقی از شئون و برهان اعمال و افعال که بموجب تعالیم الهیت اگر بآن موفق شوند هر روز موهبتی جدید یابند و غنائی بدیع جویند فرصت بسیار کم است لهذا مجبور باختصار هستم ولی هر کلمه فی الحقیقه نامه ایست نفس مطمئنه را یک کلمه کفایت مینماید جمیع احبای آنصفحات ابدع ابهی برسان وعلیک البهآء الابهی انه الموفق ضجیع محترم
انهایت مهربانی بنما و تحیت ابدع ابهی ابلاغ کن ع ع بشیر آن
ملاحظه جناب بشیر آنجی جناب آقا رضای سروستانی (هو الله)

Provided by the Afnan Library

خطاب کاتب مورد امضاء مبارک ۴۸۷

ایز از اطراف ملا اعلی نامهٔ شما رسید الحمدلله دلالت بر ثبوت و رسوخ احبای الهی
در امر جمال مبارک روحی لعتبته المقدسته فدا مینمود امروز جمیع کائنات از فیوضات
اسم اعظم در نشو و حرکت است و در استمداد و اهتزاز از سروستان الحمدلله گلستان گردیده
و بگل و ریاحین معرفت الله حدائق حقائق و معانی گشته امید چنانست که آن سروها
روز بروز نشو و نما نموده در نهایت لطافت و خرمی از فیض سحاب عنایت آنی
در جویبار حقیقت باهتزاز و حرکت آیند جناب آقا میر عبدالرسول را از قبل من تحیت
ابدع ابهی برسان و جناب درویش این شهید را نهایت تمجید از این وحید فرید بکن
و علیک البهآء الابهی ع ع

سروستان جناب زائر آقا رضا علیه بهآء الله ملاحظه نمایند

مناجات طلب مغفرت بجهت جناب آقا محمد کریم اخوی حضرت آقا مرتضای شهید جناب
حاجی خان ابن حیدرعلی جناب قباد خان جناب غلامعلی جناب میرزا حسین بنا جناب
حاجی هادی جناب حاجی علینقی جناب آقا علی ابن آقا حسین اعمی جناب آقا مهدی جناب
علی رضا جناب مشهدی فضل الله جناب آقا محمد اسمعیل جناب کربلائی هادی علی (هوالله) ۴۸۸
خطاب کاتب مورد امضاء مبارک

احمداً لک یا ربی الجلیل شکراً لک یا ربی العظیم علی ما فتحت ابواب الغفران

بمقابله

بمقاليد العفو والاحسان ومفاتيح الفضل والامتنان رب اخترت من عبادك الصالحين اناساً
وفقتهم على الدخول في ظلك الظليل والوصول الى الفوز العظيم وارويتهم من معين تسقيهم
من عين التسنيم فالتذت آذانهم باستماع النداء وقرت اعينهم بمشاهدة نور الهدى
واطمئنت نفوسهم بالآية الكبرى وانشرحت صدورهم بكلماتك العليا واضطرمت قلوبهم
باججيج نار محبتك فارتفع منهم الضجيج بالتكبير والتهليل الى ملكوتك الجليل وانتشرت منهم
نفحات حبك فيكل صقع واقليم اولئك يا الهي نفوس لم تأخذهم لومة لائم في امرك
ولا زلزلتهم شماتة كل عنود في ذكرك ولا ارعدتهم شتائم كل عتل زنيم في محبتك بل ثبتوا
على الصراط ونبتوا برشحات سحاب الالطاف يا رب الارباب وذكروك جهاراً
بين الابرار والاشرار وما فترت السنهم عن الاذكار واشتغلوا بتحقق الاسرار وشمروا عن اذيالهم
وتبتلوا الى ملكوتك يا عزيز يا جبار رب انهم تجرعوا كأس المنون بما قلت وقولك الحق
انك ميت وهم ميتون وقدرت لهم المقام المصون وانعمت عليهم بالسر المكنون
وارجعتهم اليك فضلاً من عندك يا رب الحنون رب اكرم لهم المثوى وادخلهم
في ظل سدرة المنتهى واخلدهم في جنة المأوى وادر عليهم كأس العطاء وقدر لهم الموهبة
العظمى وشرفهم بالتقاء يا رب الاعلى انك انت الغفور وانك انت الكريم الرحيم

Provided by the Afnan Library

البر الرؤف لا اله الا انت الغنی المعطی لکل عبد شکور ع ع (هوالله) ۴۸۹

هوالابهی

سروستان عموم احبای الهی علیهم بهآء الله الابهی

ای شیدائیان نیر آفاق وثابتان برمیثاق جناب حیدر علی علیه بهآء الله نامه نگاشته وذکر احبای الهی نموده که سروستان گلستان گشته ودوستان شب وروز بذکر رحمن مشغول انخبر سبب سرور وحبور شد واین نفحه مشام یارانرا معطر نمود که الحمد لله در آن اقلیم محترم که وطن حضرت اعلی روحی له الفدا بود نفحات قدس در انتشار است ونسیم جانپرور ریاض غایت در امتزاز باران عرفان در فیضانست وانوار مواهب درخشنده وتابان ایدوستان همتی نمائید تا کشور شیراز مظهر مواهب خداوند بی نیاز گردد واز حضیض نقمه وآهنگ سبحان ربی الاعلی بملکوت ابهی رسد مطلع آیات توحید گردد ومهبط الهامات رب فرید تا شعلهٔ نار محبت الله از آن اقلیم لسائر اقالیم سرایت نماید ونفحات ریاض قلوب آن یاران ولایات مجاوره را دلالت برگلشن هدایت کند واین مواهب میسر نگردد مگر بانقطاع از ماسوی الله وانجذاب بنفحات الله واشتعال بنار محبت الله ومحویت وفنا وخضوع وخشوع بین یدی احبآء الله ومنت یاران وعبودیت دوستان والبهآء علیکم جناب میرزا حسین نثار که خادم انجمن خدمت

بیم

فقط کاتب هر دو لوح مبارک

تکبیر ابدع ابهی ابلاغ نمائید و بگوئید که خانهٔ تو آشیانهٔ مرغان چمن الهی گشته و کاشانهٔ سودائیان
جمال رحمانی طوبی لک من ذلک والبهآء علیک ع ع سرو بستان
احبای الهی علیهم بهآء الله الابهی (هوالله)
ای یاران عبدالبهآء هرچند مدتیست که بواسطهٔ قلم و مداد با شما گفتگوئی ننمودم ولی در عالم ۴۹۰
روح و فؤاد همیشه با یاران جمال الهی مألوف بودم دمی فراموش ننمودم
و نفسی نیاسودم بلکه در نهایت تضرع و ابتهال بودم که آن احبای رحمانی و دوستان الهی
از ملال جسمانی و روحانی در جمیع شئون و احوال محفوظ و مصون باشند و موفق بآن گردند
که گلشن روزگار روی کردار برابر و اشرار هر دو ثابت و محقق گردد که این حزب مظلوم
مفتون جمال الهی هستند و منجذب نفحات قدس از افق اعلی زیرا این بیان و تبیان
و خلق و خوی و روش و سلوک و فضائل و کمالات از فیوضات نور قدم و اشراقات اسم اعظمست
مقصد آنست که حقیقت انسانیه باید مانند آئینه از شعاع آفتاب حقیقت روشن باشد والّا
سنگ سیاهی و ظلمت اندر ظلمت است و شعاع شمس حقیقت عرفانست ایمانست ایقانست
اطمینانست انجذابست التهابست و استمرار در نشر نفحاتست ای یاران الهی ایام بسرعت
اتمام یابد مالک و مملوک گمنام گردد نه اثری نه ثمری نه برگی نه شکوفه‌ئی جمیع مظاهر ملل اقتی علی الانسان

حین من الله هرلم یکن شیئاً مذکوراً گردند مگر نفوسیکه کلّی از نفس و هوی بیزار شدند و مطمع انوار هدی گشتند مهبط اسرار شدند و سرحلقهٔ ابرار گردیدند آنان مانند نجم زاهر از افق حقیقت تا ابد الآباد باهرند پس بکوشید تا از صهبای استقامت کبری بنوشید و بنهایت قوت در جمیع موارد مقاومت اهل غفلت نمائید ولو اجتمع علیکم من علی الارض کلّه لا تخافوا ولا تحزنوا واعتمدوا علی الله وجنود من ملکوت الله راحت ایامی چند نجوئید در عاقبت نگرید ملاحظه نمائید که نتائج محمودهٔ در اعمال و اطوار چه نفوسی موجود این دقت سبب عبرت شود و انسان بحقیقت پی برد الهی الهی هولاء ارقّاءک اذلاءبابک فقراءالیک ضعفاء بین یدیک قدرلهم کلّ خیر و احفظهم عن کلّ ضیر و اجعلهم حماة حصنک الحصین و رعاة اغنامک فی تلک الاقالیم و رماة ناقضی عهدک بسهام سلطان مبین و برهان عظیم و اجعلهم سرجاً ساطعة لفیض النور المبین حتّی یقوموا اشدّ القیام علی اعلاء کلمتک فیذلک القطر الحجیج رتّب هولاء طیور ضعاف اجعلهم نسوراً فی اوج الالطاف وصقور الفضل والانصاف وحمهم من الاعتساف انّک انت القوی الوهّاب وانّک انت العزیز المهیمن المتعال ع ع

هوالله سروستان احبای الهی علیهم بهاء الله الابهی

هوالله

۴۹۱ خطاب به نبیل ورقا علیه بهاء الله

ای یاران رحمانی شمس حقیقت بر آفاق قلوب اشراق نورانیت محبت نمود و غمام مواهب باران الفت مبذول داشت نسیم عنایت از مهب ملاطفت بمرور آمد و دریای رحمانی امواج تعلق روحانی زد تا باران الهی بمثابهٔ فیض آسمانی قطرات جمع شده سیل فیض نامتناهی کردند و صحرا و دشت آفاق را سبز و خرم نمایند مقصد از ظهور مظاهر مقدسه الفت و محبت عالم انسانی بود حال احبّا باید در این میدان جانفشانی نمایند تا عالم انسانی را بصبای محبت یکدیگر سرمست کنند و قلوب آفاق را شادمانی بخشند آنچه در الفت بیشتر کوشند بیشتر پویند و آنچه در اتحاد همت مبذول دارند عون و عنایت بیشتر مشاهده کنند حضرت مسیح خطاب بحواریین میفرماید انتم ملح الارض فاذا فسد الملح بماذا یملّح میفرماید شما نمک عالمیانید اگر شما فاسد گردید جهان بچه ملیح و نمکین گردد حال اگر احبای الهی شمع محبت و الفت و یگانگی و اتحاد در محفل خویش نفروزند چگونه جهانرا بنور نیت الهیه روشن نمایند و چگونه سبب الفت قلوب اهل عالم گردند ای یاران عبد البهآء شما را بملاحت و صباحت جمال ابهی قسم میدهم که مانند نجوم ثریا مجتمع و مؤتلف گردید و سبب اتحاد و یگانگی عالمیان شوید بنیاد خلاف براندازید و بنیان ائتلاف بلند سازید و سبیل محبت الهیه

درآویزید و ساحت قلب را از مغایرت و مخالفت بپردازید تا محل اشراق شمس حقیقت
گردد و نور موهبت بدرخشد هریک خادم مکدیگر شوید و هر کدام در رده دیگر خانشانی
نمائید جان و مال از یکدیگر دریغ مدارید تا بر لیغ عطا از ملکوت ابهی رسد و منشور سرور
و حبور از ملأ اعلی صادر گردد و علیکم التحیة والثناء ع ع

سروستان جناب زائر میرزا حیدرعلی سروستان علیه بهاء الله الابهی هوالله
ای ثابت بر پیمان نامهٔ نامی رسید از مضامین آثار روشنی پدیدگشت که دین
رجوع و وصول از آشنا و بیگانه حسن استقبال در نهایت موفور یافت
الغرة لله ولعباده المخلصین عنقریب ملاحظه خواهید نمود که انوار عزت ابدیه
بر رؤس یاران چنان تابد که شرق و غرب روشن شود و جمیع احزاب بیگانگان
جمال قدم خطاب نمایند و تالله لقد آثرکم الله علینا گویند سؤال از زوجات ثالثه نموده
بودید البته باید زوجهٔ ثالثه را طلاق داد و علیک البهاء الابهی ع ع

سروستان جناب آقا حیدرعلی زائر علیه بهاء الله الابهی هوالله
ای ثابت پیمان بمجرد قرائت نامهٔ شما سفارش در خصوص آقا میرزا فتحیخان
بنفس مبارکی تحریر یافت فی الحقیقه آن مظلوم گرفتار گشته است
هرچند

مهر چند مسجون است ولی امقرب درگاه حضرت بیچون امیدوارم عنقریب گشایش
حاصل گردد و بخشایش رخ دهد فرصت بیش از این نیست جناب آقا رضا و جناب
بقاء الله و اهل بیت محترمه را از قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دارد و علیک البهاء
الابهی ع ع سرو ستان بواسطهٔ جناب زائر آقا حیدر علی
والدهٔ امة الله فاطمه ضلع امة الله ناجیه صبایا امة الله طاهره امة الله منیره امة الله
فائزه بقاء الله کبری طوبی والدهٔ مرحوم قبادخان جناب آقا میرزا علی محمد جناب
مشهدی علی اصغر جناب آقا محمد صادق جناب آقا محمد حسن هو الله ۴۹۳
ای مؤمنین و مؤمنات وثابتین و ثابتات جناب حیدر علی بدرگاه حضرت کبریا
پناه آورد و بکمال عجز و نیاز برای شما موهبت کبری رجا نمود و آن موهبت کبری موفقیت
برگفتار و رفتاریست که مطابق تعالیم الهی و وصایای جمال مبارک و نصایح اسم اعظم
اگر باین موهبت موفق شوید بهر خیری مؤید آرزوی انیعبد چنانست که هریک از شما
آیت هدی گردد و نخلی باسق در بوستان الهی شود و در کمالات انسانی بر کل فائق گردد
سلیل علی اصغر که در سبیل الهی شهید گشت سراج آن قبیله است و مرکز مباهات
جمیع آن خاندان عنقریب تأییدات غیبیه بسبب خون مطهر آن بزرگوار که در سبیل

Provided by the Afnan Library

الهی سبیل شد آنرو دمان را احیا نماید پس شکرانه پردازید که الحمد لله نفس مبارکی از آنخاندان
در سبیل الهی شهید شد و این شهادت سبب مفخرت و مباهات در جمیع عوالم الهیت
و علیکم و علیکن البهاء الابهی ع ع (نیریز) بواسطهٔ جناب ملا احمد علی

(سرهوستان احبای الهی)

جناب آقا حیدر علی جناب آقا میرزا علی محمد جناب آقا میرزا علیرضا خان جناب آقا سید میر احمد
جناب آقا علی نقی جناب آقا میرزا تاج الدین جناب حاجی محمد جناب آقا علی اکبر جناب کربلائی باقر
جناب آقا علی نقی جناب آقا علی جناب آقا عطاء الله جناب کربلائی شکر الله جناب آقا غلامعلی
جناب آقا میر اسمعیل جناب آقا میرزا حسین بناء جناب آقا موسی جناب آقا مهدی محمد حسین
جناب غلامحسین خان جناب آقا میرزا فتحعلیخان کلانتر جناب آقا مشهدی عابد جناب عباسعلیخان خادم
جناب ملا قربانعلی علیهم بهاء الله الابهی (هوالله)

ای یاران عبدالبهاء بشارت کبری رسید و خبر پیروزی عبدالبهاء شنید مژدهٔ الفت
یاران سبب مسرت دل و جان گشت و خبر اتحاد و اتفاق دوستان سبب فرح
بیپایان گردید عبدالبهاء نهایت روح و ریحان یافت زیرا چون راگه اخبار دربین
قلوب ابرار استشمام نماید چنان اخزان و اکدار هجوم کند که تقریر و تحریر بیان نتوانند

۴۹۵ جمعه ۱۰ ربیع الاول ۱۳۰۹ مبارک

Provided by the Afnan Library

وچون نفحهٔ مشکبار الفت و اتحاد استشمام کنند چنان سرور وحبوری احاطه کند که قلب بانتر از
وجان بپرواز آمد زیرا تجلّی اشراق بجهت الفت اهل وفاقست تا نفوس آفاق در ظلّ
رایت اتفاق در آیند وچنان نورانیت وحدت بدرخشد که کلم یگروح ویگجسم یابند وچون دلبر
موهبت الفت در انجمن یاران جلوه کند تأییدات الهیه وتوفیقات صمدانیه از جمیع
جهات احاطه فرماید انوار توحید بتابد ونسیم تجرید بوزد پرتو عنایت بدرخشد وحیات روحانی
منبذول گردد هذا هو الفوز العظیم وهذا هو الفیض المبین یاران عبدالبهاء السبب الالفت
واتحاد جدید بسیار راضی نمایند وسبب شوند که لسان تضرع وزاری بگشاید واز درگاه
احدیت طلب تأیید نمایند و علیکم التحیة والثناء ع ع (بشران)

بواسطهٔ حضرت عندلیب سروستان جناب حیدر علی سروستانی (هوالله)

اثبات برمیثاق مکتوب واصل گردید مضمون سبب انشراح صدور بود دلیل بر ۲۹۶
حصول فضل موفور از تأسیس مشرق الاذکار نهایت سرور حاصل گردید وهمچنین از ترک
زرع تریاک وترک دخان زیرا افیون جز در معالجهٔ امراض معلومه سبب هلاک
نفوس وموت ابدی انسان گردد وهمچنین از شرب دخان نتیجه وثمری جز
تضییع اوقات وحصول امراض فائده نه الحمدلله که احبای آنسامان از همه اینها

Provided by the Afnan Library

گذشتند ایمنده آلهی وقت را غنیمت دانید و فرصت از دست مدهید منشرح نفحات
آلهی پردازید و به نیر بزرفت و آمد نمائید تا این مراوده طرفین سبب انجذاب مدنیتین گردد
و هریک دیگری را تشویق و تحریص بر استقامت و ثبوت و انجذاب قلوب نماید جناب
کاتب میرزا حسین را از قبل من نهایت محبت ابلاغ نما و جناب حاجی خان و آقا رضا
و لقا آر الله جمیع الاحبه مشتاقانه ربسان امیدوارم که موفق بخدمت یاران آلهی و احبای
رحمانی و تربیت و تنظیم مشرق الاذکار باشند و علیک التحیة والثناء ع ع

سروستان بواسطهٔ جناب زائر آقا حیدر علی

جناب آقا عبدالله جناب علی آقا جناب آقا محمود جناب احمد علی جناب آقا میرزا آقا
جناب آقا عبدالحسین جناب سهراب خان جناب آقا مصطفی جناب صادقعلی جناب
کربلائی شکرالله جناب مشهدی اسدالله جناب حاجی آقا جناب کربلائی علی حسین جناب
هدایت الله جناب آقا علی غرب جناب ملا محمد رفیع جناب هادی جناب عبدالرحیم

هوالله

۳۹۷ ای یاران رحمانی جناب حیدر علی در نهایت عجز و نیاز بدرگاه بی نیاز تضرع و تبتل نمود
و از برای شما رحمت بیپایان و عنایت بیکران طلب کرد چون این خواهش ورد درگاه

مقدسه واقع بسته روا گردد و نتائج محموده حاصل شود اینعبد نیز در آستان کبریا بهمین رجا قائم و امیدم چنان است که نورانیت تعالیم الهیه و وصایای ربانیه چنان در بین احبا جلوه نماید که روبهاروشن شود و جانها شبارت یابد و دلها منور گردد و از اغصان و ارکان آثار ایمان و ایقان ظاهر شود تا توانید بشیم حق پردازید و مدرکاه احدیت تضرع و زاری نمائید که اخلاق نیر اشراق پرتوی بر قلوب اندازد و نفوحات رحمانیه در حقایق انسانیه جلوه نماید و علیکم البهاء الابهی ع ع

هوالابهی

سرکستان جناب حیدرعلی و میرزا علی محمد و جناب میرزا حسین علیهم بهاء الله الابهی ۳۹۱

هوالابهی ای یاران چه خوش بخت و سعد اختر و همایون طالع بودید که در چنین کور و دوری مولود و در چنین قرن و عصری موجود و بر چنین موردی وارد و در چنین آستانی ساجد و در سایه چنین شجری مستریح و از چنین ثمری مستفید شده اید کور کور جمال قدم قرن عصر ایام اعظم مورد مورد شریعت الله آستان درگاه جمال ابهی شجر شجر انیسا ثمر ثمرهٔ سدرهٔ منتهی طوبی للفائزین بشری للواردین فرحاً للواصلین سروراً للمستظلین والحمدلله رب العالمین جمیع دوستان را تکبیر ابدع ابهی

ابلاغ نمائید ع ع

در خصوص زرع تریاک استفسار نموده بودید زرع تریاک ضرر بحبت علاج جائز نه زیرا در اکثر معالجات مستعمل واز عدد ایام رضوان سؤال نموده بودید دوازده روز است ویوم اولش همان یوم دوساعت بغروب مانده است دیگر در جمیع اوقات باید دوستان الهی باکدیگر باکمال حکمت معاشرت وملاقات نمایند وبذکر حق مشغول گردند واز کید یگر را کحه طیبهٔ محبت الله استشمام کنند ع ع (هو الله)

جناب محمد جعفر جناب آقا باقر جناب حاجی آقا جناب آقا بهائی جناب آقا یحیی جناب آقا علی خان جناب حاجی امین جناب محمد ابراهیم جناب حبیب الله جناب آقا علی نقی جناب حیدر علی جناب میرزا علیمحمد جناب آقا غلامحسین جناب عطاء الله جناب میرزا امیر رضا جناب میرزا فتح الله جناب محمد حسنخان جناب علیخان جناب مشهدی سلیمان جناب محمد باقر جناب محمد رفیع جناب محمد تقی جناب علی اکبر جناب موسی جناب بدیع الله جناب علیمحمد جناب محمد کریم جناب تاج الدین جناب علی بابا جناب اکبر جناب محمود جناب میرزا حسین جناب احمد جناب حسن جناب علی نقی حاجی محمد جناب فضل الله جناب نوروز علی جناب اسد الله جناب علی نقی جناب رضا جناب حسن جناب مصطفی جناب علی بابا جناب نعمت الله جناب قنبر علی جناب

Provided by the Afnan Library

جناب مصطفی جناب علی جان جناب رضا علیرضا جناب شهدی عابد جناب فتحعلی جناب
حسینقلی جناب علی جناب شهدی محمدحسین جناب شهدی باقر جناب آقابابا جناب قاسم
جناب جعفر جناب محمد اسمعیل جناب محمدباقر جناب استادحسن جناب غلامعلی جناب حاجی
جانبان غلامحسین و صفر علیهم بهآء الله الابهی (هوالله) ۴۹۹

ایدوستان الهی چندی پیش آشفتهٔ جمال حق آقا غلامرضا استدعا نمود که بآن یاران الهی
بتحریری مرقوم گردد باکمال اشتیاق و شوق نامه مرقوم گردید و حال نیز رجای نگاشتن مینماید
واین بندهٔ آستانهٔ الهی را چندان مشاغل و غوائل که فرصت نگارش نکتهٔ نه باوجود این
چون ذکر یاران الهی را نموده بود چنان حالتی دست داد که بی اختیار خامه برداشته
وذکر یاران پرداختم ای عاشقان جمالقدیم وقت جوش وخروش چون دریای بی پایانست
وهنگام احتراق بآتش سدرهٔ رحمن چشم ملکوت الهی باز کنید و گوش به آهنگ هاتف رحمانی
دهید تا از ملکوت غیب صلای بیداری شنوید و بتحسین ملاء اعلی استماع نمائید ایدوستان
اسم اعظم جمیع بلایای مبرم را حمل فرمود و تحمل کرد تا ما معین مدی نبوشیم و در سبیل تقوی
سلوک نمائیم و بانوار موهبت کبری در بسیط غبرآء مبعوث شویم و در ظل کلمهٔ وحدانیت
بنشر نفحات الله مشغول گردیم و در هر دمی بروحی جدید زنده شویم ع ع

هوالله جناب میرزا محمدتقی خان جناب محمدحسن خان امة الله بگم امة الله گوهر علیهم
بهآء الله الابهی (الله ابهی)

۵۰۰ خط مبارک

ای یاران حقیقی چه نویسم که قلب در نهایت انجذابست وروح در غایت اشتیاق
آتشی از محبت الله در دل افروخته وشمعی در زجاجهٔ قلب روشن گشته که چون یاد یاران
خطور کند شعله اش جهانسوز گردد وزبانه اش عالم افروز ملاحظه کنید که در این بساط
چه قدر محترمید زیرا بنده گی جمال قدم گردن دارید وحلقهٔ عبودیت اسم اعظم در گوش
پس آنچه سزاوار این عبودیت وبندگیست مجری دارید تا رخ در ملکوت ابهی
برافروزید ع ع

هوالابهی

سرورستان جناب میرزا فتحعلی علیه بهآء الله الاهی

هوالابهی

۵۰۱ خط مبارک

ای حامی انعام آلهی خدمات وزحمات ومشقات تو در این انجمن مذکور ومعروف
علی الخصوص که در آستان آلهی مثل غلامرضاخان وکیل مخصوص دارید دائماً ورد زبان
بلکه کلمات نمازش ذکر شماست ویاد شما گاهی یعنی اکثر اوقات لسانا ودائماً
مستمراً قلباً من این شهادت را میدهم واز عهده بر نیائی بخشش بیچون وچند
جمال ابهی بر میآیم تو مسرور باش ومشعوف که در چنین آستانی رحمانی مصدر
خدمات

ملا باقر علی چنین یار صادقی ودعاگوی موافقی که الآن حاضر و همدمست داری ولیس هذا
الا من فضل ربک وجوده العظیم ع ع (هوالابهی) نسخه
سروستان جناب میرزا فتحعلی علیه بهآء الله الابهی

۵۰۲ (هوالابهی)

آینهٔ آستان حضرت احدیت عریضه واصل وملاحظه گردید عریضه نبود حدیقهٔ انیقه بود
بگلهای معانی مزین بود وبریاحین عین الیقین مشحون ومعطر مشام جان از نکهت خوش
عرفان استشمام نمود ودماغ وجدان انفاس طیبهٔ طیب ایقان استنشاق
کرد اگر تأیید ملکوت جمال ابهی جوئی برعهد ومیثاق ثابت باش ودیگر از
راسخ دار اگر عزت قدیمه پایدار جوئی ترویج امرالله کن زیرا تبلیغ امرالله
عبادت از افشاندن تخم پاک در زمین طیب طاهر است والبهآء علیک ع ع

سروستان بواسطهٔ جناب آقا علی اکبر زائر

جناب وکیل الرعایا جناب آقا سید میراحمد جناب آقا موسی جناب آقا محمود
جناب آقا مهدی جناب آقا بدیع الله جناب آقا حبیب الله جناب آقا حسین
جناب آقا زین العابدین جناب خانی جناب آقا عبدالحسین جناب آقا علی

Provided by the Afnan Library

جناب حاجی علی جناب آقا محمد جعفر جناب حاجی امین جناب مشهدی قربانعلی جناب
مشهدی حسن جناب آقا بهبهانی جناب حاجی خان جناب آقا بدایت جناب خان بابا
جناب حاجی آقا جناب آقا علی اکبر جناب آقا علی جناب استاد علی نقی جناب کاکا جان
جناب آقا علی شاه جناب آقا نجف جناب آقا محمد حسن جناب آقا محمد کریم جناب
آقا عبدالوهاب جناب آقا فتحعلی جناب آقا محمد تقی جناب آقا رسول جناب مشهدی محمد تقی
جناب کاکا خان جناب آقا محمد حسن جناب آقا عبدالله جناب سید خان جناب
مشهدی عابد جناب محمد علی جناب عباسقلی خان جناب عطا جناب عباس جناب
حسین آقا جناب آقا کوچک جناب هادی جناب کربلائی محمد علی حسین والده بدیع الله
ضجیع حاجی محمد شفیع ضجیع مشهدی سلیمان ضجیع آقا مهدی ضجیع آقا موسی ضجیع آقا علی اکبر
ضجیع مشهدی محمد هاشم ضجیع بدیع الله بهیه خانم فائزه خانم ضیائیه خانم هوالله

لک الحمد یا الهی کما شغفت الاحباء بجمالک و تجلیت علی الاصفیاء فی یوم
الوصال بآیات جلالک و نفخت روح الحیوة فی قلوب الاولیاء بفضلک و رحمتک
و انزلت علیهم مائدة السماء بجودک و موهبتک و اصطفیتهم من بین الوری
لأعلاء کلمتک و اجتبیتهم من بین الاحزاب لنشر نفحاتک و ارتضیت لهم مقامات

الذکر

نفحات انشاء مبارک ۵۰۱۴

القدس فی ایامک ورشحتهم لتبلیغ امرک واجتبیتهم لانتشار ذکرک فقاموا فیکل الجهات
علی بث الآیات البینات ورفعوا الرایات ونشروا الکلمات وتمسکوا الحجات وتصفوا
بالبرهان فی اثبات ظهورک وانقطعوا عن الراحة والرفاه واحتملوا کل شدة
وعناء وصبروا علی الرزیة والبلاء منجذبین الی ملکوت احدیتک ومشتعلین بالنار
الموقدة فی سدرة فردانیتک ومشتغلین بترتیل آیات التوحید اثباتاً لوحدانیتک
رب اخترهم للوفود علیک فی حدیقة البقاء والورود علی ساحتک فی خبة اللقاء وطلوع
من افق عنایتک فی عالم العماء والصعود الی اعلی فرع من فروع سدرتک المنتهی
حتی یترنموا ابدع الانغام واحلی الایقاع فی خبة الماوی بذکرک وثنائک فی ملکوتک
الابهی انک انت المعطی الکریم العزیز الوهاب وانک انت القوی القدیر الفاتح
للابواب لا اله الا انت المعطی بلا حساب ای دوستان حقیقی وبندگان آستان
الهی حضرات زائرین چون بسجن نور مبین رسیدند بنهایت سرور بستایش موفور
از آن طیور حدیقه الهی لب گشودند که یاران سروستان راستانند وسرآبستان
رسوانید وشیدائی سودائیند وحریص درجان فشانی مفتون روی یارند
ومجنون زلف مشکبار اسیر زنجیر محبتند وامیر سریر کشور عبودیت هریک

را از عشق دلبر مهربان تاجی بر سر و خلعتی از الطاف مبارک در بر و الله و حیران و سرمست صهبای رحمن شب و روز نهایت آرزو دارند که برضای اسم اعظم موفق شوند و در سبیل جمال قدم جان فدا نمایند این بیان نهایت روح و ریحان به اسیران این زندان بخشید که الحمدلله موطن حضرت اعلی ولایت شیراز پر نغمه و آواز است و از پرندگان آن چمستان شهناز بلند است اخبار الله در جوش و خروشند و یاران از دست ساقی عنایت باده نوش و رندان آلهی سرمست و مدهوش امید چنین است که عنقریب نور مبین آن کشور زمین را باشراق بهشت برین نماید و هر یک از یاران مانند طاوس علیین شهپر تقدیس بگشاید و جلوه نماید و شب و روز بجان و دل بکوشند که بیگانگی بکلی از میان برخیزد و پرتو یگانگی بدرخشد و وحدت صمیمیه جلوه نماید و موهبت قدیمه پرده براندازد تا این اتحاد و اتفاق و وحدت و محبت سرایت به دیگران نماید و بیگانگان آشنا گردند و محرومان محرم راز شوند و بی نصیبان از فیض قدم بهره گیرند و دوران ملکوت حق نزدیک شوند ای یاران آلهی بموجب وصایا و نصایح ربانی باید سبب وحدت عالم انسانی گردید و بنیان بیگانگی براندازید اگر در بین خود غباری باقی گذارید چگونه موفق باین نیر گواری گردید پس از دل و جان سعی بلیغ نمائید

Provided by the Afnan Library

و جهدی عظیم مبذول دارید که کل در ظل خبآء توحید محشور شوید و آیات تفرید تلاوت کنید
و بمقامات تجرید رسید لعمرالله آن عبدالبهآء اشتیاق رؤیاءم و تمنّی التخادم و التلاقم
و یضیق صدراً اذا لم یسمع بشرکم و علیکم البهآء الابهی ع ع (هوالله)

بواسطهٔ جناب میرزا جلال

جناب محمدحسن خان و جناب ملا جعفر سروستانی علیهما بهآء الله الابهی

(هوالابهی) ۵۰۴

ای دو نفس زکیه ندای شما بسمع اشتیاق مسموع شد و لقای شما محبوب و مرغوب
گشت هرچند بصر محروم است الحمدلله ببصیرت محرم اسرار حیّ قیوم در محضر حاضر بدور انجمن
آلهی موجود و مشهود پس ملاحظه فرمائید که مواهب حضرت احدیت چه تأثیری در عالم
وجود نموده و فیوضات اسم اعظم چه قدرتی نموده که این عبد را با آن یاران در محفلی
جمع فرموده و صد هزار فرسنگ را حکم قدمی داده این چه محبت است و این چه
الفت این چه انسنت است و این چه اتحاد و یگانگی و وحدت عنقریب ملاحظه
نمائی که صد هزار نفوس حکم یک نفس یابد و صد کرور اشخاص در ظل یک خیمه
درآیند پس ای یاران باکمال ثبوت بر میثاق در نشر نفحات بکوشید تا این بگوی

خدمت امرالله را شما از میدان بربائید ع ع شیراز بواسطهٔ حضرت بشیر آلهی

جناب آقا محمد علی سروستانی ملاحظه نمایند (هوالله)

الهی الهی قد سبقت رحمتک وتمت نعمتک وکملت موهبتک علی الذین اعترفوا بوحدانیتک واعترفوا من بحر رحمانیتک واقتبسوا من نار محبتک

خطاب کاتب افنان مبارک ۵۰۵

رب ان عبدک محمد علی یرجو المغفرة لابیه واخته الذین اجابوا الدعاء ورجعا الیک بقلب مطمئن بالفضل والعطاء رب اغفر لهما برحمتک التی سبقت الاشیاء وادخلهما فی جوار رحمتک الکبری انک لطیف بعبادک الفقراء وانک انت الرحمن الرحیم

عبدالبهاء عباس

بواسطهٔ جناب آقا میرزا هادی افنان علیه بهاء الله الابهی

سروستان جناب زائر حضرت حیدر علی سروستانی علیه بهاء الله الابهی هوالله

خطاب کاتب افنان مبارک ۵۰۶

ای ثابت بر پیمان در ایام جنگ ابر سیاه حرب عرصه را بر جمیع شئون نمود و محاورات مقطوع وراه مسدود شد ووسائل روابط مفقود و هر انسان بانطباع منجمد و مخمود و نه خبری نه پیامی نه سلامی ارواح امداد خواهد ونفوس را نفس رحمانی شاید الحمدلله ابر سیاه حرب متلاشی شد وصبح صلح عمومی را بدایت طلوع متلألی گشت

راهها بسته باز شد و دلهای خسته آسوده گشت مشامها برائحهٔ طیبهٔ معطر گردید
و ابصار بمشاهدهٔ آثار منور آمد دوباره نسیم جان پرور وزید و نفوس به آرزوی
خویش رسید و از ظلمات حرمان برهید مرقوم نموده بودید که از قلم عبدالبهاء
تا بحال اثری بآن دیار نرسید حال آنکه مکاتیب متعدده بجهت نفوس ارسال شده
ولی هنوز چاپار وبرید انتظام نیافته امیدواریم که من بعد منتظم گردد و مخابره
دمبدم شود اما جان عبدالبهاء در آن اوان همیشه بنفحات رحمن که از قلوب
دوستان میوزید در نهایت روح و ریحان بود و در آستان یزدان تضرع مینمود
و یاران روحانی و یاوران رحمانی را تائید سبحانی میطلبید که از فضل جلیل مربی
امکان آفتاب لامکان نیز پنهان هریک چون حضرت خلیل در نیران فراق برد
و سلام یابند ایدوستان حقیقی من یاران سرو ستازا فیوضات عهد و پیمان
و الطاف رب الآیات جویم امیدم چنان است که همواره مسلک ابرار پویند
و از اغیار بیزار باشند الحمدلله زنجیر محبت وثیق است و علاقهٔ قلب شدید
و یاران تا بت سرمست از رحیق کأس انیق زاد کم الله ثبوتاً و رسوخاً
و انار وجهکم بضیاء شمس الحقیقه و افاض علیکم فی یوم المیثاق فیضاً و اشراقاً

Provided by the Afnan Library

خدمت امرالله را شما از میدان بربائید ع ع شیراز بواسطهٔ حضرت بشیر آقای
جناب آقا محمد علی سروستانی ملاحظه نمایند (هوالله)
الهی الهی قد سبقت رحمتک وتمت نعمتک وکملت موهبتک علی الذین
اعترفوا بوحدانیتک واعترفوا من بحر رحمانیتک واقتبسوا من نار محبتک
رب ان عبدک محمد علی یرجو المغفرة لابیه واخته الذین اجابوا الدعاء ورجعا
الیک بقلب مطمئن بالفضل والعطاء رب اغفر لهما برحمتک التی سبقت الاشیاء
وادخلهما فی جوار رحمتک الکبری انک لطیف بعبادک الفقراء وانک انت الرحمن الرحیم
عبدالبهاء عباس

خط کاتب الفقره مبارک ۵۰۵

بواسطهٔ جناب آقا میرزا هادی افنان علیه بهاء الله الابهی
سروستان جناب زائر حضرت حیدر علی سروستانی علیه بهاء الله الابهی هوالله
ای ثابت بر پیمان در ایام جنگ ابر سیاه حرب عرصه را بر جمیع شئون ممدود می
مقطوع وراه مسدود شد ووسائل روابط مفقود وبر انسان بالطبع منجمد ومخمود نه خبر
ونه اثری نه پیامی نه سلامی ارواح امداد خواهد ونفوس را نفس رحمانی شاید الحمد لله
ابر سیاه حرب متلاشی شد وصبح صلح عمومی را بدایت طلوع متلألی گشت

خط کاتب الفقره مبارک ۵۰۶

Provided by the Afnan Library

لهذا از حضرات خدر بخواهید که فرصت مکاتیب علیحده نیست وعلیک البهآء الابهی ع ع

(هوالله)

عبد البهآء عباس

حضرة ورقهٔ مبارکه حرم جناب افنان شجرهٔ رحمانیه آقا میرزا عبد الوهاب علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

۵۰۸

ای ورقهٔ مبارکه جناب فرع سدرهٔ مقدسه افنان دوحهٔ رحمانیه عازم رجوع بآنصفحات هستند
ومتذکر بآیات بینات لهذا ارمغانی بجهت تو خواست ودر وجود اعظم ارمغان
الطاف حضرت رحمن وبشارت غایت رب زیدانست الحمد لله فضل وجود سلطان
وجود درحق شما ولیشان چیا پایانست وعبد البهآء بانهایت تضرع وابتهال افنان
سدرهٔ وجود را در هر دم فضلی مشهود خواهد جمیع منتسبین دوحهٔ تقدیس را از
قبل من تحیت ابدع ابهی ابلاغ دار وعلیک البهآء الابهی ع ع (هوالله)

ارض یا حضرت فرع جلیل سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد تقی علیه بهآء الله
الأبهی

۵۰۹

هوالابهی

ایها الفرع الجلیل من الشجرة الالهیه الحمد لله که فیوضات ملکوت ابهی از جمیع
ارجاء وانحاء چون باران نیسان متتابع ورایت میثاق در قطب آفاق

Provided by the Afnan Library

مرتفع نیر امرالله در اوج عزت ساطع و بساط امن و امان در کل بلاد منفرش و از
جمیع طوائف از شرق و غرب در ظل امرالله داخل عنقریب سطوت کلمة الله
کائنات را بحرکت آرد و هیکل عالم را مرتعش کند و قلوب را منقلب نماید
حمداً له ثم شکراً سبحان الله اهل فتور همت گماشته اند که این نور مبین را
از دیده ها مستور نمایند و این بدر منیر را مخفی کنند علو امرالله را انکار نمایند و بموهمات
شبهات الله را احتجاج کنند قصد آن دارند این کبار با کرعمه پوشند
خورشید ترا بمبهمات الیمی الناظرون عن القضیا و مادی اگر حرب
شبهات با تضعیف با جنود مفتریات و الواح محرفه بجوم آرند البته
آنحضرت باید با کمال قوت مقاومت فرمایند که مبادا خلول در ضعفا نماید
علی الخصوص شما را باید بسیار محافظه از مسائل اوراق شبهات نمود
چه که آنان کینونا تشان بسیار رقیق است اندک غباری تاثیر نماید مادی اهل
فتور شب و روز با کمال الحاح در سعی و کوشش که نار محبت الله را خاموش
نمایند و کتاب عهد و کتاب اته سرا که ناسخ جمیع الواح و زبر است فراموش کنند
الفرض تیر عدوان آشنایان از سهم بیگانگان سموم تر و زخم تیغ مدیان

از تیر

از شمشیر دشمنان شدیدتر در هر دمی سهمی و در هر نفسی سنانی امّا اشکوبی و حزنی
الی الله ای افنان سدرهٔ رحمانی این طیر آشیان الهی را زاغان جفا احاطه نموده اند
و جغدان بی وفا هجوم کرده و این غزال مرغزار رحمانی را ذئاب کاسره مسلط شده
اند از هر سمتی صد هزار تیر افترا پران و از هر جهتی هزاران شمشیر بغضا رتند و تیز
و بران و این جسم نحیف بی نصیر و معین و بی سر و سامان جمیع طوائف عالم متصل
در هجوم و یاران و آشنایان بیش از کل در اشد طغیان دیگر ملاحظه فرمایید که بمثلهم
در بین احزاب چگونه مبتلا رب ایدنی علی حمل ثقل البلاء و تحمل هذا الجفاء و بالجمله
فیهوارد البأساء و الضرّاء ایرب قرب ایام صعودی الیک و وفودی علیک
و حضوری بین یدیک حتی انجو من ظلام ظلم هؤلاء و ادخل فی فضاء انوار
قرب یارب الایحی و استریح فیجوار رحمتک الکبری ایرب ضاقت علی الارض
برحبها و اشتدت علی الازمة باسرها و تفاقمت الامور و هجم جمهور اهل الفتور
بسهام و سنان و سیوف البغی و الطغیان و جعلونی هدفاً للنبال و غرضاً للنصال
ایرب انت معینی و نصیری و انت ولیّ و مجیری اجرنی من ظلم هؤلاء الذین
لم یراعوا عهدک و میثاقک و لم یحفظوا حرمتک و لم یصونوا احماک بل اسندوا

الیک الخطاء و ادّعوا لانفسهم الصواب و قالوا انّ المنصوص فی الکتاب یستحقّ
السّب و الاجتناب و اوّل من نقض المیثاق و ترک امرک و خالف عهدک یستحقّ
الاطاعة و الانقیاد و لو قام باشدّ الاحتجاج علی مطلع انوار عهدک و السراج الوهّاج
ای ربّ افتح ابصارهم المطموسة و شقّ آذانهم المسدوده و طهّر قلوبهم المظلمة
المجوبة انّک انت القوی القدیر ع ع

جمیع یاران الهی را تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید و البهآء علیک ع ع هوالابهی

یزد حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمّد تقی علیه بهآء الله الابهی

(هوالابهی الابهی)

۵۱۰ آلهی آلهی انّی اناجیک بلسان الابتهال متذلّلا متضرّعاً متمسّکاً بحبل التذلّل و الانکسار
خاضعاً خاشعاً لعظمتک و سلطانک و ربوبیّتک یا عزیز یا غفّار و استغفرک
یا الهی عن ذنوبی و خطیئاتی الّتی احجبتنی و ثقلت علیّ و اشغلتنی عن الفناء فی فنآء باب
احدیّتک و منعتنی عن التصعود الی ملکوت الشهود و حجبتنی عن مشاهدة آیاتک
الکبری فی خیر الشهود و حالت دونی و دون ملاحظة انوار قدسک الّتی نوّرت
الاقطار و شاعت و ذاعت بها الآثار و سدّت مشاعری عن استشمام

روائح

روائح تقدیسک التی عطرت الارجاء واحییت بها القلوب والارواح ایرب
استغرقت فی بحار الغفلة والخطاء هل لی من منقذ الا انت وقد وقعت فی
وهدة الذلة والفناء وهل لی من مغیث الا انت وانبلیت وغشت الابصار
غطاء الحرمان وهل لی من کاشف الا انت فوعزتک قد ضاقت الآفاق
بحتی بفضلک وغناتیک یا عظیم الوفاء قد اشتدت ظلمات الاکدار انقذنی وارفعنی
الی جوار رحمتک الکبری واحرسنی بجنود کلماتک یا ذا الرحمة العظمی وجنبنی من
سهام اهل الشبهات المصونة الی من جمیع الجهات لاستریح بباب احدیتک
فی ملکوتک الابهی واسترزق من موائد اللقاء انک انت الکریم ذو العطاء ع ع

(هوالابهی)

نزد حضرت افنان سدرهٔ مبارکه الفرع الجلیل جناب حاجی میرزا محمد تقی علیه بهاء الله

هوالابهی ای افنان سدرهٔ مبارکهٔ الهیه الآن که در ذیل جبل کرمل در محل ۵۱۱
بشارت بخدمت آستان مقدس مشغول و در رفیع بنیان مطاف قدسیان
منهمک و مألوف شب و روز بانین عبودیت جدیده مسرور و مشعوف که نامهٔ روحانی
آنحضرت رسید واز اخبار استقامت جمیع افنان سدرهٔ مبارکه آن سامان نهایت

Provided by the Afnan Library

انبساط حاصل گشت و حضرات دیگر ترویج امرالله را فراموش ننموده خدمات
آستان مقدس را کنار رکه اشته اعلاء کلمة الله را نسیان ننموده و تخلق
باخلاق را عبث پنداشته غرت قدیمهٔ سرمدیهٔ ثبوت برمیثاق را اوهام انگاشته
شب و روز منشرار اجیف مشغول گشته و در نشر اوراق شبهات کوشیده
از بعد از صعود الی الآن جمیع اهل فتور یک نفس را تبلیغ ننموده سبحان الله
این چه مسلکی و این چه غفلتی و این چه نادانی و این چه بدبختی و فلاکتی قسم بجمال قدم
که قلب جنان بحبت این قوم متاسف که وصف نتوان نمود چاه را بینند باز
خودرا در اندازند و سم را مشاهده کنند باوجود این بی جرعه نوشند رسوائی
و ذلت و خسران دنیا و آخرت را مشاهده کنند باوجود این خودرا در اندازند
باری الحمد لله که اجانب یزد بهمت آن حضرت جمیع ثابت و راسخ اند و ایشان
سائر افنان متزلزل نیز ثابت گردند در خصوص مشرق الاذکار عشق آباد هر نوع
مصلحت بدانید امر فرمائید تا مجری دارند ع ع

ورقه جوف را ملاحظه نمائید بعد بحضرت افنان بدهید چون مشغول بنیان مرقد
مقدس مطهریم اگرچنانچه دو نفر از حضرات افنان سدرهٔ مقدسه که ثابت برپیمان

حاضر گردند و با این عبد بجاک کشی و سنگ کشی در مقام مبارک مشغول شوند بسیار
سبب سرور قلب است و در خصوص مجلس در یزد هر نوع آنحضرت مصلحت دانند
مجری فرمایند و کل باید اطاعت کنند ع ع

(۹) یزد کنیز عزیز آلهی فرح انگیز ورقهٔ سدرهٔ رحمانیه علیها بهآ الله هوالله
ای ورقهٔ شجرهٔ طوبی منظومهٔ بلیغه و ابیات فصیحهٔ شما رسید و در نهایت روحانیت
در محفل تبتل ترتیل گردید فی الحقیقه فصیح بود و بلیغ و بدیع بود و ملیح مضمون اشارات
بآیات توحید بود و مفهوم شعلهٔ نار محبت حق قدیر از خدا خواهیم که بآیی از حقایق
و معانی بر روی تو بگشاید و آن دل پاک را بجواهر معارف بیاراید بآیی
بگشائی که اهل ملاء اعلی را حیران نمائی و روز بروز بر ایمان و ایقان و عرفان
بیفزائی مؤید باشی و موفق گردی ع ع (هوالله)
حضرات افنان شجرهٔ رحمانیه جناب آقا میرزا آقا و جناب آقا میرزا محمود و جناب
آقا میرزا باقر علیهم بهآ الله الا بهی
جناب امین علیه بهآ الله حاضر و زبان بستایش آن افنان شجره مبارکه گشوده
که الحمد لله هر یک در افق عرفان مه تابانند و هر کدام در ثبات بر پیمان مانند

Provided by the Afnan Library

جبل ثابت راسخ قوی البنیان از فضل حق روشن و نورانی و روحانیند و از رشحات سحاب عنایت بمثابه اشجار فردوس احدیت در نهایت طراوت و لطافت و تازگی این ستایش در جهان آفرینش اعظم زینت و آرایش است رب ایدهم بروح منک و جنود ملأ اعلی علی اعظم من هذا ع ع بشیراز نیز

حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا بجمل جلیل من فاز بالرفیق الاعلی علیه بهاء الله الابهی

هوالله

ایها الفرع الرفیع من السدرة الرحمانیة همیشه بدرگاه حضرت احدیه بکمال تضرع و ابتهال مناجات میگردد که آن فرع رفیع رانشو و نما بخشد و طراوت و لطافت غایت کند تا سایه بر آن اقلیم افکند و اثمار شجرهٔ طوبی ببار آرد ان ربی هو المؤید الکریم الرحیم مطاف ربانیان و کعبه روحانیان یعنی بیت مقدس را از هر جهت محافظه و صیانت لازم و واجب و خدمتی الیوم اعظم از این در آستان مقدس بر کل باید بآن قیام نمائیم لهذا بقدر امکان بکوشید که محلی در جوار تعلق ببیت متصل داشته باشد و مسکن خادم و محل طائفین حول آن کعبه مقصود شود خانه که حضرت افنان سدرهٔ الهیه جناب آقا سید مهدی علیه بهاء الله ابتیاع فرموده اند اگر ممکن بنا و مستحسن شمرند

۵۱۴ نسخه کاتب دوم در انتهای این مبارک

بهر نوعی که رضای مبارکشان باشد خوبست تعلق به بیت مقدس یابد بسیار عمل
مبرور است زیرا جهیوت در بیت مقدس جائز نه بهر عنوانی باشد باید بیت مقدس
فارغ باشد و علیک التحیة والثناء ع ع

مقصود انیست که خادم در آنمحل منزل نماید اما ملک جناب آقا سید مهدی باشد
مگر آنکه خود ایشان بکمال روح وریحان آنرا وقف بیت مقدس فرمایند ع ع

شیراز حضرات افنان سدرهٔ منتهی علیهم بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

لم ادریا آلهی ان اشکو الیک ای بلائی وابث الی حزنی واتلائی ارئیت یا محبوبی
علی ای مصیبتی ابکی وعلی ای بلیتی اناوه وانتحب فی غدوی وآصالی ام ارفع
نحیبی علی تتابع البلاء وهجوم الاعداء هیهات الثناء ام اسیل الله موع من الاماق
علی ما اشتد الساق بالساق من اهل النفاق علی عبدک الذی هو طلال الانحلال
عند المحاق ام اناوه وانحسر ما بودعنی تحت مخالب الصقور القاصقرة ووددعنی
فریداً وحیداً تحت براثن الذئاب الکاسره وقطعت علی السبل والطرائق واصدنی
حسدا لخصماء الالداء المتشبثین بکل الوثائق ان یرمونی فی ببرلیس لما قرارمن علی
الشوائق ام انحسر علی توالی المصائب القاصمة للظهور الراعدة للفرائص

۵۱۴ این در دفتر آخر لوح ۵۱۴ نسخهٔ مبارک است

۵۱۵ نسخهٔ مبارک بخط مبارک

Provided by the Afnan Library

رب ترانی مغلوباً مقهوراً تتلاعب بی ایدی الاباعد والاقارب فما من یوم الا وسهم
مفوق مرشوق ومامن صبح الا وسنان مصوب مشروع ومامن مساء الا وسیف
شاهر مسلول ومامن عشاء الا وکاس مریر مسموم وانا فی هذه البلیة العظمی ذاهل الفکر
والنهی واذا صوت الناعی ینعی بالمصیبة الکبری وینبأ عن الرزیة العظمی وهی
شهادة فرع دوحک الرفیع ودائم افنان سدرة رحمانیتک الجلیل سمی رسولک الکریم
احمد المحمود القوی المتین الذی انبتته من شجرة فردانیتک ونشأ ونما فی ظل
سدرة رحمانیتک وسمع ندائک وآمن بک وبآیاتک وصدق بکلماتک
وطفح قلبه سروراً ببشاراتک وقام علی خدمتک واستقام علی عبودیتک وتحمل
کل بلاء فی سبیلک وتجلد علی کل مشقة فی محبتک فهاجر البلاد حباً بارشاد
الی ان ورد فی السجن الاعظم واستجار حبال القدم ودخل محفل التجلی وشاهد انوار
المتجلی وسمع الخطاب وسلک منهج الصواب وتشرف بالمثول بین یدی العزیز
الوهاب ودام فی الجوار متمتعاً بمشاهدة الانوار الی ان ذاق امر المذاق
فی یوم الفراق عندما اظلمت الآفاق بافول نور الاشراق وتضعضع ارکانه
وترعرع اعضائه وتسعر احزائه وذاب لحمه واندق عظمه من تلک المصیبة العظمی
والرزیة

والزرية الظلماء ثم ماجر الى البلاد الشاسعة في الآفاق خدمته لامرك بين اهل الوفاق
وقد وهن عظمه واخنى ظهره وابيض شعره في خدمتك بين الورى وله غاية امنى ان يرجع
الى الارض البيضاء ويتوارى حول البقعة المباركة النوراء ويرجع اليك مستبشرا
بالبشارة الكبرى ولكن يا الهي سبق منك القضاء وتمت كلمتك عليه ان يستشهد
في سبيلك في موطن النقطة الاولى روحي له الفداء فشلت يد من اعتدى وبعدا وسحقا
لمن تصدى على هذه الخطيئة التي اذ فقت بها دموع الدم من آماق الاحباء رب
افرغ الصبر الجميل على الفرع الجليل واغفر سدرة رحمانيتك في ماتم ذلك القتيل
النبيل وكن سلوة لقلوبهم وضماداً لجروحهم ووفقهم على الرضاء بالقضاء والتجلد
فيهذا البلاء والصبر على الجبر المحرق للاكباد رب نور جدث ذلك الفرع المجيد وطيب
رمس ذلك الشهيد الوحيد بصيب رحمتك المنهمر المدرار من سحاب الغفران والبسط قوادم
الانجذاب وابامر الاشتياق وخوافي الارتياح حتى يرفرف ذلك الطير الصداح
في سماء علاء بهاء الارواح ويصل الى اعلى ذروة ملكوت الابهى ويتوارى الى السدرة
المنتهى ويترنم بابدع الانغام في قطب الجنان ويدخل في محفل التجلي ويشهد نور
الجمال المتلالي ويتخلد في خبة اللقاء ويرتزق نعمة البقاء الى ابد الآباد انك انت الكريم

Provided by the Afnan Library

تمه خ

الغزیز الوهاب وانک انت المعطی الغفور الرحیم اغ ع

شیراز بواسطه بشیرآباد

جناب آقا میرزا آقای افنان علیه بهاء الله الابهی (هوالله)

ایها الفرع الرفیع من شجرة الرحمانیه نامه ۱۱ رجب بعد از مدتی واصل گردید لذا در جواب تأخیر افتاد از یوم حرکت الی الآن این نامه رسیده اما عبدالبهاء پیوسته بیاد تو مشغول وبذکر تو مألوف واز آستان مقدس ترا تأیید وتوفیق طلبم تا در قطب امکان ثابت ومحقق نمائی که فرع آن شجرهٔ مبارکی وشرف اعراق وعلویت اخلاق راجع نموده نسبت حقیقی است وبعبودیت آستان بهیم وشریک منی ای حبیب روحانی حضرت بزرگوار افنان سدرهٔ مبارکه جناب ابوی محترم سرور ابرار بود واز ملکوت اسرار نظر وتوجه تام بشما دارد وآرزوی آن میفرماید که از رشحات سحاب عنایت وحرارت شمس حقیقت ونسیم جانپرور غنایت در جویبار امر مبارک چنان نشو ونمائی کنید که شاخ وبرگ بغبان آسمان رسانی تا عزت ابدیه رخ گشاید افنان سدرهٔ ربانیه جناب میرزا کوچک را از قبل من روی وموی ببوس وتشویق وتحریص نما که شب وروز بخدمت آستان پردازد وعلیک البهاء الابهی (ع ع)

عشق آباد حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی

۵۱۶ نسخه‌ای از این لوح در انحصار وصیت مبارک

Provided by the Afnan Library

(هوالله)

خط کاتب مورد امضاء مبارک

۵۱۷ ایها الفرع الرفیع من الشجرة الرحمانیه مصائب جان سوزی ریز الته بسمع شریف رسیده نفوس مقدسه و مبیا کل منزهه ئی از جوامر وجود و سروران اهل سجود بمشهد فدا منجذباً الی الملکوت الابهی شتافتند وجان را بکان درره یزدان فدا نمودند ملکت علیهم السماء والارض وارتفع نحیب اهل البهاء فیهذه المصیبة الکبری واشتد الضجیج من الملکوت الاعلی فیهذه الرزیة العظمی فیا اسفی علی تلک الوجوه النورانیه ویا حسرتی علی تلک النجوم الرحمانیه ویا ظمای للتجرع من تلک الکاس الطافحة فی مشهد الفداء ویا شوقی للفوز بذاک المقام الاعلی ربّ انّ هولاء نفوس زکت عناصرها وصفت ضمائرها ولطفت سرائرها وانجذبت الی ملکوت الجمال محفل اللقاء مرکز البقاء معرض التجلی بانوار البهاء ربّ انهم اشتاقوا السیوف المسلوله والسهام المسمومه والرماح المواهل فی سبیلک حبّاً بجمالک وطلباً لوصالک وشوقاً الی رحابک ربّ اجعلهم کواکب ساطعة من افق البقاء وسُرُجاً لامعة فی الاوج الاعلی وآیات باهرة من ملکوت الابهی ورایات شاهرة فی قطب الوفاء انک انت المؤید الموفق من تشاء علی ما تشاء لا اله الا انت العزیز الوهاب انفرع جلیل بازماندگان شهید امیر وسامانه

Provided by the Afnan Library

وآوارگان متفرق وپریشان لهذا باید فکری نمود احبای شیراز همتی نموده اند ویاران طهران اعانتی کرده اند ولی کفاف کی کند این باده بامتی ما علی العجاله بوسایلی تشبث شد وهزار تومان واندکی تهیه وتدارک گشت از بادکوبه نزد شما ارسال میدارند فوراً حواله بشیراز دهید که صد تومان بجناب عندلیب برسانند وما بقی را بیازماندگان شهدا وآوارگان تقسیم نمایند تا بعد به بینیم خدا چه تقدیر میفرماید الامر لله فی جمیع الامور والاحوال وعلیک البهآء الابهی ع ع (هوالابهی)

جناب حاجی شعبان علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند (هوالابهی)

ای خادم افنان سدرهٔ المنتهی شکر کن حق قدیر را که بزیارت روضهٔ مبارکه مشرف شدی واز نفحات آن گلستان الهی مشامرا معطر نمودی دیده را روشن وقلب را رشک گلزار وچمن کردی از خدا بخواه که بآنچه سزاوار این شرف اعظم است موفق شوی وبجان ودل بخدمت افنان قیام نمائی چون نیت لله میگردد هر خدمتی راجع باصل شجره میشود پس تو اصل نیت را خالص کن البته باجر جزیل ورضای الهی موفق میگردی والبهآء علیک وعلی کل ثابت راسخ علی عهد الله ومیثاقه (ع ع)

(هوالابهی)

۵۱۸

هنگامیکه حضرات افنان سدرهٔ الهیه جناب فرع جلیل حاجی میرزا محمد علی علیه بهاء الله
الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی

519 ایها الفرع الجلیل من السدرة المبارکة المرتفعة فی سینآء الظهور قد غاب صبح الفرح
والسرور وخاب امل اهل الجور وانطفأ سرج الصدور وناحت الحور فی اعلی غرفات
القصور ونادت اواه اواه ان الّذی قد وقعت مصیبته وفتت بها
شدائداً القوی قد انخسف بدر الآمال وانتثرت نجوم المجال وکورت شموس الجلال
وصاح اهل سرادق الأجلال واخزناوا ویلا قد صدمت رزیته بها اهدم بنیان الاصطبار
وخسفت بها صروح الافراح قد اشتدت ارياح البلآء وباجت زوابع الابتلآء
ومرت عواصف القضآء واقتلعت اشجار الوفآء فنادت الطیور علی افنان
سدرة المنتهی یا اسفا علی تلک الوجنة النورآء والغرة الغرآء والخریدة الفریدة
فی الکلل العلیآء قد سالت العبرات وتسعرت نیران الحسرات واظلم انوار المسرات
وشقت الجیوب طلعات متقدسات ونحن وارتفع ضجیجهن بالعویل یا حسرتا بما اهدم
الرکن الشدید ونکس علم مجید وطوی شراع رفیع وانخرمت نیران الافراح اگرچه
این ماتم را با چشم گریان وقلب سوزان در بیان اهل سرادق رحمن تلقی نمودند واز آه

وانین وتاوه وخنین انجمن یزدان دقیقهٔ آرام نگرفتند دراین صورت تسلی مشکل است ولی چون آن طیر حدیقهٔ بقا بریاض ملکوت ابهی پرواز نمود وآن بلبل باغ بها بفردوس ملاء اعلی عروج فرمود باید آنحضرت جمیع فروع سدره را تسلی بخشند ودلداری دهند از فضل قدیم وجود رب مجید امید واریم که عنقریب کل درآن انجمن رحمن مجتمع گردیم ودر آن ظل ظلیل مستظل شویم از عین تسنیم بنوشیم ودر بساط اهل ملاء عالیین داخل گردیم انه هو المؤفی المؤید الکریم (ع ع)

تذییل

(هو الله)

مناجات درذکر فرع جلیل حضرت حاجی میرزا محمد علی افنان علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

۵۲۰ وانت الذی یاالهی خلقت وبرئت وذرئت لفیض جودک وصوب غمام رحمتک حقائق نورانیهٔ رحمانیهٔ ورقائق کینونات ربانیهٔ صمدانیه وربیتها فی عوالم قدسک بید ربوبیتک وانشئتها بصرف فضلک وانبتها من سدرة فردانیتک واخرجتها من دوحة صمدانیتک وجعلتها آیتک الکبری وموهبتک العظمی بین خلقک ومن تلک الحقائق هذا الفرع الکریم والاسم العظیم والنور المبین

ذوالمنن

ذو الخلق البديع والوجه النير اى رب اسمعته ندآئك وارتيه جمالك وبدتيه
الى صراطك وشرفته بلقائك والقيت عليه فضائك وجعلته مطمح الطافك
ومطلع احسانك ومهبط الهامك واضئت وجهه بنور عرفانك وعطرت
مشامه بنفحاتك وانطقته بثنائك وشرحت صدره بآياتك وارحت روحه
بجودك وروحك ورَوْحك وشميم نسيم حديقة اسرارك واثبته على عهدك
وميثاقك ومكنت له فى ارض الوجود بقوتك واقتدارك اى رب لما بدتيه الى
النار الموقدة فى سدرة البقآء واصطلى بنار الهدى فى سيناء الأعلى شرب بكأس
الوفآء وشمل من سورة المشمولة الصهباء وصاح ونادى يا ربى الاعلى وفقنى على
ما تحب وترضى وبيض وجهى فى النشأة الأخرى كما نورته فى النشأة الأولى فلما
تنفس صبح الهدى واشرقت شمس ملكوتك الالهى وانتشرت انوارك على كل
الأرجآء توجه الى ضيآء جمالك توجه الحربآء واجاب ندآئك بيلى وقام فى بيداء
الولآء واستهام فى نور جمالك الساطع على الأنحآء وقام بالثنآء بين ملأ الاحبآء
وتوكل عليك وتوجه اليك ووفد عليك وتمثل بين يديك وتشرف بالأصغآء
باذن واعيه واحتظى بالمشاهدة واللقآء ببصيرة حديده كافية وشغفته حبا وملأتك

عشقاً وغراما وناجاك صباحاً ومساء وغدواً وآصالا اى رب اكمل ايامه وانتهى انفاسه
وترك قميصه وخلع ثيابه ورجع اليك طيباً طاهراً عريانا خالصاً مشتعلاً منجذباً
متشوقاً متحيراً بنفحاتك اكرم مثواه وانزله منزلا مباركا خيرا تنزل فى جوار رحمتك الكبرى
وارفعه الى مقعد صدق مكين قدس فى ملكوتك الابهى وظلل عليه سدرتك المنتهى
واحشره مع الملاء الاعلى واسقه كاس الكوثر وقدر كل خير لمن يزوره بصره الطاهر
المكى الشذا واجب دعاء من يدعوك فى لفحة روضة الغناء انك انت الكريم
الرحيم العظيم الوفاء وانك انت الرحمن يا ربى الاعلى ع ع

(هوالابهى)

۵۱۲ جناب آقا محمد حسن خان حضرت آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهى ملاحظه نمایند (هوالابهى)
رب مولائى وسيدى ومنائى انت رجائى وانت بهائى فضلك غايه امالى
وجودك اعظم سؤالى ذكرك سراجى وشوقك سبيلى ومنهاجى حبك روحى
وفيضك نورى عرفانك ايمانى وافنائك سلوتى واطمينانى اسئلك بموهبتك
التى خضرت بها كل الاشجار واثمرت بها كل حدائق الامكان وانشئت بها كل رياض
وابتزنت وربت وانبتت كل غياض بان تجعل هذا الفرع خضراً نضراً مخضراً

Provided by the Afnan Library

زیانا موفقاً فی ایّامک قدس فرد انیتک وروضة انس رحمانیتک حتی تبهرالأبصار وتحیر الأفکار وتشخص الأنظار نظارته ولطافته وطراوته أنّک انت المقتدر المتصرف المعطی الجود الکریم ع ع (هوالأبهی)

حضرت فرع شجرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالأبهی)

ایها الفرع الجلیل من الشجرة الرحمانیة چند روزی پیش مکتوبی ارسال شد وحال چون قلب وروح بنفحات روحانی محبت احبای الهی مستبشر فائز ومداوم حاضر نموده وند بکرآن محبوب فؤاد مشغول گردیم واز الطاف خفیهٔ سلطان احدیه امیدواریم که آن فرع مبارک شجرهٔ رحمانیه درجمیع احیان بنفحات قدس رحمن متهزز وتر وتازه باشند ونسائم ریاض جمال والنفاس طیبهٔ طیب فردوس بر دوان مستبشر ومنشرح گردند درمدینهٔ عشق آباد امرالله مشتهر وواضح وبابهر وبهیچوجه بتر وحجابی درمیان نه حضرات درآنجا دربیت اعظم اساس مشرق الاذکاری نهادند وناتمام گذاشتند حال جمیع طوائف سائره درآنجا حتی بعضی اجزاء حکومت سؤال واستفسار مینمایند که چرا ناتمام گذاشته اند وبعضی حمل بر تجزی این طائفه نموده اند که تا بحال قدرت بنای یک مشرق الاذکار ندارند چه که درآن مدینه

تقیه نمانده که مدارا اختیار باشد و از قضا مقداریکه تعمیر شده آن نیز بر قواعد و اصول متروک الذکار بنا نگشته لهذا نقشهٔ آن در اینجا کشیده شد که در صورت بخواهند که بنا کنند بر این منوال تأسیس نمایند حال مقصد اینست که از آنحضرت در این خصوص مشورت گردد که چه قسم مصلحت میدانید و نقشه نیز ارسال میشود این نقشه نه باب و نه خیابان و نه باغچه و نه حوض و نه ضلع و نه عمود و نه رکن و نه غلامگردش و نه رواق از اضافات است که جمعاً نه اندرنه است که ترتیب روضهٔ مطهره خواهد بود حال چون اسباب مهیا نه مقصد اینست که محلی در ارض اعظم عبارت از نه رکن در وسط ارض بنا شود من بعد بمقتضای وقت و اسباب اکمال گردد و آن بنا که از پیش شده در کناره واقع بآن هیچوجه تعرض نشود بر حال خود باقی ماند والبهاء علیک ع ع

(هوالأبهی)

ش حضرت افنان سدرهٔ رحمانیه جناب آقا میرزا آقا علیه بهاءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالأبهی

ایها الفرع المنیف من السدرة المبارکه چندیست که خبری از آن فرع منیف نرسیده و نفحه معطری بمشام مشتاقان نرسیده از الطاف خفیه و عنایات جلیله ملکوت ابهی امیدوارم

که در جمیع امور مؤید بتأییدات غیبیه آلهیه گردید و سبب نشر نفحات رحمانیه جناب
عندلیب علیه بهاء ربه الجلیل ببلا یا و رزایا و اضرار متعدده مبتلا شدند و از هر جهت
دلتنگی و دستگی بجهتشان فراهم آمده است ملاحظه احوالشان از هر جهت لازم
و واجب لهذا اگر چنانچه از حقوق چیزی نزد آنحضرت حاضر گردد مبلغ بیست تومان
تقدیم جناب عندلیب فرمائید ع ع هوالابهی
حضرت افنان دوحه بقا جناب میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۵۲۴
انها الفرع الکریم من الشجرة المبارکه چون در این ایام سیل شدیده در نیریز شده و اهل و عیال
جناب حاجی میرزا حسین علیه بهاء الله الابهی آنچه داشته کل معدوم و مفقود گشته
در نهایت درجه مشقتند لهذا اگر از حقوق چیزی نزد آنجناب موجود مبلغ سی تومان
بعیال جناب بشارالیه وسی تومان بجناب آقا میرزا احمد علی که در نیریز است بهر وسیله
که ممکن باشد برسانید و این کیفیت سبب حصول رضای جمال مبارک روحی لاحبائه
فداست والبهاء علیک ع ع هوالابهی
حضرت افنان سدره منتهی جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

Provided by the Afnan Library

(هوالأبهی)

خطاب بکی از ۵۲

ایها الفرع المنیف من السدرة المبارکه مکاتیب متعدده ارسال گشت و حال نیز بذکر و فکر شما مشغولیم ملاحظه بفرمائید که قلب در چه مقام از وله و انجذاب است که صد هزار مشاغل و مصائب و موانع و مصائب دقیقه ئی این قلب و روحرا از یاد و ذکر افنان دوحه بقا مانع و حائل نگردد پس چون موج این بحر عبودیت و فنای ساحت کبریا بآن سواحل و شواطی ظمأ و عطش رسد دامن طلب و اشتیاق را از لئالی انجذاب پر فرما و بتمجید و توحید و تسبیح و تقدیس جمال قدم و اسم اعظم روحی و ما ملکتی الله فی سبیل احبائه فدا زبان بگشا که این چه لطف عمیم و فضل عظیمست که بیاکل فجار امطار انوار بقا فرمودی و نفوس مسکین را در ظل سدرهٔ منتهی مأوی دادی علیلان را درمان عنایت مبذول داشتی و درماندگان را مرهم فضل و رحمت احسان کردی بال و پر شکستگان را جناح قوت دادی و موران را بر تخت سلیمانی نشاندی ما بندهٔ ضعیفیم و نهایت نحیف و حقیر عبد البهآء ع

چون لطف و رأفت شما در حق دوستان مثبوت و مسلمست لهذا از حق میطلبیم که شما را در جمیع شئون موفق فرماید حتی در تحصیل حقوق جناب درویش از برادر بیرون

وکنیش واین عمل را اجر جزیل دریابی والبهآء علیک ایها الفرع الغریز عبد البهآء ع

قرن دوم

(هوالابهی)

حضرت افنان الشجرة الرحمانیه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالابهی)

۵۲۶

الهی الهی هذا فرع من فروع سدرة رحمانیتک وورقة من اوراق کلمة وصانیتک وسراج موقد ملتهب بالنار المتسعرة فی شجرة فردانیتک ای رب قد قضی الایام وهو متبتل الیک وسهر اللیالی وهو متضرع بین یدیک ویتیقظ فی الاسحار وهو متوسل الی ملکوتک متوکلا علیک کم هوناجاک فی جنح الظلام وکم هوناداک فی خلوات اللیالی والایام راجیا ان تحفظه من سهام الشبهات وتثبت قدمه علی صراطک القویم ومنهجک المستقیم بالآیات الباهرات ووضوح البشارات ای رب انه آوی الی کهف عونک وغنائک والتجاء الی جوار صونک وحمایتک ولاذ بحصن حفظک وکلائتک ایرب احرسه بجنود غیبک وملائکتک ولاحظه بعین رعایتک وصیانتک واحی قلبه بنفحات قدسک واشرح صدره بروحات انسک وانعش فؤاده بنسائم تقدیسک ونور وجهه بانوار توحیدک واقرر عینه بمشاهدة آثار تأییدک واسبغ علیه نعمتک واشمله

Provided by the Afnan Library

ملحظات طرف عنایتک وافتح علیه ابواب برکتک واجعله مظهر آیات رحمتک بین
بریتیک انک انت المقتدر المتعالی العزیز الکریم ع ع هوالأبهی

جناب افنان میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی وجناب حاجی میرزا علی افنان علیه بهاء الله ۵۲۷ تصاویر
الأبهی جناب حاجی غلامحسین خان علیه علیه بهاء الله الأبهی جناب فاضل علیه
بهاء الله الأبهی جناب آقا میرزا محمد باقر علیه بهاء الله الابهی جناب آقا میرزا بزرگ
علیه بهاء الله الابهی جناب آقا سید محمد علی علیه بهاء الله الابهی اگرچه شمس حقیقت
بظاهر بحجاب غیبت مجلل لکن چون بچشم بینا نگری وگوش شنوا بشنوی وقلب آگاه
ببینی انوار نیر اعظم شدیدتر شد وشعاع سراج الهی روشنتر بحر اعظم کبریا امواجش
عظیمتر گشت وفیوضات نامتناهی رحمن قویتر وظاهرتر چه که تا بحال غمام هیکل بشری
مانع مشاهدهٔ آفتاب حقیقت بود حال آن بدر منیر وآفتاب فلک اثیر از افق ابهی
وملکوت اعلی فی الحقیقه مقدس از جمیع شئون طالع ولائحست وزریکم من افقی الابهی
وننصرمن قام علی نصرة امری بجنود من الملاء الاعلی وقبیل من الملائکة المقربین بنحو
قاطع چنانچه در ظهور مظاهر احدیه من قبل مشهود وواضح گشت که بعد از صعود وعروج
عظمت امر الله مشهود وسلطنت کلمة الله معلوم وواضح گشت مثلاً در کور ربت

Provided by the Afnan Library

بعد از عروج معدودی قلیل وبحسب ظاهر عدیدی ذلیل بودند چون این نفوس ضعیفه
باستقامت کبری قیام نمودند از تأیید وتوفیق الهی وفیوضات روح قدس معنوی
از مشرق امکان چنان طالع ولائح گشتند که انوار سرمدیه اش آفاق جهان
فانی وجهان باقی را روشن ومنیر مینماید الدار الدار یا احبّاء الله وامائه
الی هذا الفضل الأعظم الوحی الوحی یا خیرة الخلق وصفوتهم الی هذا المقام
المتعالی المفخم ع ع (هو الأبهی)

۵۲۸ ایها الفرع المبارک من سدرة المنتهی نور الله وجهک بالأنوار الساطعة
من ملکوت الابهی اگرچه خزان اخزانست وخریف اشجان وقت نالهٔ وفغانست
وهنگام طوفان چشم گریان باوجود این عندلیب وفا چگونه آغاز راز ونیاز
کند ونغمه وآوازی برآرد که قلوب را تسلی بخشد ونفوس را سکون وقراری وارواح را
شکیب واصطباری ارزانی کند ولکن چون عنایات سلطان احدیت ومواهب
وفیوضات حضرت رحمانیت درجمیع شئون شامل آن افنان شجر مبارکه بوده
وهست وانوار هدی از افق الهی ساطع ولامع وفیض حقیقی وتأیید الهی از ملکوت
اعلی متتابع باید بشکرانهٔ این نعمت عظمی وعنایت الهی دست ستایش برافراخت

وزبان نیایش گشود و بحامد و نعوت آلهیه در مابین بریه مشغول گشت تا آنا فانا
بر این تأیید تزیید یابد و این فیض تمدید شود احبای الهی را جمیعاً یعنی هرکس که در
انجاست تکبیر ابدع ابهی مذکریم و البهآء علیک ایها الفرع المبارک العظیم (ع ع)

هوالابهی

هند حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمدعلی علیه بهآء الله الابهی ملاحظه فرمایند

هوالابهی

۵۲۹

ایها الفرع الجلیل من السدرة المبارکه قلب مشتاقان طالب و مائل که در هر ساعتی و دقیقی
نگارد و در هر دمی رقمی زند مراتب اشتیاق را بیانی کند و انبعاثات دل و جان را
شرح و تشریحی نماید لکن فرصتی دست ندهد و زمان کفایت نکند یک نقطه است
الواح و زبری تفصیل و تفسیر در هر آن لازم و یک خدمه است صد هزار شعله
در هر دمی واجب در هر دقیقه این معین مداد اگر چون بحر محیط امواجی چون
جبال زند کفایت نکند و در هر نفسی این خامه اگر چون سیل عرم فیضان نماید از
عهده بر نیاید مقصد انیست اگر فرصتی بود در هر طرفة العین کتاب مبینی ارسال
میشد اما فی الحقیقه در عوالم روح و فؤاد در جمیع اوقات مکاتبات و مخابرات مستدام

و برقرار است

و برقرار است فتوری ابداً نیست ودر کل حین وآن بجمال عجز واضمحلال ملکوت ابهی
تضرع ونیاز میشود که آن فرع رفیع باوراق تأیید واز ثمار توفیق وانهار تجرید
ورواییح توحید مؤید شوند واز افق این کور اعظم بانوار ساطعهٔ ثبوت ورسوخ
وقیام برخدمت امرالله چنان مشرق ولامع گردند که آفاق اکوان را روشن
نمایند ربّ ایّده بتأییدک ووفّقه بتوفیقاتک انّک انت الکریم الرحیم ع ع

هوالأبهی

حضرت افنان سدرهٔ الهیه جناب حاجی میرزا محمّد علی علیه بهآء الله الأحی ملاحظه نمایند

هوالأبهی

۵۳۰

ایّها الفرع الجلیل من السدرة المنتهی علیک بهآء الله وثنآئه ونوره وضیائه
وفضله وجوده ونواله دراین وقت که بهوبیّت قلب از خفیف سدرهٔ منتهی در
اهتزاز است وحقیقت روح از نفحات ملکوت احیٰی درنهایت انجذاب چشم
از مشاهدهٔ آیات کبری روشن وجان ووجدان بیاد آن شاخ نورگوار سدرهٔ
رحمانیت گلزار وگلشن این عبد خامه برداشته که نامه نگارد وآنچه درحقیقت
فؤاد مودع ومستقر است بیان نماید وحال آنکه قلم ومداد از عهدهٔ بیان

اشواق قلب وفؤاد بر نیاید و صفحه واوراق حقیقت همچان دل وجان زانگیخته مگر جوهر تبیان
این موهبت رحمن منوط بفیض روحانی وارتباط معنویست که در سر وجود مودوع ودستورات
رب وسلطانی ومولای ورحمانی بذا فرع جلیل من سدرة رحمانیتک وغصن رفیع من شجرة
وحدانیتک اشمله لحظات عین عنایتک وارسل الیه فی کل حین نسائم ریاض احدیتک
وادر علیه غمام فیض صمدانیتک والق علیه شعاع شمس حقیقتک حتی تخضر اوراق
الطافک ویزهر بهار احسانک وتثمر باثمار عرفانک وینشأ فی ریاض آثارک ومید
الی سماء جودک واکرامک ای رب خصصه بآیات فضلک وعطائک وایده بمظاهر
الطافک والطافک وانصره بجنود ملکوتک والجنده بملائکة قدسک واجعله آیة باهرة
فی ملکک وراية متدفقة فی اعلی الاعلام بین عبادک ونور وجهه بانوار توحیدک واشرح
صدره باسرار تفریدک واسمعه من نغمات طیور القدس من جبروت تقدیسک واجعله
مظهر نورک ومقتبساً من نار طورک واثر ظهورک ونفحة ریاضک وجریة میاه حیاتک
وآیة فیضک وفضلک لعبادک انک انت المعطی الکریم التواب عبد البهاء (ع)

(هوالابهی)

قالب نقره که از صنایع بدیعه چین وبهجت وضع اثر شمائل جمال انور بود بواسطه جناب

جدی

حاجی سید جواد علیه بهاء الله الأبهی رسید و بانوار ساطعهٔ از شمائل مقدسه مزین گردید
و در حین زیارت بیاد آنجناب مشغول میشویم فی الحقیقه آنحضرت موفق باین موهبت شده
اند سه قاب موجود دو تا به شمائل مبارکهٔ جمال قدم و یکی بشمائل مبارکه حضرت اعلی
روحی لاحبائهم الفدا مشرف شده اند و بهر سه مرسلهٔ آنحضرتند لعمرک هذا فضل عظیم
وجود مبین و البهاء علیک عبدالبهاء ع ع (هوالابهی)
حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه فرمایند

هوالابهی

۵۳۱

یا الهی و رجائی تعلم سری و علانیتی و خفائی و جهاری و تعرف مبلغ حبی و شغف و دی بفرع
سدرة فردانیتک و افنون شجرة وحدانیتک و فصیلة دوحة رحمانیتک ای رب
طیب منیتی بطیب الطافک و رطب اوراقه بفیض سحب احسانک و اجعله
مورقاً بامطار ربیع اکرامک و مزهراً بنسائم خبة عنایتک و مثمراً فی فردوس
قدس وفائک ایرتب عطر الآفاق بفوحات ریاض قلبه و نور الارجاء
بسطوع شعاع شوقه و اشعل الافئدة من النار الموقدة التی اشتعلت لواعجها
من نیران محبتک و ارح الارواح من استماع ندآء الذی ارتفع من عشقک

Provided by the Afnan Library

وشوقک ایرب ادم علیه انعامک وتمم علیه نعمک وآلائک انک انت الکریم

الجواد الرحیم ع ع (هوالابهی)

در خصوص مشرق الاذکار جواب مرقوم فرموده بود بسیار مقبول انشاء الله بهمین قسم مجری میشود واز فضل وعنایت جمال قدم روحی لتراب ترتبه فداء امیدوارم که در جمیع امور مؤید گردید وابواب کل خیر بروجه آن جناب مفتوح گردد والبهاء علیک وعلی کل ثابت راسخ علی میثاق الله ع ع

(هوالابهی)

حضرت افنان سدرهٔ مبارکهٔ البته جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه فرمایند

(هوالابهی)

۵۳۲

ایها الفرع المجید من الشجرة المبارکة الناطقة فی سدرة السینا علیک بهاء الله وثنائه وفضله وجوده واحسانه حضرت افنان کبیر فرع جلیل علیه بهاء ربه العظیم ومحبوبه الکریم از این ظلمتکدهٔ فراق بنجوتگاه محبوب آفاق صعود فرمودند ونهتهای شوق رتب ادرکنی گویان بملکوت ابهی وافق اعلی شتافتند آن منجذب الی الله از بدایت نشئت بکپه فضل وموهبتی موفق ومؤید شدند

دیگر

و بحجه فطرتی مخلع گشتند از اشرف اعراق بودند و با کمل اخلاق مشهود شدند از سن
طفولیت و بدو صباوت منجذب ملکوت اعلی بودند و متوجه جبروت اسمی و چون نشو و نما نمودند
در تحصیل علوم و حکم کوشیدند و جام عرفان را از ید ساقی عنایت چشیدند و چون
انوار صبح الهی بفیض نامتناهی آفاق اکوان را منور نمود و نفحات قدس مشام مشتاقان را معطر
کرد چشمی روشن نمودند و جانی گلشن کردند اقتباس انوار از مشکاة الهی نمودند
و اکتساب فیض نامتناهی از غمام رحمانی و چون شمس قدم از افق اسم اعظم طالع و لائح
گردید چون نجم بازغ باز استفاضه انوار از آن نیر زرکوار نمودند و نبوریدی در بقعه
سینا مهتدی شدند فرع جلیل این سدره مبارکه شدند و اکنون رفیع این دوحه
مقدسه سائق توفیق و دلیل موهبت رب کریم در آفاق گرداند تا آنکه در ظل جمال
قدم و پناه اسم اعظم روحی لاحبائه فدا منزل و مأوی عنایت فرمود مدتی از عمر را
در جوار جمال مبین و سایهٔ حصن حصین بسر بردند و مظهر الطاف جلیله و عنایات
عظیمه و احسانات متتابعه بودند و چون زلزله بارکان وجود افتاد و کوس بینونت
اکوان و امکان از فراق جمال رحمن بگداخت و این جهان سرور ظلمتکدهٔ غموم
گشت و این گلشن از بار گلخن آتشبار گشت ارکان حقائق نفوس مقدسه

متلاشی شد وبنیان حیات ذوات منجذبه مهدوم گشت صبر نماند وقرار ببادرفت
از آن آیام حضرت افنان حالش دگرگون شد وشدت حرقتش آناً فاناً افزون
گشت تا آنکه فی الحقیقه مدتی بود مدهوش وبیهوش بودند تا آنکه دراین ایام
پراشتیاق بازنمودند وبرفیق اعلی وافق ابهی پرواز نمودند ودرآن کاشن تقدیس
درسدرهٔ منتهی آشیانه ساختند ودرجوار رحمت کبری منزل ومأوی گرفتند ومظهر
آیهٔ مبارکهٔ والسلام علی یوم ولدت ویوم اموت ویوم ابعث حیا شدند
طوبی له ثم طوبی له بشری له ثم بشری له رب ورجائی وملجئی وملاذی هذا افنانک
من افنان شجرة رحمانیتک وفرع من فروع سدرة ربانیتک قد حرقت کبده
من نار الفراق وهزته نسائم الاشتیاق حتی تأججت نیران الاشواق بین الضلوع
والأحشاء واتبهل الی ملکوتک الأبهی رب ارجعنی الیک ونجنی من وحدة
النوی وشدة الجوی وورطة الاسی بفضلک وجودک یا جمال الأعلی ورب
الآخرة والاولی وادرکنی وفی جوار رحمتک اسکنی ومن موائد لقائک
ارزقنی ومن موائد غنائک اطعمنی وبروح مشاهدتک احینی ونور وصلک
نورنی ومن کاس البقاء فی ساحة اللقاء اسقنی ومن نفحات طیور القدس

ثم

فاسمعنی ربّ اجب دعائه و استجب مسئوله و یسّر له امره و اشرح صدره و نوّر وجهه
و افرح قلبه و سرّ روحه برحمتک الکبری و فضلک و جودک یا من بیدک ملکوت الاشیاء
انّک انت الفضّال المتعالی الکریم ع ع

۵۳۳

هوالابهی

ای افنان منشعب از سدرهٔ الهیه جعلک الله خضیر انضیر رطیبا طریا مزهرا مثمرا
این جهان ترابی هرچند نزد دانایان وسیع و دلگشا ست لکن فی الحقیقه بسی تنگ
و تاریک است شرابش سراب است و عذبش عذاب شهدش حنظل است و حیاتش
ممات معجل راحت و سرورش دمیست و دریای پرخروشش عبارت
از شنبی بقسمی تنگ است که گیاه ضعیف ریشه نداند و حتی مرغ حقیر لانه
و آشیانه نتواند لهذا افنان سدرهٔ مبارکه باید بنشاء الله در فردوس الهی
قدری بپرازند و در حدیقه تقا سبز و خرم گردند و باثمار روحانیه و جذب و اشتعال مزین
گردند در انجمن دوستان شمع فروزان باشند و در مجامع تقدیس و تبتل
توحید مشعلی سوزان ای افنان شجرهٔ مبارکه شما مطالع آیات ربّ مجیده
و مشارق انوار ربّ فرید سرو بوستان عنایتید و گل گلستان سلطان

Provided by the Afnan Library

احدیت لئالی اصداف عزت قدیمه اید وجواهر معادن حضرت وحدانیت باید
درجمیع احیان از افق امکان کوکب لامع باشید وستارهٔ بدیعت ساطع
ان فضل ربکم علیکم عظیم عظیم والبهآء علیک ع ع

هوالابهی

۵۳۴

انتهی

ایتها الورقة المبارکه حضرت فرع شجرهٔ رحمانیه آقا میرزا عبدالوهاب رقعهٔ مبارکه
نزد بارت عتبهٔ مقدسه مشرف وفائز است وبقبلهٔ ملأ اعلی ساجد وراکع ودرجمیع
اوقات بیاد شما مشغول وبذکر شما لوف امیدوارم که من بعد شما نیز مشرف گردی
الحمدلله از سدرهٔ مقدسه نابتی ودرظل عصمت فرع روحه مبارکه حبیبهٔ الهیه
ومؤمنه وموقنه وثابته وراسخه فاشکری الله علی هذا الفضل العظیم ع ع

هوالله

۵۳۵

انتهی

ایها الفرع النجیب من الشجرة الرحمانیه درکمال استعجال مرقوم میشود نفوس متقدمی
درنیریز هدف سهام درندگان خونریز گردیدند ودرسبیل فدا جام لبریز نوشیدند
وبمنتها آرزوی مقبرتین رسیدند ولی بازماندگان بی سروسامان وآوارگان
نیریز درسرحدستان درنهایت احتیاج لهذا لقدر نزار تومان وکسری تدبیر شد

Provided by the Afnan Library

واز بادکوبه نزد آنحضرت ارسال خواهند داشت بوصول حواله بشیراز دهید که
تاخیر نشود صد تومان از اینوجه تعلق بجناب غندلیب دارد تسلیم ایشان نمایند
و مابقی تعلق بباز ماندگان شهدا و آوارگان نیز بزدارد و علیک البهآء الابهی ع ع

بقلم مبارک

هوالابهی

حضرت افنان شجرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمد علی علیه بهآء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۵۳۶

ایها الفرع المنشعب من سدرة المنتهی علیک بهآء الله وثنآئه نوره وضیآئه
وفضله وجوده وعلآئه قد تلوت ما ناجیت به ربک المجید وتضرعت الی مولاک
القدیم وابتهلت الی ساحة قدس محبوبک العظیم ورتلت آیات شوقک
والواح انجذابک وسمعت انینک وحنینک شوقاً الی لقآء ربک وتوقاً الی
الملکوت الأبهی فنیاناً لک بما ثبت علی امر الله واستقمت علی حبه ورسخت قدمک
فی موقف الزحفة الکبری والرادفة العظمی اذ تزلزلت ارکان الارض والسمآء وزلت
اقدام اولی النهی وانفصمت ظهور الفحول من شدائد الامتحان وقوة الافتتان
من وقوع المصیبة الکبری بسمآء الصمآء العمیآء اذاً ایها الفرع المجید فاحفظ اجتباء الله

Provided by the Afnan Library

واوده آنه لوتهف فراش شبهات اهل البیان حول سراج قلوبهم لیحترق جناحه وان
لیترق السمع شیاطینهم فلتکن نفحات قلوب احبآء الله وانوار اسرارهم شهبا ثاقبة
تطردهم وتتضرع الی الملکوت الأبهی ان یحشر الموقدین فی هذه الایام تحت لواء
الأستقامة الکبری والثبوت والرسوخ علی امرالله ویجعلهم مطالع ذکره ومشارق
نوره ومظاهر بآیاته ومهابط الهامه حتی تتنور الأمکان بانوار وجوههم وتشتعل
قلب الأکوان بنار حبهم وینجذب ارواح الوجود من شوقهم وتوقهم لعمرالله
تتهلل وجه السمآء بوجود هولآء ویصبح وجه الغبرآء خجلة الأبهی بوجوه هؤلآء وصلی
اللهم علی شجرة وحدانیتک واغصانها وافنانها واوراقها وازهارها واثمارها
بدوام سلطنتک العظمی انک انت المقتدر القدیر ع ع

هوالأبهی

قونسول ایران درمبئی وچند نفس مجهولی خیال رخنه درامرالله دارند افغان سدره
منتهی مضمر آیه مبارکه وقل جآء الحق وزهق الباطل ان الباطل کان زهوقا امحاء نمیتوانند
لکن مع ذلک درجمیع بلاد وستان باید مواظب بود که دسائس وحیل وخداع
انیخرب تأثیر ننماید در اسلامبول چند نفر بصیر وبابودند جناب افنان آقا سید احمد

را بیاورد

را بسیار اذیت نمودند چون جناب آقا سید احمد مظلوم بودند نهایت فساد را
از جمیع جهات در حق ایشان از طعن و افترا و تحریک الواط و جهال و ظلام نمودند
حال در بمبئی و سائر بلاد هند نیز چون دستی پیدا نمایند بانواع وسائس بفتنه
و فساد مشغول خواهند شد لهذا حضرات افنان سدرهٔ مبارکه در جمیع اوقات
باید منتبه و بیدار باشند که این حزب بمفتریات و شبهات و القآت خویش
رخنه ننماید آنچه ارسال فرموده بودید رسید و الحمد لله و الروح علیکم
یا افنان سدرة المنتهی (هو الأبهی)
حضرت فرع جلیل شجرهٔ مبارکه جناب حاجی میرزا محمدعلی علیه بهآء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هو الأبهی

۵۳۷

ایها الفرع الجلیل من الشجرة الرحمانیة درچندی پیش در تعزیت فرع شجرهٔ مبارکه
نامهٔ مرقوم وارسال گردید امید از فضل و مواهب رب مجید چنان است که بنفحات
قدس از ملکوت ابهی تسلی در این مصیبت عظمی حاصل گردد و چنان روایح رحمانیهٔ
اصل شجرهٔ مبارکه مشام آن فرع جلیل را معطر دارد که این فراق بنحا حرمان
بفضل وجود سلطان وجود کل در آن ظل ممدود و مقام محمود جمع شویم و در ملکوت

Provided by the Afnan Library

الهی وافق اعلی وحدیقهٔ تقدیس جوار ملیک اسمآء روحی لاحبآئه الفدا انجمن ایم رب
قرب یوم لقائک وعجل فی صعودی وورودی علی باب رحمانیتک وورودی
فی ملکوت فردانیتک وارزقنی مشاهدة جمالک ومتعنی بوصالک انک انت
الکریم الرحیم الحضرت فرع شجرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الأبهی
امر بفرمائید که بقدر الامکان اغماضی بجناب غندلیب علیه بهآء الله الأبهی بفرمایند
چه که بسیار پریشانست ومعاونت مقبول درگاه حضرت کبریا ع ع
صندوق های چای مذاق ومشام دوستانرا شیرین ومعطر نمود ومیوهٔ چین نام
آشنایان را شیرین کرد در نزد مأمورین عثمانیین بسیار جلوه نموده متصرف خواهش کرده
اگر چنانچه بسهولت ممکن قدری ارسال شود هوالله

زیارت حضرت فرع جلیل سدرهٔ منتهی الذی طار روحه الی ملکوت الأبهی جناب
حاجی میرزا محمد علی افنان علیه بهآء الله الأبهی هوالأبهی

ای نفحات الله تنفسی ایانسمات الله تنفسی واقصدی دیار التطرف القبلی اضافیها
توارت نفس نفثت فی روعه روح من الله وتضمنت بسیکاً حشرت تحت رایة الله
وقلباً انجذب بنفحات الله واحشاءه واضالع تسعرت بنیرانا رمحبت الله وحیی
الله

Provided by the Afnan Library

ذلک الصبر المنوّر والرّمس الطّاهر المطهّر وقولی النّور السّاطع من الأفق الأعلی
والشّعاع اللّامع من ملکوت الأبهی جلّ ضریحک المعطّر وسطع فوق رمسک المعنبر
وتتابعت طبقات النّور من شمس الظّهور بالنّزول علی تقعة تنوّرت بجسدک
وتضمّنت جسمک واحتوت بهیکلک الزّکی الطّاهر المجلّل الکریم المظلّل بغمام الطّاف
ربّک الرّحمن الرّحیم طوبی لدیار اغترّت فیها ولبشری لبقاع اقترّت الیها
ویا شرفا لأرض توارت فیها وغرّا لبقعة اختفیت فیها علیک بهآء الله
ورحمته ورضی الله عنک وخصّک بموهبته وراح روحک نفحات فاحت من
ریاض احدیّته والاح وحبک فی حدائق رحمانیّته وتنوّر بصرک بمشاهدة جمال
هویّته وسمع اذنک من الحان طیور القدس التّصادحة فی فردوس رؤیته علی سدرة
فردانیّته بما سمعت النّداء واجبت الدّعاء ولبّیت لربّک الأعلی وخضعت
لسلطنة محبوبک الأبهی واشتعلت نار محبّة الله وتوکّلت علی الله واحترقت
بنیران الهجران ولظی الحرمان حتّی رجعت الی الله وتوجّهت الیه واستجرت جوار
رحمته الکبری کلّ ذلک بما وفیت بمیثاق الله وثبت ورسخ قدمک علی عهد الله
والتّحیّة والسّلام والثّناء علیک فی الأولی والاخری (ع ع)

هوالابهی

۵۲۹ هنکامیکه حضرت افنان جناب حاجی میرزا بزرگ علیه بهآء الله الابهی ملاحظه فرمایند

هوالابهی

اللهم یا الهی هذا فرع فصل نضر اخضر ریان من سدرة فردانیتک رشیق انیق مزین بازهار الهیام فی جمال وحدانیتک والغرام فی محبوبیتک ومتوجه بکلیته الیک ومتوکل علیک ومنقاد بین یدیک وراجع منک الیک ومقبل الی ملکوتک ابتهل وجبروتک الاسمی اسئلک ان تجعل تایداتک العظمی کاشف غمته وشفاء علته وزاء غلته وبرد لوعته وان تجعل الطافک الکبری عذب فراته وروح نجاته وروح حیاته وحیات زلفته فاجعله یا الهی آیة تلک الباهره وراية معرفتک الخافقة الرافعه وخطبة قدرتک الشاهره واجعله ناطقا بثنائک فی جمیع الشئون حتی یدل علیک بلسانه وجنانه وارکانه هذا الافنون الذی انبته من شجرة وحدانیتک انک انت المعطی الرؤف الرحیم ع ع

هوالابهی

حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب آقا میرزا آقا علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۵۴۰ ایها الفرع الرفیع من السدرة المبارکه هرچند مکاتیب متعدده تا بحال ارسال گشته است
با وجود این قلب سکون ندارد بلکه منجذب نفحات محبت کلیه بافنان سدره
مبارکه است بقسمیکه در کل اوقات و ساعات بذکرشان روح و ریحان جوید
و بیاد شان شادمان گردد و قسم بجمال قدم که چون لفظ افنان بزبان گذرد دریای
حب بجوش آید و قلوب در حرکت و خروش آید که خدایا این افنان دوحه
رحمانیت را در جنت رضوان مستقر گردان و این فروع طوبای عنایت را
اشجار بارور کن این نهالهای بوستان موهبت را نشو و نمای بخش و این شاخهای
سرور حمانی را ثمری و خرمی عطا فرما و بر عهد و میثاق عظیمت باقی و استوار بدار
انک انت الکریم ع ع

هوالابهی

نش حضرت افنان جناب آقا میرزا آقا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۵۴۱ ایها الفرع الرفیع من الشجرة المبارکه نغمات حمامه حدیقه ذکر که بر شاخسار ریاض اتقان
نمود بسمع مشتاقان رسید از آن لحن بدیع جذب لطیفی در قلوب پیدا گشت
واز آن ریاض نفحه خوشی در مشام آمد لسان بشکر جمال رحمان مشغول شد

Provided by the Afnan Library

که الحمد لله آن فرع طوبی لطیف از فیوضات غمام الطاف رب جلیل قهرمان مخضرات
و مظهر آیه مبارکه وانبته نباتاً حسناً ای فرع لطیف شکر کن جمال مبین و بناء
عظیم را که از فروع سدرهٔ منتهی بستی و در ظل غایت جمال الهی جهدی کن که در این
حدائق موهبت الهی بطراوت و لطافتی موفق گردی که زینت این ریاض باشی
و موهبت این غیاض از نفحات قدس متحرک گردی و از جذبات انس متمایل
شمه از اصل کریم باشی و مستفیض از غمام مبین ذلک خیر لک عما فی الوجود
من الغیب والشهود والبهاء علیک و علی المتمسکین بالحبل المتین (ع ع)

هوالابهی

ش حضرت افنان سدرهٔ منتهی جناب آقا میرزا آقای افنان علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۵۴۲

ایها الفرع المرفیع من السدرة الرحمانیة لو تعلم بعین الیقین ما یختلج فی هذا القلب الحزین
والفؤاد المجریح من احساسات الحب لافنان ذوقة البقاء و فروع سدرة السنیاء
تالله الحق لشققت الجیب و ازلت الریب و قطعت العذار و بتکت الاستار
و فککت الازرار و عریت البدن و نادیت بالسر والعلن یا اهل الارض الی

مبین

مغین موبته الله ملهوا الی کوثر رحمة الله ملهوا الی فیض سحاب غایة الله ملهوا الی ریاض منحة الله ملهوا الی ایحاض الطافحة بفیض غایة الله ملهوا الی غیاض مخضرة بغیث نعمة الله واسئل الله ان یجعلک مشعلاً نورانیاً وسراجاً منیراً ومعیناً صافیاً وفتناً مثمراً منبراً مورق والبهآء علیک عبدالبهآء ع ع

زیارت حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا سید احمد علیه بهآء الله الابهی

هوالله

۵۴۲

ایا نسمات الالطاف وایا نفحات قدس الاسرار هبی الی اشرف الاوطان لقعة الرحمن موطن الکوکب الساطع اللامع علی الاکوان وایا سحائب الرحمة والرضوان مری علی اقلیم الشین من ایران وفیضی بالدیم المدرار والهموع الغدق المنهمر الصیب الدافق السیل فی الوهاد والمهاد من کل واد علی ذلک الحدث المقطر والرمس المنور والضریح المعطر المتضمن للجسد المعنبر وطیبی لغیث الغفران الهاطل وحیی بدیم الرضوان الوابل وقولی علیک البهآء وعلیک الثنآء ایتها الفرع الجلیل من الشجرة الرحمانیة والقضیب الرشیق الرشید من الشجرة الربانیة والسراج المضیی فی الزجاجة النورانیة والثمرة الیانعة من الدوحة الفردانیة اشهد انک

خط کاتب مهر و امضای مبارک

ولدت من الاصلاب الطيبة والارحام الطاهرة ورضعت من ثدي العفة ونشئت
في حضن الرعاية وتربيت في حجر الولاية وبلغت الرشد في الظل الظليل من الدوح
الجليل وسمعت ندآء الله المرتفع بين الارض والسمآء ولبيت دعوة رب
السموات العلى وآمنت بالرب الاعلى وحشرت تحت لوآء رب ما يرى
وما لا يرى ولما قامت القيامة الكبرى وزلزلت الارض وانفطرت السمآء
وكورت الشمس وانتثرت النجوم وامتد انصراط ووضع الميزان وازلفت
الجنان وسعرت النيران وانشقت الاقمار وذاعت الاخبار وشاعت الآثار
وهتكت الاستار واشرقت الشمس في رابعة النهار وانتشرت اجنحة الطير
ونعب الغراب سرعت الى اليمين وتبرئت من الشمال وآمنت بالنور الساطع
من ملكوت الاهي وقمت على خدمة ربك العزيز المختار وحشرت مع الابرار بوجه
سطعت منه الانوار ودعوت الى ربك ببيان ينبعق منه الاذكار وقلب طافح
تتفجر منها الانهار وقصدت مشارق الارض ومغاربها وسعيت في اعلآء كلمة الله
في جنوبها وشمالها وعاشرت المخلصين بوجه مستبشر بطلوع النور المبين
وآنست المقربين بلسان داق بالمآء المعين وقمت على عبودية ربك الرحمن الرحيم

بخبر

تطلب قوى متين وفزت باللقاء وسمعت النداء وخوطبت بخطاب اشهى واحلى من عسل
مصفى وحضرت بين يدى نير الآفاق وشاهدت تجلى الاشراق ودخلت سهل الوفاق
وسلكت فى سلسلة العشاق وسالت بالدموع مسك الآماق ورايت مالا يتم ذكره
بالاوراق الى ان غابت الشمس وهى فى نقطة الاحتراق عن الاعين والاحداق
وليس لها افول ولا كسوف ولا غياب بل انما تغشى الافق بحاجب الغيبة والفراق
وتحرم الابصار عن المشاهدة والابصار واشهد ايها الفرع الجليل انك دخلت
بالميثاق وناديت به بين اهل الوفاق وابيت النفاق واجتنبت الشقاق
وجنيت اثمار الوفاء من شجرة الحيات التى نبتت فى الحديقة النوراء وحميت الحصن
الحصين من سهام الناكثين بسنان المارقين الى ان سرعت الى المحطة التى
سفكت فيها دماء الشهداء وبذلت الجد والجهد فى اعانة الذرية الضعاف من تلك
النفوس المقدسة التى تيابى تبرتربها ملائكة السماء من ملكوت الابهى ثم سعيت
الى الموطن المبارك الاسنى فنبت الشجرة المباركة النقطة الاولى حتى تجرى
الاقتران بين الافنان والورقات المباركة من سدرة السيناء ووفقك الله
بهذا ولعاونك وسموعلاك قدر الله لك ان تتجرع كاس الفداء

وتستشهد فی مشهد الکبریاء فضیاً لک هذه الکاس المزوقة بکافور العطاء ومریاً لک هذه المائدة النازلة من السماء فاشکر ربک الاعلی بما قد جعل خاتم الحیوة الدنیا مسکاً ذکیاً یتعطر بطیب انفاسه کل الارجاء فطوبی لمن یزور مرقدک المسکی الشام ویدور فی مضجعک المنیر فی اشرف ایام ویدعو الله بخضوع وخشوع وتمنی الغفران ویرجو العفو والرضوان وعلیک البهاء الابهی (ع ع) متقایید

(هو الله)

۵۴۴ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا عبدالوهاب علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
خط مبارک ای موقن بآیات الله گوئید که قوای اعظم عالم قوهٔ سلطنت قاهره وسطوت حکومت باهره است ومال آنکه نهایت اقتدارش اینست که اجسام را محاصره نماید وقلاع حصینه را منخرق کند واین قوت وقدرت نیز بواسطه جیوش جرّاره وجنود قهّاره ظاهر میشود اما تو در قوت وقدرت وسطوت وسلطنت اسم اعظم ملاحظه نما وتفکر کن که با وجود انکه وحید وفرید دلی ناصر ومعین بود بقوتی الهیه وقدرتی ربانیه وسطوتی ملکوتیه ملکوت وجود را منخسر فرمود ومدائن قلوب را فتح نمود آفاق امکان را مگشود وکشور هستی را در تحت

تصرف

Provided by the Afnan Library

تصرف آورد یکسواره بر صف عالم زد و تنها جنود غنود ضلالت را شکست داد ولی آثار
این فتوح الیوم در غیب وجود است و در استقبال در حیز شهود خواهد آمد آنوقت
ملاحظه خواهد شد جند مناک مهزوم من الاخراب میفرماید در صحرا ما سیر و تماشا
نمائید مثل مدائن صالح و ثمود و احقاف قرارگاه قوم هود و مدائن لوط و مدینهٔ
سبا و مدائن اصحاب رس و مدین و سائر جهات را سیر و تماشا نمائید که مثل اردوهای
شکسته در این بیابان ریخته و پاشیده اند مقصد اینست که انبیای الهی و اولیای
رحمانی در هر عهد و عصری ولو انیکه فرید و وحید بودند و جمیع قبائل و شعوب مهاجم
با وجود این نور شان ساطع شد و کوکبشان لامع و سراجهای عالم جمیع

خاموش شد ع ع مقابله شد

هو الله

ایها الفرع الزکی من الشجرة الرحمانیة آنفرع جلیل اگرچه از باغ امکان منفصل شد
اما بشجرهٔ منتهی متصل گردید و در حدیقهٔ لامکان سبز و خرم شد از عین تسنیم
سقایه گشت و از نسیم حدائق ملکوت ابهی قهتر گردید در جنت لقا وارد شد
و در ساحهٔ کبریا وارد گشت و در خیر منزل ذوالجلال مقر یافت و حال از ملاء اعلی

Provided by the Afnan Library

ورفیق الهی ناظر بیاز ماندگان است وندا غیبی میفرماید که گوش جان استماع کند
وسمع وجدان ادراک نماید که ای باز ماندگان آنچه من بدست ایمان وایقان
کشتم شما سقایه نمائید وآنچه من غرس نمودم شما تربیت نمائید شما شاخ این شجرید
وثمر این درخت پربرکت باید طعم ورائحهٔ اصل بدهید وکوه صبر بیار آرید از ریاح
امتحان متزلزل نشوید واز عواصف افتتان متحرک نگردید ریشه در ارض
میثاق دوانید واز جویبار عهد نیرآفاق نشو ونما نمائید تمسک بحبل متین جوئید وتشبث
بذیل پیمان رب العالمین کنید تا فرع پر طراوت ولطافت شوید ومیوهٔ
پر حلاوت ببار آورید انیست وصیت من ونصیحت من والبهاء علیکم ع ع

(هوالله)

۵۴۵ فخار برک ش افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا بهاء الدین ابن جناب
آقا میرزا آقای افنان علیه بهاء الله الابهی هوالابهی

ای افنون سدرهٔ مبارکه جناب واسطه توصیف مینمود که چون شاخهٔ مخضره
بنفحات میثاق تر وتازه وچون اوراق نضره سبز وخرم از فیض ابر
رحمانی وغیث سبحانی امید واریم که در این بهار روحانی پر گل وشکوفه گردی

ویهوه

وميوهٔ خوشگوار بار آوری ع ع مقبول شد

هوالابهی

ش جناب میرزا علیرضا علیه بهآء الله الاسنی ملاحظه نمایند

٥٤٦

هوالابهی

اللهم یا ولهٔ قلوب التی اضطرمت فیها نار محبتک ویا جذبة افئدة التی ذابت والتهبت من لواعج الاشتیاق فی فراقک قدر لعبدک هذا اجر من تشرف بلقائک وحضر تلقاء عرشک وشاهد انوار جمالک وشرب صهباء وصالک وسکر من حرارة خطابک ونشأة قربک وعطائک وایده علی الاستقامة علی امرک والثبوت علی حبک انک انت العزیز المعطی الرحیم ع ع

جناب علیرضا خان علیه بهآء الله الاسنی

خط مبارک

اقتدا نمود حق علیه والده را بنار ع از برای ذبح

٥٤٧

هوالله

ایها الروح البدیع والمقام الرفیع ایدک الله وسددک وشدد ازرک وبدد عصبة الضلال بسعیک وجهدک وشتت شمل ثلة الغرور واصحاب القبور وحزب الفتور بیاسک تنشط کالاسود الکاسره وازئر فی هذه الغیاض وتجند کالنسور الصاقره وضقر فی هذا الهواء واصدح بانغام ورقاء القدس فی هذه الریاض

Provided by the Afnan Library

واسبح کیتان بحر الاحدیه فهنده الجاض ع ع (هو الله)

ای جناب ناظم دراری اشعار آقا میرزا علی اکبر اشعار آبدار قرائت گردید ملیح بود و شیرین و شکرین بلیغ بود و فصیح و دلنشین ولی در مذاق عبد البهاء انگبین عبودیت گوارا تا توانی مخمس عبودیت و مسدس رقیت و مثمن محویت صرف انشا نما که چون مستمن مرغ بهشت لذیذ و خوشطعم است ولی شرط آنکه خورش دیگر در میان نباشد ع ع

(هو الله)

ای شیدای جمال الهی مکتوب قرائت گردید معانی بدیع بود و مضامین دلنشین ولی خطاب بعبد البهاء باید سر عبودیت باشد ع ع

۵۴۸

ای پرده نشینان بندهٔ حق شکر کنید که در سایهٔ عصمت نفسی هستید که مقبول درگاه احدیت است ع ع

ایدوطفل خان مشمول نظر عنایت حق گردید و محبت الله میراث از پدر برید

ع ع

ای دو اخوات بندهٔ الهی همشیره و پاک شیر آن آشفته جمال ابهی هستید

Provided by the Afnan Library

بسته باید در کمال روح و ریحان و عصمت و عفت و ایقان و انقطاع در بین
آمار الله محشور گردید ع ع
ای برادر پاک گوهر آن آشفتهٔ موی محبوب الهی اخوی خواهش خطاب بے
شما نمودند این رجا مقبول گردید و اختصار از کثرت مشاغل و غوائل
حاصل البته معاف میدارید العذر مقبول ع ع
اللهم یا الهی اسئلک العفو والصفح عن عبدک الذی قضی ایامه متذکرا بآیاتک
و اغرقه فی بحار رحمتک و اجره فی جوار رحمتک و ابده الی خیمة لقائک کما
سمیته هادیا بین عبادک ع ع هو الابهی تقبیل
ش جناب علیرضا خان علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

۵۴۹ جناب فرخ مبارک
یا من ثبت علی العهد القدیم فابسط الکف الابتهال الی ملکوت الجلال و مطلع الجمال
و قل لک الحمد یا ربی المتعال علی ما اولیت و اعطیت و اطعمت و اردیت
و دللت و هدیت و عافیت و شفیت اولیت احبائک اعظم شأن فی
الابداع و اعطیتهم عطاءً موفوراً فی عالم الاختراع و اطعمتهم من موائد تک

Provided by the Afnan Library

النازلة من السماء وسقيتهم من معين صاف عذب فرات وللنرجس الى
مشرق رحمانيتك يا خالق الاصباح وهديتهم الى سبيل فردانيتك يا محيى
الارواح وشفيتهم من امراض النقض واعراض النكث يا رب الميثاق
والبهاء عليك وعلى كل منجذب الى نير الآفاق ع ع

شیراز جناب علیرضا خان علیه بهاء الله الابهی

ای خان عزیز آنا مشهدی حسین الآن حاضر محفل ودلیل واضح برانیکه شما را فراموش ۵۵۰
ننموده است بهمین تحریر مختصر است زیرا الان ذکر شما را مینماید ع ع

هوالابهی

الهی الهی هولاء عباد انجذبوا بانفحات قدسک فی ایامک واشتعلوا بالنار ۵۵۱
الموقدة فی سدرة فردانیتک ولبوا لندآئک ونطقوا بثنآئک وانتبهوا من
نسمآتک واهتزوا من نفحاتک وشاهدوا آیاتک وادرکوا ابنیآتک وسمعوا
کلماتک والتفتوا بظهورک واطمئنوا بلقائک ای رب اعنهم شاخصة
الی ملکوتک الابهی ووجوههم موجهة الی جبروتک الاعلی وقلوبهم خافقة من
شغف حب جمالک الانور الاسنی واکبادهم محترقة بنار محبتک یا رب

از قرار

الآخرة والاولى واحشائهم مضطرمة بنيران الشوق الملتهبة اللظى ودموعهم منسجمة
كالديم المدرار من السماء فاحفظهم فى حصن صونك وحمايتك واحرسهم فى كهف
حفظك وكلائتك وانظرهم بعين وقايتك ورعايتك واجعلهم آيات
توحيدك الباهرة فى ارجاء الانشاء ورايات تجريدك فوق ذروة الكبرياء
والسرج الموقدة بدهن حكمتك فى زجاجة الهدى وطيور حديقة مفرقك
الصادحة على اعلى فروع الاشجار فى المنبتة المأوى وحيتان بحر موهبتك
المتمخضة فى العمق الاكبر برحمتك الكبرى اى رب هؤلاء عبادك ارقاء
اجعلهم كبراء فى ملكوتك الاعلى وضعفاء اجعلهم اقوياء بقدرتك العظمى
واذلاء اجعلهم اعزاء فى اقليمك الجليل وفقراء اجعلهم اغنياء فى ملكك
العظيم ثم قدر لهم كل خير قدرته فى عالم الغيب والشهود وهيئ لهم من امرهم
رشداً فى حيز الوجود واشرح منهم الصدور بالهامك يا مالك كل موجود
ونور قلوبهم ببشارتك المنتشرة من المقام المحمود وثبت اقدامهم على
ميثاقك العظيم يا عزيز يا ودود وقو ظهرهم على عهدك الوثيق بجودك
وفضلك الموعود انك انت الكريم الفضال المعبود (ع ع)

هوالابهی

٥٥٢ یا من انجذب بنفحات القدس المنتشرة من ملکوت الابهی قد تلیت آیات
الشکر لله لما تلوت بلحن طیور حدائق القدس تلک الکلمات وقرئت
تلک العبارات الناطقة بالجذابک بنفحات الله واشتعالک بنار محبة الله
وثباتک علی العهد ومیثاق الله وتمسکک بالعروة الوثقی واهتزاز قلبک من
نسائم موهبة الله ولشکرک ینبغی هذا الشان الجلیل ویلیق هذا الثناء العظیم
لعمر ربک لو اطلعت بما قدر الله لک فی کتاب العلیین وصحف ملکوته
القدیم لنزعت ثیاب الامکان وهرعت الی مقعد صدق فی ظل الطاف ربک
الرحمن الرحیم وترکت هذا المرکز الادنی وصعدت بجناح النجاح شوقا الی
الملکوت الاعلی وتوقا الی ابهر وت الابهی فطهر ثیابک ونزه مشامک
وقو سماعک وحد نظرک ودقق بصرک وقدس قلبک ولطف روحک
لتسمع ندآء ربک من ملکوت الغیب طوبی للثابتین علی عهدی ومیثاقی
طوبی للمتمسکین بالوثقی عروتی طوبی للمتشبثین بحبلی المتین ع ع

جناب علیرضا خان علیه بهآء الله الابهی زیارت مطاف ملاء اعلی فائز

دیگر است

ونفحات مقدسهٔ آن تربت پاک مشام جانرا خوشبو فرمودند وحال بمراجعت
ماذون گشتند از الطاف الهیه وعنایات رحمانیه مستدعی وملتمسیم که آنجناب
وجمیع منتسبین را بآنچه الیوم لائق وسزاوار است مؤید وموفق فرماید الیوم اعظم
امور ثبوت ورسوخ بر عهد ومیثاق الله است ونشر نفحات الله چه که امر مؤید
بجنود ملکوت ابهی این امر اعظمست حمد خدا را که تأییدات چون امواج قلزم
اکبر متتابع است وتوفیقات چون فیض محیط اعظم متوالی دریوم لقاء یوم سرور
وصفاست درزمان غیبت وقت ثبوت ورسوخ وسعی در اعلاء کلمة الله ع ع

ش جناب قاسم خ ا علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هو الابهی

٥٣

الهی الهی بذا روح اهتز من تجلیات یوم لقائک وبذا سراج اشتعل من النار
الموقدة من سدرة رحمانیتک ای رب ایدهٔ فی جمیع الشئون واجعله مطلعاً باسرار
لوحک المنشور واشدد ازره علی اعلاء کلمتک یا حی یا قیوم وانطق لسانه ببیان
حجتک وبرهانک یا ذا العز والجبروت وفق ابناءه واشباله وسلالته علی خدمة
امرک یا رب الآیات والملکوت انک انت المؤید الموفق الکریم ع ع

Provided by the Afnan Library

بجهت زیارت روضهٔ مبارکه مسافرت اگر بکمال امنیت وراحت در روح و ریحان
در موسم حج میسر بسیار مقبول واگر سبب مشقت و هجوم اعدا میگردد صبر داشته باشند
انی اتفرّع من کلّ روحی الی الملکوت الابهی ان یقبل زیارتک وقصدک ویقدرلک
اجر من فاز باللقاء والبهاء علی اهل البهاء ع ع

جناب آقا لطفعلی خان علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۵۵۴ نسخهٔ برلن

ای ناظر الی الله جناب علیرضا خان علیه بهاء الله الابهی حاضر و خواهش تحریری
نمودند این بندهٔ درگاه جمال الهی نیز قلم برداشته و بنگاشتن پرداخته که شاید از اثر
خامه و نقوش نامه رائحهٔ وفا ساطع گردد و مشام آن مشتاق ملکوت ابهی را
معطّر نماید ای سرگشتهٔ صحرای محبت الله دماغ جانرا از رطوبات فاضله عالم
امکان منزّه و پاک نما تا عطر گلستان ملکوت ابهی معطّر نماید و چشم را از حجبات
ساترهٔ اهل او هام بری کن تا مشاهدهٔ آیات کبری نماید و الله امرا برعهد و میثاق
الهی محکم و استوار نما تا در بین انجمن مقربین مشهور و محشور گردی و البهاء
علیک و علی کلّ ثابت جسور ع ع

بحواله

هوالله

ش جناب میرزا علیرضا خان علیه بهآء الله الابهی

هوالابهی ۵۵۵

ای ثابت برمیثاق آنچه مرقوم نمودی ملاحظه گردید نشئه روحانی داشت ونفحه رحمانی واثر کلمات مشکبار بود ورزش ابر عنبربار فی الحقیقه حدیقه معانی بود ونسوحات وجدانی سبحان الله خامه ونامه که حکایتی از جهان جان ودل مینمود حکم رقّ منشور وورق مسطور یافته بود از فضل وجود جمال احدیت میطلبیم که معانی لطیفه وحقایق بدیعه در کینونت آن جناب تحقق یابد تا آثار باهره اش در سماء رفیع ساطع ولامع گردد انّه ولّی المخلصین ع ع نهایت

جناب علیرضا خان علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی ۵۵۶

قد القیت نفسی یا الهی علی عتبتک الطاهره ومرغت وجهی وناصیتی علی تلک الحضرة القدسیة الباهره منکسراً الیک ومناجیاً بین یدیک متذللاً بباب احدیتک طالباً شمول عواطف رحمانیتک لعبدک الذی تمسک بذیل تقدیسک وتعلق بامداب ردآء توحیدک وراجیاً ان تؤیده علی السلوک فی سبیل رضائک والثبوت فی قیام عهدک ومیثاقک

Provided by the Afnan Library

والنهوض لاعلاء امرک بین عبادک وآلرسوخ علی کلمتک بین ارقائک ای رب هذا
مستجیر اجره فی جوارربیت احدیتک واسیر اطلقه فی فضاء مملکتک وضعیف
ایده بقوتک القاهره وسقیم عالجه بدریاق موهبتک الباهره انک انت الکریم
الرحیم التواب والمجیب علیه فی المبدء والمآب ع ع هوالله

ش کربلائی محمد هادی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۵۵۷

ای من استنشق رائحة العرفان دراین ساعت که جمعی ازدوستان حاضرو ناظر
انیعبد خامه برداشته واین نامه نگاشته تاتوانی وبدانی وتیقین نمائی که رفیق
روحانیت وندیم ربانیت جناب علیرضاخان چقدر ازتو ستایش نموده که مرا
مجبورکرده که درمجمع ومحفل ننگارش این نامه پردازم پس بدان که آن یار
مهربان ترا چون دل وجان عزیزو محترم دارد واز هرجهت علو وسمو ازبرای تو خواهد
محبت ودوستی چنین شاید ازلطف حضرت دوست امید است که مطلع
انوارفضل گردی ع ع

هوالابهی

امة الله ورقهٔ طیبه مطمئنه والدهٔ علیرضاخان

Provided by the Afnan Library

هوالابهی

۵۵۸

ای کنیز آستان ابهائی شکر کن خدارا که موفق بسیری گشتی که متوجهاً الی الله کوه و دشت وبیابان طی نمود وچون باد بادیه پیمود تا آنکه تراب تربت پاک بصیر ترا روشن نمود وبصر را مجلا وپاک از هر غبار کرد چنین مادری را چنین پسری لازم وچنان پسر را چنین مادری واجب طوبی لثدیی راکه شیر داد وخوشا بآغوشی که اورا پرورش نمود طوبی لک وله فی کل الاحوال ع ع

امة الله ورقهٔ طیبه ضلع خان علیها بهاء الله الابهی

هوالابهی

۵۵۹

ای موقنهٔ بآیات الله از فراق نوردیدگان ناله وفغان منما واز هجران جگر پارها آه وحنین مکن اگر بدانی که آن دُرّ دانهای محبت الله در صدف چه بحری مکنونست وآن نوگلهای الطاف در چه ریاضی شکفته لهذا ازشدت سرور پرواز نمائی والبهاء علیک ع ع

امة الله ورقهٔ طیبه همشیره خان شمس علیها بهاء الله الابهی

هوالابهی

Provided by the Afnan Library

۵۶۰ ای مشتعلهٔ نار محبت الله در این قرن الهی و حشر رحمانی نسائی مبعوث شدند که چون
ببر بر صائب و غضنفر غالب و مردان باسل در میدان معرفت حمله نمودند و صفوف
جهل را بسیطوتی از حجة بالغهٔ الهیه بدریدند انشاء الله تو یکی از آنها گردی و از فوت
آن در دائرهٔ بحر محبت الله مخزون و دلخون مباش اگر نفحهٔ از آن عالم بمشام انسان
رسد ابداً از عروج پدر و صعود پسر و فوت امهات و موت بنات مغموم و مکدر
نگردد جمیع این آه و فغان ها و زاری و نالها از عدم اطلاع از مواهب الهیه
در عوالم غیب رحمانیه حاصل میگردد و السلام علیک ع ع

شیراز جناب علی رضا خان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای ثابت بر پیمان نامهٔ غرّاء واصل و بکمال روح و ریحان قرائت گردید مسرت
۵۶۱ که این قلم بظاهر مذکر آن یار مهربان مشغول انگشته و این از کثرت هجوم اعداء
و فظایع و تعدیات اهل شرور و ظلم حزب غرور و اصحاب فتور رخ داده
والّا دمی بی یاد یاران نیاسایم و دل جز محبت حضرت رحمان نیارایم و از فضل
و عنایت حی قیوم رجاء محتوم است که همواره در ظل محمود مستریح باشید

ع ع

وجمیع یاران آنکیر ابدع نمائید و علیک التحیة والثنآء ع ع
ابهی ابلاغ

شش جناب میرزا علی رضا خان علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمائید

هو الله

٥٦٢

ای ثابت بر میثاق ورق مسطور منظور گردید و فغان و شکوی مسموع مسیح
جهار بارک
دانی که در چه طوفان بلا غوطه ورم و در چه بیابان ابتلا سرگشته و گمگشته اثر مشاغل
خارج و داخل خارج از حصر و مهام امر الله بیش از تصور بشر و مکاتبات و سوالات
و جوابات اخبار چون موج بحر و هجوم اعدآء و فتنهٔ احزاب چون جراد منتشره
و فساد اهل عناد چون آتش پرشرر اوراق شبهات در جمیع جهات جزو جزو
مشتهر و آیات متشابهات مرجع هر بیخبر عهد و میثاق الهی از نفوس مفرضه
متروک و غیر معتبر و طوفان تزلزل و نقض مسلط با وجود این صدمات و آفات
این فرید وحید در این چار موج اضطراب مستغرق دیگر کجا فرصت تحریر
و تقریر و نگاشتن جواب هر حبیب و سمیر والبهآء علیک و علی کل ثابت
میثاقیه

مستقیم ع ع

حضرت حبیب روحانی جناب محمد قبل ق را از قبل این عبد تکبیر ابدع

ابهی ابلاغ دارید و البهآء علیه ع ع

از صعود ورقهٔ منجذبهٔ متصاعدهٔ ملکوت ابهی محزون میباشید و دلشکسته نگردید چه که آن موقنه در جوار رحمت کبری مقر گرفت و در ظل سدرهٔ منتهی مستقر یافت

والبهآء علیها فی محضر اللقآء ع ع

متعاقبه

شیراز بواسطهٔ جناب عبدالحسین خان جناب مؤید جناب علیرضا خان جناب بهائی وسائر احبای الهی علیهم بهآء الله الابهی هوالله

ای عزیزان عبدالبهآء جناب عبدالحسین خان وطن مألوف را فراموش نمود و سرگشتهٔ کوه و بیابان گشت ودر سبیل حق مسیر و سامان شد تا آنکه بآن صفحات بنیت نشر نفحات توجه کرد و بقدر امکان قصور و فتور ننمود سرگردانی سبب پریشانی شد و بیقراری علت بیماری گردید رنجور گشت و ناتوان و مهجور گردید و بیدرمان تا آنکه آن یاران مهربان جویای حال او گشتند و جستجوی راحت و آسایش او نمودند و بفرستادی همت بر پرستاری برخاستند ودر ایام بیماری نوازش و مهربانی نمودند فی الحقیقه درد او را درمان شدند و زخم او را مرهم نهادند و نهایت ممنونیت را از همت شما بیان نمودند این پرستاری خدمت

۵۶۲ خط کاتب هر دو رقعه مبارک

بحق بوده و این مهربانی از مقتضای عبودیت آستان مقدس رحمات و مشقات شما
در درگاه کبریا مقبول و محبت و مهربانی شما در ملکوت ابهی ممدوح و مرغوب و علیکم التحیة
والثناء ع ع

بواسطهٔ جناب میرزا علی رضا خان علیه بهاء الله

شیراز جناب میرزا جلال الدین خان ناظم دفتر علیه بهاء الله

(هو الله)

ای سرمست جام هدی شکر کن حضرت کبریا را که از ضلالت و ظلمات نجات یافتی و بنور هدایت
هدی موفق گشتی از جهالت و عمی رهائی یافتی و ببصر بدایت بینا شدی گوش را از
تلقین شبهات متقدس نمودی و هوش را از توجه بمفتریات منزه کردی شاهراه شریعت
و طریقت پیمودی تا بحقیقت رسیدی از اوهام دیگران خلاص شدی و بجوهر عرفان
پی بردی ملاحظه کن چه بسیار نفوس که دعوی عرفان مینمودند و بخیال خویش سالها سلوک
نمودند و آرزوی دیدار نگاری میکردند و منتظر اشراق انوار بودند و تجلی شمس
حقیقت را در جماد و نبات و حیوان قائل بودند از خار شمیم گل گلزار استشمام
مینمودند و از زهر شهد فائق میچشیدند چنین میگفتند حال که آن آفتاب جهان افروز

در یوم نوروز از مطلع انوار ظاهر و پدیدار شد و سلطان کل با خیل و حشم و چتر و علم در
وسط گلشنی خیمه برافراخت و حلاوت شهد الهی جهانرا شیرین نمود آن غرفای
کهنه سر برهنه پا برهنه قرار اختیار فرمودند و عار و ننگ هر عارفی گشتند یکی
گفت این آفتاب مانند چراغ کور سیر و سلوک نمود دیگری گفت این محیط
عظیم گنجایش یک جرعه صهبا نفرمود دیگری گفت این مشرق بر آفاق
وانفس نو هویدا است دیگری گفت این نفس نفیس خدمت یک مرشد
خسیس نکرد باری هریک بهانهٔ فرمود و بخفرهٔ خمول و خمود دوید و عاقبت کل
محو و ناپدید شدند اما پاک یزدان تورا بیدار کرد و هشیار نمود و واقف باسرار کرد
پس ستایش باد اورا که جان و دل یارانرا بنور هدایت آرایش بخشید و بپرتش
و نیایش شمس حقیقت موفق فرمود این ایام حضور در این حدود و ثغور از شدت
تعرض اهل غرور معسور و ممنوع است نشاء الله در آینده مقصد حاصل گردد
جناب سرحلقهٔ راستان علیرضا فانرا تحیت و اشتیاق من برسان از خدا
خواهم که همیشه در پناه حق مصون و محفوظ باشد و علیک التحیة والثناء ع ع

هوالله

ش

سش طلب مغفرت بجهة ورقهٔ متصاعدهٔ الی الله امة الله والدهٔ میرزا علیرضا
خان علیها بهآء الله الابهی
هوالله
ای پروردگار یک ورقهٔ از سدرهٔ رحمانیت ترک گلخن فانی نمود و بگلشن
باقیت پرواز کرد و چون حمامه حنین و انین نمود تا بشاخسار احدیت
سدره نشین گشت ای آمرزگار غفرانی ای کردگار احسانی ای پروردگار
عطای پایانی و البهآء علیها ع ع (هوالله)

بشیراز
بواسطهٔ جناب میرزا علی رضا خان
میرزا علی محمد و میرزا صدرالدین و صبایای جناب خان علیهما و علیهن بهآء الله

هوالله
ای سلالهٔ بندهٔ درگاه بها شکر کنید خدا را که از اصلاب طیبه و ارحام طاهره
تولد یافتید از پستان محبت الله شیر خوردید و در آغوش معرفت الله
پرورش یافتید البته قدر این موهبت را خواهید دانست و شکرانهٔ این
رحمت خواهید برخواست از فضل حق امید چنانست که درخت ابهی گل
و ریاحین شوید و شکوفهٔ رنگین برآرید و میوهٔ شکرین بدهید و در ظل حفظ و حمایت

حق محفوظ و مصون مانید ع ع (هو الله)

شیراز جناب میرزا علیرضا خان علیه بهاء الله الابهی

هو الله

خط کاتب مورد اشتباه مبارک

٥٦٧ ای بندهٔ صادق جمال ابهی خدمائی که در صعود حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا مجری داشتید در عتبهٔ مقدسهٔ جمال ابهی مقبول و محبوب افتاد امیدوارم که همواره موفق و مؤید بخدمات گردی اینست سبب روشنائی روی انسان در عالم امکان شکر کن خدا را که ملحوظ نظر عنایتی و مشمول الطاف حضرت احدیت و علیک التحیة والثناء ع ع

شیراز بواسطهٔ جناب قابل جناب میرزا علیرضا خان

(هو الله)

خط کاتب مورد اشتباه مبارک

٥٦٨ ای مونس عبد البهاء دمی از یادت فارغ ننشینم و بذکر روی و خویت همدم و همنشینم و از خدا میطلبم که آیت هدی شوی و موهبت ملکوت ابهی و منقطع از دنیا و منجذب ملاء اعلی و ناطق بثنای و مظهر اسماء حسنی و جمیع این فضائل طائف حول محبت الله هست و علیک التحیة والثناء (ع ع)

بواسطه

هوالله

بواسطهٔ علی رضا خان

ش امة الله ضجیع قدیم وامة الله همشیره علیرضا خان علیهما بهآء الله الابهی

هوالابهی

۵۶۹

ای دو خادمهٔ احبآء الله سزاوار این است که افتخار و مباهات بر ملکه ملک اقطار نمائید زیرا سلطنت باقی سرمدی شما است که کنیزی جمال ابهی و خدمت اصفیآء الله فائز شدید این کنیزی جمال قدم خدمت دوستان او ست الحمدلله بآن فائز شدید و این عقد لئالی کریمه را در گردن دارید و این طوق مرصع را بر ترائب فرتین حمد کنید او را که بچنین موهبتی موفق شدید (ع ع)

بواسطهٔ علی رضا خان (هوالله)

ش جناب کربلائی محمد تا دی علیه بهآء الله الابهی ۵۷۰

ای دوست حقیقی تا چند اهل نقض در وساوس بوالهوسی و تا چند اهل شقاق محمور خمر نفاق سبحان الله برهان واضح و دلیل لائح و سبیل واسع و انوار ساطع و سراج لامع و رحمت سابق و نعمت کامل و حجت قاطع و پیمان ظاهر و حکم اطاعت صادر مع ذلک الوضوح اهل نقض بوساوس اوهن

از بیت عنکبوت متوسل و از موهبت میثاق محروم مجهول و مظلوم در وادی
خسران و خذلان مبعوث و محشور ندد عهم فی خوضهم العظیم (ع ع) ١٠٠

علیرضا خان (هو)

ش ش الله الله ضجیع جدیدهٔ علی رضا خان علیها بهآء الله الابهی

هو الابهی

٥٧١ خط مبارک ای امة الله در ظل عصمت مؤمن بالله و موقن بآیات الله درآمدی و
از کأس عطا نوشیدی و مظهر الطاف حضرت اعلی و مطلع انوار بخشش
جمال ابهی گشتی چه خوش بخت و خوشا طالع بودی که مطلع چنین عنایتی
شدی که بانوهای ملوک و ملکه های آفاق آرزو مینمودند و مینمایند حال
ندانند ولی عنقریب آگاه گردند ع ع ١٠٠

علیرضا خان هو الله

ش ش مناجات طلب مغفرت لمن خرج الی الله مرحوم محمدة سم خان
علیه بهآء الله الابهی

هو الابهی

٥٧٢ خط مبارک الهی الهی انک انت الغفور انک انت العفو ان عبدک هذا آمن بکلمة
زمان ١٠٠

رحمانیتک وتوجه الی ملکوت فردانیتک وانجذب بآیات قدسک واشتعل
بالنار الموقدة فی شجرة وحدانیتک وسمع خطابک ولبی لندائک وتحمل
کل مشقة وبلاء فی سبیلک ثم عرج الیک وصعد الی المعقد الصدق فی
ملکوتک ای رب اجره فی جوار رحمتک الکبری واسکنه فی فیء شجرة الطوبی
واسقه من کوثر اللقاء واجعله آیة رحمانیتک فی ملکوتک الانشاء انک
انت سامع الدعاء یا جمال الابهی ع ع

٥٧٠

هو الله

ایرب تری هجوم الالام وجولتها وغرور الملل وصولتها علی عبدک الفرید الوحید
الغریب فی سجنک الاعظم وتنظر توارد السهام وتتابع الرماح وتکاثر
السیوف وتکاثف الصفوف من کل الارجاء والانحاء فاصبحت الیفصال
هالة حول الهیکل الجمیل کالهلال وغدت تکاثر توارد السیوف الحداد تجعله
تحت الظلال ومع هذه البلیة الدهماء والمصیبة العمیاء قام الاحباء علی اشده بالجفاء
ودخلوا یا الهی فی میدان الکفاح بسهام وسنان وسیوف ورماح وصولوا
النضال الی عبدک الاغر من السلاح وظنوا یا الهی بان هذا هو الفلاح والنجاح

هیهات هیهات فسوف یرون انفسهم فی مهاوی الردی و حفرات الشقی و غمرات العمی
و ینوحون و یکون علی ما فرطوا فی جنب الله و ینکوا حرمة الله و نقضوا میثاق الله و نکسو
رایة الله و فرقوا کلمة الله و شتتوا شمل مرکز العهد و نثروا نظمه یا الفضل ای رب
اتخذوا میثاقک هزوا و عهدک لعبا و صعودک لغیا و مرکز میثاقک سخریا ای رب
اغفر ذنوبهم و استر عیوبهم و کفر عنهم سیئاتهم و ارجعهم الیک و اجمعهم تحت لوای
میثاقک و اخلع عنهم القمیص الرثیث و البسهم رداء النقاء لیس الیک انت
الکریم الرحیم ع ع

ای رفیق اگر بدانی که بچه حدّی قلم گرفته و تحریر این نمیقه پرداخته البته
بمجرد ملاحظه در شوق و شعف آئی و وجد و طرب کنی که الحمد لله چنین غمخوار غمگساری
دارم و چنین یار مهربانی که در چنین احزانی و بلایا و مصائب بی کرانی و گرداب فنا بیاد محبت
بنگارش جواب نامه پرداخته و بیاد یاران همدم گشته در یومیکه مذهل کل مرضعة عما ارضعت
و تضع کل ذات حمل حملها و تری الناس سکاری و ما هم بسکاری و لکن عذاب الله شدید
او بذکر بدیع دوستان سدید پرداخته و بدرگاه احدیت تضرع و نیاز نماید که تائید و توفیق بخشش و عنایت

و ما ع ع

ای رفیق آیا یادت میآید که در ایام تشرف بلقاء الله بچه اشتغال و انجذاب بازه ملاقات
مینمودم و چه مهربانی صحبت میکردم و چه قدر محبت بشما داشتم آن الفت و محبت و مودت
فراموش نشود قدر آزادان اگر تو فراموش نمائی من نمایم و از فضل و جود حضرت احدیت
متمنی که آثار و آیات آن ملاقات را الیوم ظاهر و عیان فرماید ای رفیق در بر کور اگرچه امر الله
ظاهر ولی بوضوح این کور اعظم در هیچ کوری امر واضح و عیان نبود چه که این دور مبین در جمیع
شئون ممتاز و در کل مراتب بتمثل دبی نظیر بود اشباه و در این کور نیز هیچ امری بوضوح
و ثبوت و قوت و عظمت عهد و میثاق نه جمال قدم و اسم اعظم روحی لعباده الفدا از جمیع جهات
ابواب و مساوس و وسائس و شبهات را مسدود فرمودند و از برای نفسی محل تردد نگذاشتند
سی سال قبل از صعود در مواضع متعدده از کتاب اقدس که ناسخ و مهیمن بر جمیع کتب است
صریحا و توضیحا من دون تأویل و تلویح سبیل را واضح و دلیل را لائح فرمودند و تکلیف
الهی و دینی در روحی و ظاهری و باطنی کل را تعیین کردند و سی سال جمیع اطفال ملکوت از بستان
کتاب اقدس شیر عنایت فرمودند تا این ضوابط و روابط آلهیه در کینونات بشریه تمکن
تام حاصل نماید و حصن رزین امر الله چون سد سدید حدید حصین و متین شود
و کسی را نرسد و نتواند مبین کتاب مبین را با وضح تصریح تعیین فرمودند و مرکز میثاق را

شهرهٔ آفاق کردند و گذشته از بیان شفاهی باثر قلم اعلی و نص صریح الهی کتاب عهد نازل
و جمیع شبهات محتمله را از اهل فرمودند بقسمیکه دور و نزدیک و اهل افریک و امریک و ترک
و تاجیک کل از این آوازه در غلغله و ولوله افتادند و وصیت این عهد و صوت این میثاق
گوش جمیع اهل آفاق شد با وجود این معدودی محدود هوس سروری نمودند و اوهام
مهتری باکلاه تری تاج برتری جویند و بقوتی چون بعوض نفوذ در میثاق خوابند و راه
ستمگری پویند که مرکز میثاق را منتسبی آفاق کنند و قطب دائره عهد را خارج
از محیط اشراق بیهات بیهات هرگز آفتاب عهد بقوت اهل عهد پوشیده نشود
ورخ مهر تابان بهبهات خفاشان رنجیده نگردد و سیل فیض بهاران بمشتی خاک مسدود
نشود و نسیم ریاض میثاق مقطوع نگردد فسوف یسمعون نقرات هذا الناقور
و نقعات هذا الصور من الملاء الاعلی سبحان ربی الاهی بنا لک یحقق المؤمنون
و بهذا تزلزل تالله لقد آثرک الله علینا حال ملاحظه فرمائید که این تزلزل و تردد
چه ثمری بجهت اهل فتور دارد آیا در بحر رحمت اخروی مغمور گردند یا خود در شئون
دنیوی معمور شوند لا والله بلکه عاقبت هر متزلزلی در تحت اطباق فلذلان ابدی مطمور گردد
یا بنی سبحان عهد و عصیان میثاق بحب نورانیت و بغض در جبروت اعلی و ملکوت ابهیت

زیبا افزای

یا افترای بر مرکز میثاق و ابتلای وحید فرید آفاق سبب روشنائی روی در ملأ اعلیست اگر
باین دلائل و براهین کفایت نه نقض کتاب اقدس و کتاب عهد رانشان هر متی از طل عالم
میدهیم و بدون گفتگو سئوال مینمائیم که بموجب این نصوص الهیه چه اقتضا مینماید آیا چه
حکم خواهد نمود خواهد گفت که این نصوص بجهت اطاعت است یا مخالفت بجهت اعانت است
یا اهانت بجهت خصومت است یا رعایت آیا در هیچ کوری نصوص کتاب اقدس بود
و یا فصوص خاتم عهدی بود باوجود این آباء و اجداد حضرت اعلی و جمال قدم و اسم اعظم
روحی لهم الفداء چون شیعه بودند بجهت کلمهٔ من کنت مولاه فهذا علی مولاه از سائرین
متمیز بودند و حال حضرات متزلزلین آباء و اجداد جمال قدم و حضرت اعلی را بجهت اینکه
عمری نبودند شیعه شیعه دانند و در جمیع اوراق شبهاتشان تکفیر حزب شیعه نموده اند
بلی در آثار مبارک ذکر شیعهٔ شنیعه هست ولی مراد شیعیانی بود که اعراض از حضرت
اعلی در یوم ظهورش نمودند و صد هزار نفوس شهید کردند نه شیعیانیکه تابع حضرت امیر
و ائمهٔ اطهار علیهم السلام بودند چه که جمیع اجداد جمال قدم و اسم اعظم و حضرت اعلی
روحی لعباده الفداء شیعه بودند و بری از هر مخالفی پس در اینصورت اصلاب
طاهره چه شد باید گفت این دو شمس حقیقت استغفرالله از اصلاب شنیعه بودند

Provided by the Afnan Library

سبحان الله ملاحظه فرمایید که غرض چه میکند که بکلی انسان کور میشود و تمیز میان صحیح و سقیم وغث و ثمین نمیدهد و این کلمه کفایت کتاب من دون مبین حاصلش از عمر است که گفت حسبنا کتاب الله و بچیز دیگر محتاج یعنی مبین نیستیم و اساس نزاع و جدال و خصومت و تشتیت و تفریق را گذاشت و عداوت و بغضاء بین دوستان و اصحاب حضرت انداخت این کلمه اساس جمیع ظلمها و طغیانها و عصیانها شد که سبب خون ریزیها گشت و چون مطلع بر حقایق وقایع بعد از حضرت رسول گردید شهادت میدهید که اساس اساس دین الله از این کلمه بر هم خورد و جنود نفس و هوی بهجوم آوردند و راسخ در علم معزول و مهمل گشت و هر شخص مجهول و مخمول چون ابوهریره و ابوشعیون معزز و مقبول گردید اللهم وال من والاه و عاد من عاداه اسیر و حقیر و خانه نشین شد و لعن الله الناقة و راکبها و قائدها و سایقها و نشین گشت لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار سرگشته تلال و قفار شد و الشجرة الملعونة فی القرآن بر عرش خلافت و سریر سلطنت استقرار یافت الفاطمة بضعة منی من اذاها فقد اذانی در بیت الحزن گریست تا هلاک شد و علیشه بی باک بحرب آن جان پاک با قومی سفاک و بیباک شتافت و به تبغلت و تجمت و لوعشت تفضیل معزز و مکرم گشت

این کلمه حسبنا کتاب الله تیغ و شمشیر شد و بر سر مبارک حضرت امیر خورد و سیف صارم ابن آکلة الاکباد گشت این کلمه در لیلة الهریر نار سعیر برافروخت و چهار هزار نفر حفظهٔ قرآن اقلهٔ اصحاب حضرت امیر را مزلة و زلة و خذلة خوارج کرد این کلمه تشتیت شمل احبا نمود و تفریق جمع اهل ولا کرد این کلمه حب احبای جمال محمدی را السیف و سنان وحیف و عدوان تبدیل نمود این کلمه خنجر کین شد و در ارض طف صحن جمال مبین را قطع کرد و خاک را بخون مطهرش رنگین نمود این کلمه در صحرای کربلاء آن مصیبت کبری و آن فضیحهٔ عظمی را برپا نمود این کلمه جمیع ائمهٔ اطهار را اسیر و مسجون و مظلوم و محکوم هر غدار کرد این کلمه سبب شد که در بین امت مرحومه جدال و نزاع و قتال و حرب و ضرب انداخت و خون کرورها از مسلمانان ریخت این کلمه کور فرقان را زیر و زبر نمود و بوستان الهی و خبت محمدیرا خبکل سباع و وذ آب تیز خیک کرد این کلمه هزار و دویست سال بخونریزی غبراء را گلگون و حمراء نمود این کلمه صد هزار گلوله گشت و بر سینهٔ مبارک حضرت اعلی خورد این کلمه زنجیر شد و در گردن منصه ش جمال قدم افتاد این کلمه غربت عراق و کربت بلغار و مصیبت سجون اعظم شد زیرا خلیفه ثانی چون خواست که بین کتاب حضرت امیر را مشهور

و در زاویهٔ نسیان محصور نماید و راسخ در علم را متبذل و فاسق بر جهل را معزز و محترم کند
و منصوص من کنت مولاه فهذا علی مولاه را محتقر نماید در مقابل نص یعنی کتاب الله
و حسبنا القرآن گفت و استدلال بلا رطب ولا یابس الا فی کتاب مبین نمود و تمسک
بالیوم اکملت لکم دینکم جست و تشبث باولم یکفهم انا انزلنا الیک الکتاب
کرد و مبین کتاب را سخ در علم حضرت امیر را خانه نشین نمود و بر راوی ضعیف
را شیر گیر کرد یکی لو کان نبی من بعدی لکان عمر روایت کرد دیگری حدیث
عشرهٔ مبشره قرائت نمود دیگری عثمان ذو النورین و عثمان رفیقی فی الجنة
تلاوت کرد دیگری لو اتخذت غیر الله خلیلاً لاتخذت ابابکر خلیلاً از قول حضرت
حکایت نمود خلاصه مجتهد زیاد شد و فتاوی بیشمار گشت غبار کذب و اباطیل
بلند شد و نور آفتاب صدق مکدر گشت اختلاف شدید شد و ائتلاف ناپدید گشت
آراء مختلفه بمیان آمد و اختلاف کلمه عیان شد شریعت الله متروک شد
و مبین کتاب الله مخذول گشت ابن عفان مقتول شد ابن آکلة الاکباد منصوب
گشت حرب جمل برخواست مکرر دغل بمیان آمد حمیرا در بارقهٔ شهباء سوار شد
و جولان در میدان عصیان نمود و خونخواهی ابن عفان کرد معاویه سر از زاویه
بیرون

بیرون کرد و در ماتم عثمان از دیده خون ببارید بر سر منبر رفت و اصبع مقطوع دختر پیغمبر بنمود
پیرهن پر خون عثمان نشر کرد و با چشمی گریان آغاز فریاد و فغان نمود که این
قمیص پر خون ذوالنورین است و این اصبع مقطوع نورعین و اویلا و اویلا و اوینا
و شر لقیا. جمیع حاضرین گریستند و در مقاومت بحضرت امیر ایستند
غبار تیره لیلة الهریر بفلک اثیر رسید و هزاران از نخبهٔ اصحاب رسول
در خاک و خون مقتول افتاد و علی هذا المنوال سائر الاحوال و اگر فلیفهٔ ثانی
اطاعت بر اسنخ در علم و متین کتاب حضرت امیر نمود و حسبنا کتاب الله
بر زبان نیراند ابداً این فتن و وقف در رخ ننمود و این فتک و هتک
بمیان نیامد و سی هزار مجتهد در مقابل راسنخ در علم بمبارزه و محاجه برنخواست
چه که هریک از اصحاب رسول خویشرا مجتهد مستقل شمرده از آیات و اخبار
استنباط احکام و عبادات و اعتقادات مینمود در این میان کسیکه مهول و مضروب
بود حضرت امیر بود و همچنین ملا محمد ممقانی و سائر مجتهدین حسبنا کتاب الله
میدانستند و از متین کتاب حضرت اعلی روحی له الفدا خویشرا مستغنی میشمردند
لهذا با یه مبارکه و لکنه رسول الله و خاتم النبیین تشبث و تمسک جسته فتوی

بر قتل حضرت اعلی دادند و اگرچنانچه از برای کتاب مبینی واجب میدانستند اعتماد
بر فهم خویش نمیکردند در حکم قتل تردد مینمودند پس معلوم و واضح گشت که جمیع این
فساد و فتن و بلایا و محن از عدم اطاعت بمبین مبین و عبرت بسنا کتاب الله
منبعث گشت باری اگرچنانچه کتاب کفایت میکرد بمبین منصوص چه لزوم
و آیهٔ کتاب اقدس چه لازم کتاب عهد بجهت چه این آیات که در نزد کل احبا
موجود میخواندند و بموجبش عمل مینمودند نهایت هریک از احبا مجتهدی میشد
و استنباطی میکرد و حکمی مجری میداشت و نهایتش این بود که هستنباط مختلف
میگشت کار بمجادله میرسید مجادله بمنازعه منجر میشد و منازعه بمقاتله میانجامید
و عاقبت صد هزار خون ریخته میشد و چیز دیگر نمیشد حال با وجود عهد و میثاق
نیز آفاق بسنا کتاب الله میگویند وای اگر آیات کتاب اقدس
و کتاب عهد در میان نبود آنوقت والله گوشت و پوست این عبد را
با درفش فوراً پاره پاره مینمودند و از غرائب وقوعات اینکه یکی از احباب
گفته بود که اینرساله چگونه اوراق مشتبهات است با وجود اینکه صد آیه در آن
مندرج چگونه آیات بینات شبهات میشود در جواب نفرمایند تیر شهاب ردا

علی الباب

علی الباب تألیف شخص کرمانی نیز محتوی بر صد آیات بینات قرآن و این
صورت نیز شهاب را کتاب صواب باید خواند گذشته از این رسالهٔ یکی
از یحیائی که در رد جمال مبین و نبأ عظیم مرقوم نموده جمیع اعتراضات و احتجاجات
خویش را مستند بر آیات بیان نموده و بزعم خود نصوص بیانرا رد قاطع بر جمال
مبارک شمرده و آیات حضرت اعلی روحی له الفداء را درج کرده در اینصورت
باید گفت آن رسالهٔ مهملهٔ آن شخص کتاب مبین است یا الهام ملکیین
و از اغرب غرائب آنکه اعتراضات اهل زلزال بر این عبد مطابق احتجاجات
اهل ضلال بر جمال ذو الجلال است طابقوا النعل بالنعل ولی از برای این عبد مفتریاتی
جعل کردند و بر آن رد نوشته اند وولوله در آفاق انداخته اند و آتشی
برافروختند و خرمن بیگانه و خویش بسوختند و اذا قیل لهم لا تفسدوا فی
الارض قالوا انما نحن مصلحون الا انهم هم المفسدون ولکن لا یشعرون
ملاحظه نمائید ادعائی از برای این عبد خلق نمودند پس مرا حجه بآیهٔ من
یدعی قبل الالف نمودند و حال آنکه جمال قدم و اسم اعظم روحی لتربته الفداء این عبد را
از کودکی رضیع ثدی عبودیت فرمود و در آغوش خضوع و خشوع و ذلت

پرورش داد و بخلعت بندگی درگاه احدیت الیته مشکل محویت را زینت بخشید
تا در قطب امکان علم میثاق بسیم عبودیت کبری مواج گردد و سراج عهد در زجاج
رقیت بحویت عظمی وهاج شود عبودیتی در ابداع ظاهر گردد که در جمیع عوالم تحقق یابد
و شبیه و مثیل و نظیری در این عهد نداشته باشد لهذا این عبد سلطنت عزت
ابدیه را باین عبودیت صمیمه تبدیل ننمایم و سریر اثیر را باین حصیر حقیر مبادله ننمایم و این
حضیض ادنی را باوج اعلی تحویل نجویم راه بندگی پویم و اسرار عبودیت گویم در دامن
کبریا در آویزم و اشک حسرت ریزم و عجز و نیاز آرم که ای کریم وفادار خداوند
بهمتایم قوت و قدرتی بخش و تاب و توانی عطا فرما قوی را نیروی علاء
اعلی بخش و اعضا را تأیید ملکوت ابهی جوار حم را سوانح غیبی ده و ارکان را لوائح
ملکوتی فرما تا بر عبودیت جمال احدیت چنانکه لائق و سزاوار مؤید گردم و بر بندگی
آستان مقدست چنان که باید و شاید موفق شوم ای محیط در بسیط فقر و فنا
راه ده ای مهیمن در خلوتکدهٔ محو و بیآرمکن بخش خاک ره دوستانت کن
و غبار آستانت فرما عبودیت ملکوتی بخش که فوق تواند بشریت در رقیت
ناسوتی ده که انزل مراتب بندگیت تو لی قوی و قدیر توئی مقتدر و بی نظیر

شمعی برافروز که پرتوش روشنی آفاق شود و ناری ایقاد کن که حرارتش شعله
بر سبع طباق زند دلها را مهبط الهام کن و جانها را مشرق انوار ای پروردگار درد
مندان را درمان کن و هوشمندان را محرم ایوان افق علیین را بنور مبین روشن
نما و ساحت دلها را رشک گلزار و گلشن کن هریک از احبا را انجم هدی
نما و هریک از اهل وفا را کوکبی ساطع در افق اعلی نهالهای حدیقهٔ رحمانیت
را طراوت و لطافت بخش و نور سیه گان بارگاه احدیت را صباحت
و ملاحت ده بندگان دیرینت را انوار علیین فرما و آزادگان قدیم را
شهریاران اقلیم نعیم کن دلیشان برافروز و خوليشان را مشک جان فرما
و آفاق را معطر و معنبر نما دستشان ید بیضا نما و لفظشان لؤلؤ للملاء
برهانشان ثعبان مبین کن و دلیلشان سنوحات علیین ظهیرشان
شدید القوی کن و نصیرشان جنود ملکوت ابهی باری مقصد متزلزلین این
که بین وسائل و اراجیف بنیان میثاقرا یکی از بنیاد براندازند و اساس
عهد را از بیخ و بن برکنند ولی از این غافل که فیض شامل نجم آفل نگردد
و غیث باطل شئی باطل نشود انوار ملکوت ظلمات لیل دیجور نشود و آیات

لاهوت منسوخ اهل غرور نگردد عنقریب رایات آیات عهد مواج گردد وانوار
ساطع میثاق کوکب وتاج این سیل عظیم آبیاری هفت اقلیم نماید واین
نور مبین پرتو افشانی برروی زمین بسیط غبرا محیط سما گردد وکشور خاک
سپهر افلاک شود آبجوی ما معین شود وشعلهٔ دلجوی نور مبین باری
ای همدم قدیم این عبد را امید وطید بود که یاران دوران در ترجم بلایا
وتتابع رزایا و هجوم عموم برایا وشدت مصیبت کبری وبلیهٔ عظمی وتسلط
اعدا وتموج بحر قضا هریک زهر هلاهل را درمان گردند وزخم قاتل را مرهم
کامل شوند عدو صائل را سپر حائل گردند وتیر وشمشیر دشمن را مانع ودافع
حال آنان نیز تیغ جفا کشیدند ونصیحت پیروفا نشنیدند ومحو واضمحلال
این عبد بها را پسندیدند عهد ومیثاق را مدار شقاق کردند ووسطهٔ اتلاف
راس اختلاف نمودند نور مبین را لیل بهیم خواندند واشراق علیین را احراق
سجین شمردند حصن حصین را گذاشتند ودخمهٔ کلین را ملجا متین گمان نمودند
نقض تا طرف النهار منتها نمودند وبرهان لامع را مهزأ سخریا گرفتند مبین
منصوص را مقصوص انگاشتند وبنیان مرصوص را هدم الاساس
انگاشتند

انگاشتند یکی رئیس المشرکین نامید و دیگری عدو مبین شمرد یکی بی عصمت گفت
و دیگری بی عفت خواند یکی شکایت کرد و دیگری روایت ازبد و صعود آتش فساد
برافروخت و مرکز حمد نقض عهد آموخت اطفال مهد آئین سروری گذاشتند و بوهم
و گمان مهتری خواستند و برتری جستند و بهر وسیله تخذیش از میان و تشویش
یاران نمودند جمیع اوراق اخبار در اقطار و اشطار خبر صعود نیز آفاق را بنقض
میثاق توأم اعلان نمود از جمله اختر روزنامهٔ ایرانیان در اسلامبول این خبر
مهول را با طبل و دهل اعلان کرد و در اوربا بعضی رساله تألیف نمودند و این
متاع کثیف را در انظار عموم عرضه کردند این ناقضین مدتی در کمین نشستند
عاقبت بعد از سه سال ادعائی از برای این عبد فرض و تخمین نمودند
و با کوس و کرنا عربده در روی زمین انداختند و این عبد را مصداق آیهٔ
مبارکهٔ من یدعی امراً قبل اتمام الف سنة کاملة انه کذاب مفتر نسئل الله
ان یؤیده علی الرجوع ان تاب انه هو التواب وان اصر علی ما قال یعیث الله
علیه من لا یرحمه انه شدید العقاب دانسته اند و این آیه را در کل رسائل خویش
با قلم جلی مرقوم نموده اند ولی دقت نمائید که چه فتوی در حق اینعبد فرید وحید داده اند

Provided by the Afnan Library

در درون رساله ذکر ادعای الوهیت و ربوبیت و شرکت با جمال مبارک مرا نموده اند
و در ظهر رسالها و داخل این آیه را مرقوم نموده اند دیگر تا کی این فتوی مجری گردد و من لا
یرحمه شدید صدید جبل وریدش و حید را مقطوع نماید ولی این عبد در حق نفسی فتوی
ندهم و تکفیر و تفسیق ننمایم و اسناد شرک ندهم نهایت نیت که نصیحت
کنم و برجوع برمیثاق دلالت نمایم فمن شاء فلیعمل ومن شاء فلیترک ان الله
غنی عن العالمین و ما انت علیهم بوکیل گویم دلست علیهم بسیطر خوانم و علیکم
بالقلم دانم و دست تضرع گشایم و زبان ابتهال بازکنم و رب ابدقومی
فانهم لا یعلمون گویم و سینه را هدف صد هزار تیر جفا نمایم و چهره و فا تیره ننمایم
و رخ افتخار امر بهم ابتهال نخم و درد اهل بغضا را درمان سریع العلاج جویم صبر
و تحمل خواهم و نسک و تبتل جویم گریه و زاری کنم و مویه و بیقراری نمایم عجز
و نیاز آرم و فریاد و فغان نمایم که ای پاک یزدان این قوم در ظل سدره
منتهی بودند و در ریاض جنت مأوی آتشی در قلوبشان شعله زد و مغلوب
الهوی و مسلوب التقی عربده انداختند و علم و لوله افراختند و نزاع و جدال
باختند که شاید علم میثاق منکوس گردد و حقیقت رجا مایوس نور مبین
خمول

افول نماید و ظلام لیل بهیم حصول جوید مرکز پیمان فراموش شود و نار متقد الموقده خاموش
گردد زمام عهد در دست اطفال مهد افتد و شمع شب افروز پیمان از ارياح انقضاء
مخمود گردد نیز مثاق غروب کند و خفاش شقاق خیمه به بیرون زند پرتو حقیقت
مفقود و مکنون گردد و ظلمت مجاز سراپرده گردون زند مرکز عهد تبدیل یابد
و محور میثاق تحویل حال اینعبد را در صون حمایت مصون نمودی و میثاقت
را محفوظ و مثبوت بنیان پیمان را برافراختی و دست تطاول ناقضین را کوتاه
ساختی ولی نقض عهد گردن گیر شد و مانند اغلال و زنجیر و انا جعلنا فی اعناقهم
الاغلال فهی الی الاذقان فهم مقمحون تحقق یافت ای پروردگار بقوت و اقتدار
این زنجیر بردار و اعناق را از اغلال رهائی بخش گردنها را آزاد کن و دلهای
قیر گون را روشن و شاد فرما خفتگان را بیدار کن و بیهوشان را بهوشیار
اطفال رضیع را تائید عزیز دلالت فرما و کودکان پنجرد را بدبستان عنایت
هدایت نما مست بادهٔ غرور را رسم خضوع و خشوع آموز و زنجیر شکن کبر
و محن را آداب عبودیت تعلیم نما این بیچارگان نادانند و این کودکان
نوهوسان ولی خردان ندانند و نشناسند و انجام نبینند نام جویند

Provided by the Afnan Library

وراه جفا پوئید توانتباه بخش واشتباه را ازمیان بردار هدایت کن وعنایت
فرما ونطلق سدرهٔ میثاق دلالت نما تا کل درسایهٔ شجرهٔ انیسا راحت جان یابند
وکام دل جویند ومسرت بی پایان رسند ومقامشان بلند گردد وقدرشان
ارجمند عزت قدیمه یابند وموهبت عظیمه ازآغاز سرفراز تر گردند وازپیش
عنایت بیشتر یابند ای پروردگار تائید بخش وتوفیق عنایت کن این ابر
تیره را زائل کن واین غمام حائل را متلاشی وباطل نسیم جان بخش بوزان
ودلهای مرده را زنده کن باران رحمتی ببار واین گیاه افسرده را تروتازه نما
حدائق قلوب راحدیقهٔ ابهی کن وحقائق نفوس را ریاض ملاء اعلی ای قدیر رجای
این عبد بپذیر توئی توانا توئی بیهمتا واز اغرب غرائب آنکه سه سال
قبل نوشته ازمدینة الله عراق نزد جناب آقا محمد مصطفی علیه بهاء الله ارسال میشود
واز ایشان سوال مینمایند که این لوح مبارک است یا دون آن جناب
مذکور آنورقه مزبور را نزد جناب آقا میرزا اسد الله ارسال مینمایند واستفسار
از حقیقت کیفیت میکنند آنورقه چون ملاحظه گردید بعضی از آثار مبارکه را
پراگنده نفسی جمع نموده یعنی چند فقره ازاینجا چند فقره ازآنجا جمع نموده ودرمیان

Provided by the Afnan Library

اینفقرات ع ع مرقوم نموده و آن ورقه بعضی فقرآتش اینست سترالله من سدرة
النار من ورآء قلزم النور علی لقبة الامر قد کان باالروح مشهودا و بعد این مرقوم
فسبحانک اللهم اسئلک بذاتک الغیب فی کمن البقاء و بذکرک العلی الاعلی ع ع
و بجمال القدس فی فردوسک الاعلی باری در جواب باقی میرزا اسدالله تاکید شد
و باقی محمد مصطفی علیه بهاء الله مرقوم گردید که این لوح بعضی فقرآتش از جمالقدم
و بعضی نه این را بعضی از منزلزلین مخصوص ترتیب داده اند و در افواه اجای
الهی انداخته اند تا شیوع یابد و چون شایع گشت خواهند گفت که ایزا ثابتین
ترتیب داده اند و ایزا سبب تخذیش اذهان ضعفا خواهند نمود پس باید
هر کس این نوشته در دستش آمد محو نماید این قضیه در سه سال پیش واقع
و الآن جواب در بغداد موجود و جمیع احبای بغداد مطلع و چون جناب فروغی
در این ارض زیارت آستان مقدس مشرف شد در نزد جمعی ذکر این نوشته
شد بکرات و مرات و تکرار گفته شد و تاکید گشت که این نوشته اصل
ندارد بلکه ترتیب منزلزلین است و باید بکلی محو شود حال این ایام ستر مکتوم
مکشوف شد حضرات آن نوشته را دست آویز کرده و ضعفا را تشویش

مید هند که تحریف شده و حال آنکه تحریف منزلین چون آفتاب مشهود و واضح
و مطبوع و در جمیع آفاق منتشر آیات سورهٔ مبکل بعضی را بکلی از سورهٔ مبکل
برداشته و بعضیرا تغییر داده اند حال ملاحظه فرمایند که لعین مظلوم ساکت
و صامت و اهل فتور چه قدر جسور و اعظم شرور را ثابتین نسبت داده اند و دول
آنکه در اکثر اوراق بخط کاتب تحریف واقع و آنچه خواستند کرده اند و نفس
جلیل این عبد مبتین کتاب مبین است و آثار آنچه در کتب تصدیق اینعبد نه
شایان اعتماد نیست مگر باثر قلم اعلی آن نیز باید نهایت دقت و فحص دقیق شود
که نقطهٔ تزید و تنقیص و تصحیف نگردد قضیهٔ فاقبلوه بتصحیف فاقتلوه
شد از خاطر نرود پادشاه شام نور الدین سلجوقی امر نامه بحلب نگاشت
عبارتش این اذا وصلکم امری هذا فاحصوا کل الیهود فی حلب یعنی جمیع یهود
حلب را بشمارید کاتب بعد از توقیع و تحریر فرمان غفلت نمود مگس نقطهٔ از
فصلات بالای های احصوا گذاشت احصوا شد بورود فرمان جمیع یهود
مظلوم را جمع نموده بلای عظیمی بر آن بیچارگان وارد آوردند چون کیفیت
منتشر و مسموع پادشاه گشت بسیار برآشفت و دشنام گفت و از غضب

برافروخت

برافروخت ولکاتب را مورد عقاب ساخت چون حقیقت مسئله معلوم گشت مشهود شد
که این تصحیف وتحریف را یک ذبابه ضعیف نموده ملاحظه فرمائید تصحیف وتزییف
نقطهٔ چه ظلم عظیم وفساد شدید برپا نمود ازاین قیاس کنید علی الخصوص جمیع
امانات واوراق این عبد را متزلزلین غصب وضبط نمودند حقیقتِ این قضیه
آنکه جمال قدم واسم اعظم روحی وذاتی وکینونتی لعتبة المقدسة الفدا
درایام اخیره وقتیکه درفراشش تشریف داشتند اینعبد بقصر رفت وشب
وروز درساحت اقدس بودم دلها پرخون واشک مانند جیحون وبا این حالت
باکثر خدمات مبارک مشغول بودم روزی فرمودند اوراق من راجمع کن ازاین
فرمایش چنان طپش واضطرابی درقلب حاصل گشت که شرح نتوانم مکرر
امر قطعی فرمودند محض اطاعت باکمال ارتعاش دل ودست مباشرت بجمع
اوراق نمودم ودو جانطهٔ بسیار بزرگ بود که دروقت تشریف بردن بقصر
ومراجعت بعکا جمیع اوراق وما یتعلق بمحبوب آفاق در آن دو جانطه گذاشته
میشد باری اینعبد مشغول بجمع کردن بود که میرزا مجد الدین وارد شد اینعبد
چنان متأثر ومضطرب بود که خواست بزودی از تأثرات جمع اوراق خلاص شود

Provided by the Afnan Library

بی اختیار با و گفتم تو نیز معاونت نما باری جمیع اوراق و امانات و خواتم و تحریرهای
مهرهای مقدس را (آنان) دو جا نقطه گذاشته بسینم فرمودند تعلق بتو دارد بعد زیده کبری
رخ نمود و ارکان عرش متزلزل و ظلمت فراق آفاق را احاطه نمود صبح نورانی
بشام ظلمانی تبدیل گشت شمس حقیقت بظاهر از ابصار افول نمود و بر
آفاق بصائر سطوع فرمود سراج هدی از ملاء اعلی صعود نمود و در
زجاجهٔ ملاء اعلی برافروخت دلها غرق خون شد و جگرها پر سوز و گداز
گشت ناله و حنین ملند شد و گریه و زاری باوج اثیر رسید جمیع ملل از
وضیع و شریف در قصر جمع شدند و کافه متأثر و متحسر مصیبت کبری ولا تسمع
لهم همسا فضلا و علما و ارباب ملل شتی از سنی و شیعه و نصاری قصائد
غرا در ماتم و رزیهٔ کبری انشا نموده در کمال تأثر و تأسف و تحسر علی ملا الاشهاد
قرائت و تلاوت مینمودند و جمیع در ستایش و نیایش و بزرگواری نیر آفاق
بود و اعتراف بر عظمت و جلال و جمال و کمال حضرت کبریا و الفضل ما شهدت
به کل البرایا باری اینعبد در این فرع عظیم و اضطراب شدید با چشمی گریان
و قلبی سوزان و کبدی بریان وارد سفرهٔ مبارک با اغصان شد چون خواستم

جد

جسد معطّر را غسل و آب پاک و مطهّر را بنفحات آن تن چون بلّور معطّر
نمائیم یکی از اهل فتور را بنعبد گفت این دو جالنظه را بد بمید بدهم میرزا بدیع الله
بغرفهٔ خویش برد و محافظه نماید زیرا در اینجا آب موج خواهد زد اینعبد
از شدّت صدمهٔ کبری و قوّت رزیهٔ عظمی مدهوش و محو و فانی گشته
و بهیچوجه گمان چنین ظلم نمیگشت لهذا آن دو جالنظه را بتمامه تسلیم نمودم
باری دیگر مپرس که در آن روز چه حسرت و ماتمی بود و آن بامداد چگونه
شام گشت گر بگویم قلبها پرخون شود ور نویسم اشکها جیحون شود
قسم بجمال قدم که بکلّی از حواس و احساس بیزار و بیگانه گشتم و تالی
صباح گریستم و یوم ثانی و ثالث نیز بر این منوال گذشت لیلهٔ
رابع نصف شب از بستر با خون جگر برخواستم که قدری مشی نمایم مگر فتوری
در حرقت و سوزش جگر حاصل شود ملاحظه کردم که اورقرا باز نموده اند
و جستجو مینمایند چنان حالتی دست داد که وصف نتوانم دوباره رجوع
بفراشش نمودم که مبادا ملتفت شوند که اینعبد این قضیه را مشاهده
نموده در پیش خود گفتم که چون حضرات کتاب عهد جمال قدم را ندیده اند گمان

Provided by the Afnan Library

میکنند که بواسطهٔ اوراق مبارک میتوانند در امر الله اخلالی کنند لهذا بهتر اینست
که اینعبد سکوت نماید و یوم تاسع کتاب عهد تلاوت شود آنوقت اهل فتور نادم
و پشیمان خواهند گشت و این اوراق را اعاده خواهند نمود چون یوم تاسع
تلاوت کتاب عهد گشت و معانی میثاق در مذاق اهل وفاق حلاوت شهد رشید
ظرفی مسرور و مستبشر گشتند و بعضی مغموم و منحسر آثار رشت کبری در
وجود احبا ظاهر گشت و غبار کدورت عظمی در بشرهٔ اهل هوی نمودار گردید
بقسمیکه جمیع حاضرین ملتفت شدند و از همان یوم اساس نقض گذاشته
شد و دریای وهم بموج آمد آتش فساد برافروخت و قلوب مخلصین
بسوخت روز بروز این آتش شعله ور گشت و این غبار مظلم تر شد تا یکی
از حضرات افنان توقیعی جدید داشت و استدعا نمود که فوق توقیعش
بخاتم مبارک مزین گردد ذکر شد که یک خاتم از خاتمهای مبارک بدهید تا این
توقیع را مزین نمایم در جواب گفتند خبری از خاتمهای مبارک ندارم گفته شد
که جمیع خاتمهای مقدس در حافظه و در گنجهٔ مبارک بود و حافظه را من تسلیم شما
نمودم گفت من ندیدم و نمیدانم از این جواب قسم بروح صواب چنان ارتعاشی

از بدن

در بدن حاصل شد که وصف نتوانم حیران و سرگردان ماندم و گریان و نالان شدم که این
چه فتنهٔ عظمی بود و چه ظلمت و بما که ظاهر گشت باری جمیع آثار متقدمه و الواح متفرقه
باین عبد و سائر دوستان جمیعاً از میان بروند حتی احکامیکه تعدیش در زمان این عبد
موجود ملاحظه فرمایند که تعدی بچه درجه رسید و این عبد ساکت و صامت بود که
مبادا این رائحهٔ کریهه کلی نشر در آفاق گردد و این حوادث مخیفه تمامه معروف
و نزد اهل شقاق شود در آتش میسوختم و میساختم میگریستم و میریستم بعد ملاحظه
شد که بلایائی که بر جمال قدم وارد یک پی در پی مستولی بر این عبد میگردد
تا آنچه در علو ربوبیت ظاهر گشته انعکاسات در دنو عبودیت نمایان و عیان
شود صورتی در زیر دارد آنچه در بالاست چون این مصیبت بعینها بر جمال قدم وارد
پس باید صدمهٔ از آن نصیب این عبد گردد تا عبدی اصفی حتی احلک مثلی
تحقق یابد چنانچه در مناجات بیان میفرماید و فی الحقیقه این فقره مناجات از لسان
این عبد است قال و قوله الحق قد اخذتنی الاحزان علی شأن منع القلم الاعلی عن جریان
و لسان الابهی عن الذکر و البیان و قد رأیت یا الهی فی حلک مالا رأت عیون الاولین
و سمعت مالا سمعت اذن العالمین و قد اری یا الهی عبادک الذین نزلت علیهم البیان

وخلقتهم لنفسی احجب من ملل القبل کلها بحیث یفتخرون بخاتمک ویفیرونه علی الالواح
لاثبات ریاستهم بعد الذی انی ارسلته الیهم لعل یستشعرون لانو عزتک
لم یکن خاتمک الانی اصبغی ولا یفارق منی ابداً ولن یقدر احد ان یاخذه منی طوبی لمن
یقرء ما نقش فیه من اسرارک المستوره وآیاتک الاحدیه وثنایاک المستودعه
انتهی بیانه البدیع ملاحظه فرمایید که چگونه اینعبد را از بلایا وارده رجال قدم
نصیب عظیم است آنچه بر آن مطلع انوار وارد بعینه بر این فاکسار وارد قلت
ودموع الملا الاعلی لبلائی وتلهبت زفرات اهل الملکوت الابهی لکربی وابتلائی
واعین اهل سرادق القدس تذرف بالعبرات من حسراتی وابکاء الملا العالین
تنقنت من احزانی وآلامی الهی الهی تری ایجج ناری وضجیج سری واحتراق
کبدی وشعلة قلبی وکثرة احتراقی وفیض دموعی وسیل عیونی وشدة کربی وبلائی
وحرقة فؤادی وابتلائی ارتب الکفوالی فی المراصد وفوقوا الی سهام المقاصد
وسلوا علی سیف العدوان من کل جانب واطلقوا العنان واشرعوا السنان
واغاروا علی هذا العبد الذلیل کل طغیان ارتب لیس لی نصیر ولا ظهیر
ولا مجیر الا انت وبقیت فرداً وحیداً اسیراً ذلیلاً بین اعدائک وحیراناً

فی امرک

فی امری کلما انظری الی الیمین اری تبالاً طائرة و انظر الی الیسار اری نضالاً متتابعة
و التفت الی الامام اجد سیوفاً شاهرة و اتوجه الی الخلف احس دماءً نافذة
و ارفع رأسی اری غیوماً متکاثفة و اطرق الی الارض اری جداول و اشراک
متواصلة و ضعوفاً فی مصائد اولی العدوان حتی یرمونی فی اخدود النیران و یغلبونی
یا سید یوان ای رب و غایة رجائی اتضرع الیک و اتبهل الیک و ابتجی یرتفع
الی ملکوتک الابهی و صریخی تصاعد الی ملکک الاعلی ان تقرب ایام رجوعی
الیک و ورودی علیک و وفودی بین یدیک ای رب ضاقت علی الارض
برحبها و اشتدت علی الازمة بأسرها و احاطنی جنود الشبهات من جمیع الجهات
و اغارت علی جموع المحصاة من کل الاسحار انجدنی بقبیل من الملائکة المقربین
من ملکوتک الابهی و انصرنی بنزول جیوش قدوسیین من ملکک الاعلی کما
وعدتنی حین اذ کت طور وجودی من تجلیک علی سیناء المظلوم مشهد التلقاء
و انی مطمئن القلب متیقن الفؤاد انک تنجز وعدک الحق و قولک الصدق
یا محبوب من فی الارض و السماء نا فطق اللهم نفوساً زکیة و قلوباً صافیة
و وجوهاً نوراء و وجباهاً بیضاء و صدوراً منشرحة بآیات قدسک یا ربی الابهی

واسنا ناطقة بذکرک یا ذالاسماء الحسنی وکینونات لطیفة صافیة مستبشرة بعرفک
یارب السموات العلی لیقوموا علی نشر الآیات واعلاء الکلمة واشهار البینات
متمسکین بالمیثاق ومتشبثین بعهدک یارب الآیات ویفتحوا اقفال القلوب
ومعاقل النفوس ویسخروا الارواح فاتحین حصون ملکوتک الاعلی یارب الاهی
اینعبد در ساحت اقدس جمال قدم از شدت خجلت وشرمساری سر برندارد
واز کثرت قصور در حسرت فتور نیارد چه که با دستی تهی وکارنامه عظیم وذنوب
وعصیان وسیئات قائم در آستانم وجز عفو وغفران ملجاء وپناه ندارم
ای یزدان مهربان سراپا گنهیم وخاک رهیم ومتضرع در هر صبحگهیم ای
پروردگار خطاپوش وعطابخش وفا بفرما صفا غایت کن تا نور هدایت
تابد ویرتو موهبت بیفزاید شمع غفران برافروزد پردهٔ عصیان بسوزد صبح
امید دمد ظلمت نومیدی زائل گردد نسیم الطاف بوزد شمیم جنان مرده را
مشامها معطر گردد رویها منور شود تو ئی بخشنده ومهربان ودرخشنده وتابان
انتهی ولی حمد نمایم حضرت احدیت را که اهل فتور پس از پنج سال غور وشور وشوق
قصوری که براین عبد وارد آوردند این بود که بکتابچه واشاره وعباره دلتوح

و حال تو ضیح تفصیم کل نمایند که اینعبد مدعی مقامی و شانی و ظهور جدیدی و طلوع بدیعی
بستم یعنی خود را مطلع وحی میدانم و مظهر الهام میدانم و نعوذ بالله وحی
مختص بحضرت اعلی و جمال مبارک است و تا هزار سال وحی منقطع و بعثت
مظاهر ممتنع است پس سبب این ادعا وحی کفر ثابت و حکم یبعث الله
علیه من لا یرحمه لاحق چه که این متهم آیه من بدعی امرا قبل اتمام الف سنته
کاذبه است باری چنین افترا صریحی زدند و تهمت شدیدی روا داشتند
و فتوای عظیمی دادند فنعم ما قال طوعا لقاضی اقی فی حکمه عجبا افتی بنفاد
دمی فی الحل والحرم چون قلم در دست نداری فتاد لاجرم آن یار برد از
فتاد باری در سنهٔ صعود بعراق مکتوبی ارسال گشت که مضمونش باین معانی
مشحون اعلم ان العبودیة فی عتبة السامیه هی تاجی الوهاج و الکلیلی الجلیل
وبها افتخر بین الملاء العالین و همچنین صفحهٔ مرقوم گشت که از عنوان آخام
عبد البهاء بود و مضمونش از این عبارات دالله بر فقر و فنا اعلم ان اسمی
عبد البهاء و لقبی عبد البهاء و کنیونتی عبد البهاء و ذاتیتی عبد البهاء و مسجدی
الاقصی عبد البهاء و سدرتی المنتهی عبد البهاء و جنتی المأوی عبد البهاء

و امثال ذالک الی الانتهاء و این دو نوشته در عراق الآن بخط این عبد موجود
و همچنین مکتوبی که سه چهار سنه قبل بجناب آقا محمد علی المشهور بروال الغیب
مرقوم گردید صورتش اینست هوالاهی ای طالب صادق و حبیب موافق
آنچه مرقوم نموده بودی ملاحظه گشت و نبذهای وقت تلاوت گردید الیوم
تکلیف کل اینست که آنچه از قلم اعلی نازل آنرا اتباع نمایند و آنچه بیان
صریح و واضح این عبد است اعتقاد کنند ابداً تأویل و تفسیر ننمایند
و تلویح ندانند قسم بمربی غیب و شهود هر نفسی تصوری نماید و یا تخطری
کند سبب احتجاب او گردد و علت ارتیاب شود اینست اعتقاد صحیح
حقیقی صریحی بدیهی اهل ملکوت اهی و سکان جبروت اعلی که ظهورات کلیه
که نقاط اولیه و شموس حقیقیه و مبادی فیوضات رحمانیه هستند
منتهی بمظهور اعظم و جمال قدم روحی لاقدامه الفداء شد تا قبل
از موعد مذکور در کتاب الله یعنی الف سنه جمیع نفوس مقدسه
که موجود شوند اولاً در صلب و ارحام و بعد در تراب آستان جمال مبارک کل
در نزد آن آفتاب حقیقی بمنزلهٔ مزاج مستضیئه و نجوم مستنیره هستند

که شعاعی از اشعهٔ آن شمس حقیقت مستفیض گشتند کل عباد له وکل بامره یعملون
سبحان الله چه نسبت است بین تراب ورب الارباب وچه مشابهت است
بین ذرهٔ آفتاب جهانتاب واما اینعبد مقامش عبد عبد البهاست وذرهٔ
از خاک آستان جمال ابهی در ساحت احدیش محو و نابودم ودر آستان
بندگانش تراب بی وجود استغفرالله عن دون ذلک یا احبآء الله
ولی اینمطلب را بکمال محبت ورأفت تفهیم کل نمائید نه بعنف وزجر که سبب
اختلاف شود عبدالبهآء ع ملاحظه بفرمائید که اینعبد درچه مقام قائم
ودرچه فکر واندیشه و مستغرق بحور متلاطم باقوت تائید ملکوت ابهی چون
اضعف ناس فانی و محو ونابود وباظهور قوت نصرت جمال ابهی چون احقر
عباد در صقع وجود مشهود باد جود این اهل فتور چه قدر منفری وحسور
که انتشار رسید هند اینعبد نعوذ بالله مقامی فوق مقام جمال ابهی
ادعا نموده واین قضیه بر اهل فتور گران آمده آلهی انت تعلم وتشاهد
وتشهد بان طنیة عبدک مخمرة بمآء العبودیة لعتبتک العالیه وجبلة
رقیقک مربیة بروح الفنآء والمحویة فی حضرتک القدسیه وحقیقة عبدک

کالطفل الرضیع قد رضع من ثدی العبودیّة ونما فی حضن التعبد لطلعتک
المنیره ونشأ فی حجر التخشع لسلطنتک القدیمه مع ذلک کیف تسلوا سیوف
السنتهم المؤتفکه علی عبدک ورشقوا سهام الطعن المسمومه علی ابن امتک
ایرتب افق بصیرتهم وطیب سریرتهم ونظف ضمائرهم ولطف بواطنهم وظواهرهم
وابد بهم الی المنهج القویم وصراطک المستقیم انک انت الکریم الرحیم
باری ملاحظه فرمائید که این قضیه بعینها برجال قدم در عراق وارد که صد هزار
تیر طعن بر سینهٔ مبارک زدند ومفتریانی چند اعلان نمودند که نامبرا از مقام
معین محروم نمایند وازنور مبین محجوب کنند چنانکه در مناجات قلم بیان
میفرماید بل قضیت علی مالا قضی علی احد من قبلی واجریت مالا یجری علی
نفس من بعدی ولکن لن یعرفه احد دونک ولن تحصیه نفس سواک
لانک کما لا تعرف بالابصار وکذلک فعلک لا یدرک بالافکار وانک
انت العزیز الجبار ونزل کل ذلک حین الذی اسمعتنی اختلاف عبادک
فی ثنائی بعد الذی ما قدرت لی من شأن دون العبودیّة لنفسک
والخضوع لدی باب رحمتک والخشوع عند ظهورات انوار وجهتک

انک

لانک لم تزل کنت سلطاناً علی ولا تزال کنت عابداً لوجهک وکنت مالکاً
لنفسی وکنت مملوکاً لنفسک وذلیلاً عند جنابک وحقیراً لسلطنتک
ومعدوماً لدی ظهور قدرتک ومفقوداً عند تجلّی انوار عزّ ازلیتک
رغماً للذین یریدون ان یفسدون فی ارضک ویعیثون فی بلادک
ویکدّثون فی الملک مالا قدرت لانفسهم ومراتبهم فسبحانک عن کلّ
ذلک وعن کلّ ما وصفتک به لانک جلّت عن ان تدرک حتّی تذکر بالوصف
ولا تعرف لکی تدرک بالنعت بل انّ عبدک هذا یکون عابداً لمن یعبدک
وساجداً لمن یسجدک وخادماً لنفسک وخاضعاً لسلطنتک ومعیناً لمن
یطلبک وناصراً لمن ینصرک فی سمائک ویریدنصرک فی بلادک فوعزّتک
لم اجد لنفسی عزّاً اکبر من ذلک ولا رتبة اعظم من هذا ومن کان فی
قلبه وله من شوقک وشغف فی حبّک یعرف حبّ الذی شرّفتنی به
من جواهر رحمتک ومجرّد مکرمتک ویستنشق من هذه الورقة الوریّة
ارياح حديقة البقاء واطياب مدينة الوفاء ويشهد کیف یحرق ویذوب
هذا الشمع فی مصباح قلبه فیجاوره علیه ونزل فی امر مولاه انتهی باری

اینعبد با این عبودیت عظمی در کمال محویت و فنا در آستان اقدس قائم
و چون ذرّه مفقود و معدوم و نابود در مقام بندگی ثابت و راسخ و دائم هیچ
اسمی نخواستم و خویشرا بهیچ لقبی نیاراستم و ادّعای وحی ننمودم حتّی خویشرا
طفل نخواندم نه مستضیئ دانستم و نه مستنیر نه مستشرق نه مستبرق در جمیع
احیان خودرا عبّاس نامیدم و در بین ناس خودرا باین اسم شهیر نمودم
بلکه منتهای آرزوی اینعبد انعدام صرف و فنا و بحت است که بمیانم و گمنام
شوم و بی اثر و نشان گردم تا بحقیقت عبودیّت که عدم بحت و فنای
صرف است متحقّق شوم ولی بانصاف ملاحظه نمائید که نفوسیکه اقتدا
باین عبد روا داشتند چه ادّعاها نموده اند و چه عربده ها کرده اند و چگونه
دعوای ظهور جدید نموده اند و چه قسم ادّعای نزول آیات و وحی کرده اند
بقسمی تعجیل نمودند که فرصت صعود بجمال مبارک روحی لمرقده المطهر فدا
نداد ند در وقتیکه آن شمس حقیقت در افق مبین طالع و لائح و سلطان
ملکوت توحید بر سریر تفرید در حیز شهود جالس پرتو آفتاب اوج عزّت
شرق و غرب را منوّر نموده و نیّر اعظم بافق اشراق ابصار را خیره فرموده

در چنین

وقتی رجب
درچنین روز فیروزی اظهار وجود نموده اند و علم ادعا برافراخته ند و دعوی
وحی نموده و چنان غربدهٔ معهود در قزوین انداخته ند و توقیعات نوشته ند
و عبارات خود را آیات الهیه خوانده و خویش را سلطان روح نامیده ند
و چون از این تقوّلات و حرکات آشوب و فتنه در قزوین برخواست
توفیع ساطع چون سیف قاطع صادر گشت قوله جل ذکره اگر آنی
از ظلّ امر منحرف شود معدوم صرف خواهد بود انتهی و این سواد کلمات است
که بخطّ و مهر مدّعی عیناً موجود هو العزیز
ان یا علی اسمع ندائی ولاتکن من الغافلین قد انزلنا الیک کتابا بلسان
عربی مبین و ما ارسلناه لحکمة لن ینالها الا الذین انقطعوا عن کلّ من فی
السموات والارضین فسوف نرسله عندک اذا شآء الله وارادوانه
من الله الا هو یحکم ما یشآء وانه لعلیم حکیم مهر محمّد علی هو البدیع فی
افق عزّ منیع ح خ ب د
تبارک الذی ارتفع السموات بغیر عمد واستوی علی العرش وانه بکلّ شیئ
شهیدا وانه لا اله الا هو وانه بکلّ علم علیما قل یا عبد اتبع ما نیطق لک

الروح بلسان صدق عظیما ثم ابلغ الناس بهذه الآیات لیذکروا فی انفسهم
ولن یتبعوا خطوات کل کافر اثیما قل یا قوم آمنوا بالله الذی خلقکم ورزقکم
ولا تعترضوا به علی قدر نقیرا وقطمیرا قل یا ملا لم تکفرون بالله بارئکم وتعرضون
بهذه الآیات لآن هذا قد نزل من عند الله المقتدر العلیم الحکیما ثم قل یا قوم
تالله قد ظهر غضنفر الله فی الارض وفر منه کل حمیر ذی رجلین ولا قلوبهم
من خیفة الله المقتدر القدیرا وما امن احد منهم ایاکم ان لا تکونوا بمثلهم
مشرکا مرتدا کفورا الی ان قال ثم اشرب ما یستقیک ساقی الروح
من هذا الکوب الذی کان من ذهب الایقان مصنوعا ثم ارزق من
ثمرات هذه الشجرة التی غرست فی هذا السینا ربیدر بک العلیم الحکیم
الرحیما ثم قل یا قوم اسمعوا ندآء هذا الذی ظهر بین السموات والارض
ویقول بان یا قوم آمنوا بالله الذی خلقکم بامره وکونوا بقوله سمآءا سامعا
سمیعا وبجماله بصارا باصرا بصیرا وبجلاله نظارا ناظرا نضیرا الی ان
قال وانه توآبا کریما علاما رحیما من النیل قبل علی مهر محمد علی سبوته الارفع
الابهی الاعلی ذکر الله عبده علیا لیستقیم علی امر مولاه ویکون بربه صدیقا الی
ان قال

ان قال ان یا عبد اسمع ندائی ثم انقطع عن نفسک وهواک ووجه شطر مولاک
وان هذا القول الصدق ان انت له سمیعا والروح علیک وعلی من استشرق
من هذه النور الذی ظهر عن هذه الشمس التی کانت فی قطب الزوال مضیئا
عبد الله العلی محمد علی ما نزل علی فؤاد محمد قبل علی ان یا غلام الروح اسمع
ندآء ربک الکریم عن هذا المنظر العظیم الی ان قال ثم ابلغ الکائنات الی
مولاک فمن صدق بقولک وآمن بایات الله لشجره ملقآء ربک الرحمن
الرحیم ومن کفر فانذره بالنار وان ربک لسریع عذاب عظیم وما عنقی
الظالمین الا الجحیم والله مخبر علیم قل یا عبد اسمع ما یلهمک قلم الامر فی آخر
اللوح ان استقم علی امره ان یمطر علی رأسک السیف لا تتبع خطوات
الشیطان واتبع ملة الرحمن وانه لا اله الا هو وانه لسلطان حق مبینا
ثم اشکر ربک بانه ینصرک بنصره وانه ینصر من یشآء وانه لعلی کل شیء
شهیدا وانه لناصر کل عبد فقیر والروح والتکبیر والبهآء علیک وعلی کل
مؤمن منیا ما نزل علی فؤاد محمد قبل علی هو النبی الابهی فی الافق الاعلی

ع م ص

سبحان الذی خلق کل شیئ بمقدار بهم وانه لعلی کل شیئ قدیرا وانه لا اله الا هو
وانه لعلی کل خلق علیما ان یا قوم آمنوا بالله و صدقوا بایاته بانه لا اله الا الذی
فطر السموات بغیر عمد واستوی علیه عرش العلی عظیما قل یا قوم اسمعوا ندائی
وکونوا علی صراط الله قائماً مستقیما یا ملأ آمنوا بالله الذی خلقکم ورزقکم
وصورکم وانه بکل شیئ شهیدا له الخلق والامر من قبل ومن بعد وانه لسلطاناً
مقتدرا عزیزا عظیماً کبیرا ان یا ملأ البیان اسمعوا ندائی ولا تکونوا
کالملأ الفرقان کافراً مرتداً آثیما ثم اشهدوا بانه لا اله الا هو وانه لسلطان
حق مبینا یا قوم اسمعوا ندائی ولا تکفروا بایاته وبیناته بانه قد خلقکم
من قبل من قطرة ماء وطینا آمنوا بالله یا ملاء المشرکین ولا تکذبوا
بهذه الآیات لان هذا قد نزل من عند الله المقتدر العلیم القدیرا وانه لا صرف
الطوفان عن فلک النوح وانه لا صرف ریح العاصف عن الهود والذین
معه واورد المشرکین فی الجحیم وانه جعل نار الخلیل رضوانا وانه لا غلب
علی النمرود بعوضة من السماء قتله وانه لجعل البحر للنبی اسرائیل سبیلا
وغرق الفرعون وملائکتهم اجمعینا وانه لارسل علی الخلق من عنده الانبیا

فی

حتی یدعوا الخلق الیه وانه لقادر علیما یا قوم هذه آیات الله لا تکفروا به ولا
تعرضوا بالله نازله هنیئا لمن صدق به ویشهد بانه لا اله الا هو وانه لعلی کل شیئ
قدیرا ان یا معشر البشر تالله قد اشرق شمس الله الاکبر وانتم اعرضتم
عنه وکنتم من اصحاب الکفر وانه لا اله الا هو وانه لسلطانا مقتدر وکل
خلقتم بقولی وانه لعلی قاهر مقتدر لا اله الا هو وانه لسر الله المستر
قد ورد فی الجحیم کل من اعرض به ثم ادبر ان یا ملا المشرکین لم تفرقون
من هذا المشرق الا نور تالله لم یکن لاحد مفرا لا اله الا هو سبحانه وتعالی
عما یصفون هولاء الکفر فسبحانک اللهم یا الهی انت الذی خلقتنی ورزقتنی
وانک لقادر مقتدر یا من لا اله الا انت فاظهر لنا سر المستر وانک
لسلطان ملک الوهاب لن تنهر قل یا قوم تالله قد ظهر ظهور الله الاکبر عن
مشرق القدس کشمس لائح انور وکشف النقاب عن وجهه الاطهر وانه من
کل الشموس والاقمار والنجوم انور اکبر بل انه لسلطان السموات
والارض وانه لنور الله الانور بل الشمس عنده من کل صغیر اصغر قل
یا ملا الهیبان الیوم قد غفر الله ذنوبکم الله الذی کان بکل شیئ علیما

Provided by the Afnan Library

ایاکم ان لا تفتروا علی کما افتروا المشرکین من قبل ولا تقولوا فی حقی بانک درست
کما قالوا الکفار اذ جاء علی بالحق بایات الله وبینات فخافوا عن الله ولا تفتروا
علی وانی کنت بهذا اللوح حین الذی کنت صغیرا یا قوم انتم کبر آمنی الارض
ایاکم ان لا تختلفوا فی الدین وکونوا علی صراط الله قائما مستقیما
ومکتوب دیگر چون مفصل بود این مختصری از آن است که نوشته میشود
قل یا قوم انی تسمند ناری امشی فی النار واکل من النار واسیر فی النار وان
مقصودی من النار هو حب الله المهیمن القیوم ومن اکل النار هو اکل معارف
ربی والمشی فی النار هو المشی فی سبیل حبه والسیر فی النار هو السیر فی درجات
شوقی وجذبی الی محبوبی الباقی المحبوب اذا لا تقتلونی بایدی سیاف شرکم اتقوا الله
ولا تنکرونی ولا آیاتی التی اوحیت الی من عند ربی وانزله علی لسانی ونطقت
بها فی ایام صغری اذا فارحموا علی ولا تقطعوا رأسی بسیوف النفس والهوی
وهذا ما نصحتکم به بما امرت من لدی الله المقتدر القیوم ان انتم تسمعون
حال ای اهل انصاف قدری انصاف دهید نفسی که نوشته است واضحی مشهود
قل یا قوم قد ظهر الله الاکبر عن مشرق القدس کشمس لائح انور وکشف

الثقاب

النقاب عن وجهه الاطهر وانه من کل الشموس والاقمار والنجوم انور واکبر وهمچنین بل الشمس
عنده من کل صغیر اصغر وبهمچنین کل خلقتم بقولی وبهمچنین ولا تنکرونی وآیاتی التی اوحیت
الی من عند ربی وانزله علی لسانی این نفس اعتراض بر نفسی که خویشرا عبد عبد بهاء
خواند مینماید که تو دعوای الوهیت نمودی وخودرا صاحب آیات ووحی
دانستی وشریک جمال قدم روحی له الفدا شمردی ای منصفین انصاف دهید
ای بی بصران قدری تبصر در امور نمائید کسیکه طینتش وفطرتش بمبارحیت
عبودیت جمال قدم مختمر مفهوم بارعاست ونفسیکه واضحاً مشهوداً در
ایام مبارک ادعا نموده ودر حقش نازل شد که اگر آنی از ظل امر منحرف شود
معدوم صرف خواهد بود آنشخص حال مثبت توحید شده وقولش میزان گشته
ومرکز میثاق که کل مامورند حتی آنشخص باطاعتش قران ومقصد ومبغوض
فاعتبروا یا اولی الابصار برهان ازاین واضحتر ودلیل ازاین لائحتر لا والله
ولکن لا تغنی الآیات والنذر ولو تاتیهم بکل آیة لن یؤمنوا بها ملاحظه نمائید
که امر چگونه برداشته است واقترا بچه درجه است قسم بآن روی
وخوی مبارک جمال ابهی روحی لعباده الفدا که جمیع متمسکین بحبل یقین حکماً بحق الیقین

میدانند که اینعبد در عالم روح و قلب و فؤاد و کینونت هیچ آرزوئی جز
عبودیت جمال ابهی نداشته و ندارد یعرفون نعمة الله ثم ینکرونها ولی
متزلزلین هریک در هوائی پرواز مینماید و هریک را هوس اوج
وسمائی ای رب تعلم وتشهد ان هذا المتذلل المنکسر بوجهه علی التراب
ویناجیک فی خفیات سره ویقول الهی الهی حققنی بعبودیتک غلبتک لطیبة
الطاهره وثبت رجلی بحضرتک المقدسة العاطره واجعلنی فانیاً فی ساحة
احبتک الرحیبة وقانتاً فی رحبة ازقائک الفسیحه ای رب قدرلی
الفناء البحت والاضمحلال الصرف فی امرک حتی یندک طور وجودی
عند تجلی بباب احدیتک من سطوات آیات فردانیتک ویضمحل حقیقة
ذاتی عند مناجاتی لنفحات حضرت ربوبیتک ایرب لیس لی نار اشد من لقائک
عند ظهور آیات توحیدک ولیس لی جحیم اعظم من وجودی عند تلئلؤ
انوار تفریدک ایرب خلصنی من بنده الورطة الموحشة ونجنی من هذه اللجة
المدهشة انک انت الکریم انک انت الرحیم یاذا الفضل العظیم
باری ملاحظه فرمایند که این عبد در چه عالمی و متزلزلین در چه وادی شتات

باین

بین مشرق و مغرب هرگز انوار چنین عبودیتی مستور نماند و شمع چنین محبتی
خاموش نگردد امواج چنین بحری ساکن نشود و هبوب چنین نسیمی مقطوع
نشود فباطل باهم یعملون ملاحظه فرمائید که متزلزلین هریک از دوستان
ارض مقدسه را میکوشند که بانواع وسائل متزلزلین نمایند و باطراف
مینویسند که اینعبد برخرف دنیا نفوس را بمیثاق الهی دلالت مینماید شما الحق قسم
میدهم در آن سفر که بساحت اقدس مشرف شدید در نزد اینعبد آثار زخرف
مشاهده نمودید و اینعبد را باین هوسها مبتلا دیدید و یا متزلزلین را این دائم
روشش متزلزلین بود والان نیز واضح و مشهود جمیع داخل و خارج میدانند
خلاصه شخص کرمی نوشته بیکی از احباب که مبلغ سیصد تومان بطلان
یعنی شما داده شده است که ثابت برمیثاق شوید والان فقط آن شخص حاضر و موجود
و کلمه از این عبد نموده این کیفیت اگر چنانچه بر کل مشتبه باشد بر شما که مشتبه
نمیشود که کذب است ملاحظه نمائید که بچه افتراها میخواهند که بنیان میثاق را برازند
هیهات هیهات بنیان میثاق از زبر حدید است و اساس پیمان تأسیس خداوند
مجید اگر جمیع من علی الارض جمع شوند و بقوای وجود قیام نمایند در این اساس

متین رخنه نتوانند قدری ملاحظه نمائید که ملوک بنی امیه بچه دسائس و وساسی
برخواستند و چه روات کذبه از بعضی از اصحاب حضرت ترتیب دادند و چه دلوله
در عالم انداختند و چه فتنها برپا نمودند بقسمیکه نائره فساد و عناد بعنان
آسمان رسید و بقوت حکومت نفاق را در آفاق منتشر نمودند و جمیع خلق را
بر بغض من کنت مولاه فهذا علی مولاه دلالت نمودند تا آنکه آن مضمون مرا مشهور
نمایند حضرت امیر طعمهٔ شمشیر شد و حضرت سید الشهداء هدف صد هزار
تیر بغضاء گشت آل و حریمش دستگیر و اسیر شدند و بنقاد سال در کل
منابر اسلام سب و لعن آنجمال منیر نمودند با وجود این عاقبت چه شد حضرت
امیر چون بدر منیر تابان شد و سر شهادت حضرت سید الشهداء آفاق را خبر
بارکرد چشمها در مصیبتش گریان شد و دلها سوزان گشت خاندان اموی
برافتاد و دودمان سفیانی محو و نابود شد حتی انبای نفس اعداء منکوبش
آباء و اجداد برخواستند نور تقدیس تابید و ظلمت تلبیس محو و نابود شد
و جاء الحق و زهق الباطل تحقق یافت منکری باقی نماند و معرضی مستقر
نیافت باوجود آنکه نه عهد و میثاقی بود و نه پیمان و ایمانی نکث حضرت فرموده بودند

کبری

که هرکس مراد و دست دارد باید علی را دوست بدارد حال دراین کور عظیم
ایمان و پیمان الهیست وعهد و میثاق حضرت ربانی جام الست است
که بید جمال ابهی در بزم الهی بدور آمد و نوشانوش درگرفت هرکس سرمست
آن صهبا شد بآهنگ ملکوت ابهی لبیک اللهم یا ربی الابهی گفت و هرکس
محروم شد هر روز بهانه جست و هر دم بدامی دانه افکند نه نصیحت تأثیر
داشت و نه ملاطفت تغییر داد عاقبت در غمرات نقض مستغرق
شد و در بادیهٔ رفض سرگردان گشت ای احبای الهی ملاحظه فرمائید
که نص عهد الهی متروک و مهجور و قول عمرو عمرو بن عاص یکفینا کتاب الله
مقبول فاعتبروا یا اولی الابصار و همچنین عند الاختلاف مرجع منصوص
مخصوص در کتاب عهد مرکز میثاق است و مبین آیات نیر آفاق و حال
مرجع و مبین سائر جهات و حال آنکه نص صریح کل مأمور بتوجه علی
الخصوص اغصان و افنان و آل حال بعوض توجه رد بر مرکز میثاق مرقوم
میشود و نشر در آفاق میگردد فانتهوا یا اصحاب القلوب آیا بگمان میرفت
که بعد از نص صریح کتاب اقدس که مهیمن بر کل کتب است و سلطان

مبین کتاب عهد که مبین آیات کتاب اقدس است دیگر کسی اشتباه ننماید و یا نفسی رخنه ننماید لا و الله حال آیات صریحهٔ کتاب اقدس نسیاً منسیاً شده و نص قاطع کتاب عهد اضغاث احلام گشت و قول عمر شریعت الله شده و سیرهٔ عمر و بن عاص روش و سلوک عام و خاص گردید میگویند آیات الله میزان است که میگوید نیست لکن از برای این آیات مبین منصوص مخصوص تعیین شده نه آنکه هر مغل مبغضی و یا جاهل طالب عوض دخل و تصرف در آیات الله نماید و بهوای خود معنی نماید لا یعلم تاویله الا الله و الراسخون فی العلم حال راسخ در علم بموجب نص صریح کتاب عهد و کتاب اقدس واضح و مشهود باوجود این چگونه جائز که منسوخ و متروک گردد و ابو شعیون و ابو هریره و مالک مبین کتاب و مجتهد العصر و الزمان گردند ای احباب شما را بخدا قسم تبسم نمائید اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المآل توجهوا الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم منسوخ گشت و حسبنا کتاب الله محکم مثبوت شد و آیهٔ منصوصهٔ یا اهل الانشاء اذا طارت الورقاء عن ایک الثناء و قصدت المقصد

الاقدس

الاقصی الاخفی ارجعوا ما لا عرفتموه من الکتاب الی الفرع المنشعب من هذا الاصل
القویم مهجور و فراموش شد و وصیهٔ عمرو بن عاص که قرآن سرنیزه کرد
و ندعوکم الی کتاب الله گفت مقبول و معمول شد و وصیت الله آنکه بایه
اغصان و افنان و منتسبین طرّاً لغصن اعظم ناظر باشند انظروا ما انزلناه
فی کتابی الاقدس اذا غیض بحر الوصال و قضی کتاب المبدء فی المآل توجهوا
الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم مقصود از این آیهٔ
مبارکه غصن اعظم بوده کذلک اظهرنا الامر فضلاً من عندنا و انا الفضال الکریم
از لوح قلوب محو شد در روایات کعب الاخبار مشهور اقطار شد و البهآء
علیک و علی من یخدمک و یطوف حولک و الویل و العذاب لمن
یخالفک و یؤذیک مبهماً منبثاً شد و اقوال مربی تمکین منتشر در روی زمین گردید
طوبی لمن والاک و التعس لمن عاداک نفسی مرخص و فداک شد و مبغوض
حق بمنزله خواجه لولاک گشت و هوالناطق علی ما یشآء یا غصنی الاعظم قد حضر
لدی المظلوم کتابک و سمعنا ما ناجیت به الله رب العالمین انا جعلناک
حرزاً للعالمین و حفظاً لمن فی السموات والارضین و حصناً لمن آمن بالله الفرد الخبیر

Provided by the Afnan Library

نسئل الله بان یحفظهم بک و یقیمهم بک و یلهمک ما یکون مطلع الغنی لاهل الانشاء
و بحر الکرم لمن فی العالم و مشرق الفضل علی الامم انه لهو المقتدر العلیم الحکیم
و نسئله ان یبقی بک الارض و ما علیها لتنبت منها کلمات الحکمة و البیان
و سنبلات العلم و العرفان انه ولی من و الاه و معین من ناجاه لا اله الا هو
العزیز الحمید از افکار زائل شد و حکایات و قصص مؤتفکه ورد زبان
حاضر و غایب گردید و امثال این بسیار رجال نص کتاب اقدس و صریح
کتاب عهد که اس اساس شریعت الله و دین الله و حکم الله و امر الله است
مهجور و مهمول و غیر مذکور و امور ی مشهور و منشور که حتی اهل قبور از آن منفور
تا چه رسد باصحاب رب غفور ای خدا تو بینائی که در چه عذابی و بلائی گرفتارم
و از چه درد و محنتی مضطرب و بیقرار یار و اغیار هر دو تیر و کمان کشیده و آشنا
و بیگانه هر دو بهانه جسته بلکه یار همش مسمومتر از اغیار و آشنا زخمش
شدیدتر از بیگانه ای پروردگار تو گواهی که درد هر یک را درمان بودم و زخم
هر یک را مرهم دل و جان هر بیماری را طبیب و پرستار بودم و هر بیقراری را
حبیب و غمخوار هر دلشکسته را سبب تسلی بودم و هر ماتم دیده را وسیلهٔ
تعزی

تعزّی هر مسمومیرا دریاق بودم و هر مغمومیرا علت سرور در آفاق خادم کل
بودم و صادق کل غمخوار کل بودم و دوست غمگسار کل و چون مبتلا بهجران
جمالت گشتم و در وادی حرمان افتادم و بنیران فراق بسوختم و چون
شعلهٔ آتش برافروختم مرهمی ندیدم جز صد هزار تیر پرتاب داروئی
ندیدم جز صد هزار خروار زهر سریع الاهلاک ایپروردگار تو بیامرز
و عفو فرما چه که نادانند و صبیان کودکانند و بیخبر دان شب و روز
اینعبد بخدمت امرت مشغول و آنان در صدد اذیت عبدت که تدبیر
و تعمیق چه فتنهٔ برپا نماید مختصر انکه از اول ابداع تا بحال چنین عهد
صریحی و پیمان واضحی و میثاق آشکاری واقع نشده و ظهور نیافت و همچنین
نقضی و چنین نکثی دیده و شنیده نشد بلی عهود واقع ولی در ظلّ شجرهٔ
انیسانه و در سایهٔ سدرهٔ منتهی نه و مرکز میثاق مجهول بود و مرجع پیمان نیز
معروف ابداً تصریح و توضیح نشده بود بلکه باشارهٔ تلویح گشته
که در اواخر ایام شخصی ظاهر گردد با علامات عظیمهٔ آسمانی و شروط
شدیدهٔ قهر و سطوت نامتناهی و او مرجع این عهد است لکن در این کور عظیم

Provided by the Afnan Library

ودور مبین چنین نه بلکه مرجع میثاق مشهور آفاق ومرکز پیمان معروف اهل
جهان ابداً گمان نمیرفت که چنین فتنه وولوله در میان افتد وچنین
اشتباه کاری پیش آید انیست که میفرماید روحی وروح الوجود لاجبائه الفدا
قوله تعالی هل یمکن بعد اشراق شمس وصیتک من افق اکبر الواحک تنزل
قدم احد عن صراطک المستقیم قلنا یا قلمی الاعلی ینبغی لک ان تشتغل بما
امرت من لدی الله العلی العظیم ولا تشغل بما یحزنک ویذهب به قلبک وقلوب
اهل الفردوس الذین کانوا حول امری البدیع لاینبغی لک ان تطلع علی
ما ستر ناه ان ربک لهو الستار العلیم ملاحظه نفرمائید که چه میفرماید آیا ممکن است
که بعد از اشراق شمس وصیت تو از افق بزرگترین الواحت دیگر قدم
کسی بلغزد یعنی دیگر نقضی نقض میثاق کند پس میفرماید ای قلم اعلی بآنچه
مأموری مشغول باش وسئوال مکن از چیزیکه دل مبارکت از آن میسوزد
وبگداز د وقلب نیز اهل فردوس از استماعش خون میگردد سزاوار نیست
اطلاع شود بآنچه بعد از شمس وصیت واقع خواهد شد وما ستر نمودیم
روزگار ستار علیم است ملاحظه فرمائید که جمال القدم روحی لاجبائه الفدا
میگوید:

کذ چگونه اخبار از وقوعات نقض و نکث فرموده و قلب مبارک چگونه محزون بوده
حال ملاحظه کنید که تیر جفا چگونه از جمیع جهات بر آنست و آتش فتنه
چگونه سوزان هنوز از صعود چند روزی نگذشته بود و قمیص مبارک هنوز
تر بود که در روزنامه ها نقض و اختلاف را اعلان نمودند از جمله روزنامهٔ
اختر بمجرد وصول خبر صعود اختلاف انیز اعلان نمود ملاحظه فرمائید چه قدر
اهل نقض سریع النکث بودند فسوف تری الناقضین فی خسران مبین

و الحمد لله رب العالمین ع ع

هو الله

بواسطهٔ حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب میرزا بزرگ
بشیراز جناب میرزا محمد ابراهیم علیه بهاء الله

٥٧٣

(هو الله)

امینهٔ الهی اثر کلک آن ثابت بر پیمان سبب روح و ریحان گردید
مضمون بدیع بود و معانی مطبوع و شیرین چه که دلالت بر جوهر ایمان
میکرد و حکایت مراتب عشق و محبت مینمود سبحان الله صهبای بیان چنان
در خمخانهٔ محبت الله پرورده شود چه نشئهٔ خوشی دارد و چه نشاط و طربی انگیزد

Provided by the Afnan Library

دل را مسرت بخشد ورخ را طراوت دهد و چهره را حلاوت غایت کند ونطق را
ملاحت دهد جمیع از موهبت بدیع جمال ابهی روحی لاحبائه الفدا است
و علیک التحیة والثنآء ع ع
مرقومه

شیراز بلبل گلشن معانی عندلیب الهی علیه بهآء الله الأبهی

(هو الله)

فقط کاتب لوح وامضاء مبارک

ای بلبل خوش الحان اشعار فصیح بلیغ ملاحظه گردید الحان بدیع بود و ملیح و ابیات ٥٧٥
بلیغ بود و فصیح هرچند عبد البهآء ابداً فرصت ندارد باوجود این نگارش این
نامه پرداز تا سبب سرور آن نجیب روحانی گردد و باعث از دیاد جریان
و سریان قریحهٔ روحانی گردد و در محامد جمال مبارک روحی لاحبائه الفدآء
قصائد نظم آری و اهل ملا اعلی را بوجد و طرب آری در خطهٔ ماه کنعان
بذکر یاران رحمانی مشغولیم و بنهایت عجز و نیاز از الطاف حضرت
یزدان استدعا مینمائیم که یاران موفق گردند تا از شیراز شهنازی بلند
گردد که آذان اهل آفاق را متلذذ نماید و قلوب شرق و غرب را
بهتر از آرد نجل سعید را در حیفا در مدرسهٔ بها خادم و تحصیل لسان و علوم
مشغول

مشغول است ع ع

هوالله ای عندلیب حدیقهٔ معانی الله فصیح معانی بیع دانست ۵۷۶
و در ثنای آستان اسم اعظم جامع جمیع صنایع شعریه بود یاران و آماء
رحمن در نهایت وجد و سرور ترتیل و ترنیم نمودند این عبد با عدم فرصت
سخط خویش تحسین مینگارد عید رضوان چون بدایت اعلان ظهور من یظهره الله
بود و جمال قدم باوجود آنکه نفی و سرگون بودند در کمال سرور و عظمت و عزت
الهیه در باغ نجیب پاشا در خارج عکا ر تجلی و اشراق بکل آفاق فرمودند
و جمیع اعناق خاضع بود و کافهٔ اصوات خاشع لهذا این ایام بسیار
مبارک است احبا باید نهایت وجد و سرور مجری دارند سبحان الله
الی الآن در هیچ تاریخی دیده نشده است که باوجود آنکه حرکت اسم
اعظم از بغداد بعنوان نفی و سرگون بود ولی بدرجه ئی عزت و اقتدار
و عظمت حضرت کبریا ر ظاهر و آشکار بود که والی و مشیر نامق پاشا
با جمیع ارکان ولایت و امرا ر لشکر کافه خاضع و خاشع بودند و تلک العزة
من قبل و من بعد مشهود جمیع انظار و ابصار بود کافهٔ دوستان را

بجهت طول این یوم مبارک از قبل عبدالبهآء تحیت ابدع ابهی وتهنیت کبری
ابلاغ دارید وعلیک البهآء الأبهی ع ع

آقا میرزا عبدالحسین در حیفا در مدرسهٔ معتبری تحصیل لسان عربی و فرانسوی مشغولست ع ع

هو الله

(هو الله) ش ذب مشهدی شکرالله علیه بهآء الله الأبهی
یا من سجن فی سبیل الله مع من استشهد فی سبیل الله انّ الذی ثمل من
سلاف الشهادة الکبری یخاطبک من الرفیق الابهی ویقول یا صاحبی وخدینی
وقرینی فی السجن علیک التحیة والثنآء وعلیک الرحمة والبهآء من هذا
الملأ الاعلی قبیل الشهدآء وحبیش السعدآء فوعزتک لما ضیقوا علی الفضآء
وعاملونی بالجفآء واخرجونی من سجن النقمة العظمی وربصونی بغیم جحیمیٍ نارتی
نیفث بالنیران فانفجرت تلک المواد الجحیمیة انفجار الجهنم الحمرآء وارعدت
کصوت الرعود فی الأصفاد وطیرتنی فی الهوآء کالکرة المندفعة الی العلی
وتلاشت منّی الاعضآء وتناثرت منّی الجوارح والاجزآء لعمرک
ما ادرکت حالی الا وانا فی الافق الاعلی جالساً علی سریر العزة الکبری فی الملکوت

الأبهی متکلاً بالکلیل السلطنة العظمی و متجلاً تاج الموهبة الکبری مظللاً
بغمام رحمة ربک الکریم متمتعاً بالمشاهدة واللقاء لعمرک یا خلیلی المحبوب
ان الحوریات من بحبوحة الفردوس اخرجن رؤوسهن من الغرفات
و یتغنین بابدع النغمات و ینطقن باحلی کلمات و قلن طوبی لک یا ایها
الشهید السعید بشری لک یا ایها القتیل المجید فی سبیل الله تالله الحق
ان اهل خطائر القدس احتفلوا بقدومه و اهل حدائق الانس استبشروا
بوفوده و هو الآن بحبوحة الجنان بین حیاض و ریاض نفیر آیات
الرحمة الکبری و یشرح صحیفة الموهبة العظمی بین الملأ الاعلی والسلام
علیه یوم دخل فی النشأة الدنیا و یوم استشهد فی سبیل الله و نال
النشأة الابدیة الکبری انه لبالافق الاعلی فی ظل السدرة المنتهی طوبی
له ثم طوبی ع ع

از جهت شدت عسرت مرقوم نموده بودید بکاری چون مشغول گردید
انشاء الله باب رزق مفتوح میگردد و بدون تشبث باسباب
سنة الله جاری نشده است ما در روضهٔ مبارک دعا خواهیم نمود

۵۷۸

و البهآء علیک (ع ع) هوالله لابسیجان

جناب آقا محمد تقی صهر حضرت غدلیب علیه بهآء الله الاسنی

(هوالله)

ای ربیب حضرت غدلیب از حضرت دوست استدعای شب و روز

انیست که دوستان راستان را ثابت بر عهد و پیمان فرماید و راسخ

بر میثاق حضرت رحمن چه طوفان امتحان شدید است و لوح سنه شداد

عبرة للناظرین پس ای سرمست صهبآء الست بنطق و بیانی موفق باش

که چون اشعهٔ ساطعه سحاب و هم هر متزلزلی را فارق و چون نور بارق

باشی مظهر تأیید گردی و مطلع توفیق و مشرق انوار توحید و البهآء علیک

ع ع

۵۷۹

هوالله حضرت غدلیب

جناب خواجه محمد رضای کازرونی علیه بهآء الله الابهی (اسدابهی)

الحمدلله الذی اصطفی و اجتبی نفوساً قدسیة رحمانیة و حقائق انسیة

نورانیة و جعلها آیة التوحید و سمة التفرید و اردفه الایقان و جرثومة العرفان

والتحیة

والتحية والثناء على النور الساطع في دائرة معدل النهار والكوكب اللامع في خط
الاستواء جماله الأعلى ونقطته الأولى وعلى كل فرع انجذب الى الاصل
بقوة مغناطيس الهدى وعلى الاحباء الذين حصروا الانظار الى الملكوت الابهى
يا ايتها النفس الزكية توسل بأوثق العرى وتعلق بأهداب رداء الكبرياء
وانطق بالثناء على ربك الاعلى وادع الى الافق الاسمى واحي الناس
بروح انبثق من ملكوت الابهى قائلا الحق ان الحق ظهيرك وربك خير نصير
ومولاك نصيرك ويؤيدك بجنود من ملكوته وانك لمشمول بالطاف
ربك الكريم ع ع

والتكبير على الورقة الموقنة الفاطمة المطمئنة وسليلها احمد المتوجه الى الوجه الرحيم
وعلى سائر الاقرباء الهي مولاء قد سجدوا للكعبة وحدانيتك وخروا على الارض
تعظيما لحضرة فردانيتك واكبوا على التراب تذللا وتخشعا الى عتبة ربانيتك
اي رب اقبل منهم كل عمل صالح في امرك انك انت الكريم ع ع

هو شوقي افندي عليه بهاء الله الابهى

هو الله

فقره بزرگ ٥٨٠

یا صغیر السن و منیر الوجه از قرار معلوم نقابتی از برای شما حاصل لهذا مجبور بر راحت شده و ئی ضرر ندارد گاه گاهی راحت لازمست والا مانند عبد البهاء از شدت تحمل مشقات بنیه بکلی ضعیف و ناتوان شود و از کار باز مانی حال چند روز راحت کنی ضرر ندارد امیدوارم که در حفظ و حمایت

نسخه ثانیه

جمال مبارک باشی ع ع

هو الله مناجات طلب مغفرت بجهت متصاعد الی الله جناب آقا میرزا نصر الله نجل شهید سعید عبد البهاء الله ابهی

هو الله

فقره کاتب در ارسال دو مناجات ٥٨١

الهی الهی قد خلقت نفوساً من جواهر الوجود فآمنوا بک و بآیاتک و طفحت قلوبهم بسلسبیل عرفانک و انشرحت صدورهم بآیات توحیدک فاطمئنوا بموهبتک و رجعوا الیک تلک نفوس راضیة مرضیة بنتیجة مستبشرة بالدخول فی ملکوتک و الصعود الی مقعد الصدق بفضلک و استجارت جوار رحمتک و احسانک و منهم یدا العبد الذی تهلل وجهه بانوار هدایتک و قرت عینیه بمشاهدة آیاتک و رنحته صهباء محبتک و انبهت القلوب

ذکر شد

فی ظل رحمتک ای رب ازجبینه نور مغفرتک المبین وبیض وجهه فی ملکوتک الکریم والبسه رداء العفو بفضلک العظیم واحشره مع عبادک المقربین واسقه من المآء المعین واروه من عین التسنیم وارزقه لقائک فی جنة النعیم انک انت العفو الغفور الرحیم وانک انت الرؤف الرحمن الکریم

ع ع

رشت جناب عندلیب علیه بهآء الله الأبهی

(هو الله)

۵۸۲

ای عندلیب گلشن رحمانی حمد خدارا که دراین سفر موفقی ستایشیکه ازترقی احبای رشت نموده بودی بسیار سبب سرور شد چون این سفر بارادهٔ عبدالبهآء نموده ئی امیدوارم که تأییدات غیبیه متتابعاً برسد وسبب سرور وحبور جمیع یاران گردد وخاطرت ازهرجهت راحت وفارغ باشد آنچه بجناب بشیر آلهی مرقوم شد جواب نوشته اند که انشآء الله طبق مطلوب معمول میگردد باری شما باید درنهایت نشاشت وسرور وگشایش قلب ومسرت تام بتبلیغ امرالله مشغول شوید درنزد عبدالبهآء

محبوب و مقبول و بهر ستایشی نقوی منعوت هستند که باعلاء کلمة الله مشغولند

انیست موهبت عظمی انیست منقبت کبری انیست قوة جاذبة تأییدات

ملکوت الله و علیک البهآء الابهی عبدالبهآء عباس

بواسطهٔ جناب بشیر الهی

خطاب بجناب غدلیب

جناب غدلیب علیه بهآء الله الابهی هو الله

ای غدلیب معنوی همواره در نغمه و ترانه‌ئی و در گلشن معانی گلبانگ ۵۸۳

خطاب بجناب افنان مبارک

بیزنی فصاحت و بلاغت اشعار واضح و آشکار است اما آرزوی عبدالبهآء

خاکساری در قبضهٔ بهآء الله است بده نهایت آمالی و غایت منالی و نور جبینی

و صبح مبینی و مآء معینی پس تا توانی در این گلستان نغمه سرائی کن

واز عبودیت حقیقی عبدالبهآء بدون تأویل و تفسیر ترانه‌ئی بنواز و علیک

البهآء الابهی عبدالبهآء عباس

مشهد

خطاب بجناب غدلیب

جناب غدلیب علیه بهآء الله الابهی ۵۸۴

هو الله

ای غدلیب گلشن معانی نامه‌ئیکه بعد از رجوع از سروستان مرقوم

نمود

Provided by the Afnan Library

نموده بودید ملاحظه گردید از عدم فرصت مختصر جواب مرقوم میشود الحمد لله یاران سروستان الفتی یافتند امیدوارم که دیگر کلفتی حصول نیابد یاران باید سبب اتحاد ملل و قبائل من علی الارض شوند البته خود باید متحد باشند تا دیگران را متحد کنند شمع خاموش شمعهای دیگر روشن نکند شخص بیهوش دیگر از علم و دانش نیاموزد پس باید یاران اول باین خویش بیگانگی بیگانگی براندازند و یگانگی عالم انسانی را اثبات نمایند از قبل من جمیع را تحیت ابدع ابهی برسان امیدم چنان است که جناب آقا حیدر علی صفدر گردد و غضنفری نماید تا دلها برباید قصیده ئیکه در تهنیت عید رضوان انشا فرموده بودید انشاد شد و در محفل یاران ترتیل گشت حضرت بشیر آلهی فی الحقیقه خادم صادق و یار موافق است در حق تکمل قصور نمینماید الآن در دلبن هستم و شب و روز مشغول ندای نور مبین انجمنهای خوش تشکیل میشود و نفوس مهم قابل لائقی حاضر میشوند در هر محفل در بدایت صحبتی از امر الله میشود بعد هر کس سوالی دارد جواب داده میشود از جمله دیروز سئوال از حقیقت حضرت رسول علیه السلام بود زیرا آن حضرت

در انیصفی ت بنهایت توهین ذکر میشدند و مفتریات بسیار بود در نهایت ضرب المثل بودند آن نور پاک را تسیسای این خاک چنان مکوبش نموده اند که جز قوهٔ روح القدس این اوهام را از اهل ننماید باری دیروز صحبت مفصلی در اثبات آنحضرت و قوهٔ کلمه و نفوذ کلیهٔ او گردید و براهین واضحه و دلائل ساطعه بیان گشت و علیک البهآء الابهی ع ع

(هوالله)

شیراز جناب عندلیب گلشن معانی ملاحظه نمایند مناجات طلب مغفرت بجهة امة الله المتصاعدة الی مقعد الصدق والدهٔ حضرت عندلیب کلبن رحمانی علیها بهآء الله

(هو)

الهی الهی ان امتک الرحمانیة والورقة النورانیة المنتسبة الی طیر حدیقة العرفان و عندلیب ایکة الایقان قد رجعت الیک اوابة توابة مبتهلة مشتاقة لمشاهدة جمالک محترقة بنار فراقک مضطرمة القلب بنار محبتک منصرمة النفس من فرقتک ایرب اوردها علی الورد المورود و انلها الرفد المرفود و اغرقها فی بحار رحمتک یا ربی الودود و ادخلها فی کوثرة

۵۸۵

فی بحبوحة جنتک بفضلک الموعود وازرقها لقائک فی ملکوتک المعهود واکتب
لها ما کتبته لورقات القدس فی الملأ الاعلی وقدر لها ما قدرته لطلعات
الانس فی المحفل الاسمی انک انت الغفور الرحمن الرحیم ع ع

هو

جناب عندلیب گلشن معانی علیه بهآء الله الابهی

هو الابهی

ای بلبل معانی قصیدهٔ غرآ و فریدهٔ نورآء ملاحظه گردید در نهایت فصاحت
و بلاغت بود و ورقات مبارکه با لحان بدیع در نهایت ملاحت قرائت
نمودند ورقهٔ علیا جائزه خواست یعنی بقلم میثاق تحسین مرقوم شود
من نیز کلک ضعیف برداشته و بچند سطر وجیز تصدیع مینمایم که قدح
بادهٔ معانی را باید خالص بذکر محبوب آفاق نمود علیک بها صرفاً
و ان شئت فرحها فعدلک عن ظلم الحبیب هو الظلم و علیک
البهآء ع ع بواسطهٔ جناب عندلیب

ضجیع محترمه امة الله المنجذبه والدهٔ میرزا عبدالحسین علیها بهآء الله الابهی

Provided by the Afnan Library

(هو الله)

۵۸۷ خطاب بورقهٔ مبارکه

یا امة الله المقربة الورقة النورانیة حضرت عندلیب در اغیاد الیمه قصائدی تنظیم نموده ارسال میفرمایند از جمله قصیدهٔ نوروزی در این سنهٔ مبارکه ارسال نموده اند فی الحقیقه عاشقانه و مشتاقانه و بلیغانه بود در محفل یاران با بدیع الحان ترتیل و ترنیم گردید قلوب شادمانی یافت و نفوس تلذذ از حقایق و معانی گشت امید چنان است که آن عندلیب گلشن الهی دائماً بلحنهای معنوی و نغمهٔ روحانی و آهنگ ملکوتی و ساز و آواز جهان ابدی بحامد و نعوت اسم اعظم و ستایش و نیایش جمال قدم موفق و مؤید باشد و ستایش خداوند آفرینش باید محصور در حامد و نعوت جمال قدم و اسم اعظم باشد و مادون آن ضمناً در ظل مذکور ستایش مخصوص نباید بادهٔ رحمانیرا صرف باید نوشید و تو نیز از این بحر بیکران نصیبی گیری و از این تلزم بیابان بهره ئی بری و علیک البهآء الابهی ع ع

بشیراز بواسطهٔ جناب محمد رضا میرزا علیه بهآء الله الابهی

حضرت

حضرت عندلیب گلشن الٰهی علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

۵۸۸ یار قدیما و مونس و ندیما مدتیست که موسم خزان بود و حرب عوان لهذا طیور شکور در آشیان صحت و سکوت غنوده با کبد گیر مخابره ننمودیم ولی حال بهار جانپرور آمد نسیم سحری میوزد صبح امید میدمد بادصبا پیام یار مهربان میدهد ابر نیسان میگرید و چمنستان میخندد تمام وقت ساز و آواز است و آهنگ و شهناز تا گلبانگ عندلیب بملکوت راز و اصل گردد اگرچه مصیبت وارده و رزیهٔ حاصله مورث احزانست ولکن دل و جان ولی الطاف حضرت رحمن شامل و فیض ابدی حاصل و کامل هرچند شب تاریست ولی شمع پر انوار و ملکوت اسرار لنفیض عظیم آشکار تأییدات جمال ابهی روحی لاحبائه الفداء هر محزون دلخونی را سرور و حبور بخشد و هر ساکت و صامتی را ناطق آورد و علیک البهاء الابهی عبدالبهاء عباس ۱۱ آذر ۱۹۱۹

جمال مبارک روحی لتراب اقدام احبائه الفداء وقتی مزاحاً حکایتی میفرمودند اگر ممکن بشود پیاماً آن حکایت گفته خواهد شد لهذا محزون مباشید

(مناجات)

طلب مغفرت بجهت حضرت ادیب لبیب جناب عندلیب ایده الله بالرفیق
الاعلی و انا له مقعد صدق علیا (هو الله)

ربی ربی ترانی ان اقصی اربی و اعظم آمالی التبتل الیک و ترتیل
آیات رحمتک بین بریتک حتی تجلی صفة رحمانیتک بابدع معانیها
بین خلقک و اناجیک یا ربی القریب و اقول ان عبدک عندلیب
الجلیب قد اقر بوحدانیتک و اعترف بفردانیتک و لبی لندائک بولهٍ
و انجذاب الی عتبة رحمانیتک و قال لبیک اللهم یا قریب و یا مجیب
و نطق بالثناء علیک و قضی نحبه بالمحامد والنعوت بین یدیک و ما
فتر فی اعلاء کلمتک و اقامة الحجة والبرهان للطالبین و اظهر ببنیة
و سلطان للراغبین و تحمل کل مشقةٍ فی وطنه المألوف و اجبران یهاجر
الی مرکز الظهور معهد الطور مطلع النور الکینونة الرحمانیة و الحقیقة الحمدانیة
النیر اللائح الساطع الفجر علی الآفاق الشاسعة رب انه تحمل فی زاویة الخمول
کل مشقة و ذبول و قلبه مشتعل بنار محبتک و لسانه ناطق بذکرک

و ترجیه

وقریحیه سیاله بمدحک ونعوتک بین احبتک رب اجعل له مقاماً علیاً
وریاض قرب عبهرتا حتی یستجیر بذیل غفرانک فی جوارک ویدخل فی
فردوس لقائک ویستغرق فی بحر عفوک واحسانک وانزل السلوة
والتعزیه علی اهله واحفظهم بجودک ورحمتک انک انت القوی المقتدر
العزیز الوهاب عبدالبهآء عباس ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۳۸ حیفا تحیة
شیراز حضرت عندلیب گلشن آلهی علیه بهآء الله الابهی

هوالله

۵۹۰ خطاب بنات انصار مبارک

ای هزار گلزار آلهی همیشه منظور نظر عنایت رحمانیه بوده ئی ومشمول الطاف
سبحانیه خواهی بود درایام الله بابدع الحان در گلشن توحید تغنی فرمودی
وبمدح وستایش یزدان لب گشودی یاران رحمانیرا سبب سرور
وشادمانی بودی ومحفل انس روحانیرا مطرب خوش آهنگ ملکوتی
گشتی الحمدلله مظهر الطافی ومنظور لحظات عین رحمانیت پروردگار در عهد
وپیمان ثابتی ومانند جبال راسیه مستقیم وراسخ همواره در مجامع علیا
ومحافل روحانی بستایش وثنای جمال ابهی لب بگشا وبابدع انغام

نغمه و آوازی بلند کن که روحانیان بشور و ولوله و انجذاب آیند و کل بنشر نفحات
قدس مشغول گردند تا آوازهٔ شیراز بملکوت ببنیاز رسد وصیت محبت الله
از آن اقلیم در روی زمین منتشر گردد و علیک التحیة والثناء ع ع

ای حضرت عندلیب ناله و حنین عبد البهاء را سببی عظیم بود و موجبی شدید
هر چند بعضی اوقات یاران از یکدیگر بلسان ادب مختصر شکوه مینمودند ولی بعد
اظهار رضایت نیز مینمودند اما در یک پوسته شکایتها های متعدده در نهایت
قدح وارد ولی از اشخاص دیگر محض قرائت چنان حزن و حسرتی دست داد
که قلمی بفریاد آمد مقصود این بود که بعضی نفوس معلله دست از این شکایات
بردارند والحمد لله قطع شد احبای الهی باید از کل ستایش نمایند
آنحضرت باید کل را بیدار نماید که ستایش احبا در حق یکدیگر سبب روح
و ریحان عبد البهاست آنچه این عبد مرقوم مینماید مقصد نهایت محبت است
و نتیجه اش مستحسن و علیک التحیة والثناء ع ع

جناب ابن عندلیب میرزا عبد الحسینخان علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

یا ابن

یا بن عندلیب نامهٔ شما رسید مضمون معلوم گردید که جناب عندلیب ازاین جهان تنگ وتاریک بعالم وسیع شتافتند هرچند ازاین واقعه حزن شدید رخ داد ولی ازاینجهت که آن روح عزیز از بادهٔ محبت الله جام لبریز بود از مشقت عظمی درین خیرادنی نجات یافت وباوج عزت ابدیه شتافت این ملاحظه سبب تسلی خاطر گشت شما نیز محزون مباشید مغموم نمائید مناجاتی طلب مغفرت درحق آن حضرت بدرگاه احدیت کردیدوارسال فرستاده شد البته تاحال رسیده وبرحجر قبر آنذات محترم این عبارت مرقوم دارید ان عندلیب الحبیب قد ضاق علیه الفضاء فی وکر هذه الدنیا فطار الی مطار الملاء الاعلی اوج لاتنابی حتی تغرد علی افنان شجرة طوبی لغصون الامکان علیه التحیة والرضوان باخوی آقا میرزا عبد العلی وامته الله نورآء خانم وهمشیره های صغیر واخوی کوچک ازقبل من نهایت نوازش ومهربانی مجری دارید وعلیک البهآء الابهی

عبد البهآء عباس ۲ ج ۱۳۳۸ حیفا

شیراز سلیل جناب عندلیب جناب آقا میرزا عبد الحسین علیه بهآء الله الابهی

Provided by the Afnan Library

(هوالله)

ای سلیل عندلیب جلیل ناله و فغان از فراق بگوش این مشتاق رسید
و تاثیر شدید نمود حمد خدا را که زادهٔ جان و دل آن پدری نه همین از عنصر
آب و گل مظهر الولد سر ابیه هستی و نسبت حقیقی داری و اخلاق مطابق
اعراق من نیز مشتاق دیدن روی توام ولی پدر مهربان باید این ایام
انفکاک از آنان نماید زیرا امروز روز خدمت است نوم زیارت
آید و آن عندلیب آهی در این گلشن بسراید حال بگو ان و دل باید بعبودیت
و در آن سراغ تا تواند گلبانگ زند و از حقائق و معانی دم زند دل
صبر کن انشاء الله روزگاری در نهایت حلاوت روی دهد و آنچه منتهای
آرزوی تو و پدر مهربان است حاصل گردد و علیک البهاء الابهی ع ع

هوالابهی

امة الله ورقهٔ موقنه بمشیرهٔ حضرت عندلیب علیها بهاء الله الابهی

هوالله ای ورقهٔ متبتله موقنه قومی برآنند که رجال افضل از نساء
و آیه مبارکه الرجال قوامون علی النساء استدلال نمایند ولی این عبد را

یقین چون نور مبین است که این حکم قاطبهٔ نه لسانسا که الیوم بر میثاق
ثابت گوهر انور صدف فضائل است ولسان رجال منزلزل که تحرف
قعر بحار رزائل لیس فضیلت ندکور و انانی نه بمواهب اسم اعظمست
روحی لاحبائه الفدا تا توانی قدم بر عهد ثابت نماو آثار سائره را
راسخ گردان ع ع

هوالله لاهیجان جناب مشهدی غلامعلی صهر حضرت عندلیب علیه بهاءالله الابهی

هوالابهی

۵۹۴

ای متوجه الی الله حضرت عندلیب خواهش نگارش این سطور نمودند
ولی فرصت صدور کجا باوجود این از جذب محبت ایشان تحریری پرداختم
ولی تقریر عاجز از آنچه در ضمیر اینقدر بدان که موفقیت حضرت
عندلیب و من انتسب الیه را از آستان مقدس جمال مبارک روحی
لاحبائه الفدا خواسته و میخواهیم رب ایدمن انتسب الی حمامة ایکیة
تناغک و عندلیب حدیقة وفائک علی باتحب وترضی فی جمیع الشئون
والاطوار یارب المتعال ع ع (هو)

جناب عندلیب علیه بهآء الله الأبهی

(هو)

خطّ کاتب هو را نفهمیدم

عندلیبا حبیبا اریبا لبیبا ازکثرت مشاغل موفق الی الآن بقرائت جمیع
اشعار نشدم انشآء الله جمیعرا خواهم خواند چون اندکی الآن وقت دارم
تجریر جواب پردازم از قریحهٔ آن حضرت معانی صریحه وابیات ملیحه
مانند آب زلال جاری وسارست وزجاج قصاید وغزل را این بلاغت
سراج بمثال منظوم باید چنین لولو منثور باشد والا فلا یحلّ
که ابیات اشعار شما آیات حقایق ومعانی است وکلمات مانند درر غوالی
مقبول نشد
وعلیک البهآء الابهی ع ع

(ای غزلخوان محامد ونعوت را رونق بحصر معانی درستایش)
(جمال ابهائی بقول ملا چون کرور آید یک نیز پیش نیست ع ع)

این دو خط خط مبارکست

بشیراز حضرت عندلیب گلشن محبت الله علیه بهآء الله

(هو الله)

خطّ کاتب هو را نفهمیدم

۵۹۶ ای ثابت بر پیمان مکاتیب ملاحظه گردید وبرمعانی اطلاع حاصل گشت
فی الحقیقة

فی الحقیقه مدتیست در آنصفحات مشغول نگارشات هستید و مألوف بترتیل آیات بینات
مکث و سکون در محلی معلوم چون امتداد یابد لابد قدری ملال حاصل گردد حق باثبات است
جمیع کائنات متحرک کند و بسبب حرکت عمومیه انتظام عالم وجود برقرار مگر
کائنی از کائنات اگر در مقری استقرار یابد و از حرکت باز ماند لابد فتوری
حاصل شود نسیم باید دائماً بوزد دریا باید موج و حرکت نماید نجوم باید انتقال
در بروج کند پس از برای انسان نیز گاهی حرکت لازم لهذا همچنانکه مرقوم
نموده بودید اگر ممکن گردد که براحت و آسایش مدتی دیگر سفر نمائید
بسیار مقبول و همچنین جناب میرزا اشکوهی اگر بصفحات لرستان
و کردستان و بختیاری مرور و عبور فرمائید اشکوهی تازه یابند و امیدوارم
که فتوحی جدید فرمائید زیرا در طرف لرستان و ایلیات آنصفحات و بختیاری
نفوس مستعدی موجود ولی مبلغی عبور و مرور ننمود اگر جناب اشکوهی
یعنی در نهایت تنزیه و تقدیس بلباس عرفان بآن نواحی سفر نمائید
امید است که ثمر حاصل گردد ولیس ذلک علی الله بعزیز (ع ع)

تیرماه ۲ ف جناب عندلیب گلشن رحمانی علیه بهاء الله الابهی

(هو الله)

خط کاتب مورد اطمینان مبارک

ای بلبل معانی درخصوص مطلوب شما از جناب صبیح فروشش
۵۹۷ بحضرت بشیر آهی سفارشی مرقوم گردید حال مکتوب ایشان رسید که صد تومان
تحصیل نموده ارسال داشتند و باسایر احبا همت نموده مابقی مطلوب را نیز
انشاء الله کاری خواهند نمود مقصود انیست که بجهت امور آنجناب
نهایت سعی وکوشش خواهد گردید وعلیک البهآء الابهی (ع ع)

شیراز جناب خدلیب آهی علیه بهآء الله الابهی

(هو الله)

خط کاتب مورد اطمینان مبارک

ای یار مهربان از کثرت مشاغل مجبور بر اختصارم بقین بدان که اشتیاق
۵۹۸ عبد البهآء بیش از شماست همواره از درگاه حق قدیم رجای عظیم مینمایم
که در وقتی قریب مشاهدهٔ آن وجه ملیح را مقدر فرماید و حکمت موافق اذن
حضور گردد آه الآن قدری تامل فرما زیرا کل را از حضور منع نمودیم واهل
فتور بفساد مانع از فیض حضورند تبا لقوم فاسقین وسحقا للناقضین
وتعسا للناکثین وعلیک التحیة والثناء ع ع

بواسطه

(هوالله)

۵۹۹ شیراز جناب عندلیب حنّت الهی علیه بهآء الله الابهی هوالله

ای عندلیب دریقهٔ حقایق ومعانی فی الحقیقه بانواع بلایا ومصائب معذّب ومبتلائی ومعرض بآسآء وضرآئی ولی امید چنین است که قدری این مشقت من بعد خفّت یابد ونوعاً راحتی حاصل گردد این بلایا بجهت این است که قدری شریک وسهیم عبدالبهآء گردی ضرری ندارد ملاحظه فرما که جمال مقصود دمی نیاسود ونفسی راحت ننمود چون خورشید رخشنده وماه درخشنده راچنین کسوف وخسوفی دیگر امثال مابینوایان را از بلا چه پروائی باری مطمئن باش که عبدالبهآء غمگسار تو وشب وروز بیاد دیدار تو وعلیک البهآء ع ع

(هوالله)

۶۰۰ حضرت عندلیب ورق مسطور رقّ منشور شد برمضمون مطّلع گردیدم مقصود انیست که بهرقسم واسباب ممکنه که باشد ملاحظهٔ تقوسرا بایدداشت خبرازحال عبدالبهآء نداری ولوکنت فظّاً غلیظ القلب لانفضّوا من حولک

باری قدوم مولود مبارک و محمود باد در شهود و عالم غیب وجود البته سبب
میمنت است و نامش در ملکوت بندهٔ حضرت مقصود یعنی عبد البهآء و در بین
خلق عبد العلی و علیک التحیة والثنآء ع ع

(هوالله)

ش امة البهآء ورقهٔ طیبهٔ ملقیس اخت حضرت عندلیب علیها بهآء الله الابهی

هوالله

یا امة البهآء فاستبشری بما فاض علیک سحاب الرحمة وسبغت علیک النعمة
واشرقت علیک انوار الهدی وتوجهت علیک بحور الموهبة الکبری
فآمنت بالله وصدقت بکلمة الله واطمئنت بآیات الله وتوجهت
الی الملکوت ودخلت فی خیام العز حمی ربک العزیز الودود توکلی علی
مولاک وتشبثی بذیل العطآء تائدک الحق ان فضله احاط عباده
المخلصین والحمد لله رب العالمین والبهآء علیک وعلی کل

ورقة ثابتة علی العهد القدیم ع ع

هوالله

ای رب هاتان الورقتان انتبتا من سدرة رحمتک وتحرکتا من نسیم
عنایتک

عبق من وادی معرفتک وانجذبنا الی ملکوتک بنفحاتک ای رب اشرح ٦٠٢
صدر بها بمشاهدة ظهور آیات عظمتک وخفوق رایات قدرتک وقرر
عینیها بوصولها الی کهف حفظک وامانک انک انت الملیک الحی القدیر
وانک انت الرحمن الرحیم ع ع

هوالابهی

ش حبیب دوستان الهی جناب عندلیب بوستان

هوالابهی ٦٠٣

رحمانی علیه بهآء الابهی ملاحظه نمایند

اللهم اشرح صدور عبادک المخلصین بنفحات التأیید واحی قلوبهم بروح التقدیس
ونور وجوههم بنور التوحید والغش نفوسهم بنار التفرید وجدد
ارواحهم بفوائح التجرید لیستعدوا فیکل الشئون لظهور مواهبک
ویستحقوا فیکل الاطوار والاحوال لحصول عواطفک یا حی یا قیوم واعطف
علی عبدک هذا بلحظات اعین رحمانیتک وایده بقوتک القاهره وقدرتک
القاهره علی نصرة امرک ونشر اوامرک بین خلقک وانطقه بثنائک
بین عبادک واجذبه بنفحاتک بین ارقائک واجعل باطنه ظاهره قلبه

Provided by the Afnan Library

وروحه وجسمه وعظمه ولحمه ودمه ملتهبة بنار محبتک التهاباً لیلب منه السکون
والقرار حتی یرتفع منه ضجیج الندآء باسمک فی قطب الامکان وصریخ الثناء
بذکرک بین ملأ الاکوان وحتی یتسلا وجهه فی ملکوت الانشآء انک انت
المؤید الکریم ای عندلیب حدیقهٔ رحمانی اگرچه بنجا سر دور و مهجور
و آوارهٔ دریا و صحرا و ماموس شده ای لکن در جمیع اوقات در انجمن دوستان
مذکورید از یاد دوستان حقیقی فراغتی نه از خدا بطلبید که موفق بر آن
فرماید که آنچه الیوم لائق و سزاوار است قیام نمائیم و در سبیل آن
نثار دل و جان موفق گردیم تا چون سراج پر نور تسلیم و رضا آقا مرتضی
جان را یگان در مشهد فدا نثار کنیم تا در زجاجهٔ تقدیس بر افروزیم
و در مشکاة ملکوت روشن شویم و در افق الهی و ملکوت اعلی چون زهره
زهرآء بدرخشیم بنیاله و مرنیاله بذه الکاس التی طفحت وفاضت برحیق
محبة الله والهبآء علیک ع ع

هوالابهی ش خباب عندلیب گلستان رحمن علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ایشنج

الیشمع انجمن عرفان درانیساعت که طیر حدیقهٔ وفا بال و پر گشوده که در فضای
جانفزای یاد یاران پروازی نماید و بر شاخسار ذکر و ثنا لحنی آغاز کند که حضرت
اعظم محبت الله چنان موجی زد که طوفان از سر گذشت و نار موقدهٔ
در سدرهٔ رحمن چنان شعله‌ئی برافروخت که خامه و نامه و فواد و مداد را
جمیعاً بسوخت لکن چون امطار رحمت نازل بود و معین عنایت نابع
آن حرارت باین فیض رحمت اعتدال یافت و مجال تحریر حاصل
گشت از عدم ارسال جواب شکوه فرموده بودید و این را دلیل
فتور در آنچه محکمتر از بنیان مرصوص ثبت نموده بودید و حال آنکه آنی نمیگذرد
مگر آنکه بخاطر میآید فراغت از ذکر احبای الهی ممکن نه و بیقین مبین خود
مطلعید که از کثرت اشغال مجال آه و ناله ندارم و زاری و فغان نهایت
ندارد و فرصت و آرامی آنی میسر نه با وجود این مکتوبی بشیراز
ارسال شد که وصول یافت و حال نیز تحریر این ورقه پرداختم
بیقین مبین بدان که بلحاظ فضل ملحوظی و بنعمتهای حب این قلوب مشمول
از فضل جمال قدم سائلیم و از صمیم قلب آمل که موفق برضای الهی

حضرت مبارک ۲۰۳

شوی ومؤید براثبات وبیان قوت وسلطان عهد وپیمان حضرت یزدان
گردی الیوم این امر اعظم امور واهم شئون است چه که اساس
امر الهی وبنیان دین رحمانیت الیوم ثبوت ورسوخ برعهد ومیثاق
الله چنانکه باید وشاید لازم وقوت وقدرتش را ادراک وتفهیم واجب
تا حصن حصین امرالله محفوظ ومصون از رخنهٔ شبهات ماند درخصوص مکاتیب
که بهمراه داشتید مرقوم نموده بودید همینقدر از جناب آقا عزیزالله سؤال
شد که مکاتیب را ارسال شیراز نموده اند یا آنکه پیش خودشانست وبس
واین سؤال نیز بجهت این شد که بعضی مکتوب فرستاده بودند مقصود
این بود اگر مکاتیب رسیده است دیگر لزوم مکتوب جدید نه (ع ع)

هوالابهی

ش ش جناب عندلیب حدیقهٔ عرفان علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی

۶۰۵ ملاحظه نمایند

ای عندلیب حدیقهٔ الهی چندیست که نغمات آن طیر معانی بسمع مشتاقان
نرسیده وانحن بدیعی استماع ننگاشته سبب حیرت گردیده بارے

یوم عظیمست و قرن و عصر حضرت رب کریم جلّ نفس و خروج نفس از جمیع
جهات ملبد است و نفحات از جمیع صفحات در نشر و عبوق نسائم
محبت الله از کلّ آفاق در مرور و آثار باهره از کلّ اطراف در ظهور
آن ارض با وجود آنکه مبدء ظهور فیض الهی و مشرق آفتاب رحمانی
بود و باید اشراقش شدید و انوارش یوماً فیوماً در سطوع و مزید
باشد چگونه افسرده و پژمرده مانده فوران این تنور و طلوع
این ظهور و جوش این خمر طهور و دوران این کأس مزاجها کافور در آن
صقع جلیل آغاز شده و این راز پرده برانداخته پس باید امواج
بحرش بآسمان رسد و افواج امرش محیط بر عالم امکان سطوع
کوکبش جهانتاب گردد و طلوع موکبش جهان آراء جام محبتش
لبریز باشد و حرارت معرفتش شرر انگیز نهر تقدیسش بحر
توحید گردد و عین تحدیدش چشمهٔ سلسبیل آیاتش باهره شود
و رایاتش شاهره حدائقش مؤنقه گردد. و حیاضش متدفقه مانتظار این یوم
و بروزیم و سطوع این انوار و حظوظ پس آن یار موافق باید بتقوی

Provided by the Afnan Library

ملکوتی وقدرتی جبروتی ولسانی فصیح وبیانی بلیغ وروحی الهی ونوری
آسمانی وجذبی رحمانی وموهبتی ربانی وحرارتی وجدانی وبشارتی
سبحانی جمیع اجتای الهی را بحرکت آرد وبوجد وشور وجذب دلالت نماید
که این شمع روشن امرالله روز بروز روشنتر گردد وآناً فاناً ساطعتر
تا عالم امکان منور شود دیگر شبهاتی بوزد وبعضی القا نری نماید بسیار وقت
واحتیاط لازم که درحصن حصین امرالله رخنه حاصل نگردد وجمیعرا
بر عهد ومیثاق محکم نمائید ع ع

هو الابهی

جناب غذلیب حدیقهٔ معانی علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمایند
۶۰۶ رب ورجائی وغایة مطلبی ومنائی وملاذی وملجئی ومهربی ومجیری ومعینی
ومنجدی وظهیری اسئلک بضجیج قلوب اصفیائک واجیج النار المضطرمة
بین احشاء وضلوع احبائک وعبرات منهمرات من اعین مشتاقیک
وحسرات مضطرمات فی افئدة عاشقیک بان ترفع زئیر لیوث العرفان

فی غیاض مقر ظهورک وسبح حیتان الایقان فی حیاض اذ فقت منها میاه فیضک
یوم طلوعک واضرم نیران محبتک فی تلک البقاع ونور تلک الارجاء
بانوار تتلئلأ بین الارض والسماء وعطر تلک الانحاء بنفحات قدسک
یاذا الاسماء الحسنی وادر علی تلک الصحاری والقری والمعاهد من نقطتک
الاولی سحاب موهبتک العظمی وغمام عنایتک الکبری واجعلها من
حدائق رحمتک الغناء ورياض مرحمتک الغلباء ایرب اجعل حبتک
فیها آیات توحیدک الناطقة ورایات تفریدک الشاهرة الباهرة
الباذخة ومعالم دینک المبین الشامخة وشعائر آثارک الظاهرة الزاهرة
ایرب اشدد ازرهم بقوتک القاهرة لکل الاشیاء وقو ظهرهم
بقدرتک المحیطة علی من فی الارض والسماء واجعلهم انواراً ساطعة
فی افقک الابهی وسرجاً لامعة فی زجاجات ذکرک الاحلی انک
انت المقتدر العزیز المنان ع ع

مقدمه

هوالابهی

جناب عندلیب گلستان عرفان علیه بهاء الله الابهی ملاحظه نمائید

Provided by the Afnan Library

هوالقیوم

۶۰۷ نقطهٔ باک

ای عندلیب حدیقهٔ عرفان آن مربی امکان و مهربان سرور لامکان آن مرغ چمستان ایقان را طیردست آموز فرمود و انواع نغمات و ترنمات و الحان آموخت و درس مقامات معنوی داد که گل بانگ الهی و آهنگ عراقی و مقام حجازی و لحن بیاتی و هوای عشاقی و ایقاع رحمانی در گلشن ربانی و گلبن صمدانی آغاز آواز نمائی و دمساز شهناز گردی و در این ایام شور و ولوله افکنی و مرغان چمن را شوق و وله دهی و نغمه و آهنگ آری تا نعوت و محامد حضرت احدیت و ستایش و مدایح جمال مبارک از حیز حضیض ادنی تهلیل و تکبیر تا اوج ملکوت ابهی بلند گردد و انوار تنزیل آفاق وجود را احاطه کند وصیت جهانگیر آنی باطباق ملأ اعلی تبشیر انتشارش رسد و ولوله در ارکان عالم افتد و زلزله در اعضای آدم افکند و شرق و غرب امکان گلشن رحمن و گلبن یزدان گردد با وجود این چه شد که خاموشی و بی جوشش و خروشی باری از زاویه خمول بیزار شو و اوج قبول طلب

واز گوشهٔ سکوت بدر آو الحان بدیع در گلستان لطیف آغاز کن
بلکه در جوق طیور شوق و شور اندازی و کل را با آهنگ ملأ اعلی دمساز کن
وصیحه یا بهآ یا بهآ در اطراف گلشن افکنی و نغمات آل داود آموزی
و علم براعلام ستایش وثنای جمال قدم افرازی جمیع احبارا
از این ذکر بدیع وبیان فصیح بهتر از آر ع ع
جناب غندلیب این وجه بیت و پنج تومانش را خدمت جناب
رفیع یعنی فاضل تقدیم نمائید و بیست و پنج تومانش را خود آنحضرت
صرف فرمائید ع ع

هوالله ورقهٔ موقنه والدهٔ حضرت غندلیب علیها بهآء الله الأبهی

هوالله

۶۰۸ یا امة الله شکر کن حضرت مقصود را که چنین ابن محمود داری که هزار
هزار دستان حدیقهٔ وجود ثنا خوان ملیک مغبود است شب و روز
بستایش جمال قدم و اسم اعظم پرداز که بنور توحید خلوتخانهٔ دل را
منور نمودی ونفحهٔ محبت الله مشام را معطر ع ع (هوالله)

Provided by the Afnan Library

ش جناب عبد البهآء علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

۶۰۹

الهی والهی وملاذ المقبلین الی ملکوت تقدیسک العظیم ترانی مستغیثا بعتبتک السامیه ومترجیا بحضرتک القدسیه ان تحفظ وتصون بذا العبد الصغیر قرة عین عبدک عندلیب وفلذ کبده فی صون حمایتک وتربیه فی حصن عنایتک وحجر موهبتک ایرب ارصفه من ندی الطافک وانبته نباتا حسنا بفضلک وجودک واحسانک واجعل له مخرجا ونورّ وجهه بنور توحیدک واشرح صدره بآیات تقدیسک واجعله محشورا تحت لوآء میثاقک ومستظلا فی ظل لوائک الکریم ع ع

ایرب سمّه فی ملکوتک باسم عبد البهآء فی ملکک باسم عبد الحسین حتی یقوم بفرائض عبودیتک وشرائط رقیتک فی ملکوت الانشآء انک انت المؤید لمن تشآء وموفق من تشآء علی ما تشآء وانک انت الکریم المتعال ع ع

هوالابهی

ش جناب عندلیب حدائق عرفان علیه بهآء الرحمن ملاحظه نمایند

هوالابهی

هوالابهی

ای عندلیب بوستان الهی دیروز مکتوبی مرقوم و فردا ارسال میشود ۶۱۰
و الآن حضرت افنان خواهش تکرار فرمودند با وجود تحاریر لازمه بحمد
و شمار و مشاغل چون بحر زخار همه را گذاشته بیاد و تحریر و ذکر تقریر
روی و خوی تو مشغول شدم و اگر بدانی که سورت گرما و شدت تاب
آفتاب در این گوشه از واجبه است یقین فرمائی که ذکر یاران
روحانی هوار انیز طراوت و لطافت و اعتدال بنیهای بخشد چه که این
محبت منبعث از ارتباط حب جمال قدم است و فی الحقیقه موجی از امواج
بحر اعظم در این حشر اکبر چون کل در ظل سدرهٔ مبارکه محشور و بلحظات
عین رحمانیت منظور و در جنت ابهی از صهبای طهور مخمور یم انبعاثات
وجدانیه و انجذابات قلبیه و روحانیه باین درجه رسیده سبحان
من موج بحره البحور سبحان من اجری بحره النهور سبحان من نزل بحره
الغیوث سبحان من احیی بحره النفوس بحره النفحات المعطرة
الهابة من هبات العنایة سبوح قدوس عبدالبهاء ع ع

هوالابهی

ش جناب عندلیب بوستان عرفان علیه بهآءالله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

۶۱۱

ای عندلیب گلستان عرفان جمال الهی مدتی مدید خبری از شما نرسید
لهذا مبارک
لعهد مراسله ئی واصل واز حقیقت حال اطلاعی حاصل گشت. حال نیز از جناب
میرزا عبدالله رقمی بیک دوستی رسید آن نیز ارسال نزد اینجد نمود ذکر آنجناب
در آن بود بادی روح وریحان گشت الیوم امثال آنجناب باید بقوهٔ
روح تأیید درشب وروز احبای رحمن را چون روح حیات باهتزاز وحرکت
آرند ونار مخمودهٔ قلوبرا مشتعل وروشن نمایند چه که الیوم ساعتی خمودت
وجمودت تأثیرات شدیده نماید چه که پیش حرارت شمس بی حجاب
در قلب امکان آتش پرشعله میزد احتیاج باشتعال وشعله ولمعه ئی
نبود لکن حال زمانیست که سراجها باید پرشعله وافروخته وساطع باشند
تا ظلمات متراکمه را مقاومت توانند وزائل نمایند والیوم اهم امور
تبلیغ بر ثبوت ورسوخ وتشبث بعهد ومیثاق الهیست وبیان قوت
وعظمت

Provided by the Afnan Library

وعظمت این عهد و پیمان و ایمان و البهآء علیک ع ع هوالله

ش جناب عندلیب حدیقهٔ توحید علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالله

۶۱۲

ای عندلیب حدیقهٔ معانی مدتی بود که نغمهٔ از آن مرغ سحری بسمع مشتاقان نرسیده بود که ناگاه مرغ جدیدی وارد و بواسطهٔ نمیقهٔ مرسلهٔ بجناب آقا سید هادی خبر مختصری مسموع و قلب مجروح و کبد مقروح را مرهمی حاصل گردید حمد حضرت حی قدیر را که بشارت صحت و سلامت داشت و بر صفحات قلوب نقوش و خطوط محبت قدیمه نگاشت سبب روح و ریحان گردید و بادی مسرت وجدان چه که ناطق بثنای محبوب لامکان و دوآل بر ثبوت بر عهد و پیمان بود اگر از حال این مظلوم آواره پرسشی نمائی و یا خواهش شرحی فرمائی بلا یأس و رزایا چون محیط اکبر و امواج انکار و استکبار در اوج اعلی و طوفان هجوم و جفا در نهایت اشتداد و این مظلوم چون سفینهٔ شکسته در گرداب صد هزار افتراء و اسناد افتاده و وحید فرید و ولی ناصر و معین در دست متزلزلین

مبتلا و مستغرق در بحر بلا و متضرع ببلکوت ابی که بزودی کاس فنا غایت
گردد و بعالم دیگر رحلت شود و امید از رحمت سابقه و نعمت سابغه
که این آمال و آرزو بزودی میسر گردد و این کاس غضب
گوارا فوراً غایت شود چه که جام بلا سرشار شد بلکه جان در ره
جانان ایثار شود ع ع
اللهم یا راوی غلیل کل ظمآن من سنن غناک و یا شافی کل علیل من دریاق
رحمتک و یا کافی کل مستجیر بجوار عفوک و مغفرتک قد آویت الی
کنفک المنیع و حصنک الرفیع متذللاً بباب ربوبیتک خاضعاً خاشعاً
بعتبة الوهیتک متضرعاً لدیک ان ترفعنی الیک و توفقنی و تجعل وفودی
علیک و حضوری بین یدیک لاشکوتی و حزنی الیک عما ورد علی
عبدک البائس الفقیر و رقیقک الضعیف الحقیر من ناقضی میثاقک
من بعدک المارقین من دینک المبین بعد صعودک المتزلزلین فی
عهدک القدیم بعد ما توارای شمس جمالک بغمام جلالک العظیم ای رب
فوقعت السهام و صوب السنان و تلظی نیران الطغیان فالعبث من
اصبتک

Provided by the Afnan Library

احتبک نفوساً مؤیدة بقوتک القاهرة وقدرتک الباهرة حتی یصبحوا اسداً
قویاً رصیناً من زبر الحدید ماجزاماً نعاً دافعاً لیاً جوج الشبهات وماجوج
الاشارات المتشکین بالمتشابهات ایرب احفظ دینک المبین من شر
المهاجمین المارقین انک انت المقتدر العظیم ع ع
جناب غندلیب بوستان عرفان علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

۶۱۳

هوالابهی

ای غندلیب حدیقهٔ وفا آنچه مرقوم فرموده بودید قرائت وتلاوت
گردید ستایش حضرت رب قدیم و ملیک عظیم مشغول گشتم که ایخدای
مهربان شکر ترا و نیایش ترا که بندگان درگاه احدیت را از هر آلایش
پاک و مقدس فرمودی و بتأیید ملکوت غیب جمال ابهیت مؤید کردی
از بادهٔ آمادهٔ در خمخانهٔ وله و انجذاب سرمست نمودی و در بزم ذکر و ثنایت
مخمور صهبای الست کردی در قلوب شمع افروختی و کل را رسم
و رفتار و گفتار ابرار آموختی و جگرها را آتش محبت سوختی ایپروردگار
وقت هجوم جنود ملکوت ابهیت و زمان تأیید و نصرت ملائکه ملأ اعلی

Provided by the Afnan Library

آنچه وعده فرمودی وفا فرما و این جاهای درد آلود را صهبای عنایت افاضه
کن این جمع پریشان تو اند و این ضرب بیسر و سامان تو ملجا و پناهی جز
رکن سدید ندارند و مرجع و ملاذی جز کهف منیع نجویند اگر یاری و یاوری
فرمائی این مرغان ضعیف عقاب کاسر گردند و اگر مدد غیبی رسانی
این موران نحیف شکوه سلیمانی نمایند ذرهٔ نابود در ظل عنایت آفتاب
انور است و قطرهٔ ناچیز لفبض اعظمت بحر اخضر اگر حقیریم اگر فقیریم
اگر ذلیلیم اگر اسیریم در سایهٔ الطاف باسم مبارکت معروف
و شهیر و تو ئی دستگیر و مجیر هر مستجیر خدایا تو اقفی و دانا که جز خیریتی
ندانیم و نجوئیم و بغیر صلح و صلاح با عموم مقصدی نجوئیم طیوریم بال و پر شکسته
بال و پری عطا فرما تا سبب راحت و آسایش عالم وجود شویم و علت
خیر خواهی کل نفوس گردیم خدمت بعالم انسانی کنیم و همت در منفعت
عمومی نمائیم اطاعت سروران عادل نمائیم و بصداقت در خیر خواهی
دولت کوشیم چه که اطاعت و صداقت و امانت و انقیاد بحکومت را
فرض و واجب فرمودی خدایا ما را موفق بعمل گردان تا آنچه امر فرمودی

بقام

قیام نمائیم جز تو نجوئیم ونگوئیم وجز در بیان محبت نپوئیم در خصوص فساد
بعضی از مفسدین فرموده بودید البته ظاهر وآشکار گردد ووجوه این فساد
سیاه شود خدا حقیقت هر عملی را مشهود نماید خود سرکار رکن الله وله میداند
که دشمنش کیست ومقصودش ازاین فساد باچه فنوف تری للمفسدین
فی خسران مبین فساد عاقبت ندارد وثمری نبخشد تا بحال نفسی از فساد
خیر ندیده وفساد هیچ نفسی مکتوم نمانده آفتاب حشر است اسرار مکنونه
را آشکار میفرماید این نفوس همیشه ادعای خیرخواهی دولت وملت
مینمودند حال خدا واضح فرمود که مصلح کیست ومفسد که الحمد لله
رب العالمین والبهاء علیک ع ع

هوالأبهی

جناب عندلیب حدیقهٔ رحمانی علیه بهاء الله الأبهی ملاحظه نمایند

هوالأبهی

۶۱۳

ای شمع روشن محفل احباء الله آثار قلمیه آن ورقاء حدیقهٔ عرفان موجب
روح وریحان گردید حمد جمال قدم روحی لاحبائه فداء که بموهبت کبری احبای

Provided by the Afnan Library

مخلصین را بر خدمت امرش موفق فرمود ای حمامهٔ ریاض عنایت وقت تغنی
و ترنی و نغمه‌گستن و هنگام اشعال نار محبت الله اگر در این قرن اعظم که چون
آفتاب بین قرون سائره ساطع و روشن است انسان خاموش و مدهوش
ماند در چه قرنی ناطق و متکلم و مبین گردد و اگر نفسی در این بهار الهی از
نسائم قدس مهتز نگردد و از فیض سحاب رحمت رحمانی چون گل صد برگ
خندان نشکفد و از اشعهٔ ساطعهٔ شمس حقیقت روشن و منور نگردد
در چه عهد و موسمی بحرکت آید و در چه ایامی از افق عالم چون ستارهٔ
صبحگاهی بدرخشد حکمت مذکوره در الواح مقصود آنست که وا تو البیوت
من ابوابها ولا تاتوا البیوت من ظهورها باید چون شمع در زجاجهٔ حکمت
برافروخت نه آنکه خاموش و مخمود ماند آن دو نفر از احبا را الله که اذن
زیارت روضهٔ مطهره خواسته اند ماذون نمائید با ولدشان دیگر جمیع احبای
آن ارض را از قبل این عبد تکبیر ابدع ابهی ابلاغ فرمائید جواب مکتوب
تعویق افتاد این از جهت ضعف شدید و علل جسمانی بود حال رفع رفع
شده است ع ع

تمت

حواشی

هوالأبهی

ش جناب عندلیب حدیقهٔ الهیه علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند.

هوالأبهی

۶۱۵

یا من اجتهد بروحه وذاته وکینونته فی نشر نفحات الله انت انت بما استقمت علی عهد الله وميثاقه وثبت بقوة من الله علی هذا الصراط الممدود لتمر یؤیدک علی ذلک جنود الملکوت الاعلی والملائکة المقربون فاشدد ازرک بقدرة من الله وقوتطرک بسلطنة من الله ومر علی القلوب مرور نسیم الصبا وبشرهم بنفحات الله واشعل فی القلوب نار محبة الله ونور الأبصار بنور معرفة الله واشرح الصدور بفیض موهبة الله واحی الأرواح بالمیاه الطافحة من حیاض رحمة الله فی ریاض امر الله والبهآء علیک وعلی کل من افتقر فی سبیل الله واصابته الضرآء والباساء فی محبة الله حقیقة مشقات ورحمات آن جناب بحد وپایان گشته صبر جمیل لازم از استقامت وثبوت واشتعال جناب افنان ها مرقوم فرموده

بودید سبب نهایت روح وریحان گردید

هوالابهی

بشش جناب عندلیب حدیقهٔ توحید علیه بهاء الله الابهی

هوالابهی الابهی

۶۱۶ ای حمامهٔ حدیقهٔ توحید و عندلیب ریاض تجرید جمال قدیم اوراق بدیعه که باحسن معانی و ابدع حقایق اسرار رحمانی مزین و مطرز بود تلاوت و قرائت گردید نشر نفحات روح و ریحان شد و سبب گشایش وسعت و جدان گردید چه که مشعر بر شوق و شعف و جذب و ولهٔ قلوب یاران آلهی و احبای رحمانی بود و ناطق بثبوت و رسوخ کل بر امر ربانی در زمان سکون و سرور ثبوت در کون هر کس تواند و در وقت آسایش و سلم و سالت و شجاعت هر کس تواند لکن مؤیدین بجنود ملکوت ابهی نفوسی هستند که در طوفان اعظم امتحان و افتتان چون علم مبین مرکوز و متین و قائم و در میدان مجاهدهٔ بانفس چون حصن حصین ثابت و راسخ و مقاوم فهم ما قال سوی آن دلبر نپوید هیچ دل بآرزو باجان کلرخ نخسبد هیچکس در پیرهن یا بروهیچون زنان زنگی و بوئی پیش گیر

یا چو مردان اندر او گوی در میدان فکن حال الحمد لله که احبای الهی در اطراف واکناف مستقیماً علی امر الله و ثابتاً علی محبة الله مردمیدانند و مشتعلین نار محبة الله آنجناب باید در کل حین محرک قلوب باشید و مبشر نفوس جسم افسردهٔ امکان را جان باش و جان پژمردهٔ انسان را روح و ریحان اگر از بعضی نفوس فتوری مشاهده فرمائید محزون مشوید و مأیوس نگردید چه که حرارات در آن نفوس چون شعلهٔ در شمع نهانست و وقتی آید که روشن گردد و شعله برافرازد و چهره برافروزد و البهآء علیک ع ع

هوالله

ش حضرت غذلیب ریاض احدیه علیه بهآء الله الابهی

هوالله

۶۱۷

یا من انجذب بسطوع نور اشرق من مطلع الاسرار حیّ علی الفوز العظیم حیّ علی النور المبین حیّ علی الخط الجلیل حیّ علی الفضل البدیع حیّ علی البدر المنیر حیّ علی السراج المضیئ حیّ علی العهد القدیم حیّ علی المیثاق الغلیظ قد اتت الزلازل و تتابعت النوائب و تفاقم الامتحان و تعاظم الافتتان و اظلمت

Provided by the Afnan Library

آفاق قلوب اهل النسيان بغيوم كثيفة من الطغيان ونضب ماء الايقان
ونبع حميم الظنون والاوهام شاعت الشبهات وذاعت المتشابهات قد تركوا
المركز المنصوص والبنيان المرصوص واتبعوا كل خابطة عشواء وناطقة
صماء وحاوية عمياء احسبوا انهم تركوا سدى كلا اذا اصدح الورقاء
في رياض البقاء وغنت حمامة القدس في غياض الكبرياء وسطعت
انوار التأييد في قطب السماء واشرقت مصابيح التوحيد في زجاجات
الاصطفاء وهدت الطرق واستقامت السبل ونفخ في صور الانجذاب
ونقر في ناقور الحيات وصال جنود الملكوت الابهى وحال خيل ملائكة
الملاء الأعلى وخفق علم الميثاق وانتشر شراع العهد والوفاق يومئذ
ترى الثابتين في جنة النعيم في ظل ممدود ومقام محمود وعطاء مشهود
وترى المتزلزلين في ظل يحموم ومقام مشئوم وضنك وغموم وخسران
الى يوم يبعثون ع ع

هوالابهى

نقش حضرت عندليب حديقهٔ معانی عليه بهاء الله الابهى

هوالأبهى

الله

اللهم یا الٰهی ترانی کلیل اللسان عن بیان المواهب التی خصصت بها
اصفیائک واختصصت بها من تشاء من احبائک ونشکرک علی الطافک ۶۱۸ نجل مبارک
فی هذه الایام التی زلت فیها اقدام المستکبرین علی عهدک ومیثاقک
بحیث یا الٰهی اشرقت انوارک واشتهرت آثارک وظهرت اسرارک
وانتشرت نفحاتک وعلت کلمتک وعبق طیب انفاس قدسک
وتعطر الشرق والغرب من رائحة قمیص تقدیسک وابتهجت الاقالیم
لتعلیمک ایرب لک الحمد علی ذلک ولک الشکر علی کل ذلک ای رب
ایّد المقربین علی الاجتماع فی محافل الانس لذکرک وثنائک ووفق
الثابتین علی الاحتفال فی مجامع القدس لحبک وولائک ای رب
اجمع شملهم ولمّ شعثهم وارفع کلمتهم واظهرهم علی امم الافاق بعونک
ومعرفتک ونفوذ کلمتک واجعل محامعهم انعکاسات جوامع الملکوت
ومحافلهم آیات صوامع اللاهوت لیسبحوک ویقدسوک ویمجدوک
ویشکروک انک انت الکریم الودود ع ع

هوالابهی

شیراز حضرت عندلیب ریاض آلهی علیه بهآء الله الابهی

۶۱۹ ۶۱۸

هوالابهی

ای رب هذا عندلیب ریاض ثنائک ولیث غیاض ذکرک وورقاء فردوس محامدک ونعوتک قد تغرد علی افنان دوحة البیان باحسن التبیان وترنم فی حدیقة العرفان بابدع الالحان ونادی بمیثاقک فی قصب الآفاق وثبت علی عهدک وقاوم اهل الشقاق ایرب ایده فی جمیع شئون یارب المحنون وانطقه فی محافل التقدیس ومجامع التوحید بذکرک وثنائک واشدد ازره علی خدمتک والبسه خلع التشریف برحمتک وتوجه بتاج العبودیة فی خلتة قدسک العلیه وقدر له خیراً تیابی به بین الملاء المقربین ویشرق وجهه بالنور المبین یارحمن ویارحیم ایرب هب لهذه الورقة البدیعه امتک الحمیده وسمها فی ملکوتک نوراً انک انت الواهب المقتدر الکریم وانک انت الرحمن الرحیم ع ع

هوالله

شیراز حضرت عندلیب گلشن آلهی علیه بهآء الله الابهی

الله ابهی

۶۲۰ خداوندا

ای عندلیب گلستان الهی موسم بهار الهی هنوز در نهایت طراوت و لطافت و گلشن رحمانی در غایت نضارت و حلاوت و دوستان روحانی چون شاهدان انجمن یزدانی در نهایت ملاحت و صباحت و بلبل معنوی در ابدع الحان فصاحت و بلاغت باوجود این زاغانی چند میدان گرفته اند و نعیب عربده در این چمن انداخته اند که این گلشن رحمانیرا گلخن ظلمانی نمایند و این فردوس آلهیرا مرتع شیطانی نمایند طیور شکوررا لاشخور منفور کنند و بازان غیوررا زاغان کفور نمایند طوطیان شکرستان آلهیرا کلاغان قبرستان ترابی کنند و گلزار حقائق و معانی راخارستان رزائل غیر متناهی نمایند دانه که در این دام انداخته اند توحید عوامست و تفریق متبادر بازهان انعام که از امم قدیمه کهنه میراث مانده باوجود آنکه در جمیع الواح و زبر الهی بیان توحید بابدع معانی موجود و مشهود حال این قوم عنود بدلیل تلمود یهود تشبث نموده اند جواب شیخ سلمان علیه

بهآء الله الأبهی را ملاحظه نمائید واگر مقصود عظمت و بزرگواری و بی مثل و نظیری جمال مبارک روحی لعتبته المقدسه الفداست این مسلم کل و متفق علیه عموم اهل بهاست لا یختلف فیه اثنان در تصور ذات اورا گنج کو تا در آید در تصور مثل او او مقدس از توحید و تکثیر و اطلاق و تقیید و ترکیب و بسیط است کل هذا اوصاف ادنی خلقه این بیچارها نه از بیان اولیای سلف خبردارند نه از معانی و حقائق حضرت اعلی روحی له الفدا و نه از جواهر تبیان جمال ابهی فدیت اجبائه بکل الوجود والقوی توحیدشان معنی متبادر باوهام ع ع

الیوم اعظم فرائض اتحاد احبای الهی البته سعی بلیغ مبذول فرمائید بهر وسیله باشد الفت تامه بین دوستان حاصل گردد این امر را آنجناب باید نهایت همت بفرمایند ع ع

والیوم لم تکن خدمة اعظم من هذا ع ع

هو الله ش حضرت غریب حدیقه ملکوت علیه بهآء الله الابهی

الله ابهی

جناب

جناب عندلیب چون آنجناب اهل راز این عبد هستید لهذا از اسرار
بیانی نمایم و آن انیست که این عبد را نهایت آمال و آرزو انیست ۶۲۱ خط مبارک
که عبودیت خویش را در آستان مبارک در جمیع عوالم ثابت نمایم و این
عبودیت محضه را بهیچ رتبه و مقامی تبدیل ننمایم آنچه از عبودیت این
عبد ذکر شود سبب مسرت دل و جانست و علت روح و ریحان
و خیمه امر الله ستون عبودیت ملند گردد و سدرهٔ امر الله بعبودیت
صرفه و فنا بحبت خدمت شود آزادگی این عبد در این بندگیست و عزت
مقدسه اش در عبودیت آستان مقدس پس کل باید بمنتها قوت بر بندگی و عبودیت
جمال قدم روحی لاحبائه الفدا قیام نمائیم تا بانوار عبودیت آفاق را روشن
نمائیم و بروح فقر و فنا و عجز و ابتهال جهان وجود را روح بخشیم و با آهنگ
الحان بدیع عبودیت زلزله بر ارکان عالم اندازیم و قلم آنجناب باید
ترجمان قلم این عبد باشد و آنچه از این قلم ترشح نماید از آن قلم تراود
یعنی در ذکر عبودیت این عبد قلم آنجناب انشاء الله آیت عظمی گردد
انیست که میسر باید تا نگردی فانی از وصف وجود ای مرد راه کی

چشی خمر بقا از لعل نوشین نگار لهذا قصیدهٔ که تازه بجهت عشق آباد
انشاء فرموده اید این را تبدیل بقصیده ذکر بندگی و عبودیت بعبد نمائید
یعنی از بدایت تا نهایت ذکر عبودیت این عبد بآستان مقدس باشد لهذا
یفرح روحی وینشرح صدری وتنتعش نفسی وهذا سدری المنتهی ومجنی
الاقصی وجنتی الماوی وهذا مذهبی ودینی وطریقتی وحقیقتی وحیاتی
ونجاتی منذ نعومة اظفاری ع ع

نشر بسته

هوالابهی

۶۲۲

شیراز جناب عندلیب گلستان الهی علیه بهاء الله الابهی هوالابهی

ای عندلیب گلشن ابهی چون روحانیان محفل طرب آرائید وبهائیان
در سایهٔ طوبی آسائید بزم میثاق بر ترتیب ظل شجرهٔ امیا نرین گردد
چنگ الهی بدست گیرید وآهنگ ملکوت ابهی سازکنید که ای بهائیان
وجد وطرب نمائید ای آلهیان جذب وولهٔ خواهید که نغمهٔ ناقوس حق
شرق وغرب را بحرکت آورده وصوت صور وصافور حق جنوب وشمال
را رنده نموده صوت تهلیل وتکبیر ورنهٔ تقدیس وتسبیح از جمیع ارجاء
والخ.

وانگاه ملکوت ابهی متواصل وصیت جمال ابهی بهفت اقلیم متتابع
والبهآء علی کل من یستبشر بهذا الحدیث ع ع

هوالله شیراز جناب عندلیب ریاض عرفان علیه بهآء الله الابهی

هوالابهی الله ابهی

۶۲۳ ای عندلیب حدیقهٔ الهی در این مدت مدیده هرچند باکمال فصاحت وبلاغت قصائد غرّائی انشاء نمودید ولی این منظوم اخیر لؤلؤ منثور منیراست وجواهر بینظیر مقبول واقع شد ولی بعد از تصحیح باری همیشه در چمنستان عرفان بانواع نغمات وابدع الحان بذکر عبودیت این عبد تغنّی فرما تا روح قدس گردد وقلب مستبشر شود وجان روح وریحان یابد وانوار سرور بتابد وفیض حبور بفیزاید ای عندلیب وقت ساز وترانه است وهنگام چنگ وچغانه دم بشارت است وروز فیروز فیض وعنایت در شوق وشعف آ ودر طرب وشغف وقت آنست که از فیض الطاف جمال ابهی دم زنی واز اسرار میثاق قلوب اهل وفاق را زنده نمائی والبهآء علیک ع ع

هوالابهی

۶۲۴ خط مبارک

هوالابهی حضرت عندلیب ریاض الهی علیه بهاء الله الابهی

جناب عندلیب حدیقه معانی پیک امین رحمن حضرت شیخ سلمان علیه تحیات ربه المنان خدمات فائقه بامر الله نمود در مجامع روحانیان همیشه باید ذکرش باقی باشد زیرا در ملکوت ابهی چون سراج وهاج روشن است حال باز ماندگانی دارد کل احبا باید رعایت آنها را ملحوظ دارند علی العجاله حضرت افنان آقا سید حسین علیه بهاء الله و شما باید مطالبات آن متصاعد الی الله که در آن حوالی دارد نزودی تحصیل نمائید و ببازماندگان او برسانید البته نهایت همت نمائید و تا پاره آخر نزودی برسد و قبض وصول گرفته شود و ارسال ارض اقدس گردد و البهاء علیک ع ع

هوالله ش جناب عندلیب حدیقه معانی علیه بهاء الله الابهی

۶۲۵ خط مبارک

هوالابهی

ای عندلیب حدیقه معانی ای جای تو خالی در بقعه بیضاء ای جای تو خالی در قبه نورا ای جای تو خالی در موقع منعوت بلسان انبیاء ای جای تو خالی

Provided by the Afnan Library

درارض مقدس ای جای تو خالی درواد ی ایمن ای جای تو خالی درذروه علیا
ای جای تو خالی درجبل کوم الله ای جای تو خالی درمهبترین نقطه حیفا
ای جای تو خالی دربنیان حضرت کبریا ای جای تو خالی درخاک کشتی
بدوش مبارک ای جای تو خالی غصه مخور چندکش بالنسبه ازجناب
شیخ آقا رئیس وجناب فاضل وجناب غلامرضاخان وجناب شما وجناب
معمار باشی وسائر احباب میکشم واین نیابت عین غنیت وصرف موهبت
از حضرت احدیت است که عبدالبهآء را موفق بآن نموده که بالنیابه ازنفوس
زکیه دراین مقام قیام نماید رب اقبل من عبدک الخاضع الخاشع الباس الفقیر
النسیابه لاجنابک الله انک انت المقتدر العزیز القابل الغفور ع ع

۶۲۶

هوالابهی

هوالابهی

ش حضرت غندلیب ریاض توحید علیه بهآء الله الابهی

ایها الطیر المغرد فی حدائق العرفان لعمرک انی بکل وجد واشواق وحنین لایطاق
احن الی ایک اللقآء لاسمع صیاح دیک الوفآء عند تبلج لوائح الصباح لتتذکر
الارواح تلک الانفاس الروحانیه والموانسه الوجدانیة التی کانت لها فی فضل قدیم

الرحمانیه فی الروضة الغناء والحدیقة الغلباء والسکرة الخضراء ونحن نجتمع کالنجوم
فی تلک البروج ونألف کالطیور فی تلک المروج ونترنم بابدع الالحان فی
المحامد والنعوت لربنا الرحمن ونتلو قصائد کالفرائد النورآء والخرائد الغرآء
بکل سرور فی ظل ربنا الابهی روحی لاحبائه فدا ع ع

هوالحق القدیم

ای ثابت بر پیمان حضرت افنان سدرهٔ مبارکه جناب آقا میرزا آقا در کمال
روح وریحان وثبوت بر پیمان وخدمت آستان یزدان عازم انسامان
میشوند حین ورود باید حضرات افنان شجرهٔ مقدسه وجمیع یاران در کمال
حب واحترام ملاقات شتابند وبجمیع وسایط جدیه تشبث فرمایند
وابدأ اخبار ماضی را بخاطر خطور ندهند وآن حضرت باید در نهایت همت
واسطهٔ عقد این الفت گردند که انشآء الله کل چون جنود ملأ اعلی بر نصرت
کلمة الله در جمیع مراتب وجود وشئون غیب وشهود از اخلاق واطوار
واحوال وکردار وگفتار قیام نمایند وشریک ورفیق ورفیق عبدالبهآء در خدمت
وفتور ورقیت ووفا گردند تا عماد خبآء تقدیس مرتفع شود وجنت ابهی

در آنجا ثبت

در نهایت طراوت ولطافت ونظافت چهره گشاید ع ع هوالله
شیراز حضرت خندلیب ریاض مشتاق علیه بهآء الله الأبهی

۶۲۸ هوالابهی لابهی

ایها العندلیب فی حدیقة التوحید طوبی لک بما تغنیت فی ریاض العرفان بابدع الالحان وتغردت فی خیاض المیثاق باحسن الانغام والایقاع تالله الحق تسبیح لامحابک آذان الملاء الاعلی فی التهلیل والتسبیح فی ثنائک علی ربک الابهی اذ افاد لک که یک الملکوت وتغرد کحمامة القدس فی ریاض الجبروت مثنیا علی رب العظمة واللاهوت النیر الابهی ومبتغیا لعبودتی لتلک العتبة السامیه التی اکتبت علیها الملا العالین بالوجوه النورآء ع ع

هوالله

۶۲۹ ایها العندلیب الصادح فی ریاض المیثاق هرچند این عبد در تحریر تاخیر مینماید ولی در عالم قلب وروح دائما مستمراً بذکر اصفیآء الله مشغول ومسرور زیرا غوائل ومشاغل بقدر ذرة که وصف مستحیل ومتنع بلایآء ورزایآء لیل ونهار چون سیول وبحور وبحار باوجود این چگونه فرصت

مخابرهٔ با شرق و غرب و مجاوبه با جمیع ملل عالم باری مقصود آنیست که عبدالبهآء
در آستان مقدس دائماً بیاد شما مشغول و طلب تأیید مینمایم که در جمیع شئون مؤید
بر نشر میثاق نیز آفاق باشید و سبب تنبیه و تذکر و خضوع و خشوع غافلین شوید ع ع

هوالابهی جناب عندلیب ریاض توحید علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی الابهی

۶۳۰ خطاب بجناب ورقا علیه بهآء الله مبارک

لا تبهلن الیک یا الٰهی و اتضرع بین یدیک متذللاً منکسراً الی ملکوتک الاعلی و جبروت
غیبک الاسمی و ذروتک العلیاء و عدوتک القصوی ان تنزل کل برکتک
و تحیتک و موهبتک علی الذین ثبتوا علی میثاقک من آفاقک و نصروا کلمتک
و نشروا آیاتک رب رب انتم فقراء ببابک احدیتک و اذلاء فی رحبة
الوهیتک و ساقطة ربوبیتک البسهم ردآء العزة القدمیة لقبولیتک و زینهم
بامتهم بالکلیل الجلیل من الفرائد النوراء و الخرائد الغراء و الیتیمة العصماء علی
سریر موهبتک العظمی فی عوالمک الاخری فی الملکوت الاعلی ای رب نور
جبینهم بالنور المبین و اسقهم کاساً من ماء معین و ادخلهم فی جنة النعیم و اجعلهم
بدلة الی صراطک المستقیم و حماة لحصنک الحصین و رماة للمردة المتذبذبین

و انک

وحراسًا لبنيانك العظيم حتى تلوح وجوههم كالنجوم فى مشارق ارضك ومغاربها
وتنتشر بهم نفحات قدسك فى مطالعها ومناطقها انك انت المؤيد المقتدر
العزيز الكريم ايرب اجعل كل حبيب سهيما لعبدك هذا فى عبوديته عتبة قدسك
السامية البناء والتذلل من جميع الجهات بباب احديتك التى تنزهت
عن الى مد والنعوت والثناء اى رب اجعلنى فانيًا قانتًا ساجدًا
متذللًا خادمًا خاضعًا خاشعًا مكبًا بوجهه على التراب ثابتًا على عبوديته حقيقية
كينونية ذاتية باطنية ظاهرية اولية آخرية سرمدية ابدية لان هذه
هى ذروتى العليا ومنتهى عروجى الى اوج بروج منقبتى العظمى وهذه حياتى
الأبدية ونشئتى السرمدية وسرورى وحبورى وقرة عينى وشفاء
صدرى وبرء غلتى وبرد لوعتى وراحة روحى واعظم فتوحى رب اجعل قلوب
احبائك تتعقد على هذه الصراحة الكبرى والعقيدة المقبولة فى باب موهبتك
العظمى حتى يحيطوا بهذا النص الصريح من غير تاويل او تفسير او تشريح
او تلويح وايدنى عليها ووفقنى على الثبوت فيها انك انت مؤيد من تشاء
على ما تشاء وانك انت المقتدر القدير

ای ثابت برمیثاق آنچه مرقوم نموده بودید تلاوت شد و مذاق حلاوت
یافت گلشن قلوبرا چون رشحات غیوم سقایت نمود و طراوت بخشید
زیرا البشارت توقد شعلهٔ سینا در موطن نقطهٔ اولی روحی له الفدا بود
و دلالت برانتشار نفحات الله در آن اطراف بیار حقیقی میرزا علی اکبر خان
تحیت وثنا برسان و بگو ای دوست توفیقات الهیه تورا درراست و صحرا
وکوه و بامان روزی بخشید سبیل نجات بنمود و آیات بینات مشهود
کرد واز سهم شبهات محفوظ داشت فاشکر الله علی ذلک انه ولیک
فی دنیاک و اخریک . ونصیرک ومجیرک وسمیرک فی الاسحار گل گلشن
جمال محمدی حفید مرحوم آقا میرزا علی جناب آقا میرزا ابوالقاسم را تحیت
کبری برسان و همچنین عم محترمشان را و بگو قد تلونا قصیدتک الغراء
وخریدتک الفریدة الزهراء لله درک ما افصحها و ابلغها کانها ماء زلال
مسکوب من السماء وشهد فائق مصفاء اوجزت و اعجزت و هبت
واطربت وان عبد البهاء تتمنی العبودیة الصرفة المحضة العظمی من جمیع
الجهات فی الساحة السامیة الشاسعة الارجاء فان کنت اجبت

ان

ان یطیر قلبی فرحاً و یستقیم ظهری سروراً و ینجلی بصری ابتهاجا و یهتز نفسی انشراحاً
اطلق اللسان دائماً فی مید ان عبودیتی و فنائی و اضمحلالی فی کل الشئون
والاحوال عند ذلک تطرب من طربی و تنجذب من فرحی و تطیر بجناحی و تتعالج
بابا بهری و قوادمی و ترفرف فی الاوج الاعلی بعبودتیک للحضرة الرحمانیه
فیهذه النشاة الانسانیه انها نشاة لامعة الصبح ساطعة الفجر فی عالم
الکیان و العیان و به دو ابناء آقا میرزا حسین جراح تکبیر رسان و بگو
ای دو پسر چون دو پیکر منطقة البروج الحمد لله چون مرغ سحر هم
پر پدر رسیدید و بفضاء بیپایان عرفان طیران نمودید پس شکرانهٔ
این فضل و کرم زبان بگشائید و ممنون پدر گردید و البهاء علیکما و بجیب
ادیب آقا میرزا آقای طبیب کمال اشتیاق را ابلاغ دارید و بگوئید ای
طبیب علل و امراض روحانی نفوس انسانی را مریض و علیل نموده معجون
بر ساعه بکار بر و مفرح لاهوتی مبذول دار تریاق فاروق بده
و کاس راوق بنوشان بلکه هر سموم از این طیب مشموم
صحت ابدی یابد و هر محروم از این فضل نصیب موفور یابد و همچنین

حکیم حاذق وجلیب صادق یار موافق میرزا محمدرضای طبیب را بکبیر بربان دگو
ظرور درخاست وجدوار درچین ومشک درفتن ولی جمیع عقاقیر سریع
التأثیر شافی امراض وعلل درتقعهٔ مبارکه وادی ایمن طورسینا و تقعهٔ
بیضاء ارض میعاد صحرای طور موجود که هریک ظرور را مقهور کند
وجدوار را بیدار نماید ورشک مشک شود ای پزشک دانا اینزمان
را داروی هردرد نما واین مرهم را ضماد هرزخم کن تا انفس وآفاق
صحت تامه وعافیت کامله یابد وبجناب شمس ابلاغ فرماکه آفتاب
حقیقی جمال الهی برآفاق تابانست کوکب فلک اثیر حقیرشه وفقیرگشت
زیرا پرتو این در دائره محدود واشراق آن دراین فضای غیر متناهی
نامحصور دائرهٔ کوکب اثیر صغیراست ودائرهٔ نیر اعظم محیط بردوائر
صغیر وکبیر حال چون موسوم شمسی ازحرارت دمسی بما ورس غبراء را
فضاء خضراء کن ودیگر یار معنوی جناب محمد کریمان را بکبیر مشتاقانه
برسان وبگوای دوست مهربان پرتو نیر دان دلها را روشن نموده
رائحهٔ رحمن جانها را گلبن وگلشن کرده نسیم عنایت میوزد بشمیم

بریش

Provided by the Afnan Library

ریاض موهبت جان می بخشد آیات توحید در ترتیل است و رایات تقدیس
در تشهیر صبح حقیقت افق امکان را منور نمود صبای جانبخش از سبای ملکوت
الهی بر بسیط غبرا مرور نمود کون خلق جدید گشت و کائنات بقمیص بدیع
محشور شد حمد خدا را که از این فیض موفور نصیب مضرور داشتی و رزق
مقسوم بردی و حضرت پرنیاز جناب پیشنماز را باحرارت ابدی در مسجد
بردی ابلاغ اشتیاق عبد البهآء نمائید و بگوئید وقت عجز و نیاز است
و طرب و ساز و آهنگ و آواز و ملبندی شهناز بازاوج غرقی تصفیری
نزن و حاوس ریاض عبودیتی شهر تقدیسی بگذار و البهآء علیک
حضرت جلیل جناب رئیس دائما انیس عبد البهآء است و دمبدم باید
شان بهمت و شب و روز طلب توفیق نمایند تا بصرتی از ملاء اعلی
و موهبتی از ملکوت غیب الهی جمیع حواس و قوای اسرای نفس و هوی
را بجنبت الهی متوجه فرمایند آن ربه یؤیده و یوفقه بجنود لم تروها و جیوش
مرمرته متتابعة من الملأ الاعلی اگر حکمت در حرکت از آن ولایت دانند
بهتر چنان است که باقالیم ایران بشتابند چه که در آنکشور استعداد

عظیم حاصل شده و بالاخص در طهران چنان جوش و خروشی است که تصور
نتوان اگر مدّتی قلیله در آمدنیه بخدمت امرالله قیام نمایند آذان متصدّیات
ونفوس منتظر وقت خرمن است وهنگام ظهور فیض و برکت والبهآء
علیک و بحضرت شیخ محمد فاضل ابلاغ فرمائید وقت خدمت است وهنگام
نشر نفحات در آن مملکت حال در آنجا که موطن حضرت اعلی روحی لاحبّائه
الفداست امرالله قوامی یافته وسبب سرور قلب عبد البهآء گشته
زیرا نهایت آمال این بود که در آنکشور که مطلع انوار است انوار حقیقت
منتشر گردد اگر شما و حضرت رئیس وجناب عندلیب از آن اقلیم
سفر کنید شاید روحانی در قوّت پیدا گردد انشآءالله در وقتش
میسّر خواهد شد ای حضرت عندلیب جواب شما در این ضمن داده شد باوار
هزار الحانت قسم که عبد البهآء از شدّت غوائل وکثرت مشاغل و هجوم
اهل فتور و فتن و فساد اهل غرور فرصت نگارش سطری از سطور
ندارد تا هر یک از یاران روحانی و دوستان رحمانی نامهٔ مخصوص
نگارد لهذا البتّه معذور دارند ولی در آستان پاک طلب تأیید
هر یک

بهر هریک پیغامی مطمئن باشید که تأییدات متتابعاً میرسد والبهآء علیکم اجمعین

ع ع

۶۳۱ شیراز جناب عندلیب گلشن معانی علیه بهآء الله الابهی

هوالله ای هزار هزار دستان در این عید رضوان سنهٔ قمری شهرت ظهور قصیدهٔ که انشاء فرموده بودید فی الحقیقه بدیعیت و بلیغ و فصیحت و لطیف در نهایت سلاست و حلاوت و بلاغت و مضمون در نهایت اعتدال ایدک الله علی ابدع النغمات فی فصیح الحان بفنون الالحان انشاء الله همواره محافل یاران را باین ترانه مستغنی از شراب شبانه و الحان چنگ و چغانه نمائی و علیک التحیة والثناء ع ع

ش حضرت عندلیب گلستان عرفان علیه بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

(هوالله)

۶۳۲ ای عندلیب گلستان عرفان مشاغل بی پایان و وقایع ناگهان و مقتضیات زمان و انتشار عظیم امر رحمن عبدالبهآء را مجبور بر قصور نمود لهذا چنانچه باید و شاید از عهدهٔ مکاتبهٔ مستمرهٔ با یاران برنیاید هیکنم جمال ابهی امرش را در آفاق

منتشر نموده وصیت عبودیت عبدالبهاء آستان مقدسش جهانگیر فرموده وباین سبب مشاغل را بیحد وپایان کرده لهذا المجبور معذور وقبول العذر امر مبرور بنور ملکوتش قسم که آرزویم چنان است بردم بذکر دیار ومکاتبهٔ یاران رحمانیش پردازم دمی نیاسایم ونفسی برنیارم مگر آنکه بهدم رازشان شوم وبهم آهنگ وبهم آوازشان ازفضل بی منتهایش امیدوارم که روالبطه روحانیه راچنان محکم ومتین فرماید که احتیاج بکلمه ونامه نماند مقصود انیست که همواره همدم ونديم ودائماً جليس وقرين وعليك التحيه والثناء

ربّ ثبّت قرة عين احسنت به عليه بالحبيب في ملكوتك وربّه في مهد الروحانية في حيز اشراق انوار لاهوتك انّك انت الرؤف الكريم التواب ع ع

هوالابهی

شرح ورقهٔ نورانیهٔ سدرهٔ ربانیه والدهٔ حاجی میرزا علی افنان علیها بهآء الله الابهی ملاحظه نمایند

هوالابهی

ایتها الورقة الروحانیة من الشجرة الربانیة ازفیض تجلی شمس افق توحید بانوار ساطعه ۶۳۳
مطلع تفرید حقایق نورانیه در ظل کلمهٔ جامعه تربیت شده اند که کواکب مشرق عالم
وجودند و نجوم بازغ فجر شهود آیات باهرهٔ جمال قدمند ورایات شاهرهٔ
اسم اعظم مشرق نورانیه زجاجهٔ امکانند وشهب ثاقبهٔ سماء رحمن
آن حقائق مقدسه بقوای رحمانیه وقدرتی ربانیه وعزتی صمدانیه
وشوکتی ملکوتیه ونفسی روحانی وانبعاثی وجدانی وروحی ربانی در آفاق
کلمة الله ونشر نفحات الله کوشند والیوم این خدمت عظمی را
بجمیع شئون باید نمود یعنی بافعال واعمال واخلاق واطوار واقوال
تا انوار فیوضات قدم از اسم اعظم درهیاکل توحید از جمیع جهات
ساطع گردد پس ای ورقهٔ روحیهٔ شجرهٔ مبارکه از خدا بخواه که از نفحات
اینمقام مشام را معطر نمائید تا آن ورقهٔ نورانیه بطراز ی مزین گردد که
نورانیت آن اقلیم شود عبد البهاء ع

(هوالله)

شیراز امة الله المهیمن القیوم الورقة المقدسة والدهٔ حاجی میرزا علی افنان

وامة الله المهيمن القيوم الورقة المقدسة زيور سلطان وامة الله العزيز الرحمن
بنت شيخ علی میرزا علیهن بهآء الله الابهی

۶۳۴ (هوالله)

ای ورقات نورآء آنچه مرقوم داشتید ملحوظ گردید وفریاد وفغان
از شدت اشتیاق نموده بودید وآرزوی طواف دو مرقد منور آفاق
هرچند دراین ایام موانع بسیار وجمیع ممنوع از حضور در این دیار ولی
نظر امر محکم متین در کتاب مبین آیات ذوی القربی حقه ماذون حضورید ولی
بشرط ایام معدود تا آن طیور پرواز باین بیت معمور نمایند وتوجه
ببلدة طیبه ورب غفور لکل عبد شکور کنند جمیع افنان سدرهٔ مبارکه
را علی الخصوص فرع دوحه لقا جناب حاجی میرزا علی را تحیت ابدع ابهی
ابلاغ نمائید وعلیکن التحیة والثناء ع ع

خطاب مورد افنان مبارک

هوالله

۶۳۵ شش جناب آقا میرزا جعفرخان علیه بهآء الله الابهی

(هوالله)

ای بندهٔ ثابت نابت جمال ابهی خدمتت دریوم عروج حضرت افنان
درستان

خطاب مورد افنان مبارک

Provided by the Afnan Library

درآستان حضرت رحمن رحیم مذکور و ممدوح و در ملأ اعلی معروف و مشهود
یاران الهی باید درچنین موقعی جانبازی نمایند تا سبب انتباه اغیار گردد
و علت حیرت بیگانگان شود و علیک التحیة والثناء ع ع

هوالله جناب میرزا محمد جعفر منشی علیه بهاء الله الابهی

(هوالابهی)

۶۳۶

ای منشی بلیغ شعر و انشاء از تعلقات فن بدیع و بیانست و این
عیانست که آوارگان را نصیب از ربیع این بدیع نه و تاب و توان
تصور نکات فن بیان نیست ولی الحمدلله حقایق اسرار بیان یزدان
و صحیفهٔ رحمن مشهود و عیان و آن خرق حجاب و هتک نقاب
و کشف سحاب در یوم طلوع آفتاب جهانتاب رب الارباب
انشاء الله از این بیان نصیب و فیر داریم و بهرهٔ کثیر فیوضات بدیع
این بیان مستغنی از آن بدیع و بیان مینماید پس قلم بلیغ را بگیر و بر لوح
بسیط جوهر بیان و بدیع بنگار تا حق فصاحت و بلاغت و حلاوت
عبارت بدیعی و معجزهٔ بدیع و بیان الهی بنمائی والبهاء علیک ع ع

تاریخ سیزدهم شهر الجلال سنهٔ هشتاد و پنج مطابق اول ماه اردی بهشت
سال هزار و سیصد و هفت و سلخ شهر شوال هزار و سیصد و چهل و شش
جلد اول الواح مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه
الاطرفدا عبدفانی سید احمد عضونت
جهرمی استنساخ
(نمود)

تاریخ سوم شهر العظمه سنه نود و یک بهائی مطابق بیست و نهم
اردی بهشت سال هزار و سیصد و سیزده و تاریخ پنجم شهر صفر سنه
هزار و سیصد و پنجاه و سه جلد اول الواح مبارک حضرت عبدالبهاء ارواحنا
لرمسه الاطرفدا استنساخ ثانی بقلم عبدفانی
مصطفی عباسی (شهیدزاده جهرمی)
گردید